

معرفت اقتصاد اسلام

سال پانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۳



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

این دو فصلنامه، به استناد گواهی شماره ۳/۷۷۶۶۵ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۰ کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، از شماره ۲ حائز رتبه «علمی» گردید.

مدیر مسئول

محمدجواد توکلی

سر دبیر

سیدمحمد کاظم رجایی

مدیر اجرایی

علی آقامحمدی

صفحه آرا

امیرحسین نیک پور

ناظر چاپ

حمید خانی

چاپ

زمزم

سامانه ارسال و پیگیری مقالات:

www.nashriyat.ir

شاپا الکترونیکی: ۸۵۹۶ - ۲۹۸۰

اعضای هیئت تحریریه

حمید ابریشمی

استاد اقتصاد دانشگاه تهران

محمدجواد توکلی

استاد اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

مسعود درخشان

استاد اقتصاد علامه طباطبائی

فرهاد رهبر

دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران

حسن سبحانی

استاد اقتصاد دانشگاه تهران

غلامرضا مصباحی مقدم

استاد اقتصاد اسلامی دانشگاه امام صادق *

الیاس نادران

دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران

حسن آقا نظری

استاد اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و عضو شورای علمی گروه اقتصاد

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

سیدمحمد کاظم رجایی

استاد اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی،

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * - اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۷۴ - مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۱ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

www.iki.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://eshop.iki.ac.ir>

نمایه در:

sid.ir & isc.gov.ir & magiran.com & noormags.ir

اهداف و رویکرد نشریه معرفت اقتصاد اسلامی

معرفت اقتصاد اسلامی، نشریه‌ای علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات اقتصاد اسلامی است که به صورت دوفصل‌نامه و برای نیل به اهداف ذیل انتشار می‌یابد:

۱. بررسی و نقد نظریه‌ها و اندیشه‌های اقتصاد متعارف از منظر آموزه‌های اقتصاد اسلامی؛
۲. بررسی و نقد مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد متعارف از منظر اقتصاد اسلامی؛
۳. معرفی و تبیین مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی؛
۴. نظریه‌پردازی در زمینه مکتب و نظام اقتصادی اسلام؛
۵. نظریه‌پردازی در تبیین و پیش‌بینی واقعیت‌ها و رفتارهای اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی؛
۶. ارائه سیاست‌های اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی و دستیابی به پیشرفت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی؛
۷. احیای میراث اندیشه اقتصادی اندیشمندان مسلمان؛
۸. آسیب‌شناسی اقتصاد ایران و جهان از منظر اقتصاد اسلامی؛
۹. مباحث فقه اقتصادی اسلام در زمینه‌هایی همچون فقه بانکداری، مالیات، بودجه‌ریزی، بیمه، فقرزدایی، و تأمین اجتماعی؛
۱۰. نظریه‌پردازی برای تدوین شاخص‌های اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی.

پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه ارسال فرمایید.

<http://nashriyat.ir>

اشتراک: قیمت هر شماره مجله، ۸۵۰۰۰۰ ریال، و اشتراک دو شماره آن در یک سال، ۱۷۰۰۰۰۰ ریال است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای **IR910600520701102933448010** بانک مهر ایران، واریز، و اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

الف) قلمرو

معرفت اقتصاد اسلامی، دوفصل نامه‌ای علمی در زمینه اقتصاد اسلامی است. قلمرو مسائلی که در حیطه این نشریه قرار می‌گیرد، شامل مقایسه، نقد و بررسی مبانی و نظریات اقتصادی با رویکرد اسلامی، بررسی مبانی فلسفی نظریه‌های اقتصاد اسلامی، بررسی تطبیقی اندیشه‌های اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، ارائه نظریات و مدل‌های اقتصاد اسلامی و تجزیه و تحلیل مسائل اقتصاد ایران با رویکرد اسلامی است. تولید علم در زمینه مسائل مختلف مکتب، نظام و علم اقتصاد اسلامی و ارائه سیاست‌های اقتصادی بر مبنای آموزه‌های اسلامی از اهداف این نشریه است.

ب) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید بر خوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خوداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ج) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوی که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، پس از تعریف مسئله، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سوالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله براساس سوالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 ۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
الف) ارائه نظریه و یافته جدید علمی؛ ب) ارائه تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛ ج) ارائه استدلال جدید برای یک نظریه؛ د) ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه‌یابانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:
نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، توبت چاپ، محل نشر، ناشر.
نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
- ### د. یادآوری
۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
 ۲. مجله حداکثر پس از شش ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
 ۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه باامانع است.
 ۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
 ۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

فهرست مطالب

پویایی‌های غیرمتعارف تورم در ایران: غلبه کانال نرخ ارز و چالش کنترل نقدینگی ... / ۷
امید ایزانلو

استقلال بانک مرکزی از نگاه اقتصاد اسلامی (بررسی موردی جمهوری اسلامی ایران) / ۲۹
محمدجواد محقق‌نیا/ سیدمحمدکاظم رجائی رامشه/ نصرالله خلیلی تیرتاشی/ که محسن خلیلی تیرتاشی

تحلیل فرارگریسیون تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی / ۵۳
که محمدباقر شیرمهنجی/ علیرضا پورفرج/ محمدجواد نوراحمدی/ وحید تقی‌نژاد عمران

خلق پول اعتباری بانکی به مثابه «اکل مال به باطل» / ۷۵
محمداسماعیل توسلی

بحران‌های مالی در آینده سفته‌بازی: از تحلیل بحران ۲۰۰۸ تا راهکارهای فقه امامیه / ۹۵
که محمدهادی رستمی/ محمدزمان رستمی

پژوهشی در مشروعیت ارزش اتر با تأکید بر اندیشه فقهی امام خمینی و ... / ۱۱۹
که سعید ابراهیمی/ صدیقه‌سادات سیدتاج‌الدینی

بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر پهنای راست و چپ نابرابری ... / ۱۴۱
که رضا اشرف گنجوی/ امیر دادرش مقدم/ ابوالحسن بارانی

روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی / ۱۶۳
که سعید محمدیگی/ محمدجواد توکلی

ماهیت و محدودیت‌های به‌کارگیری نظریه انتخاب عقلایی در تبیین امور غیراقتصادی / ۱۸۵
عطاالله رفیعی آتانی

تحلیل اثر تحریم بر پیچیدگی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران / ۲۱۱
که سیدمحسن سجادی/ رضیه خالق‌پور

تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام: آسیب‌شناسی اوراق مشارکت، اسناد خزانه اسلامی و پیشنهاد / ۲۳۳
که غلامعلی معصومی‌نیا/ محسن یزدی

آسیب‌شناسی نقش شرکت‌ها در آیین اربعین: کاربست روش دلفی فازی / ۲۵۷
که امیر حسینی/ محمد سلیمانی

۲۷۳ / Table of Contents

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/marefateeqtesadi.2025.5000910 20.1001.1.20422322.1403.15.2.1.5

Unconventional Inflation Dynamics in Iran: Dominance of the Exchange Rate Channel and the Challenge of Liquidity Control (A VECM Analysis)

Omid Eyzanlou  / PhD in Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute
Received: 2024/11/13 - Accepted: 2025/03/10 omidezanlo@gmail.com

Abstract

This study aims to investigate the long-run equilibrium relationships and short-run adjustment dynamics among the logarithmic values of the Consumer Price Index (CPI), liquidity (money supply), and exchange rate in the Iranian economy during the period 2011–2022 (1390–1401 SH). The results of the Johansen cointegration test reveal a counterintuitive finding: the long-term relationship between liquidity and inflation is negative, whereas the relationship between the exchange rate and inflation is positive and consistent with theoretical expectations. Moreover, the analysis of error correction dynamics indicates that the conventional adjustment mechanisms for both CPI and liquidity are inefficient within the context of Iran's economy. The impulse response functions further show that exchange rate shocks impose considerable inflationary pressures on consumer prices. Collectively, these findings highlight that inflation dynamics in Iran are primarily driven by the exchange rate transmission channel and the expectation-driven mechanisms within the foreign exchange market. In contrast, the traditional liquidity channel appears to have a relatively limited role. Based on the empirical evidence presented, it is recommended that policymakers adopt a comprehensive policy framework, with particular emphasis on proactive exchange rate management as a central strategy for inflation control.

Keywords: Inflation, Liquidity, Exchange Rate, Exchange Rate Policy, Inflation Control, Iranian Economy.

JEL Classification: E31, O24, F31.

پویایی‌های غیرمتعارف تورم در ایران: غلبه کانال نرخ ارز و چالش کنترل نقدینگی (تحلیل VECM) دلالت‌هایی بر اقتصاد ایران

omidezanlo@gmail.com

امید ایزانلو  / دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

هدف غایی این مطالعه، تبیین ساختار روابط تعادلی بلندمدت و پویایی‌های تعدیل کوتاه‌مدت میان لگاریتم متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده، نقدینگی و نرخ ارز در اقتصاد ایران (۱۳۹۰-۱۴۰۱) است. نتایج آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون نشان می‌دهد برخلاف انتظارات نظری، رابطه بلندمدت نقدینگی و تورم منفی است؛ درحالی‌که ارتباط نرخ ارز و تورم، مثبت و منطبق بر مبانی اقتصادی است. تحلیل پویایی‌های تعدیل خطا نیز نشان می‌دهد که مکانیسم‌های تعدیل خطای معمول برای شاخص بهای مصرف‌کننده و نقدینگی در اقتصاد ایران فاقد کارایی لازم هستند. تحلیل توابع واکنش آنی نیز نشان می‌دهد که شوک‌های نرخ ارز، اثرات تورمی قابل توجهی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده اعمال می‌کنند. مجموعه یافته‌های این پژوهش، بر این نکته اساسی تأکید دارند که در اقتصاد ایران، پویایی‌های تورمی به‌طور غالب متأثر از کانال انتقال اثر نرخ ارز به قیمت‌ها و سازوکار واکنش انتظارات تورمی در بازار ارز هستند و کانال‌های سنتی اثرگذاری نقدینگی، نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کنند. بنابراین با توجه به شواهد تجربی مبتنی بر این مطالعه، سیاست‌گذاران اقتصادی در راستای کنترل تورم، می‌بایست رویکردی جامع‌نگر اتخاذ نموده و سیاست‌های مدیریت فعالانه نرخ ارز را در اولویت قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: تورم، نقدینگی، نرخ ارز، سیاست‌گذاری نرخ ارز، کنترل تورم، اقتصاد ایران.

طبقه‌بندی JEL: F31, O24, E31

مقدمه

در قلمرو دانش اقتصاد کلان، تورم، نقدینگی و نرخ ارز به‌منزله سه متغیر کانونی، پیوسته در صدر مباحثات سیاست‌گذاران، محققان و تحلیلگران اقتصادی قرار داشته‌اند (Mishkin, 2018). کنترل تورم نیز به‌عنوان پیش‌نیازی حیاتی به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و ارتقای سطح رفاه اجتماعی، همواره از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها در گستره جهانی است (Blanchard, 2017, p. 53). در این راستا، به‌کارگیری ابزارهای سیاست پولی و به‌ویژه مدیریت حجم نقدینگی، به‌طور سنتی به‌عنوان مکانیسمی کارآمد در جهت کنترل فشارهای تورمی و تضمین ثبات قیمتی، مورد تأکید بوده است (Friedman, 1968). با این حال، تأمل در تجرب دهه‌های اخیر و ملاحظه پیچیدگی‌های ساختاری اقتصادهای درحال توسعه؛ ازجمله اقتصاد ایران، اثربخشی انحصاری سیاست‌های معطوف به کنترل نقدینگی را با ابهامات جدی مواجه ساخته و لزوم بازنگری در رهیافت‌های سیاستی و تعمیق درک از مکانیزم‌های تعیین‌کننده پویایی‌های تورمی را مضاعف ساخته است.

در این چارچوب، شناخت دقیق روابط متقابل و پویایی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت میان تورم، نقدینگی و نرخ ارز، از اهمیت بالایی برخوردار است. تغییرات نرخ ارز، به‌عنوان یکی از متغیرهای کلیدی، نه‌تنها بر تراز تجاری و توان رقابت‌پذیری بین‌المللی اثرگذار است، بلکه از طریق کانال‌های متنوع، می‌تواند فشارهای تورمی قابل‌توجهی را به اقتصاد تحمیل نماید (Obstfeld & Rogoff, 1996, p. 550-555). هم‌زمان نقش نقدینگی در تعیین سطح عمومی قیمت‌ها، کماکان موضوعی مناقشه‌برانگیز و فاقد اجماع نظر قطعی در میان صاحب‌نظران اقتصادی است؛ درحالی‌که نظریه مقداری پول، به‌طور سنتی بر وجود رابطه مستقیم و قوی بین رشد نقدینگی و بروز تورم تأکید دارد (Patinkin, 1972). شواهد تجربی در بسیاری از اقتصادها، به‌ویژه اقتصادهای با مختصات ساختاری غیرمتعارف و در مقاطع زمانی گوناگون، به‌طور کامل از این رابطه ساده و خطی پشتیبانی نمی‌نمایند (Bobeica et al., 2019; Buthelezi, 2023; Campillo et al., 1996; Girdzijauskas et al., 2022; Mpofu, 2011; Salahodjaev et al., 2014; Soje et al., 2024; Salami & Kelikume, 2013).

مقاله حاضر، با هدف پر نمودن شکاف دانش موجود در خصوص پویایی‌های تورمی اقتصاد ایران و با اتخاذ رویکردی کمی، به بررسی تعاملات دینامیک بین لگاریتم شاخص بهای مصرف‌کننده (LP) به‌عنوان سنج‌های تورم، لگاریتم حجم نقدینگی (LM) به‌عنوان نماگری از نقدینگی و لگاریتم نرخ ارز (LEXR) می‌پردازد. پرسش‌های محوری این مقاله بدین شرح قابل طرح است: نخست، آیا رابطه تعادلی بلندمدت و پایداری بین متغیرهای مورد اشاره در اقتصاد ایران وجود دارد؟ دوم، سازوکارهای تعدیل خطا در این اقتصاد چگونه عمل نموده و چه پویایی‌های غیرمعمولی در فرایند تعدیل به‌سوی تعادل بلندمدت قابل شناسایی است؟ سوم، در افق کوتاه‌مدت، شوک‌های برون‌زا به هریک از متغیرهای نقدینگی، نرخ ارز و تورم، چه اثراتی را بر سایر متغیرها بر جای گذاشته و مهم‌ترین کانال‌های انتقال اثر در این اقتصاد کدام‌اند؟ چهارم، کدام‌یک از این متغیرها قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیر دیگر را دارد؟

به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، از روش‌شناسی مدل تصحیح خطای برداری (VECM) و آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون (Johanson-Josilius cointegration test) بهره گرفته شده است. پویایی‌های کوتاه‌مدت و واکنش متغیرها به تکان‌های وارده نیز با استفاده از تحلیل توابع واکنش آنی (IRF) و روش تجزیه چولسکی (Cholesky decomposition method)، به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از آزمون علیت گرنجر نیز به‌منظور تبیین رابطه علی میان متغیرها استفاده شده است.

۱. مبانی نظری ارتباط بین تورم، نقدینگی و نرخ ارز در چارچوب اقتصاد کلان

در گستره وسیع ادبیات اقتصاد کلان، طیف متنوعی از نظریه‌ها و رویکردهای تحلیلی در خصوص علل، عوامل و سازوکارهای تعیین‌کننده تورم مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. از یک‌سو رویکرد کلاسیکی در چارچوب «رابطه مقداری پول»، با فرض ثبات سرعت گردش نقدینگی در بلندمدت (V)، ثبات و برون‌زایی سطح تولید (Y) و خنثایی و برون‌زایی عرضه پول توسط بانک مرکزی (M)، رابطه علی از سمت نقدینگی به قیمت (p) را یک‌به‌یک تشریح می‌کند (Mankiw, 2016, p. 110-112)؛ از سوی دیگر رویکرد پول‌گرایی به رهبری فریدمن و شوارتز (۱۹۶۳)، هرچند همانند کلاسیک‌ها، رابطه مثبت میان افزایش نقدینگی و تورم را قبول می‌کنند، اما اولاً این رابطه را رابطه‌ای نسبی و نه یک‌به‌یک (افزایش ۱۰ درصدی عرضه پول منجر به افزایش ۱۰ درصدی قیمت‌ها می‌شود) برمی‌شمردند؛ ثانیاً افزایش نقدینگی را تنها در بلندمدت خنثا و عامل تورم معرفی می‌کنند، اما در کوتاه‌مدت ممکن است افزایش نقدینگی باعث افزایش تولید و در نتیجه کاهش بیکاری، اما به قیمت تورم بالاتر شود.

هر دو رویکرد فوق، تورم را نتیجه افزایش فشار بر تقاضا در نتیجه انبساط پولی می‌دانند؛ چراکه افزایش عرضه پول تأثیر باثبات بر افزایش سطح تولید نداشته و تنها منجر به افزایش سطح تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت‌ها می‌شود؛ بنابراین موفقیت مهار تورم تنها از طریق سیاست پولی محقق می‌شود. مجموعه‌ای از مطالعات خارجی این رویکرد را تأیید و راه‌حل مبارزه با تورم را کاهش نقدینگی معرفی می‌کنند (Özcan; 2014; Odaşoğlu and Aydın, 2011). در اقتصاد ایران نیز مطالعات تجربی متعددی با بررسی دوره‌های زمانی مختلف، اثر مثبت و معنادار رشد نقدینگی بر تورم را در کوتاه‌مدت و بلندمدت برجسته ساخته‌اند

(Armash et al., 2010; Bonato, 2007; Roshan et al., 2014; Mehrara et al., 2015.)

در نقطه مقابل رویکرد فوق، رویکرد ساختاری رابطه علیت از سمت نقدینگی به تورم را رد و سیاست‌های ارزی را علت اصلی تورم برمی‌شمарند (هانت، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱). مجموعه‌ای از مطالعات خارجی مرتبط با کشورهای درحال توسعه نیز این رویکرد را تأیید می‌کند؛ از جمله مطالعه کوراپ (Korap, ۲۰۰۹)، تانگ (Tang, ۲۰۱۰)، چیچک (Çiçek, ۲۰۱۱)، آقایی (Agayev, ۲۰۱۲) و ایسلاتینس (İslatince, ۲۰۱۶)، که عمدتاً بر ترکیه و سایر کشورهای درحال توسعه (مالزی و آذربایجان) تمرکز دارند، شواهدی را بر علیه دیدگاه پول‌گرایی و تأیید علیت از سمت تورم به نقدینگی ارائه و مهم‌ترین عامل

اصلی تورم فشار هزینه در این کشورها را ناشی از افزایش نرخ ارز برمی‌شمارند. در اقتصاد ایران نیز برخی مطالعات رابطه میان تورم و نرخ ارز را برجسته کرده‌اند. مطالعات تجربی انجام‌شده طی دهه‌های اخیر نشان داده‌اند که نظریه مقداری پول، به‌ویژه در تبیین نوسانات تورمی کوتاه‌مدت و در دوره‌های زمانی متأثر از شوک‌های ساختاری و نهادی عمیق، ممکن است به‌طور کامل و دقیق، روابط پیچیده و چندوجهی بین نقدینگی و تورم را در اقتصاد ایران منعکس ننماید؛ ازجمله این مطالعات می‌توان به مطالعه شاکری و باقرپور (۱۴۰۲)، طاهری بازخانه (۱۴۰۲) و صبوری دیلمی و دیگران (۱۴۰۰) اشاره کرد. منتقدان نظریه مقداری پول در بستر اقتصاد ایران، عموماً بر محدودیت‌های اساسی این نظریه در تبیین و توضیح پدیده تورم‌های مزمن و به‌ویژه تورم‌های ساختاری تأکید نموده و ناکافی بودن رویکردهای صرفاً پولی و نادیده گرفتن نقش عوامل غیرپولی و متغیرهای غیراقتصادی در شکل‌دهی و هدایت فرایندهای تورمی را مورد انتقاد جدی قرار داده‌اند.

در این رویکرد نرخ ارز، به‌عنوان یکی از متغیرهای محوری در اقتصاد کلان کشورهای درحال توسعه و به‌ویژه در ساختار اقتصادی ایران که به شکلی فزاینده در معرض نوسانات و تکانه‌های داخلی و خارجی قرار دارد، از طریق کانال‌های مستقیم و غیرمستقیم، توانایی اثرگذاری چشمگیر بر پویایی‌های تورمی اقتصاد را داراست. کانال «شاخص قیمتی واردات» که در ادبیات تخصصی اقتصاد با عنوان «گذر نرخ ارز به قیمت‌ها» شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال تغییرات نرخ ارز به تورم است. دلیل این موضوع را باید ساختار اقتصادی کشور جست‌وجو کرد. مهم‌ترین ویژگی ساختاری که اقتصاد ایران را از سایر اقتصادها متمایز می‌سازد، وابستگی عمیق و نهادینه‌شده به واردات حجم گسترده‌ای از کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و نهایی و سهم بسیار بالای واردات در تأمین نیازهای تولیدی و مصرفی کشور است (جدول ۱). این ویژگی منحصربه‌فرد سبب می‌شود کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز)، تقریباً به‌صورت آنی و با قدرتی مهارنشده، به افزایش افسارگریخته بهای کالاهای وارداتی منجر شود. این افزایش قابل ملاحظه در سطح بهای واردات، به شکل مستقیم بهای کالاهای نهایی وارداتی در بازار داخلی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و به روش غیرمستقیم، با اثرگذاری بر هزینه‌های تمام‌شده نهادهای تولیدی وارداتی، بهای کالاهای تولید داخل را نیز دستخوش تغییر و تحول می‌سازد.

جدول ۱: متوسط سهم بخش‌های مختلف از واردات

دوره	سهم مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای	سهم کالاهای سرمایه‌ای	سهم کالاهای مصرفی
متوسط	۶۲٪	۲۲٪	۱۵٪
دهه ۷۰	۵۷٪	۲۹٪	۱۳٪
دهه ۸۰	۶۸٪	۲۰٪	۱۲٪
دهه ۹۰	۶۷٪	۱۸٪	۱۶٪

منبع: سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در امتداد و هم‌راستا با کانال شاخص قیمت واردات، نرخ ارز در اقتصاد ایران از مسیر کانال «انتظارات» نیز، تأثیرات ژرف و عمیقی بر پویایی‌های تورمی بر جای می‌گذارد (صبوری دیلمی و دیگران، ۱۴۰۰). نوسانات نرخ ارز این قابلیت

بالقوه را دارد که انتظارات تورمی فعالان و کنشگران اقتصادی را به نحوی تصاعدی تحت تأثیر قرار داده و محرک اصلی تشدید رفتارهای سوداگرانه و سفته‌بازانه در گستره وسیع بازارهای دارایی، ارز و کالا گردد که پیامد نهایی و ناگزیر آن، چیزی جز افزایش بی‌وقفه سطح عمومی قیمت‌ها نخواهد بود. این اثرگذاری تصاعدی انتظارات تورمی و تسری گسترده آن به سایر بخش‌های کلیدی اقتصاد، در جایگاه عاملی مستقل و با کارکردی تشدیدکننده، به گونه‌ای ملموس و غیرقابل انکار، فشارهای تورمی را در اقتصاد ایران تقویت و تشدید می‌نماید.

افزون بر سازوکارهای پیش‌گفته، نرخ ارز در اقتصاد ایران از رهگذر کانال «تراز تجاری» و تغییر در توان رقابت‌پذیری نیز، به‌صورت بالقوه از توانایی اثرگذاری بر پویایی‌های تورمی برخوردار است. با این وجود، با عنایت به ساختار اقتصادی ویژه و تا حدودی منحصربه‌فرد اقتصاد ایران، وجود مزیت‌های رقابتی محدود و اندک در بخش‌های غیرنفتی، و استمرار محدودیت‌های گسترده تجاری ناشی از تحریم‌های بین‌المللی ناعادلانه، کانال تراز تجاری در مقایسه با کانال بهای واردات و کانال انتظارات، به‌طور غالب و عمده از درجه اهمیت و اولویت کمتری در تبیین و تحلیل پویایی‌های تورمی اقتصاد ایران برخوردار است.

مطابق با مبانی پیش‌گفته، تبیین جامع پدیده تورم در اقتصاد ایران، مستلزم مدل‌سازی هم‌زمان اثرات نقدینگی و نرخ ارز بر تورم است؛ چراکه غفلت از هریک از این متغیرها می‌تواند به برآوردهای ناقص و ارباب‌دار از سهم عوامل تورمی منجر شود. بنابراین می‌توان استنتاج کرد که کنترل تورم در اقتصادهای در حال توسعه (از جمله ایران) نیازمند اتخاذ چارچوبی یکپارچه است که هم رشد نقدینگی و هم نرخ ارز را به‌صورت هم‌زمان بررسی کند.

۲. واکاوی یافته‌های تجربی مطالعات پیشین

مطالعات تجربی متعددی با بهره‌گیری از روش‌شناسی‌های گوناگون اقتصادسنجی در اقتصاد ایران، به بررسی روابط پیچیده و چندوجهی بین تورم، نقدینگی و نرخ ارز پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها، عمدتاً با تکیه بر دکترین مقداری پول و روش‌های اقتصادسنجی سنتی، وجود رابطه مثبت و معناداری بین رشد نقدینگی و تورم را در اقتصاد ایران مورد تأیید قرار داده‌اند. با این حال، بسیاری از مطالعات جدیدتر و پیشرفته‌تر، نتایج تجربی پیچیده‌تر، ظریف‌تر و گاه متناقضی را در این زمینه گزارش نموده‌اند که به‌طور فزاینده‌ای بر این نکته دلالت دارند که رابطه بین نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران، از نوعی رابطه غیرخطی، ناپایدار و رژیم وابسته تبعیت نموده و به شدت متأثر از شرایط اقتصاد کلان، رژیم‌های سیاستی و وقوع شوک‌های مختلف اقتصادی و غیراقتصادی (نظیر شوک‌های نفتی، تحریم‌های بین‌المللی و بی‌ثباتی‌های سیاسی) می‌باشد. در زمینه بررسی اثرات نرخ ارز بر تورم نیز مطالعات کمی و کیفی متعددی در اقتصاد ایران به اتفاق، اهمیت کانال گذر نرخ ارز به قیمت‌ها را در اقتصاد ایران مورد تأیید قرار داده و نشان داده‌اند که نوسانات نرخ ارز، به‌ویژه در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و پیش‌بینی نوسانات تورم در ایران ایفا می‌نماید.

جدول ۲: پیشینه پژوهشی

عنوان مقاله	سال	نویسنده(ها)	یافته‌های اصلی
بررسی اثرات نقدینگی بر تورم در اقتصاد ایران و اثرات رشد نقدینگی بر تورم در اقتصاد ایران: مدل‌های تغییر رژیم	۱۳۹۲	سحابی و دیگران	اثرات نقدینگی بر تورم در طول زمان یکسان نبوده است. در رژیم تورم متوسط، رشد نقدینگی با یک وقفه منجر به افزایش ۰/۵٪ در صدی تورم می‌شود. در رژیم تورم بالا، اثر معنادار رشد نقدینگی بر تورم تشخیص داده نشده است.
رابطه پول و تورم در ایران: شواهدی بر اساس مدل P*	۱۳۹۳	کاکویی و نقدی	با تأیید نسبی فرضیه پولی بودن تورم در ایران، هر ۱۰ درصد رشد نقدینگی منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به میزان ۴/۶ درصد می‌شود. استفاده مطلق از سیاست‌های پولی برای کنترل تورم در ایران مناسب تلقی نمی‌شود.
چگونگی ارتباط میان نرخ ارز و شاخص‌های قیمت در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۸	۱۴۰۰	صبوری دلمی و دیگران	هم‌زمان با افزایش نااطمینانی ارزی و نااطمینانی تورمی «هماهنگی و هم‌جهتی» حرکت بین نرخ ارز و قیمت‌ها «قوی‌تر و بیشتر» می‌شود.
اثرگذاری تکانه نرخ ارز بر تورم در اقتصاد ایران: کاربرد الگوی خود رگرسیون برداری آستانه‌ای	۱۴۰۱	تحصیلی	اثرگذاری نرخ ارز بر تورم در اقتصاد ایران غیرخطی و آستانه‌ای است، به‌طوری‌که قبل از رسیدن تورم فصلی به آستانه ۴/۸/۵ درصد، شوک‌های ارزی تأثیر شدیدتری دارند، اما بعد از عبور از این آستانه، اثرگذاری شوک ارزی بر تورم کاهش یافته و با تأخیر ظاهر می‌شود و فرضیه تیلور در اقتصاد ایران تأیید نمی‌شود.
بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران: رویکرد همدوسی موجکی	۱۴۰۲	شاکری و باقرپور اسکویی	در بلندمدت، نقدینگی تأثیرگذار معناداری بر نرخ تورم ندارد. رابطه علیت معکوس از سمت تورم به نقدینگی وجود دارد. تکانه‌های رشد نرخ ارز از طریق طرف عرضه اقتصاد بر تورم مؤثر است. نرخ ارز در هر دو فرکانس کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر معناداری بر تورم داشته است.
کاربرد تبدیل موجک پیوسته در کشف پویایی‌های رابطه علی بین نقدینگی و اجزای تشکیل‌دهنده آن با تورم: مطالعه موردی اقتصاد ایران	۱۴۰۲	احسانی و طاهری	در بلندمدت، علیت از رشد حجم پول به تورم برقرار است. در مقیاس کوتاه‌مدت، افزایش در رشد شبه پول با کاهش در تورم همراه است. رابطه بین رشد نقدینگی و تورم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت ناهمگن بوده و به رابطه اجزای نقدینگی با تورم بستگی دارد. در بلندمدت، رشد نقدینگی پیرو تورم است و پس از گذشت ۵ سال از آن تأثیر می‌پذیرد.
سرریز تلاطمات بین نرخ ارز، تورم و نقدینگی در اقتصاد ایران: رویکرد TVP-VAR-BK	۱۴۰۲	رودری و دیگران	در رژیم نرخ تورم بالا، اثر معنادار رشد نقدینگی بر تورم تشخیص داده نشد. اثرات مثبت رشد نقدینگی در تداوم دوره‌های تورم متوسط و بالا در اقتصاد ایران وجود دارد.
تحلیل اثرگذاری نقدینگی و نرخ ارز بر تورم در حوزه زمان - فرکانس طی دوره زمان ۱۳۶۹-۱۴۰۱ در اقتصاد ایران	۱۴۰۲	طاهری بازخانه	نرخ ارز به‌عنوان یک عامل باثبات و دائمی در ایجاد تورم در اقتصاد ایران نقش داشته است، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت. رابطه بین نقدینگی و تورم پیچیده‌تر و ناپایدارتر است. این رابطه از نظر علیت و شدت، در طول زمان تغییر کرده و در دوره‌هایی به نظر می‌رسد که تورم پیشران نقدینگی بوده است نه برعکس.

با این وجود، علی‌رغم مطالعات انجام‌شده هنوز شکاف‌های قابل توجهی در ادبیات تجربی در خصوص پویایی‌های تعامل هم‌زمان و متقابل بین این سه متغیر کلیدی در اقتصاد ایران - به‌ویژه با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی پیشرفته و مدرن - وجود دارد و پژوهش علمی حاضر به‌طور مشخص و متمرکز در پی پر کردن بخشی از این خلأ مهم با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تحلیلی مدل تصحیح خطای برداری (VECM)، تکنیک تحلیل توابع واکنش آنی (IRF) و آزمون علیت گرنجر است.

ویژگی متفاوت این مقاله این است که برخلاف پژوهش‌های انجام‌شده، ابتدا با استفاده از آزمون جوهانسون - جوسیلیوس وجود هم‌انباشتگی و رابطه بلندمدت را اثبات و سپس با استفاده از مدل VECM و رتبه هم‌انباشتگی، روابط کوتاه‌مدت میان این متغیرها را تفسیر کرده و در مرحله سوم رابطه علیت را تبیین می‌کند؛ در انتها نیز برخلاف برخی مقالات که فقط به توصیف وضعیت موجود پرداخته و یا در انتها توصیه به اجرای سیاست‌های پولی به‌منظور کنترل تورم کرده‌اند، به این موضوع اکتفا نکرده و توصیه‌های سیاستی منسجمی را متناسب با یافته‌های مقاله به سیاست‌گذار ارائه کرده است.

۳. داده‌ها، روش‌شناسی و یافته‌های تجربی

در این مطالعه، به‌منظور تحلیل روابط پویا بین متغیرهای تورم، نقدینگی و نرخ ارز در اقتصاد ایران، از داده‌های سری زمانی فصلی برای دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۱ استفاده شده است. متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از: شاخص قیمت مصرف‌کننده، نقدینگی و نرخ ارز که به‌منظور هموارسازی سری‌های زمانی و کاهش اثر نوسانات، همگی به‌صورت فصلی و از پایگاه سری‌های زمانی بانک مرکزی استخراج شده‌اند.

به‌منظور بررسی روابط میان نرخ ارز، تورم و نقدینگی در اقتصاد ایران، از یک رویکرد اقتصادسنجی جامع استفاده شده است. ابتدا با بهره‌گیری از آزمون‌های ریشه واحد ERS، ایستایی متغیرها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آزمون ERS به دلایل متعددی از جمله قدرت بیشتر در رد فرضیه صفر (نامانایی ضعیف)، کاهش اعوجاج اندازه‌گیری به‌خصوص در نمونه‌های کوچک، مقادیر بحرانی بهینه‌تر و در نظر گرفتن فرضیه‌های جایگزین موضعی نسبت به آزمون دیکی فولر تقویت‌شده (ADF)، ارجحیت دارد (Stock & Rothenberg, 1996). در صورت نامانا بودن متغیرها در سطح، آزمون هم‌جمعی جوهانسون برای شناسایی روابط تعادلی بلندمدت بین این متغیرها به‌کار خواهد رفت، که در مقایسه با روش انگل - گرنجر برای سیستم‌های چندمتغیره مناسب‌تر بوده و تعداد روابط هم‌انباشتگی را مشخص می‌سازد (گجراتی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۵ و ۳۷۳). سپس برای تحلیل پویایی‌های کوتاه‌مدت و واکنش متغیرها به شوک‌ها، از توابع واکنش آنی (IRF) استفاده می‌شود؛ در نهایت، آزمون علیت گرنجر برای تعیین روابط پیش‌بینی‌کننده میان نقدینگی، نرخ ارز و تورم به‌کار گرفته می‌شود.

با استفاده از این روش‌شناسی دقیق و جامع، نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند درک عمیق‌تری از روابط دینامیک بین تورم، نقدینگی و نرخ ارز در اقتصاد ایران ارائه دهد و به سیاست‌گذاران اقتصادی در جهت اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی مؤثرتر کمک نماید.

داده، روش‌شناسی و یافته‌های تجربی

دستیابی به نتایج صحیح در تحلیل‌های اقتصادسنجی، در صورتی که سری‌های زمانی متغیرها حاوی یک ریشه واحد باشند، امکان‌پذیر نیست. استفاده از داده‌های سری زمانی غیرثابت می‌تواند منجر به نتایج غیرقابل اعتماد و گمراه‌کننده

شود. به‌منظور حل مشکل ریشه واحد ابتدا داده‌ها به لگاریتم تبدیل شده و سپس تفاضل گرفته می‌شود، در صورتی که سری‌های زمانی با تفاضل مرتبه اول ایستا شوند، در این صورت با نماد $I(1)$ نشان داده می‌شوند. بدین منظور ابتدا داده‌ها به داده‌های لگاریتمی تبدیل شدند؛ سپس آزمون ریشه واحد انجام شد، که نشان می‌دهد داده‌ها با یک مرتبه تفاضل مانا هستند (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون ریشه واحد

سری مورد آزمون	آماره آزمون P- (Statistic)	طول وقفه	رد فرضیه صفر در سطح ۱٪	رد فرضیه صفر در سطح ۵٪	رد فرضیه صفر در سطح ۱۰٪	نتیجه‌گیری
D(LP)	۳۶/۲۰۷۶	۵	بله	بله	بله	مانا
D(LM)	۶/۴۹۴۴۰۱	۱	بله	بله	خیر	به احتمال زیاد مانا
D(LEXR)	۴/۸۳۴۰۸۴	۰	بله	خیر	خیر	شواهدی از مانایی

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون‌های ERS از این نتیجه حمایت می‌کنند که هر سه سری زمانی LP، LM و LEXR پس از یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند و بنابراین از درجه انباشتگی یک ($I(1)$) هستند. این یافته با نتایج آزمون‌های ADF با شکست ساختاری و آزمون هگی نیز سازگار است و اطمینان بیشتری به مانایی اولین تفاضل این سری‌ها برای تحلیل‌های اقتصادسنجی می‌دهد؛ بنابراین استفاده از تفاضل اول این متغیرها مناسب خواهد بود.

پس از آزمون ریشه واحد، بخش تحلیل نتایج این پژوهش به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: آزمون هم‌جمعی جوهانسون، تحلیل مکانیزم تصحیح خطا و تحلیل توابع واکنش آنی. هریک از این بخش‌ها به‌منظور بررسی جنبه‌های مختلف روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین لگاریتم متغیرهای تورم (LP)، نقدینگی (LM) و نرخ ارز واقعی (LEXR) در اقتصاد ایران طراحی شده‌اند.

از آنجا که متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری مانا هستند از روش هم‌جمعی جوهانسون - جوسیلیوس، به‌منظور آزمون تجزیه و تحلیل رابطه بلندمدت میان نقدینگی، نرخ ارز و تورم استفاده می‌شود. آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون با استفاده از دو روش آزمون اثر و آزمون حداکثر مقدار ویژه به‌منظور تعیین تعداد روابط هم‌انباشتگی بین متغیرها انجام شده است. نتایج هر دو آزمون در جداول ذیل خلاصه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون رتبه هم‌انباشتگی جوهانسون

آزمون	فرضیه تعداد معادلات هم‌انباشتگی Hypothesized No. of (CE(s)	مقدار ویژه (Eigenvalue)	آماره آزمون (Trace) (Statistic)	مقدار بحرانی ۰/۰۵	احتمال (**.Prob)	نتیجه در سطح ۰/۰۵
آزمون اثر (Trace Test)	None	۰/۴۸۵۹۹۲	۳۴/۳۵۱۱۹	۲۹/۷۹۷۰۷	۰/۰۱۴	رد فرضیه صفر
	At most ۱	۰/۰۵۲۱۸۵	۳/۷۳۷۴۶۴	۱۵/۴۹۴۷۱	۰/۹۲۳۶	عدم رد فرضیه صفر

عدم رد فرضیه صفر	۰/۲۵۹۴	۳/۸۴۱۴۶۵	۱/۲۷۲۰۷۴	۰/۰۲۷۲۷۵	۲At most	آزمون مقدار ویژه ماکزیمم (Max-eigenvalue Test)
رد فرضیه صفر	۰/۰۰۱۷	۲۱/۱۳۱۶۲	۳۰/۶۱۳۷۳	۰/۴۸۵۹۹۲	None	
عدم رد فرضیه صفر	۰/۹۷۵۸	۱۴/۲۶۴۶	۲/۴۶۵۳۹	۰/۰۵۲۱۸۵	۱At most	
عدم رد فرضیه صفر	۰/۲۵۹۴	۳/۸۴۱۴۶۵	۱/۲۷۲۰۷۴	۰/۰۲۷۲۷۵	۲At most	

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج هر دو آزمون اثر و حداکثر مقدار ویژه، در سطح معناداری ۵ درصد، وجود یک رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای مورد بررسی تأیید می‌شود. این بدان معناست که میان لگاریتم متغیرهای نرخ ارز، شاخص قیمت و نقدینگی یک رابطه تعادلی بلندمدت وجود داشته و به سمت یک رابطه پایدار حرکت می‌کنند.

جدول ۵: بردار هم‌انباشتگی نرمال‌شده و ضرایب تعدیل برای رتبه هم‌انباشتگی

متغیر	بردار هم‌انباشتگی نرمال‌شده (γ)	ضرایب تعدیل (α)
LP	۱	$0.016261 < br > 0.00424$
LM	$-4.206026 < br > 0.77737$	$0.010557 < br > 0.00369$
LEXR	$4.055937 < br > 0.79810$	$0.009882 < br > 0.02296$
معادله هم‌انباشتگی	$LEXR + Constant \ 4.055937LM + 4.206026LP = -$	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج تجزیه و تحلیل آزمون جوهانسون، نشان می‌دهد که این سه متغیر در طول زمان به گونه‌ای با یکدیگر حرکت می‌کنند که یک رابطه تعادلی پایدار بین آنها برقرار است. معادله هم‌انباشتگی نرمال‌شده به شکل ذیل تخمین زده شده است:

$$LP = -4.206026 LM + 4.055937 LEXR + Constant$$

بر اساس معادله بلندمدت، دلالت‌های اصلی ذیل قابل استخراج است.

۱. رابطه منفی بین لگاریتم متغیرهای نقدینگی (LM) و شاخص قیمت (LP)

ضریب منفی و معنادار LM (-4.206026) نشان می‌دهد که در بلندمدت، افزایش نقدینگی با کاهش شاخص قیمت همراه است. این نتیجه که برخلاف انتظارات اولیه مبتنی بر تئوری مقداری پول است، می‌تواند با اتکا به تفاسیر ذیل مورد واکاوی قرار گیرد.

۱-۱. اثر غالب طرف عرضه سیاست‌های انبساطی پولی

به نظر می‌رسد سیاست‌های پولی انبساطی در ایران، برخلاف انتظار رایج مبنی بر تحریک تقاضای کل و افزایش تورم، عمدتاً با تقویت ظرفیت‌های سمت عرضه عمل کرده‌اند. کاهش نرخ بهره و تسهیل دسترسی به اعتبارات، موجب

تقویت تولید و افزایش سرمایه‌گذاری شده که نهایتاً به تعدیل فشارهای تورمی انجامیده است. این فرضیه، بر نقش محوری ساختارهای خاص اقتصادی و سازوکارهای انتقال اثر سیاست‌های پولی در بافت اقتصاد ایران تأکید داشته و لزوم بررسی‌های تجربی و نظری گسترده‌تر در پژوهش‌های آتی را نمایان می‌سازد.

۱-۲. کاهش سرعت گردش پول به دلیل انتظارات نامطمئن

در شرایط حاکمیت عدم اطمینان اقتصادی و شکل‌گیری انتظارات منفی نسبت به چشم‌انداز آتی اقتصاد، تزریق نقدینگی به اقتصاد ممکن است به افزایش متناسب سرعت گردش پول منجر نگردد. در شرایطی که عدم اطمینان اقتصادی به سطح بالایی ارتقا یافته و چشم‌انداز آتی اقتصاد در هاله‌ای از ابهام و انتظارات منفی فرو رفته است، تزریق نقدینگی به پیکر اقتصاد به احتمال قوی نخواهد توانست به افزایش متناسب سرعت گردش پول دامن بزند؛ چه‌بسا که این امر حتی به کاهش هرچه بیشتر سرعت گردش پول نیز منتهی گردد. در چنین وضعیتی بخش قابل‌توجهی از نقدینگی افزوده شده به چرخه اقتصاد، به شکل دارایی‌های نقد و غیرفعال در ترازنامه خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی رسوب کرده و از گردش باز می‌ماند؛ در نتیجه فاقد اثرگذاری چشمگیر و محسوس بر تقاضای کل و سطح عمومی قیمت‌ها خواهد بود. این فرضیه به نقش بنیادین عوامل روان‌شناختی و انتظارات فعالان اقتصادی در تعیین آهنگ گردش پول، و از این رهگذر در اثربخشی سیاست‌های پولی تأکید می‌ورزد.

۱-۳. هدایت نقدینگی به سمت بازارهای دارایی

احتمال دارد نقدینگی تزریق شده به جای بازارهای مصرفی، به سمت بازارهای دارایی مانند مسکن، ارز، طلا و سهام هدایت شده و موجب افزایش قیمت دارایی‌ها شود. در این حالت، تأثیر مستقیم و قابل‌توجهی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) که نشان‌دهنده تغییرات قیمت کالاها و خدمات مصرفی است، قابل‌انتظار نخواهد بود. این فرضیه بر نقش تعیین‌کننده ساختار مالی اقتصاد و ترجیحات سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی در جهت‌دهی جریان نقدینگی و تأثیر آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی تأکید می‌کند. نقدینگی به جای ایجاد تورم مصرف‌کننده، تورم دارایی‌ها را تقویت می‌کند.

۲. رابطه مثبت میان لگاریتم متغیرهای نرخ ارز (LEXR) و شاخص قیمت (LP)

ضریب مثبت و معنادار LEXR (۴/۰۵۵۹۳۷) بیانگر وجود رابطه مستقیم بلندمدت بین نرخ ارز و شاخص قیمت است. این یافته مطابق با مبانی نظری و تجربی اقتصاد کلان بوده و نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز در بلندمدت منجر به افزایش قیمت‌های مصرف‌کننده می‌شود. این رابطه می‌تواند از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی و نهاده‌های تولیدی وارداتی و همچنین تغییر در قدرت رقابت‌پذیری و تقاضای خارجی، اثرات خود را بر تورم اعمال نماید.

بنابراین نتایج آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون نشان می‌دهد که یک رابطه هم‌انباشتگی بلندمدت بین لگاریتم شاخص قیمت مصرف‌کننده، لگاریتم نقدینگی و لگاریتم نرخ ارز وجود دارد. بردار هم‌انباشتگی نرمال شده حاکی از

رابطه مثبت بین لگاریتم نرخ ارز و قیمت‌ها (توجیه‌پذیر از نظر اقتصادی) و رابطه منفی نقدینگی و قیمت (نیازمند بررسی و تفسیر دقیق‌تر با لحاظ عوامل اقتصادی پیچیده‌تر) است.

هم‌انباشتگی به‌طور ضمنی، دلالت بر وجود مکانیسم تعدیل خطا دارد. اگر متغیرها در بلندمدت با یکدیگر هم‌انباشته باشند، انحرافات کوتاه‌مدت از این رابطه تعادلی نمی‌تواند دائمی باشد. نیروهای اقتصادی باید وجود داشته باشند که این انحرافات را تصحیح کرده و متغیرها را به سمت مسیر تعادلی بلندمدت خود بازگردانند. به عبارت دیگر، هم‌انباشتگی شرط لازم برای وجود مکانیسم تعدیل خطاست. برای مدل‌سازی این پویایی‌های تعدیل کوتاه‌مدت و فرایند بازگشت به تعادل بلندمدت، مدل تصحیح خطا به‌عنوان چارچوب مناسبی مطرح می‌شود. آزمون هم‌انباشتگی رابطه تعادلی بلندمدت را شناسایی می‌کند؛ درحالی‌که مدل تصحیح خطای برداری (VECM)، پویایی‌های تعدیل کوتاه‌مدت را مدل‌سازی نموده و مشخص می‌کند که چگونه و با چه سرعتی متغیرها به انحرافات از این رابطه تعادلی واکنش نشان داده و به سمت تعادل بلندمدت باز می‌گردند. به این ترتیب، ترکیب آزمون هم‌انباشتگی و مدل VECM، یک چارچوب جامع و قدرتمند برای تحلیل روابط پویا بین متغیرهای اقتصادی در بلندمدت و کوتاه‌مدت فراهم می‌آورد.

برای تحلیل و تفسیر جامع‌تر روابط کوتاه‌مدت مدل‌سازی‌شده در VECM، تحلیل توابع واکنش آنی (IRFs) به کار گرفته شده است. توابع واکنش آنی، به ما می‌گویند که اگر به یک متغیر در سیستم شوکی وارد شود (مثلاً شوک به نرخ ارز)، سایر متغیرها در سیستم (شاخص قیمت مصرف‌کننده و نقدینگی) در دوره‌های زمانی بعد از شوک چگونه واکنش نشان خواهند داد.

۴. مکانیسم تعدیل خطا

بررسی ضرایب تعدیل خطا در مدل VECM، پویایی‌های تعدیل غیرمعمولی را برای متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده و نقدینگی آشکار می‌سازد. ضرایب تعدیل برای تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده $[D(LP) = 0/016261]$ و نقدینگی $[D(LM) = 0/010557]$ به‌طور معناداری مثبت هستند. علامت مثبت این ضرایب، بر خلاف انتظار مکانیسم تعدیل خطای استاندارد، نشان می‌دهد که این متغیرها به‌صورت خوداصلاح‌کننده به سمت تعادل بلندمدت باز نمی‌گردند. در عوض، انحراف مثبت از تعادل بلندمدت در دوره قبل، با افزایش بیشتر در همان متغیر در دوره جاری همراه است. این پویایی غیرمعمول، بیانگر ضعف یا عدم کارایی مکانیسم‌های خودکار تعدیل خطا برای LP و LM در اقتصاد ایران است و احتمالاً نشان‌دهنده تأثیر عوامل برون‌زا یا ساختاری در پایداری انحرافات از تعادل بلندمدت است. در مقابل، ضریب تعدیل برای تغییرات نرخ ارز $[D(LEXR) = 0/009882]$ اگرچه از لحاظ علامت (منفی مورد انتظار) سازگار است، اما از نظر آماری معنادار نیست و نمی‌توان نقش قاطعی برای آن در مکانیسم تعدیل خطا قائل شد.

جدول ۶: خلاصه نتایج روابط بلندمدت، تعدیل خطا و کوتاه‌مدت بین LM، LP و LEXR

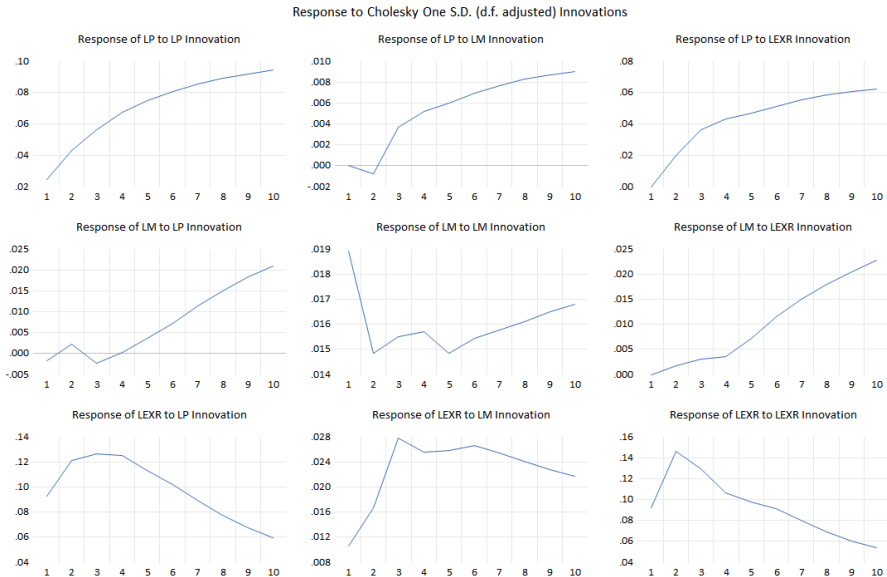
بخش تحلیل	نوع رابطه	متغیر وابسته (تغییرات)	متغیر مستقل	ضریب (مقدار و علامت)	معناداری آماری	تفسیر اقتصادی و یافته اصلی
روابط بلندمدت	هم‌انباشستگی	LP	معادله هم‌انباشستگی نرمال‌شده	$LP = -\frac{4}{21} + LM + \frac{4}{6} LEXR + C$	هم‌انباشستگی ۱ (معنادار در سطح ۰/۰۵)	وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین LM، LP و LEXR؛ یک رابطه هم‌انباشستگی در سطح ۰/۰۵ تأیید شد.
	رابطه با LM	LP	LM	-۴/۲۱	معنادار	رابطه منفی بلندمدت بین نقدینگی (LM) و تورم (LP) - غیرمنتظره؛ افزایش حجم پول در بلندمدت با کاهش شاخص قیمت تولیدکننده همراه است. این یافته برخلاف انتظارات اولیه، نیازمند بررسی و توجیهات اقتصادی تکمیلی است.
	رابطه با LEXR	LP	LEXR	۴/۰۶	معنادار	رابطه مثبت بلندمدت بین نرخ ارز واقعی (LEXR) و تورم (LP) - مطابق انتظار؛ افزایش نرخ ارز واقعی در بلندمدت با افزایش شاخص قیمت تولیدکننده همراه است، که با مکانیزم‌های انتقال اثر نرخ ارز بر قیمت‌ها سازگار است.
تعدیل خطا	پویایی تعدیل	D(LP)	COINTEQ ^۱	۰/۰۱۶ (مثبت)	معنادار	عدم وجود مکانیسم تعدیل خطای معمول برای LP؛ ضریب تعدیل مثبت نشان می‌دهد LP به سمت تعادل بلندمدت تعدیل نمی‌شود و انحراف از تعادل ممکن است پایدار بماند یا افزایش یابد.
	پویایی تعدیل	D(LM)	COINTEQ ^۱	۰/۰۱۱ (مثبت)	معنادار	عدم وجود مکانیسم تعدیل خطای معمول برای LM؛ مشابه LP، ضریب تعدیل مثبت برای LM نیز نشان‌دهنده عدم تعدیل خطای معمول است.
	پویایی تعدیل	D(LEXR)	COINTEQ ^۱	-۰/۰۱۰ (منفی)	نامعتبر	شواهد ضعیف از تعدیل خطا برای LEXR؛ ضریب تعدیل منفی است، اما از نظر آماری معنادار نیست و نمی‌توان نتیجه قطعی گرفت.
روابط کوتاه‌مدت	اثرات کوتاه‌مدت	D(LP)	D(LEXR-۱)	۰/۱۵۶ (مثبت)	معنادار	اثر تورمی کوتاه‌مدت شوک‌های نرخ ارز با وقفه؛ تغییرات نرخ ارز واقعی با یک وقفه زمانی، اثر مثبت و معناداری بر تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده در کوتاه‌مدت دارد.
	روند مستقل	D(LM)	ثابت (C)	۰/۰۹۰ (مثبت)	معنادار	روند صعودی در تغییرات نقدینگی؛ تغییرات حجم پول در کوتاه‌مدت دارای یک روند افزایشی مستقل از سایر متغیرهاست.
	اثر متقابل احتمالی	D(LEXR)	D(LP-۲)	۱/۴۶۷ (مثبت)	تا حدی معنادار	اثر احتمالی تورم با وقفه بر تغییرات نرخ ارز؛ شواهدی از اثرگذاری تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده با دو وقفه بر تغییرات نرخ ارز واقعی در کوتاه‌مدت وجود دارد، اما نیازمند بررسی بیشتر است.
	پایداری شوک‌ها	D(LEXR)	D(LEXR-۱)	۰/۷۰۴ (مثبت)	معنادار	پایداری و خودتقویتی شوک‌های نرخ ارز؛ تغییرات مثبت نرخ ارز در یک دوره، منجر به افزایش بیشتر در تغییرات نرخ ارز در دوره بعدی می‌شود، که نشان‌دهنده پایداری شوک‌های نرخ ارز در کوتاه‌مدت است.

۵. روابط کوتاه‌مدت و توابع واکنش آنی

به‌منظور بررسی صحت و یا رد معناداری نتایج فوق در کوتاه‌مدت، توابع واکنش آنی با استفاده از روش چولسکی و ترتیب متغیرهای (LP, LM, LEXR) انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت به نرخ ارز به‌طور معناداری منجر به افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده در کوتاه‌مدت می‌شوند. این یافته، اثر تورمی کانال نرخ ارز را در اقتصاد ایران تأیید می‌کند و بر اهمیت توجه به سیاست‌های ارزی در کنترل تورم تأکید دارد؛ همچنین شوک‌های مثبت به شاخص قیمت مصرف‌کننده باعث افزایش نرخ ارز در کوتاه‌مدت می‌شود، که می‌تواند نشان‌دهنده واکنش بازار ارز به فشارهای تورمی و انتظارات مربوط به کاهش ارزش پول ملی باشد.

نکته قابل توجه در تحلیل این توابع، عدم مشاهده اثرات معنادار کوتاه‌مدت شوک‌های نقدینگی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ ارز است. این نتیجه با یافته رابطه منفی بلندمدت نقدینگی و تورم همخوانی داشته و نشان‌دهنده آن است که اثرات سیاست‌های پولی و نقدینگی بر قیمت‌ها و نرخ ارز در اقتصاد ایران، از طریق کانال‌های پیچیده‌تر و با تأخیرهای زمانی طولانی‌تر عمل می‌نمایند. علاوه بر این، نتایج توابع واکنش آنی، پایداری نسبی شوک‌های نرخ ارز واقعی در کوتاه‌مدت و وجود یک روند افزایشی مستقل در تغییرات نقدینگی را نیز نشان می‌دهند.

شکل ۱: تحلیل توابع واکنش آنی



منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل توابع واکنش آنی شکل ۱، روابط پویای معنادار و منطبق با انتظارات نظری را بین متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده، نقدینگی و نرخ ارز در اقتصاد ایران به تصویر می‌کشد. اثرات متقابل تورمی و پولی بین سطح قیمت‌ها

و نقدینگی و همچنین اثر قوی گذر نرخ ارز به قیمت‌ها در اقتصاد ایران، به وضوح در یافته‌های توابع واکنش آنی قابل مشاهده است. نکته قابل توجه عدم مشاهده اثرات معنادار کوتاه‌مدت شوک‌های نقدینگی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ ارز بوده، که با یافته رابطه منفی بلندمدت نقدینگی و تورم همخوانی دارد. این یافته‌ها، به‌طور ضمنی اهمیت توجه توأمان به سیاست‌های پولی و ارزی در راستای مهار پایدار تورم و حفظ ثبات اقتصادی در اقتصاد ایران را مورد تأکید قرار می‌دهند.

۶. بحث و بررسی مکانیزم‌های انتقال اثر در پرتو یافته‌های مدل VECM و IRF

نتایج به‌دست‌آمده از مدل VECM و تحلیل توابع واکنش آنی، تصویر جامعی از روابط دینامیک بین شاخص قیمت مصرف‌کننده، نقدینگی و نرخ ارز ارائه می‌دهد، که درک بهتری از مکانیزم‌های انتقال اثر در اقتصاد ایران را ممکن می‌سازد. در این بخش، مکانیزم‌های کلیدی انتقال اثر در پرتو یافته‌های پژوهش به‌صورت خلاصه و منسجم در جدول (۷) آورده شده است.

جدول ۷: مکانیزم‌های انتقال اثر در اقتصاد ایران بر اساس یافته‌های مدل VECM و IRF

مکانیزم انتقال اثر	خلاصه مکانیزم	یافته‌های کلیدی مدل VECM و IRF
۱. مکانیزم انتقال اثر نرخ ارز به قیمت‌ها	افزایش نرخ ارز (تضعیف پول ملی) باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی و نهاده‌های تولیدی وارداتی می‌شود. این افزایش هزینه به مصرف‌کنندگان از طریق افزایش قیمت کالاهای نهایی منتقل شده و شاخص قیمت مصرف‌کننده را در کوتاه‌مدت افزایش می‌دهد.	- تحلیل IRF نشان داد که شوک‌های مثبت به نرخ ارز به‌طور معناداری منجر به افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده در کوتاه‌مدت می‌شوند.
۲. مکانیزم انتظارات تورمی و واکنش بازار ارز	افزایش تورم در اقتصاد، انتظارات تورمی را در فعالان اقتصادی و بازار ارز افزایش می‌دهد. این انتظارات تورمی باعث کاهش جذابیت پول ملی و افزایش تقاضا برای ارز خارجی می‌شود؛ در نتیجه نرخ ارز افزایش می‌یابد. بازار ارز به سرعت به شوک‌های تورمی واکنش نشان داده و انتظارات را در قیمت‌ها منعکس می‌کند.	- تحلیل توابع واکنش آنی نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت به شاخص قیمت مصرف‌کننده منجر به افزایش نرخ ارز در کوتاه‌مدت می‌شوند.
۳. کانال ضعیف و با تأخیر اثر نقدینگی بر قیمت‌ها و نرخ ارز	شوک‌های نقدینگی اثرات محدود و ضعیفی بر شاخص قیمت و نرخ ارز در کوتاه‌مدت نشان می‌دهند. رابطه بلندمدت میان نقدینگی و شاخص قیمت مصرف‌کننده منفی و ناسازگار با تئوری مقداری پول است. کانال‌های سنتی انتقال اثر نقدینگی در اقتصاد ایران در کوتاه‌مدت ضعیف یا غیرفعال هستند.	- شوک‌های نقدینگی در تحلیل IRF اثرات محدود و ضعیفی بر شاخص قیمت و نرخ ارز در کوتاه‌مدت نشان می‌دهند. - رابطه بلندمدت میان نقدینگی و شاخص قیمت مصرف‌کننده منفی است.
۴. پویایی‌های تعدیل غیرمعمول و محدودیت مکانیسم‌های خوداصلاحی	ضرایب تعدیل خطای مثبت و معنادار برای شاخص قیمت و نقدینگی نشان می‌دهد که مکانیسم‌های خوداصلاحی ساده برای بازگرداندن این متغیرها به تعادل بلندمدت در اقتصاد ایران ضعیف یا غیرفعال هستند. انحرافات از تعادل بلندمدت ممکن است به‌طور خودکار تصحیح نشوند و حتی تشدید گردند.	- ضرایب تعدیل خطا (α) برای شاخص قیمت و نقدینگی مثبت و معنادار به‌دست آمدند که برخلاف انتظار مکانیسم تعدیل خطای معمول است.

۷. تحلیل آزمون علیت گرنجر

به منظور بررسی جامع روابط بین متغیرها و اطمینان از پایداری نتایج، آزمون علیت گرنجر با وقفه بهینه یک (بر اساس معیار SC)، دو (بر اساس معیار HQ) و چهار (بر اساس معیار AIC)، محاسبه و مقایسه شده است. این مقایسه به ما امکان می‌دهد تا حساسیت نتایج را نسبت به طول وقفه بررسی کرده و درک دقیق‌تری از پویایی‌های کوتاه‌مدت روابط بین متغیرها را به دست آوریم. جدول (۸) به صورت خلاصه نتایج آزمون علیت گرنجر را برای وقفه‌های ۱، ۲ و ۴ ارائه می‌دهد. تفسیر تفصیلی و مقایسه‌ای این نتایج در ادامه متن در جدول (۹) نشان داده شده است.

جدول ۸: مقایسه نتایج آزمون علیت گرنجر در وقفه‌های ۱، ۲ و ۴

فرضیه صفر	وقفه	آماره F (F-Statistic)	مقدار احتمال (Prob.)	نتیجه	سطح معناداری
LM علت گرنجر LP نیست	۱	۰/۸۵۷۹	۰/۳۵۹۴	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار
	۲	۰/۲۹۳۶	۰/۷۴۷۱	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار
	۴	۰/۳۶۵۲	۰/۸۳۱۷	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار
LP علت گرنجر LM نیست	۱	۷/۹۸۸۹	۰/۰۰۷۱	رد فرضیه صفر	۱٪
	۲	۴/۱۷۵۹	۰/۰۲۲۴	رد فرضیه صفر	۵٪
	۴	۵/۸۲۳۹	۰/۰۰۱۱	رد فرضیه صفر	۱٪
LEXR علت گرنجر LP نیست	۱	۳۰/۱۶۳۴	۰۶E-۱/۸۷	رد فرضیه صفر	۱٪
	۲	۱۱/۴۴۶۲	۰/۰۰۰۱	رد فرضیه صفر	۱٪
	۴	۷/۷۷۸	۰/۰۰۰۱	رد فرضیه صفر	۱٪
LP علت گرنجر LEXR نیست	۱	۰/۰۳۹۴	۰/۸۴۳۶	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار
	۲	۲/۸۷۱۶	۰/۰۶۸	رد فرضیه صفر	۱۰٪
	۴	۱/۶۹۱۴	۰/۱۷۴	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار
LEXR علت گرنجر LM نیست	۱	۷/۰۵۰۸	۰/۰۱۱	رد فرضیه صفر	۵٪
	۲	۴/۰۵۴۳	۰/۰۲۴۷	رد فرضیه صفر	۵٪
	۴	۵/۶۱۸۱	۰/۰۰۱۳	رد فرضیه صفر	۱٪
LM علت گرنجر LEXR نیست	۱	۱/۳۷۶	۰/۲۴۷۱	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار
	۲	۲/۱۷۵۳	۰/۱۲۶۵	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار
	۴	۱/۰۷۹۱	۰/۳۸۱۷	عدم رد فرضیه صفر	غیرمعنادار

۸. مقایسه و تفسیر نتایج در وقفه‌های مختلف

یافته‌های پژوهش با استفاده از آزمون علیت گرنجری در وقفه‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران، نقدینگی (LM) به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده کوتاه‌مدت شاخص قیمت مصرف‌کننده (LP) و نرخ ارز (LEXR) عمل نکرده و کانال‌های سنتی اثرگذاری آن محدود است. در مقابل، کانال انتقال اثر نرخ ارز به قیمت‌ها به‌عنوان مکانیزم کلیدی و پایدار تعیین تورم کوتاه‌مدت اثبات شده و رابطه علیت قوی و پایداری از نرخ ارز به شاخص قیمت مصرف‌کننده وجود دارد؛ همچنین رابطه علیت یک‌طرفه و پایداری از شاخص قیمت مصرف‌کننده به نقدینگی نمایانگر واکنش سیاست‌گذار پولی به نوسانات تورم است؛ درحالی‌که رابطه علیت از شاخص قیمت مصرف‌کننده به نرخ ارز فاقد قطعیت و پایداری بوده و اثرات تورم داخلی بر نرخ ارز در کوتاه‌مدت ضعیف و ناپایدار است.

جدول ۹: خلاصه نتایج آزمون علیت گرنجری در وقفه‌های مختلف

روابط علیت گرنجری	جهت علیت گرنجری	وقفه ۱	وقفه ۲	وقفه ۴	جمع‌بندی کلی
۱. نقدینگی (LM) ↔ شاخص قیمت مصرف‌کننده (LP)	LM → LP	عدم علیت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادار	عدم علیت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادار	عدم علیت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادار	عدم علیت گرنجری LM → LP پایدار و قاطع: در تمامی وقفه‌ها، شواهد قوی برای رد فرضیه صفر مبنی بر عدم علیت گرنجری نقدینگی به شاخص قیمت مصرف‌کننده وجود ندارد. تغییرات گذشته نقدینگی، اطلاعات پیش‌بینی‌کننده‌ای برای تغییرات آتی شاخص قیمت مصرف‌کننده فراهم نمی‌کند.
	LP → LM	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۱٪) مقدار احتمال پایین، معنادار	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۱٪) مقدار احتمال پایین، معنادار	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۱٪) مقدار احتمال پایین، معنادار	علیت گرنجری LP → LM پایدار و قوی: در تمامی وقفه‌ها، شواهد معناداری برای رد فرضیه صفر مبنی بر عدم علیت گرنجری شاخص قیمت مصرف‌کننده به نقدینگی وجود دارد. رابطه علیت یک‌طرفه از شاخص قیمت به نقدینگی در کوتاه‌مدت به‌طور محکم تأیید می‌شود.
۲. نرخ ارز (LEXR) ↔ شاخص قیمت مصرف‌کننده (LP)	LEXR → LP	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۱٪) مقدار احتمال بسیار پایین، معنادار	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۱٪) مقدار احتمال بسیار پایین‌تر، بسیار معنادارتر	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۱٪) مقدار احتمال بسیار قوی (رد) بسیار معنادار	علیت گرنجری LEXR → LP بسیار قوی و پایدار: در تمامی وقفه‌ها، شواهد بسیار قوی و معناداری برای رد فرضیه صفر مبنی بر عدم علیت گرنجری نرخ ارز به شاخص قیمت مصرف‌کننده وجود دارد. رابطه علیت بسیار قوی و پایدار نرخ ارز به شاخص قیمت در کوتاه‌مدت در وقفه‌های مختلف تأیید می‌شود. اثر گذر نرخ ارز به قیمت‌ها با تأخیر زمانی تقویت می‌شود.
	LP → LEXR	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۱۰٪) مقدار احتمال نسبتاً پایین، معناداری ضعیف	علیت گرنجری (رد فرضیه صفر نزدیک به سطح ۵٪) معناداری تقویت شده	عدم علیت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادار	عدم قطعیت در رابطه LP → LEXR با تغییر وقفه: رابطه علیت گرنجری شاخص قیمت مصرف‌کننده به نرخ ارز ناپایدار و نامطمئن به نظر می‌رسد و به طول وقفه انتخاب‌شده بسیار حساس است. اثرات تورم داخلی بر نرخ ارز احتمالاً بسیار ضعیف، کوتاه‌مدت و ناپایدار است.

۳. نرخ ارز (LEXR) ↔ نقدینگی (LM)	LEXR → LM	علایت گرنجری (رد فرضیه صفر در سطح ۵٪) مقدار احتمال پایین، معنادر	علایت گرنجری (رد) فرضیه صفر در سطح ۵٪ مقدار احتمال پایین، معنادر	علایت گرنجری قوی (رد فرضیه صفر در سطح ۱٪) معنادر تقویت شده	علایت گرنجری LM → LEXR پایدار و معنادر: در تمامی وقفه‌ها، شواهد معنادر برای رد فرضیه صفر مبنی بر عدم علایت گرنجری نرخ ارز به نقدینگی وجود دارد. رابطه علایت پایدار و معنادر نرخ ارز به نقدینگی در کوتاه‌مدت در وقفه‌های مختلف تأیید می‌شود. با افزایش وقفه، معنادر رابطه تقویت می‌شود.
LM → LEXR	عدم علایت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادر	عدم علایت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادر	عدم علایت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادر	عدم علایت گرنجری (عدم رد فرضیه صفر) مقدار احتمال بالا، غیر معنادر	عدم علایت گرنجری LEXR → LM پایدار و قاطع: در تمامی وقفه‌ها، شواهد قوی برای رد فرضیه صفر مبنی بر عدم علایت گرنجری نقدینگی به نرخ ارز وجود ندارد. تغییرات گذشته نقدینگی، اطلاعات پیش‌بینی‌کننده‌ای برای تغییرات آتی نرخ ارز فراهم نمی‌کند.

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی و تحلیل روابط پویای بین لگاریتم متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده، نقدینگی و نرخ ارز در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۱ صورت پذیرفته است. به‌منظور دستیابی به این هدف، از چارچوب اقتصادسنجی سری‌های زمانی بهره گرفته شد. یافته‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

جدول ۱۰: خلاصه یافته‌های پژوهش و ارتباط با کانال‌های اثرگذاری نرخ ارز بر تورم

بخش تحلیل	نوع رابطه	یافته اصلی	ارتباط با کانال‌های اثرگذاری نرخ ارز بر تورم
روابط بلندمدت	هم‌انباشستگی	- وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین شاخص قیمت مصرف‌کننده (LP)، نقدینگی (LM) و نرخ ارز (LEXR)	- وجود رابطه هم‌انباشستگی بلندمدت، نشان‌دهنده اهمیت نقش نرخ ارز و نقدینگی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده بلندمدت تورم است، اما نوع روابط بلندمدت، نکات مهمی را روشن می‌سازد.
	رابطه منفی بلندمدت LM و LP (غیرمنتظره)	- افزایش نقدینگی در بلندمدت با کاهش شاخص قیمت مصرف‌کننده همراه است.	- محدودیت کانال‌های سستی نقدینگی: این یافته مغایر با انتظار نظری مبتنی بر تئوری مقداری پول است که انتظار رابطه مثبت بین نقدینگی و تورم را دارد. این نتیجه از ضعف کانال‌های سستی اثرگذاری نقدینگی بر تورم در بلندمدت در اقتصاد ایران حکایت دارد و فرضیه‌های مطرح‌شده در متن (اثر غالب طرف عرضه سیاست‌های انبساطی پولی، کاهش سرعت گردش پول به دلیل انتظارات نامطمئن، هدایت نقدینگی به سمت بازارهای دارایی) را تقویت و اهمیت کانال‌های نرخ ارز در مقابل کانال نقدینگی را برجسته می‌سازد.
	رابطه مثبت بلندمدت LEXR و LP (مطابق انتظار)	- افزایش نرخ ارز در بلندمدت با افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده همراه است.	- تقویت کانال شاخص قیمتی واردات (Exchange Rate Pass-Through): این یافته مستقیم و قویاً از کانال شاخص قیمتی واردات حمایت می‌کند. رابطه مثبت و معنادر بلندمدت نرخ ارز و تورم نشان می‌دهد که گذر نرخ ارز به قیمت‌ها یک مکانیزم کلیدی و پایدار در اقتصاد ایران است. این یافته اهمیت ساختار وابسته به واردات اقتصاد ایران را در انتقال اثرات نرخ ارز به تورم نشان می‌دهد.

پویایی تعدیل خطا	عدم وجود مکانیسم تعدیل خطای معمول برای LP و LM	- ضرایب تعدیل خطا برای شاخص قیمت مصرف‌کننده و نقدینگی مثبت و معنادار است، که خلاف انتظار مکانیسم تعدیل خطای استاندارد است.	- ضعف مکانیسم‌های خودکار تعدیل: این یافته نشان می‌دهد که انحرافات از تعادل بلندمدت در تورم و نقدینگی ممکن است پایدار بمانند یا حتی تشدید شوند. این موضوع چالش‌های ساختاری و برون‌زای اقتصاد ایران را در تعدیل خودکار انحرافات تورمی و نقدینگی برجسته می‌کند. این یافته به‌طور ضمنی محدودیت اثرگذاری سیاست‌های پولی صرف برای کنترل تورم را تأیید می‌کند.
	شواهد ضعیف از تعدیل خطا برای LEXR	- ضریب تعدیل خطا برای نرخ ارز منفی، اما غیرمعنادار است.	- عدم قطعیت در مکانیسم تعدیل نرخ ارز: یافته‌ها شواهد قوی برای مکانیسم تعدیل خطای نرخ ارز ارائه نمی‌دهند. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده تأثیرپذیری نرخ ارز از عوامل متعدد و پیچیده فراتر از روابط تعادلی بلندمدت با تورم و نقدینگی باشد و نقش انتظارات و شوک‌های برون‌زا را در پویایی‌های نرخ ارز برجسته سازد.
	اثر تورمی کوتاه‌مدت شوکه‌های نرخ ارز	- شوک‌های مثبت به نرخ ارز به‌طور معناداری منجر به افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده در کوتاه‌مدت می‌شوند.	- تقویت کانال شاخص قیمتی واردات و کانال انتظارات: این یافته مجدداً از کانال شاخص قیمتی واردات حمایت می‌کند و نشان می‌دهد که اثر گذر نرخ ارز به قیمت‌ها در کوتاه‌مدت نیز قوی است. علاوه بر این، پاسخ مثبت تورم به شوک نرخ ارز در کوتاه‌مدت می‌تواند بازتابی از فعال شدن کانال انتظارات تورمی نیز باشد. شوک‌های ارزی می‌توانند انتظارات تورمی را افزایش داده و به افزایش سریع‌تر قیمت‌ها در کوتاه‌مدت منجر شوند.
روابط کوتاه‌مدت و توابع واکنش انی	اثر محدود و عمدتاً غیرمعنادار شوک نقدینگی بر تورم و نرخ ارز	- شوک‌های نقدینگی اثرات محدود و عمدتاً غیرمعناداری بر تورم و نرخ ارز در کوتاه‌مدت بر جای می‌گذارند.	- محدودیت کانال‌های سنتی نقدینگی در کوتاه‌مدت: این یافته مجدداً بر ضعف کانال‌های سنتی اثرگذاری نقدینگی بر تورم و نرخ ارز در کوتاه‌مدت تأکید دارد و با یافته‌های مربوط به روابط بلندمدت همخوانی دارد. نقدینگی به تنهایی به‌عنوان یک متغیر پیش‌بینی‌کننده و محرک اصلی تورم در کوتاه‌مدت عمل نمی‌کند.
واکنش نرخ ارز به شوک‌های تورمی (واکنش بازار ارز به انتظارات تورمی)	- شوک‌های مثبت به شاخص قیمت مصرف‌کننده باعث افزایش نرخ ارز در کوتاه‌مدت می‌شوند.	- تأثیرپذیری نرخ ارز از انتظارات تورمی: این یافته می‌تواند نشان‌دهنده واکنش بازار ارز به فشارهای تورمی و انتظارات مربوط به کاهش ارزش پول ملی باشد. افزایش تورم انتظارات تورمی را تقویت کرده و منجر به افزایش تقاضا برای ارز و در نتیجه افزایش نرخ ارز می‌شود. این یافته به‌طور ضمنی از کانال انتظارات تورمی حمایت می‌کند.	

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق با یافته‌های فوق، پویایی‌های تورمی در اقتصاد ایران بیشتر متأثر از کانال انتقال اثر نرخ ارز و انتظارات تورمی بازار ارز هستند و کانال‌های سنتی اثرگذاری نقدینگی نقش کم‌رنگ‌تری دارند. یافته‌های پژوهش حاضر دلالت‌های سیاستی مهمی برای مهار پایدار تورم در اقتصاد ایران ارائه می‌دهد. تأیید نقش محوری نرخ ارز در پویایی‌های تورمی کوتاه‌مدت و رابطه بلندمدت مثبت و معنادار آن با تورم، ضرورت اتخاذ رویکردی جامع‌نگر در حکمرانی ارزی را آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، یافته‌های غیرمنتظره مبنی بر رابطه بلندمدت منفی و معنادار نقدینگی و تورم، اثربخشی رویکردهای سنتی مبتنی بر کنترل صرف نقدینگی را زیر سؤال می‌برد.

بر این اساس، سیاست‌گذاران اقتصادی باید در راستای کنترل تورم و دستیابی به ثبات اقتصادی پایدار، رویکردی چندوجهی را در حکمرانی ارزی اتخاذ نموده و سیاست‌های ذیل را در اولویت قرار دهند:

۱. اولویت‌بخشی به مدیریت فعال و هوشمندانه نرخ ارز: با توجه به نقش غالب نرخ ارز در انتقال اثرات تورمی، مدیریت فعال و هوشمندانه آن باید به‌عنوان محور اصلی سیاست‌های ضدتورمی مورد توجه قرار گیرد. این امر مستلزم مدیریت هم‌زمان عرضه و تقاضای ارز با استفاده از سامانه جامع تجارت، پیمان‌سپاری کامل ارز صادراتی، تنوع‌بخشی به سبد ارزی و پیمان‌های پولی دوجانبه است؛

۲. بازنگری در رویکردهای سیاستی سنتی مبتنی بر اتکای صرف به کنترل نقدینگی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کانال‌های سنتی اثرگذاری نقدینگی بر تورم، به‌ویژه در بلندمدت، ممکن است کارایی لازم را نداشته باشند. لذا سیاست‌گذاران باید از اتکای صرف به سیاست‌های انقباضی پولی اجتناب ورزند. تمرکز بر سیاست‌های سمت عرضه، توجه به عوامل روان‌شناختی و انتظارات فعالان اقتصادی و ایجاد ثبات اقتصادی می‌تواند به بهبود کارایی سیاست‌های پولی در بلندمدت کمک نماید؛

۳. تقویت حکمرانی تجاری و کنترل واردات: مدیریت تقاضای ارز برای واردات، اجرای سیاست‌های جایگزینی واردات و توسعه صادرات غیرنفتی از جمله راهکارهای بلندمدت و پایدار در جهت مهار تورم و تقویت بنیه اقتصادی کشور است.

منابع

- احسانی، محمدعلی و طاهری بازخانه، صالح (۱۳۹۷). کاربرد تبدیل موجک پیوسته در کشف پویایی‌های رابطه علی بین نقدینگی و اجزای تشکیل‌دهنده آن با تورم: مطالعه موردی اقتصاد ایران. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۵۳(۲)، ۲۷۸-۲۳۵.
- تحصیلی، حسن (۱۴۰۱). اثرگذاری تکانه نرخ ارز بر تورم در اقتصاد ایران: کاربرد الگوی خود رگرسیون برداری آستانه‌ای. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۴(۲)، ۲۸۵-۲۵۷.
- رودری، سهیل و دیگران (۱۴۰۲). سربیز تلاطمات بین نرخ ارز، تورم و نقدینگی در اقتصاد ایران: رویکرد TVP-VAR-BK. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۸(۹۷)، ۱۵۲-۱۰۹.
- سحابی، بهرام و دیگران (۱۳۹۲). اثرات رشد نقدینگی بر تورم در اقتصاد ایران: مدل‌های تغییر رژیم. *راهبرد اقتصادی*، ۴(۲)، ۱۴۶-۱۲۱.
- صبوری دیلمی، محمدحسن و دیگران (۱۴۰۰). فرضیه وجود چرخه تشدیدشونده نرخ ارز - تورم در ایران: رویکرد MSBVAR. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۱۵)، ۳-۲۶.
- صبوری دیلمی، محمدحسن و دیگران (۱۴۰۰). چگونگی ارتباط میان نرخ ارز و شاخص‌های قیمت در ایران: کاربرد فیزیک اقتصادی در بررسی روابط متقابل. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۲)، ۸۸-۱۱۳.
- طاهری بازخانه، صالح (۱۴۰۲). تحلیل اثرگذاری نقدینگی و نرخ ارز بر تورم در حوزه زمان - فرکانس. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۵(۲۹)، ۱۴۸-۱۱۱.
- سری‌های زمانی بانک مرکزی. <https://tsdview.cis.cbi.ir>
- شاکری، عباس و باقرپور اسکویی، الناز (۱۴۰۲). بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران: رویکرد همدوسی موجکی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۸(۹۴)، ۷۹-۴۷.
- گجراتی، دمودار (۱۳۹۴). *اقتصادسنجی کاربردی*. ترجمه نادر مهرگان و لطفعلی عاقلی. تهران: نور علم.
- کاکویی، نصیبه و نقدی، یزدان (۱۳۹۳). رابطه پول و تورم در اقتصاد ایران: شواهدی بر اساس مدل P*. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴(۲)، ۱۳۵-۱۵۶.
- هانت، دایانا (۱۳۸۶). *نظریه‌های اقتصاد توسعه تحلیلی از الگوی رقیب*. تهران: نشر نی.
- Agayev, S. (2012). Relationship between price level and money supply in Azerbaijan for the low inflation period. *Akdeniz University, The Journal of Faculty of Economics and Administrative Sciences*, 23, 135-155.
- Armash, H., Salarzei, H., Mohammad, N. & Heydari, A. (2010). Causes of inflation in the Iranian economy.
- Blanchard, O. (2017). *Macroeconomics*. Pearson Education.
- Bobeca, E., Ciccarelli, M. & Vansteenkiste, I. (2019). *The link between labor cost and price inflation in the euro area*. *Social Science Research Network*. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3434157
- Bonato, L. (2007). Money and inflation in the Islamic Republic of Iran. *Social Science Research Network*. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1028209
- Buthlezi, E. M. (2023). Impact of money supply in different states of inflation and economic growth in South Africa. *Economies*, 11(3), 84. <https://doi.org/10.3390/economies11030084>

- Campillo, M. & Miron, J. (1996). Why does inflation differ across countries? National Bureau of Economic Research.
- Çiçek, M. (2011). The quantity theory of money and its validity for Turkey. *Süleyman Demirel University, The Journal of Faculty of Economics and Administrative Sciences*, 16(3), 87-115.
- Elliott, G., Rothenberg, T. J. & Stock, J. H. (1996). Efficient tests for an autoregressive unit root. *Econometrica*, 64(4), 813-836.
- Friedman, M. (1968). The role of monetary policy. *American Economic Review*, 58(1), 1-17.
- Girdzijauskas, S., Štreimikienė, D., Griesienė, I., Mikalauskienė, A. & Kyriakopoulos, G. L. (2022). New approach to inflation phenomena to ensure sustainable economic growth. *Sustainability*, 14(15), 9452. <https://doi.org/10.3390/su14159452>
- İslatince, H. (2016). Money supply and inflation relationship: A causality analysis for Turkey (1988-2016). *Anadolu University Journal of Social Sciences*, 17(3), 43-56.
- Korap, L. (2009). An essay upon the causality relationship between the monetary growth and the change in inflation: The case of Turkey (MPRA Paper No. 19537). Munich Personal RePEc Archive (MPRA). <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/19537/>
- Mankiw, N. G. (2016). *Macroeconomics*. Worth Publishers.
- Mehrara, M. & Sujoudi, A. (2015). The relationship between money, government spending and inflation in the Iranian economy.
- Mishkin, F. S. (2018). *The economics of money, banking, and financial markets*. Pearson Education.
- Mpofu, R. (2011). MONEY SUPPLY, INTEREST RATE, EXCHANGE RATE AND OIL PRICE INFLUENCE ON INFLATION IN SOUTH AFRICA.
- Obstfeld, M. & Rogoff, K. (1996). *Foundations of international macroeconomics*. MIT Press.
- Odabaşıoğlu, F. G. & Aydın, C. (2011). The monetary determinants of inflation in Central and Eastren European transition economies: Dynamic panel data analysis. *Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, 18(3), 293-306.
- Özcan, B. (2014). Determinants of inflation in developing countries: Dynamic panel data analysis. *C.U. İktisadi ve İdari Bilimler Dergisi*, 15(1), 33-53.
- Patinkin, D. (1972). *Money, interest and prices*. MIT Press.
- Roshan, A. A. & Roshan, S. A. (2014). Inflation and money supply growth in Iran: Empirical evidences from cointegration and causality.
- Salahodjaev, R. & Chepel, S. (2014). Institutional quality and inflation.
- Salami, A. & Kelikume, I. (2013). Is inflation always and everywhere a monetary phenomenon? The case of Nigeria (Macroeconomics: Monetary & Fiscal Policies eJournal). https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2285498
- Soje, B. & Tanko, U. M. (2024). Book value and share prices: The mediating effect of inflation in Nigeria. *International Journal of Financial Accounting and Management*, 2(1), 1-14.
- Tang, F. C. (2010). The money-prices nexus for Malaysia: New empirical evidence from the time-varying cointegration and causality tests. *Global Economic Review*, 39(4), 383-403

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/marefateeqtesadi.2025.5001231 20.1001.1.20422322.1403.15.2.2.6

The Independence of the Central Bank from the Perspective of Islamic Economics (A Case Study of the Islamic Republic of Iran)

Mohammadjavad Mohagheqnia / Assistant Professor, Department of Finance and Banking, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University mgmohagh@yahoo.com

Sayyed Mohammadkazem Rajaii -Ramesheh / Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute rajaii@iki.ac.ir

Nasrollah Khalili Tirtashi / Assistant Professor, Department of Economics, Islamic Azad University, Naragh Branch khalili631342@gmail.com

 **Mohsen Khalili Tirtashi**  / PhD Candidate in Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute
Received: 2024/12/11 - **Accepted:** 2025/05/10 m.khalili70@gmail.com

Abstract

One of the key ideas in enhancing the effectiveness of monetary policy is the proposition of central bank independence. This study, employing an analytical approach, investigates the notion of central bank independence from the standpoint of Islamic economics, with a particular focus on the Islamic Republic of Iran. Given that the central bank functions as the monetary institution of an Islamic government and operates as an agent of the Guardian Jurist (Wali al-Faqih), strengthening its governance structure is of paramount importance. According to the findings of the study, rather than advocating for the independence of the central bank, the discourse should shift toward reinforcing its governance capacity. Within this framework, five scenarios are proposed for improving the governance of the Central Bank in the Islamic Republic of Iran. Among these scenarios, the preferred model is one in which the Governor of the Central Bank, alongside the Cabinet, is introduced to the Parliament for a vote of confidence. In this model, the Islamic Consultative Assembly exercises continuous oversight over the Central Bank, based on the performance evaluation index proposed in this article.

Keywords: Islamic Economics, Central Bank Governance, Central Bank Independence, Central Bank Performance Evaluation.

JEL Classification: E5, E52, E58.

استقلال بانک مرکزی از نگاه اقتصاد اسلامی (بررسی موردی جمهوری اسلامی ایران)

mgmohagh@yahoo.com

rajaii@iki.ac.ir

khalili631342@gmail.com

m.khalili70@gmail.com

محمدجواد محقق‌نیا/ استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری گروه مالی و بانکداری دانشگاه علامه طباطبائی

سیدمحمدکاظم رجائی رامشه/ استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

نصرالله خلیلی تبرتاشی/ استادیار گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

محسن خلیلی تبرتاشی  / دانشجوی دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

چکیده

یکی از ایده‌های مهم در زمینه تقویت اثربخشی سیاست‌های پولی، طرح استقلال بانک مرکزی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی به بررسی استقلال بانک مرکزی از نگاه اقتصاد اسلامی با مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. با توجه به اینکه بانک مرکزی نهاد پولی حکومت اسلامی و کارگزار ولی فقیه است، تقویت حکمرانی این نهاد از اهمیت بالایی برخوردار است. بر اساس یافته‌های مقاله، به جای سخن از استقلال بانک مرکزی باید از تقویت قدرت حکمرانی آن سخن گفت. در این چارچوب پنج سناریو برای تقویت حکمرانی بانک مرکزی در جمهوری اسلامی ایران قابل طرح است. بر اساس یافته‌های مقاله، در میان این سناریوها، الگوی مطلوب حکمرانی بانک مرکزی الگویی است که در آن رئیس کل بانک مرکزی به همراه هیئت وزیران به مجلس برای کسب رأی اعتماد معرفی می‌شود. بر اساس این الگو، مجلس شورای اسلامی به‌طور مداوم بر بانک مرکزی نظارت می‌کند؛ این نظارت بر اساس شاخص ارزیابی عملکرد بانک مرکزی پیشنهادی مقاله انجام می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، حکمرانی بانک مرکزی، استقلال بانک مرکزی، ارزیابی عملکرد بانک مرکزی.

طبقه‌بندی JEL: E5, E52, E58.

نظریه استقلال بانک مرکزی در دهه ۱۹۶۰ و در پاسخ به شرایط رکود تورمی حاکم بر آن دوران اقتصاد امریکا مطرح شد. پس از گذشت چند دهه از بحران بزرگ ۱۹۲۹ و اجرای نسخه‌های کینزی در راستای افزایش تقاضا، دیگر از بیکاری و ظرفیت‌های خالی در اقتصاد خبری نبود و محدودیت‌های طرف عرضه مجدداً در حال خودنمایی بود. در این شرایط سیاست‌های مالی و پولی انبساطی دیگر قادر به رشد تولید ملی نبودند و اثر این سیاست‌ها در افزایش تورم نمود پیدا کرد. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تورم حالت مستمر و فراگیر به خود گرفت و رشد اقتصادی بر خلاف گذشته کاهش پیدا کرد. تورم بالا به همراه رکود باعث شد تا تمام اذهان به سمت کنترل تورم معطوف شود و سیاست کنترل تورم در اولویت اول اقتصاد قرار گیرد. در این هنگام فریدمن با انکار اثرگذاری سیاست‌های پولی انبساطی بر افزایش سطح تولید در بلندمدت، تورم را صرفاً پدیده‌ای پولی معرفی کرد. از این‌رو اهداف دیگر بانک مرکزی همچون کمک به رشد تولید و کاهش بیکاری از زمره اهداف این نهاد کنار گذاشته و به حاشیه رانده شد. ارائه نظریه ناسازگاری زمانی در این شرایط توسط کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) و بارو و گوردون (۱۹۸۳) زمینه را برای ارائه نظریه استقلال بانک مرکزی به‌عنوان راهکاری نهادی برای کنترل تورم مهیا کرد.

بر اساس این نظریه، استقلال بانک مرکزی با کوتاه کردن دست حاکمیت از منابع بانک مرکزی و حذف انگیزه سیاست‌گذاری پولی انبساطی به‌منظور افزایش تولید و کاهش بیکاری، می‌تواند در کنترل تورم اثر بسزایی داشته باشد. در اقتصاد ایران نیز برخی پژوهشگران با توجه به تورم‌های چشمگیر که به‌صورت مزمن سالیان متمادی اقتصاد کشور را درگیر خود کرده، استقلال بانک مرکزی از دولت را به‌عنوان راه‌حل برون‌رفت از این معضل پیشنهاد می‌کنند. در این نوع نگرش، کسری بودجه دائمی دولت در این سال‌ها و دست‌درازی دولت‌ها به منابع بانک مرکزی، عامل اصلی تورم در اقتصاد ایران دانسته شده است. بر اساس این تحلیل، استقلال بانک مرکزی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین راهکارهای کنترل تورم در اقتصاد ایران معرفی می‌شود.

در مقابل، گروه دیگری از پژوهشگران با نقد این نظریه، کنار زدن حاکمیت از مداخله فعالانه در اقتصاد را به‌معنای سپردن امور اقتصاد به‌دست سرمایه‌داران می‌دانند، که نتیجه آن توزیع ناعادلانه ثروت و افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، افزایش چشمگیر فقر، و در نهایت بی‌ثباتی اقتصاد خواهد بود. علاوه بر آن استقلال بانک مرکزی موجب عدم هماهنگی میان بخش‌های اقتصادی (معدلت، ۱۳۷۹، ص ۱۰)، عدم هماهنگی میان سیاست‌های پولی و مالی (درودیان، ۱۴۰۱، ص ۱۵۸)، ناسازگاری مسئولیت با اختیارات دولت (Mishkin & Eakins, 2012, p. 210)، مخالفت با مردم‌سالاری (Best, 2018) و عدم تسلط دولت بر پول به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اقتصادی می‌شود. برخی از اقتصاددانان معتقدند، از آنجاکه عامل تورم صرفاً نقدینگی و دولت نیست، کنترل تورم نیز در استقلال بانک مرکزی خلاصه نمی‌شود؛ حتی اگر عامل تورم نقدینگی هم باشد، می‌توان از راه‌های دیگری غیر از استقلال، تورم را کنترل کرد (Taylor, 2013).

مسئله اصلی مقاله کشف موضع اقتصاد اسلامی در زمینه استقلال بانک مرکزی و ارائه الگوی مطلوب حکمرانی بانک مرکزی در جمهوری اسلامی است؛ به این معنا که در ابتدا، اصل حکمرانی بر نهاد پولی در نظام اقتصاد اسلامی به چه نحوی است و پس از آن برای حکمرانی بهتر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل حکمرانی استخراج شده، چه الگویی مطلوب است.

پیشینه پژوهش

بیشتر مطالعات صورت گرفته در زمینه استقلال بانک مرکزی، مطالعات آماری است؛ برای نمونه، مطالعات کوکرم‌ن و دیگران (۱۹۹۲)، آلسینا (۱۹۸۸)، آلسینا و دیگران (۱۹۹۳) و گرلی و دیگران (۱۹۹۱)، رابطه منفی میان استقلال بانک مرکزی و تورم را نتیجه گرفتند؛ به این معنا که با افزایش استقلال بانک مرکزی نرخ تورم کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، برخی مطالعات تجربی در مورد مزایای استقلال بانک مرکزی تردید کردند. پوسن (۱۹۹۳)، کامپیلو و میرون (۱۹۹۷) و تیلور (۲۰۱۳) نیز با مطالعه آماری این موضوع، بهبود متغیرهای کلان اقتصادی را معلول دیگر عوامل اقتصادی دانسته و رابطه استقلال بانک مرکزی با کنترل تورم را صرفاً هم‌زمانی در نظر گرفته‌اند.

مطالعات انجام شده در داخل کشور نیز بیشتر جنبه آماری دارند. مقامی (۱۳۹۷)، رحمانی و صادق‌زاده (۱۳۸۹)، سوری (۱۳۹۹)، میراحمدی هوتکی (۱۳۹۳)، حبیبی (۱۳۷۷)، همایونی (۱۳۹۵)، شیرمنه‌چی (۱۳۹۹)، برزگر (۱۳۹۴)، احمدصومعه‌سرای (۱۳۷۸)، عسگری (۱۳۸۹) و زرین اقبال و دیگران (۱۳۹۷)، با بررسی آماری رابطه استقلال بانک مرکزی و بهبود متغیرهای اقتصادی نتیجه گرفتند که استقلال بانک مرکزی اثر مثبتی بر بهبود متغیرهای اقتصادی؛ نظیر کاهش تورم، کنترل نقدینگی، کاهش بدهی دولت، ثبات اقتصادی و... دارد. این تحقیقات که عموماً نمونه آنها را کشورهای توسعه یافته تشکیل می‌دهند، تنها وجود رابطه آماری را بیان می‌کنند و از قضاوت پیرامون علیت استقلال در بهبود متغیرهای اقتصادی و اثبات انحصار علیت استقلال بانک مرکزی بر کنترل تورم ناتوان هستند.

گروه دیگری از مطالعات همچون تقی‌پور و دیگران (۱۳۸۳)، جعفرخانی (۱۳۹۴)، قربانی (۱۳۹۴) و واحدی (۱۳۹۴)، با بررسی آماری و عموماً با استفاده از نمونه‌های متفاوت که شامل کشورهای در حال توسعه نیز می‌شود، به نتیجه‌ای متفاوت دست یافته‌اند. این مطالعات رابطه معناداری میان استقلال بانک مرکزی و بهبود متغیرهای اقتصادی به دست نیاورده‌اند.

حیدری (۱۳۷۵) و جعفری صمیمی و دیگران (۱۳۹۵) نیز با روشی غیر از روش آماری و به شکل توصیفی به نفی وجود رابطه میان استقلال بانک مرکزی و بهبود متغیرهای اقتصادی پرداخته‌اند.

پیرامون حکمرانی بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی پژوهش‌های معدودی صورت گرفته است. بایزیدی (۱۳۹۳) با بررسی تورم از نگاه اقتصاد اسلامی بر اساس مفاهیمی همچون عدالت، نهی از مخدوش کردن واحد محاسبه، کیل و وزن و با پیش فرض گرفتن رابطه تورم و استقلال بانک مرکزی، ضرورت استقلال بانک مرکزی در نظام اقتصادی اسلام را نتیجه گرفته است.

کمیجانی و دیگران (۱۳۹۱) با رویکرد اسلامی به بررسی سیاست‌های پولی و نهاد تعیین‌کننده آن پرداخته‌اند. ایشان با توجه به قرارداد اجتماعی بودن پول و مقتضای آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و همچنین آثار منفی سیاست‌های پولی انبساطی، ضرورت حفظ ارزش پول را نتیجه گرفته‌اند. در نهایت به‌منظور تحقق ثبات ارزش پول، استقلال بانک مرکزی را پیشنهاد دادند.

توسلی (۱۳۸۴) ضمن بیان اجمالی آثار ناگوار تورم و مزایای ثبات قیمت‌ها، به بررسی نظریه استقلال بانک مرکزی در نظام مردم‌سالاری دینی می‌پردازد و در پایان نتیجه می‌گیرد که ثبات ارزش پول به‌عنوان مهم‌ترین اهداف سیاست پولی، جزو اهداف بنیادین و راهبردی بوده و دین آن را تأیید و تأکید کرده و بانک مرکزی موظف است به‌صورت مستقل این هدف را پیگیری کند.

نکته مغفول در این پژوهش‌ها، اصل نظریه استقلال بانک مرکزی است. این سه پژوهش رابطه منفی تورم و استقلال بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی را مفروض در نظر گرفته‌اند؛ درحالی‌که این رابطه منفی در بستر اقتصاد سرمایه‌داری شکل گرفته و بر یک سری مبانی نظری استوار است؛ درصورتی‌که بستر فعالیت‌های اقتصادی در اقتصاد اسلامی و همچنین مبانی نظری و مبانی رفتاری عاملان اقتصادی در اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری تفاوت اساسی دارد. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که نظریه استقلال بانک مرکزی و رابطه معکوس تورم و استقلال در اقتصاد اسلامی نیز مطابق با واقع باشد. این پژوهش در نظر دارد تا با توجه به مبانی فکری - فلسفی و اقتصادی نظریه استقلال بانک مرکزی و مقایسه آن با مبانی اقتصاد اسلامی، به رابطه بهینه بانک مرکزی و دولت دست یابد.

۲. نظریه استقلال بانک مرکزی

پس از بروز تورم‌های مزمن دهه ۱۹۷۰ در اقتصاد آمریکا، اذهان به سمت استقلال بانک مرکزی متمایل شد. در این دوران کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) و بارو و گوردون (۱۹۸۳) با ارائه نظریه ناسازگاری زمانی چگونگی تحمیل تورم به اقتصاد توسط سیاست‌گذار به‌منظور افزایش اشتغال را توضیح دادند و زمینه را برای توسعه این مفهوم مهیا کردند. آنها معتقد بودند که به دلیل فاصله زمانی میان افزایش اشتغال و تورم حاصل از انبساط پولی، سیاست‌گذاران معمولاً با عواقب انبساط پولی مواجه نمی‌شوند؛ از این رو برای سیاست انبساطی انگیزه دارند. در مقابل، عاملان اقتصادی پس از مدتی با اصلاح انتظارات خود، تولید را مانند گذشته افزایش نمی‌دهند. از این جهت سیاست‌های انبساطی بی‌اثر شده و تنها منجر به تورم می‌شوند. بارو و گوردون برای حل این مشکل، تنظیم قواعد رفتاری برای سیاست‌گذار و مقامات پولی را پیشنهاد کردند (Gordon & Barro, 1983). روگوف برای حل این معضل انتصاب سیاست‌گذاران محافظه‌کار که ارتباط مستقیمی با دولت ندارند را پیشنهاد کرد (Rogof, 1985). فیشر نیز استقلال ابزاری را پیشنهاد کرد (Fischer, 1995). بالتسنپرگر و دیگران نیز استقلال در هدف؛ یعنی خودمختاری بانک مرکزی در تعیین اهداف سیاستی را پیشنهاد دادند (Baltensperger, Fischer & Jordan, 2007).

۲-۱. معنای استقلال بانک مرکزی

در ادبیات مربوط به استقلال بانک مرکزی برداشت‌های گوناگونی از این مفهوم شده است. این امر باعث شده تا مفهوم استقلال بانک مرکزی تبدیل به یک مفهوم مشکک با مراتب مختلف شود. نکته قابل توجه، تمرکز تعریف‌های موجود بر استقلال بانک مرکزی از دولت است و در برابر مداخلات نظام بانکی و سرمایه‌داران موضعی اتخاذ نکرده‌اند. نکته بعدی منظور از دولت است. گاهی اوقات منظور از دولت تنها قوه مجریه است، اما در ادبیات اقتصادی مراد از دولت، مجموعه حاکمیت به‌عنوان نیروی فراتر از نیروی بازار است که قادر است به‌صورت دستوری در عملکرد بازار اثرگذار باشد. همان گونه که صندوق جهانی پول دولت را مجموعه‌ای از نهادها تعریف کرده است که از طریق یک فرایند سیاسی ایجاد شده و دارای قدرت قانون‌گذاری، قضاوت و اجرایی در یک محدوده سرزمینی باشند. بر اساس این تعریف تفاوتی میان قوه مجریه، مقننه و قضائیه وجود ندارد و به تمامی آنها دولت اطلاق می‌شود. به همین علت زمانی که مدیریت بانک مرکزی را از قوه مجریه سلب و به دیگر قوا یا مجموعه قوا داده شود، استقلال بانک مرکزی اطلاق نمی‌شود؛ چراکه کماکان مدیریت بانک مرکزی در اختیار حاکمیت و یا دولت به‌معنای اقتصادی است و نیرویی فراتر از نیروی بازار قادر است بر عملکرد آن اثرگذار باشد. نکته مشترک در مباحث مربوط به استقلال بانک مرکزی، ضرورت اتکای این نهاد به سازوکارهای بازار در سیاست‌گذاری پولی و اجرای آن است. به بیان دقیق‌تر، بانک مرکزی مستقل، نهادی است که سیاست‌های پولی خود را بر مبنای قواعد بازار و به‌صورت قاعده‌مند اتخاذ و اجرا می‌کند، نه بر اساس ملاحظات و صلاحیت‌های موردی سیاست‌مداران. میزان تبعیت بانک مرکزی از دستورات دولت در مقابل میزان پابندی آن به قواعد بازار، طیفی از درجات مختلف استقلال را شکل می‌دهد که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. استقلال در ابزار: نازل‌ترین مرتبه استقلال بانک مرکزی، استقلال در ابزار است. استقلال در ابزار به این معناست که بانک مرکزی در انتخاب ابزارهای مناسب برای تحقق هدف تعیین‌شده به‌صورت خودمختار عمل کند (Debelle & Fischer, 1994). در این مرتبه، بانک مرکزی، نهادی دولتی است، اما به او اجازه داده می‌شود به‌منظور تحقق اهداف و اجرای سیاست‌های ارزش‌تعیین‌شده توسط دولت، به‌صورت مستقل و بر اساس صلاحیت خود ابزارهای سیاستی مناسب را برگزیده و به اجرا بگذارد.

۲. استقلال عملیاتی: استقلال عملیاتی به این مطلب اشاره دارد که بانک مرکزی در حیطه عملیات و فرایند اجرای وظایف خود، استقلال و آزادی عمل داشته باشد (Cukierman, 1992). به‌عبارت دیگر، بانک مرکزی علی‌رغم همکاری و تعامل با دولت، در انجام وظایف خود مستقل عمل کند، سیاست‌های پولی مناسب و ابزارهای متناسب با آنها را خود مستقلاً انتخاب کرده و آنها را عملیاتی کند و در این میان، دولت دخالتی نداشته باشد.

۳. استقلال در هدف: بر اساس این تعریف زمانی بانک مرکزی در هدف مستقل شمرده می‌شود که قادر باشد اهداف خود که عموماً ثبات قیمتی است را به‌تنهایی تعیین کند؛ همچنین در هدف‌گذاری ارقام یا بازه شاخص هدف‌گذاری شده آزادی عمل داشته باشد (معدلت، ۱۳۷۵، ص ۱۵۷).

۴. استقلال سیاستی: استقلال سیاستی بیان می‌کند که بانک مرکزی باید قادر باشد در اتخاذ اهداف، ابزارها و سیاست‌های پولی آزادانه و به دور از فشارهای خارجی عمل کند. یک بانک مرکزی مستقل در این معنا نهادی است که اهداف سیاست پولی و ابزارهای آن را به‌صورت خودمختار انتخاب می‌کند (یزدان‌پناه و درودیان، ۱۳۹۹، ص ۴۳؛ Cukierman, 1992). گاهی از استقلال سیاستی تحت عنوان استقلال اقتصادی نیز یاد شده است که در آن بانک مرکزی در سیاست‌گذاری پولی به‌صورت مستقل و خودمختار عمل می‌کند (Elgie & Helen, 1998, p.18).

۵. استقلال مالی: منظور از استقلال مالی بانک مرکزی این است که این نهاد کنترل کاملی بر ساختار ترازنامه (دارایی و بدهی) خود داشته باشد (بوستانی و صلوی‌تبار، ۱۳۹۶)، و قادر باشد ترازنامه خود را مستقل از فشارهای خارجی و بر اساس قاعدهٔ ارزیابی تعیین‌شده و یا صلاحدید خود بر اساس اهداف مشخص‌شده تنظیم کند.

۶. استقلال اداری (پرسنی): استقلال اداری (پرسنی) ناظر بر کاهش مداخلات در انتصاب و برکناری مقامات بانک مرکزی است. طبق این تعریف، عزل و برکناری مقامات پولی باید تنها به دلایل جرم، سوءرفتار و عدم صلاحیت حرفه‌ای باشد (یزدان‌پناه و درودیان، ۱۳۹۹، ص ۴۳).

۷. استقلال سیاسی: استقلال سیاسی بالاترین درجهٔ استقلال بانک مرکزی است و منظور از آن استقلال در مقابل هرگونه دخالت و تأثیرگذاری مقامات سیاسی بر بانک مرکزی است. این اثرگذاری و دخالت اعم از مالی، اداری (پرسنی) و سیاستی است و به‌گونه‌ای همهٔ آنها را شامل می‌شود. در استقلال سیاسی بانک مرکزی نهادی در عرض دولت تعریف شده و دولت هیچ‌گونه احاطه‌ای در هیچ‌یک از ابعاد بانک مرکزی ندارد (یزدان‌پناه و درودیان، ۱۳۹۹، ص ۴۴؛ Bade, R. and parkin, M. 1988).

۲-۲. دلایل موافقان و مخالفان استقلال بانک مرکزی

در رابطه با ضرورت و عدم ضرورت استقلال بانک مرکزی، استدلال‌هایی بیان شده است که در ادامه به‌صورت خلاصه به آنها پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. دلایل موافقان

۱. تأمین مالی مخارج دولت توسط بانک مرکزی: در صورت عدم استقلال بانک مرکزی، دولت‌ها برای پوشش هزینه‌های خود به منابع ارزان قیمت بانک مرکزی روی می‌آورند که منجر به انتشار بیش‌ازحد پول و تورم می‌شود. استقلال بانک مرکزی از دسترسی مستقیم دولت به منابع بانک مرکزی جلوگیری می‌کند و در نتیجه انضباط مالی را ارتقا می‌بخشد (Eakins & Mishkin, 2012, p.210؛ معدلت، ۱۳۷۹، ص ۶۷).

۲. تخصص‌گرایی: سیاست پولی نیازمند دانش و مهارت‌های تخصصی است که سیاست‌مداران ممکن است فاقد آن باشند. یک بانک مرکزی زمانی می‌تواند تصمیمات مناسبی را اتخاذ کند که به دور از فشار سیاسی به فعالیت تخصصی خود بپردازد (Eakins & Mishkin, 2012, p.210).

۳. وجهه و اعتبار بانک مرکزی: بانک مرکزی مستقل، توسط عموم مردم و بازارهای مالی معتبرتر و قابل اعتمادتر تلقی می‌شود. این اعتبار به تثبیت انتظارات تورمی کمک می‌کند و سیاست پولی را مؤثرتر می‌سازد (رفیعی تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۵).
۴. شواهد تجربی: برخی از مطالعات نشان‌دهنده همبستگی بین استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم پایین‌تر است. این شواهد اغلب برای حمایت از این استدلال ذکر می‌شود که استقلال بانک مرکزی برای ثبات اقتصاد کلان مفید است.

۲-۲-۲. دلایل مخالفان

۱. هماهنگی سیاست‌ها: سیاست پولی و سیاست مالی به هم وابسته هستند. استقلال بانک مرکزی می‌تواند منجر به عدم هماهنگی بین این سیاست‌ها شود و اثربخشی آنها را تضعیف کند (معدلت، ۱۳۷۹، ص ۱۰).
 ۲. قابلیت اعمال در کشورهای در حال توسعه: بیشتر مطالعات در مورد استقلال بانک مرکزی بر کشورهای توسعه‌یافته متمرکز شده‌اند. منتقدان استدلال می‌کنند که این یافته‌ها ممکن است برای کشورهای در حال توسعه با ساختارها و نهادهای اقتصادی متفاوت قابل اعمال نباشد.
 ۳. عدم سازگاری با مردم‌سالاری: در یک جامعه مردم‌سالار، دولت در برابر مردم پاسخگو است. استقلال بانک مرکزی می‌تواند وضعیتی را ایجاد کند که در آن سیاست پولی توسط یک نهاد غیرانتخابی مدیریت شود و سیاست‌هایی اجرا شود که خواست عموم جامعه نباشد (Haldane, 2014)، و از سوی دیگر، مدیران بانک مرکزی در برابر مردم پاسخگو نباشند (Epstein & Yeldan, 2009).
 ۴. توزیع ناعادلانه ثروت: برخی از منتقدان استدلال می‌کنند که استقلال بانک مرکزی می‌تواند منجر به سیاست‌هایی شود که منافع صاحبان سرمایه را بر منافع عموم جامعه ترجیح می‌دهد و نابرابری درآمد را تشدید می‌کند (De Haan & Eijffinger, 2016).
 ۵. عدم انحصار کنترل تورم در استقلال بانک مرکزی: منتقدان استدلال می‌کنند که استقلال بانک مرکزی تنها راه دستیابی به ثبات اقتصاد کلان نیست، بلکه چارچوب‌ها و سیاست‌های نظارتی جایگزین نیز می‌توانند مؤثر باشند.
 ۶. عدم توانایی مطالعات آماری در اثبات علیت: منتقدان استدلال می‌کنند که مطالعات نشان‌دهنده همبستگی بین استقلال بانک مرکزی و تورم پایین، علیت را ثابت نمی‌کند؛ چراکه ممکن است استقلال بانک مرکزی و تورم پایین نتیجه عوامل اساسی دیگری مانند تعهد به سیاست‌های اقتصادی سالم باشند (Palley, 2020).
- خلاصه آنکه استقلال بانک مرکزی در ادبیات متعارف نیز نظریه‌ای است که مخالفان سرسختی دارد و این نظریه به‌طور کامل پذیرفته نشده است. حقیقت آن است که تمام مباحث صورت‌گرفته پیرامون این مسئله در فضای اقتصاد متعارف انجام شده و مبتنی بر مبانی فلسفی و اقتصادی اقتصاد متعارف یا همان سرمایه‌داری است. زمانی می‌توانیم ادعا کنیم که یافته‌های ما در این مسئله مطابق با اقتصاد اسلامی است که مبانی به‌کاررفته در مسیر بررسی این مسئله مطابق با مبانی اسلامی باشد. از این جهت برای آنکه موضع اقتصاد اسلامی پیرامون این نظریه را بیابیم، باید

این مبانی را از دید اقتصاد اسلامی بررسی کنیم. اگر این مبانی از سوی اقتصاد اسلامی پذیرفته شود، می‌توان به یافته‌های این نظریه اطمینان کرد، اما اگر این مبانی از سوی اقتصاد اسلامی پذیرفته نشود، این یافته‌ها غیرقابل اعتماد بوده و باید بر اساس مبانی اسلامی، نظام حکمرانی مطلوب بر بانک مرکزی را استخراج کنیم. به همین منظور در ادامه مبانی حاکم بر این نظریه از دید اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. مبانی نظریه استقلال

نظریه استقلال بانک مرکزی ریشه در مبانی نظام سرمایه‌داری، به‌ویژه آموزه‌های نئولیبرالیسم دارد. نئولیبرالیسم با تأکید بر مفهوم «شکست دولت»، بر این باور است که تلاش‌های دولت برای بهبود عملکرد اقتصادی از طریق سیاست‌گذاری، غالباً به دلیل ناکارآمدی یا انگیزه‌های شخصی سیاست‌مداران و کارمندان دولت با شکست مواجه می‌شود. این ایده که به‌عنوان توجیهی برای محدودسازی نقش دولت و حمایت از سیاست‌های دولت حداقلی نئولیبرالی مطرح می‌شود، در حوزه سیاست‌گذاری پولی نیز نمود یافته است. با این استدلال که سیاست‌مداران به دلیل انگیزه‌های سیاسی، توسعه‌ای و بازتوزیعی، تمایل به ایجاد تورم دارند، بر اولویت‌بخشی به کنترل تورم نسبت به سایر اهداف اقتصادی و جداسازی بانک مرکزی از ساختار دولت تأکید می‌کنند (Palley, 2020). بررسی دقیق‌تر استدلال‌های ارائه‌شده در حمایت از ضرورت استقلال بانک مرکزی - به‌ویژه موضوعاتی مانند ناسازگاری زمانی (time-inconsistency) و چرخه تجاری سیاسی (political business cycle) نشان می‌دهد که مبانی نظری این رویکرد در چهار مبانی اصلی ریشه دارد: تلقی بازار به‌عنوان یک هنجار اخلاقی، محدودسازی نقش دولت، هدف‌گذاری رشد و توسعه اقتصادی به‌عنوان غایت نهایی، و تأکید بر فردگرایی و آزادی فردی. در ادامه، هریک از این مبانی نظری به تفصیل مورد تحلیل و نقد قرار خواهد گرفت.

۱. آزادی فردی و فردگرایی: آزادی فردی یکی از بنیادی‌ترین اصول در اقتصاد متعارف محسوب می‌شود. این دیدگاه بر این باور است که پیگیری آزادانه منافع شخصی توسط هر فرد در جامعه، به تأمین منافع کل جامعه منجر خواهد شد؛ زیرا فرض بر این است که منافع افراد در نهایت با منافع جامعه هم‌راستا هستند. آزادی فردی همچنین باعث افزایش انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی شده و در نتیجه، رشد تولید و ارتقای رفاه اجتماعی را به همراه دارد.

در اقتصاد متعارف، تمرکز اصلی تحلیل‌ها بر فرد قرار دارد. این دیدگاه جامعه را متشکل از مجموعه‌ای از افراد مستقل و خودمختار فرض می‌کند که هر کدام مسئولیت زندگی و تصمیمات اقتصادی خود را به‌طور کامل می‌پذیرند. به‌عبارت دیگر، فردگرایی اقتصادی مستلزم پذیرش مسئولیت شخصی، خودانضباطی و تلاش برای دستیابی به موفقیت اقتصادی است. بر همین اساس، موفقیت یا شکست افراد عمدتاً به تصمیمات و انتخاب‌های شخصی آنان نسبت داده می‌شود و اثری برای عوامل ساختاری در نظر نمی‌گیرد. بر همین اساس این دیدگاه، عدالت اجتماعی را امری کم‌اهمیت تلقی کرده و وابستگی به نظام‌های حمایتی را به‌عنوان رفتاری ناپسند معرفی می‌کند.

۲. تلقی بازار به عنوان یک هنجار اخلاقی: در جریان غالب اقتصاد، بازار رقابتی نه تنها به عنوان ابزار تخصیص کارآمد منابع، بلکه به منزله یک نظم اخلاقی و اجتماعی مورد توجه است، که رفتار انسانی و روابط اجتماعی را شکل می دهد. این دیدگاه، رفتار بازار را به یک باور اخلاقی ارتقا می دهد که می تواند به عنوان راهنمای تمامی فعالیت های انسانی جایگزین ارزش های اخلاقی پیشین شود (Harvey, 2005).

اندیشمندانی چون فردریش هایک و ملبتون فریدمن معتقدند که بازارهای آزاد ذاتاً عادلانه هستند؛ زیرا بر مبنای شایستگی، نوآوری و کارایی پاداش می دهند. این فرایند «اخلاقی سازی بازار»، رقابت را به صورت فضیلت و مداخله دولت را عموماً ناکارآمد یا حتی فاسد معرفی می کند؛ برای نمونه، هایک (۱۹۴۴) برنامه ریزی متمرکز دولتی را راهی به سوی استبداد می دانست و تأکید می کرد که بازارهای آزاد، به واسطه تمرکززدایی در فرایند تصمیم گیری، ضامن آزادی فردی هستند.

در این چارچوب، منطق بازار - یعنی رقابت، انتخاب مصرف کننده و منافع شخصی کارآفرین - به عنوان هنجاری جهانی تلقی می شود که باید بر تمامی حوزه های زندگی حاکم گردد. این رویکرد هنجاری، مبنای توجیه سیاست هایی چون مقررات زدایی، خصوصی سازی و ریاضت اقتصادی را نیز فراهم می کند؛ سیاست هایی که از منظر اقتصاد متعارف، برتر و کارا تر از سیاست های رفاه جمعی تلقی می شوند.

۳. نقش محدود دولت: جریان غالب اقتصاد به طور کلی بر کاهش مداخله دولت در اقتصاد تأکید می کند و از سیاست هایی نظیر مقررات زدایی، خصوصی سازی و ریاضت اقتصادی حمایت می کند. در این رویکرد، نقش دولت عمدتاً به ایجاد و اجرای چارچوب های قانونی و نهادی محدود می شود؛ چارچوب هایی که هدف آنها تقویت کارایی عملکرد بازار بدون دخالت مستقیم در فرایندهای اقتصادی است.

در این دیدگاه، مسائل اقتصادی عمدتاً به عنوان مسائلی فنی و پیچیده تلقی می شوند که باید توسط متخصصان مدیریت گردند و تصمیمات مرتبط با توزیع منابع از فضای سیاسی به فضای تخصصی منتقل می شوند. استقلال بانک مرکزی نمونه ای بارز از این تفکر است؛ جایی که سیاست های پولی عمدتاً از فرایندهای سیاسی مردم سالار جدا شده اند تا از آنچه مداخله «غیرمنطقی» سیاسی قلمداد می شود، جلوگیری گردد.

۴. رشد و رفاه اقتصادی: جریان غالب اقتصاد، رشد اقتصادی را به عنوان هدف اصلی جامعه مطرح می کند، با این فرض که تولید ناخالص داخلی بالاتر و افزایش تولید به رفاه بهتر برای همه منجر می شود. این ارزش بر این فرض بنا شده است که یک زندگی آرمانی، آن زندگی است که نهایت رفاه مادی در آن تأمین شده باشد. رفاهی که از طریق بازارهای آزاد و شرکت های خصوصی به دست می آید (Astrolakis, 2014). بنابراین سیاست ها و نهادهای اجتماعی بر اساس سهم آنها در رشد اقتصادی و کارایی بازار ارزیابی می شوند. این هنجار رشد محور اغلب پایداری محیط زیست و توزیع عادلانه را به حاشیه می راند؛ به عنوان مثال، سیاست های نئولیبرالی در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، مانند برنامه های تعدیل ساختاری، انضباط مالی و آزادسازی بازار را بر کاهش فقر اولویت دادند و نابرابری را تشدید کردند (Stiglitz J. E., 2002).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مبانی پیش‌گفته، با مبانی اقتصاد اسلامی سازگار نیست. در اقتصاد اسلامی، عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی جایگاه محوری دارد. از نظر اقتصاد اسلامی، برابند رفتار جمعی تک‌تک افراد منجر به تأمین منافع جامعه نمی‌شود، بلکه در صورتی منافع جامعه تأمین می‌شود که احکام الهی و آموزه‌های اسلامی در جامعه پیاده شوند. معیار عدالت در این حوزه نه منطق صرف بازار، بلکه بر مفاهیم چهارگانه «اعطای حق به ذی‌حق»، «تساوی در استحقاق‌های مساوی»، «توازن» و «اعتدال» استوار است (رجایی و معلمی، ۱۳۹۴، ص ۹۰). بر این اساس، فرصت‌ها و منابع اولیه تولید صرفاً بر مبنای مکانیسم بازار توزیع نمی‌شوند، بلکه اصل بر سهیم بودن همه افراد در این منابع است. افزون بر این، استحقاق اشخاص برای بهره‌مندی از منابع تولید، منحصر به سهم آنان در فرایند تولید از منظر بازار نیست، بلکه نیاز نیز مبنای استحقاق به‌شمار می‌آید (رجایی و معلمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۶). از دیدگاه اقتصاد اسلامی، بازاری رسمیت و مشروعیت می‌یابد که تحت نظارت دولت اسلامی و در چارچوب احکام و موازین اسلامی فعالیت نماید. نتیجه پایبندی به آموزه‌های اسلامی در توزیع منابع طبیعی و فرصت‌های بهره‌مندی از آنها، رعایت قواعد فقهی اسلامی در معاملات، پرهیز از معاملات ربوی، غرری و قمار، دستیابی به توزیع عادلانه منابع، ثروت و درآمد در جامعه خواهد بود.

در نظام اسلامی، دولت و حکومت برخلاف دولت حداقلی در نظام سرمایه‌داری، وظیفه خود را محدود به امور مادی نمی‌داند، بلکه مسئولیت رشد و تعالی همه‌جانبه مادی و معنوی شهروندان را بر عهده می‌گیرد. بر این اساس، دولت اسلامی به‌طور فعال در حوزه اقتصاد مداخله کرده و با هدف تحقق عدالت، رشد، پیشرفت و تأمین رفاه جامعه، از یک‌سو با پدیده‌هایی چون انحصار و احتکار مقابله می‌کند و از سوی دیگر، با برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی، زمینه‌های لازم برای پیشرفت و تعالی جامعه را فراهم می‌آورد (تقوی و جابری، ۱۳۹۹؛ رفیعی آتانی، ۱۳۸۶).

در خصوص هدف نظام اقتصادی، باید توجه داشت که اسلام با رویکردی جامع به ابعاد مختلف زندگی انسان، رشد اقتصادی را تنها یکی از اهداف نظام اقتصادی می‌داند. در چارچوب این نگرش، علاوه بر رشد اقتصادی، اهداف دیگری همچون تحقق رشد منصفانه، عدالت اجتماعی و ارتقای رفاه عادلانه نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. بر این اساس، در اقتصاد اسلامی، سیاست‌گذاری پولی باید به‌گونه‌ای انجام شود که آثار آن بر کاهش فقر، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه فرصت‌های مالی مورد توجه قرار گیرد.

۴. نظریه استقلال بانک مرکزی و مبانی اقتصاد اسلامی

عدم پذیرش مبانی الگوی استقلال بانک مرکزی از سوی آموزه‌های اقتصاد اسلامی موجب می‌شود که این الگو در چارچوب اقتصاد اسلامی قابل استفاده نباشد. از این منظر، تدوین الگوی حکمرانی مناسب برای بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی مستلزم بهره‌گیری از مبانی، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی است؛ موضوعی که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. دولت در اقتصاد اسلامی

در نظام اسلامی واژه‌های ولی، حاکم، امام و دولت مرادف یکدیگر بوده و به‌جای هم به‌کار می‌روند. بر اساس آموزه‌های اسلامی و نص قرآن کریم، حق حکمرانی مختص ذات باری تعالی است (یوسف: ۶۷). از آنجاکه بر پایهٔ نصوص، خداوند متعال اجازهٔ حکمرانی را به رسول، پیشوایان معصوم و اولی الامر داده است، رهبری جامعه مختص رسول، امام و پیشوای معصوم و در زمان غیبت، عالم پرهیزگاری است که افزون بر دانش لازم و توان مدیریتی برای هدایت جامعه، خود به درجه‌ای از تهذیب نفس رسیده باشد که بتواند هادی به‌سوی کمال و پیشرفت باشد. بر این اساس، چنان‌که گذشت، دولت اسلامی را می‌توان به: «حاکمیت ولی بر پایهٔ مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی برای هدایت جامعه به سمت پیشرفت» تعریف کرد. از این‌رو هدف حکومت اسلامی نیل جامعه به کمال و پیشرفت است و دولت موظف است زمینه‌های تحول جامعه به سمت پیشرفت را نیز مهیا کند. یکی از مهم‌ترین لوازم رسیدن جامعه به یگانه هدف والای خود، تأمین نیازهای مادی است. مردم زمانی می‌توانند به نحو احسن به عبادت، علم‌آموزی و خودسازی مشغول باشند که نیازهای مادی آنها برطرف شده باشد. بر همین اساس رفع مشکلات اقتصادی جامعه از دغدغه‌های حکومت اسلامی است.

مطالعهٔ تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که دولت اسلامی نسبت به هدایت جامعه به سمت پیشرفت وظیفه دارد. رسول اکرم ﷺ در روزهای نخست تشکیل حکومت در مدینه به دنبال یافتن فضای کسب‌وکار متناسب با فرهنگ اسلامی بودند. از بازارهای متعددی بازدید کردند و پس از ارزیابی، آنها را مناسب ندیدند؛ از این‌رو زمین خاصی با جانمایی ویژه به بازار اختصاص دادند و دو سیاست حمایتی و واگذاری زمین رایگان و عدم دریافت خراج را اعمال فرمودند. ضوابط و مقررات متعددی در حوزه‌های تجارت، کشاورزی، خدمات، صنعت و روابط اقتصادی مسلمانان وضع کردند.

همچنین اسلام با تنظیم روابط اقتصادی و با در اختیار گرفتن مهم‌ترین عوامل تولید؛ یعنی زمین و منابع طبیعی و توزیع عادلانه آن، زمینه را برای تأمین عدالت اقتصادی فراهم نموده است. در عین حال اگر اختلالی در بازار و اقتصاد پدید آید، به‌صورت مستقیم و فعال وارد شده و تا برطرف شدن اختلال در بازار حضور خواهد داشت (زرع‌نژاد، ۱۳۸۳).

در نتیجه دولت اسلامی سیاست‌گذاری اقتصادی را خود به عهده گرفت و اقتصاد را به بازار و نهادهای اقتصادی پیش از اسلام واگذار نکرد. اسلام هرچند از تجربه‌های اقتصادی جامعه استفاده کرد، اما تصمیم‌گیری نهایی را به آن نسپرد، بلکه خود با امضای برخی قراردادهای و تحریم برخی دیگر، بستر مورد نظر خود را طراحی کرد. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد سیاست‌گذاری اقتصادی دولت اسلامی، وظیفه‌ای است که مورد اتفاق محققان اسلامی است.

۴-۲. بانک مرکزی نهادی حکومتی

یکی از مسائلی که در فهم شیوهٔ حکمرانی مطلوب اسلامی بر بانک مرکزی اثرگذار است، ماهیت نهادی بانک مرکزی است. برای پی بردن به ماهیت نهادی بانک مرکزی ضروری است وظایف بانک مرکزی در اقتصاد را یادآور شویم؛ چراکه بانک مرکزی معمولاً با وظایف آن تعریف می‌شود (Green, & Davies, 2010, p.11). به‌منظور بررسی دقیق‌تر وظایف بانک مرکزی، وظایف را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

۱. وظایف مربوط به مدیریت و هدایت نظام پولی: پول پدیده‌ای اقتصادی است که به‌منظور تسهیل در مبادلات تجاری توسط جوامع انسانی پدید آمده است. حقیقت آن است که پول از لحاظ اقتصادی خنثا نبوده و دارای اثرات متعدد اقتصادی است. عدم احاطه حکومت اسلامی به نظام پولی می‌تواند رشد و پیشرفت، ثبات و امنیت اقتصادی، رفاه و عدالت اجتماعی و اقتصادی را تهدید کند. از این جهت حکومت اسلامی وظیفه مدیریت و هدایت نظام پولی در اقتصاد را به عهده دارد. در ساختار متعارف اقتصادی، وظیفه مدیریت و هدایت نظام پولی به بانک‌های مرکزی سپرده شده است. به‌طور مشخص وظایف بانک مرکزی در این حوزه عبارت‌اند از: نشر اسکناس، حفظ ارزش پول و مدیریت ذخایر خارجی، ایجاد ثبات در بازار ارز، اجرای سیاست‌های پولی و اجرای سیاست‌های اعتباری. از آنجاکه انجام این وظایف توسط بانک مرکزی در راستای انجام وظایف حکومت؛ یعنی برقراری نظم و امنیت در حوزه پولی، تحقق و گسترش عدالت، تأمین رشد و پیشرفت و رفاه جامعه، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه و سیاست‌هاست، بانک مرکزی نهادی حکومتی به‌حساب می‌آید. از سوی دیگر انجام این وظایف ملازم با اعمال اقتدار و تصرف در زندگی و آزادی فردی افراد جامعه است که بیان شد کسی جز خداوند متعال و نماینده‌های او، از چنین حقی برخوردار نیستند.

۲. وظیفه نظارتی: حکومت اسلامی برای انجام وظایف خود در حوزه اقتصاد، نیاز دارد تا سلامت نظام پولی را تأمین کند. نظام پولی معیوب نه تنها کمکی به رشد و پیشرفت اقتصادی جامعه اسلامی نمی‌کند، بلکه مانعی بزرگ برای تحقق اهداف اقتصادی دولت اسلامی است. سلامت نظام پولی زمانی محقق می‌شود که نهادهای پولی به‌درستی به وظایف خود عمل کرده و از اخلال در نظام پولی خودداری کنند. بانک‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای نظام پولی، از قدرت بسزایی در خلق پول برخوردارند و از آنجایی که خلق پول همراه با امتیاز ویژه حق آقایی است، طمع کاران را به سوءاستفاده از این امتیاز وسوسه می‌کند. به همین علت بانک‌ها خصوصاً بانک‌های خصوصی برای خلق بی‌رویه پول و استفاده انحصاری از امتیاز حق آقایی دائماً انگیزه دارند؛ از این‌رو حکومت اسلامی برای تضمین سلامت نظام پولی و مدیریت انحصارات، وظیفه دارد قوانین و آیین‌نامه‌های نظارتی را تدوین کرده و بر حسن اجرای آنها نظارت کند و در صورت تخلف، متخلفان را مجازات کند. در ساختار متعارف اقتصاد، این وظایف نیز به عهده بانک‌های مرکزی گذاشته شده است. همسویی وظایف بانک مرکزی با وظایف حکومت اسلامی در حوزه سلامت نظام پولی و استلزام نظارت و مجازات متخلفان به تصرف در امور زندگی افراد، بانک مرکزی را به نهادی حکومتی تبدیل می‌کند.

۵. نظریه استقلال بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی

پیش از این با بررسی انتقادی مبانی فلسفی و اقتصادی نظریه استقلال بانک مرکزی دانستیم از آنجاکه مبانی فلسفی و اقتصادی این نظریه از نگاه اقتصاد اسلامی قابل پذیرش نیست، یافته‌های آن نیز از نظر اسلام غیرقابل اعتماد است. در رابطه با چگونگی حکمرانی بانک مرکزی در اقتصاد اسلامی باید توجه داشت که حکمرانی ابعاد گوناگون و امور مختلفی دارد. هر امری ممکن است نیازمند نهاد و سازمان ویژه‌ای باشد. استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و

عدالت و مطابق با ضوابط و مقررات اسلامی، هدایت اعتبار و جهت‌دهی نقدینگی به سمت تولید برای رشد اقتصادی کشور، حفظ ارزش پول ملی، مدیریت عرضه و تقاضای ارز، به‌ویژه در دوران جنگ اقتصادی و تحریم و تحقق اهداف و سیاست‌های نظام اسلامی، از وظایف دولت اسلامی در نظام مالی است. انجام این وظایف نیازمند نهاد و سازمان ویژه‌ای است. کارگزار حکمرانی نظام اسلامی در انجام این وظایف بانک مرکزی است. گرچه ممکن است در اصل صنعت بانک در اقتصاد اسلامی تردید وجود داشته باشد، اما باید توجه داشت که ماهیت بانک مرکزی با ماهیت بانک متفاوت بوده و کارکردی غیر از بانک دارد. بانک مرکزی حکمران نظام اسلامی بر بخش پولی اقتصاد است.

از سوی دیگر بر اساس مبانی حکمرانی در اسلام، تنها خداوند متعال حق حکمرانی و حکومت دارد و غیر از او کس دیگری از چنین حقی برخوردار نیست (یوسف: ۶۷)، مگر کسی که خداوند این حق را به او تفویض کرده باشد. بر این اساس حکمرانی بر جامعه و دخالت و تصرف در امور زندگی مردم تنها در صورتی مجاز است که حاکم در طول حاکمیت الهی قرار گیرد. با توجه به این دو مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی بانک مرکزی به‌عنوان جزئی از حاکمیت باید در طول حاکمیت الهی تعریف شود. بر این اساس در زمان غیبت معصومان علیهم‌السلام، بانک مرکزی ذیل حاکمیت ولی فقیه تعریف شده و با تدابیری که ایشان در نظر می‌گیرند اداره می‌شود. عدم استقلال بانک مرکزی از حاکمیت اسلامی به تمامی معانی و مراتب آن، اعم از سیاسی، سیاستی، مالی، هدف و... آن چیزی است که از تعالیم اسلامی به‌دست می‌آید، اما جزئیات حکمرانی بانک مرکزی نظیر چگونگی نصب و عزل رئیس کل، چگونگی نظارت بر عملکرد بانک مرکزی و... بستگی به شرایط زمان و مکان داشته و نمی‌توان نسخه واحدی برای آن ارائه کرد.

۶. حکمرانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پیش از این دانستیم که بر اساس تعالیم اسلامی، حکمرانی بانک مرکزی باید در ذیل حکمرانی ولایت فقیه قرار گیرد، اما اینکه طراحی آن ذیل حکمرانی ولایت فقیه به چه شکلی باشد، بستگی به شرایط و ساختار سیاسی کشور دارد. بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته با توجه به شرایط سیاسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پنج الگو قابل طرح است. در این بخش به بیان این پنج الگو پرداخته و در نهایت الگوی مطلوب معرفی خواهد شد.

۱-۶. حکمرانی فراقوه‌ای بانک مرکزی (تحت نظر ولی فقیه به‌صورت مستقیم)

اولین، ساده‌ترین و آسان‌ترین الگویی که به ذهن می‌رسد، اداره بانک مرکزی به‌صورت فراقوه‌ای و تحت اشراف مستقیم ولی فقیه است. در این الگو، رئیس کل بانک مرکزی مستقیماً توسط ولی فقیه منصوب و عزل می‌شود. اگرچه این الگو در نگاه اول ساده و کارآمد به نظر می‌رسد، اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که با محدودیت‌ها و چالش‌هایی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مواجه است.

محدودیت اصلی این الگو، انطباق‌ناپذیری آن با ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. در جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه به غیر از مواردی که در قانون اساسی تصریح شده است، حق حکمرانی خود را به سه قوه

تفویض نموده است و از طریق این سه قوه به حکمرانی می‌پردازد. بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای حاکم در ایران منحصر به سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است و نهادهای حاکمیتی می‌بایست در یکی از این سه قوه جای گیرند. همچنین مطابق اصل ۶۰ قانون اساسی، امور اجرایی کشور (به‌استثنای مواردی که در قانون اساسی مستقیماً بر عهده رهبری گذاشته شده است) به قوه مجریه تفویض شده است. رویه رفتاری امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام نیز همواره بر ارجاع امور به مجاری قانونی و پرهیز از مداخله مستقیم در امور اجرایی بوده است. البته، تفویض اداره بانک مرکزی به قوه مجریه، نافی اصل ولایت فقیه نیست؛ زیرا ولی فقیه در چارچوب نظام جمهوری اسلامی می‌تواند مسئولیت اداره امور اجرایی؛ از جمله بانک مرکزی را به قوه مجریه تفویض نماید و در صورت صلاحدید، این اختیار را بازپس گیرد.

علاوه بر محدودیت‌های قانونی، تفکیک بانک مرکزی از قوه مجریه می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی در هماهنگی سیاست‌های اقتصادی شود. بانک مرکزی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی، نیازمند هماهنگی نزدیک با سایر نهادهای اقتصادی دولت؛ از جمله سازمان امور مالیاتی و سازمان برنامه و بودجه است. ناهماهنگی بین این نهادها می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اقتصادی و تضعیف اثربخشی سیاست‌های اقتصادی گردد. از آنجاکه سازمان امور مالیاتی و سازمان برنامه و بودجه زیر نظر دولت اداره می‌شوند، منطقی است که بانک مرکزی نیز در همین راستا مدیریت و نظارت شود.

طرح این فرضیه که قوه مجریه فاقد صلاحیت لازم برای اداره بانک مرکزی است، این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا این عدم صلاحیت به سایر نهادهای اقتصادی دولت نیز قابل تعمیم است؟ به عبارت دیگر، اگر قوه مجریه قادر به اداره صحیح بانک مرکزی نباشد، آیا می‌تواند با سوءاستفاده از نهادهای مالیاتی و بودجه‌ای، منافع کوتاه‌مدت را بر منافع بلندمدت کشور ترجیح دهد و موجبات بی‌ثباتی اقتصادی را فراهم آورد؟ درواقع، بسیاری از استدلال‌هایی که در حمایت از استقلال بانک مرکزی مطرح می‌شوند، می‌توانند به استقلال سایر نهادهای اقتصادی دولت نیز تسری یابند.

۲-۶. حکمرانی قوه مقننه بر بانک مرکزی

الگوی دیگری که به ذهن می‌رسد، حکمرانی قوه مقننه بر بانک مرکزی است. در این الگو، به‌منظور کاهش سلطه قوه مجریه بر بانک مرکزی، حکمرانی آن از قوه مجریه سلب شده و به قوه مقننه اعطا می‌شود. در این الگو، رئیس کل توسط رأی نمایندگان منصوب شده و توسط ایشان نیز مورد نظارت قرار می‌گیرد. مزیت این الگو آن است که انتصاب رئیس کل بانک مرکزی و نظارت بر بانک توسط جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام شده و طیف وسیعی از علایق و سلاقی سیاسی را دربر می‌گیرد. حکمرانی بانک مرکزی در این الگو در ساختار سیاسی کشور در ذیل قوه مقننه تعریف شده و رئیس کل با رأی نمایندگان مردم و تحت اشراف غیرمستقیم ولی فقیه منصوب می‌شود. این الگو در کنار این مزایا، معایب مختلفی دارد که نمی‌توان به سادگی از آنها چشم‌پوشی کرد. نخست آنکه جدایی بانک مرکزی از قوه مجریه موجب عدم هماهنگی میان نهادهای اقتصادی خواهد شد که بیان آن گذشت؛ دوم آنکه نمی‌توان مدیریت بانک مرکزی را در زمره وظایف مجلس شورای اسلامی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده

جای داد و اساساً قوه مقننه برای چنین امری طراحی نشده و نمایندگان نیز تخصص کافی برای مدیریت و نظارت بر عملکرد رئیس کل بانک مرکزی را ندارند؛ جدای از آنکه این الگو با اصول ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی که مسئولیت امور اجرایی به غیر از مواردی که مستقیماً زیر نظر رهبری است را به قوه مجریه و رئیس جمهور داده است، همخوانی ندارد؛ علاوه بر آنکه انگیزه نمایندگان مجلس برای تحت فشار قرار دادن بانک مرکزی برای انبساط پایه پولی و اعطای منابع به مناطق حوزه انتخابیه آنها، اگر بیشتر از قوه مجریه نباشد، قطعاً کمتر خواهد بود.

۳-۶. حکمرانی مشترک سه قوه بر بانک مرکزی

سومین الگو، حکمرانی مشترک سه قوه بر بانک مرکزی است. به این صورت که شورایی متشکل از سه قوه به صورت مشترک مدیریت بانک مرکزی را به عهده داشته و رئیس کل بانک مرکزی بر اساس تصمیم‌گیری این شورا نصب و یا عزل شود. بر اساس این الگو، هر سه قوه بر عملکرد بانک مرکزی احاطه داشته و امکان فشار به بانک مرکزی برای تأمین مالی مخارج دولت و یا طرح‌های حوزه‌های انتخابیه نمایندگان مجلس کاهش می‌یابد. در این الگو قدرت قوای مقننه و قضائیه برای نظارت بر عملکرد این نهاد کلیدی افزایش یافته و امکان سوءاستفاده از منابع بانک مرکزی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر این الگو در ساختار سیاسی کشور قابل طرح بوده و در ساختار حکمرانی ولی فقیه تعریف می‌شود. در کنار مزایایی که برای این الگو ذکر شد، معایبی وجود دارد که این الگو را نامطلوب می‌کند. نخست آنکه مدیریت شورایی بانک مرکزی که متشکل از سران و یا نمایندگان سه قوه است، مدیریت بانک مرکزی را با دشواری مواجه می‌کند. احاطه بر بانک مرکزی توسط سه قوه مجزا که هر کدام دغدغه‌های خاص خود را دارند، باعث می‌شود تا بانک مرکزی قادر به پیگیری یک سیاست پولی خاص نباشد و درگیر منازعات سیاسی شود؛ علاوه بر آن، قوای مقننه و قضائیه از تخصص و تجربه کافی برای مدیریت بانک مرکزی و نظام پولی برخوردار نیستند و اعمال قدرت و نفوذ آنها در مدیریت بانک مرکزی، مشکلاتی را در نظام پولی کشور پدید خواهد آورد. از سوی دیگر، در این الگو تسلط دولت بر بانک مرکزی کاهش می‌یابد و این امر می‌تواند عامل بروز ناهماهنگی در نهادهای اقتصادی دولت شود؛ علاوه بر آنکه این الگو بر خلاف فلسفه تفکیک قوا بوده و با اصل ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی که امور اجرایی را به عهده رئیس جمهور و قوه مجریه گذاشته است، منافات دارد. البته می‌توان حضور نمایندگان قوه مقننه و قوه قضائیه را در هیئت عالی بانک مرکزی به منظور تبادل آرا و نظارت بیشتر قوه قضائیه بر عملکرد بانک مرکزی و تسلط قوه مقننه بر عملکرد بانک و تسهیل در امر قانون‌گذاری را پذیرفت، اما تصمیم‌گیری نهایی و سیاست‌گذاری اقتصادی نباید از اختیار قوه مجریه خارج شود.

۴-۶. حکمرانی دولت بر بانک مرکزی به شکل کنونی

شاید به ذهن برسد که اگر نتوان بانک مرکزی را از ذیل قوای سه‌گانه خارج کرد و همچنین نتوان آن را در ذیل قوای دیگر و یا به صورت شورایی تحت نظر هر سه قوه ترسیم کرد؛ پس باید آن را به شکل کنونی در ذیل قوه مجریه پذیرفت. ساختار حکمرانی بانک مرکزی به شکل کنونی با مشکلاتی مواجه است که نمی‌توان به سادگی از آنها عبور کرد. نخست آنکه علی‌رغم استقلال مالی که به بانک مرکزی اعطا شده است، به جهت نبود استقلال سیاسی و امکان عزل و نصب رئیس کل

توسط رئیس‌جمهور، سیاست‌گذار پولی به‌صورت کامل در اختیار قوهٔ مجریه بوده و رئیس‌جمهور از طریق عزل و نصب قادر به دخالت در سیاست‌گذاری پولی است. از سوی دیگر، هرچند اهداف کلی نظام پولی همچون نرخ تورم در اسناد بالادستی همچون برنامه‌های پنج ساله توسعه بیان می‌شود، اما به جهت نبود سازوکار نظارت کارآمد بر اجرای سیاست‌های کلان، سیاست پولی به امری سلیقه‌ای مبدل شده است و سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی با تغییر رؤسای کل تغییر می‌کند.

از سوی دیگر ساختار کنونی باعث شده تا مجلس توان نظارت مؤثر بر بانک مرکزی را نداشته باشد؛ چراکه رئیس‌کل توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود و از لحاظ قانونی، مجلس برای نظارت و در ادامه استیضاح باید از طریق رئیس‌جمهور اقدام کند؛ یعنی مجلس برای پرسیدن سؤال و یا استیضاح نمی‌تواند مستقیماً رئیس‌کل را مخاطب قرار دهد. در صورتی که مجلس سؤالی از رئیس‌کل داشته باشد، باید رئیس‌جمهور را به مجلس احضار کرده و از او سؤال کرده و یا او را استیضاح کند. طبیعی است چنین امری از لحاظ سیاسی دشوار بوده و تبعات سنگینی را برای نظام سیاسی کشور به دنبال دارد. همین امر باعث شده تا مجلس به سادگی قادر به نظارت نباشد و نتواند بانک مرکزی را در مقابل مجلس پاسخگو کند؛ بنابراین به‌نحوی خلاً نظارتی پدید می‌آید.

در نتیجه نیاز به الگویی است که علی‌رغم تسلط قوهٔ مجریه بر بانک مرکزی، سیاست‌گذار پولی را منظم کرده و ضمانت اجرای اسناد بالادستی را ایجاد کند و همچنین بانک مرکزی را در مقابل مجلس شورای اسلامی و مردم پاسخگو کند.

۵-۶. الگوی مطلوب حکمرانی بر بانک مرکزی

اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوای حاکم را به سه قوهٔ مجریه، مقننه و قضائیه تقسیم می‌کند. از آنجاکه بانک مرکزی نهادی حکومتی و اجرایی است، لاجرم باید زیر نظر قوهٔ مجریه قرار گیرد. از آنجایی که سیاست‌مداران، دولتمردان و مدیران در جمهوری اسلامی با رأی مردم انتخاب می‌شوند، امین مردم در نظر گرفته شده و برای اطمینان از عملکرد آنها توسط نمایندگان مردم مورد نظارت قرار می‌گیرند.

بر این اساس در الگوی مطلوب، حکمرانی بانک مرکزی بایستی در اختیار قوهٔ مجریه باشد و مجلس نیز قادر به نظارت مستقیم و کارا بر عملکرد بانک مرکزی باشد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود انتصاب رئیس‌کل در اختیار رئیس‌جمهور باشد، اما به‌منظور نظارت مستقیم مجلس بر عملکرد بانک مرکزی و امکان احضار رئیس‌کل به مجلس و سؤال و استیضاح او، بانک مرکزی در مقام وزارتخانه قرار گیرد و رئیس‌کل نیز همچون وزرا با رأی اعتماد مجلس شروع به کار کند و به‌صورت مستقیم تحت نظارت مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. در این الگو، بانک مرکزی در قالب یک وزارتخانه به‌عنوان بدنهٔ اجرایی حکومت و جزئی از قوهٔ مجریه به انجام وظیفه خواهد پرداخت. چارچوب رفتاری بانک مرکزی نیز مشابه سایر نهادهای تابعهٔ قوهٔ مجریه، توسط قوهٔ مقننه تعیین می‌شود. در نتیجه، قوهٔ مجریه نمی‌تواند بانک مرکزی را مطابق میل خود اداره و از منابع آن به دلخواه استفاده نماید.

علاوه بر آن، با توجه به اتخاذ مبنای اقتصادی عدم خنثایی پول و تأثیر سیاست‌های هدایت اعتبار در افزایش تولید، رفاه و کاهش بیکاری، محدود کردن اهداف بانک مرکزی به کنترل تورم غیرموجه به نظر می‌رسد. بر این اساس، بانک

مرکزی علاوه بر الزام به کنترل تورم، موظف است سیاست‌های پولی و اعتباری را به گونه‌ای اجرا کند که به افزایش تولید، تعالی رفاه و کاهش بیکاری منجر شود. در این الگو، میزان اولویت کنترل تورم بر دیگر اهداف ذکر شده برای بانک مرکزی به صورت مشترک توسط قوه مجریه و قوه مقننه با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور مشخص می‌شود. همچنین به منظور تدوین و اجرای صحیح سیاست‌های پولی و اعتباری حضور وزرای اقتصادی هیئت دولت؛ یعنی وزیر صمت، کشاورزی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزیر نفت و یا نمایندگان آنها در شورای عالی ضروری به نظر می‌رسد. بازگشت بانک مرکزی به بدنه دولت، سبب همدلی بیشتر خواهد شد. در این صورت قوه مجریه بانک مرکزی را جزئی از خود می‌داند که موفقیت آن موفقیت دولت و شکست آن شکست دولت است. در این صورت انتظار می‌رود همکاری بیشتری با بانک مرکزی داشته و از فشار سیاسی مضاعف برای تأمین مالی بپرهیزد.

از سوی دیگر، با توجه به اهمیت اهداف نظام پولی مقرر شده قانون و برای اطمینان از تحقق این اهداف، باید سازوکار نظارت را تقویت نمود و توجه ویژه‌ای به نظارت بر عملکرد بانک مرکزی داشت. قدم اول برای تقویت نظارت بر بانک مرکزی بیان کمی و دقیق اهداف و انتظارات از بانک مرکزی است. در ماده ۳ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پنج هدف برای بانک مرکزی در نظر گرفته شده است: ۱. مهار (کنترل) تورم؛ ۲. ثبات و سلامت شبکه بانکی و سایر اشخاص تحت نظارت؛ ۳. حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال؛ ۴. کمک به حفظ و ارتقای ارزش پول ملی؛ ۵. کمک به تحقق عدالت اجتماعی. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود تا اهداف کمی تورم، نرخ رشد نقدینگی، شاخص‌های سلامت شبکه بانکی، میزان تسهیلات تکلیفی و حمایتی و حداکثر نرخ رشد پنج نرخ ارزش خارجی پرمصرف، به صورت مشخص در اسناد بالادستی همچون قانون پنج ساله توسعه و یا قانون بودجه بیان شود.

قدم دوم برای تقویت نظارت، داشتن شاخص کمی و مشخصی است که بیانگر میزان تحقق اهداف بانک مرکزی باشد. به این منظور پیشنهاد می‌شود شاخصی معرفی شود تا میزان تحقق اهدافی که از قبل به صورت کمی تعیین شده‌اند را بررسی کند. به این منظور باید نرخ تورم محقق شده با نرخ تورم هدف گذاری شده، نرخ رشد نقدینگی محقق شده با نرخ رشد نقدینگی هدف گذاری شده، میزان تسهیلات تکلیفی اعطاشده با میزان تسهیلات تکلیفی تعیین شده، میزان کاهش ارزش پول ملی در مقابل سبده از پنج ارز پرمصرف خارجی و شاخص سلامت نظام بانکی با مقادیر تعیین شده در قوانین مقایسه شود.

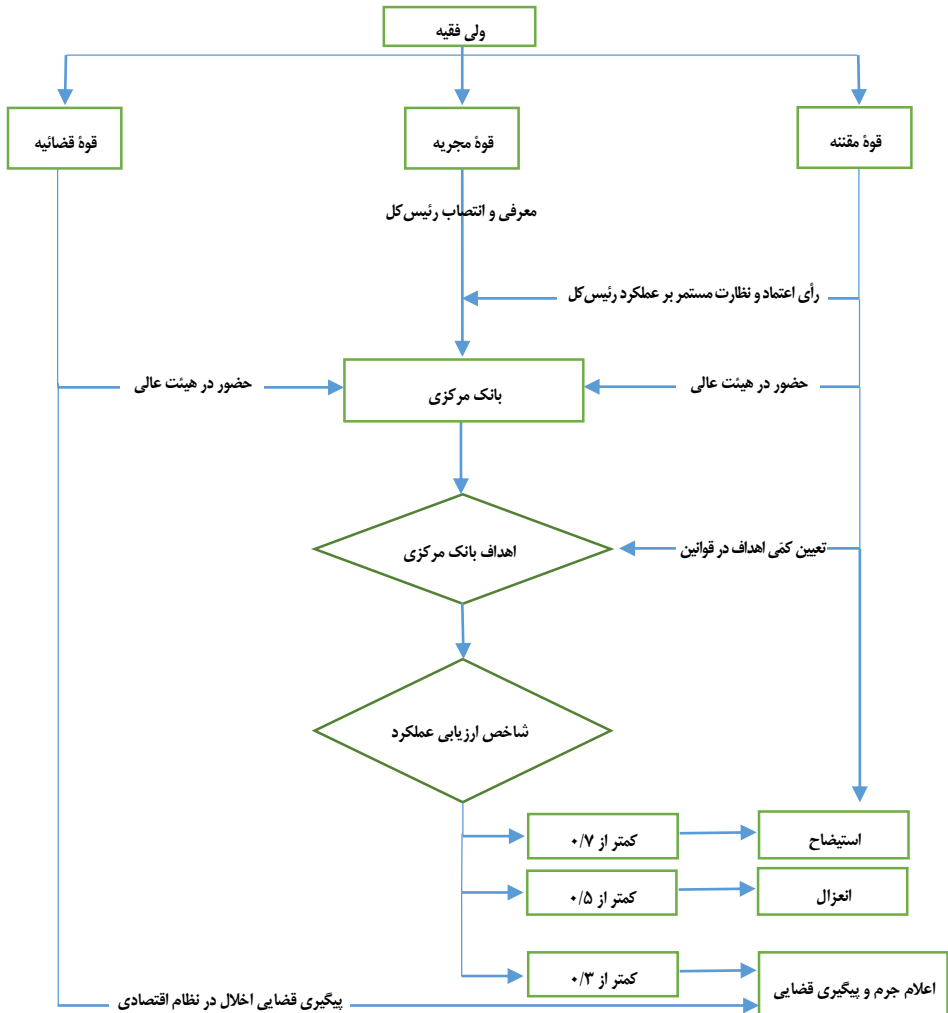
$$\begin{aligned}
 & \text{نرخ رشد نقدینگی محقق شده} \\
 & \text{نرخ رشد نقدینگی هدفگذاری شده} + \beta_2 \frac{\text{تورم محقق شده}}{\text{تورم هدفگذاری شده}} + \beta_1 \frac{\text{شاخص ارزیابی عملکرد بانک مرکزی}}{\text{میانگین وزنی شاخص های سلامت بانکی}} \\
 & + \beta_3 \left(1 - \frac{\text{میزان تسهیلات تکلیفی اعطا شده}}{\text{میزان تسهیلات تکلیفی هدفگذاری شده}} \right) + \beta_4 \frac{\text{میانگین موزون نرخ رشد ۵ ارز خارجی پرمصرف}}{\text{نرخ رشد ارز هدفگذاری شده}} + \beta_5 \frac{\text{مقادیر مشخص شده}}{\text{میانگین وزنی شاخص های سلامت بانکی}}
 \end{aligned}$$

در این شاخص، در صورت تحقق تمامی اهداف در نظر گرفته شده، عدد یک به دست می‌آید. در صورتی که اهداف به صورت کامل محقق نشوند، عدد شاخص بیشتر از یک خواهد شد. پس از معرفی شاخص کمی، نوبت به طراحی شیوه نظارت می‌رسد. پیشنهاد می‌شود سازوکار قانونی اندیشیده شود تا نهایتاً بعد از گذشت ۲ ماه از پایان سال این شاخص محاسبه شود و در صورتی که شاخص به بیشتر از ۱/۵ برسد، بدون نیاز به درخواست نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس کل بانک مرکزی به مجلس شورای اسلامی احضار شده و به بیان توضیحات پیرامون شکست بانک مرکزی در تحقق کامل اهداف بپردازد؛ پس از ارائه توضیحات، رئیس کل در صورتی می‌تواند به بانک مرکزی بازگردد، که توانسته باشد نمایندگان را قانع کند و رأی اعتماد آنها را مجدداً کسب کند؛ در غیر این صورت رئیس کل عزل می‌شود. در صورت کسب مجدد رأی اعتماد، رئیس کل پس از بازگشت به بانک مرکزی تنها یک سال فرصت خواهد داشت تا شاخص را افزایش داده و به بیش از ۱/۵ برساند؛ در غیر این صورت پس از یک سال رئیس کل بانک مرکزی منعزل خواهد شد. چنانچه این شاخص به بیش از ۲ برسد نیز رئیس کل منعزل محسوب خواهد شد. اگر در طول ریاست رئیس کل این شاخص به عددی بیش از ۳ برسد، علیه رئیس کل اعلام جرم خواهد شد؛ چراکه در این صورت سوءمدیریت بانک مرکزی موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور خواهد شد. پیشنهاد می‌شود مرجع محاسبه این شاخص مجتمع تشخیص مصلحت نظام معرفی شود.

در این الگو، هرچند استقلال بانک مرکزی از حاکمیت در هیچ سطحی اعم از سیاسی، مالی، سیاستی و... به رسمیت شناخته نمی‌شود و اهداف و وظایف بانک مرکزی در کنترل تورم خلاصه نمی‌شود، اما اختیار اداره بانک مرکزی به صورت سلیقه‌ای از قوه مجریه سلب می‌شود. در این چارچوب، در کنار معرفی، نصب و عزل رئیس کل بانک مرکزی توسط قوه مجریه، اهداف بانک مرکزی، میزان و نحوه خلق و انتشار پول و سیاست‌های پولی و اعتباری از سوی حاکمیت (قوه مجریه و مقننه) تعیین شده و بانک مرکزی استقلالی در این زمینه‌ها نخواهد داشت. شایان ذکر است که در این الگو سیاست‌های پولی و اعتباری به صورت سلیقه‌ای تدوین نمی‌شود، بلکه توسط بانک مرکزی و دولت به مجلس ارائه شده و پس از تصویب مجلس، به بانک مرکزی ابلاغ می‌شود؛ روندی مشابه آنچه در سایر مسائل مربوط به قوه مجریه طی می‌شود.

وجه تمایز و نوآوری این الگو نسبت به الگوهای مشابه، در عدم اعطای هرگونه استقلال (اعم از استقلال سیاسی، مالی و سیاستی) به بانک مرکزی در عین سلب امکان سیاست‌گذاری پولی سلیقه‌ای، ارائه شاخص‌های مشخص برای ارزیابی عملکرد بانک مرکزی، و همچنین ارائه سازوکار نظام‌مند به منظور نظارت مؤثر بر عملکرد این نهاد است.

الگوی مطلوب حکمرانی بر بانک مرکزی



نتیجه گیری

نظریه استقلال بانک مرکزی بر اساس یک سری مبانی فکری، فلسفی و اقتصادی سعی بر برطرف کردن مشکل تورم حاصل از فشار تقاضایی دارد که بر اثر سیاست‌های پولی انبساطی بانک مرکزی به تبعیت از فشارهای حاکمیت پدید آمده‌اند. نظریه استقلال بانک مرکزی بر اساس تفکر فلسفی دئیسم، ضرورت عدم دخالت دولت و آزادی فردی و مبنای اقتصادی خنثایی پول بنا شده است. در این مقاله مبانی فلسفی این نظریه با نگاه انتقادی بررسی شد و بر اساس ارزش‌ها و معارف اسلامی مردود شناخته شد. مبنای اقتصادی نیز مورد بررسی قرار گرفت و آن نیز مورد قبول واقع نشد.

بر اساس مبانی اسلامی حکمرانی تنها از آن خداوند متعال و فرستادگان اوست. معصومان (ع) و در زمان غیبت ایشان ولی فقیه، افرادی هستند که از سوی خداوند متعال به عنوان حاکم معرفی شده‌اند. هرگونه حکمرانی در جامعه اسلامی باید تحت اشراف و حاکمیت حاکمان الهی صورت پذیرد. هدف از حکومت اسلامی، زمینه‌سازی برای رسیدن شهروندان به هدف غایی خلقت؛ یعنی رسیدن انسان به کمال نهایی خود و مقام عبودیت و قرب الهی است. وظایف حکومت اسلامی در زمینه اقتصاد نیز بر همین اساس شکل می‌گیرد. دولت اسلامی وظیفه دارد تا رفاه نسبی را برای شهروندان خود مهیا کند تا آنها در آرامش و آسایش به عبادت خداوند و انجام وظایف دینی خود بپردازند. از آنجاکه هدف حکومت زمینه‌سازی برای رسیدن شهروندان به هدف غایی خلقت است، تفکیک و تمایزی میان اهداف شهروندان و حکومت قابل تصور نیست؛ از این رو حکومت اسلامی انگیزه‌ای برای فریب شهروندان و سوءاستفاده از اعتماد آنها ندارد. از سوی دیگر، هدف کارگزاران حکومت اسلامی نیز با اهداف کارگزاران حکومت‌های غیراسلامی متفاوت است. کارگزاران حکومت اسلامی، خدمتگزاری به مردم را وسیله‌ای برای حداکثرسازی مطلوبیت دنیوی و اخروی خود دانسته و فریب و خیانت به مردم را عامل بدبختی خود می‌دانند.

با توجه به این مقدمات می‌توان ادعا کرد، از آنجایی که بانک مرکزی نهادی حاکمیتی است و جزئی از حکومت به حساب می‌آید، حاکمیت آن باید در طول حاکمیت الهی تعریف شود؛ بنابراین در زمان غیبت معصومان (ع)، بانک مرکزی ذیل حاکمیت ولی فقیه تعریف شده و با تدابیری که ایشان در نظر می‌گیرند اداره می‌شود. البته باید به این نکته توجه داشت که از تعالیم اسلامی تنها می‌توان نتیجه گرفته که استقلال بانک مرکزی از حاکمیت امکان‌پذیر نیست، اما چگونگی تعریف بانک مرکزی در ساختار سیاسی بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد.

در ساختار جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی با توجه به شأن اجرایی که دارد، ذیل قوه مجریه تعریف می‌شود، اما به منظور افزایش توان نظارت مجلس شورای اسلامی بر عملکرد بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود: اولاً رئیس کل همچون وزرا با رأی اعتماد مجلس وارد کابینه دولت شود؛ ثانیاً اهداف سیاستی این نهاد همچون نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی و همچنین سهم هریک از منابع پایه پولی در رشد نقدینگی سالانه در لایحه بودجه مشخص شود تا در صورت تخطی، مجلس شورای اسلامی قادر باشد با استفاده از ابزارهای نظارتی خود با متخلفان برخورد کند؛ ثالثاً عملکرد بانک مرکزی بر اساس شاخص ارائه شده در این مقاله ارزیابی شده و در صورتی که شاخص به بیش از ۱٫۵ رسید، رئیس کل بدون نیاز به درخواست نمایندگان استیضاح شود. در صورت افزایش شاخص به بیش از ۲، رئیس کل منعزل شده و در صورتی که شاخص به بیش از ۳ برسد، قوه قضائیه علیه رئیس کل به علت اخلال در نظام اقتصادی اعلام جرم کند.

وجه تمایز و نوآوری این الگو نسبت به الگوهای مشابه، در عدم اعطای هرگونه استقلال (اعم از استقلال سیاسی، مالی و سیاستی) به بانک مرکزی در عین سلب امکان سیاست‌گذاری پولی سلیقه‌ای، ارائه شاخص‌های مشخص برای ارزیابی عملکرد بانک مرکزی و همچنین ارائه سازوکار نظام‌مند به منظور نظارت مؤثر بر عملکرد این نهاد است.

منابع

قرآن کریم.

- احمد صومعه‌سرای، نوشین (۱۳۷۸). بررسی ارتباط درجه استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر ایران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه مازندران.
- بایزیدی، رحمن (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای مبانی نظری استقلال بانک مرکزی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد. دانشگاه علوم اقتصادی تهران.
- برزگر، نیکسا (۱۳۹۴). تأثیر استقلال بانک مرکزی بر عملکرد نظام هدف‌گذاری تورم در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی.
- بوسستانی، رضا و صلوی تبار، شیرین (۱۳۹۶). بررسی استقلال بانک مرکزی از بعد مالی. روند، ۲۴(۷۸)، ۱۰۸-۷۵.
- تقوی، محمدآصف و جابری، علی (۱۳۹۹). بررسی قلمرو دخالت حکومت اسلامی در اقتصاد. حکومت اسلامی، ۲۵(۳)، ۱۲۶-۱۵۸.
- تقی‌پور، انوشیروان و دیگران (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم در ایران. برنامه‌ریزی و بودجه، ۹(۲)، ۵۹-۹۳.
- توسلی، اسماعیل (۱۳۸۴). بررسی استقلال بانک مرکزی در نظام دموکراسی غربی و نظام مردم‌سالاری دینی. رواق هنر و اندیشه، ۴(۴۱).
- جعفرخانی، مهسا (۱۳۹۴). بررسی نظری و تجربی مسئله استقلال بانک مرکزی: رهیافت برای اقتصاد ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد.
- جعفری صمیمی، احمد و درخشانی درآبی، کاوه (۱۳۹۴). استقلال بانک مرکزی در ایران: تحلیل نظری و تجربی. پژوهش‌های پولی و بانکی، ۸(۲۴)، ۱۶۷-۱۹۰.
- حبیبی، محمد (۱۳۷۷). استقلال بانک مرکزی و ارتباط آن با میزان تورم در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی.
- حیدری، حسن (۱۳۷۵). استقلال بانک مرکزی و جایگاه آن در نظام پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۹۹). بررسی فقهی سیاست مالیات تورمی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- درویدیان، حسین (۱۴۰۱). معماران پول، روایتی نواز نقش بانک‌ها در خلق پول. تهران: نهادگرا.
- رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۱). اقتصاد خرد با نگاهی به مباحث اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رجایی، سیدمحمدکاظم و معلمی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۴). درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رحمانی، تیمور و صادق‌زاده، محمدامین (۱۳۸۹). تأثیر استقلال بانک مرکزی بر مبادله تورم بیکاری. پول و اقتصاد، ۲(۶)، ۲۳۴-۲۱۳.
- رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۸۶). جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام (دولت مصالح). اقتصاد اسلامی، ۷(۲۸)، ۳۷-۵۹.
- رفیعی تفرشی، مهدی (۱۳۷۸). استقلال بانک مرکزی، مبانی نظری، تجربی و جنبه‌های کاربردی آن در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- زراره‌نژاد، منصور (۱۳۸۳). دخالت دولت در نظام اقتصادی از دیدگاه نظام اقتصادی اسلام. اقتصاد مقداری، ۱(۱)، ۷-۲۲.
- زرین اقبال، حسن، جعفری صمیمی، احمد و طهرانچیان، امیرمنصور (۱۳۹۷). تأثیر استقلال بانک مرکزی بر نوسانات تولید و تورم در ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۸(۳۰)، ۳۳-۵۴.
- سوری، مرضیه (۱۳۹۹). بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر تعامل حجم نقدینگی بر تورم در ایران. تهران: دانشگاه خاتم.
- شیرمنه‌چی، محمدباقر (۱۳۹۹). فراتحلیل رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم: رهیافتی اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

- عسگری، بهنام (۱۳۸۹). تأثیر استقلال بانک مرکزی بر نظام مدیریت نقدینگی: مورد مطالعه کشورهای صادرکننده نفت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- قربانی، رضا (۱۳۹۴). بررسی میزان استقلال بانک مرکزی و نقش آن در کاهش یا افزایش نرخ رشد تورم در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مرکز پیام نور تهران غرب.
- کمیحانی، اکبر و دیگران (۱۳۹۱). هدف اصلی سیاست پولی و نهاد تعیین‌کننده آن در نظام اقتصادی اسلام. معرفت اقتصاد/اسلامی، ۲(۳)، ۱۲۳-۱۴۴.
- معدلت، کوروش (۱۳۷۵). اهمیت اقتصادی استقلال بانک مرکزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- معدلت، کوروش (۱۳۷۹). بررسی جایگاه و ساختار مطلوب بانک مرکزی. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی پژوهشکده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- مقامی، محمد (۱۳۹۷). بررسی تأثیر بدهی عمومی و تورم بر استقلال بانک مرکزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی نراق.
- میراحمدی هوتکی، محبوبه (۱۳۹۳). بررسی استقلال بانک مرکزی و رابطه آن با نقدینگی. کرمان: دانشگاه باهنر کرمان.
- واحدی، محدثه (۱۳۹۴). بررسی اثر استقلال بانک مرکزی بر بی‌ثباتی مالی: مطالعه موردی کشورهای منطقه منا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه محدث نوری.
- همایونی، علی (۱۳۹۵). نقش نهادهای سیاسی در اثربخشی استقلال بانک مرکزی. پایان‌نامه دانشگاه محدث نوری.
- یزدان‌پناه، محسن و درودیان، حسین (۱۳۹۹). بانکداری مرکزی و توسعه، الگویی بدیل از حکمرانی پولی در بستر بحران بانکی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- Alesina, A. (1988). Macroeconomics and Politics. *NBER Macroeconomics*, 3, 52-17.
- Alesina, A. & Summers, L. H. (1993). Central Bank Independence and Macroeconomic Performance: Some Comparative Evidence. *Journal of Money, Credit and Banking*, 25(2), 151-162.
- Astroulakis, N. (2014). An Ethical Analysis of Neoliberal Capitalism: Alternative.
- Bade, R. & Parkin, M. (1988). Central Bank Laws and Monetary Policy. Department of Economics University of Western Ontario.
- Baltensperger, E., Fischer, A & Jordan, T. (2007). Strong goal independence and inflation targets. *European Journal of Political Economy*, 23(1), 105-88.
- Barro, R., J. and Gordon, D. (۱۹۸۳). Rules Discretion and Reputation in a Model of Monetary Policy. *Journal of Monetary Economics*, 12(1), 101-121.
- Best, J. (2018). technocratic exceptionalism monetary policy and the fear of democracy. *International Political Sociology*.
- Campillo, M. & Miron, J. (1997). Why does inflation differ across countries? In C. D. Romer & D. H. Romer (Eds.), *Reducing inflation: Motivation and strategy* (p. 336-357) University of Chicago press.
- Cukierman, A. (1992). Central Bank Strategy, Credibility, and Independence: Theory and Evidence. Cambridge.

- Cukierman, A., Webb, S. B. & Neyapati, B. (1992). Measuring the Independence of Central Banks and Its Effect on Policy Outcomes. *The World Bank Economic Review*, 6(3), 353-398.
- Green, D. & Davies, H. (2010). *Banking on the Future: the fall and rise of central banking*. New jersey: Princeton University Press.
- De Haan, J. & Eijffinger, S. (2016). *THE Politics of Ventral Bank Independence*. De Nederlandsche Bank Working Paper.
- Debelle, G. & Fischer, S. (1994). How Independent Should a Central Bank be? *Federal Reserve Bank of Boston*, 38, 195-225.
- Elgie, R. & Helen, T. (1998). *The Politics of Central Banks*. Routledge.
- Epstein, G. A. & Yeldan, E. (2009). *Beyond inflation targeting: assessing the impacts and policy alternatives*. Edward Elgar Publishing.
- Fischer, S. (1995). Central-Bank Independence Revisited. *The American Economic Review*.
- Grilli, V., Masxiandaro, D. & Tabellini, G. (1991). Political and monetary institutions and public financial policies in the industrial countries. *Economic Policy*, 7, 341-392.
- Haldane, A. G. (2014). *Central bank Psychology Speechat the Leadership. stress and hubris conference*. London: Royal society of Medicine.
- Harvey, D. (2005). *A Brief History of Neoliberalism*. Oxford University Press.
- Hayek, F. (1944). *The Road to Serfdom*. University of Chicago Press.
- I. M. F. (2001). *Government Finance Statistics Manual*. I. M. F.
- Kydland, F. & Prescott, E. (1977). Rules Rather Than Discretion: The Inconsistency of Optimal Plans. *Journal of Political Economy*, 85(3), 473-492.
- Mishkin, F. & Eakins, S. (2012). *Financial Markets and Institutions* Boston: Pearson.
- Palley, T. (2020). *Central Bank Independence: A Rigged Debate based on false Politics and Economics*. Universidad Nacional Autónoma de México, Facultad de Economía.
- Posen, A. (1993). Why central bank independence does not cause low inflation: there is no institutional fix for politics. *Finance and International Economy*.
- Rogof, K. (1985). The Optimal Commiment to an Intermediate Monetary Target. *Quarterly Journal of Economivs*, 100(4), 169-189.
- Stiglitz, J. E. (2002). *Globalization and Its Discontents*. W.W. Norton.
- Taylor, J. B. (2013). *The Effectiveness of Central Bank Independence Versus Policy Rules*. Stanford Institute for Economic Policy Research.

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> doi 10.22034/marefateeqtasadi.2024.5000987 dor 20.1001.1.20422322.1403.15.2.3.7

A Meta-Regression Analysis of the Impact of Islamic Banking on Economic Growth

✉ **Mohammad Baqer Shirmehenji**  / PhD in Economics, University of Mazandaran mbshirmehenji@gmail.com

Alireza Pourfaraj / Professor, Department of Economics, University of Mazandaran a.pourfaraj@umz.ac.ir

Mohammad Javad Nourahmadi / Associate Professor, Department of Theoretical Economics, Allameh Tabataba'i University mjnourahmadi@atu.ac.ir

Vahid Taghinezhad Omran / Associate Professor, Department of Economics, University of Mazandaran omran@umz.ac.ir

Received: 2024/09/09 - **Accepted:** 2024/11/13

Abstract

The theoretical literature on the relationship between Islamic banking and the real sector of the economy suggests that Islamic banking imposes strict limitations on debt-based financing and speculative transactions unrelated to productive activities. In contrast, all Islamic partnership contracts are intrinsically tied to real economic undertakings that contribute to economic growth. Hence, due to the foundational principles and operational mechanisms of Islamic banking, a closer and more direct linkage between Islamic monetary and banking instruments—particularly Islamic contracts and sukuk—and the real economy is anticipated compared to conventional monetary instruments. Nevertheless, empirical studies in this domain have yielded mixed and sometimes contradictory findings. To synthesize and critically assess this heterogeneous body of evidence, the present study employs a meta-regression analysis (MRA) approach. After screening the relevant literature using a systematic selection protocol, 9 studies encompassing 31 regressions and 89 coefficients were identified for inclusion in the meta-analysis. The overall results, after correcting for publication bias, indicate that Islamic banking has a small but positive effect on economic growth. Moreover, the findings show that the heterogeneity of the results in the primary studies can be explained by factors such as the choice of indices used to measure Islamic banking performance, the period under study, and the inclusion (or exclusion) of control variables such as economic freedom and inflation.

Keywords: Islamic banking, economic growth, meta-regression analysis.

JEL Classification: C00, O40, G21.

تحلیل فرار گرسینون تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی

mbshirmehenji@gmail.com

a.pourfaraj@umz.ac.ir

mjnourahmadi@atu.ac.ir

omran@umz.ac.ir

✉ محمدباقر شیرمهنجی /  دانش آموخته دکتری اقتصاد دانشگاه مازندران

علیرضا پورفرج / استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

محمدجواد نوراحمدی / دانشیار گروه اقتصاد نظری دانشگاه علامه طباطبائی

وحید تقی نژاد عمران / دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

چکیده

ادیات نظری رابطه بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد، نشان می‌دهد که در بانکداری اسلامی، تأمین مالی مبتنی بر بدهی و عملیات سفته‌بازی نامرتبط با تولید، به شدت محدود می‌شود؛ از سوی دیگر در همه عقود مشارکتی اسلامی، فعالیتی حقیقی وجود دارد که به رشد اقتصادی می‌انجامد. بنابراین با توجه به ادبیات نظری و ماهیت عملیات بانکی اسلامی، ارتباط مشخص‌تر و نزدیک‌تر ابزارهای پولی و بانکی اسلامی (به‌ویژه عقود و اوراق مشارکتی) نسبت به ابزارهای پولی متعارف با بخش واقعی اقتصاد، قابل انتظار است. با این وجود مطالعات تجربی این حوزه، نتایج متناقضی در مورد رابطه مورد بحث نشان می‌دهد. به‌منظور تحلیل و برآیندگیری از این نتایج ناهمگن، مطالعه حاضر از روش تحلیل فرارگرسینون استفاده می‌کند. بدین منظور پس از پالایش مطالعات بر اساس پروتکل غربال، ۹ مطالعه شامل ۳۱ رگرسینون و ۸۹ ضریب برای ورود به تحلیل انتخاب شدند. نتیجه برآیندگیری از مطالعات اولیه نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تورش انتشار، بانکداری اسلامی تأثیر مثبت و کوچک بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی، دوره زمانی و وجود یا عدم وجود متغیرهای آزادی اقتصادی و تورم در الگوهای رگرسینونی مطالعات اولیه، برای توضیح ناهمگنی نتایج مطالعات اولیه مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، رشد اقتصادی، تحلیل فرارگرسینون.

طبقه‌بندی JEL: C00, O40, G21.

مقدمه

بانکداری اسلامی به عنوان جایگزینی برای شکل متعارف بانکداری ظهور کرده است و در چهار دهه اخیر چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غیراسلامی به سرعت رشد کرده است. به گفته اقبال و میراخور (۱۹۸۷) مفهوم بانکداری بدون ربا در اواخر دهه ۱۹۴۰ توسط قریشی (۱۹۴۶)، صدیقی (۱۹۴۸) و احمد (۱۹۵۲) مطرح شد. اولین تلاش برای تأسیس بانک اسلامی توسط النجار در سال ۱۹۶۳ در مصر انجام شد و مایت قمر نام گرفت. این بانک، به شکل یک بانک پس انداز - سرمایه گذاری مبتنی بر تقسیم سود و بدون بهره بود. در دهه ۱۹۷۰، نهضت بانکداری اسلامی با تأسیس بانک توسعه اسلامی در سال ۱۹۷۴ توسط سازمان همکاری اسلامی دوباره ظهور کرد که به عنوان آغازگر مرحله دوم ایجاد بانکداری اسلامی شناخته می شود (عبدالحق، ۱۹۸۹). از آن زمان به بعد رشد سریع بانکداری اسلامی به نحوی بوده است که در سال ۲۰۲۲، ۶۱۰ بانک اسلامی و ۱۷۸۱ مؤسسه مالی اسلامی در سرتاسر جهان گسترش یافته است و میزان دارایی بانک های اسلامی در این سال به ۳/۲ تریلیون دلار رسیده است و پیش بینی می شود این رقم به ۴/۶۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۷ افزایش یابد (گزارش توسعه مالی اسلامی، ۲۰۲۳). این نرخ رشد بالای مثبت دارایی های مالی اسلامی، سال به سال توجه سیاست گذاران، اقتصاددانان و پژوهشگران را به سمت صنعت مالی اسلامی و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی، بیشتر جلب می کند. تعداد زیادی از مطالعات، نقش مثبت مالی اسلامی را در تحریک رشد اقتصادی و رفاه عمومی جامعه نشان می دهد (سلیم، ۲۰۰۸؛ انس و دیگران، ۲۰۱۷؛ طهارتویی و اوثر، ۲۰۲۴)؛ در حالی که برخی از نویسندگان معتقدند که به دلیل برخی محدودیت های تحمیلی و ارزش های اسلامی بر امور مالی و اقتصادی، بانکداری اسلامی مانع از توسعه اقتصادی شده که در نهایت منجر به پیامدهای اقتصادی زیان بار می شود (ولکر، ۲۰۰۶؛ کوران، ۲۰۰۴؛ کوبهام، ۱۹۹۲)؛ بنابراین علی رغم کارهای نظری و تجربی گسترده ای که در مورد این موضوع انجام شده، نتایج تجربی مبهم باقی مانده است و تناقض دارد. به منظور شناسایی دقیق عواملی که باعث اختلاف در نتایج شده اند، پژوهش حاضر به بررسی اثرات تجربی مشاهده شده در مطالعات پیشین می پردازد و مشخص می نماید که در هر مطالعه اثر گذاری بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در چه شرایطی بررسی شده است؛ علاوه بر این با برآیندگیری و ترکیب نتایج کمی مطالعات، اندازه اثر متوسط رابطه بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی برآورد خواهد شد تا اجماعی تجربی در مورد این رابطه حاصل شود. این پژوهش، در پنج بخش ساماندهی شده است. در بخش اول، مبانی نظری مربوط به رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی بیان می شود؛ بخش دوم به پیشینه مطالعات درخصوص تبیین رابطه مورد بررسی اختصاص دارد و پس از آن در بخش سوم، روش فراتحلیل، فرایند اجرا و آزمون های آماری مربوط به این روش مطرح می شود؛ در بخش چهارم، به تحلیل فرار گرسبون پرداخته می شود؛ بخش پایانی نیز به تفسیر نتایج و نتیجه گیری می پردازد.

مبانی نظری

بخش بانکی توسعه یافته یک عامل کلیدی در ایجاد رشد اقتصادی قوی است؛ زیرا با هدایت منابع مالی از مصارف غیرمولد به مولد، به کارایی اقتصادی کمک می کند. خاستگاه این نقش را می توان به کار اصلی شومپیتر (۱۹۱۱) مرتبط دانست.

شومپیتر در مطالعه خود اشاره می‌کند که سیستم بانکی به دلیل نقشی که در تخصیص پس‌انداز، تشویق نوآوری و تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مولد دارد، عامل حیاتی برای رشد اقتصادی است (دوروسو چیفتچی و دیگران، ۲۰۱۷). عمده مطالعاتی که در این حوزه تمرکز داشته‌اند، مطالعاتی هستند که با روش‌های تجربی به بررسی رابطه مورد بحث پرداخته‌اند. این مطالعات چند کانال برای تأثیر بخش بانکداری بر رشد اقتصادی شناسایی کرده‌اند که در ادامه مطرح می‌شود.

بررسی رابطه بخش بانکی و رشد اقتصادی

بخش بانکی توسعه‌یافته یک عامل کلیدی در ایجاد رشد اقتصادی قوی است؛ زیرا با هدایت منابع مالی از مصارف غیرمولد به مولد، به کارایی اقتصادی کمک می‌کند. خاستگاه این نقش را می‌توان به کار اصلی شومپیتر (۱۹۱۱) مرتبط دانست. شومپیتر در مطالعه خود اشاره می‌کند که سیستم بانکی به دلیل نقشی که در تخصیص پس‌انداز، تشویق نوآوری و تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مولد دارد، عامل حیاتی برای رشد اقتصادی است (دوروسو چیفتچی و دیگران، ۲۰۱۷). آثار اولیه، مانند گلداسمیت (۱۹۶۹)، مک کینون (۱۹۷۳) و شلو (۱۹۷۳) شواهد قابل‌توجهی را ارائه کردند که نشان می‌دهد توسعه سیستم بانکی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. پس از آن تحقیقات متعددی بر نقش بانک‌ها در رشد اقتصادی متمرکز شده‌اند (به‌عنوان مثال، برونر و ملترز، ۱۹۶۳؛ برنانکه، ۱۹۸۳؛ کول و دیگران، ۲۰۰۸؛ چانگ و دیگران، ۲۰۱۰؛ اوئدا، ۲۰۱۳؛ الموازینی و دیگران، ۲۰۲۰ و الحربی و دیگران، ۲۰۲۴).

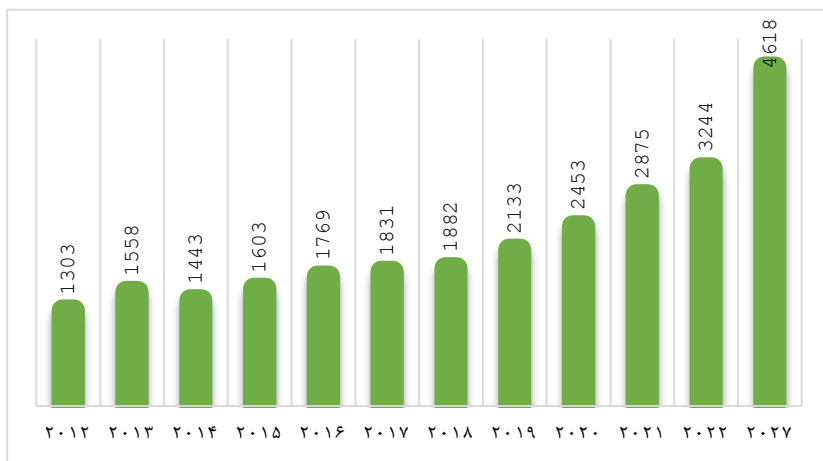
برخی از این مطالعات در بررسی نقش بانک‌ها در رشد اقتصادی، کانال‌های مصرف و سرمایه‌گذاری را مد نظر قرار داده‌اند. میشکین (۱۹۹۵) در مطالعه خود بیان کرد که برجسته‌ترین کانالی که سیستم مالی از طریق آن بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد، کانال مصرف و سرمایه‌گذاری است. آرچر و کرییم (۲۰۱۲) دریافتند که مصرف و سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت منجر به رشد اقتصادی می‌شود. با این حال، برخی از محققان مانند رادولسکو و دیگران (۲۰۱۹) در مورد نقش مصرف مردد هستند.

دسته دیگری از مطالعات به مسیر تحریک پس‌انداز و تخصیص کارآمد منابع در اثرگذاری بخش بانکی بر رشد اقتصادی اشاره کرده‌اند. یک سیستم بانکی توسعه‌یافته‌تر، وجوه سرمایه‌گذاری بیشتری را جمع‌آوری کرده و آنها را در بین مشاغل توزیع می‌کند و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. درواقع رشد و توسعه اقتصادی بدون افزایش کمی عامل «سرمایه» به‌عنوان یکی از عوامل تولید ممکن نیست و چون برای تمامی اشخاص به دلایل مختلف مقدور نیست که در فعالیت‌های خود بتوانند از امکانات و منابع پولی شخصی جهت تأمین نیازهای موجود استفاده کنند؛ بنابراین ناگزیر برای استفاده از تسهیلات و منابع لازم به مؤسسات مالی و اعتباری که مهم‌ترین آنها بانک‌ها هستند، مراجعه می‌کنند. بانک‌ها با عملیات اعتباری خود سبب می‌شوند تا مازاد منابعی که در اختیار اشخاص است و آنان به هر دلیلی توانایی به‌کارگیری آن را در پروژه‌های اقتصادی ندارند به افرادی که ابتکار و خلاقیت و کارآفرینی دارند و فاقد سرمایه هستند، منتقل شود که از این طریق، تولیدات کشور نیز افزایش خواهد یافت (فراهمانی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۴).

بررسی رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی

همزمان با توسعه صنعت بانکداری اسلامی و رشد دارایی‌های بانک‌های اسلامی مطابق شکل (۱)، ادبیات نظری تأثیر بانکداری اسلامی بر بخش واقعی اقتصاد با محوریت عقود بانکی گسترش یافته است. عمده این مطالعات بر این تأکید دارند که بانکداری اسلامی می‌تواند بر بهبود توسعه مالی و تسریع رشد تأثیر داشته باشد (چپرا، ۱۹۹۳؛ انس و دیگران، ۲۰۱۷؛ طهرائویی و اوثر، ۲۰۲۴).

شکل ۱: روند دارایی‌های بانک‌های اسلامی جهان (میلیارد دلار)



منبع: گزارش توسعه مالی اسلامی (۲۰۲۳)

کانال‌های اثرگذاری بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، مشابه کانال‌های بین بانکداری متعارف و بخش واقعی اقتصاد است و تفاوت آنها در شدت اثرگذاری است. سازوکاری که بانک‌های اسلامی از طریق آن کار می‌کنند، تأثیرگذاری بر متغیرهای واقعی اقتصادی مانند مصرف، سرمایه‌گذاری و... است. این کار از طریق قراردادهای تأمین مالی مبتنی بر سهام مانند تأمین مالی مضاربه، تأمین مالی مشارکت و... انجام می‌شود (سالم و محمود، ۲۰۲۲). علاوه بر این، یک جایگزین شرعی برای تأمین مالی بدهی، تأمین مالی مرابحه است که به‌طور گسترده توسط بانک‌های اسلامی، به‌منظور تأمین نیازهای مشتریان خود استفاده می‌شود.

بانک‌های اسلامی با ارائه مدل مشارکت در سود و زیان بین بانک و مشتریان آن، تجارت خود را در محیطی بدون بهره انجام می‌دهند. مدل مشارکت در سود و زیان، کارایی تخصیص سرمایه را بهبود می‌بخشد؛ زیرا بازگشت سرمایه به بهره‌وری و سودآوری پروژه تأمین مالی شده بستگی دارد. این نوع از تأمین مالی با حذف بی‌عدالتی ناشی از تأمین مالی مبتنی بر بهره، فعالیت‌های کارآفرینی را تشویق می‌کند؛ همچنین ریسک را به شیوه‌ای منصفانه توزیع می‌کند، به‌طوری‌که کارآفرین ریسک‌پذیر را تشویق می‌کند تا پروژه‌های بیشتری را با همان سطح نگرش ریسک‌پذیری که قبلاً دارد، انجام دهد (الگالی و خیار، ۲۰۱۲).

نکته دیگر بحث تأمین مالی کسب و کارهای کوچک و اشخاص با دهک‌های پایین درآمدی است. چنانچه مشاهده شده است، تولیدکنندگان کوچک و کشاورزان در مقایسه با واحدهای تولیدی بزرگ‌تر با مشکلات بسیار بیشتری در اخذ اعتبار کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت از طریق مجاری نهادی مواجه هستند. محدودیت اصلی برای دسترسی به منابع مالی، فقدان وثیقه‌های مشهود است. عبدولی (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که بانکداری اسلامی این مانع تبعیض‌آمیز را می‌شکند و بنگاه‌های کوچک را قادر می‌سازد تا منابع مالی را بر مبنای مشارکتی به‌دست آورند که در آن وثیقه لازم نیست. او استدلال می‌کند که رویه رایج مؤسسات بانکی غربی در اعطای تسهیلات اعتباری فقط به کسانی است که می‌توانند وثیقه مشهود کافی ارائه دهند؛ بنابراین افراد ثروتمند با وثیقه‌های بیشتر، شانس بالاتری برای دریافت تسهیلات دارند. بانکداری اسلامی به دلیل ماهیت عملیات خود، بُعد جدیدی را ارائه می‌دهد. از آنجایی که بانکداری اسلامی یک سیستم مبتنی بر تأمین مالی مشارکتی است، به اندازه بانک‌های غربی / متعارف به وثیقه‌های ملموس وابسته نیست. چنین دسترسی به منابع مالی که کاملاً به ثروت وابسته نیست، در نهایت منجر به توزیع بهتر درآمد و بهبود بیشتر در رفاه می‌شود. الگاتیس (۲۰۱۱) نیز استدلال می‌کند که بر خلاف روش‌های متعارف تأمین مالی، تأمین مالی اسلامی تنها بر اعتبار مشتری متمرکز نیست؛ بلکه بر شایستگی و سودآوری پروژه‌ای که قرار است تأمین مالی شود، متمرکز است. مفهوم مشارکت سود اسلامی با تشویق توزیع برابر درآمد به تقویت توسعه اقتصادی کمک می‌کند که منجر به منافع بیشتر برای عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی پایدار می‌شود.

تأمین مالی مبتنی بر بدهی و عملیات سفته‌بازی نامرتبط به تولید، در بانکداری اسلامی به شدت محدود می‌شود. از سوی دیگر در همه عقود مشارکتی اسلامی، فعالیتی حقیقی وجود دارد که به رشد اقتصادی می‌انجامد. به‌طور کلی یک سیستم مالی اسلامی بهینه تا حد زیادی مبتنی بر حقوق صاحبان سهام است که دلالت بر یک همبستگی قوی بین بخش‌های مالی و واقعی اقتصاد دارد (قاسم، ۲۰۱۶)؛ علاوه بر این، همانند سایر سازمان‌ها در نظام اقتصادی اسلامی، ارتقای رشد اقتصادی (منافع اجتماعی) یکی از وظایف اصلی همه نهادهای مالی اسلامی است.

به‌طور خلاصه ادبیات نظری این حوزه نشان می‌دهد که با توجه به ارتباط مشخص و نزدیک ابزارهای پولی و بانکی اسلامی به‌ویژه عقود و اوراق مشارکتی با بخش واقعی اقتصاد، می‌توان اثرات عملیات بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی و متغیرهای واسطه مانند مصرف و سرمایه‌گذاری را پررنگ‌تر از اثرات مالی متعارف دانست و با وجود اشتراک در کانال‌های اثرگذاری، صنعت مالی اسلامی به دلیل ماهیت خود، از شدت اثر بالاتری برخوردار است.

پیشینه پژوهش

با رشد عملیات بانکی اسلامی در سرتاسر جهان، مطالعاتی که اثرات بانکداری اسلامی بر متغیرهای کلان اقتصادی و به‌خصوص رشد اقتصادی را بررسی می‌کنند، رشد قابل توجهی داشته است. در این بخش از پژوهش، خلاصه‌ای از مطالعات تجربی خارجی و داخلی انجام‌شده مرتبط با موضوع، ارائه می‌شود.

الف) مطالعات خارجی

انس و دیگران (۲۰۱۷) از طریق مطالعه در نمونه‌ای از ۹ کشور، طی دوره (۲۰۰۸-۲۰۱۴) با به‌کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، به بررسی ارتباط بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی پرداختند. نتایج مطالعه آنها وجود یک همبستگی مثبت، اما نه قوی برای تأثیر بانک‌های اسلامی بر رشد اقتصادی را تأیید می‌کند؛ همچنین بررسی اثرات حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری شده توسط بانک‌های اسلامی، سودآوری را بهبود بخشیده و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند.

در مطالعه بندریوش و دیگران (۲۰۲۰)، رابطه بین عملکرد بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی در کشورهای بحرین، امارات، کویت، عمان، قطر و عربستان در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۷ بررسی شده است. آنها با استفاده از داده‌های ۲۷ بانک اسلامی و روش حداقل مربعات جزئی (PLS) به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبتی بین عملکرد بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی به‌ویژه برای سال‌های بلافاصله پس از بحران مالی جهانی وجود دارد. به عبارت دیگر، عملکرد بانک‌های اسلامی عمدتاً در دوره پس از بحران مالی به رشد اقتصادی کمک کرده است.

پژوهش میفرای و توهیرین (۲۰۲۰) با هدف بررسی تأثیر تأمین مالی بانکی اسلامی بر رشد اقتصادی در ۶ کشور اسلامی انجام شده است. برای مقایسه با سایر سیستم‌های بانکداری اسلامی، ایران و سودان نیز در این مطالعه گنجانده شده‌اند. این مقاله با استفاده از داده‌های تابلویی سالانه (۲۰۰۵-۲۰۱۵)، از رویکرد مدل‌های تحلیل میانجی چندگانه استفاده می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأمین مالی بانکداری اسلامی به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر معناداری ندارد. با این حال، تأمین مالی بانکداری اسلامی احتمالاً می‌تواند رشد اقتصادی را به‌طور غیرمستقیم از طریق سرمایه‌گذاری و مخارج مصرفی تحت تأثیر قرار دهد.

مطالعه سالیب (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر تأمین مالی بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی می‌پردازد. این پژوهش با به‌کارگیری روش معادلات هم‌زمان (SEM) برای نمونه ۵ کشور اسلامی در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۹، به این یافته می‌رسد که هیچ اثر مستقیم و معناداری از تأمین مالی بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی وجود ندارد. با این وجود، نتیجه می‌گیرد که تأمین مالی بانکداری اسلامی از طریق متغیرهای واسطه‌ای مانند سرمایه‌گذاری و مصرف، تأثیر غیرمستقیم مهمی بر رشد اقتصادی دارد.

طهرانویی و اوثر (۲۰۲۴) به تجزیه و تحلیل تأثیر عملکرد مالی بانک‌های اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای عربستان، امارات، کویت و قطر پرداختند. برای این تحلیل آنها از روش‌های اثرات ثابت، اثرات تصادفی و حداقل مربعات معمولی (OLS) بهره بردند. نتایج برآورد آنها برای دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۲۱ نشان می‌دهد که عملکرد مالی اسلامی از طریق سودآوری تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد؛ همچنین تورم بر رشد اقتصادی از نظر آماری معنادار و منفی است.

ب) مطالعات داخلی

صمصامی و توکلی (۱۳۹۱) در مطالعه «اثر اجرای بانکداری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران»، به بررسی اثرات اجرای قانون بانکداری بدون ربا پرداختند. این مطالعه با به‌کارگیری روش رگرسیون حداقل مربعات

سه مرحله‌ای (TSLs) برای دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۸، به این نتیجه می‌رسد که ابلاغ قانون بانکداری بدون ربا اثر معناداری بر متغیرهای سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران ندارد؛ همچنین بررسی‌های انجام‌شده بر روی شیوه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا نشان می‌دهد که این قانون در چارچوب قراردادهای بانکی پیاده‌شده در بیشتر موارد به صورت صوری اجرا گردیده است و این ناکارآمدی ناشی از عدم عمل به مفاد قانون است. نتایج حاصل از الگو نیز این نکته را تأیید می‌کنند. موسویان و ورمزیری (۱۳۹۱)، ارتباط بین تأمین مالی بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی در ایران را با داده‌های فصلی طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ و استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و تأمین مالی بانکداری بدون ربا، رابطه علیت دو طرفه دارند، اما این رابطه سطح معناداری ضعیفی دارد که مطالعه علت آن را ضعیف بودن ساختار بازار مالی در ایران و عدم سرمایه‌گذاری و تأمین مالی مناسب پروژه‌های اقتصادی می‌داند. افزون بر این، نتایج نشان‌دهنده اثر مثبت و معنادار تأمین مالی بانکداری بدون ربا در ایران بر روی رشد اقتصادی است.

امیری و دیگران (۱۳۹۹) به بررسی رابطه بین تأمین مالی و رشد اقتصادی با تأکید بر بانک و بازار سرمایه در کشورهای اسلامی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداختند. نتایج حاصله برای نمونه ۱۸ کشور اسلامی در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۶ نشان می‌دهد که بازار سرمایه و بانک تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد و بازار بیمه تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد.

باختر چوری و دیگران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر اجرای بانکداری اسلامی بر زیر بخش‌های مهم اقتصاد ایران»، به بررسی رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. روابط میان متغیرها در این مطالعه با استفاده از روش معادلات هم‌زمان بر اساس داده‌های آماری ۱۳۷۱-۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفته است. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از روش حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS) و در نظر گرفتن ناهمسانی واریانس و رفع آن با استفاده از حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد با افزایش و توسعه بانکداری اسلامی و اجرای صحیح آن، شاخص رشد اقتصادی بهبود یافته است؛ همچنین بهبود و توسعه بانکداری اسلامی سبب افزایش سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود. رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه‌انسانی و رشد اقتصادی وجود دارد. شاخص‌های بهره‌وری سرمایه و پس‌انداز رابطه مثبت و معنادار با رشد اقتصادی دارد.

مروار نتایج کمی مطالعات با سؤال مشترک (تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی چگونه است؟)، نشان از نتایج مختلف و متناقض در این مطالعات دارد. پژوهش حاضر با تعریف مجموعه جامعی از متغیرهای کنترل بر اساس مدل‌های رگرسیونی مطالعات اولیه، سعی در توضیح دلایل اختلاف نتایج مطالعات پیشین دارد. علاوه بر این، ترکیب نتایج مطالعات قبلی، اندازه اثر متوسط تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را نتیجه می‌دهد. در رابطه با موضوع مورد مطالعه، استفاده از روش فرارگرسیون سابقه ندارد یا اگر انجام شده در پایگاه‌های اطلاعاتی منتشر نشده است. مطالعاتی مانند چفای (۲۰۲۲) نیز با روش فرارگرسیون به حوزه بانکداری اسلامی ورود کرده‌اند. این مطالعات عمدتاً به مقایسه بهره‌وری

بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف پرداخته‌اند. بنابراین به لحاظ موضوعی با پژوهش حاضر که تأثیر عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را سنجیده است، متفاوت هستند. علاوه بر این، برخلاف این دو مطالعه که از روش سنتی فرارگرسبون استفاده کرده‌اند، پژوهش حاضر از تحلیل فرارگرسبون چندسطحی بهره می‌برد. این روش می‌تواند با کنترل عوامل ناهمگنی نتایج دقیق‌تری در مورد تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی حاصل نماید.

۱. روش پژوهش

این مطالعه برای بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، از روش فرارگرسبون استفاده می‌کند. استفاده از این روش زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که مطالعاتی با سؤال مشابه به پاسخ‌های متفاوتی رسیده باشند و اجماع نظر وجود نداشته باشد. در چنین حالتی محققان برای بررسی تناقض موجود بین نتایج مطالعات، شناسایی عواملی که باعث اختلاف در نتایج شده‌اند و تأثیر هریک از این عوامل بر رابطه مورد تحلیل، از روش مذکور استفاده می‌کنند. فرارگرسبون یک نسخه پیشرفته از فراتحلیل است که عملیات فراتحلیل را در دو سطح درون مطالعاتی و بین مطالعاتی انجام می‌دهد. فراتحلیل، یک ارزیابی کمی از رابطه بین دو متغیر هدف است (گورویچ و دیگران، ۲۰۱۸)؛ همچنین می‌توان از آن برای آزمایش فرضیه‌های نظری رقیب در مقابل یکدیگر یا شناسایی عوامل مهمی که باعث اختلاف در نتایج مطالعات اولیه شده، استفاده کرد (برگ و دیگران، ۲۰۱۶). به‌طور خلاصه در این روش، نتایج کمی مطالعات اولیه با روش‌های آماری با هم ترکیب می‌شود تا اندازه اثر متوسط رابطه مورد بررسی، به‌دست آید و در گام بعدی متغیرهای کنترل به مدل فرارگرسبون اضافه می‌شوند تا تأثیر هریک از عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات اولیه، بر رابطه مورد پژوهش، مشخص شود. انجام این دو گام، مستلزم طی کردن فرایندی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۱. فرایند اجرای روش فراتحلیل

اهمیت فرایند فراتحلیل در تحقیقات منجر به انتشار دستورالعمل‌هایی در سال‌های اخیر شده است که استانداردهایی در زمینه‌های مختلف پژوهشی مانند تجارت بین‌الملل (استیل و دیگران، ۲۰۲۱)، اقتصاد و امور مالی (گیر - کلینگرگ و دیگران، ۲۰۲۰؛ هورانک و دیگران، ۲۰۲۰) و بازاریابی (آیند، ۲۰۱۷؛ گروال و دیگران، ۲۰۱۸)، ارائه می‌دهند (هنسن و دیگران، ۲۰۲۲). در این مطالعه برای انجام فرایند فراتحلیل از دستورالعمل هورانک و دیگران (۲۰۲۰)، استفاده می‌شود. فرایند اجرای فراتحلیل در ۴ بخش خلاصه می‌شود. تعیین سؤالات پژوهش، استراتژی جست‌وجوی مطالعات و تعیین پروتکل غربال مطالعات، استخراج اطلاعات و تعریف متغیرهای کنترل و تجزیه و تحلیل آماری و انتخاب مدل، این ۴ مرحله را تشکیل می‌دهند.

۱-۱-۱. تعیین سؤالات پژوهش

نتایج بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی به دلیل ناهمگنی نمونه‌های مورد استفاده، مشخصات مدل رگرسونی، برآوردگرهای مورد استفاده و سایر عواملی که در این مطالعه شناسایی می‌شود، متفاوت است. با توجه به اختلاف نتایج مطالعات اولیه، سؤالات اصلی این پژوهش به این شکل تعیین می‌شوند:

الف) برآیند نتایج مطالعات تجربی حوزه بانکداری اسلامی، تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را چه میزان ارزیابی می‌کند؟

ب) عوامل مؤثر بر ناهمگنی نتایج مطالعات (متغیرهای کنترل)، چگونه برآیند نتایج را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

۱-۲. استراتژی جست‌وجوی مطالعات و تعیین پروتکل غربال مطالعات

به‌منظور پاسخ به سؤالات پژوهش و انجام فراتحلیل، در مطالعه حاضر به‌طور نظام‌مند، تمام شواهد تجربی موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی با محوریت کلیدواژه‌های (بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی) و معادل انگلیسی آنها، مورد جست‌وجو قرار گرفت. یکی از نقدها و محدودیت‌های شناخته‌شده برای فراتحلیل، ترکیب نتایج مطالعات مختلف است که به نقد «ترکیب سیب و پرتقال» معروف است. نسخه‌های جدید فراتحلیل با اجرای نظام‌مند فرایند فراتحلیل و تعیین پروتکل غربال مطالعات، به سمت یکپارچه‌سازی مطالعات منتخب برای ورود به فراتحلیل حرکت کرده‌اند که تا حد زیادی باعث رفع محدودیت مذکور شده است. این مطالعه نیز پس از مرحله جست‌وجو از چنین پروتکلی بهره می‌گیرد. پروتکل غربال مطالعات، کمک می‌کند تا روی سؤالی که مطالعه به آن پاسخ می‌دهد، متمرکز بماند (الشاکرچی، ۲۰۲۲) و احتمال سوگیری در مسیر انجام فراتحلیل را کاهش می‌دهد (چندلر و دیگران، ۲۰۱۹). بنابراین پس از تکمیل فرایند جست‌وجو، به‌منظور انتخاب مطالعات مناسب برای فراتحلیل، نتایج جست‌وجو بر اساس ۵ معیار پروتکل ذیل، غربال شدند. برای طراحی پروتکل فراتحلیل در این مطالعه از چارچوب استاندارد (PRISMA) (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews) استفاده شده است. این چارچوب در سال ۲۰۱۵ با هدف تسهیل توسعه و گزارش پروتکل‌های بررسی نظام‌مند در وب‌سایت کتابخانه دانشگاه هاروارد منتشر شد.

۱. مطالعه یک پژوهش تجربی باشد که شامل حداقل یک رگرسیون یا یک تجزیه و تحلیل همبستگی است؛
۲. مطالعات سری زمانی حذف شدند و صرفاً مطالعات بین‌کشوری و بر اساس داده‌های تابلویی مدنظر قرار گرفتند. این عمل به‌منظور اطمینان از این است که نتایج صرفاً برای یک زمینه خاص (مثلاً ملی) معتبر نباشد. انجام فراتحلیل روی مطالعات سری زمانی مطالعه دیگری را می‌طلبد؛

۳. متغیر مربوط به رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده باشد. به‌طور کلی مطالعات اولیه حوزه مدنظر، مدل‌هایی را تخمین می‌زنند که مشخصات آنها تقریباً شبیه معادله ذیل است:

$$(۱) Y = X\varphi + \gamma IB + v$$

که در آن Y معیار رشد اقتصادی است، X بردار متغیرهای کنترلی، IB شاخص ارزیابی عملکرد بانک اسلامی و v یک عبارت خطا است. برای به‌دست آوردن تخمینی از تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی که با برآیند نتایج مطالعات اولیه به‌دست می‌آید، از مدل فرارگرسیون ذیل استفاده می‌شود:

$$(۲) effect_i = \beta_1 + \beta_0 SE_i + \sum_{k=1}^k \alpha_k Z_{jk} + e_i$$

که در آن effecti نشان‌دهنده رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی، SEi خطای استاندارد اثر متوسط برآورد شده، Zjk یک بردار از متغیرهای کنترل که نشان‌دهنده تفاوت در مطالعات اولیه است و α_k ضریب فرار گرسبون است، که منعکس‌کننده اثر خاص هر متغیر کنترل بر رابطه مورد بررسی است و ei بیانگر اختلال فرار گرسبون است؛ ۴. متن کامل مقاله قابل دسترسی باشد؛

۵. داده‌های مورد نظر برای استخراج و انجام فراتحلیل در هر مطالعه کامل باشد.

پس از انتخاب مطالعات مناسب برای ورود به فراتحلیل بر اساس پروتکل تعریف‌شده، مرحله استخراج اطلاعات از این مطالعات آغاز می‌شود.

۳-۱-۱. استخراج اطلاعات و تعریف متغیرهای کنترل

فرایند جست‌وجوی یک فراتحلیل باید نظام‌مند، قابل تکرار و شفاف باشد و به نمونه‌ای منجر شود که شامل تمام مطالعات مرتبط باشد (گزنباوئر و هادوی، ۲۰۲۰). به این منظور مراحل جست‌وجو و انتخاب مطالعات به‌طور شفاف در ادامه مطرح می‌شود: مرحله نخست با جست‌وجوی کلیدواژه‌های بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در پایگاه‌های اطلاعاتی آغاز شد، که تعداد ۴۶۰۰۰ مطالعه را نتیجه داد (این تعداد بر اساس شمارشگر پایگاه‌های اطلاعاتی ثبت و جست‌وجوی مطالعات اولیه در تاریخ ۲۵ تیر سال ۱۴۰۳ متوقف شد)؛ سپس با بررسی و فیلتر عنوان این مقالات و کنار گذاشتن عنوان‌های نامرتب، تعداد ۱۹۵ مقاله حاصل شد. تا این مرحله مقالات با استفاده از ابزارهای جست‌وجوی پیشرفته پایگاه‌های اطلاعاتی فیلتر شدند. پس از آن مقالاتی که امکان دسترسی به متن آنها وجود نداشت، حذف شدند و تعداد مقالات به عدد ۱۲۴ رسید. در ادامه با بررسی چکیده مقالات با محوریت بررسی رابطه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی، تعداد ۸۷ مطالعه که در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش بودند، استخراج و کدگذاری شدند. پس از قرار دادن این مطالعات در پروتکل فراتحلیل و بررسی متن کامل مطالعات، مطالعات با اطلاعات ناکافی برای محاسبه اندازه اثر، مطالعات کیفی، مطالعات سری زمانی و مطالعاتی که متغیر وابسته‌شان با پروتکل مغایرت داشت، کنار گذاشته شدند. نهایتاً تعداد ۹ مطالعه برای استخراج داده انتخاب شدند و اطلاعات آنها در صفحه گسترده اکسل وارد شد.

در همین مرحله با بررسی مدل‌های رگرسیونی و اطلاعات آماری مطالعات منتخب، متغیرهای کنترل به شرح جدول (۱) مشخص شدند.

جدول ۱: توضیح متغیر

ردیف	متغیر	توضیحات
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی		
۱	Inv Ac	اگر عملیات بانکی اسلامی با حساب‌های سرمایه‌گذاری مشخص شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲	TA	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با کل دارایی‌های بانکی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۳	TD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با کل سپرده‌های بانکی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.

۴	ROD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده سپرده‌ها اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۵	ROB	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده بانک‌ها اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۶	ROA	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۷	ROE	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با بازده سهام اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۸	NPM	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با خالص سود نهایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۹	CAR	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت کفایت سرمایه اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۰	AQ	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با کیفیت دارایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۱	LIQ	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۲	MAN	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمد ناخالص اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۳	NI/ATA	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت درآمد خالص به کل دارایی اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۴	CI	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت هزینه به درآمد اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۵	LLR/GL	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت ذخیره عدم پرداخت وام به وام ناخالص اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۶	ILE	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت وام‌های غیرجاری به دارایی سهام اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۷	LAD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت دارایی‌های نقدی به سپرده‌ها و وجوه کوتاه‌مدت اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۸	NLD	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت وام خالص به سپرده‌ها و وجوه کوتاه‌مدت اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۱۹	FT	اگر عملکرد بانکداری اسلامی با نسبت دارایی سهام به دارایی کل اندازه‌گیری شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری رشد اقتصادی		
۲۰	Gdp Annual	اگر برای رشد اقتصادی از متغیر رشد اقتصادی سالانه استفاده شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۱	Gdp PerCap	اگر برای رشد اقتصادی از متغیر رشد اقتصادی سرانه استفاده شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
متغیرهای کنترل بر اساس مدل رگرسیونی مطالعات اولیه		
۲۲	Log Gr	اگر متغیر وابسته لگاریتمی باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۳	Log IB	اگر متغیر مربوط به بانکداری اسلامی لگاریتمی باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۴	Openness	اگر آزادی تجاری در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به‌عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۵	GFCF	اگر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به‌عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۶	Int Rate (R)	اگر نرخ بهره واقعی در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به‌عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.

۲۷	EXR	اگر نرخ ارز در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۸	GQ	اگر کیفیت دولت در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۲۹	Hum Cap	اگر سرمایه انسانی در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۳۰	Capital	اگر سرمایه در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۳۱	Labor	اگر نیروی کار در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۳۲	Inf	اگر تورم در مدل رگرسیونی مطالعه اولیه به عنوان متغیر مستقل لحاظ شده باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
متغیرهای مربوط به دوره زمانی مطالعات		
۳۳	2000	اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۰۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۳۴	2010	اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۱۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.
۳۵	2020	اگر داده‌ها مربوط به دهه ۲۰۲۰ باشد، این متغیر مجازی برابر با ۱، در غیر این صورت صفر است.

منبع: اطلاعات پژوهش

متغیرهای کنترل جدول (۱) - که به منظور شناسایی و کنترل عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات اولیه، در مطالعه حاضر استفاده می‌شوند - بر اساس استفاده و تکرار در الگوهای رگرسیونی مطالعات اولیه، در نظر گرفته شده‌اند.

۱-۴. تجزیه و تحلیل آماری و انتخاب مدل

به منظور تجزیه و تحلیل آماری نتایج مطالعات اولیه، داده‌های کمی مستخرج از ۹ مطالعه شامل ۳۱ رگرسیون و ۸۹ ضریب تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، کدگذاری شدند. پس از کدگذاری، اطلاعات مستخرج به منظور انتخاب مدل به نرم افزار CMA وارد شدند. انتخاب مدل در فراتحلیل از آنجا اهمیت دارد که وزن مطالعات تحت تأثیر انتخاب مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی قرار می‌گیرد. بنابراین اگر بر اساس تحلیل ناهمگنی یکی از این دو رویکرد انتخاب شود، وزن مطالعات به طور قابل توجهی متفاوت خواهد شد و این تغییر وزن، کلیه نتایج بعدی تحلیل را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد (بورنشتاین و دیگران، ۲۰۱۱). جدول (۲) نتایج آزمون Q کوکران را برای انتخاب مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی، گزارش می‌دهد.

جدول ۲: آزمون Q کوکران

P-value	درجه آزادی Q	Q-value
۰/۰۰۲	۸	۲۳/۷۷۶

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم افزار CMA

آزمون Q مبتنی بر توزیع کای دو (χ^2) و درجه آزادی $k-1$ می‌باشد که k در اینجا به تعداد مطالعات اولیه اشاره می‌کند. فرضیه H_0 در این آزمون، همگنی مطالعات و فرضیه H_1 ناهمگنی مطالعات را نشان می‌دهد. عدم رد فرض همگنی مطالعات باعث انتخاب مدل اثرات ثابت می‌شود و رد فرض همگنی منجر به انتخاب مدل اثرات تصادفی می‌گردد (هارول، ۱۹۹۷). با توجه به مقدار (P-value) گزارش شده این آزمون، فرضیه H_0 این آزمون در سطح معناداری ۵ درصد

رد می‌شود و فرضیه ناهمگنی مطالعات تأیید می‌شود. بنابراین نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مطالعات اولیه وارد شده در فراتحلیل ناهمگن هستند و در برآورد اندازه اثر متوسط باید از مدل اثرات تصادفی استفاده نمود.

۲. نتایج برآیندگیری از مطالعات اولیه

ترکیب و برآیندگیری وزنی ضرایب رگرسیونی مطالعات اولیه، اندازه اثر متوسط را نتیجه می‌دهد. جدول (۳) نتایج مربوط به این فرایند را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج ترکیب مطالعات

تعداد مطالعات	تعداد رگرسیون‌ها	تعداد ضرایب بانکداری اسلامی	اندازه اثر متوسط	فاصله اطمینان ۹۵٪	Z-value	P-value
۹	۳۱	۸۹	۰/۰۹۸۴	۰/۰۱۵۴ - ۰/۱۸۰۰	۲/۳۲۲۲	۰/۰۲۰۲

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA: *** $p < 0/01$ ** $p < 0/05$ * $p < 0/1$

اندازه اثر متوسط، شدت و نوع اثرگذاری متغیرهای هدف را مشخص می‌کند. علامت مثبت اندازه اثر متوسط گزارش شده در جدول (۳)، تأثیر مثبت (مستقیم) عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد، که بر اساس آماره‌های Z و P ، این رابطه معنادار است. علاوه بر این، مقدار اندازه اثر متوسط (۰/۰۹۸۴) با توجه به معیار تفسیر کوهن، شدت اثرگذاری کوچک را نشان می‌دهد. بنابراین پاسخ به سؤال اول پژوهش (برآیند نتایج مطالعات تجربی حوزه بانکداری اسلامی، تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را چه میزان ارزیابی می‌کند؟) نشان می‌دهد که تأثیر عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی مثبت و کوچک است.

۲-۱. بررسی اعتبار نتایج و تورش انتشار

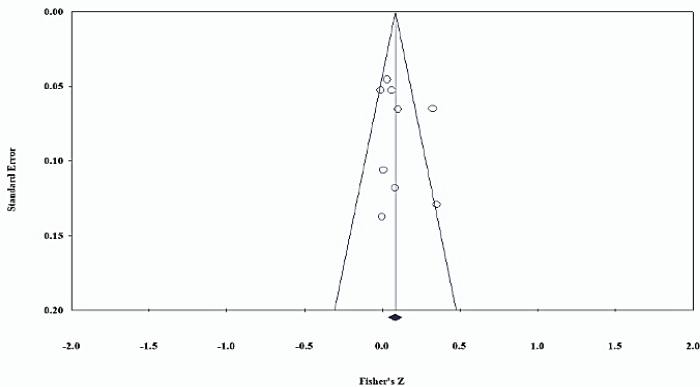
تورش انتشار از این واقعیت ناشی می‌شود که یافته‌های مهم و معنادار به نسبت یافته‌های نامعنادار به احتمال زیاد منتشر می‌شوند؛ زیرا محققان نتایج نامعنادار را ارسال نمی‌کنند و داوران نیز تمایل دارند مطالعات با این نوع نتایج را رد کنند (هنسن و دیگران، ۲۰۲۲). این موضوع به عنوان سوگیری انتشار شناخته می‌شود. به عبارت بهتر، تورش انتشار زمانی اتفاق می‌افتد که نتیجه یک آزمایش یا مطالعه بر تصمیم‌گیری درباره انتشار و چاپ آن تأثیر بگذارد (سونگ و دیگران، ۲۰۱۰). تأثیر این سوگیری این است که مطالعات فراتحلیلی اگر مطالعات منتشر نشده را شامل نشده باشند، اثرات را بیش از حد برآورد می‌کنند.

سوگیری انتشار را می‌توان با روش‌های گرافیکی و آماری بررسی کرد. نمودار کیفی یک ابزار گرافیکی ساده است که می‌تواند یک نمای کلی از توزیع اندازه اثر ارائه دهد و به تشخیص سوگیری انتشار کمک کند (استلی و دوکولیاگوس، ۲۰۱۰). نمودار کیفی همچنین می‌تواند در شناسایی نقاط پرت بالقوه کمک کند (ویختباوئر و چونگ، ۲۰۱۰). علاوه بر روش گرافیکی، چندین روش آماری مانند آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مازومدر (۱۹۹۴)، آزمون رگرسیون *ایگر* و... را می‌توان برای آزمایش سوگیری انتشار استفاده کرد.

۱-۲. بررسی گرافیکی تورش انتشار

در نمودار (۲) دایره‌ها، نشان‌دهنده اندازه اثرهای حاصل فراتحلیل درون مطالعه‌ای است. خط وسط قیف، بر اساس نتایج ترکیب مطالعات و اندازه اثر متوسط مشخص شده است.

نمودار ۲: نمودار قیفی



منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

بررسی نمودار (۲) بیانگر این موضوع است که پراکندگی اندازه اثرها، نسبتاً متقارن می‌باشد. این تقارن نسبی به این معناست که فراتحلیل دچار تورش ناشی از انتشار نشده است، اما برای بررسی کمی و دقیق تقارن و تورش انتشار، نمودار قیفی کافی نیست و باید آزمون مربوط به بررسی تقارن و تورش انتشار انجام پذیرد.

۲-۲. آزمون‌های آماری بررسی تورش انتشار

نتایج آزمون ایگر و آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مازومدر در جدول (۴) برای بررسی کمی تورش انتشار در این فراتحلیل، قابل مشاهده است.

جدول ۴: نتایج آزمون‌های تورش انتشار

آزمون ایگر	
۱/۲۱۷۸	عرض از مبدأ
۱/۶۴۱۹	خطای معیار
-۲/۶۶۴۶	حد پایین فاصله اطمینان
۵/۱۰۰۳	حد بالا فاصله اطمینان
۰/۷۴۱۷	t-value
۷	درجه آزادی
۰/۴۸۲۴	p-value
آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مازومدر	
۹	آماره S کندال
۰/۲۵۰۰	ضریب همبستگی کندال بدون پیوستگی
۰/۲۲۲۲	ضریب همبستگی کندال با پیوستگی
۰/۳۴۸۰	P-value مربوط به T کندال بدون پیوستگی
۰/۴۰۴۲	P-value مربوط به T کندال با پیوستگی

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار CMA

در هر دو آزمون، به‌طور مشابه، فرضیه H_0 این است که پراکندگی اندازه اثرهای مطالعات اولیه متقارن است و فرضیه H_1 عدم تقارن پراکندگی اندازه اثرهای مطالعات اولیه را بیان می‌کند. با توجه به آماره P در هر دو آزمون I_{gr} و I_{gr} و بازومدر، فرضیه H_0 (تقارن داده‌ها و عدم تورش انتشار) در این آزمون‌ها تأیید می‌شود (رد نمی‌شود). بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که فراتحلیل مطالعه حاضر، دچار سوگیری ناشی از انتشار نشده و نتایج آن از اعتبار بالایی برخوردار است.

۳. تحلیل فرارگریسیون تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی

تجزیه و تحلیل فرارگریسیون با آزمایش چندین متغیر کنترل، به‌طور هم‌زمان به بررسی ناهمگنی بین اندازه اثرهای مشاهده‌شده می‌پردازد. این نوع از تحلیل، بر معایب رویکرد سنتی فراتحلیل – که تنها اثرات دو متغیر بر هم را می‌آزمود – غلبه می‌کند (کامبز و دیگران، ۲۰۱۹). به عبارت بهتر، تحلیل فرارگریسیون نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های منحصر به فرد یک مدل تجربی، اندازه اثر متوسط برآوردشده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جدول (۵)، نتایج این تحلیل گزارش و پس از آن تفسیر می‌شود.

جدول ۵: نتایج ترکیب مطالعات با در نظر گرفتن متغیرهای کنترل

متغیرهای کنترل	اندازه اثر	کوان پایین	کوان بالا	p-value
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی				
Investment Accounts	+۰/۳۲۹۶	+۰/۱۶۴۸	+۰/۴۷۶۶	+۰/۰۰۰۱
TA	+۰/۱۵۲۵	+۰/۰۰۵۳	+۰/۳۰۲۸	+۰/۰۴۸۱
TD	+۰/۱۵۵۱	+۰/۰۲۹۴	+۰/۵۲۹۴	+۰/۰۱۹۰
ROD	+۰/۱۰۰۰	+۰/۰۱۰۸	+۰/۱۸۷۶	+۰/۰۲۸۱
ROB	+۰/۱۷۳۶	+۰/۰۲۸۳	+۰/۳۱۱۶	+۰/۰۱۹۴
ROA	-۰/۰۳۷۲	+۰/۱۳۴۷	+۰/۰۶۱۰	+۰/۰۳۷۵
ROE	+۰/۱۱۵۴	+۰/۰۱۰۶	+۰/۳۲۱۹	+۰/۰۴۷۰
NPM	+۰/۰۴۱۹	-۰/۰۸۱۸	+۰/۱۶۴۳	+۰/۵۰۷۳
CAR	+۰/۰۵۶۸	+۰/۰۶۷۵	+۰/۱۷۹۴	+۰/۰۳۰۲
AQ	-۰/۰۰۷۴	+۰/۲۱۱۹	+۰/۱۹۷۷	+۰/۰۴۴۵
LIQ	-۰/۰۲۴۲	-۰/۰۲۲۷۹	+۰/۱۸۱۵	+۰/۸۱۹۱
MAN	+۰/۰۳۶۹	-۰/۰۱۶۹۲	+۰/۲۳۹۹	+۰/۷۲۷۹
NI/ATA	+۰/۰۵۰۵	+۰/۰۲۷۷	+۰/۱۲۸۱	+۰/۰۰۵۲
CI	+۰/۰۱۰۵	-۰/۰۳۵۶	+۰/۰۵۶۵	+۰/۶۵۶۵
LLR/GL	-۰/۰۴۱۹	+۰/۱۴۴۳	+۰/۰۶۱۵	+۰/۰۲۷۵
ILE	-۰/۱۹۱۹	+۰/۴۵۸۷	+۰/۱۰۶۷	+۰/۰۰۶۵
LAD	-۰/۰۰۳۶	-۰/۰۴۹۷	+۰/۰۴۲۵	+۰/۸۷۸۴
NLD	+۰/۰۰۹۸	+۰/۰۳۶۳	+۰/۰۵۵۹	+۰/۰۴۷۱
FT	+۰/۰۰۲۴	-۰/۰۴۳۷	+۰/۰۴۸۵	+۰/۹۱۸۶
متغیرهای مربوط به اندازه‌گیری رشد اقتصادی				
Gdp Annual	+۰/۰۰۷۵	+۰/۰۲۹۱	+۰/۰۴۴۱	+۰/۰۳۶۹
Gdp Per Capita	+۰/۲۹۰۴	+۰/۱۶۳۹	+۰/۴۰۷۵	+۰/۰۰۰۰

متغیرهای کنترل بر اساس مدل رگرسیونی مطالعات اولیه				
Log Growth	۰/۱۷۶۴	۰/۰۷۴۹	۰/۲۷۴۳	۰/۰۰۰۷
Log Ib	۰/۲۷۷۱	۰/۱۴۲۲	۰/۴۰۱۸	۰/۰۰۰۱
Openness	۰/۰۵۱۴	-۰/۰۸۲۶	۰/۱۸۳۴	۰/۴۵۲۷
GFCF	۰/۰۳۰۳	۰/۰۵۵۷	۰/۱۱۵۹	۰/۰۲۰۰
Interest Rate (real)	۰/۰۳۱۵	۰/۰۳۱۳	۰/۰۹۴۱	۰/۰۲۵۱
EXR	۰/۰۳۱۵	۰/۰۳۱۳	۰/۰۹۴۱	۰/۰۲۵۱
Government Quality	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Human Capital	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Capital	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Labor	۰/۱۰۰۰	۰/۰۳۷۰	۰/۱۶۲۲	۰/۰۰۱۹
Inf	۰/۰۰۵۵	-۰/۰۳۳۲	۰/۰۴۴۱	۰/۷۸۲۴
متغیرهای مربوط به دوره زمانی مطالعات				
2000	۰/۱۱۳۳	۰/۰۱۶۴	۰/۰۹۲۹	۰/۰۳۸۰
2010	۰/۰۷۲۶	۰/۰۲۴۴	۰/۱۲۰۵	۰/۰۰۳۲
2020	۰/۰۰۱۴	۰/۰۷۹۰	۰/۰۷۶۱	۰/۰۲۱۳

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم افزار CMA

بر اساس جدول (۵)، استفاده از شاخص‌های متفاوت برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی، می‌تواند اندازه اثر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. ترکیب مطالعاتی که از متغیرهای (Investment Accounts, TA, TD, ROB, ROD, ROA, ROE, CAR, AQ, NI/ATA, LLR/GL, ILE و NLD) برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی استفاده کرده‌اند، تأثیر مثبت و معنادار را نشان می‌دهد، اما برای متغیرهای (NPM, LIQ, MAN, CI, LAD و FT) این تأثیر معنادار نیست. علاوه بر این، در متغیرهای معنادار، هم اندازه اثر مثبت و هم منفی نتیجه‌گیری شده است. بنابراین متغیر مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی یکی از عوامل مهم ناهمگنی در نتایج مطالعات اولیه است.

انتخاب رشد اقتصادی سالانه یا رشد اقتصادی سرانه به عنوان متغیر وابسته الگوهای رگرسیونی مطالعات اولیه، تأثیری بر معناداری رابطه مورد بررسی ندارد و به عنوان عامل ناهمگنی شناسایی نمی‌شود.

بخش سوم متغیرهای کنترل، مربوط به متغیرهای مستقلی است که در الگوهای رگرسیونی مطالعات اولیه مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از متغیرهای آزادی تجاری و تورم در الگوی رگرسیونی مطالعات اولیه، می‌تواند به طور جدی معناداری رابطه مورد بررسی را تحت تأثیر منفی قرار دهد. لگاریتمی بودن متغیر وابسته و متغیر مربوط به بانکداری اسلامی و استفاده از متغیرهای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، نرخ بهره حقیقی، نرخ ارز، کیفیت دولت، سرمایه انسانی، سرمایه و نیروی کار به معناداری رابطه خدشه‌ای وارد نمی‌کند، ولی اندازه اثر گزارش شده در هر مطالعه را می‌تواند تغییر دهد.

متغیرهای کنترل مربوط به دوره زمانی مدنظر مطالعات اولیه (۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰) در انتهای جدول (۵) نشان می‌دهد که دوره زمانی متفاوت، روی معناداری تأثیری ندارد، اما مقدار اندازه اثر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یکی دیگر از دلایل ناهمگنی در مطالعات اولیه می‌باشد.

به‌طور کلی لحاظ متغیرهای کنترل در مدل و نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که متغیر مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی و دوره زمانی مطالعات، ازجمله عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات پیشین هستند؛ همچنین متغیرهایی مانند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، نرخ بهره حقیقی، نرخ ارز، کیفیت دولت، سرمایه انسانی، سرمایه و نیروی کار می‌تواند اثرگذاری مطلوب بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تقویت کند، اما حضور متغیرهایی مانند آزادی تجاری و تورم، باعث بی‌معنی شدن آماری رابطه مورد بررسی می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی ادبیات نظری رابطه بانکداری با رشد اقتصادی نشان می‌دهد که کانال‌های اثرگذاری بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی، مشابه کانال‌های بین بانکداری متعارف و بخش واقعی اقتصاد است و تفاوت آنها در شدت اثرگذاری است. تأمین مالی مبتنی بر بدهی و عملیات سفته‌بازی نامرتبط با تولید، در بانکداری اسلامی به شدت محدود می‌شود. از سوی دیگر در همه عقود مشارکتی اسلامی، فعالیتی حقیقی وجود دارد که به رشد اقتصادی می‌انجامد. به‌طور کلی یک سیستم مالی اسلامی بهینه تا حد زیادی مبتنی بر حقوق صاحبان سهام است که دلالت بر یک همبستگی قوی بین بخش‌های مالی و واقعی اقتصاد دارد. بنابراین با توجه به ارتباط مشخص‌تر و نزدیک‌تر ابزارهای پولی و بانکی اسلامی (به‌ویژه عقود و اوراق مشارکتی) نسبت به ابزارهای پولی متعارف با بخش واقعی اقتصاد، می‌توان تأثیر عملکرد بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را پررنگ‌تر از اثرات مالی متعارف دانست. مطالعات تجربی این حوزه، نتایجی مختلفی برای تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی گزارش می‌دهند. مطالعه حاضر به‌منظور دستیابی به‌اندازه اثر متوسط در مورد رابطه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل عواملی که باعث اختلاف در نتایج مطالعات قبلی شده‌اند، با بهره‌مندی از روش فرارگرسیون به بررسی نتایج کمی مطالعات قبلی پرداخت. نتایج ترکیب ضرایب رگرسیونی مطالعات اولیه، فرضیه تعریف‌شده بر اساس مبانی نظری مبنی بر تأثیر مثبت و معنادار بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تأیید نمود. افزون بر این، متغیر مورد استفاده برای اندازه‌گیری عملکرد بانکداری اسلامی و دوره زمانی، به‌عنوان عوامل ناهمگنی در نتایج مطالعات قبلی، شناسایی شدند. متغیرهایی مانند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، نرخ بهره حقیقی، نرخ ارز، کیفیت دولت، سرمایه انسانی، سرمایه و نیروی کار می‌تواند اثرگذاری مطلوب بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی را تقویت کند، اما حضور متغیرهایی مانند آزادی تجاری و تورم، معناداری رابطه مورد بررسی را مخدوش می‌کنند. نتایج آزمون‌های تورش انتشار به همراه گزارش نمودار قیفی، عدم وجود سوگیری ناشی از انتشار و اعتبار نتایج فرارگرسیون را تأیید کردند. برآیندگیری از نتایج مطالعات پیشین به لحاظ پیامدهای سیاستی تأیید می‌کند که بهبود عملکرد بانکداری اسلامی با کنترل و توجه به سایر عوامل اثرگذار، می‌تواند موجب افزایش رشد اقتصادی شود.

- امیری، حسین و دیگران (۱۴۰۰). تأمین مالی اسلامی و رشد اقتصادی با تأکید بر بانک و بازار سرمایه، شواهدی از کشورهای اسلامی. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۱)، ۳۲۸-۳۰۹.
- باختر چوری، حسن و دیگران (۱۴۰۱). تأثیر اجرای بانکداری اسلامی بر زیر بخش‌های مهم اقتصاد ایران. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۵)، ۲۸۸-۲۶۶.
- صمصامی، حسین و توکلی، امیرحسن (۱۳۹۱). اثر اجرای بانک داری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۳(۲)، ۹۶-۷۷.
- فراهانی‌فرد، سعید و دیگران (۱۳۹۴). تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته GMM). *مدل‌سازی اقتصادی*، ۹(۳)، ۴۱-۲۱.
- موسویان، سیدعباس و ورزمیاری، بهزاد (۱۳۹۱). بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۸)، ۵۲-۲۹.
- Abdoul, A. H. (1991). Access to finance and collaterals: Islamic versus western banking. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 3(2), 55-62.
- Abdel-Haq, M. K. (1989). *Islamic development bank: An analytical study*. Yarmouk University.
- Akhtar, M. R. (1993). Modelling the economic growth of an Islamic economy. *American Journal of Islam and Society*, 10(4), 491-511.
- Al Shakarchi, J. (2022). How to write a systematic review or meta-analysis protocol. *Journal of Surgical Protocols and Research Methodologies*, 22(3), 1-8.
- AlHarbi, A., Sbeiti, W. & Ahmad, M. (2024). Money Supply, Banking and Economic Growth: A Cross Country Analysis. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 14(2), 234-242.
- Anass, M., Eddine, C. S. & Reda, O. (2017). Empirical Analysis of Islamic Banking and Economic Growth. *Economic Alternatives*, (1), 89-102.
- Archer, S. & Karim, R. A. A. (2012). The structure, regulation and supervision of Islamic banks. *Journal of Banking Regulation*, 13, 228-240.
- Bendriouch, F. Z., Satt, H., & M'hamdi, M. (2020). Do Islamic banks contribute to economic growth? Evidence from the GCC Countries. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 10(5), 352.
- Bergh, D. D., Aguinis, H., Heavey, C., Ketchen, D. J., Boyd, B. K., Su, P. ... & Joo, H. (2016). Using meta-analytic structural equation modeling to advance strategic management research: Guidelines and an empirical illustration via the strategic leadership-performance relationship. *Strategic management journal*, 37(3), 477-497.
- Bernanke, B. S. (1983). Non-monetary effects of the financial crisis in the propagation of the Great Depression. *National Bureau of Economic Research*, No w1054.
- Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P. & Rothstein, H. R. (2011). *Introduction to meta-analysis*. John Wiley & Sons.

- Brunner, K. & Meltzer, A. H. (1963). Predicting velocity: Implications for theory and policy. *The Journal of Finance*, 18(2), 319-354.
- Chaffai, M. E. (2022). New evidence on Islamic and conventional bank efficiency: A meta-regression analysis. *Bulletin of Economic Research*, 74(1), 221-246.
- Chandler, J., Cumpston, M., Li, T., Page, M. J. & Welch, V. J. H. W. (2019). *Cochrane handbook for systematic reviews of interventions*. Hoboken: Wiley.
- Chang, P. C., Jia, C. & Wang, Z. (2010). Bank fund reallocation and economic growth: Evidence from China. *Journal of Banking & Finance*, 34(11), 2753-2766.
- Chapra, M. U. (1993). Islam and the economic challenge. *International Institute of Islamic Thought*, (IIIT), No 17.
- Cobham, D. (1992). Finance for development and Islamic banking. *Intereconomics*, 27, 241-244.
- Cohen, J. (1988). The effect size. *Statistical power analysis for the behavioral sciences*, 2(1), 77-83.
- Cole, R. A., Moshirian, F. & Wu, Q. (2008). Bank stock returns and economic growth. *Journal of Banking & Finance*, 32(6), 995-1007.
- Combs, J. G., Crook, T. R. & Rauch, A. (2019). Meta-analytic research in management: Contemporary approaches, unresolved controversies, and rising standards. *Journal of Management Studies*, 56(1), 1-18.
- Durusu-Ciftci, D., Ispir, M. S. & Yetkiner, H. (2017). Financial development and economic growth: Some theory and more evidence. *Journal of policy modeling*, 39(2), 290-306.
- El-Galfy, A. & Khiyar, K. A. (2012). Islamic banking and economic growth: A review. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 28(5), 943-956.
- El-Ghattis, N. (2011). *Islamic banking's role in economic development: Future outlook*. Centre of Islamic Finance: Bahrain Institute of Banking.
- Elmawazini, K., Khiyar, K. A. & Aydilek, A. (2020). Types of banking institutions and economic growth. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 13(4), 553-578.
- Goldsmith, R. W. (1969). *Financial structure and development*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Gurevitch, J., Koricheva, J., Nakagawa, S. & Stewart, G. (2018). Meta-analysis and the science of research synthesis. *Nature*, 555(7695), 175-182.
- Gusenbauer, M. & Haddaway, N. R. (2020). Which academic search systems are suitable for systematic reviews or meta-analyses? Evaluating retrieval qualities of Google Scholar, PubMed, and 26 other resources. *Research synthesis methods*, 11(2), 181-217.
- Hansen, C., Steinmetz, H. & Block, J. (2022). How to conduct a meta-analysis in eight steps: a practical guide. *Management Review Quarterly*, 18(72), 1-19.

- Harwell, M. (1997). An empirical study of Hedge's homogeneity test. *Psychological methods*, 2(2), 219.
- Havráněk, T., Stanley, T. D., Doucouliagos, H., Bom, P., Geyer-Klingenberg, J., Iwasaki, I. ... & Van Aert, R. C. M. (2020). Reporting guidelines for meta-analysis in economics. *Journal of Economic Surveys*, 34(3), 469-475.
- ICD - LSEG (2023). Islamic Finance Development Report: Navigating Uncertainty. 30 Apr 2024, Issue no.2023.
- Iqbal, M. Z. & Mirakhor, M. A. (1987). *Islamic banking*. International Monetary Fund.
- Kassim, S. (2016). Islamic finance and economic growth: The Malaysian experience. *Global Finance Journal*, 30, 66-76.
- Khan, W. M. (1989). Towards an interest-free Islamic economic system. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 1.
- Kuran, T. (1997). Islam and underdevelopment: an old puzzle revisited. *Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE)/Zeitschrift für die gesamte Staatswissenschaft*, 41-71.
- Kuran, T. (2004). *Islam and Mammon: The economic predicaments of Islamism*. Princeton University Press.
- Library of Harvard (2024). Systematic Reviews and Meta Analysis: A resource for finding data sources, filters, and standards to support systematic searches of the biomedical literature. Harvard, <https://guides.library.harvard.edu/meta-analysis>
- McClelland, D. (1961). *Intention-based models of entrepreneurship education*. The Achieving Society, The Free press, New York, NY.
- McKinnon, R. I. (1973). The value-added tax and the liberalization of foreign trade in developing economies: a comment. *Journal of Economic Literature*, 11(2), 520-524.
- Mifrahi, M. N. & Tohirin, A. (2020). How Does Islamic Banking Support Economics Growth?. *Jurnal Ekonomi Dan Keuangan Islam*, 9(1), 72-91.
- Mishkin, F. S. (1995). Symposium on the monetary transmission mechanism. *Journal of Economic perspectives*, 9(4), 3-10.
- Radulescu, M., Serbanescu, L. & Sinisi, C. I. (2019). Consumption vs. Investments for stimulating economic growth and employment in the CEE Countries—a panel analysis. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 32(1), 2329-2352.
- Saleem, M. I. & Mahmood, F. (2022). *The Islamic Banking Finance And Economic Growth Nexus*. PIDE School of Economics, Pakistan Institute of Development Economics.
- Saleem, S. (2007). Role of Islamic banks in economic development. MPRA paper, 6449.
- Schumpeter, J. (1911). *The theory of economic development*. harvard economic studies. Harvard Economic Studies. XLVI.
- Shaw, E. S. (1973). *Financial Deepening In Economic Development*. Oxford University Press: New York.

- Song, F., Parekh, S., Hooper, L., Loke, Y. K., Ryder, J., Sutton, A. J. & Harvey, I. (2010). Dissemination and publication of research findings: an updated review of related biases. *Health technology assessment*, 14(8), 1-220.
- Stanley, T. D. & Doucouliagos, H. (2012). *Meta-regression analysis in economics and business*. Routledge.
- Tahraoui, A. & Aouar, A. (2024). The Impact Of The Financial Performance Of Islamic Banks On Economic Growth: a Panel Data Analysis. *The journal of contemporary issues in business and government*, 30(1), 345-354.
- Ueda, K. (2013). Banks as coordinators of economic growth and stability: Microfoundation for macroeconomy with externality. *Journal of Economic Theory*, 148(1), 322-352.
- Usmani, M. T. (2002). *Islamic finance in the global economy*. The Hague, The Netherlands: Kluwer Law International.
- Viechtbauer, W. & Cheung, M. W. L. (2010). Outlier and influence diagnostics for meta-analysis. *Research synthesis methods*, 1(2), 112-125.
- Volker, N. (2006). Islamic Economic system—A Threat to Development. MPRA Paper No. 6449. *EJIF—European Journal of Islamic Finance Editorial Team*, 6449, 1-5.



Bank Credit Money Creation as an Instance of *Akl Al-Māl bi'l-Bāṭil*

Mohammad-Esmaeil Tavassoli  / Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University
metavassoli@gmail.com

Received: 2024/11/21 - Accepted: 2025/03/08

Abstract

Despite numerous studies on bank credit money creation, considerable ambiguity remains concerning its status in Islamic banking discussions. This paper employs an analytical method to examine the Islamic economic perspective on bank credit money creation through fractional reserve banking and = creating credit money from nothing by creating credit in the account. According to the findings, money creation leads to problems such as multiple simultaneous claims of ownership over a single, definite property. Moreover, credit creation money from nothing resembles fictitious cheques. From a legal perspective, the study concludes that any form and amount of bank credit money creation—even under a fractional reserve banking system—is, from a jurisprudential standpoint, a case of akl al-māl bi'l-bāṭil (unjust enrichment), and thus religiously prohibited. This conclusion calls for policy and legislative measures to counteract money creation practices in the Iranian economy.

Keywords: Fractional Reserve Banking, Credit Money Creation, Money Creation from nothing, Islamic Economics.

JEL Classification: P44, E51

خلق پول اعتباری بانکی به مثابه «اکل مال به باطل»

metavassoli@gmail.com

محمد اسماعیل توسلی  / استادیار گروه اقتصاد اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

چکیده

علی‌رغم انجام تحقیقات متعدد در زمینه خلق پول اعتباری بانکی، هنوز ابهامات زیادی در مورد آن در مباحث بانکداری اسلامی وجود دارد. این مقاله با روش تحلیلی به بررسی دیدگاه اقتصاد اسلامی در زمینه خلق پول اعتباری بانکی از مسیر بانکداری ذخیره جزئی و نیز خلق پول اعتباری از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب می‌پردازد. بر اساس یافته‌های تحقیق، خلق پول باعث بروز مشکلاتی همچون ایجاد چندین ادعای مالکیت بر مال واحد مفروز در آن واحد می‌شود؛ همچنین خلق پول از هیچ مبتنی بر اعتباری مشابه چک‌های صوری است. با توجه به مباحث حقوقی مطرح‌شده، خلق پول اعتباری بانکی به هر میزان و هر شکل حتی در نظام بانکداری ذخیره جزئی از حیث فقهی مصداق اکل مال به باطل و حرام است. این امر مستلزم اقدامات سیاستی و تقنینی برای مقابله با خلق پول در اقتصاد ایران است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری ذخیره جزئی، خلق پول اعتباری، خلق پول از هیچ، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: P44, E51.

مقدمه

با ظهور بانک‌ها در اقتصاد و گسترش آن، علاوه بر اینکه همانند رباخواران از انواع قراردادهای ربوی بهره می‌بردند، همانند دولت‌ها که حق انتشار پول دارند به خلق پول اعتباری دست یازیدند. پول اعتباری در بیان میزس (نورث، ۱۳۹۷، ص ۲۸) پولی است که کمتر از صد درصد معادل ارزش خود ذخائر سکه دارد. به عقیده میزس (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۱) بانک پیمان‌هایی برای پرداخت صادر می‌کند که تعهدات قانونی هستند؛ درحالی‌که نمی‌توان همه آنها به صورت عندالمطالبه نقد کرد. میزس این شکل از پول را پول اعتباری یا واسطه اعتباری می‌نامد. به عقیده میزس (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۴) پول اعتباری همیشه با تعلیق تبدیل‌پذیری اسکناس‌های خزانه‌داری یا اسکناس‌های بانکی به پول نقد پدید می‌آید. بانک‌ها از مسیر ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری از طریق بانکداری ذخیره جزئی با ضریب فزاینده و یا از طریق خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب که در اختیارشان قرار گرفت، خالق حجم عظیم نقدینگی در اقتصاد شدند. به گفته حسینی دولت‌آبادی:

در ادبیات متعارف اقتصاد نسبت به ماهیت واقعی بانک سه رویکرد مختلف واسطه‌گری مالی، بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی و رویکرد خلق اعتبار از هیچ مطرح است. در رویکرد ابتدایی، بانک‌ها تنها واسطه‌های مالی هستند؛ در این دیدگاه آغاز فرایند وام‌دهی با جمع‌آوری سپرده‌ها از اشخاص و پایان آن قرض دادن این منابع به اشخاص دیگر است. در رویکرد بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، بانک‌ها به صورت تجمعی خلق پول می‌کنند؛ گرچه هر بانک به تنهایی یک واسطه‌گر مالی است که سپرده‌ها را جذب و آنها را به متقاضیان وام می‌دهد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵).

دیدگاه سوم که به عقیده حسینی دولت‌آبادی و روحانی دیدگاه برتر دوران کنونی است، همانند دیدگاه ذخیره جزئی معتقد است نظام بانکی خلق پول می‌کند، ولی هریک از بانک‌ها به تنهایی همه وام‌ها را از هیچ خلق می‌کنند و نیازی به جذب سپرده پیش از آن وجود ندارد (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۹-۱۸۳؛ کمیجانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۳). به عقیده توسلی و دیگران:

در بانکداری متعارف کنونی هر سه رویکرد با هم وجود دارد؛ زیرا اگر رویکرد واسطه مالی وجود نداشته باشد، فایده‌مندی و خدمات‌دهی بانک‌ها به عموم مردم تقلیل می‌یابد و از اعتبار بانک‌ها و اعتماد به آنها در نزد مردم کاسته می‌شود؛ در نتیجه نمی‌توانند از رویکردهای ذخیره جزئی با خلق وام از سپرده یا خلق وام از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب استفاده کرده و خلق پول کنند، اما مسئله مهم‌تر این است که بانک‌ها در رویکرد واسطه وجود تنها درآمدشان محدود به همان کارمزد است، که تنها نسبت کوچکی از نرخ بهره اسمی را تشکیل می‌دهد. اصل پول و درآمد بهره با کسر کارمزد متعلق به سپرده‌گذار است، در رویکرد ذخیره جزئی که خلق پول با ضریب فزاینده در چرخه بانکی رخ می‌دهد. در اینجا بانک‌ها گرچه کل درآمد حاصل از نرخ بهره را مالک می‌شوند، اما اصل پول متعلق به سپرده‌گذار است که نزد بانک سپرده شده و در قبال استفاده از خدمات حساب جاری هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند. در رویکرد سوم بانک‌ها کل درآمد حاصل از نرخ بهره و اصل پول وام داده شده را در انتها مالک می‌شوند. در این حالت، بانک برای متقاضی وام اعتبار در حساب ایجاد می‌کند و متقاضی پس از مدتی اصل وام گرفته شده و بهره‌اش را که حاصل دسترنج و تولید ارزش افزوده است را کامل با بانک تسویه می‌کند (توسلی و دیگران، ۱۳۹۹).

به عقیده نگارنده، آن ویژگی‌ای که بانک را بانک می‌کند، همین ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است، نه آن قراردادهای ربوی؛ زیرا قراردادهای ربوی چند هزار سال در بین جوامع بشری رواج داشت، اما بانکی به شکل کنونی پدیدار نشد. قابل ذکر است که در رویکرد خلق پول از هیچ هر مؤسسه‌ای که وام اعطا می‌کند حتی اگر مانند صندوق‌های قرض الحسنه وام بدون بهره بپردازد، توانایی بالقوه خلق پول از هیچ دارد و گرچه بهره‌ای دریافت نمی‌کند، اما پس از مدتی مالک اصل پول وام داده شده می‌شود. به همین جهت است که در ایران با همه رکودش شاهد رشد قابل توجه انواع بانک‌ها از جمله بانک‌های قرض الحسنه هستیم.

تجربه چهار دهه گذشته نظام پولی کشور حاکی از این حقیقت است که با مجاز و مشروع شمردن امکان انتشار پول اضافی برای دولت‌ها، شاهد افزایش‌های مستمر و بی‌رویه پایه پولی به وسیله همه دولت‌های پس از انقلاب و افزایش عظیم حجم نقدینگی با مجاز و مشروع دانستن خلق پول توسط نظام بانکی در دهه اخیر بوده‌ایم. نتیجه همه اینها افزایش بهمن‌وار حجم نقدینگی، وقوع تورم‌های شدید، گسترده و مزمن بوده است. کاهش‌های متوالی ارزش پول به دنبال خودش توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد و آثار ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ناشی از آن در تمام سطوح جامعه، نااطمینانی تصمیمات سرمایه‌گذاری، اختلال در تراز پرداخت‌های خارجی، بودجه و اقتصاد سوداگری و ضد تولیدی را در پی داشته است. به عقیده میزس:

کاهش دادن ارزش پول سرقتی است که توسط دولت یا بانک مرکزی دارای مجوز دولتی [و بانک‌ها] صورت می‌گیرد و بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تحت پیگرد قرار دهد. پس از جنگ جهانی اول بانک‌های مرکزی اروپا دولت‌ها را متقاعد کردند که به آنها اجازه دهند تا طلاهای دزدیده شده را نزد خود نگهدارند. دولت‌ها برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار بانک‌های تجاری را ورشکسته اعلام نکردند، بلکه در عوض به سارقان طلا که در سطح ملی به صورت سازماندهی شده قراردادهای خود با شهروندان را نقض کرده بودند، اجازه داده شد تا طلاهای دزدیده شده را در دفتر مرکزی کارتل خود نگهداری کنند، یعنی بانک مرکزی ملی (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۵).

با این‌همه از منظر اقتصاد اسلامی و آموزه‌های آن در مورد فرایند بانکداری ذخیره جزئی و ایجاد اعتبار در حساب و ماهیت حقوقی انواع خلق پول اعتباری حاصل از آن فرایندها، پژوهش‌های مبنایی معتنا بهی صورت نگرفته است. دلیل آن هم می‌تواند این باشد که مدت زمان به نسبت کوتاهی است که اندیشه‌وران اقتصاد اسلامی در ایران به خلق پول اعتباری و اهمیت آن در اقتصاد توجه کردند. لذا تبیین ماهیت حقوقی و فلسفی انواع خلق پول و بررسی فقهی آن موضوع این پژوهش قرار گرفته و درصدد پاسخ مبنایی به این پرسش است که آیا یک ریال خلق پول اعتباری از حیث فقهی همانند یک ریال ربا اکل مال به باطل و حرام است؟ یا اینکه خیر! اصل خلق پول مباح است و تنها خلق بی‌رویه آن حرام است؟

پاسخ به بخش اول سؤال در فقه تنها با روش موضوع‌شناسی و تبیین ماهیت حقوقی خلق پول اعتباری میسر است و پاسخ به بخش دوم سؤال به روش معیاری است. به گفته موسویان (۱۳۹۶) در روش موضوع‌شناسی، فقه موضوع را محل بحث قرار داده و حکم خود آن موضوع را بیان می‌کند و گهگاهی به بیان علت‌ها و حکمت‌های حکم هم می‌پردازد، اما محور خود آن موضوع است. در روش معیاری، فقه و شریعت موضوعی وارد نمی‌شود، بلکه معیاری وارد می‌شود؛ مثلاً با معیار عدالت و ظلم یا مصلحت و مفسده. فقیه در اینجا معیار ارائه می‌دهد و بر اساس حکم و مصالح می‌گوید فلان کار حرام است یا حلال.

در ادامه ابتدا با چگونگی خلق پول اعتباری در ادبیات اقتصاد متعارف و برخی نکات مغفول آن، که در موضوع شناسی و فهم ماهیت حقوقی انواع خلق پول اعتباری در استخراج حکم فقهی مهم است، آشنا می‌شویم؛ آنگاه به‌طور مبنایی و به تفصیل با موضوع شناسی و تبیین ماهیت حقوقی انواع خلق پول اعتباری، درصدد پاسخ به بخش اول سؤال مبنی بر اینکه آیا یک ریال خلق پول اعتباری همانند یک ریال ربا اکل مال به باطل و حرام است یا خیر؟ برخوردیم آمد.

خلق پول در بانکداری ذخیره جزئی

در ابتدا لازم است دو مفهوم انتشار پول و خلق پول را از هم تفکیک کنیم؛ زیرا دارای دو طبیعت متفاوت هستند. انتشار پول به‌صورت سکه دالاتی و اسکناس کاغذی و یا الکترونیکی به‌واسطه حقی است که به دولت داده شده و از طریق بانک مرکزی و افزایش پایه پولی صورت می‌گیرد، اما هنگامی که بانک‌های تجاری، سپرده‌ها و بانکداری ذخیره جزئی وارد بحث حجم نقدینگی می‌شوند، با مسئله ضریب فزاینده، خلق پول اعتباری و افزایش حجم نقدینگی مواجه می‌شویم که چندین برابر پول منتشرشده بانک مرکزی، سپرده یا همان شبه‌پول در بانک‌های تجاری ایجاد می‌شود. اگر سیستم بانکداری ما با ذخیره صددرصدی باشد، نقدینگی به همان اندازه افزایش پایه پولی افزایش می‌یابد. به بیان میزس:

اگر بدهکار (دولت یا بانک) بتواند معادل کل مقدار جانشین‌های پول صددرصد ذخایر پولی را در دسترس نگاه دارد، آنگاه جانشین پول را یک گواهی پولی می‌نامیم. گواهی پول هم عندالمطالبه است و هم صددرصد تضمین شده و تعهد برای پرداخت فوری در هر زمانی است (نورث، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

اما باید در نظر داشت که نظام بانکداری ما همانند سایر نظام‌های بانکی جهان ذخیره صددرصدی نیست. اگر قرض‌گیرنده در سیستمی که مبتنی بر ذخیره جزئی نیست بخواهد قرض بگیرد، باید یک سپرده‌گذار از استفاده پول خود تا زمان سررسید بازپرداخت صرف‌نظر کند؛ لذا خلق پولی در کار نخواهد بود؛ درحالی‌که در یک سیستم ذخیره جزئی سپرده‌گذاران می‌توانند هر زمان که بخواهند پول خود را برداشت کنند؛ از این رو با ضریب فزاینده، افزایش حجم نقدینگی را از این ناحیه شاهد خواهیم بود. به گفته میزس:

در بانکداری ذخیره جزئی حتی با پشتوانه طلا و جهانی که در آن همه رسیدهای طلا با پشتوانه صددرصد همانند رسیدهای طلای بدون پشتوانه به نظر می‌رسند، بانک‌های صادرکننده رسید با یک فرصت و یک تهدید مواجه هستند. فرصت عبارت است از اینکه می‌توانند در ازای چیزی که عملاً هیچ چیز نیست (رسید بدون پشتوانه طلا) چیزی دریافت کنند (بهره). تهدید عبارت است از اینکه سپرده‌گذاران به بانک هجوم آورند تا سپرده خود را پس بگیرند (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

به گفته میزس:

بانک‌های تجاری هنوز به‌صورت ذخیره جزئی پول اعتباری خلق می‌کنند، ولی حساب‌ها دیگر ربطی به طلا ندارد. در این فرایند سپرده‌گذاران بالقوه به بانک خود مراجعه می‌کنند و از طرح‌های ممکن برای پس‌انداز مطلع می‌شوند. به او گفته می‌شود که می‌تواند یک حساب باز کند و در قبال آن بهره بگیرد و در عین حال هر زمانی مایل بود پول خود را از حساب خارج کند. او هم می‌تواند یک کیک خود را داشته باشد و هم آن را بخورد (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۷).

در نظام بانکداری معاصر سپرده‌های جاری که بخش مهمی از حجم پول را تشکیل می‌دهد، این ویژگی را دارند. این سپرده‌ها در ابتدا به وسیله بانک‌های تجاری خلق می‌شوند، بانک‌ها از طریق معاملات با پول سعی می‌کنند تا سودشان را به حداکثر برسانند. از آنجاکه همه سپرده‌گذاران با هم مبادرت به برداشت سپرده‌هایشان نمی‌کنند، بانک‌ها می‌توانند اقدام به اعطای وام با بهره یا سرمایه‌گذاری به هدف جلب سود از طریق سپرده‌های مردم کنند. بانک‌ها از ذخایری که نزد خودشان و یا نزد بانک مرکزی دارند، بهره‌ای دریافت نمی‌کنند و لذا به هدف حداکثر کردن سود سعی خواهند کرد تا این ذخایر را به حداقل برسانند. هر چیزی که بر ذخایر بانک‌ها اثر داشته باشد، بر عرضه پول نیز مؤثر خواهد بود. به تحلیل می‌رس:

در فرایند سپرده‌ها و وام‌ها، سپرده‌گذار یک حساب سپرده باز می‌کند. بانکدار به یک عرضه پول جدید می‌رسد. بانکدار اگر بخواهد از این پول جدید درآمد کسب کند، باید یک قرض‌گیرنده را متقاعد کند تا یک وام جدید بگیرد. او چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ با پایین آوردن نرخ بهره و پیشنهاد یک معامله بهتر به قرض‌گیرنده. بنابراین بانک به بانک و سپرده به سپرده بانکداران [با توجه به نرخ ذخیره قانونی ۳ درصد] برای ۹۷ درصد سپرده‌ها با پیشنهاد نرخ‌های بهره پایین‌تر به دنبال قرض‌گیرنده می‌گردند، و قرض‌گیرندگان به این پیشنهاد پاسخ می‌دهند تا زمانی که تمام سکه‌های ده سنتی نیز وام داده شوند. اگر بانکدار می‌خواهد سودی از سپرده‌هایی که پذیرفته کسب کند، باید تک‌تک ده سنتی‌ها را هم وام دهد. بانک پول را جایی نمی‌گذارد که دست کسی به آن نرسد (نورث، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳ و ۱۲۴). این یک شیوه خلق پول اعتباری است؛ گونه دیگر، خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب است که در زیر به آن می‌پردازیم.

خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب

به گفته سبجانی و درودیان:

خلق پول از هیچ بر قابلیت وام‌دهی و سپرده‌آفرینی بانک مقدم بر سپرده‌گیری و اکتساب ذخایر دلالت دارد. زمانی که بانک وام اعطا می‌کند، این وام مترادف با افزودن بر حساب سپرده شخص وام‌گیرنده است. این پول افزوده شده به حساب وام‌گیرنده از حساب‌های سپرده قبلی پرداخت نشده و موجودی ذخایر بانک را نمی‌کاهد، بلکه این قدرت خرید (پول) به تازگی خلق شده است (سبجانی و درودیان، ۱۳۹۵).

در دو دهه اخیر رویکردی نسبت به نوع خلق پول رایج شده که مدعی است بانک‌ها به دلیل درون‌زایی پولی در خلق پول آزادی عمل بالایی دارند و به همین دلیل امکان اهرم کردن منافع و مضار در صورت‌های مالی رواج یافته و ماهیت رابطه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تغییر بنیادین پیدا کرده است (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۷).

این دیدگاه درباره بانک‌ها با عنوان تأمین مالی به واسطه خلق پول نام‌گذاری شده است. آغاز این فرایند با یک قرض‌گیرنده (سرمایه‌گذار الف) است، که بانک پس از ارزیابی ریسک اعتباری او، قرارداد وام را با او امضا می‌کند. هنگامی که این وام در حساب‌های بانک به‌عنوان یک دارایی جدید ثبت می‌شود، به‌طور هم‌زمان، یک سپرده نیز به همان مقدار به‌عنوان بدهی در حساب‌های بانک ثبت می‌شود. بانک با وام‌دهی، قدرت خرید جدید یا همان پول را خلق می‌کند. هم وام و هم سپرده به نام سرمایه‌گذار الف است و این بدان معناست که این فرایند شامل هیچ‌گونه واسطه‌گری وجوه نیست. سرمایه‌گذار الف برای تهیه ماشین‌آلات از سرمایه‌گذار ب پول موجود در سپرده‌های جدید خود را به حساب

سرمایه گذار ب منتقل می کند، در این زمان سرمایه گذار ب به یک پس انداز کننده تبدیل می شود. نکته مهم آن است که پس انداز سرمایه گذار ب نتیجه غیرارادی فرایند وام دهی و سرمایه گذاری است، نه علت آن. در واقع در نظام بانکی پس انداز موجب تأمین مالی سرمایه گذاری نمی شود، بلکه خلق پول بانک این کار انجام می دهد. در پایان این فرایند هویت شخص وام گیرنده یعنی سرمایه گذار الف با هویت شخص پس انداز کننده یعنی سرمایه گذار ب متفاوت است، ولی این به این معنا نیست که بانک واسطه و جوه میان افراد الف و ب شده است. بانک قدرت خرید جدیدی تنها برای شخص الف خلق نموده که در مرحله بعد و به واسطه نظام تسویه به شخص ب منتقل شده است. دیدگاه واسطه گری مالی، بانکها را به عنوان نهادهای تهاتری تحلیل می کند، نه یک نهاد پولی. در واقع این دیدگاه بانک را نهادی در نظر می گیرد که معاملات غیرمالی (کالایی) با جمع غیر صفر انجام می دهد، که ذاتاً نیازمند وقوع پس انداز منابع حقیقی پیش از هرگونه وام دهی است، ولی بانک نهادی است که معاملات مالی (پولی) با مقادیر ناخالص غیر صفر ولی با جمع صفر انجام می دهد، که نیازمند هیچ گونه پس انداز پیشینی منابع حقیقی نیست (Jakab & Kumhof, 2015).

در نظر داشتن این تمایز میان بانکها و سایر نهادهای اقتصادی بسیار ضروری است. هنگامی که یک قرض دهنده بتواند خودش خلق پول کند (مانند همه نهادهای غیربانکی) مجبور است انباشت پول خود را کاهش و انباشت دیگر دارایی های مالی خود (به صورت وام یا اوراق قرضه) را افزایش دهد، ولی قرض دهنده ای که قادر به خلق پول است (مانند بانک مرکزی یا بانک تجاری) به طور هم زمان هم دارایی های مالی خود را افزایش می دهد (وام جدید خلق شده) و هم بدهی های مالی خود را می افزاید (سپرده قرض گیرنده) (Werner, 2014؛ Lindner, 2015).

به گفته کمیجانی و دیگران، به صورت تجربی و با بررسی فرایند حسابداری داخلی بانک در فرایند وام دهی، می توان نشان داد که فرایند بیان شده دقیقاً آن چیزی است که هنگام اعطای وام جدید رخ می دهد. هنگامی که قرارداد وام توسط بانک و مشتری امضا شد، حساب وام گیرنده به میزان ارزش وام بستانکار می شود. پرسش کلیدی این است که آیا به عنوان پیش نیاز این عمل حسابداری، یعنی پیش از بستانکار کردن حساب مشتری بانک باید این مقدار را از یک حساب دیگر کسر کند؟ در صورتی که دیدگاه ضریب فزاینده برقرار باشد، معادل این رقم از ذخایر بانک کسر می شود و اگر دیدگاه واسطه گری مالی پذیرفته شود، باید از سپرده مردم نزد بانک کاسته شود، ولی در صورتی که بانک بتواند بدون کاستن از دیگر حساب های داخلی (سپرده ها) یا خارجی (ذخایر) حساب وام گیرنده را بستانکار و وام را پرداخت کند، شاهد کافی دال بر توانایی خلق پول بانک از هیچ خواهد بود. پی گرفتن ردیف های مالی ایجاد شده در فرایند پرداخت یک وام جدید در حساب های مالی بانک نشان می دهد که دیدگاه خلق پول مطابق واقع است (کمیجانی و دیگران، ۱۳۹۷).

برخی نکات مهم!

نکته اول و مهمی که باید در این فرایندها به آن توجه داشته باشیم، این است که انتشار و خلق پول چه از طریق پایه پولی با انتشار پول قانونی از سوی بانک مرکزی و چه از طریق خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در

حساب از سوی بانک‌ها بر اساس نظریه عین اعتباری درباره ماهیت پول (توسلی، ۱۳۹۴)، پول هستند و از هیچ خلق می‌شوند، تنها منشأ جعل و خلق آنها متفاوت است.

نکته دوم اینکه انتشار پول از سوی بانک مرکزی و یا خلق پول از هیچ از سوی بانک‌ها، هر دو در نظام پولی و بانکی‌ای که بانکداری ذخیره جزئی و ضریب فزاینده در آن حضور دارد صورت می‌گیرد؛ در نتیجه هر دو پول به محض ورود به چرخه بانکداری تجاری با ضریب فزاینده منجر به افزایش چندین برابری سپرده‌ها و در نتیجه افزایش بهمن‌وار حجم نقدینگی می‌گردند. اینکه آمارها نشان‌دهنده خلق و تولید روزانه چند هزار میلیارد تومان نقدینگی در نظام بانکی ایران است، تنها با توجه به تحلیل بالا قابل تفسیر است.

نکته سوم و مهم دیگری را هم باید به آن توجه کنیم این است که حتی اگر سیاست ذخیره صددرد را اعمال کنیم، باز شاهد خلق پول از هیچ خواهیم بود؛ البته دیگر با ضریب فزاینده چند برابر نخواهد شد. در این صورت افزایش نقدینگی تنها جمع افزایش مقدار پایه پولی و مقدار خلق پول از هیچ خواهد بود.

مروری بر ادبیات فقهی موضوع

صمصامی و کیان‌پور (۱۳۹۴) بر اساس رویکرد کل‌گرایانه - غایت‌محور رایج در مطالعات اقتصاد اسلامی، نشان دادند: خلق پول توسط نظام بانکی به بی‌ثباتی اقتصادی، عدم ایفای تعهد و اکل مال به باطل منجر می‌شود؛ همچنین خلق پول مانع تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها می‌شود؛ از این رو امکان خلق پول توسط نظام بانکی به شکل کنونی در نظام مالی اسلامی وجود ندارد (صمصامی و کیان‌پور، ۱۳۹۴).
به گفته سبحانی و درودیان (۱۳۹۵):

در ادبیات اقتصاد اسلامی گرایش غالب در بین محققان، رد توان خلق پول به وسیله نظام بانکی از حیث سازگاری با معیارهای دینی است. ایشان با پافشاری بر دو معیار اصلی عدالت و مولدیت، خلق انعطاف‌پذیر پول به وسیله نظام بانکی را به صورت بالقوه امکانی در جهت گسترش تولید و تحقق هدف آبادانی معرفی کرده، اما میزان فعلیت یافتن آن را موضوعی مرتبط با عوامل مؤثر بر مقصد تخصیص اعتبارات بانکی می‌داند. از دیدگاه معیار عدالت، خلق پول بانکی به جهت اتکای به امتیازات تبعیض‌آمیز و همچنین آثار توزیعی منفی، در هر دو معنای برابری در فرصت‌ها و توازن در نتایج، مردود ارزیابی شد؛ از این رو همسوسازی خلق پول بانکی با اغراض اقتصادی دین، مستلزم تمهید سازوکارهایی جهت تطابق مقصد اعتبارات بانکی با اولویت‌های اجتماعی، تخفیف آثار منفی توزیعی، در کنار بازشناسی سهم دولت (جامعه) از سهم بانک در منافع خلق پول و مالیات‌ستانی آن است (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵).

بر اساس نظر این دو اصل خلق پول مباح است.

عالی‌پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۶) بیان داشتند:

اساساً بانک برای اعطای اعتبار حتی نیاز به جمع‌آوری اولیه سپرده از مردم ندارد، بلکه بانک‌ها مستقلاً و بدون موجودی اقدام به اعطای اعتبار به مشتریان می‌نمایند. به منظور تشخیص اینکه این اقدام بانک‌های تجاری مشمول کدام یک از عناوین حقوقی است، دو فرضیه اکل مال به باطل و غصب را مطرح کردند (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶).

حسب توضیحاتی که در این مقاله ارائه شده، به نظر می‌رسد خلق پول مشمول دو عنوان اکل مال به باطل و غصب می‌باشد و حکم فقهی آن نیز حرمت است. به عقیده این دو در شمول این عناوین بر خلق پول، نگاه کلان به مسئله بسیار راهگشا خواهد بود.

اکبری و دیگران (۱۳۹۹) پرسشی را مطرح کردند مبنی بر اینکه آیا خلق پول توسط نظام بانکی اسلامی در اقتصاد اسلامی مشروعیت دارد یا خیر؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد:

نفس خلق پول طبیعی در نظام بانکی، غصب نیست و بر اساس قواعد عمومی بی‌اشکال به نظر می‌رسد؛ هرچند مانند تیغی دولبه می‌تواند آثار مثبت داشته باشد و اگر با شرایط، ساختار، تنظیم‌گری و نظارت نامناسب همراه شود، باعث ضرر خواهد بود. لذا خلق پول باید با سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و نظارت صحیح همراه باشد. خطوط راهنمای اقتصاد اسلامی شامل معیار حق، قوام، عمران و آبادانی و ممنوعیت کتز، ضوابطی برای جواز خلق پول ترسیم می‌کنند (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹).

به عقیده خوش‌نقش (۱۴۰۰):

با تدقیق در منابع فقه امامیه و همچنین قانون مدنی و بانکداری بدون ربا، به نظر می‌رسد دو اشکال اساسی به نظام بانکداری خالق پول وارد است: اول، در عقود اسلامی بانک‌ها مثل قرض‌الحسنه، مشارکت و مانند آن خلق پول موجب معامله با دین می‌شود؛ درحالی که به گفته فقه‌ها باید مورد معامله در این عقود، عین باشد؛ دوم، صرف‌نظر از اشکالات قبلی به نظر می‌رسد مکانیزم خلق پول توسط بانک‌های تجاری یکی از مصادیق اکل مال به باطل است (خوش‌نقش، ۱۴۰۰).

محققان و دیگران (۱۴۰۱) خلق پول را از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی دانسته‌اند که آثار بسیاری را در اقتصاد به‌جای می‌گذارد. ایشان می‌گویند:

خلق پول یا اعتبار جهت اعطای وام به مشتریان بانکی صورت می‌گیرد که بر اساس آن، بانک‌ها به اصطلاح از هیچ به خلق اعتبار در حساب متقاضی وام اقدام می‌کنند. گرچه این پدیده موافقانی نیز دارد، لکن همین گروه نیز به آثار مخرب اقتصادی خلق پول واقف و معترف‌اند. از مهم‌ترین آثار آن می‌توان به بی‌ثباتی اقتصادی، ایجاد تورم، افسارگسیخته، تبعیض و نقض عدالت اشاره کرد. از نظر فقهی می‌توان این پدیده را اکل مال به باطل قلمداد کرد؛ زیرا بانک در مقابل هیچ به کسب مال مبادرت می‌کند (محققان و دیگران، ۱۴۰۱).

به عقیده عیسوی (۱۴۰۲):

بی‌ثباتی در عرضه پول، افزایش بی‌رویه تقاضای پول، ایجاد تورم پولی، بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش نابرابری‌های اقتصادی، افزایش احتمال ورشکستگی بانک‌ها، گسترش بخش‌های غیرمولد اقتصاد و تضعیف بخش‌های واقعی، افزایش هزینه‌های مردم و بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده از مهم‌ترین آثار منفی خلق پول از سوی نظام بانکی است. به عقیده ایشان با توجه به آثار مختلف خلق پول دوگونه خلق پول را می‌توان تصور کرد: یکی خلق پول مثبت (خلق پول بیرونی قاعده‌مند) و دیگری خلق پول منفی (خلق پول از طریق افزایش بی‌ضابطه پایه پولی یا خلق پول بانکی از هیچ). با توجه به ادله مختلف فقهی خلق پول منفی از سوی هر کس انجام پذیرد مصداق اکل مال به باطل، ظلم به جامعه، ضرر رساندن به مردم، مخالف مصالح نظام و مردم و در نهایت مصداق کلاهبرداری و احتیال و محکوم به حرمت است، و چون با وجود پول اعتباری جامعه ناچار از خلق پول است، برای مصون ماندن از آثار مخرب آن باید قواعدی سختگیرانه تدوین و مدیریتی دقیق و مؤثر بر خلق پول بانک‌ها و دولت اعمال گردد (عیسوی، ۱۴۰۲).

این پژوهش‌ها نوعاً پدیده خلق پول را از حیث فقهی و اقتصادی با روش معیاری به واسطه آثاری که در اقتصاد برجا می‌گذارد مورد بررسی قرار دادند. این در حالی است که در روش معیاری همان‌گونه که بیان داشتیم تنها حکم فقهی خلق بی‌رویه پول قابل استخراج است و نه بیشتر و حکم اصل خلق پول قابل استخراج نیست و روش مبنایی و ماهیت‌شناسی موضوع را بسیار کمرنگ پی گرفتند. بنابراین در سطح معیاری هم موافقان هم مخالفان خلق پول اعتباری تا حدودی هم عقیده هستند که خلق بی‌رویه پول اعتباری در نهایت منجر به تورم می‌شود و زبان‌های بسیاری به اقتصاد وارد می‌نماید و لذا ممنوع و از حیث اسلامی با معیارهای آن به‌خصوص معیار عدالت سازگار نیست. اما در سطح دوم که برخورد مبنایی، موضوعی و ماهیت‌شناسی با مسئله خلق پول است و در پژوهش‌های پیشین بسیار کمرنگ بدان پرداخته شده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا به‌صراحت می‌توان بیان نمود که هر نوع خلق پول اعتباری به هر میزان مشمول عنوان اکل مال به باطل بوده و خلق یک ریال آن هم حرام است. لذا پرسش مهم‌تر این است که آیا هر نوع خلق پول اعتباری بانکی به هر میزان حتی یک ریال آنچه در رویکرد بانکداری ذخیره جزئی و چه در رویکرد خلق پول از هیچ، از حیث شرعی ممنوع و حرام و اکل مال به باطل است یا نه؟ برای پاسخ به این پرسش به سطح دوم یعنی موضوع‌شناسی این پدیده و احکام حاصل از آن وارد می‌شویم. تنها در تبیین موضوعی است که با ماهیت‌شناسی خلق پولی که توسط بانک‌ها انجام می‌شود، می‌توان اثبات کرد خلق حتی یک ریال پول اعتباری از طرف بانک با آموزه‌های اسلام سازگار نیست.

نوآوری پژوهش این است که در تحلیل حقوقی خلق پول اعتباری در نظام بانکداری ذخیره جزئی به‌طور خاص به اثرات آن بر تولید چندین ادعای مالکیت بر مال واحد مفروز در آن واحد و از جهت واحد تأکید کرده است و بررسی فقهی خلق پول از هیچ را با استدلالی نو مبتنی بر حقیقت اعتبار و مقایسه آن با چک‌های صوری مستدلاً ارائه کرده است. مقاله به‌طور خاص درصدد پاسخ مبنایی به این پرسش برآمده است که آیا هر نوع خلق پول اعتباری بانکی به هر میزان حتی در نظام بانکداری ذخیره جزئی از حیث فقهی اکل مال به باطل و حرام است یا نه؟

نخست: بانکداری ذخیره جزئی به‌مثابه عمل متقلبانه و اکل مال به باطل

از قواعد مهم و کاربردی در فقه و حقوق، قاعده اکل مال به باطل است. «این قاعده در متون حقوقی با عناوینی از جمله دارا شدن بدون جهت، دارا شدن غیرعادلانه یا استفاده بدون جهت بیان شده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۵۴۶). در این بخش، ابتدا قاعده مزبور را از لحاظ فقهی مورد بررسی قرار داده و سپس تطبیق آن را با خلق پول اعتباری از سوی بانک‌های تجاری خواهیم پرداخت. قاعده مزبور متخذ از آیه ۲۹ سوره مبارکه «تساء» می‌باشد. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا أَي کسانی که ایمان آورده‌اید، در اموالی که میان شما دست‌به‌دست می‌گردد، به ناروا تصرف نکنید و یا به سبب‌های نادرست آنها را از دست مردم خارج نکنید و صاحب نشوید، مگر اینکه دادوستدی برخاسته از توافق شما باشد. همانا خداوند نسبت به شما همواره مهربان بوده است.

لغت اکل در اینجا، شامل تمامی تصرفات، انتفاعات و استفاده‌ها در محاورات عرفی است. به عبارت دیگر، اکل بر معنای عامی دلالت دارد و به هر نوع تصرف مالکانه گفته می‌شود (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵).

نکته مهمی که باید در این قاعده مورد بررسی قرار گیرد، ملاک باطل است. در کلام فقها دو نوع باطل وجود دارد: باطل شرعی و باطل عرفی. باطل شرعی به تمام چیزهایی که در شرع مقدس نامشروع، حرام و به بطلان آنها تصریح شده باشد، گفته می‌شود؛ مثل رشوه، سرقت، قمار، غضب و مانند آن، اما باطل عرفی به تمام چیزهای گفته می‌شود که بر اساس فهم و درک عرف باطل باشد. به عبارت دیگر، به آنچه از لحاظ عقلایی ناپسند و قبیح باشد باطل عرفی گفته می‌شود.

بنابراین با توجه به دو نوع باطل شرعی و عرفی، پرسش اساسی این است که منظور از باطل در آیات اکل مال به باطل کدام نوع است؟ یا به عبارت دیگر، قاعده اکل مال به باطل صرفاً باطل شرعی را دربر می‌گیرد یا اینکه هر دو قسم باطل شرعی و عرفی را شامل می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها باطل را صرفاً باطل شرعی می‌دانند؛ از این رو معتقدند قاعده مذکور فقط باطل‌هایی را که در آیات و روایات یعنی شرع بیان شده است، شامل می‌شود؛ به عنوان مثال رباخواری، رشوه‌گیری، خوردن مال یتیم و مانند آن. آیت‌الله خوئی از معتقدان باطل شرعی در مورد قاعده نوشته است که: «آیه حرمت اکل مال به باطل، بیانگر باطل شرعی است، نه باطل عرفی. به تعبیر دیگر ایشان معتقد است که هرچه در شرع و به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده، مشمول قاعده است» (خوئی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۱۴۱). صاحب کنز/العرفان ذیل آیه ۲۹ سوره نساء می‌نویسد که: «باطل در قاعده، شامل آنچه شارع آن را مباح نکرده است می‌شود؛ از جمله غضب، سرقت و عقود فاسد» (فاضل مقداد، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱). بعضی از فقهای دیگر آورده‌اند در جایی که در مورد بطلان یا عدم بطلان امری از شرع مقدس نص و یا مصادیقی نباشد، جهت تشخیص و فهم باطل به عرف مراجعه می‌شود.

در مقابل، برخی از فقها معتقدند که مراد از باطل، باطل عرفی است؛ از جمله آنها می‌توان به آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره کرد. ایشان در نقد کسانی که به باطل شرعی معتقد هستند آورده است که:

اگر مراد از باطل، باطل شرعی باشد، فایده آیات حرمت اکل مال به باطل فی‌ذاته به چند مورد که در شرع بیان شده است محدود و منحصر می‌شود و در نتیجه بسیاری از موارد باطل را دربر نمی‌گیرد. حال آنکه همان‌طور که بیان شد باطل دارای معنا و مفهوم عام و وسیعی است که به مصادیق خاصی محدود نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص ۹۳).

بنابراین استدلال ایشان بر عرفی بودن باطل استوار است. در همین راستا امام خمینی رحمته‌الله هم در مورد ملاک و مناط باطل می‌نویسد: «مراد از باطل، باطل عرفی و عقلایی می‌باشد، همان‌طور که ظاهر همه عناوین اخذ شده در موضوع احکام به تشخیص و فهم عرف است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۴). ایشان در نقد نظریه باطل شرعی می‌گوید:

اگر منظور از باطل، باطل شرعی باشد و عرف در نظر گرفته نشود، همان‌گونه که محقق اردبیلی تصور کرده است هنگام شک در بطلان کاری، نمی‌توان به آیه حرمت اکل مال به باطل تمسک کرد؛ زیرا تمسک به آن آیه، تمسک به عام در شبهه مصادیق می‌شود که باطل است، اما این احتمال ضعیف است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۴).

با این توضیحات، عالی پناه و تاج لنگرودی بیان نمودند که:

از نظر اسلام، هرگونه تصرف در اموال و دارایی‌ها باید بر اساس حق و عدالت و بر مبنای صحیح صورت گیرد و هر چیزی که خارج از این اصل باشد، حرام و باطل است. بر این اساس، تحصیل درآمد از راه‌های غیرمشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیرمجاز حرام و باطل است، به دلیل عمومیت و اطلاقی هم موارد را شامل می‌شود (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵).

اکنون پرسش این است، آیا خلق پول مبتنی بر بانکداری ذخیره جزئی به مثابه عمل متقلبانه و اکل مال به باطل است یا نه؟ در پاسخ می‌گوییم، در فرایند بانکداری ذخیره جزئی خلق پول از پول منتشره بانک مرکزی شروع می‌شود و با ضریب فزاینده پولی در نظام بانکی به افزایش چند برابری سپرده می‌انجامد. این فرایند که در آن بانک‌ها به‌طور تجمعی خلق پول می‌کنند، مفهومش این است که یک واحد پول منتشرشده از سوی بانک مرکزی در حضور ضریب فزاینده در چرخه بانک‌های تجاری، چندین برابر تعهد از طرف بانک‌ها و ادعای مالکیت از طرف صاحبان سپرده را در پی دارد؛ زیرا هر سپرده یک سند برای ادعای مالکیت است. ماهیت این عمل از حیث حقوقی یعنی یک مال واحد و مفروز (در اینجا یک واحد پول) هم‌زمان و از جهت واحد چندین مالک دارد؛ و حال آنکه از لحاظ حقوقی و فقهی یک مال واحد مفروز هم‌زمان و از جهت واحد نمی‌تواند چندین مالک داشته باشد، مگر به نحو مشاع و یا در طول زمان.

خلق پول در این فرایند مثل گردش پول و دست‌به‌دست شدن آن در طول زمان که به سرعت گردش پول معروف شده نیست؛ چون در فرایند گردش پول در طول زمان یا همان سرعت گردش پول، اشخاص در یک زمان با هم مالک یک واحد پول نیستند، اما در فرایند خلق پول، نظام بانکی به‌طور تجمعی از مسیر بانکداری ذخیره جزئی اشخاص متعدد را هم‌زمان مالک یک واحد پول واردشده به چرخه بانکی می‌کند و آنها می‌توانند هم‌زمان با آن معامله کنند. این عمل مثل این است که یک بنگاه ملک واحد مفروز را به چندین نفر فروخته و برای هریک بیع‌نامه حاکمی مالکیت صادر کند. این کار از حیث حقوقی مصداق کلاهبرداری، عمل متقلبانه و اکل مال به باطل است.

شاهد بر مدعا اینکه اگر نظام بانکی با هجوم بانکی مواجه شود، توان بازپرداخت ندارد و پاسخگوی این ادعاهای مالکیت ایجادشده نیست. به بیان میزس: «بانک با ایجاد سپرده‌ها، پیمان‌ها و تعهداتی برای پرداخت صادر می‌کند که تعهدات قانونی هستند؛ درحالی‌که نمی‌توان همه آنها را به‌صورت عندالمطالبه نقد کرد» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۱). شاهد دیگر بر مدعا، بیان دیگر میزس در تحلیل حقوقی واسطه اعتباری است. وی می‌گوید: «واسطه اعتباری [سپرده] یک تعهد به پرداخت فوری و عندالمطالبه و صددرصد تضمین‌شده در هر زمانی است؛ تعهدی که البته [در عمل] هم‌زمان برای همه دارندگان واسطه اعتباری ایفا نمی‌شود» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۲۸). به عقیده میزس: «تعهد اولیه تبدیل‌پذیری فوری خواه در قانون تصریح شده باشد و خواه صرفاً مبنای عرفی داشته باشد، توقف این تبدیل‌پذیری در حکم یک قانون شکنی است که شاید بتوان برای آن عذر و بهانه تراشید، اما نمی‌توان از آن دفاع کرد» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۴). به گفته میزس:

اینکه بانک‌های تجاری در برابر هجوم سپرده‌گذاران قرار نمی‌گیرند، بدین خاطر است که بانک مرکزی و دولت بانک‌های تجاری را در برابر هجوم سپرده‌گذاران برای خالی کردن حساب‌هایشان محافظت می‌کنند. دولت برای کاهش ریسک سپرده‌گذاران در برابر نکول بانک‌های افراط کار، قوانین معمول قراردادهای را اعمال نمی‌کند، بلکه دست بانک‌ها را برای نکول با عدم الزام به اجرای قرارداد بازمی‌گذارد و به وسیله نظام بیمه تضمین شده دولتی، بانک‌ها را تحت حفاظت قرار می‌دهد (نورث، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵).

به عقیده میزس:

نظام بیمه تضمین شده دولتی ابزاری است برای راحت کردن خیال سپرده‌گذاران تا در مورد رویه‌های نامعقول بانکداری نگران نباشند. این ابزار، تهدید هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها را کاهش می‌دهد، و هجوم سپرده‌گذاران چیزی نیست غیر از ابزار آنها برای محدود کردن بانک‌ها در انتشار پول اعتباری تورمی با اهرم مالی بالا (نورث، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵).

به گفته میزس: «در قانون بانکداری همه چیز با تخطی نظام‌مند از قراردادها هماهنگ شده است؛ خواه قبل از هجوم سپرده‌گذاران و خواه بعد از هجوم آنها» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

منشأ برخوردار شدن بانک‌ها از ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری

همان‌گونه که مشهور است، ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری از صندوق امانات پالمستراخ بانکدار سوئدی و با یک خیانت در امانت شروع شده است. پالمستراخ به تجربه فهمید مردم به یکباره برای دریافت سکه‌هایشان که به امانت گذاشته بودند مراجعه نمی‌کنند؛ ضمن اینکه عده‌ای که از صندوق پول برداشت می‌کنند، عده‌ای دیگر به همان مقدار پول در صندوق به امانت می‌گذارند. لذا اگر مقداری از این امانت را به دیگران وام بدهد و مقداری را احتیاطاً در صندوق نگه دارد، مشکلی پیش نمی‌آید. صندوق امانی مذکور با این کار از بهره پول استفاده می‌کند؛ ضمن اینکه پس از مدتی اصل پول هم به صندوق برمی‌گردد. از اینجا بود که بانک‌ها پدیدار شدند». به گفته میزس: «داستان آشنای چگونگی آغاز شدن بانکداری ذخیره جزئی ممکن است از نظر تاریخی افسانه‌ای باشد، اما فرایند پیدایش این نوع بانکداری را به دقت تشریح می‌کند» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۲). به گفته میزس همان‌گونه که پیشتر آمده:

در بانکداری ذخیره جزئی حتی با پشتوانه طلا و جهانی که در آن همه رسیدهای طلا با پشتوانه صد درصد همانند رسیدهای طلای بدون پشتوانه به نظر می‌رسند، بانک‌های صادرکننده رسید با یک فرصت و یک تهدید مواجه هستند. فرصت عبارت است از اینکه می‌توانند در ازای چیزی که عملاً هیچ چیزی نیست (رسید بدون پشتوانه طلا) چیزی دریافت کنند (بهره). تهدید عبارت است از اینکه سپرده‌گذاران به بانک هجوم آورند تا سپرده خود را پس بگیرند (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

به گفته میزس:

بانک‌های تجاری هنوز به صورت ذخیره جزئی پول اعتباری خلق می‌کنند، ولی حساب‌ها دیگر ربطی به طلا ندارد. در این فرایند سپرده‌گذاران بالقوه به بانک خود مراجعه می‌کنند و از طرح‌های ممکن برای پس‌انداز مطلع می‌شوند. به او گفته می‌شود که می‌تواند یک حساب باز کند و در قبال آن بهره بگیرد و در عین حال هر زمانی مایل بود پول خود را از حساب خارج کند. او هم می‌تواند یکک خود را داشته باشد و هم آن را بخورد» (نورث، ۱۳۹۷، ص ۸۷).

قانون عملیات بانکی بدون ربای سال ۶۲ و اصلاحات اخیر

قانون عملیات بانکی بدون ربای ایران که سال ۶۲ به تصویب رسید و اصلاحیه‌های اخیر (موسویان و دیگران، ۱۳۸۶؛ موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص ۳۱۱-۳۲۲) تنها به ویژگی ربوی بانک‌ها و بدون ربا کردن آنها در قالب عقود مشروع و متنوع کردن آنها برای تأمین اغراض سپرده‌گذار و متقاضی تسهیلات در بخش تجهیز و تخصیص منابع پرداخته و از خلق پول اعتباری بانک‌ها غفلت شده و یا حق مسلم بانک فرض شده است. این در حالی است که آن ویژگی که بانک را بانک می‌کند همین خلق پول اعتباری است. اینها ماهیت مسلم حقوقی حساب جاری را که امانت بود، با مسلم فرض کردن باز بودن دست بانک‌ها در استفاده از وجوه امانی حساب جاری به ماهیت حقوقی قرض بدون بهره تبدیل کردند؛ با اینکه روشن است در سپرده جاری، نه سپرده‌گذار و نه بانک به دنبال هدف‌های خیرخواهانه نیستند. هدف سپرده‌گذار از این حساب، سامان دادن دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از راه خدمات حساب جاری است. این اندیشه‌وران هدف بانک را که کسب سود از این وجوه امانی است، حق مسلم او فرض کردند؛ حال آنکه طبق قاعده فقهی «العقود تابعة للقصود» اگر طرفین عقد به هر دلیلی الفاظ عقد را در قالب ایجاب و قبول جاری کرده باشند، بدون اینکه قصد انعقاد آن را داشته باشند، عقد منعقد نمی‌شود، و با توجه به اینکه طرفین معامله قصد انشای معامله واقعی را نداشته‌اند، این معامله صوری و باعث ورود ربا و یا باطل شدن معاملات می‌شود؛ ضمن اینکه از لحاظ معیاری به نظر می‌رسد توزیع بسیار نابرابر ثروت از این مسیر که از آثار مسلم اقتصادی آن و مذموم شارع مقدس است مورد غفلت پیشنهاددهندگان اصلاحات اخیر قرار گرفته است.

خطای بزرگ دیگری که در این اصلاحیه و بانکداری ما رخ داد و به خلق پول دامن زد، این بود که آمدند قید «مدت‌دار» را از سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار حذف و به سپرده سرمایه‌گذاری عام و خاص تغییر ماهیت دادند و سپس آن را عندالمطالبه و سودهایش را روزشمار کردند؛ در نتیجه این حساب‌ها هم مانند حساب جاری بستر خلق پول بانکی شدند و البته با شدت بسیار بیشتر؛ چون سهم این نوع سپرده‌ها در حجم نقدینگی کشور قابل قیاس با بقیه سپرده‌ها نیست. هم‌اکنون سهم این سپرده‌ها (یا همان شبه پول) حدود ۷۵٪ نقدینگی را تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که پیشتر بیش از ۹۰٪ بود. لذا اگر ماهیت حقوقی سپرده‌های جاری را به همان ماهیت امانی برگردانیم و سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را به همان منوال مدت‌دار بودن عودت دهیم و از دسترس خارج کنیم، خلق پول از این ناحیه رخ نخواهد داد و دیگر با ضریب فزاینده مواجه نخواهیم شد.

دوم: خلق پول از هیچ به مثابه چک صوری و اکل مال به باطل

به اعتقاد برخی از اندیشه‌وران اسلامی:

خلق پول اعتباری بانکها پدیده‌ای جدید و جزو مباحثی است که باید به شیوه معیاری بررسی شود نه موضوعی. بدین صورت که اگر اقتصاددانان اثبات کنند در خلق پول بانکی مقسدهای نیست و به مصلحت جامعه و اقتصاد کشور است، خلق پول بانکی ایرادی ندارد، اما اگر مقسده آن را اقتصاددانان اثبات کنند، اشکال دارد. به گفته ایشان، بحث اعتبار از هیچ، در فقه، پیش از بحث بانکداری در بحث‌های مشارکت مطرح است که به آن مشارکت در وجوه می‌گویند. بعضی از افراد در بازار بودند که اصطلاحاً وجهه داشتند، اعتبار داشتند. چنین فردی بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد، با همان اعتبارش، می‌رفت از تاجری جنس می‌خرید؛ بعد آن را می‌فروخت، پولش را می‌برد پس می‌داد. آنچه که فقها اشکال گرفتند، مشارکتش است. معامله خودش اشکال ندارد، اما اینکه کسی بگوید اعتبار از تو، کار از من، اما مشارکت وجوه بخواهد پیش بیاید، به‌خاطر غرری بودن می‌گویند اشکال دارد، اما شخصی دارد با اعتبار خودش کار می‌کند، هیچ چیز ندارد و کار می‌کند، عیبی ندارد. می‌گوییم بانک اسلامی ابزاری پیدا کرده، می‌تواند بخرد ولو آنکه منابعی نه از خودش دارد نه منابع سپرده‌ای دارد، اما اعتبار دارد. چک بکشد، مواد اولیه را از فروشنده بخرد، به‌صورت مراحه به این کارخانه‌دار بفروشد (موسویان، ۱۳۹۶).

اما به اعتقاد ما، تحلیل موسویان نادرست است؛ زیرا در نگاه موضوع‌شناسانه مسئله‌ای که این اندیشه‌وران باید به آن توجه کنند این است که بین اعتبار تعریف‌شده بالا و بین خلق اعتباری که بانک می‌کند، تفاوت ماهوی است؛ زیرا اعتبار واردشده در بحث مشارکت وجوه همان اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار است و بر همان اساس خرید و فروش می‌کنند و بانکها برای دادن تسهیلات بر همین اساس اعتبارسنجی می‌کنند، اما خلق اعتباری که بانک با ایجاد اعتبار در حساب می‌کند بدین معناست که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات‌گیرنده به‌گونه‌ای وانمود می‌کند که در حسابش واریز شده است. بانک نمی‌گوید برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن، بلکه بانک وانمود می‌کند این پول در بانک من وجود دارد، بر این اساس شما برو و خریدهای خود را انجام بده؛ چون بر اثر تجربه می‌داند که بعد از مدتی می‌تواند جایگزین کند. این درحقیقت از هیچ، پول خلق می‌کند و در ترازنامه بانک این وام به‌صورت دارایی ثبت می‌شود و برای گیرنده تسهیلات بدهی است که اصل و فرع آن را باید به بانک برگرداند.

برای تقریب به ذهن چک‌های صوری را مثال می‌زنم که دین اعتباری است. فقها نوعاً در دین واقعی جایز می‌دانند که چک تنزیل شود؛ زیرا دین واقعی مال است. آقای الف نسبت به آقای ب یک طلبی دارد، این طلب به‌صورت چک است، می‌رود به سمت شخص ثالث؛ چون دین واقعی است، می‌رود تنزیل می‌کند، اما اگر شخص الف اعتباری در بازار دارد، شخص ب چون دوستش است، می‌آید به شخص الف می‌گوید من صد میلیون تومان پول نیاز دارم، چه کار کنم؟ آقای الف می‌گوید من که این پول را ندارم، اما در بازار اعتبار دارم، یک چک برایت می‌کشم، شما برو در بازار این چک را تنزیل کن - همه هم می‌دانند که چک این آقا در بازار معتبر است - می‌تواند تنزیل کند و کار این آقا هم راه بیفتد. حالا شخص ب بدهکار شخص الف است و در موعد توافق شده دین را تصفیه می‌کند. همه فقها در اینجا می‌گویند چون دین واقعی که مال است وجود ندارد، شما نمی‌توانید آن را تنزیل کنید. بنابراین در مورد چک‌های دوستانه، از این نظر که مالی وجود ندارد مشروع نیست.

در اینجا بانک هم به واسطه اینکه بانک شده و همین که مردم به آن اطمینان پیدا می کنند، پولی را که وجود ندارد، با باز کردن اعتبار در حساب برای شخص و دادن دسته چک یا کارت اعتباری به او وانمود می کند که وجود دارد و خلق پول از هیچ، از اینجا پدید می آید. لذا از حیث فقهی می توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست؛ زیرا مالی را که وجود ندارد برایش فرض وجود می کند. پس اگر در چک های صوری و دوستانه مشروعیت آن پذیرفته نشد، در اینجا هم مشروعیتش پذیرفته نیست و یک ریال خلق پول هم اکل مال به باطل است.

با همه این اوصاف، به خاطر حاکمیت اندیشه بسیار ناصواب مجاز دانستن خلق پول اعتباری در چهار دهه گذشته، اقتصاد ایران و جولان بانک ها در دهه اخیر، روزانه به حجم نقدینگی چندین هزار میلیارد تومان اضافه می شود و تورم شدید ناشی از آن هم اکنون بر نظام و مردم سنگینی می کند و نیز به خاطر وجود بازی در حال گسترش پانزی در نظام پولی و مالی کشور، که در آن بدهی ها و تعهدات به تعویق افتاده و بازپرداخت آنها به آینده موکول می شود، اگر دولت و بانک مرکزی مداخله نکنند به زودی اعلان بحران ورشکستگی های عظیم بانک ها را هم در پیش رو خواهیم داشت.

نتیجه گیری

تجربه چهار دهه گذشته نظام پولی کشور حاکی از این حقیقت است که با مجاز و مشروع شمردن امکان انتشار پول اضافی برای دولت ها و خلق پول برای بانک ها، شاهد افزایش های مستمر و بی رویه پایه پولی یا پول پر قدرت به وسیله همه دولت های پس از انقلاب و همچنین افزایش عظیم نقدینگی با خلق پول توسط نظام بانکی در دهه اخیر بوده ایم. نتیجه همه اینها افزایش بهمن وار حجم نقدینگی، وقوع تورم های شدید، گسترده و مزمن بوده است. کاهش های متوالی ارزش پول به دنبال خودش توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد و آثار ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی ناشی از آن در تمام سطوح جامعه، نااطمینانی تصمیمات سرمایه گذاری، اختلال در تراز پرداخت های خارجی، بودجه و اقتصاد سوداگری و ضد تولیدی را در پی داشته است.

با این همه از منظر اقتصاد اسلامی و آموزه های آن در مورد ماهیت حقوقی انواع خلق پول و احکام فقهی آنها پژوهش های بنیادین اندکی صورت گرفته است. لذا تبیین ماهیت حقوقی انواع خلق پول و نتایج فقهی آن موضوع این پژوهش قرار گرفته و درصدد پاسخ مبنایی به این پرسش برآمده است که آیا یک ریال خلق پول از حیث فقهی اکل مال به باطل و حرام است؟ یا اینکه نه! اصل خلق پول مباح است و تنها خلق بی رویه آن حرام است؟

در تبیین معیاری با توجه به آثار اقتصادی که برای خلق پول برمی شمارند، تنها ناسازگاری خلق بی رویه پول چه از طرف دولت و چه از طریق بانک ها با آموزه های اسلام قابل اثبات است و نه بیشتر. در تبیین موضوعی است که با ماهیت شناسی خلق پولی که توسط بانک ها انجام می شود، می توانیم اثبات کنیم خلق حتی یک ریال پول از طرف بانک با این آموزه ها سازگار نیست. نوآوری پژوهش این است که با ماهیت شناسی خلق پول، اکل مال به باطل بودن آن را چه از طریق ضریب فزاینده و چه از طریق خلق پول از هیچ بررسی کرده است. نخست، خلق پول اعتباری از

مسیر بانکداری ذخیره جزئی با ضریب فزاینده به مثابه عمل متقلبانه و اکل مال به باطل شمرده شده است؛ زیرا در این فرایند که در آن بانکها به طور تجمعی خلق پول می کنند، مفهومش این است یک واحد پول منتشر شده از سوی بانک مرکزی در حضور ضریب فزاینده در چرخه بانکهای تجاری چندین برابر ادعای مالکیت را در پی دارد. این از حیث حقوقی، یعنی یک واحد پول همزمان چندین مالک دارد. شاهد بر مدعا اینکه اگر نظام بانکی با هجوم بانکی مواجه شود، توان پرداخت ندارد و پاسخگوی این ادعاهای مالکیت ایجاد شده نیست؛ و حال آنکه از لحاظ حقوقی و فقهی یک مال در آن واحد و از جهت واحد نمی تواند چندین مالک داشته باشد، مگر به نحو مشاع و یا در طول زمان. این مثل این است که برای یک ملک واحد برای چندین نفر سند مالکیت صادر شده باشد. این کار مصداق کلاهبرداری، عمل متقلبانه و اکل مال به باطل است.

دوم، در مورد خلق پول از هیچ باید گفت به مثابه چک صوری و اکل مال به باطل است؛ زیرا خلق اعتباری که بانک می کند بدین معناست که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات گیرنده به گونه ای وانمود می کند که در حسابش واریز شده است. بانک نمی گوید برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن، بلکه بانک وانمود می کند این پول در بانک من وجود دارد، بر این اساس شما برو و خریدهای خود را انجام بده؛ چون بر اثر تجربه می داند که بعد از مدتی می تواند جایگزین کند. این در حقیقت از هیچ پول خلق می کند و در ترازنامه بانک این وام به صورت دارایی ثبت می شود و برای گیرنده تسهیلات بدهی است که اصل و فرع آن را باید به بانک برگرداند. همان گونه که در چکهای دوستانه از این نظر که مالی وجود ندارد و دین صوری است، مشروع نیست، در اینجا هم بانک به واسطه اینکه بانک شده و همین که مردم به آن اطمینان پیدا می کنند، پولی را که وجود ندارد، با باز کردن اعتبار در حساب برای شخص و دادن دسته چک یا کارت اعتباری به او وانمود می کند که وجود دارد و خلق پول از هیچ، از اینجا پدید می آید. لذا از حیث فقهی می توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست؛ زیرا مالی را که وجود ندارد برایش فرض وجود می کند. پس اگر در چکهای صوری و دوستانه مشروعیت آن پذیرفته نشد، در اینجا هم مشروعیتش پذیرفته نیست و یک ریال خلق پول هم اکل مال به باطل است.

نکته مهمی که از آن غفلت شده و باید در این فرایندها به آن توجه داشته باشیم، این است که خلق پول چه از طریق پایه پولی با انتشار پول از سوی بانک مرکزی و چه از طریق خلق پول از هیچ با ایجاد اعتبار در حساب، در حضور بانکداری ذخیره جزئی و ضریب فزاینده پولی صورت می گیرد؛ در نتیجه هر دو پول به محض ورود به چرخه بانکداری تجاری با ضریب فزاینده به افزایش چندین برابری سپرده ها و افزایش بهمن وار حجم نقدینگی می انجامند. اینکه آمارها نشان دهنده خلق و تولید روزانه چندین هزار میلیارد تومان نقدینگی در نظام بانکی ایران است، تنها با توجه به تحلیل بالا قابل تحلیل و تفسیر است. نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کنیم، این است که حتی اگر سیاست ذخیره صددرد عمل اعمال کنیم، باز شاهد خلق پول از هیچ خواهیم بود. خلق پول لازمه صندوقهای قرض الحسنه نیز است؛ زیرا در آن وام

پرداخت می‌شود؛ گرچه وام در آن غیرربوبی است. شاهد بر مدعا رشد و افزایش قابل توجه و چشمگیر شعب برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه در سطح کشور است؛ درحالی‌که برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه که از سال‌های پیش از انقلاب در حال فعالیت موفق و سالم قرض‌الحسنه هستند بیش از دو شعبه نشدند.

توصیه‌های سیاستی و تقنینی

۱. بانک مرکزی باید با قدرت و سرعت برای «ترتیبات خلق پول» چاره‌ای بیندیشد، والا بحران عظیمی اقتصاد ایران را دربر گرفته و به زودی زمین‌گیر خواهد شد. قدرت پول‌آفرینی شبکه بانکی باعث می‌شود بانک‌های مرکزی تسلط کامل را در کنترل حجم نقدینگی نداشته باشند.

۲. اگر ماهیت حقوقی سپرده‌های جاری به همان ماهیت امانی برگردانده شوند و سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار به همان منوال مدت‌دار بودن عودت داده شوند، خلق پول از این ناحیه رخ نخواهد داد و دیگر با ضریب فزاینده مواجه نخواهیم شد.

۳. اگر ذخیرهٔ صددرصد به بانک تحمیل نشود، خلق پول به‌صورت قهری اتفاق می‌افتد. خلق پول لازمهٔ صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز است؛ زیرا در آن وام پرداخت می‌شود؛ گرچه وام در آن غیرربوبی است. لذا صندوق‌های قرض‌الحسنه هم باید تحت نظارت شدید بانک مرکزی قرار گیرند.

۴. اگر نظام هنوز در مورد عدم مشروعیت خلق پول اعتباری شک دارد، اما در مورد ممنوعیت خلق بی‌رویه نقدینگی اتفاق نظر وجود دارد. لذا، در مورد کل حجم نقدینگی اعم از پول بانک مرکزی و پول اعتباری قاعدهٔ اصلی به هدف حفظ ارزش پول و مقابله با تورم و نیز برخورداری از نرخ رشد اقتصادی پایدار اقتضا می‌کند، رشد حجم کل نقدینگی بر محدودیت و انضباط استوار باشد. بر این اساس، نرخ رشد نقدینگی باید رابطهٔ تناسبی مشخصی را با نرخ رشد محقق‌شده یا انتظاری تولید ناخالص ملی حفظ کند.

۵. نظام اسلامی لازم است بانک مرکزی قدرتمند و مستقل با مدیریت قوی، کارگزاران شایسته و نظارت بایسته داشته باشد تا بتواند ضمن کنترل پایه پولی، قدرت نظارت کامل و شدید بر بانک‌های خصوصی تجاری همانند بانک‌های تجاری دولتی و همچنین قرض‌الحسنه‌ها داشته باشد تا نتوانند بی‌رویه خلق پول و نقدینگی کنند. اعطای استقلال عملی و واقعی به بانک مرکزی، می‌تواند در کنترل حجم نقدینگی، در نتیجه ثبات قیمت‌ها و حفظ ارزش پول بسیار مؤثر باشد.

۶. لازمهٔ همهٔ اینها این است که به سرعت و با دقت به سراغ قانون بانک مرکزی و قانون عملیات بانکی بدون ربا رفته و بر اساس شاخص‌های اسلامیت و استقلال واقعی به اصلاح ریشه‌ای آنها پرداخته و به نظام پولی سروسامان دهیم. تا به ثبات در نظام پولی نرسیم، تمام ثبات‌سازی‌ها در بخش‌های دیگر از جمله نظام ارزی خنثا نخواهد شد. شاهد مسلم آن برنامهٔ هدفمند کردن یارانه‌هاست که با تورم‌های مستمر چندین ساله به کلی خنثا شده است.

منابع
قرآن کریم.

اکبری، محمود و دیگران (۱۳۹۹). ابعاد اقتصادی - فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی. پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، ۲۸، ۱۳۵-۱۶۶.

توسلی، محمد اسماعیل و دیگران (۱۳۹۹). تبیین ماهیت بانکداری غربی، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی. تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۴۶، ۸۵-۱۰۷.

توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۹۴). تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن بر مطالعات بانکداری اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲۸، ۱۷۳-۱۹۸.

خوش‌نقش، هادی (۱۴۰۰). خلق پول از دیدگاه امامیه و با نگاهی به قوانین موضوعه. جستارهای فقهی و اصولی، ۷ (۲۲)، ۵۸-۹۶. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱ق). مصباح الفقاهه. بی‌جا: وجدانی.

سبحانی، حسن و درودیان، حسین (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۱۶ (۶۴)، ۳۱-۵۴.

صمصامی، حسین و کیان‌پور، فرشته (۱۳۹۴). بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۷ (۱)، ۱۰۹-۱۳۰.

عالی‌پناه، علیرضا و تاج‌لنگرودی، محمد حسن (۱۳۹۵). بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری. پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، ۲۵ (۲)، ۶۵-۹۴.

مهدوی، ابوالقاسم، توکلی دادجوی، عباس و عسگری، آری (۱۳۹۷). عوامل ناموفق خلق سپرده‌های بانکی در اقتصاد ایران. بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی.

عیسوی، محمود (۱۴۰۲). بررسی فقهی و اقتصادی پدیده خلق پول. اقتصاد اسلامی، ۲۳ (۹۰)، ۵-۳۶.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (بی‌تا). کنز العرفان فی فقه القرآن. تهران: مرتضوی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها). تهران: شرکت سهامی انتشار.

کیمیجانی، اکبر و دیگران (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی، نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. جستارهای اقتصادی ایران، ۱۵ (۲۹)، ۱-۳۰.

محققیان، مهدی و دیگران (۱۴۰۱). تأملی در حکم فقهی خلق پول. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۵ (۲۶)، ۱۹۷-۲۱۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳ق). انوار الفقاهه (کتاب بیع). قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۱ق). کتاب البیع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

موسویان، سید عباس (۱۳۹۶). نشست بررسی مشروعیت خلق پول اعتباری در نظام بانکی. دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

در: خبرگزاری فارس. گروه اقتصاد. ۱۳۹۶/۱۲/۱۲. <https://farsnews.ir/Economy>.

موسویان، سید عباس و دیگران (۱۳۸۶). نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین. اقتصاد اسلامی، ۷ (۲۵)، ۹-۳۶.

موسویان، سید عباس و میمنی، حسین (۱۳۹۶). بانکداری اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

نورث، گری (۱۳۹۷). دیدگاه‌های پولی میزس. ترجمه محمدجواد جوادی و امیررضا عبدلی. تهران: دنیای اقتصاد.

- Edwards, Mike (2013). *Why Our Monetary System Is Broken And How The Scottish Independence Referendum Creates An Opportunity To Fix It For Scotland*. Scottish.
- Jakab, Z. & Kumhof, M. (2015). *Banks are not intermediaries of loanable funds and why this matters*. Bank of England Working Paper.
- Kaufman, H., and H Minnsky (2008). *Stabilizing an Unstabl economy*. New York: McGraw- Hill.
- Lindner, F. (2015). Does Saving Increase the Supply of Credit? A Critique of Loanable Funds Theory. *World Economic Review*, 4, 1-26.
- Mishkin, Frederic.S. (2004). *The economics of money. banking and financial markets*, 357-378, Columbia University.
- Werner, R. (2014). *Can banks individually create money out of nothing - The Theories and the Empirical Evidence*. International Review of Financial Analysis.
- Wray, L. R. (2012). *Modern Money theory: A Primer On Macroeconomics For Sovereign Monetary Systems*. Palgrave Macmillam.

Financial Crises in the Mirror of Speculation: From the 2008 Crisis to Imami Jurisprudential Remedies

✉ **Mohammad-Hadi Rostami**  / Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Islamic Studies and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran rostami@isr.ikiu.ac.ir
Mohammad-Zaman Rostami / Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics and Management, University of Qom, Qom, Iran mz.rostami@qom.ac.ir
Received: 2025/01/04 - **Accepted:** 2025/03/11

Abstract

Economic crises often originate from structural flaws in modern financial systems and speculative behavior. This paper uses an analytical method to assess the role of speculation in triggering crises and to evaluate the preventive potential of Imami jurisprudence. The main research question is: What factors contributed to the emergence of economic crises in the West, and can Imami jurisprudence prevent similar occurrences? The central hypothesis posits that speculative behavior plays a significant role in exacerbating economic crises, while Imami jurisprudence—through principles such as profit-and-loss sharing, prohibition of ribā, the principle of no harm (lā ḍarar), prohibition of gharar, and emphasis on transparency and justice—possesses preventive capacities. The findings indicate that by restricting non-productive activities and channeling capital toward productive enterprises, Imami jurisprudence can promote economic stability and serve as a proactive framework against financial crises.

Keywords: Speculation, Economic Crises, Financial Innovation, Transparency, Productive Activities.

JEL Classification: G01, G15, D53, B55, E44

بحران‌های مالی در آینه سفته‌بازی: از تحلیل بحران ۲۰۰۸ تا راهکارهای فقه امامیه

محمدزمان رستمی  / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

rostami@isr.ikiu.ac.ir

mz.rostami@qom.ac.ir

محمدزمان رستمی / دانشیار گروه اقتصاد اسلامی دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

چکیده

بحران‌های اقتصادی ناشی از آسیب‌های ساختاری نظام‌های مالی مدرن و رفتارهای سفته‌بازانه است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و با بررسی نقش سفته‌بازی در ایجاد بحران‌ها، به ارزیابی ظرفیت فقه امامیه در پیشگیری از این بحران‌ها می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله این است که چه عواملی در شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی غرب نقش داشته‌اند و آیا فقه امامیه می‌تواند از وقوع بحران‌های مشابه جلوگیری کند؟ بر اساس فرضیه پژوهش، رفتارهای سفته‌بازانه در تشدید بحران‌های اقتصادی مؤثر بوده و فقه امامیه با تأکید بر اصولی چون مشارکت در سود و زیان، منع ربا، قاعده لاضرر، منع غرر و اصول شفافیت و عدالت، توانایی پیشگیری از بحران‌ها را دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، فقه امامیه با محدودسازی فعالیت‌های غیرمولد و هدایت سرمایه‌ها به فعالیت‌های مولد، می‌تواند ثبات اقتصادی را تقویت کرده و به‌عنوان چارچوبی پیشگیرانه در برابر بحران‌های مالی عمل کند.

کلیدواژه‌ها: سفته‌بازی، بحران‌های اقتصادی، نوآوری‌های مالی، شفافیت، فعالیت‌های مولد.

طبقه‌بندی JEL: G01, G15, D53, B55, E44

مقدمه

تحولات اقتصادی در طول تاریخ نشان‌دهنده گذار از ساختارهای سنتی مانند فئودالیسم به نظام‌های پیشرفته‌تری نظیر اقتصادهای مبتنی بر تولید مولد، کارآفرینی و نوآوری بوده است. با این حال، ظهور فعالیت‌های غیرمولد، به‌ویژه رفتارهای سفته‌بازانه، به‌عنوان یکی از عوامل مخرب، موجب انحراف منابع از بخش‌های مولد، افزایش شکندگی نظام‌های مالی و تشدید بحران‌های اقتصادی شده است. این رفتارها که اغلب در بستر ضعف نهادی، نبود شفافیت و ناکارآمدی نظارت شکل می‌گیرند، پیامدهایی همچون انباشت ریسک‌های سیستمی و فروپاشی بازارها را به همراه دارند. در این میان، نظام مالی اسلامی با ابزارهایی مانند منع ربا، مشارکت در سود و زیان، ممنوعیت معاملات غرری و تأکید بر شفافیت و عدالت، ظرفیت لازم برای محدودسازی فعالیت‌های غیرمولد و تقویت سرمایه‌گذاری‌های مولد را داراست. بنابراین بهره‌گیری از اصول این نظام می‌تواند به کاهش بی‌ثباتی اقتصادی و پیشگیری از بحران‌های مالی آینده کمک کند.

بحران‌های مالی، به‌عنوان یکی از جدی‌ترین معضلات اقتصادی در قرون اخیر، در مقاطع مختلف زمانی و به اشکال متنوعی رخ داده‌اند. از بحران اعتباری لندن در سال ۱۷۷۲ گرفته تا رکود بزرگ ۱۹۲۹، بحران آسیای ۱۹۹۷ و بحران بدهی‌های اروپا در ۲۰۱۰، همگی نشان‌دهنده تأثیرات مخرب رفتارهای سوداگرانه و سازوکارهای ناکارآمد در نظام‌های مالی هستند. با این حال، بحران مالی ۲۰۰۸، به دلیل ابعاد گسترده‌تر و تأثیرات عمیق‌تر آن بر اقتصاد جهانی، یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها برای تحلیل رفتارهای سفته‌بازانه و آسیب‌پذیری‌های ساختاری نظام مالی مدرن محسوب می‌شود.

در بحران ۲۰۰۸، رفتارهای سوداگرانه و سفته‌بازی‌های افراطی که بر پایه ابزارهای مالی پیچیده‌ای نظیر اوراق بهادارسازی دارایی‌های پرریسک و مشتقات اعتباری انجام شد، نقشی محوری در انباشت ریسک‌های سیستماتیک و انتقال آنها به مقیاس جهانی ایفا کردند. این رفتارها که از عدم شفافیت اطلاعاتی و ضعف نظارت مقرراتی سرچشمه می‌گرفتند، به همراه سیاست‌های پولی نادرست مانند نرخ بهره پایین، موجب ایجاد حباب‌های قیمتی در دارایی‌هایی نظیر مسکن شدند و در نهایت، فروپاشی بازارهای مالی و رکود گسترده‌ای را رقم زدند. در این میان، ناکارآمدی در مدیریت ریسک، ازجمله وجود سازوکارهای معیوب بیمه سپرده که به جای کاهش ریسک، آن را تشدید می‌کرد، بر وخامت اوضاع افزود.

بحران‌های اقتصادی که به‌واسطه سفته‌بازی رخ داده‌اند، از مهم‌ترین وقایع تاریخ اقتصادی به‌شمار می‌آیند. این بحران‌ها نه تنها به بی‌ثباتی‌های مالی و اقتصادی منجر می‌شوند، بلکه آثار عمیقی بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی نیز بر جای می‌گذارند (Reinhart & Rogoff, 2009, p123). در این زمینه، برخی از مهم‌ترین بحران‌های ناشی از سفته‌بازی که تأثیرات جهانی به بار آورده‌اند، مرور می‌شوند.

یکی از نمونه‌های بارز سفته‌بازی اقتصادی، حباب قیمت گل لاله در هلند در سال ۱۶۳۷ بود. این حباب با افزایش ناگهانی و غیرمعمول قیمت پیازهای لاله آغاز شد و پس از فروپاشی، بسیاری از سرمایه‌گذاران را به ورشکستگی کشاند.

بحران دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، بحران دریای جنوبی انگلستان در سال ۱۷۲۰ است. در این بحران، شرکت دریای جنوبی با تبلیغات اغراق‌آمیز، سفته‌بازان را به خرید سهام ترغیب کرد، اما با ترکیدن حباب سهام، تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی به ورشکستگی دچار شدند (Kindleberger & Aliber, 2005, p45).

هم‌زمان با بحران دریای جنوبی، جان لائو در فرانسه با تأسیس یک بانک و شرکتی برای توسعه تجارت، حباب سفته‌بازی بزرگی را به وجود آورد. فروپاشی این حباب منجر به بحران حباب می‌سی‌سی‌پی فرانسه در همان سال و سقوط اقتصادی این کشور شد (Shiller, 2015). بحران پنج‌شنبه سیاه بازار سهام نیویورک در سال ۱۹۲۹ که آغازگر رکود بزرگ جهانی در دهه ۱۹۳۰ بود، نتیجه سفته‌بازی‌های شدید در بازار سهام نیویورک بود که نهایتاً به سقوط بازار و فروپاشی اقتصاد جهانی انجامید (Reinhart & Rogoff, 2009).

بانک‌های دانمارک در پی سفته‌بازی در دارایی‌های خارجی و اوراق قرضه‌های پرریسک دچار ورشکستگی شدند و این موضوع منجر به بحران بانکی دانمارک در سال ۱۹۰۷ و بی‌اعتمادی عمومی به سیستم مالی گردید (Reinhart & Rogoff, 2009). بازار مالی فرانسه نیز با سفته‌بازی‌های گسترده در سهام و اوراق قرضه دچار افزایش غیرطبیعی قیمت‌ها شد و در پی ترکیدن حباب، بحران بورس فرانسه در سال ۱۸۸۲ و رکود اقتصادی شدیدی به بار آورد.

بحران مالی آفریقای جنوبی در سال ۱۸۹۰ به واسطه سفته‌بازی در بازارهای زمین و منابع طبیعی، به‌ویژه طلا و الماس، به وقوع پیوست و با کاهش تقاضا و سقوط قیمت‌ها، اقتصاد این کشور دچار رکود عمیقی گردید (Kindleberger & Aliber, 2005). حباب قیمتی شدید در املاک و سهام ژاپن در دهه ۱۹۸۰، پس از ترکیدن، اقتصاد این کشور را به دهه‌ای از رکود طولانی‌مدت دچار کرد (shiller, 2015).

در کشورهای آسیای شرقی نظیر تایلند، کره جنوبی و اندونزی، سفته‌بازی در بازارهای سهام و ارز و بدهی‌های کوتاه‌مدت خارجی به بحران مالی آسیای شرقی (۱۹۹۷-۱۹۹۸) منجر شد و سقوط ارزهای ملی و رکود اقتصادی را به دنبال داشت (Reinhart & Rogoff, 2009). در سال ۱۹۹۸، با کاهش قیمت نفت و سفته‌بازی در اوراق قرضه دولتی، روسیه با بحران مالی و ارزی مواجه شد که منجر به ورشکستگی دولت و کاهش ارزش روبل گردید.

در بحران اقتصادی برزیل در سال ۱۹۹۹، سفته‌بازان با فروش گسترده ریال برزیل، ارزش آن را به شدت کاهش دادند و دولت ناچار به مداخلات اقتصادی گسترده‌ای شد (Kindleberger & Aliber, 2005). همچنین سفته‌بازی در بازار سهام شرکت‌های فناوری در دهه ۱۹۹۰، به ایجاد حبابی منجر شد که با ترکیدن آن در سال ۲۰۰۰، بسیاری از شرکت‌های فناوری و سرمایه‌گذاران به ورشکستگی دچار شدند (shiller, 2015).

شرکت‌های انرژی نظیر انرون نیز با کاهش مصنوعی عرضه برق، سفته‌بازی کرده و قیمت‌ها را به طرز غیرقابل تصویری افزایش دادند، که این امر نهایتاً به بحران انرژی کالیفرنیا (۲۰۰۰-۲۰۰۱) و فروپاشی شرکت‌های بزرگی چون

انرون منجر شد. همچنین سفته‌بازی در بازار مسکن و اوراق بهادار مسکن در سال ۲۰۰۸، حبابی را ایجاد کرد که با ترکیدن آن، سیستم بانکی ایالات متحده سقوط کرد و بحران مالی جهانی را به دنبال داشت.

این بحران‌ها نشان‌دهنده اثرات مخرب سفته‌بازی‌های غیرمحتاطانه بر اقتصاد جهانی هستند و همواره یادآور اهمیت مدیریت دقیق بازارهای مالی و اقتصادی می‌باشند.

نوآوری اصلی این مقاله در شناسایی و معرفی مفهوم اخلاق‌زدایی مالی است. این مفهوم به وضعیتی اشاره دارد که در آن نظام‌های مالی مدرن، با تکیه بر ابزارهای پیچیده و رفتارهای سوداگرانه، اصول اخلاقی، عدالت اقتصادی و پایداری بلندمدت را نادیده گرفته و سودهای کوتاه‌مدت و انباشت ریسک‌های پنهان را در اولویت قرار داده‌اند. اخلاق‌زدایی مالی، به‌ویژه در بحران ۲۰۰۸، به‌وضوح نمایان شد، جایی که مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاران با نادیده گرفتن تبعات اجتماعی و اقتصادی اقدامات خود، زمینه فروپاشی ساختارهای مالی را فراهم آوردند.

از سوی دیگر، نظام مالی اسلامی که بر اصول بنیادینی همچون عدالت، شفافیت و حذف ربا استوار است، می‌تواند به‌عنوان جایگزینی اخلاق‌محور و پایدار در برابر نظام مالی متعارف مطرح شود. در این نظام، ابزارهایی نظیر عقود مشارکتی و اصولی مانند منع غرر، نه تنها رفتارهای سفته‌بازانه را محدود می‌کنند، بلکه با ایجاد پیوند میان بخش‌های واقعی و مالی اقتصاد، ریسک‌ها را به‌صورت منصفانه توزیع کرده و پایداری ساختارهای مالی را تقویت می‌نمایند.

این مقاله با تمرکز بر بحران مالی ۲۰۰۸ و بررسی مفهوم اخلاق‌زدایی مالی، تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل ریشه‌های ساختاری و نهادی این بحران، راهکارهای ارائه‌شده توسط نظام مالی اسلامی را به‌عنوان الگویی عملی برای مدیریت ریسک و پیشگیری از بحران‌های مشابه ارائه دهد. در این راستا، سازوکارهای مالی اسلامی نه تنها به‌عنوان رویکردی نوین در تنظیم بازارهای مالی، بلکه به‌عنوان راهبردی برای بازگرداندن اصول اخلاقی به هسته سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

میرمعزی (۱۳۸۲)، بورس‌بازی به‌گونه‌ای سالم و به دور از احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و معاملات صوری و مانند آن را از دیدگاه فقهی بررسی، و پس از نقل اقوال و استفاده از آیات و روایات، جواز آن، در صورتی که در چارچوب احکام باب معاملات انجام پذیرد را اثبات می‌کند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۷) با بررسی روند بحران مالی بین‌المللی و عوامل تشدیدکننده آن، به این نتیجه می‌رسد که ضعف در شفافیت اطلاعاتی و عدم نظارت مؤثر بر مؤسسات مالی در سطح جهانی، منجر به بروز بحران‌های اقتصادی شده است. این گزارش با تحلیل تطبیقی داده‌های کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اصلاح سیستم‌های نظارتی و تقویت هماهنگی بین‌المللی می‌تواند از بروز بحران‌های مشابه جلوگیری کند.

علی‌نقی لنگری (۱۳۹۰) با مرور تعاریف متداول بورس‌بازی و تحلیل فقهی و اقتصادی آن و با توجه به اجماع نظرهای بزرگان در مورد برخی از بورس‌بازی‌های حرام، انواعی از بورس‌بازی را که معیار قیمت عادلانه را رعایت نموده یا موجب ایجاد نابسامانی در بازارها می‌شوند را مخالف با تعالیم شریعت اسلام می‌شمرد.

میرجلیلی (۱۳۸۷) با بررسی ریشه‌های بحران مالی آمریکا، نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی بحران ۲۰۰۸، عملکرد ضعیف نظام‌های مالی و گسترش ریسک‌های بی‌ضابطه در بازارهای مالی بوده است. با استفاده از تحلیل‌های ساختاری، او به این نتیجه می‌رسد که تقویت نظارت و اصلاح سیاست‌های مالی می‌تواند از بروز بحران‌های مالی مشابه جلوگیری کند.

درخشان (۱۳۹۰) با بررسی ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران نشان می‌دهد که بحران مالی جهانی به دلیل ضعف‌های ساختاری در بازارهای مالی و عدم نظارت کافی در سطح بین‌المللی ایجاد شده است. وی با استفاده از تحلیل داده‌های اقتصادی و روش‌های کیفی نشان می‌دهد که اقتصادهای در حال توسعه، مانند ایران، به‌ویژه از نوسانات این بحران متأثر شدند و نتیجه می‌گیرد که اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت مالی در داخل کشور برای جلوگیری از بحران‌های مشابه ضروری است.

گائو، ساکین و ژونگ (۲۰۲۰) با بررسی تأثیرات اقتصادی سفته‌بازی در بازار مسکن، نشان می‌دهند که سفته‌بازی می‌تواند موجب افزایش قیمت‌ها و نوسانات اقتصادی در بازار مسکن شود. آنها با استفاده از مدل‌های اقتصادی به این نتیجه می‌رسند که سیاست‌های تنظیمی می‌تواند از گسترش نوسانات در این بازار جلوگیری کند.

یئون‌جین، کیم، چوی و جون (۲۰۲۲) با بررسی طراحی سیستم برای شناسایی سوءاستفاده از اطلاعات در بازار مسکن، نشان می‌دهند که نظارت دقیق بر بازارهای مسکن و استفاده از اطلاعات داخلی می‌تواند به کاهش سفته‌بازی در این بازار کمک کند. آنها با استفاده از مدل‌های شبیه‌سازی و تحلیل‌های تجربی به این نتیجه می‌رسند که سیستم‌های نظارتی پیشرفته می‌تواند موجب کاهش نوسانات بازار شود.

کابلرو و سیمسک (۲۰۲۰) با بررسی مدل‌های ریسک‌محور رکود تقاضا و تأثیرات سفته‌بازی، نشان می‌دهند که سفته‌بازی در بازارهای مالی می‌تواند موجب تشدید رکودهای اقتصادی شود. آنها با استفاده از شبیه‌سازی‌های ریاضی و تحلیل‌های ساختاری به این نتیجه می‌رسند که مدیریت ریسک‌های سیستماتیک می‌تواند از بحران‌های اقتصادی جلوگیری کند.

آچاری و ریچاردسون (۲۰۰۹) با بررسی بحران‌های مالی و تأثیرات سفته‌بازی در اقتصاد، به این نتیجه می‌رسند که تقویت سیستم‌های نظارتی و شفافیت در بازارهای مالی می‌تواند از بروز بحران‌های مالی جلوگیری کند.

سیمسک (۲۰۲۰) با بررسی اقتصاد کلان و سفته‌بازی‌های مالی، نشان می‌دهد که سفته‌بازی در بازارهای مالی می‌تواند موجب تشدید نوسانات اقتصادی و بحران‌های مالی شود. او با استفاده از مدل‌های تحلیلی به این نتیجه می‌رسد که مدیریت بهینه ریسک‌ها و تقویت نظارت بر بازارها می‌تواند از بحران‌های مالی جلوگیری کند.

بیکر و وورگلر (۲۰۲۰) با بررسی تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر بازار سهام، نشان می‌دهند که احساسات و رفتارهای احساسی می‌تواند منجر به نوسانات شدید در بازارهای مالی شود. آنها با استفاده از داده‌های آماری و تحلیل‌های تجربی به این نتیجه می‌رسند که ایجاد سیاست‌های نظارتی مؤثر می‌تواند نوسانات غیرعقلانی در بازار را کاهش دهد.

اکرلوف و شیلر (۲۰۱۰) با بررسی تأثیرات روان‌شناسی انسانی بر اقتصاد، نشان می‌دهند که رفتارهای غیرعقلانی و احساسات جمعی در بازارهای مالی می‌تواند منجر به بحران‌های اقتصادی شود. با استفاده از مدل‌های رفتاری، آنها به این نتیجه می‌رسند که مدیریت احساسات و تقویت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌تواند از بحران‌های مالی جلوگیری کند.

کابلرو و سیمسک (۲۰۲۰) با بررسی مدل‌های ریسک‌محور رکود تقاضا و تأثیرات سفته‌بازی، نشان می‌دهند که سفته‌بازی در بازارهای مالی می‌تواند موجب کاهش تقاضا و تشدید رکودهای اقتصادی شود. آنها با استفاده از مدل‌های ریاضی و تحلیل‌های اقتصادی به این نتیجه می‌رسند که مدیریت بهینه ریسک‌ها در بازارهای مالی می‌تواند از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری کند.

شیلر (۲۰۱۵) با بررسی بحران مالی ۲۰۰۸ و راه‌حل‌های آن، نشان می‌دهد که بحران ناشی از سفته‌بازی‌های بی‌رویه در بازار مسکن و عدم نظارت کافی بوده است. وی با استفاده از تحلیل‌های اقتصادی و داده‌های تاریخی به این نتیجه می‌رسد که تقویت نظارت و اصلاح سیاست‌های مالی می‌تواند از بحران‌های مشابه جلوگیری کند.

کالدور (۱۹۳۹) با بررسی تأثیرات سفته‌بازی بر ثبات اقتصادی، نشان می‌دهد که سفته‌بازی می‌تواند موجب تشدید نوسانات قیمت‌ها و بی‌ثباتی در بازارهای اقتصادی شود. او با استفاده از مدل‌های اقتصادی و تحلیل‌های تاریخی به این نتیجه می‌رسد که ایجاد سازوکارهای نظارتی و شفافیت بیشتر می‌تواند از این نوسانات جلوگیری کند.

گورتن (۲۰۱۰) با بررسی بحران مالی ۲۰۰۷، نشان می‌دهد که بحران‌های مالی به دلیل بی‌ثباتی در بازارهای مالی و ضعف در نظارت بر مؤسسات مالی به وقوع پیوسته‌اند. وی با استفاده از تحلیل تجربی به این نتیجه می‌رسد که تقویت نظارت مالی و مدیریت بهتر ریسک‌ها می‌تواند از وقوع بحران‌های مشابه در آینده جلوگیری کند.

۱. تأثیر سفته‌بازی بر بحران‌های اقتصادی، از منظر نظریه‌های اقتصادی

سفته‌بازی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین پدیده‌های اقتصادی در دوران معاصر، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به بحران‌های مالی و اقتصادی ایفا کرده است. این پدیده، با انحراف قیمت‌ها از ارزش‌های ذاتی و افزایش نوسانات در بازارها، به یک عامل بی‌ثبات‌کننده در سیستم‌های اقتصادی بدل شده است. در این تحقیق با بهره‌گیری از رویکردی جامع، ابعاد مختلف سفته‌بازی از تئوری‌های بنیادین تا پیامدهای اجتماعی و راهکارهای کنترلی بررسی می‌شود.

نظریه‌های سفته‌بازی و حباب‌های اقتصادی

پدیده سفته‌بازی به‌طور عمده از طریق مدل‌های مالی مرتبط با حباب‌های قیمت دارایی (asset price bubbles) و بازارهای ناکارآمد (inefficient markets) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس تئوری‌های اقتصادی، سفته‌بازان با

خرید و فروش دارایی‌ها به دنبال سودآوری از نوسانات کوتاه‌مدت قیمتی هستند، بی‌آنکه توجهی به ارزش‌های ذاتی آن دارایی‌ها داشته باشند (Schiller, 2015). این موضوع می‌تواند به ایجاد حباب‌های قیمتی منجر شود؛ به این معنا که قیمت دارایی‌ها تا سطوح غیرمنطقی افزایش می‌یابد، بدون آنکه تغییری در عوامل بنیادی اقتصادی رخ داده باشد. حباب‌های قیمتی، نمونه‌هایی از ناکارآمدی بازار هستند که در آنها اطلاعات کامل به‌درستی در قیمت‌ها بازتاب نمی‌یابد؛ برای مثال، حباب قیمت سهام در اواخر دهه ۱۹۹۰ و حباب بازار مسکن در امریکا پیش از بحران مالی ۲۰۰۸، نشان‌دهنده تأثیر مستقیم سفته‌بازی بر بازارهای مالی و ایجاد بحران‌های اقتصادی است.

تأثیر سفته‌بازی بر نوسانات کلان اقتصادی

سفته‌بازی در اقتصاد کلان، به‌عنوان مکانیزمی پیچیده و چندبعدی، از طریق تأثیرگذاری بر نرخ‌های بهره، نرخ ارز و قیمت کالاهای پایه، موجبات بی‌ثباتی ساختاری و نوسانات شدید مالی را فراهم می‌آورد. در چارچوب نظریه‌های نوین اقتصاد کلان، سفته‌بازی با برهم‌زدن تعادل سرمایه‌گذاری میان‌دوره‌ای و کوتاه‌مدت، به‌واسطه انحراف جریان‌های سرمایه‌ای از کارکردهای بهره‌ور، زمینه‌ساز تشدید ریسک سیستماتیک و اختلال در سازوکار تعادل عمومی می‌شود. مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی نشان می‌دهند که فعالیت‌های سفته‌بازانه، به‌ویژه در محیط‌هایی با بدهی عمومی بالا و ضعف ساختاری، می‌توانند مسیرهای بحرانی جدیدی ایجاد کنند که از طریق تغییرات ناگهانی در متغیرهای کلان، به ناپایداری پایدار (persistent disequilibrium) در سیستم اقتصادی منجر شوند.

برای نمونه، در بحران بدهی‌های دولتی منطقه یورو، تأثیر سفته‌بازی در بازار اوراق قرضه دولتی از طریق تشدید انتظارات خودتحقق و نوسانات غیرقابل‌پیش‌بینی، به افزایش نرخ بهره و کاهش اعتماد نهادی انجامید. چنین فرآیندهایی که در چارچوب نظریه‌های مالی نظیر مدل‌های نسل سوم بحران‌های ارزی تحلیل می‌شوند، تأکید دارند که سفته‌بازی می‌تواند در حضور ناکارآمدی‌های سیاست‌گذاری پولی و ارزی، منجر به پدیده‌هایی نظیر حملات ارزی و بحران‌های پولی شود. این مدل، در یک چارچوب نظری جدید تحت عنوان تعادل ناپایدار ناشی از چرخه‌های سفته‌بازانه، فرض می‌کند که سفته‌بازی نه‌تنها یک اختلال موقتی است، بلکه در بلندمدت از طریق سازوکارهای انتظاری و رفتارهای استراتژیک، به تقویت رزونانس بحران‌های مالی منجر می‌شود. این مدل با ترکیب اصول اقتصاد رفتاری و نظریه بازی‌ها، نشان می‌دهد که در غیاب تنظیم‌گری پیش‌دستانه و ابزارهای کنترلی پیشرفته، سفته‌بازی می‌تواند به یکی از عوامل کلیدی در تشدید بی‌ثباتی اقتصادی تبدیل شود.

سفته‌بازی و ناپایداری بازارهای مالی

نظریه‌های پیشرفته مالی و تحلیل‌های رفتاری بازار، با تأکید بر ناکارآمدی ساختاری سیستم‌های اقتصادی، نشان می‌دهند که سفته‌بازی به‌عنوان یک نیروی درون‌زا در تشدید ناپایداری مالی عمل می‌کند. در این چارچوب، فرضیه انتظارات عقلانی و نظریه اطلاعات نامتقارن نقش بنیادین سفته‌بازان در انحراف انتظارات بازار را برجسته می‌کنند.

این انحراف‌ها، با دست‌کاری سازوکارهای اطلاعاتی و تحریک رفتارهای غیرعقلایی سرمایه‌گذاران، به ایجاد الگوهای نوسانی غیرخطی منجر می‌شوند که از طریق تشدید ریسک سیستماتیک، سازوکارهای بازار را مختل می‌سازند. مدل‌های چندعاملی قیمت‌گذاری دارایی‌ها نیز به‌عنوان ابزارهای تحلیلی دقیق، نشان داده‌اند که سفته‌بازی از طریق تعامل میان ریسک‌های سیستماتیک و رفتارهای فرصت‌طلبانه، نه‌تنها پایداری قیمت‌گذاری را تضعیف می‌کند، بلکه بازخوردهای منفی را در ساختار تعادل بازارهای مالی القا می‌نماید. این پدیده در بحران‌های بانکی دهه‌های پایانی قرن بیستم، با بهره‌برداری از ضعف تنظیم‌گری و ناکارآمدی‌های افشای اطلاعات، به ظهور بحران‌های عمیق مالی انجامید. در این مدل، فرض بر آن است که سفته‌بازی به‌عنوان نیرویی دوگانه (Dual-Force Mechanism)، هم‌زمان در قالب شوک‌های خارجی و بازخوردهای درونی سیستم، در تشدید ناپایداری‌های مالی ایفای نقش می‌کند. تحلیل مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی نشان می‌دهد که سفته‌بازی از طریق تقویت بازخوردهای انتظاراتی، به تکرار چرخه‌های ناپایدار ساختاری منجر می‌شود. این رویکرد نظری، امکان درک عمیق‌تر از پیامدهای پویایی‌های سفته‌بازانه و طراحی ابزارهای تنظیم‌گری پیشرفته برای مهار بحران‌های مالی را فراهم می‌آورد (Akerlof & Shiller, 2010).

سفته‌بازی و تأثیرات اجتماعی - اقتصادی

سفته‌بازی نه‌تنها به‌عنوان عاملی که تعادل‌های کلان اقتصادی را برهم می‌زند، بلکه به‌عنوان یک نیروی بازتوزیع نابرابری‌های اجتماعی در سطح جهانی مطرح است. در مدل‌های پیشرفته نابرابری ساختاری و نظریه‌های عدالت اقتصادی، سفته‌بازی از طریق تشدید نوسانات قیمتی در بازارهای کالایی، به‌ویژه در اقلام حساس نظیر غلات و انرژی، به ایجاد نابرابری‌های فزاینده منجر می‌شود. این پدیده با تکیه بر شوک‌های قیمتی غیرمنتظره و آسیب‌های ناشی از اطلاعات نامتقارن موجب اختلال در فرایند توزیع منابع و افزایش عدم اطمینان در دسترسی به کالاهای اساسی در کشورهای درحال توسعه می‌شود. بحران‌های ناشی از نوسانات شدید در قیمت مواد غذایی و انرژی، به‌ویژه در کشورهایی با اقتصادهای آسیب‌پذیر، نمونه‌هایی از این اثرات هستند که موجب افزایش تنش‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع آسیب‌پذیر می‌گردد.

در این راستا، مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی و نظریه‌های اقتصاد رفتاری بیانگر آن هستند که نوسانات ایجادشده توسط سفته‌بازان نه‌تنها ریسک‌های سیستماتیک را تشدید می‌کند، بلکه نابرابری اقتصادی بین طبقات اجتماعی را تقویت می‌کند. بر اساس این مدل‌ها، دسترسی نابرابر به منابع مالی و اطلاعات موجب بهره‌برداری بخش‌های مرفه از تغییرات قیمتی می‌شود؛ درحالی‌که اقشار آسیب‌پذیر قادر به مقابله با این نوسانات نیستند. این فرایند به ایجاد اثر انتقال ثروت معکوس منجر می‌شود که در آن منابع مالی از طبقات کم‌درآمد به گروه‌های مالی قدرتمند منتقل می‌گردد، فرایندی که شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند (Caballero & Simsek, 2020).

جنبه‌های حقوقی و تنظیم‌گری فعالیت‌های سفته‌بازانه

جنبه‌های حقوقی و نظارتی سفته‌بازی در چارچوب نظریه‌های حقوق و اقتصاد به‌عنوان عوامل بنیادین در کنترل اثرات منفی این پدیده بر پایداری مالی و ساختارهای اقتصادی کلان شناخته می‌شوند. در این راستا، فرضیه‌های مرتبط با تنظیم‌گری تحت شرایط اطلاعات نامتقارن و تقویت نظارت با مداخلات فعال به‌طور خاص بر لزوم ایجاد ساختارهای نظارتی پیچیده تأکید دارند، که می‌توانند با مدیریت رفتارهای سفته‌بازانه، از تشدید بحران‌های مالی و کاهش نوسانات غیرعادی جلوگیری نمایند؛ به‌عنوان نمونه، در ایالات متحده، قوانین نظارتی مانند قانون دادرسی اوراق بهادار و قانون فرانک - داد به‌منظور کاهش فعالیت‌های پرخطر با ویژگی‌های ریسک سیستماتیک و تقویت نظارت‌های مالی، نقش حیاتی در جلوگیری از بحران‌های مشابه بحران مالی ۲۰۰۸ ایفا کرده‌اند.

در حوزه نظارت مالی، ابزارهایی نظیر الزامات افشای اطلاعات به‌صورت متقارن و مدیریت ریسک‌های سیستماتیک به‌ویژه در محیط‌های مالی با عدم تقارن اطلاعاتی، موجب کاهش رفتارهای هیجانی و نوسانات بازار می‌شوند. مدل‌های پیشرفته مانند مدل‌های نهادهای مالی تقویت‌شده و نظارت مستمر بر عدم تقارن اطلاعاتی، شفافیت در بازار را افزایش می‌دهند. از منظر جهانی، توافقات بازل و نظارت بر نقدینگی جهانی به‌منظور کاهش ریسک‌های سیستماتیک، با استفاده از مکانیسم‌های تنظیم‌گری مبتنی بر تعاملات پیچیده در حال توسعه هستند.

۲. تأثیر سفته‌بازی بر بحران مالی ۲۰۰۸ و تزلزل اقتصاد جهانی

بحران مالی ۲۰۰۸ به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین بحران‌های اقتصادی معاصر، آشکارا نشان داد که سفته‌بازی بی‌رویه و رفتارهای پرریسک مالی چگونه می‌توانند ساختارهای مالی جهانی را به لبه فروپاشی بکشانند. سفته‌بازی در بازارهای مالی، به‌ویژه در حوزه اوراق بهادار مرتبط با وام‌های مسکن، با ایجاد تقاضای کاذب و تورم مصنوعی در ارزش دارایی‌ها، نه تنها زمینه‌ساز گسترش حباب‌های مالی شد، بلکه ضعف‌های نظارتی و سیاست‌گذاری اقتصادی را به شدت برجسته کرد. تحلیل این بحران از منظر اقتصاد خرد، کلان و مالیه بین‌الملل، ابعاد مختلف سفته‌بازی؛ از جمله تقویت رفتارهای ریسک‌پذیری افراطی و سوءمدیریت نهادهای مالی را مورد توجه قرار می‌دهد.

نظارت ناکافی و توسعه نامتوازن بازارهای مالی

نظارت ناکافی بر فعالیت‌های سفته‌بازانه و عدم تعادل ساختاری در توسعه بازارهای مالی، به‌عنوان عوامل درونی در تشدید بحران‌های مالی شناخته می‌شوند. گسترش اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌های با ریسک‌های سیستماتیک و اطلاعات نامتقارن، به‌ویژه در چارچوب فرضیه‌های نظارت مالی ناکافی و عدم تخصیص بهینه منابع موجب تشدید ناپایداری‌های ذاتی در بازارهای مالی شد. در این فرایند، مکانیزم‌های بازخوردی و پویایی‌های غیرخطی، رفتارهای توده‌ای سرمایه‌گذاران را تقویت کردند، که منجر به حباب‌های قیمتی مصنوعی در بازار دارایی‌ها گردید. این اثرات

ناشی از نظریهٔ اثرات شبکه‌ای و تقویت‌کننده‌های غیرخطی به‌ویژه در شرایطی که حساسیت‌های ریسک سیستماتیک به‌طور متقابل با رانش‌های سفته‌بازانه تعامل دارند، به تسریع فروپاشی زنجیره‌ای نهادهای مالی منجر شد.

در چنین سناریوهایی، نیاز به ایجاد تعادل میان توسعهٔ هم‌زمان و تنظیم مؤثر بازارهای مالی و کنترل رفتارهای سفته‌بازانه به‌منظور مدیریت بحران‌های مالی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. این تحلیل می‌تواند از منظر مدل‌های تعادل عمومی پویای تصادفی و مدل‌های فیدبک مثبت در نوسانات مالی به درک عمیق‌تری از تعاملات پیچیده میان سیاست‌های نظارتی و رفتارهای سفته‌بازانه کمک کند (Acharya & Richardson, 2009, P3).

ریسک‌پذیری افراطی و مدیریت ناکارآمد ریسک

ریسک‌پذیری افراطی که به‌طور عمده به دلیل انگیزه‌های سفته‌بازانه و تمایل به سودآوری سریع و درک ناقص از مفروضات پیچیدهٔ بازارها شکل می‌گیرد، یکی از محرک‌های اصلی بحران‌های مالی است. در این راستا، وابستگی نهادهای مالی به دارایی‌های با ریسک بالا، بدون وجود مدل‌های پیچیده و چندبعدی پیش‌بینی ریسک که توانایی تحلیل روابط غیرخطی و پویایی‌های سیستم مالی را داشته باشند، نشان‌دهندهٔ ناکارآمدی مدیریت ریسک و ناتوانی در شبیه‌سازی اثرات بحران‌ها و رویدادهای غیرمنتظره است. این کمبود در مدل‌سازی به‌ویژه در نبود تحلیل‌های اقتصادی مبتنی بر نظریه‌های غیرخطی، مدل‌های گرافیکی و شبکه‌ای، و نیز کاربرد نادرست مفروضات توزیع نرمال در برآورد ریسک‌ها نمایان می‌شود. علاوه بر این، مدیریت ناکارآمد ریسک در مواجهه با رفتارهای سفته‌بازانه ممکن است در چارچوب‌های نظری چون تئوری بازی‌های استراتژیک، مدل‌های معادلات ساختاری یا تحلیل‌های تابع هزینه - فایده در شرایط بی‌اطمینانی شدید، به‌عنوان ناپایداری‌های سیستمیک شبیه‌سازی شوند. بنابراین ضرورت طراحی چارچوب‌های نظارتی مبتنی بر مدل‌های ریاضی پیشرفته، همچون مدل‌های بازگشتی تصادفی و شبیه‌سازی مونت‌کارلو، برای مهار پویایی‌های سفته‌بازانه و تقویت شفافیت مالی، امری اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌آید (Demirgüç-Kunt & Kane, 2002, p5).

سوءمدیریت نهادهای مالی و نقش بانک‌های بزرگ

بحران مالی ۲۰۰۸ به‌طور برجسته‌ای آشکار ساخت که ضعف‌های اساسی در رویکردهای مدیریتی نهادهای مالی، به‌ویژه بانک‌های سرمایه‌گذاری، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تشدید ریسک سیستمیک عمل کرد. این نهادها با تکیه بر استراتژی‌های مبتنی بر سودآوری فوری و استفاده از ابزارهای مالی پیچیده و غیرشفاف، نظیر اوراق مشتقه و ساختارهای مالی خارج از ترازنامه، زمینه‌ساز گسترش رفتارهای سفته‌بازانه در بازار شدند. از آنجاکه این نهادها از مدل‌های اقتصادی پیچیده‌ای که قادر به تحلیل اثرات متقابل و دینامیک‌های پیچیدهٔ بازار بودند، بهره نمی‌بردند، به درک نادرستی از پویایی‌های ریسک و اثرات سیستماتیک آن دچار شدند. این عدم کفایت در مدل‌سازی، به‌ویژه در پیش‌بینی بحران‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و بحران‌های سیستمی، باعث شد که نظارت‌های ناکافی و شفاف‌سازی ضعیف

بر این نهادها، ریسک‌های احتمالی به‌طور پیوسته انباشته شوند. بنابراین نیاز به طراحی سازوکارهای نظارتی مبتنی بر مدل‌های پیچیده‌تری نظیر نظریه‌های سیستمی و تحلیل‌های غیرخطی به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌شود تا از وقوع بحران‌های مشابه در آینده جلوگیری شود (Gorton, 2010, p47).

سیاست‌های پولی و نقش سفته‌بازی در ایجاد حباب‌های مالی

سیاست‌های پولی انبساطی، به‌ویژه در بستر رفتارهای سفته‌بازانه، از عوامل کلیدی در تشدید بحران مالی ۲۰۰۸ محسوب می‌شوند. نرخ‌های بهره پایین و افزایش حجم نقدینگی، خصوصاً در بازار مسکن، زمینه‌ساز سفته‌بازی گسترده و ایجاد تقاضای کاذب و حباب‌های قیمتی شد. سفته‌بازان با اتکا بر انتظارات غیرواقع‌بینانه از رشد ارزش دارایی‌ها، به تورم افسارگسیخته در بازار مسکن دامن زدند، که نهایتاً به فروپاشی سیستم مالی منتهی گردید. جهت ممانعت از وقوع مجدد چنین بحران‌هایی، سیاست‌گذاران می‌بایست با درک عمیق‌تری از تعاملات پیچیده میان نرخ بهره، حجم نقدینگی و الگوهای رفتاری سفته‌بازانه، به طراحی و اجرای سیاست‌های پولی منسجم‌تر و هوشمندانه‌تری مبادرت ورزند. این امر مستلزم اتخاذ رویکردی جامع‌نگر و چندبعدی در تحلیل پویایی‌های بازار و پیش‌بینی پیامدهای احتمالی سیاست‌های اتخاذی است تا بتوان از بروز عدم تعادل‌های ساختاری در نظام مالی جلوگیری نمود.

اهمیت تنوع‌بخشی در دارایی‌ها و کاهش سفته‌بازی متمرکز

تنوع‌بخشی در دارایی‌ها و مدیریت رفتارهای سفته‌بازانه، دو عامل حیاتی در کاهش آسیب‌پذیری سیستم مالی هستند. بحران مالی ۲۰۰۸ نشان داد که تمرکز بیش از حد بر دارایی‌های خاص؛ مانند اوراق بهادار رهنی، می‌تواند منجر به شکنندگی شدید نهادهای مالی در برابر نوسانات بازار شود. این امر با رفتارهای سفته‌بازانه که از روان‌شناسی اقتصادی و خوش‌بینی غیرواقعی سرمایه‌گذاران نشئت می‌گیرد، تشدید می‌شود. نظریه روح حیوانی تأکید می‌کند که پیش‌بینی‌های غیرمنطقی و رفتارهای توده‌ای سرمایه‌گذاران می‌تواند به تقویت حباب‌های مالی و تسریع بحران‌ها منجر شود. برای مقابله با این معضلات، استراتژی‌های متنوع‌سازی پورتفوی، به‌ویژه در بازارهای نوظهور، همراه با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصاد رفتاری برای مهار رفتارهای سفته‌بازانه، می‌تواند به کاهش ریسک‌های سیستمیک و افزایش ثبات مالی کمک کند. این رویکرد ترکیبی، با در نظر گرفتن هم جنبه‌های کمی و هم جنبه‌های رفتاری بازارهای مالی، می‌تواند راهکاری جامع برای ارتقای انعطاف‌پذیری سیستم مالی در برابر شوک‌های آتی ارائه دهد (Acharya & Richardson, 2009, p78).

بحران مالی ۲۰۰۸ به‌وضوح نشان داد که ناکافی بودن چارچوب‌های نظارتی، عدم شفافیت و درک ریسک‌ها، ضرورت ایجاد نظام‌های نظارتی کارآمد، اهمیت شفافیت در فعالیت‌های مالی، ایجاد مکانیزم‌های ارزیابی ریسک، سیاست‌های پولی انبساطی، تمرکز بر سودآوری کوتاه‌مدت، اعتماد عمومی، تجارب گذشته، ضرورت تطابق مستمر سیاست‌ها، تجدیدنظر در اصول نظارتی و تقویت مکانیزم‌های شفافیت و نظارت از جمله مسائل مهمی هستند که باید به آنها توجه شود.

۳. سفته‌بازی از منظر اسلام

سفته‌بازی به معنای پذیرش ریسکی فراتر از حد متعارف با هدف کسب سودی بیشتر از حدمعمول در کوتاه‌مدت است. این فعالیت به شدت وابسته به نوسانات بازار، سیاست‌های کلان اقتصادی و تحولات پیش‌بینی‌ناپذیر است. برخلاف سرمایه‌گذاری که از طریق فعالیت‌های مولد و مشارکت در تولید، ارزش اقتصادی ایجاد می‌کند، سفته‌بازی عمدتاً متکی بر نوسانات قیمتی است. از منظر فقهی، اگر این فعالیت با مفاسدی چون احتکار، تبانی، نشر اکاذیب، ایجاد تقاضای کاذب، عرضه محدود برای تأثیرگذاری بر قیمت‌ها، انجام معاملات صوری برای ایجاد روند قیمتی خاص در بازار، کنترل بخش عمده‌ای از یک بازار و محدود کردن رقابت، اختلال در شبکه توزیع کالاها برای کمیاب‌سازی و افزایش قیمت همراه باشد، ماهیتی نامشروع یافته و مشمول نهی شرعی می‌شود، اما چنانچه مبتنی بر ارائه خدمات اقتصادی بوده و در چارچوب اصول تجارت مشروع قرار گیرد، به استناد آیات جواز بیع و تجارت (بقره: ۲۷۵؛ نساء: ۲۹) از منظر شرعی پذیرفتنی خواهد بود (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۲). تحصیل درآمد در نظام اقتصادی اسلام، مشروط به انجام عمل یا ایجاد سرمایه و ابزار تولید است (صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۴۵۵۸۸). بنابراین تصرفاتی که فاقد نقش تولیدی بوده و صرفاً بر بهره‌گیری از تفاوت‌های عرضی و طولی قیمت‌ها مبتنی باشند؛ از جمله اجاره کردن کالا به یک ثمن و اجاره دادن همان کالا به ثمن بیشتر، و مصادیقی چون تلقی رکیان و بیع الحاضر للبادی، به لحاظ شرعی محل اشکال‌اند. در نصوص وارده چنین آمده است: «كُلُّ تَاجِرٍ فَاجِرٌ، وَكُلُّ فَاجِرٍ فِي النَّارِ، إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَأَعْطَى الْحَقَّ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۸۴). که افاده حصر در این مقام، متضمن تأکید بر لزوم انطباق مکاسب با موازین عدالت اقتصادی است. معیار این عدالت، تشخیص عرف خبره و سیره عقلا است؛ به‌عنوان مثال، بالا رفتن قیمت در فرضی که کالایی به‌صورت واقعی کمیاب شود، مشروع است، و در فرضی که عمداً کالایی به دلیل احتکار یا... نادر شود، بالا رفتن قیمت نامشروع است. سفته‌باز با ایفای نقش واسطه در شرایط عدم تقارن عرضه و تقاضا، از طریق خرید از کسی که خریداری ندارد و فروش به کسی که فروشنده‌ای نمی‌یابد، مبادرت به کسب سود می‌نماید. این فرایند در ذات خود، به‌مثابه خدمتی اقتصادی تلقی شده و می‌تواند در تنظیم جریان تخصیص منابع در طول زمان ایفای نقش کند؛ از این‌رو مشمول قاعده لاضرر نبوده و در چارچوب نظام اقتصادی اسلام، به‌عنوان عنصری مکمل در سازوکار بازار شناخته می‌شود. مع‌ذلک، در صورتی که این فعالیت منجر به اختلال در تعادل طبیعی بازار، ایجاد تقاضای کاذب، احتکار و تحمیل کمبود ساختگی گردد، به‌گونه‌ای که موجب افزایش غیرمتعارف قیمت‌ها فراتر از ارزش ذاتی کالاها شده و دسترسی متقاضیان حقیقی به نیازهای اساسی را مختل نماید، از منظر شرعی و اقتصادی، در زمره مصادیق مفسده اقتصادی قرار گرفته و قابلیت منع خواهد یافت (خورشید، ۱۳۷۴، ص ۳۱۹-۳۳۰؛ ترکمانی، ۱۹۸۸، ص ۱۱۵-۱۱۷).

سهام، برخلاف کالا، واجد ارزش ذاتی مستقل نبوده و ماهیت آن در چارچوب تأمین مالی بنگاه‌ها تعریف می‌شود. در غیاب بازار ثانویه، سهامدار در مواجهه با نیاز به نقدینگی، ناگزیر از واگذاری کلی بنگاه خواهد بود؛ امری که تأمین راهکار جایگزین را ضروری می‌سازد؛ از این‌رو بازار ثانویه، به‌عنوان تنها بستر ممکن، نقشی حیاتی در افزایش

نقدشوندگی، تجهیز منابع و تعدیل نوسانات قیمتی ایفا می‌کند، و در این میان، سفته‌بازی به‌مثابه عاملی تنظیم‌گر عمل می‌نماید (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۲). سفته‌باز از طریق خرید در شرایط وفور عرضه و کاهش قیمت، و فروش در هنگام غلبه تقاضا و افزایش قیمت، ضمن مهار نوسانات شدید، به تعدیل بازار کمک می‌کند. پاداش وی که در قالب کارمزد یا سود ناشی از نوسان‌گیری محقق می‌شود، به‌مثابه جبران این نقش ارزیابی می‌گردد. باین‌حال، اگر این پاداش را صرفاً ناشی از گذر زمان تلقی کنیم، ماهیتی نزدیک به نظام ربوی خواهد یافت که از منظر مبانی فقهی، محل تأمل است. ارزش حقیقی سهام تابعی از رشد و توسعه واقعی شرکت بوده؛ درحالی‌که ارزش بازاری آن متأثر از عوامل روانی و شرایط مقطعی بازار، دستخوش نوسان می‌شود. سفته‌بازان با خرید سهام در شرایطی که ارزش بازاری کمتر از ارزش ذاتی است و فروش آن در هنگام فرونی ارزش بازاری بر ارزش حقیقی، به هم‌گرایی قیمت‌ها به سمت ارزش ذاتی کمک می‌کنند. باین‌حال، در مواردی که سفته‌بازان حرفه‌ای از طریق خرید انبوه، تقاضای کاذب ایجاد کرده و موجب شکل‌گیری انتظارات افزایشی می‌شوند، درواقع با تحمیل روند صعودی غیرواقعی، بازار را به سمت نوسانات غیرمولد سوق می‌دهند. خروج ایشان در نقطه اوج، افت ناگهانی قیمت و تحمیل زیان به دیگر سهامداران را در پی دارد که این امر از منظر شرعی و اقتصادی، فاقد مشروعیت تلقی می‌شود. ارز نیز، همچون سهام، فاقد مطلوبیت ذاتی بوده و ارزش آن در ارتباط با جریان‌های تجاری و سرمایه‌ای تعریف می‌شود. افزایش صادرات کالا و خدمات، موجب فرونی عرضه ارز و افزایش واردات، سبب گسترش تقاضای آن می‌شود. همچنین ورود سرمایه‌گذاری خارجی، در ابتدا عرضه ارز را تقویت و در بلندمدت بر تقاضای آن می‌افزاید؛ درحالی‌که سرمایه‌گذاری خارجی توسط فعالان داخلی، در مراحل اولیه موجب افزایش تقاضا و در مراحل نهایی سبب افزایش عرضه ارز خواهد شد. در این میان، واسطه‌گران و صرافان، از طریق خرید از عرضه‌کنندگان و فروش به متقاضیان، تسهیل‌کننده مبادلات ارزی‌اند، اما سفته‌بازی‌هایی که با ایجاد تقاضای کاذب، کنز و انباشت غیرمولد همراه بوده و منجر به کمبود مصنوعی، جهش شدید قیمت و افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند، فاقد تأیید شرعی و اقتصادی بوده و در زمره مصادیق مفسده اقتصادی قرار می‌گیرند (ر.ک: علینقی لنگری، ۱۳۹۰، ص ۸۸-۵۷). به‌طور کلی آن دسته از سفته‌بازی‌هایی که مبتنی بر رفتارهای غیرعقلانی بوده و موجب زیان‌های نامتقارن و اختلال در نظام تعادلی بازار می‌شوند، از منظر فقهی محل اشکال‌اند. این امر به دلیل تعارض با قواعدی همچون لاضرر، که بر نفی ضرر و زیان ناروا تأکید دارد، حرمت اکل مال به باطل، که مانع تحصیل ثروت از طرق غیرم مشروع و فاقد مبنای عقلایی است، و نفی غرر، که از معاملات مبتنی بر ابهام و نوسانات غیرقابل پیش‌بینی جلوگیری می‌کند، موجب عدم جواز چنین فعالیت‌هایی خواهد شد. تعیین مصادیق ضرر و ارائه معیارهای مشخص برای تفکیک رفتارهای سفته‌بازانه مضر از رفتارهای سفته‌بازانه مفید، ابهام اساسی در اعمال قاعده لاضرر در بازارهای مالی معاصر محسوب می‌شود. نظر به آنکه تشخیص این تمایز مستلزم ملاحظات تخصصی و تحلیل‌های عمیق اقتصادی است، شارع مقدس تعیین آن را به عرف عقلایی واگذار کرده است؛ ازجمله شاخص‌هایی

که می‌توان در این راستا به کار گرفت، عبارت‌اند از: اختلال در ثبات بازار، ایجاد حباب‌های قیمتی، تشدید نابرابری اقتصادی، کاهش شفافیت اطلاعاتی، افزایش ریسک سیستماتیک، برهم‌زدن مکانیسم‌های طبیعی قیمت‌گذاری، شدت گرفتن نوسانات غیرمعارف قیمت، حجم معاملات غیرعادی، افزایش بی‌رویه سهم سفته‌بازان در بازار و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران. اتخاذ این معیارها در تحلیل‌های فقهی و اقتصادی، زمینه را برای تفکیک میان سفته‌بازی مشروع و مخرب فراهم می‌سازد. قاعده «حرمت اکل مال به باطل» که در آیه ۲۹ سوره نساء به آن اشاره شده، تأکید دارد که مال نباید بدون انجام عملی مشروع یا ایجاد ارزش افزوده، از شخصی به شخص دیگر منتقل گردد، اما معاملات و فعالیت‌هایی که در آنها عمل بازاریابی، تسهیل معاملات یا ایجاد ارتباط میان خریدار و فروشنده در جریان باشد، از شمول این منع خارج است و مشروع است. در این‌گونه موارد، شخصی که با استفاده از تخصص خود (مانند مشاوره، تحلیل بازار و ارائه راهکارها) به دیگران کمک می‌کند تا معاملات سودمند انجام دهند، می‌تواند در سود حاصل از این معاملات سهیم گردد. درحقیقت، آنچه که در این‌گونه فعالیت‌ها حائز اهمیت است، ایجاد ارزش و ارائه خدمت است؛ به‌عنوان مثال، در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که ابراهیم کرخی از ایشان می‌پرسد که اگر مردی تعدادی درخت خرما بخرد و قبل از پرداخت ثمن آنها را بفروشد، آیا این عمل جایز است؟ امام (ع) فرمودند: «اگر پرداخت ثمن را ضمانت کرده باشد، جایز است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۶۴). به نظر می‌رسد که در این مثال، فردی که نقش واسطه را ایفا کرده است، برخی از خدمات مذکور را ارائه داده است.

غیر به‌معنای فریب، ابهام و پذیرش ریسک‌های غیرمعارف در مبادلات اقتصادی است که در آنها یکی از طرفین یا هر دو طرف از موضوع معامله به‌طور کامل اطلاع نداشته و در نتیجه احتمال وقوع ضرر برای یکی از طرفین وجود دارد. معامله غرری به‌واسطه ایجاد عدم اطمینان و امکان بروز نزاع و مشکلات حقوقی، از نظر فقهی باطل است. تشخیص غرر به‌طور عمده بر عهده عرف است، به‌طوری‌که اگر علم به موضوع معامله، مقدار، جنس، وصف و قدرت تسلیم عوضین به میزان مطلوب عرف فراهم شود، معامله از شمول غرر خارج خواهد بود، اما در صورتی که دست‌کاری در قیمت‌ها، ارائه اطلاعات غلط و تبلیغات فریبنده به قصد سوءاستفاده از شرایط معامله صورت گیرد، این اقدامات موجب ایجاد غرر در معامله شده و به آن مشروعیت نمی‌بخشد. به‌عبارت دیگر، میزان اطلاعات و اطمینان طرفین از شرایط معامله، عامل تمایز میان سفته‌بازی مشروع و غرری است. در سفته‌بازی سالم، اطلاعات کافی و دقیق مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که در سفته‌بازی‌هایی که با غرر همراه‌اند، عدم شفافیت و اطلاعات ناصحیح موجب بروز ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی می‌شود که موجب فساد قرارداد خواهد گردید (قدرتی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳-۱۲۶؛ میرمعزی، ۱۳۸۲). دست‌کاری در قیمت‌ها که همراه با اطلاعات کاذب، اخفای حقیقت یا معرفی صفت کمال غیرواقعی از کالا یا خدمات باشد، می‌تواند در زمره تدلیس قرار گیرد، که این عمل از منظر فقهی باطل و موجب فساد معامله خواهد شد (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵).

قاعده نفی غرر که بر وجوب اجتناب از معاملات مبهم و غیرشفاف تأکید دارد، هرگونه سفته‌بازی مبتنی بر ریسک‌های غیرمعارف و اطلاعات نامتقارن را غیرمشروع می‌داند. ابزارهای مالی مشتقه، اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌های پرریسک، قراردادهای آتی بدون قصد تسلیم واقعی، اوراق قرضه ربوی و صندوق‌های سفته‌بازانه که مبتنی بر حدس و گمان و فاقد ارتباط مستقیم با فعالیت‌های مولد اقتصادی هستند، در صورتی که عرف، ماهیت غرری آنها را احراز کند، از منظر فقهی نامعتبر و غیرمشروع خواهند بود.

قاعده تحریم احتکار که در راستای رفع انحصار و تأمین مصالح عمومی در تأمین نیازهای اساسی جامعه تشریع گردیده (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۲، ص ۴۸۰-۴۸۱)، می‌تواند به‌مثابه مبنای فقهی در تقنین و تنظیم‌گری بازارهای مالی تلقی شود. از این رهگذر، هرگونه تصرف معاملی که منجر به استیلای انحصاری بر دارایی‌ها و اختلال در نظام طبیعی قیمت‌گذاری گردد، در صورتی که عرف آن را از مصادیق احتکار محسوب نماید، مشمول نهی شرعی و مستلزم مداخلات نظارتی خواهد بود. مع‌ذلک، عقود نظیر سلف که فاقد ماهیت احتکاری باشند، جائزند (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۵۸)؛ همچنان که احتکاذ اموال در شرایط وفور و اشباع بازار، از شمول نهی خارج است؛ چراکه علل و مفسد مترتبه بر احتکار در آن محقق نمی‌گردد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۲۴). در این دسته از سفته‌بازی‌ها، معمولاً کالا مدتی نزد سفته‌بازان باقی می‌ماند و مصرف‌کنندگان نیازمند را محروم می‌سازد؛ به‌عنوان مثال، امروزه حدود سه میلیون خانه خالی به علت سفته‌بازی وجود دارد و هریک از این خانه‌ها برای مدت‌های طولانی و علی‌رغم نیاز شدید جامعه به مسکن، به نیازمندان تحویل نمی‌شود.

۴. راهکارهای خروج از بحران‌های اقتصادی از منظر اسلام

فقه اسلامی با ارائه مدل‌های جایگزین، راهکارهایی را برای هدایت جریان‌های سرمایه به سمت کارکردهای بهره‌ور، سوق قیمت‌ها به ارزش‌های ذاتی، کاهش نوسانات بازار، ثبات اقتصادی، کاهش ریسک سیستماتیک، تعادل پایدار، تنظیم‌گری پیش‌دستانه، اطلاعات متقارن، کاهش رفتارهای غیرعقلایی، کاهش نابرابری، کاهش نااطمینانی، کاهش بهره‌برداری از تغییرات قیمت ساختگی، کاهش فعالیت‌های غیرمولد پرخطر، کاهش رفتارهای هیجانی، کاهش تقاضاهای کاذب، کاهش دارایی‌های سمی، کاهش انتظارات غیرواقع‌بینانه از رشد ارزش دارایی‌ها، تربیت اخلاقی و کاهش تمایل به سودآوری سریع و بدون ایجاد ارزش افزوده پیشنهاد می‌دهد. مدل‌هایی نظیر عقود مشارکتی، ریسک را به‌صورت عادلانه میان طرفین تقسیم کرده و از تمرکز ثروت و انباشت ریسک‌های سیستماتیک جلوگیری می‌کنند. ابزارهای مالی اسلامی با ایجاد شفافیت در معاملات و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مبتنی بر اطلاعات نامتقارن، بستری برای رشد پایدار فراهم می‌کنند. عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از قواعد بنیادین شریعت، مبنای مهمی برای طراحی سیاست‌های مالیاتی و نظارتی است. مالیات بر سودهای حاصل از سفته‌بازی و اختصاص منابع به بخش‌های مولد

اقتصادی، می‌تواند به کاهش نابرابری و توزیع عادلانه ثروت کمک کند. التزام به تعهدات و عقود می‌تواند ابزار قدرتمندی برای کنترل رفتارهای سفته‌بازانه فراهم آورد و سفته‌بازان را به دلیل عدم تعهد به ایجاد ارزش افزودهٔ واقعی، ناقض اصول قراردادهای و تعهدات اسلامی بشناساند. فقه اسلامی با ارائهٔ چارچوبی جامع و مبتنی بر اصول اخلاقی و حقوقی، به دنبال تحقق پایداری، شفافیت و عدالت اقتصادی در سطح کلان است و ظرفیت آن را دارد که اقتصاد را از مخاطرات ناشی از سفته‌بازی و بحران‌های مرتبط مصون سازد (ر.ک: خطیبی، ۱۴۰۲، ص ۸۷-۱۱۰).

حرمت ربا

ربا در فقه اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مفسدات اقتصادی شناخته می‌شود و حرمت آن به‌صراحت در قرآن و سنت بیان شده است (بقره: ۲۷۵-۲۷۶ و ۲۷۸-۲۷۹؛ آل عمران: ۱۳۰-۱۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۱۱۷). ربا سبب ظلم و استثمار، ایجاد نابرابری، اخلال در نظام اقتصادی، عدم تحمل ریسک، عدم تعهد به ایجاد ارزش افزودهٔ واقعی، کاهش انگیزهٔ سرمایه‌گذاری مولد، تضعیف اخلاق کاری و روحیهٔ کارآفرینی، سوق دادن افراد به کسب درآمد بدون زحمت، تضییع حقوق دیگران، رکود اقتصادی، فقر و بیکاری، بحران‌های مالی، فساد اخلاقی، کاهش همبستگی اجتماعی و تقلیل روابط انسانی به روابط صرفاً مالی است (ر.ک: حکیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۶۱۱ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ و ۴۰۴). در صورت پذیرش این نظریه که مستند حرمت ربا در شریعت اسلام، علل و مناطاتی همچون ایجاد فساد، ظلم، از دست رفتن ثروت، کاهش بهره‌وری و تولید، رها کردن قرض و کارهای نیک و گرایش به سودجویی است، می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که هر فعالیت اقتصادی که واجد این خصائص و آثار مذموم باشد، از نظر شرعی نیز غیرقابل قبول و منهی‌عنه خواهد بود؛ هرچند که به‌صورت مستقیم، مصداق ربای مصطلح نباشد. اعمال این قیاس و تسری حکم ربا به مصادیق مستحدث فعالیت‌های اقتصادی، نه‌تنها موجب حفظ سلامت نظام اقتصادی اسلامی می‌گردد، بلکه زمینه‌های بروز بحران‌های مالی و اقتصادی را نیز تا حد زیادی متفی می‌سازد؛ زیرا اسلام، با حذف ربا و فعالیت‌های مشابه آن (مانند سفته‌بازی‌های محل)، و جایگزینی آنها با مدل‌های مشارکتی (همچون مضاربه، مشارکت، مزارعه و...)، درصدد هدایت منابع به‌سوی فعالیت‌های تولیدی و ایجاد ارزش افزوده واقعی است. علاوه بر این، با ممنوعیت تجمع ثروت در دست گروه‌های غیرمولد و محتکر، و با ارائهٔ یک چارچوب متوازن که در آن سودآوری و تولید ارزش واقعی به‌صورت توأمان تحقق یابد، اقتصاد اسلامی نه‌تنها از پایداری بیشتری برخوردار می‌گردد، بلکه از بحران‌های مصنوعی و مبتنی بر سفته‌بازی و ربا نیز مصون می‌ماند و یک الگوی متعادل و متکامل را به جوامع بشری عرضه می‌نماید (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۰-۱۲؛ صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳-۱۴۰).

عدالت در توزیع ثروت

اسلام با تأکید بر عدالت در توزیع ثروت و پیشگیری از تمرکز آن در دست گروه‌های نامولد، چارچوبی اقتصادی ارائه می‌دهد که می‌تواند سفته‌بازی را به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی بی‌ثباتی و بحران‌های مالی محدود سازد.

آیه شریفه «كَى لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) به جلوگیری از انحصار ثروت در دست گروهی خاص، تمرکز قدرت اقتصادی نزد ثروتمندان غیرمولد، شکل‌گیری طبقات اقتصادی نابرابر، گردش ثروت تنها میان افراد غنی و محرومیت اقشار ضعیف از منابع اقتصادی اشاره دارد و این اصل، مبنای سیاست‌هایی قرار می‌گیرد که از تمرکز دارایی‌ها در دست سفته‌بازان جلوگیری می‌کند.

از سوی دیگر، آیه شریفه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) بر اهمیت مدیریت صحیح منابع مالی و عدم واگذاری آن به افراد ناکارآمد تأکید دارد. آیه بر حفظ اموال به‌عنوان قوام جامعه تأکید دارد و نشان می‌دهد که مدیریت اموال یک مسئولیت اجتماعی است. در فقه اسلامی، سفیه به کسی گفته می‌شود که فاقد تدبیر و عقلانیت و توانایی لازم در حفظ و اداره اموال خود است. به همین دلیل، شرع مقدس، سفیه را از تصرف در اموال خود منع کرده و اداره اموال او را به ولی یا قیم واگذار می‌کند. سفته‌بازی، نوعی فعالیت اقتصادی است که نیازمند دانش، مهارت و تحلیل است. بسیاری از سفته‌بازان، با استفاده از تحلیل‌های دقیق و اطلاعات به‌روز، اقدام به خرید و فروش سهام یا سایر دارایی‌ها می‌کنند. هدف اصلی سفته‌بازان، کسب سود از طریق نوسانات قیمت است. این هدف، لزوماً با عقلانیت در تصرف اموال منافات ندارد. در عین حال، برخی از سفته‌بازان، ممکن است به دلیل عدم آگاهی کافی، اتخاذ تصمیمات هیجانی، یا استفاده از روش‌های غیرقانونی، در تصرف اموال خود، فاقد تدبیر و عقلانیت لازم باشند. در این صورت، می‌توان آنها را مصداق سفها دانست. همچنین اگر ثابت شود که سفته‌باز با انجام معاملاتی صوری، ایجاد تلاطم در بازار، یا سوءاستفاده از اطلاعات نهانی، به دنبال کسب سود نامشروع است و به دیگران ضرر می‌رساند، می‌توان گفت که او عقلانیت مدنظر شریعت را رعایت نکرده است.

ابزارهایی فقهی چون زکات، نه تنها در راستای توزیع عادلانه ثروت گام برمی‌دارد، بلکه از انباشت ثروت نزد سفته‌بازان جلوگیری کرده و سرمایه‌ها را به‌سوی فعالیت‌های مولد سوق می‌دهد. زکات، با اخذ درصد معین از دارایی‌های مازاد و تخصیص آن به قشرهای پایین درآمدی، موجب تحریک تقاضای مؤثر و افزایش بهره‌وری نهایی مصرف می‌گردد. این مکانیزم نه تنها نابرابری اقتصادی را کاهش می‌دهد، بلکه با افزایش تقاضا در بخش‌های تولیدی، به رشد پایدار اقتصادی یاری می‌رساند و از بروز بحران‌های مالی ناشی از سفته‌بازی جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، زکات به‌عنوان ابزاری مالی در نظام اسلامی، با محدود ساختن تمرکز ثروت در دست گروه‌های غیرمولد، به‌طور سیستماتیک سفته‌بازی را تحدید می‌سازد.

احکامی فقهی مانند ممنوعیت تلقی رِبْكَان، بیع الحاضر للبادی، نجش (ایجاد تقاضای کاذب برای افزایش قیمت‌ها)، و غش (ارائه اطلاعات نادرست برای افزایش قیمت)، که واسطه‌گری‌های مضر و ناعادلانه را منع می‌کند، به مقابله با رفتارهای سفته‌بازانه می‌پردازد. در چارچوب نظریه‌های کلان اقتصادی، تمرکز ثروت نزد سفته‌بازان نه تنها

باعث کاهش تقاضای مؤثر می‌شود، بلکه از بهره‌وری نهایی سرمایه نیز می‌کاهد و زمینه‌ساز بحران‌های اقتصادی و مالی می‌گردد. در مقابل، فقه اسلامی با ابزارهایی مانند مشارکت در تولید، مالکیت زمین بر اساس بهره‌وری و مزد بر اساس بهره‌وری، مدل‌هایی را ارائه می‌دهد که از انحراف منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد جلوگیری می‌کند. عدالت توزیعی را تضمین کرده و رشد اقتصادی پایدار را ممکن می‌سازد و به‌واسطه تقویت عدالت اقتصادی و افزایش بهره‌وری، نظامی پایدار و مقاوم در برابر شوک‌های مالی فراهم می‌آورد (ر.ک: صدر، ۱۳۷۵).

مدیریت بهینۀ منابع

آیه ۱۱۲ سوره نحل به داستان یک شهر امن و آباد اشاره می‌کند که نعمت‌های خداوند را نادیده گرفت و در نتیجه به گرسنگی و ترس دچار شد. این آیه به‌خوبی بیان می‌کند که کفران نعمت نه تنها به معنای عدم شکرگزاری است، بلکه به سوءمدیریت منابع و عدم استفاده بهینه از آنها نیز مربوط می‌شود. این شهر با وجود فراوانی نعمت، به دلیل عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، به اسراف و سوءاستفاده از منابع دچار شد. در نهایت، این بی‌توجهی به نعمت‌ها و عدم شفافیت در تخصیص آنها، به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شد. بنابراین آیه شریفه نشان می‌دهد که مدیریت بهینۀ منابع و قدردانی از نعمت‌های الهی، برای دستیابی به ثبات و امنیت اقتصادی ضروری است و ناسپاسی به این نعمت‌ها می‌تواند عواقب وخیمی به همراه داشته باشد. آیه ۱۱۲ سوره نحل، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، از شهری می‌گوید که به دلیل ناسپاسی و عدم مدیریت بهینه منابع، از امنیت و رفاه به گرسنگی و ترس دچار شد. این آیه را می‌توان به‌عنوان هشدار برای جوامعی دانست که به جای سرمایه‌گذاری در تولید و ایجاد ارزش واقعی، به فعالیت‌های سوداگرانه و سفته‌بازی روی می‌آورند. برخی انواع سفته‌بازی نیز، به نوعی، مصداق بارز عدم مدیریت بهینۀ منابع است؛ چراکه در این فعالیت، سرمایه و امکانات موجود به جای آنکه در راستای تولید کالا و خدمات و ایجاد اشتغال مولد به کار گرفته شوند، صرف خرید و فروش‌های مکرر و کسب سودهای کوتاه‌مدت از نوسانات بازار می‌شوند و افراد به جای خلق ارزش، صرفاً به دنبال بهره‌برداری از شرایط موجود و کسب سودهای بادآورده هستند. وقتی جامعه‌ای به سفته‌بازی روی می‌آورد، درواقع از مسیر توسعه پایدار و متوازن دور می‌شود، منابع به جای آنکه در بخش‌های مولد اقتصاد سرمایه‌گذاری شوند، در بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه انباشته شده و این امر، منجر به کاهش تولید، افزایش تورم و گسترش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. در چنین شرایطی، جامعه از مسیر شکرگزاری و قدردانی از نعمت‌های الهی منحرف شده و به سمت حرص و طمع بیشتر سوق پیدا می‌کند. در نتیجه، همانند شهر مذکور در آیه ۱۱۲ سوره نحل، جامعه‌ای که به سفته‌بازی روی می‌آورد، در نهایت با عواقب ناگواری همچون گرسنگی (کاهش تولید و افزایش قیمت‌ها) و ترس (ناامنی اقتصادی و اجتماعی) مواجه خواهد شد. بنابراین می‌توان از این آیه استنباط کرد که دوری از سفته‌بازی و تمرکز بر تولید و مدیریت صحیح منابع، از عوامل مهم در دستیابی به ثبات اقتصادی و جلوگیری از بحران‌های ناشی از سوءمدیریت و ناسپاسی است (ر.ک: میرمعزی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۵-۲۳).

نظارت مستمر و مدیریت کارآمد

آیه شریفه «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ» (یوسف: ۵۵) بر ضرورت نظارت مؤثر و سپردن مدیریت به افراد شایسته تأکید می‌کند. این نظارت نه تنها بر مدیریت منابع طبیعی و مالی تأثیرگذار است، بلکه نقش کلیدی در کنترل رفتارهای اقتصادی مخرب مانند سفته‌بازی دارد که به دلیل اتکا به نوسانات غیرقابل پیش‌بینی و رفتارهای سودجویانه، باعث بی‌ثباتی و بحران‌های مالی می‌شود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با تأکید بلیغ بر ضرورت استقرار عدل و شفافیت در نظام بازار و لزوم مراقبت دائمی و نظارت مؤثر بر جریان دادوستد، همواره در پی پیشگیری از بروز فساد اقتصادی و اخلال در توازن بازار بوده‌اند. توصیه حکیمانه ایشان در منشور حکومتی (نهج البلاغه، نامه ۵۳) مبنی بر اینکه «وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا، بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ، لَا يَخْخَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ الْبَائِعِ وَالْمُتَبَاعِ»؛ باید خرید و فروش آسان و با معیارهای عادلانه باشد، به گونه‌ای که حقوق هیچ‌یک از فروشنده و خریدار تضییع نگردد، به روشنی بیانگر اهمیت نظارت مستمر و پیگیر و ممانعت از هرگونه بهره‌جویی نامشروع در معاملات است. این رهنمود، به‌ویژه در مواجهه با رفتارهای سوداگرانه و سفته‌بازانه‌ای که بر پایه اطلاعات ناصحیح و نامتقارن و پیش‌بینی‌های غیرعلمی استوارند، بسیار کارآمد و راهگشا است. با استقرار نظام نظارتی فعال و کارآمد در بازارها و تضمین رعایت موازین شرعی و اقتصادی، می‌توان از تمرکز ناموجه ثروت در دست افراد سودجو که در پی کسب منافع بادآورده از طریق سفته‌بازی هستند، جلوگیری نمود و منابع جامعه را به سمت فعالیت‌های مولد و ارزش‌آفرین هدایت کرد.

در تاریخ تمدن اسلامی، نهاد «حِسبه» به‌عنوان نمونه‌ای بارز از نظارت مستمر، قانون‌مداری و مدیریت کارآمد، نقشی بی‌بدیل در جلوگیری از بروز فساد اقتصادی و تقلب در بازارهای ایفا نموده است. «مُحْتَسِبَان» که به‌منزله ناظران رسمی و امین حکومت در امور بازرگانی و اقتصادی بودند، مسئولیت خطیر نظارت دقیق بر تعیین عادلانه قیمت‌ها، تضمین کیفیت کالاها و خدمات ارائه‌شده و رعایت انصاف و عدالت در تمامی معاملات را بر عهده داشتند. این نظارت مداوم و هوشمندانه، به نحو چشمگیری از بروز رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی همچون تقلب، احتکار و گران‌فروشی جلوگیری می‌کرد. این اقدامات پیشگیرانه، نقش مهمی در ثبات اقتصادی ایفا نموده و از ایجاد نوسانات شدید و غیرقابل کنترل در بازار و بروز بحران‌های مالی و اجتماعی جلوگیری می‌نمود (باقری و صادقی، ۱۳۹۲، ص ۷۸-۱۰۳). مقایسه این رویکرد پیشگیرانه با تجربه بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی، ابعاد اهمیت نظارت را آشکار می‌سازد. یکی از عوامل اصلی تعمیق بحران مذکور، وجود کاستی‌های جدی در نهادهای نظارتی و فقدان ابزارهای کارآمد و اثربخش برای ارزیابی دقیق ریسک‌ها و تضمین شفافیت مالی بود، که متأسفانه زمینه را برای فعالیت‌های سوداگرانه و سفته‌بازی‌های افسارگسیخته و انباشت دارایی‌های پرریسک فراهم آورد. فقدان نظارت مناسب و کارآمد در آن مقطع زمانی، منجر به ورشکستگی و اضمحلال بسیاری از نهادهای مالی معتبر گردید و تبعات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد جهانی تحمیل نمود.

شفافیت و صداقت در تجارت

با توجه به مبانی اسلام، شفافیت اقتصادی یک ضرورت برای ایجاد یک نظام اقتصادی سالم، عادلانه و پایدار است. این امر از طریق احکام و قواعد فقهی مختلف و با تأکید بر امانت‌داری، صداقت و عدم فریب در معاملات محقق می‌شود. احکام تکلیفی ناظر بر شفافیت اقتصادی شامل واجباتی چون ذکر عیوب ظاهری و باطنی کالا در معاملات است؛ به‌عنوان مثال، اگر کسی بخواهد کالایی را بفروشد که عیبی دارد، واجب است آن عیب را به مشتری بگوید و پنهان نکند؛ زیرا این عمل از علائم مؤمن بودن است (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۹۰). عدم ذکر عیب کالا، به‌منزله کتمان اطلاعات است و با اصل شفافیت در تضاد است. از طرفی، محرمانه‌ی نظیر دروغ (قولی و عملی)، غش در معاملات، تدلیس و احتکار نیز به شدت نهی شده‌اند. دروغ قولی؛ مانند «نجش» (تبانی با فروشنده برای اعلام قیمت بالاتر بدون قصد خرید)، سبب می‌شود خریدار از اطلاعات قابل اتکا محروم شود (صدر، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). این عمل، با افزایش قیمت کاذب، باعث گمراهی خریداران می‌شود. غش در معاملات؛ مانند تقلب در معامله با پول‌های تقلبی یا فروش کالای تقلبی به‌جای واقعی نیز سبب عدم شفافیت می‌شود. پیامبر ﷺ به شدت از غش در معامله نهی فرموده‌اند و آن را خیانت و فریب مسلمانان دانسته‌اند (دادفر و سیفی، ۱۳۹۹). این عمل نه‌تنها اطلاعات را مخدوش می‌کند، بلکه اعتماد را نیز از بین می‌برد. تدلیس (پنهان کردن عیب یا وانمود نمودن حسن واهی در کالا) و احتکار (انبار کردن مواد غذایی مورد نیاز برای گران شدن) نیز از دیگر مصادیق رفتارهای منع‌شده هستند، که با مخدوش کردن اطلاعات، مانع از شفافیت اقتصادی می‌شوند (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۰۰). تدلیس، فریب دادن مشتری از طریق نشان دادن محاسن غیرواقعی کالا است، و احتکار با ایجاد کمبود مصنوعی، باعث افزایش قیمت‌ها و ایجاد نوسانات شدید در بازار می‌شود. این اعمال علاوه بر آسیب رساندن به اقتصاد، باعث ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه می‌شوند. همچنین در فقه اسلامی، قواعدی وجود دارد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر شفافیت اقتصادی تأثیر می‌گذارند. این قواعد فقهی، با افزایش خوش‌بینی و اعتماد بین دست‌اندرکاران بازار، به تسهیل و شفافیت معاملات کمک کرده و از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری می‌کنند؛ زیرا مانع از شکل‌گیری قیمت‌های صوری و اطلاعات نادرست می‌شوند. در نهایت، عمل به این احکام و قواعد فقهی، نه‌تنها به ایجاد شفافیت در معاملات کمک می‌کند، بلکه باعث ایجاد اعتماد و اطمینان در جامعه می‌شود. این اعتماد، به‌نوبه خود، باعث افزایش سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی می‌شود و از بروز بحران‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند.

نتیجه‌گیری

سفته‌بازی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی در نظام‌های مالی و اقتصادی مدرن شناخته شده است. بررسی تاریخی بحران‌های مالی از قرن ۱۷ تا بحران ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که رفتارهای سفته‌بازانه همواره نقشی محوری در شکل‌گیری و تشدید این بحران‌ها داشته‌اند.

در بحران مالی ۲۰۰۸، استفاده از ابزارهای مالی پیچیده مانند مشتقات و اوراق بهادارسازی دارایی‌های پرریسک، همراه با ضعف نظارتی و عدم شفافیت، منجر به انباشت ریسک‌های سیستمیک و در نهایت فروپاشی بازارهای مالی شد. این بحران نمونه بارزی از پدیده اخلاق‌زدایی مالی است که در آن، سودجویی کوتاه‌مدت بر اصول اخلاقی و پایداری بلندمدت غلبه می‌کند.

در مقابل، نظام مالی اسلامی با تکیه بر اصولی چون عدالت، شفافیت و منع ربا، راهکارهایی برای مقابله با رفتارهای سفته‌بازانه و پیشگیری از بحران‌های مالی ارائه می‌دهد. ابزارهایی مانند عقود مشارکتی، با ایجاد پیوند میان بخش‌های واقعی و مالی اقتصاد، ریسک‌ها را به صورت منصفانه توزیع کرده و پایداری ساختارهای مالی را تقویت می‌کنند.

قواعد فقهی اسلامی مانند منع غرر، لاضرر و سد الذرایع، چارچوبی اخلاقی و قانونی برای جلوگیری از فعالیت‌های مخرب اقتصادی فراهم می‌آورند؛ همچنین آیات قرآنی و احادیث با تأکید بر عدالت اقتصادی و منع سوءاستفاده از منابع مالی، مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی پایدار ارائه می‌دهند.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که بازگشت به اصول اخلاقی و عدالت‌محور در نظام‌های مالی، همراه با نظارت دقیق و شفافیت، می‌تواند راهکاری مؤثر برای پیشگیری از بحران‌های مالی آینده و ایجاد ثبات اقتصادی پایدار باشد. نظام مالی اسلامی، با ارائه مدلی اخلاق‌محور و متوازن، می‌تواند الگویی کارآمد برای اصلاح ساختارهای مالی جهانی و مقابله با معضلات اقتصادی معاصر باشد.

منابع

- باقری، محمود و صادقی، محمد (۱۳۹۲). ابزار حقوق اقتصادی اسلامی در نظارت و کنترل بازارهای رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر. *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۴(۲۰)، ۷۸-۱۰۳.
- ترکمانی، عدنان خالد (۱۹۸۸). *السیاسة التقنیة و المصرفية فی الاسلام*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۵). *الحیة*. ترجمه احمد آرام. قم: دلیل‌ما.
- خطیبی، مهدی (۱۴۰۲). بررسی سفته‌بازی با رویکرد فقه حکومتی در راستای تحقق حکمرانی اقتصادی. *حکومت اسلامی*، ۲۸(۴)، ۸۷-۱۱۰.
- خورشید، احمد (۱۳۷۴). *مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- دادفر، مریم و سیفی، فاطمه (۱۳۹۹). غش در معامله از دیدگاه فقه. *فقه و حقوق نوین*، ۱(۱)، ۲-۱۳.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۰). *ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸م و تأثیر آن بر اقتصاد ایران*. تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۲ق). *شرح لمعه*. قم: دار احیاء التراث.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۷). *اقتصادنا*. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- صمصامی، حسین (۱۳۸۸). ربا و مشکلات اقتصاد ایران. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۴۰.
- علینقی لنگری، محمدامین (۱۳۹۰). *تحقیقات مالی اسلامی*. مدیریت اسلامی، ۱(۱)، ۸۵۷.
- قدرتی، علیرضا (۱۳۸۵). بورس بازی از دیدگاه فقه اسلامی. *جامعه حسابداران رسمی*، ۳(۱۰ و ۱۱)، ۹۴-۱۲۹.
- لوی، جعفر (۱۴۰۲). بازپژوهی مفهوم امور حسبه و متصدی آن در نگره فقه امامی. *حکومت اسلامی*، ۲۸(۲)، ۳۳-۱۰۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۰). ششمین فلسفه تحریم ربا و بحران‌های اقتصادی. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۳۱(۵)، ۱۰-۱۲ و ۳۷-۳۸.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۷). *ریشه‌های بحران مالی آمریکا*. تهران: همایش بررسی بحران اقتصادی غرب.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۲). بورس بازی از دیدگاه فقه. *اقتصاد اسلامی*، ۳(۹)، ۴۵۱-۶۴.
- میرمعزی، سیدحسین و قائمی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۰). نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۳)، ۵-۲۶.
- نجفی، محمدحسین (۱۴۳۰ق). *جواهرالکلام*. قم: دار احیاء التراث العربی.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۷). *نگاهی به روند بحران مالی بین‌المللی*. تهران: همایش بررسی بحران اقتصادی غرب.
- Acharya, V. V. & Richardson, M. (2009). Causes of the Financial Crisis. *Critical Review*, 21(2), 195-210
- Akerlof, G. A. & Shiller, R. J. (2010). *Animal Spirits: How Human Psychology Drives the Economy and Why It Matters for Global Capitalism*. Princeton University Press.
- Baker, S. R. & Wurgler, J. (2020). Investor Sentiment in the Stock Market. *Journal of Economic Perspectives*, 21(2), 129-151
- Caballero, R. J. & Simsek, A. (2020). *A risk-centric model of demand recessions and speculation* (NBER Working Paper No. 23614). National Bureau of Economic Research. <https://www.nber.org/papers/w23614>.
- Demirguc-Kunt, A. & Kane, E. J. (2002). Deposit Insurance Around the Globe: Where Does It Work? *Journal of Economic Perspectives*, 16(2), 175-195.
- Gao, Z., Sockin, M. & Xiong, W. (2020). Economic consequences of housing speculation. *Review of Financial Studies*, 33(11), 5248-5287. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhaa030>.

- Gorton, G. (2010). *Slapped by the Invisible Hand: The Panic of 2007*. Oxford University Press.
- Kaldor, N. (1939). Speculation and economic stability. *The Review of Economic Studies*, 7(1), 1-27.
- Kindleberger, C. P. & Aliber, R. Z. (2005). *Manias, panics, and crashes: A history of financial crises*. London: Palgrave Macmillan.
- Reinhart, Carmen M. & Rogoff, Kenneth S. (2009). *This Time is Different: Eight Centuries of Financial Folly*. Princeton: Princeton University Press.
- Caballero, Ricardo J. & Simsek, Alp (2017). A Risk-centric Model of Demand Recessions and Speculation, National Bureau of Economic Research, Working Papers 23614.
- Shiller, bro J. (2015). The Subprime Solution: How Today's Global Financial Crisis Happened, and What to Do About It. *Austrian Economics*, 12(1), 81-87.
- Simsek, Alp (2020). The Macroeconomics of Financial Speculation. *National Bureau of Economic Research*, Working Paper 28000.
- Yeon-Jin Sim & Jeongmin Kim & Jaehyeon Choi & Jun-Ho Huh (2022). System Design for Detecting Real Estate Speculation Abusing Inside Information: For the Fair Reallocation of Land. *Land, MDPI*, 11(4), ۵۶۵

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/marefateeqtasadi.2025.5001272 20.1001.1.20422322.1403.15.2.6.0

A Study on the Legitimacy of Ether’s Value with Emphasis on the Jurisprudential Thought of Imam Khomeini(rh) and Philosophical Views of Allameh Mesbah Yazdi

✉ **Saeid Ebrahimi**  / Ph.D. in Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute
nasimeshargh@gmail.com

Sediqeh-Sadat Seyyedtajoddini / Ph.D. in Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of Qom

Received: 2024/12/20 - **Accepted:** 2025/05/10

s.seyyedtajoddin66@gmail.com

Abstract

Ether, the native currency of the Ethereum global network, is one of the most widely used cryptocurrencies. Given the ongoing debate over its monetary status and value, this study adopts an analytical approach based on the jurisprudential thought of Imam Khomeini(rh) and select philosophical views of Allameh Mesbah Yazdi to assess the legitimacy of Ether’s value (māliyyat). Understanding the legitimacy of Ether’s value requires a brief exposition of cryptocurrency pioneers’ ideas as well as a conceptual clarification of Ethereum and its infrastructure. According to the findings, māliyyat is a customary notion grounded in the rational concept of value. Allameh Mesbah Yazdi argues that human need for achieving objectives and an object’s capacity to help realize such ends constitute the basis of value. When supplemented with certain legal qualifiers, this notion evolves into legitimate māliyyat. Furthermore, Imam Khomeini’s jurisprudential principles—particularly regarding the sale of weapons to enemies of Islam—imply specific criteria for legitimate māliyyat. In light of Allameh Mesbah Yazdi’s perspective on value and Imam Khomeini’s jurisprudential foundations, the study concludes that Ether does not qualify for legitimate māliyyat.

Keywords: Imam Khomeini(rh), Allameh Mesbah Yazdi, Māliyyat, Ether, Cryptocurrency.

JEL Classification: D46, K40.

پژوهشی در مشروعیت ارزش اتر با تأکید بر اندیشه فقهی امام خمینی و آرای فلسفی علامه مصباح یزدی

nasimeshargh@gmail.com

s.seyyedtajoddin66@gmail.com

سعید ابراهیمی  / دکتری علوم اقتصادی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

صدیقه سادات سید تاج الدینی / دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

چکیده

اتر که متعلق به شبکه جهانی اتریوم است، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین رمزارزهای دنیای کریپتو است. با توجه به اختلافات موجود در زمینه مالیت و ارزش این رمزارز، مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی و بر اساس اندیشه فقهی امام راحل و برخی از آرای علامه مصباح به بررسی مالیت اتر می‌پردازد. بررسی مالیت اتر مستلزم تبیین اجمالی اندیشه‌های رهبران فکری رمزارزها و تشریح مفاهیم اساسی اتریوم و ساختار آن است. بر اساس یافته‌های تحقیق، مالیت مفهومی عرفی است که بر پایه مفهومی عقلایی به نام ارزش شکل گرفته است. بر اساس نظر علامه مصباح یزدی، نیاز انسان برای نیل به اهداف خویش و توانایی کالا یا خدمت برای کمک به انسان برای دستیابی به هدف، ایجادکننده معنای ارزش است. این معنا با افزودن قیودی توسط فقها به عنوان مالیت شرعی پذیرفته شده است. در همین راستا، مبانی فقهی امام راحل در زمینه مالیت شرعی خصوصاً ذیل عنوان فروش سلاح به دشمنان دین حاکی از شرایطی خاص برای آن است. با توجه به رویکرد علامه مصباح یزدی نسبت به ارزش و همچنین مبانی فقهی امام راحل در زمینه مالیت شرعی، نمی‌توان مالیت اتر را پذیرفت.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، علامه مصباح یزدی، مالیت، اتر، رمزارز.

طبقه‌بندی JEL: D46، K40.

مقدمه

پیدایش اینترنت نسل اول موجب تسهیل اشتراک گذاری اطلاعات گردید و در اینترنت نسل دوم، تلاش شد که انتشار یک سوئیۀ ارتباطات به جریانی دوسویه تبدیل گردد، اما مشکل بزرگ در اینترنت نسل اول و دوم، عدم امکان انتقال ارزش در بستر این دو نسل از اینترنت بود. با ظهور فناوری بلاکچین، ادعا گردید که این فناوری امکان انتقال ارزش را در بستر اینترنت فراهم آورده است و جهان پس از این با اینترنت نسل سوم مواجه است. کوین‌ها مهم‌ترین عوامل انتقال ارزش در بستر بلاکچین نسل اول محسوب می‌شوند. با ظهور فناوری اتریوم به‌عنوان مادر بلاکچین نسل دوم و پیدایش توکن‌های قابل انتقال و غیرقابل انتقال، انقلابی عظیم در فرایند انتقال ارزش در بلاکچین پدیدار گردید، لکن سؤالات جدی در مورد توانایی انتقال ارزش توسط بلاکچین از سوی برخی ناظران مطرح گردیده است و اساساً توانایی عوامل مختلف اعم از کوین‌ها و توکن‌ها در انتقال ارزش در این فناوری مورد تردید واقع شده است.

با توجه به اهمیت بحث کوین‌ها در فناوری بلاکچین، این تحقیق درصدد پاسخ به پرسش از ارزشمند بودن کوین‌ها در بلاکچین از منظر اقتصادی است و با توجه به اهمیت اتریوم و جایگاه اتر در رمزارزهای نسل دوم بلاکچین، به بررسی ارزشمند بودن اتر از منظر اقتصادی و فقهی می‌پردازد، و در این راستا باید دید که ساختار اتریوم چیست و اتر دارای چه جایگاهی در این ساختار می‌باشد؟ ارزش به چه معناست؟ آیا اتر دارای ارزش اقتصادی است؟ آیا دلیلی بر ارزشمندی و مالیت اتر در فقه امامیه یافت می‌شود؟ پرسش اصلی تحقیق نیز این می‌باشد که آیا اتر در چارچوب اندیشه فقهی امام راحل (ع) و با توجه به آرای علامه مصباح یزدی دارای مالیت و ارزش می‌باشد؟

تحقیق پیش‌رو بر اساس فیش‌برداری و روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به سؤال مزبور است. پاسخ به این دست پرسش‌های فقهی، به روشن شدن ابعاد فقهی استفاده از رمزارزها می‌انجامد و عرصه را برای تحقیقات حقوقی و تدوین قوانین مناسب در این باره فراهم می‌آورد.

پیشینه تحقیق

سفیدنامه اتریوم که توسط ویتالیک بوترین (۲۰۱۴) نگارش شد، با گسترش کارکرد رمزارزها از حوزه مالی دو کاربرد مالی و غیرمالی برای اتریوم پیشنهاد داد و مفاهیمی شامل بیمه، ضمانت، پیش‌بینی و... را دنیای رمزارزها افزود. پینا و روتنبرگ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان فناوری‌های دفتر کل توزیع‌شده در اوراق بهادار، مباحثی را پیرامون بستر شکل‌گیری اتریوم؛ یعنی دفتر کل توزیع‌شده ارائه نمودند.

بنوس، گرت و گورولا (۲۰۱۷) در پژوهشی که اقتصاد فناوری دفتر کل توزیع‌شده برای تسویه اوراق بهادار نام دارد، با نگاهی اقتصادی به فناوری دفتر کل توزیع‌شده، رمزنگاری، عدم اعتماد و عدم تمرکز را سه محور شکل‌گیری این فناوری معرفی نمودند و مباحثی در مورد ساختار بلاکچین و عملکرد آن مطرح کردند.

گلیرز (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با نام «چارچوبی برای سیستم مبتنی بر بلاکچین و تحلیل موارد استفاده»، و کتاب تسلط بر بیت‌کوین نوشته آتوونپولوس (۲۰۱۷)، و نیز کتاب تسلط بر بلاکچین نوشته بشیر (۲۰۱۸) به تشریح جزئیات فنی فناوری

بلاک چین، اتریوم، الگوریتم اجماع اتریوم و مقولات مرتبط پرداخته‌اند. وو، ژون و همکاران (۲۰۲۴) نیز در کتابشان، ساختار فنی اتریوم ۲ را تشریح نموده و مباحث تأمین مالی مرتبط با اتریوم را نیز به‌طور تفصیلی مورد مذاقه قرار داده‌اند. خواجهوی و قاسم‌زاده (۱۴۰۱) در «ماهیت فقهی و حقوقی رمزارز اتریوم (اتر)» بدون موضوع‌شناسی دقیق، حکم به مالیت این رمزارز نموده‌اند. بر اساس جست‌وجوی انجام‌شده، تحقیقی یافت نشد که بر اساس اندیشه امام راحل ره و با موضوع‌شناسی مطلوب، به بحث مالیت فقهی اتر اهتمام ورزیده باشد.

زمینه‌های فکری شکل‌گیری رمزارزها

توانایی پرداخت و انجام تراکنش آنلاین، به‌صورت گمنام و بی‌واسطه همواره از طرف جوامع خاصی مانند نخبگان فناوری اطلاعات، سایفرپانک‌ها، مدعیان حمایت از آزادی و... مورد حمایت قرار گرفته است. در تمامی گروه‌های مذکور یک هویت و جهان‌بینی مشترک وجود دارد؛ آنها احساس می‌کنند که بخشی از یک خانواده بزرگ تحت تأثیر نظرات متفکرانی مانند هایک هستند (وانگ، ۱۴۰۱، ص ۲۰).

هایک معتقد بود که دولت‌ها نیز تنها باید به مانند یک فرد از آزادی‌های مشخص و محدودی برخوردار باشند (هایک، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹). آزادی‌خواهان امروزی این معنا را فراتر از اندیشه هایک بسط داده‌اند و از محدود کردن دولت به نفی دولت رسیده‌اند (Atzori, 2015). تیموتی می همسو با اندیشه‌های هایک و در اواخر قرن بیستم، چارچوبی برای ایجاد تغییرات در ماهیت مقررات دولتی، کنترل تعاملات اقتصادی و... با محوریت رمزنگاری مطرح نمود (May, 1988). وی در نوشته‌های بعد خویش در پی تشکیل جوامع آزاد بود و با توجه به جایگاه پول در اقتصاد امروزی، اولویت خویش را ایجاد یک سیستم پرداخت دیجیتال بدون وجود نهاد مرکزی مطرح نمود (Berg, Chris & et. al, 2019, p.18).

پیروان معاصر این اندیشه معتقدند: با گسترش استفاده از رمزارزها و هنگامی که به‌اندازه کافی افرادی از سیستم پولی تحت نظارت دولت خارج شوند، نه اینکه به‌طور کامل آن را ترک کنند یا کنار بگذارند، می‌توانند از سیطره دولت‌ها خارج شوند. وقتی این کار صورت گرفت آنگاه به‌سوی واپسین آرمان در مسیر حاکمیت‌مان پیش خواهیم رفت. وی مفهوم دولت شبکه را مطرح می‌کند و می‌گوید: «یک دولت شبکه» ظهور یک اجتماع دیجیتال است که به‌عنوان منصبی رسمی به رسمیت شناخته خواهد شد. برای ورود به سیستم یک شبکه دولت نیاز به رهایی مطلق از سیستم قبلی داریم؛ علاوه بر این نیازمند غیاب هرگونه سیستمی هستیم (Amic, 2021). بر اساس آنچه که گفته شد، رمزارزها بر مبنای اندیشه محدودیت دولت‌ها بنا گذاشته شده‌اند. رمزارزها، هر چند امروزه با انگیزه‌های متفاوت و از سوی افراد مختلفی به کار می‌روند اما توجه به بستر شکل‌گیری آنها و اهداف طراحان اولیه رمزارزها، کارکرد اصلی آنها را برای ما روشن می‌کند: خروج پول از حاکمیت دولت‌ها و تکمیل پازل لیبرالیسم دولتی، هدفی است که رمزارزها تأمین‌کننده آن محسوب می‌شوند. استفاده ناآگاهانه افراد از رمزارزها با اغراض گوناگون، تغییر دهنده کارکرد اصلی آنها نمی‌باشد و رمزارزها را از ریل اصلی خویش خارج نمی‌سازد.

موضوع‌شناسی اتر

اتر اولین رمزارز بلاک‌چین نسل دوم محسوب می‌شود و به‌عنوان سکه شبکه اتریوم معرفی شده است. برای شناخت بهتر اتر و کارکرد آن در شبکه جهانی اتریوم باید به معرفی اجمالی این شبکه و ساختار آن بپردازیم. اتریوم در بستر فناوری دفترکل توزیع‌شده و با تکیه بر رمزنگاری‌شده ایجاد شده است؛ ازاین‌رو پیش از تشریح ساختار اتریوم، لازم است با دو مفهوم دفترکل توزیع‌شده و رمزنگاری آشنا شویم.

فناوری دفترکل توزیع‌شده (DLT)

سیستمی از رکوردهای الکترونیکی است که شبکه‌ای از شرکت‌کنندگان مستقل را قادر می‌سازد تا اجماعی حول ترتیب معتبری از تراکنش‌هایی که با رمزنگاری تأیید شده‌اند، شکل دهند. داده‌ها در این دفتر به روش دائمی و تغییرناپذیر با تکنیک‌های رمزنگاری ذخیره می‌شوند و به علت وجود مهر زمانی و هش، داده‌ها به راحتی قابل حسابرسی هستند (Vestergaard, 2021, p.9).

بلاک‌چین

بلاک‌چین یک دفترکل دیجیتال، غیرمتمرکز و توزیع‌شده است که در آن تراکنش‌ها به ترتیب زمانی ثبت و اضافه می‌شوند تا رکوردهای دائمی و غیرقابل تغییر ایجاد کنند. این فناوری برای اولین بار در مقاله ناکاماتو مطرح گردید (Nakamoto, 2008). وی در مقاله خود توضیح داد که چگونه تراکنش‌ها، هش‌ها و حتی نانس‌ها می‌توانند با یکدیگر در یک ساختار داده‌بلوگی گروهبندی شوند (Treiblmaier, 2020, p.3). از ویژگی‌های بلاک‌چین امکان محدودیت و یا دسترسی آزاد اعضا به مدیریت شبکه است (Treiblmaier, 2020, p.8)، و این محدودیت در لایه شبکه دفترکل توزیع‌شده تعریف می‌گردد (Rauchs et. al, 2018, p.38).

میزان دسترسی مزبور سبب می‌شود که بلاک‌چین‌ها به سه دسته خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی تقسیم شوند. در بلاک‌چین‌های عمومی هر کسی می‌تواند به‌عنوان یک گره در فرایند تصمیم‌گیری شرکت کند و همه کاربران یک نسخه از دفترکل را در گره‌های محلی خود نگهداری می‌کنند. اتریوم از این دسته از بلاک‌چین‌ها می‌باشد. بلاک‌چین خصوصی تنها برای گروهی از افراد یا سازمان‌ها قابل دسترسی است و بلاک‌چین‌های نیمه‌خصوصی بخشی از بلاک‌چین توسط گروهی از افراد کنترل می‌شود و بخش‌های دیگری وجود دارند که عمومی هستند (Bashir, 2020, p.26)، اعضای این دست شبکه‌ها توسط الگوریتم‌های اجماع توزیع‌شده با یکدیگر هماهنگ می‌شوند.

اجماع توزیع‌شده

ادبیات اجماع توزیع‌شده میان اعضای یک شبکه بیش از سه دهه است که در صنعت و دانشگاه مورد توجه دانشمندان بوده (Bashir, 2018, p.30) و در علوم مختلف مانند مهندسی ارتباطات مورد استفاده واقع شده است (Ren and Beard, 2008, p.8). این اجماع به‌طور صریح توسط هیچ شورا و یا رأی‌گیری ایجاد نمی‌شود و هیچ زمان مشخصی را نمی‌توان به‌عنوان لحظه ظهور اجماع تعیین کرد (Antonopoulos, 2017, p.217). بهترین معتقد

است در این نوع شبکه‌ها، الگوریتم اجماع حق به‌روزرسانی شبکه؛ یعنی رأی دادن در مورد حقیقت را تقسیم‌بندی می‌کند (تاپ اسکات و تاپ اسکات، ۱۳۹۹، ص ۱۱۸). این الگوریتم روشی است که از طریق آن تمام افراد فعال در شبکهٔ بلاک‌چین به یک توافق مشترک دربارهٔ وضعیت کنونی دفتر کل دست می‌یابند (نواب‌پور، ۱۴۰۰، ص ۲۰).

رمزنگاری

حفاظت داده‌ها از دسترس افراد فاقد صلاحیت و ایجاد قفل دیجیتالی بر اطلاعات را ایدهٔ اصلی رمزنگاری می‌توان دانست. امروزه رمزنگاری به‌صورت سه مکانیزم تعریف می‌شود: به رمز درآوردن به‌وسیلهٔ کلید متقارن، به رمز درآوردن با استفاده از کلید نامتقارن و هشینگ (فروزان، ۱۳۹۵، ص ۱۷). در رمزگذاری با کلید متقارن، کلید رمزگشایی و رمزنگاری یکسان است، اما با رمزگذاری بر اساس کلید نامتقارن، از دو کلید خصوصی و عمومی استفاده می‌کنیم (قادرمرزی، ۱۳۹۸، ص ۲۴ و ۲۵). کلید عمومی قابل دسترسی برای عموم است و همه می‌توانند یک کپی از آن را داشته باشند، اما کلید خصوصی به‌صورت امن نگهداری می‌شود (قادرمرزی، ۱۳۹۸، ص ۴۵).

رمزنگاری اتریوم

برای تبدیل داده‌ها به هش، از توابع هش استفاده می‌کنیم. اتریوم در بسیاری از موارد از تابع هش رمزنگاری Keccak-256 استفاده می‌کند. تابع مزبور به‌عنوان کاندیدای مسابقه تابع رمزنگاری SHA-3 که در سال ۲۰۰۷ توسط مؤسسهٔ ملی علم و فناوری آمریکا (National Institute of Science and Technology) برگزار شده بود، طراحی شد. این الگوریتم، در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان استاندارد پردازش اطلاعات فدرال، استانداردسازی شد. پس از تکمیل فرایند استانداردسازی keccak-256، مؤسسهٔ ملی علم و فناوری برخی از پارامترهای آن را تغییر داد. هم‌زمان با اعمال این تغییرات، ادوارد اسنودن اسنادی را منتشر کرد که نشان می‌داد مؤسسه مزبور ممکن است به‌گونه‌ای نامناسب از سوی آژانس امنیت ملی آمریکا (National Security Agency) تحت فشار قرار گرفته باشد تا یک درب پشتی در مولد اعداد تصادفی ایجاد کند. با پیشامدن این مباحث، بنیاد اتریوم تصمیم گرفت تا الگوریتم اصلی keccak-256 را بدون اعمال اصلاحات پیاده‌سازی کند. البته این به‌معنای کنار گذاشتن تابع استانداردسازی شده SHA-3 نیست و هم‌اکنون برخی از کتابخانه‌های اتریوم از تابع مزبور استفاده می‌کنند (Antonopoulos & Wood, 2018, p.72).

حال پس از تبیین مقدمات مفهومی رمزارزها، برای فهم ماهیت اتر لازم است که ساختار اتریوم مورد تحلیل قرار گیرد. شناخت دقیق ساختار اتریوم به فهم بهتر رمزارز اتر و کارکردهای آن منجر می‌شود.

اتریوم ۱

با رونق تدریجی بازار بیت کوین، نخبگان فناوری اطلاعات و دیگر رشته‌های مرتبط، آرام آرام به ارائهٔ نقد و نظر در زمینهٔ بیت کوین پرداختند. در این میان بوت‌ترین به دنبال ایجاد یک پلتفرم بود که بتواند قراردادهای هوشمند و برنامه‌های غیرمتمرکز را نیز پشتیبانی کند. وی با این تفکر توانست در اواخر سال ۲۰۱۳ اولین سند اتریوم را منتشر

کند (Antonopoulos & Wood, 2018, p.3)، و شبکه اصلی اتریوم نیز در ۳۰ جولای ۲۰۱۵ به صورت رسمی آغاز به کار نمود (Antonopoulos & Wood, 2018, p.5).

اتریوم ۱ هرچند از یک ماشین حالت جهانی برای پردازش تراکنش‌های پرتعداد را رونمایی نمود، اما همچنان از مشکلاتی مانند مصرف بالای انرژی و مقیاس‌پذیری پایین رنج می‌برد. اتریوم ۲ که در ابتدای دسامبر ۲۰۲۰ عملیاتی شد، سعی کرد که مشکلات پیشین اتریوم را برطرف نموده و زمینه را برای به کارگیری هوش مصنوعی در اتریوم آماده کند (Wu, and et. al, 2023, p.149).

اتریوم ۲

مهم‌ترین تغییر در اتریوم ۲، ایجاد یک بلاک‌چین مرکزی برای هماهنگی در ثبت بلاک‌هاست. این بلاک‌چین مرکزی که بیکن چین (Beacon Chain) نام دارد، موجب جایگزینی اثبات سهام با اثبات کار گردیده است و به عنوان یک بلاک‌چین اجراکننده اثبات سهام در کنار زنجیره متشکل از بلاک‌های حاوی تراکنش‌ها طراحی شده است.

این بلاک‌چین مرکزی، نقش هماهنگ‌کننده بین گره‌ها را ایفا می‌کند و مسئولیت آن اختصاص نقش‌ها به هر اعتبارسنج، اطمینان از ایفای وظایف اعتبارسنجی و پاداش دادن به اعتبارسنجی‌کنندگان برای ایمن نگه داشتن شبکه است. بدین منظور، بیکن چین میزان سهام اعتبارسنج‌ها را مدیریت می‌کند و شرایط لازم برای نظارت بر فرایند اعتبارسنجی را حفظ می‌کند؛ همچنین سوابق وضعیت جهانی و تراکنش‌های مربوط به انتقال حالت را ذخیره می‌کند (Wu, and et. al, 2023, p.90). بنابراین الگوریتم اجماع در اتریوم ۲، توسط بیکن چین مدیریت و عملیاتی می‌شود.

الگوریتم اجماع اتریوم (Casper FFG)

یکی از مشکلات الگوریتم اجماع اثبات سهام از نظر تئوری این است که رأی‌دهندگان هیچ خطری را متحمل نمی‌شوند؛ زیرا اعتبارسنج‌ها در مورد یک انشعاب موقت، بالقوه می‌توانند در هر دو زنجیره محتمل رأی دهند و فارغ از صحت و سقم رأی دادن خود، پاداش بگیرند. این سبب می‌شود که نهایی شدن یکی از دو زنجیره انشعاب غیرممکن شود. برای پیشگیری از این مشکل، اتریوم یک ابزار نهایی‌سازی را پیاده‌سازی کرد (Wu, Xun and et. al, 2023, p.84).

نهایت در کسپر

ابزار نهایت یک مکانیزمی است که برای اطمینان از اینکه بلاک‌ها قابل برگشت نیستند، به کار می‌رود. این مکانیزم از الگوریتم PBFT الهام گرفته است. PBFT یا Practical Byzantine Fault Tolerance با الهام از مسئله ژنرال‌های بی‌باز اعتماد طراحی شده است و هدف آن این است که در یک شبکه حاوی گره‌های صادق و خائن، بتوان یک توافق راجع به یک مقدار یا یک عمل را ایجاد کرد (Buterin & et. al, 2020). نهایت به صورت دو مرحله‌ای عمل می‌کند؛ ابتدا یک دور رأی‌گیری برای تعیین رئیس زنجیره بیکن صورت می‌گیرد و سپس دور دوم رأی‌گیری برای تعیین نقاط بازرسی انجام می‌شود. در مرحله اول، ابتدا گره‌هایی که تمایل دارند در فرایند تشکیل بلاک فعال باشند، باید حداقل ۳۲ اتر را در حساب خود مسدود کنند و نرم‌افزار اعتبارسنج را اجرا کنند (Schwarz, Colin, 2019).

در مرحله دوم نیز اتریوم از الگوریتم اجماع اثبات سهام برای تأیید بلاک‌های خاصی به نام نقطه بازرسی بهره می‌برد. ایجاد یک نقطه بازرسی به معنای غیرقابل تغییر شدن بلاک‌های پیش از آن می‌باشد. اگر یک نقطه بازرسی بتواند بیش از دو سوم تعداد اعتبارسنج‌ها از آنها رأی مثبت بگیرد، به عنوان یک نقطه بازرسی معتبر شناخته می‌شود و تمام بلوک‌های قبل از آن نیز نهایی می‌شوند (Chiu, juin, 2019).

از مهم‌ترین تفاوت‌های اثبات سهام کسپر با مدل‌های سنتی اثبات سهام، در نظر گرفتن پاداش و جریمه برای اعتبارسنج‌ها حسب عملکرد هریک از آنهاست. اعتبارسنج‌ها اگر بلوک‌های معتبر را پیشنهاد و تأیید کنند، پاداش دریافت می‌کنند، اما اگر بلوک‌های نامعتبر را پیشنهاد و تأیید کنند، از شبکه قطع شوند، یا رفتار اشتباهی داشته باشند، جریمه پرداخت می‌کنند (Buterin & et.al, 2020).

ثبات تراکنش‌ها در بلاک و اتصال بلاک‌ها به یکدیگر

بلاک یک ساختار داده‌ای است که برای نگهداری مجموعه‌ای از تراکنش‌ها استفاده می‌شود و به تمام گره‌های شبکه توزیع می‌گردد (Balamurugan et al, 2023, p.77).

این ساختار داده از دو بخش بدنه و سرآیند تشکیل شده است. در بخش بدنه تراکنش‌ها ذخیره می‌شوند، ولی بخشی که سبب تغییرناپذیری بلاک می‌شود، سرآیند است. تغییر الگوریتم اجماع در اتریوم ۲ منجر به تغییر سرآیند بلاک‌های اتریوم نیز گردیده است. تغییراتی نظیر حذف فیلدهای مربوط به ماینینگ و جایگزینی فیلدهای اعتبارسنجی (Sharples, 2024) و نیز فیلد برخی بلاک‌های خاص که در اتریوم ۱ وجود داشت، در سرآیند اتریوم ۲ حذف شدند (Takeuchi, 2019)؛ همچنین فیلدهای مربوط به لایه اجماع اثبات سهام در سرآیند بلاک اتریوم ۲ اضافه شده‌اند (Sharples, 2024).

در اتریوم ۲، هر بلاک می‌تواند چندین بلاک فرزند داشته باشد، اما فقط یکی از این بلوک‌ها به عنوان بلاک معتبر انتخاب می‌شود و بقیه به عنوان بلوک‌های شاخه‌ای شناخته می‌شوند. تنها بلاکی از میان بلاک‌های فرزند معتبر است که بیشترین رأی مثبت را از اعتبارسنج‌ها دریافت کرده باشد (Smith, 2024).

انتخاب شاخه در کسپر

قاعده انتخاب شاخه یک مکانیزمی است که بیکن چین برای انتخاب بلاک معتبر از بین بلوک‌های رقیب، به کار می‌برد. این مکانیزم از الگوریتم LMD GHOST استفاده می‌کند. الگوریتم مزبور با بهره‌برداری از معیاری به نام وزن رأی (Vote Weight) نشان می‌دهد که چه تعداد از اعتبارسنج‌ها برای یک بلاک رأی مثبت داده‌اند. بلوکی که بیشترین وزن رأی را داشته باشد، به عنوان بلاک معتبر شناخته می‌شود (Buterin, & et.al, 2020).

برای رسیدن به اجماع، کسپر اف جی از این دو بخش به صورت هم‌زمان استفاده می‌کند. این یعنی هر بلوکی که پیشنهاد شده است، باید هم توسط ابزار نهاییت نهایی شود و هم توسط قاعده انتخاب شاخه انتخاب شود. این دو بخش با هم کار می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که بلوک‌های اتریوم ۲ همیشه به سمت یک شاخه مشخص پیش می‌روند و هیچ‌گاه تقسیم نمی‌شوند (Buterin & Griffith, 2019).

تأمین مالی غیرمتمرکز

اتریوم نه تنها به معرفی پول خصوصی خود یعنی اتر اقدام نمود، بلکه شبکه‌ای از تأمین مالی غیرمتمرکز که جایگزینی برای نظام مالی کنونی می‌تواند باشد را معرفی نمود. رکن اساسی این نظام تأمین مالی قراردادهای هوشمند هستند. این قراردادها توافقاتی خودکار هستند که منطق معامله و توافق و نیز کلیه قواعد رفتاری اطراف قرارداد را در شبکه تعریف می‌کند (عبداللهی و ذوقی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۹). کاربران به وسیله این قراردادها قادر می‌شوند که در فضای عدم اعتماد، قوانین دلخواه را برای هر نوع تراکنشی اعمال نمایند. بسیاری از قراردادهای سنتی را می‌توان به صورت هوشمند نگارش کرد (Campbell R. Harvey and et. al, p.14).

با بررسی اجمالی ساختار اتریوم ۲ مشخص شد که اتر، پاداشی است که به گره‌های منتخب، در ازای ثبت اطلاعات در بلاک توسط شبکه اعطا می‌شود و استخراج اتر تنها از این مسیر ممکن است؛ همچنین مشاهده شد که ثبت اطلاعات اتر و دریافت پاداش در ازای این امر، منشأ خلق اتر می‌باشد؛ همچنین دیدیم که استخراج و مبادله این رمزارز خارج از حوزه حاکمیت‌ها رخ می‌دهد و نظام تأمین مالی‌ای که معرفی می‌کند، به صورت کاملاً مستقل از حکومت‌ها فعالیت می‌کند. قهرأ ترویج شبکه اتریوم و نظائر آنکه بر پایه‌های فلسفی مشخصی بنا شده‌اند، می‌تواند به خروج پول و نظام مالی از حیطه حکمرانی دولت‌ها منجر شود و نظام‌های مالی بشری را تحت کنترل سرمایه‌گذاران عمده در عرصه رمزارزها که همان سرمایه‌داران بزرگ جهانی هستند درآورد. حال باید دید که آیا اتری که به شیوه مزبور ایجاد می‌گردد، دارای مالیت است؟

کنکاش در معنای مالیت

مال از مفاهیم عرفی است که توسط شارع مقدس استعمال شده و مانند سایر مفاهیم مورد استفاده در شریعت، ملاک در شناخت آن فهم عرف و برداشت عقلا از آن است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۹۹). ساده‌ترین راه برای داشتن یک استنباط اولیه از معنای مالیت، مراجعه به کتب اهل لغت است.

مال در لغت

کلمه «مال» از ریشه «م و ل» است (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۵۸؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۵۸؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۸۲۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۸۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۳۶-۳۵۶). فراهیدی دارایی‌های عرب را مرادف اموال آنها می‌داند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۴۴) مؤلف *المحیط فی اللغة*، مال را در نزد عرب به معنای شتر می‌داند (صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۵۸). طریحی در *مجمع البحرین* (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۷۵) و ابن‌اثیر در *نهایه* (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۷۳) معتقدند که مال در ابتدا برای مالکیت طلا و نقره استعمال شده است و اندک اندک بر هر چیزی از اموال خارجی که قابل تملک باشد، اطلاق شده است. در *القاموس المحيط* بیان شده که هر چیزی که مالک آن می‌شود، مال است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۱۸). بنا بر عبارت‌های فوق، مال در دیدگاه لغویین به اشیای ارزشمند اطلاق می‌شود که افراد تمایل دارند آنها را تحت سیطره و تملک خود درآورند. بارزترین این اشیا در نزد عرب، شتر، چهارپایان

و طلا و نقره بوده است. بنابراین مالیت متفرع بر معنای ارزش است و شناخت معنای مالیت در گرو شناخت معنای ارزش است. برای فهم بهتر از معنای ارزش باید تلاش کنیم تا استنباط عقلا از معنای ارزش را به‌دست آوریم. یکی از بهترین راه‌های شناخت مفهوم عقلایی ارزش، بررسی معنای ارزش در عرف‌های مختلف است. اگر بر اساس تتبع در عرف‌های عام و خاص، قدر مشترکی در میان آنها یافت گردد، می‌توان آن‌قدر مشترک را اساس معنای ارزش و معادل فهم عقلا از ارزش دانست؛ هرچند این معنای مشترک در عرف‌های خاص ممکن است به پیرایه‌هایی نیز آراسته شده باشد.

وجود اشتراک معنوی در معنای ارزش

این واژه در علوم بسیاری به کار رفته است و با بررسی استعمال آن در علوم می‌توان گفت که علی‌رغم وجود تفاوت‌های اندک، ارزش در تمامی این دانش‌ها به یک معنا به کار می‌رود. این دیدگاه مورد تأیید آیت‌الله مصباح یزدی نیز می‌باشد و ایشان معتقدند که ارزش در علوم مختلف مشترک معنوی است. آیت‌الله مصباح یزدی برای تبیین معنای ارزش در اخلاق از تحلیل ارزش در اقتصاد بحث خود را آغاز می‌کند و در نهایت معنای ارزش را یک کیفیت حاکم از رغبت درونی فرد معرفی می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۴).

بر این اساس باید معنای ارزش در علوم مختلف را همراه یکدیگر مورد بحث قرار داد تا بتوان به شناخت متقن از چیستی ارزش دست یافت. با توجه به اهتمام ویژه به مفهوم‌شناسی ارزش در دو علم اقتصاد و فلسفه اخلاق، مفهوم‌شناسی ارزش در این دو علم را به‌صورت گذرا بررسی می‌کنیم. البته راه برای تدقیق معنای ارزش با استعانت از علوم دیگر همچنان باز است.

ارزش در فلسفه اخلاق

در فلسفه اخلاق غرب، سه مینا برای ارزش اخلاق وجود دارد: مینای فضیلت‌گرایی (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱)، تکلیف‌گرایی و مینای نتیجه‌گرایی (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۴۵). از نظر تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی، باید به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال باشیم که چه عملی دارای ارزش اخلاقی است؟ اما فضیلت‌گرایی در پی این است که چه چیزی به انسان ارزش اخلاقی می‌دهد؟ (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱) نتیجه‌گرایان، ارزش اخلاقی را در خود اعمال و یا انگیزه فاعل آنها جست‌وجو نمی‌کنند، بلکه ارزش را در نتیجه اعمال نهفته می‌دانند. وظیفه‌گرایان می‌گویند تنها خود عمل می‌تواند سبب ارزش آن گردد و ارزش عمل ارتباط چندانی با پیامدهای آن ندارد، و فضیلت‌گرایان نیز ارزش کار را در عامل و نه عمل می‌بینند (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۴۶).

هرچند برخی غایت‌گرایی را به سه نظریه خودگرایی، دیگرگرایی و فایده‌گرایی یا همان مطلوبیت‌گرایی تقسیم نموده‌اند (عسگری یزدی و قنبریان، ۱۴۰۱)، اما حقیقت این است که فایده‌گرایی و خودگرایی در تقابل با یکدیگر قرار ندارند و نویسندگان نیز در همین مقاله به این مطلب اعتراف نموده‌اند. با توجه به نقدهای متعددی که به مکاتب فضیلت‌گرا، وظیفه‌گرا و غایت‌گرای دیگرگرا وارد است، مطلوبیت‌گرایی که نظریه مختار آیت‌الله مصباح یزدی است را اندکی بسط می‌دهیم.

مطلوبیت‌گرایی از دیرباز در میان مکاتب فلسفی مطرح بوده است. در میان فلاسفه بسیاری در این زمینه سخن رانده‌اند، اما تلاش وافر بنتهام در تبیین و توسعه این نظریه سبب شده است که وی دارای جایگاه خاصی در نظریه مطلوبیت‌گرایی گردد (Geoffrey Scarre, 1996, p.72).

او در کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاقی و قانونگذاری خود، دیدگاه فایده‌گرایی خود را به صورت مفصل شرح می‌دهد و اثبات می‌کند که چگونه این مبنای اخلاقی به تدوین قوانین منجر می‌گردد. بنتهام باور دارد که طبیعت بشر را تحت قدرت دو ارباب مقتدر لذت و الم قرار داده است، و لذت تنها چیزی است که بالذات خوب است و همه افعال و سیاست‌ها باید بر اساس این اصل سنجیده شوند (Bentham, 2000, p.14). فلاسفه اسلامی نیز دیدگاه‌هایی مشابه اندیشه مطلوبیت‌گرایی ابراز نموده‌اند. در این زمینه استاد شهید مطهری معتقد است که ارزش به معنای این است که وجود این شیء برای من نافع و مفید است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۷۵۹). اگر امور نافع را افزایش‌دهنده مطلوبیت فرد بدانیم، باید گفت که نظر ایشان نیز به همان دیدگاه مطلوبیت‌گرایی باز می‌گردد.

از نظر آیت‌الله مصباح یزدی ارزش اخلاقی بر چهار عنصر مطلوبیت، مطلوبیت انسانی که متناسب با کمال معنوی و روحی انسان باشد، اختیار و انتخاب آگاهانه و خردمندانه استوار است (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۹-۱۴۴). بر اساس این اندیشه ارزش که در فلسفه اخلاق اسلامی درباره امور مطلوب به کار می‌رود را می‌توان معادل مطلوبیت دانست (مصباح، ۱۳۹۸، ص ۴۳ و ۴۴).

اما با تأمل در کلام اهل بیت (ع) و متون دینی، می‌توان با عبور از مبانی تکلیف‌گرایی، غایت‌گرایی و مطلوبیت‌گرایی خودگرا، مبنایی به نام وظیفه‌گرایی مبتنی بر پیامد مطرح نمود. بر اساس این تفکر، هر کس در زندگی هدفی را برای خود معین می‌سازد و در راستای رسیدن به هدف خود، انتخاب‌های متعددی انجام می‌دهد. کلیه این انتخاب‌ها زمانی ارزشمند هستند که در راستای رساندن فرد به هدف خویش قرار داشته باشند. اهداف هر فرد در زندگی، بر اساس جهان‌بینی وی در حال تغییر است و انسانی که جهان را در عالم ماده منحصر نموده است، حداکثر رساندن لذت مادی را هدف خود می‌داند و هرچه مطلوبیت او را بیشینه کند، در نظر او ارزشمند است، اما انسانی که خود را بنده حقیقی خداوند می‌داند، تمامی اموری که وی را در مسیر بندگی یاری می‌رسانند ارزشمند می‌داند و اساساً این فرد خود را در برابر ذات پروردگار، صاحب اراده و اختیار نمی‌بیند که بخواهد مطلوبیت خود را افزایش دهد و ارزش را بر اساس مطلوبیت شخصی خود تعریف نماید.

نکته قابل توجه این است که وظیفه‌گرایی مبتنی بر پیامد، لزوماً در تضاد با نظریه مطلوبیت نیست، بلکه با ناقص دانستن نظریه مطلوبیت این سؤال را مطرح می‌کند که معیار مطلوبیت چیست؟ تمسک به عباراتی مبهم مانند لذت و رغبت نمی‌تواند از ابهام مفهوم مطلوبیت بکاهد، بلکه باید گفت هر چیز زمانی مطلوب است که انسان را در راه انجام وظیفه‌ای که برای رسیدن به هدف دارد، یاری نماید.

ارزش در اقتصاد

پس از بررسی ارزش در دیدگاه فلاسفه اخلاق غرب و فلاسفه اسلامی، لازم است که همین روند را در اقتصاد طی نماییم.

ارزش در اقتصاد متعارف

بحث ارزش و معیار سنجش قیمت یک کالا از دیر زمان مورد توجه علمای اقتصادی بوده است. به نظر می‌رسد آدام اسمیت اولین کسی است که بحث ارزش را به صورت مفصل مطرح نموده است (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۱۹). اقتصاددانان پس از اسمیت در بحث ارزش دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. عمده‌ترین دیدگاه‌های نظریه‌پردازان اقتصاد، در دو بخش قابل تقسیم‌بندی است:

۱. ارزش کار: مهم‌ترین طرفدار این نظریه را می‌توان آدام اسمیت دانست. پس از وی مارکس نیز کار را منشأ اصلی ارزش اشیا دانست. در اندیشه مارکس، ارزش یک کالا یا خدمت با مقدار کار ضروری برای تولید آن برابر است و تمام ارزش‌های اضافه، به بازدهی کار بستگی دارد (مدما و سیمونلز، ۱۳۸۴، ص ۵۶).
۲. مطلوبیت کالا: بر اساس این نظریه که توسط اقتصاددانان نئوکلاسیک پایه‌گذاری شده است، ارزش یک کالا بستگی به مطلوبیتی دارد که برای خریدار دارد. در این اندیشه، مطلوبیت یک مفهوم ذهنی و ذاتاً شخصی است که نمی‌توان آن را به صورت مستقیم اندازه‌گیری کرد و نیز مطلوبیت یک تابع نزولی از مقدار مصرف یک کالا است (West & Duignan, 2024).

ارزش در اقتصاد اسلامی

از نظر آیت‌الله مصباح یزدی، ارزش در اقتصاد اسلامی به معنای مطلوبیت آمده است و ارزش مصرفی و مبادله‌ای هر دو حول نظریه مطلوبیت شکل گرفته‌اند. شکل‌گیری ارزش مصرفی حول مطلوبیت، روشن است و اگر به‌درستی تأمل شود در ارزش مبادله نیز عنصر اصلی ارزش را مطلوبیت کالاها برای خریدار و فروشنده تشکیل می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۴). در دیدگاهی مشابه برخی محققان اقتصاد اسلامی معتقدند که در کاربردهای اقتصاددانان، تقارب زیادی بین ارزش و مطلوبیت وجود دارد؛ وقتی از ارزش مصرفی کالا یا خدمتی سخن گفته می‌شود، مطلوبیت و توانایی‌اش برای برطرف کردن نیازهای مورد نظر است. در این حالت ارزش به معنای مفید بودن و ارضای امیال آمده است (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۱). در عین حال وی معترف است که محوریت مطلوبیت در تعیین ارزش با ابهامات بسیاری مواجه است، لکن تقسیم ارزش به ارزش حقیقی و غیرحقیقی، راه را برای کنار گذاردن مطلوبیت‌هایی خودخواهانه و هلاک‌کننده می‌گشاید و معیار تقسیم مزبور را وحی و وجدان معرفی می‌نمایند (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۸).

تمسک به وحی و وجدان برای شناسایی ارزش، متضمن اعترافی ناخواسته بر ناکارآمدی معیار مطلوبیت در تعیین ارزش و اعتباربخشی به اموری غیر از مطلوبیت می‌باشد. معیار قرار دادن وحی در تعیین ارزش، درحقیقت بازگشت به نظریه وظیفه‌گرایی پیامدمحور می‌کند.

دیدگاه نهایی در مورد ارزش اقتصادی

نوع بشر همواره در حال تلاش برای یافتن حل مسائل و مشکلاتی است که در حیات خود با آنها مواجه است. در مواردی انسان می‌تواند با استفاده از منابع طبیعی و بدون نیاز به کمک گرفتن از دیگران مسائل خود را پاسخ گوید.

اما با توجه به ناتوانی انسان در برطرف کردن مستقل همه نیازهایش، وی ناگزیر در پی جلب مشارکت هموعان و استفاده از توانایی دیگران برآمده است. استفاده از نتایج زحمات دیگران، گاه بدون نیاز به پرداخت هرگونه پاداش صورت می‌گیرد و گاه فرد یاری‌کننده از اعطای نتیجه تلاش خود بدون دریافت عوض خودداری می‌کند. طبیعی است زمانی تقاضاکننده حاضر است در ازای دریافت کالا و یا خدمتی، اقدام به پرداخت عوض کند که بداند معوض را نمی‌توان به رایگان فراهم نمود و این کالا و خدمت توانایی پاسخ به نیاز وی را داراست. در عین حال خود پاداش نیز نباید شیء بی‌ارزشی باشد و فروشنده خدمت یا کالا باید بداند که می‌تواند از پاداش دریافتی در راستای رفع یکی از نیازهای خود بهره‌بردارد. به این ترتیب مفهوم ارزش بر پایه نیاز، علم به چگونگی رفع آن و محدودیت دسترسی به کالا یا خدمت مورد تقاضا، شکل می‌گیرد.

حال این ارزشمندی بر اساس هدفی که هریک از انسان‌ها در زندگی تعریف نموده است و نیازهایی که در راه رسیدن به هدف خود با آنها مواجه است، متغیر است. با توجه به اینکه انسان مسلمان وظیفه خود را اطاعت از حضرت حق تعریف نموده است، کلیه اموری که فرد را در این مسیر یاری می‌کند، ارزشمند محسوب می‌شود و او در صورت لزوم برای کسب آنها اقدام به پرداخت مابه‌ازای ارزشمندی می‌نماید. پس از روشن شدن مفهوم عرفی ارزش به تبیین معنای مالیت در دیدگاه فقها می‌پردازیم.

مالیت در نظر فقیهان

فقه‌های عظام چهار قید در تحقق مالیت ذکر نموده‌اند که با نگاه دقیق می‌توان این چهار قید را به دو بخش مالیت عرفی و شرعی تحلیل نمود. سه قید ابتدایی بیان‌کننده مفهوم عرفی مالیت هستند و قید چهارم، شمول معنای عرفی مزبور را دستخوش تغییر می‌نماید.

۱. مهم‌ترین رکنی که در کلام امام راحل * و قریب به اتفاق فقها مشاهده شد، وجود منفعت است.

(موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۳۲ و ۱۷۷؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۳۴۴؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۰۵؛ خوئی، بی‌تا - الف، ص ۳۹۳؛ بی‌تا - ب، ج ۱، ص ۱۱۱).

۲. دومین رکن که برای مالیت بیان شده است، وجود رغبت نوعیه و عامه عقلا است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۷؛ خوئی، بی‌تا - الف، ص ۳۹۴؛ بی‌تا - ب، ج ۷، ص ۲۷۷). این رکن و شرط محل اشکال و بحث بوده و بعضی از فقیهان آن را نپذیرفته و گفته‌اند که رغبت شخصی نیز برای صدق مالیت کفایت می‌کند و پاره‌ای از مثال‌ها را در این زمینه بیان فرموده‌اند (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳). به نظر می‌رسد در این موارد نیز شاهد وجود رغبت نوعی هستیم. نکته دیگر اینکه گاه عموم مردم به فایده شیئی علم ندارند و رغبتی نیز به آن کالا ندارند؛ در این صورت نمی‌توان افرادی که عالم به منفعت کالای مزبور هستند را از خرید آن کالا منع نمود. بنابراین باید گفت که رغبت در اینجا شأنی است و رغبت بالفعل ملاک نیست.

۳. رکن دیگری که امام راحل ره و دیگر فقهای عظام در مالیت ذکر می‌فرمایند، این است که افراد حاضرند در مقابل آن بذل عوض کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۷؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۷۱؛ بی‌تا - ب، ج ۲، ص ۴۲). این قید نشان‌دهنده کمیابی کالا و خدمت می‌تواند باشد؛ زیرا هوا و یا آب در کنار شط فرات، با وجود برخورداری از منفعت مورد رغبت عموم مردم، اما قابلیت دریافت عوض را ندارد.

بر اساس تحلیلی که از مفهوم ارزش ارائه شد، روشن شد که ارزش اقتصادی بر مدار «توانایی شیء بر پاسخ‌گویی به نیاز، علم به این توانایی و محدودیت کالا یا همان لزوم پرداخت پاداش» در حال گردش است و این امر رویه عمومی بشر و سیره قطعی عقلا محسوب می‌شود. منفعت گویای قید توانایی بر رفع نیاز است و رغبت گویای علم فرد به توانایی شیء در پاسخ به نیاز خود می‌باشد و قید سوم نیز گویای کمیابی کالا است. در نتیجه قیودی که پیش از این، از مفهوم ارزش اقتصادی استخراج شده است، در عبارت فقها نیز موجود هستند و باید گفت که این قیود تاکنون مفید ارزش عقلایی و اقتصادی بوده‌اند. حال به سراغ قید اخیر در کلام فقها که ایجادکننده مالیت فقهی است، می‌رویم.

۴. فقها در این بخش قید حلیت را به منافع می‌افزایند. امام راحل ره در توضیح منافع حلال که مقوم مالیت هستند می‌فرمایند: «اگر کالایی دارای منفعت حلال و حرام بود، با توجه به اینکه شارع انتفاعات حرام را ممنوع کرده است، این انتفاعات در جامعه اسلامی معدوم محسوب می‌شوند و کالا تنها به اعتبار منافع حلال مورد خرید و فروش واقع می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۳۳). بنابراین از نظر شارع تنها و تنها منافع حلال هستند که سبب حلیت مبادله می‌شوند و منافع حرام در حکم عدم هستند و کالایی که تنها منفعت حرام دارد، بدون منفعت است و فاقد مالیت محسوب می‌شود. این قید در کلام بزرگان دیگری نیز مطرح شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۹؛ نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰؛ ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۱۴۵؛ آقا ضیاء، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۱؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۵). بحث مهمی که می‌توان ذیل این قید مطرح کرد، صورتی است که عناوین حلال و حرام ذیل یک منفعت کالا با یکدیگر همراه می‌شوند و مفسده عنوان حرام بالاتر از مصلحت عنوان حلال است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان آن مفسده را در نظر نگرفت و کالا را به اعتبار مصلحت آن مبادله نمود.

به عنوان مثال گاه کالا مانند روغن نجس از جهت مصرف غذایی دارای منفعت حرام است و خوردن آن ممنوع می‌باشد و از سوی دیگر دارای منفعت روشنایی است و می‌توان از آن روغن برای روشن کردن اتاق بهره برد. طبیعی است که امکان نادیده گرفتن منفعت حرام در اینجا ممکن است، اما در جایی که هر دو عنوان ضرر و نفع از جهت واحد بر کالا حمل می‌شوند، این تفکیک بسیار دشوار است.

هر کالا یا خدمتی که فرد معتقد است که می‌تواند از آنها در پاسخ به نیازی مادی یا معنوی که راستای انجام وظایف بندگی قرار دارد، بهره‌برداری کند، مال مشروع محسوب می‌شود و در صورت تراحم بین مصالح و مفاصد در منفعت اصلی کالا باید همانند باب تراحم اقواییت ملاک را معیار قرار داد. اگر عنوان حرام از مواردی است که شارع به هیچ عنوان

راضی به تحقق آن نیست، مفسده این کالا بر منفعت آن ترجیح دارد. بر اساس این استدلال نمی‌توان مصلحتی مانند تسهیل مبادله را در کنار تضعیف نظام و یا قتل نفس محترم قرار داد و با در نظر نگرفتن منفعت حرام، به صرف تسهیل مبادله حکم به مالیت شیء نمود؛ خصوصاً در جایی که تمامی مصالح و مفاسد از جهت واحد بر شیء حمل می‌شود.

تطبیق معیار مالیت بر اتر

در بحث موضوع‌شناسی اتر گفتیم که این رمزارز پاداشی است که در ازای ثبت اطلاعات و حفظ امنیت شبکه اتریوم به کاربران پرداخت می‌گردد؛ از این رو هم عمل ثبت اطلاعات در این شبکه باید مشروع باشد تا اتر دارای مالیت گردد و هم اینکه صرف‌نظر از محترم بودن عمل، باید خود اتر دارای مالیت باشد. بنابراین بحث مالیت اتر را در دو بعد ارزشمندی ثبت اطلاعات و ارزشمندی پاداش ثبت یعنی اتر پی می‌گیریم.

ارزشمندی ثبت اطلاعات در شبکه اتریوم

با توجه به مستحدث بودن موضوع باید با تتبع در فقه امامیه قراردادهایی که شارع از آنها الغای مالیت نموده است را بررسی نماییم و ببینیم آیا عنوان عام و یا مشابهی با ثبت اطلاعات در شبکه اتریوم در کلمات فقها می‌توان یافت یا خیر؟ با توجه به اینکه ثبت اطلاعات و حفظ امنیت شبکه امری ارزشمند است و در عین حال مفسده‌ای مانند تقویت شبکه‌های ازمیان‌برنده حاکمیت‌ها در میان است، باید امری را در کلمات فقها بباییم که از جهت واحد، مصلحت و مفسده به عمل نسبت داده شده باشند.

امام راحل^۱ در مکاسب محرمه (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق) به تبعیت از شیخ اعظم انصاری (۱۴۱۵ق) تجارت‌های غیرمجاز در شریعت اسلامی را در پنج عنوان بررسی نموده‌اند: اول، تجارت با اعیان نجس؛ دوم، تجارت با چیزهای که منافع حلال و حرام دارند، اما برای استفاده در منفعت حرام خرید و فروش می‌شوند؛ سوم، اشیایی که منفعت عقلایی ندارند؛ چهارم، کسب درآمد با کارهای حرام مانند غیبت همراه است و در مورد پنجم نیز اکتساب از طریق واجبات را بررسی نموده‌اند. به نظر می‌رسد، ثبت اطلاعات از موارد اول، سوم، چهارم و پنجم خارج است و تنها موردی که می‌تواند استفاده از اتر را شامل گردد، بخش دوم است. امام راحل^۲ در این بحث، فروش سلاح به دشمنان دین را مطرح می‌کند که عنوانی مشابه با بحث اتر است. مصلحت موجود در اسلحه و ابزار دفاعی بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما اگر این مصلحت از جهت کاربرد نظامی با عنوان دیگری مانند تقویت کفار همراه شود، آیا می‌توان حکم به نادیده گرفتن مصلحت نمود؟

پس از یافتن فرع مشابه، برای نزدیک شدن به حکم باید به روایات امامیه و کلمات فقها در این فرع بپردازیم. در عنوان مزبور، سه دسته روایات وجود دارد: منع مطلق، جواز مطلق و تفصیل به صورت وجود جنگ و عدم وجود جنگ (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۳ و ۱۰۱). در نگاه ابتدایی می‌توان روایات مطلق را حمل بر تفصیل نمود، اما شهید اول در این باره قائل به منع به صورت مطلق هستند و دلیل کلام ایشان نیز ادله متعددی است که به تقویت دائمی مسلمانان مقابل کفار اشاره کرده و از یاری کفار نهی کرده است. این ادله قاعده عامی در اختیار انسان قرار می‌دهد

که تقویت کفر هیچ‌گاه جاذب نیست (شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۵۲). بنابراین روایات نهی مطلق را باید پذیرفت، مگر اینکه بخواهیم ظالمی را به دست ظالم دیگر ناپود کنیم و بدانیم اسلحه‌هایی که در اختیار یکی از طرفین قرار می‌دهیم، بعدها تهدیدی بر علیه امت اسلامی نخواهند بود.

حال که مغوضیت مطلق را استنباط کردیم، باید ببینیم که اینجا حرمت تکلیفی وجود دارد و یا حرمت وضعی است. برخی فقها در این زمینه صرفاً حکم به حرمت تکلیفی نموده‌اند (خوئی، بی‌تا - ب، ج ۱، ص ۱۸۶؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۵۲)، اما گروهی دیگر از فقهای عظام (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۲۱۰؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۲۲؛ حائری، بی‌تا، ص ۲۹۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴۶؛ نجفی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲) معتقدند که در اینجا حرمت وضعی وجود دارد و نهی شارع نشان‌دهنده عدم صحت بیع است. بر اساس استدلالاتی که پیش از این مطرح شد، می‌توان این نظر را بر نظرات دیگر بزرگان ترجیح داد؛ زیرا معیار ارزشمندی را کمک به انجام وظیفه دانستیم. نتیجه یک قرارداد و عمل مبتنی بر آن زمانی محترم است که آن عمل به لحاظ جمیع منافع و مضار آن سنجیده شود که آیا به‌صورت کلی این امر می‌تواند انسان را در مسیر بندگی خداوند یاری نماید یا در جهت عکس این امر عمل می‌کند؟

دیدگاه فقهی امام راحل *

نگاهی که امام راحل ره به این بحث دارند، کاملاً عقلی است. معظم‌له ملاک در حرمت فروش سلاح را مصلحت امت اسلامی و شیعیان می‌دانند که در هر عصری توسط حاکمیت‌ها تشخیص داده می‌شود و هیچ‌یک از عناوین مشرک و کافر و مخالف نیز دارای خصوصیت نمی‌باشند؛ چه بسا مصلحت حفظ جان مسلمانان و یا شیعیان اقتضا کند که به گروهی از کفار، حتی به‌صورت رایگان اسلحه داده شود. نکته قابل توجه این است که در زمان حاکمیت مستقل شیعیان بر یک مملکت، تجارت سلاح با کسانی که ولو در بلندمدت احتمال از میان بردن مذهب و یا حاکمیت شیعیان توسط آنها می‌رود، از موارد منع می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲۹ و ۲۲۸). در نهایت حضرت امام ره کلیه روایات را به همین بحث عقلی یعنی حفظ جان و مال شیعیان و مسلمانان بازگشت می‌دهند و در موارد عدم مصلحت، ایشان حکم به بطلان بیع می‌فرمایند (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۲۲۹). با توجه به عقلی بودن نگاه امام راحل ره در این زمینه، معظم‌له از بحث تجارت اسلحه الغای خصوصیت نموده‌اند و هر آنچه که موجب تقویت کفار - ولو در بلندمدت - بر علیه جامعه اسلامی می‌شود را ممنوع دانسته‌اند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۶). بنابراین حتی اگر ممنوعیت به دلیل عناوین ثانوی محقق شده باشد، باید انتقال مالیت بر اساس آن را ملغی اعلام نمود. این دیدگاه با دیدگاه تحقیق که بر اساس نظر شهید اول شکل گرفت و تقویت کفر را مطلقاً ممنوع دانست، کاملاً بر هم منطبق است. در نتیجه از نظر معظم‌له نیز انجام اموری مانند ثبت اطلاعات در شبکه‌هایی که حاکمیت شیعه را دچار مخاطره می‌کنند، محترم نمی‌باشد.

مالیت پاداش شبکه (اتر)

در بحث ارزش کوین اتر نیز باید مجموع مصالح و مفاسد را در یک کالا لحاظ نمود تا بتوان حکم به حلیت و یا حرمت منفعت آن نماییم. شیوه‌ای که به فرموده فقها و بر اساس آیه ۲۱۹ سوره مبارکه «بقره» خداوند در حکم به ممنوعیت خمر اتخاذ فرموده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶، ص ۴۴۶؛ کاظمی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۴۴). آیه شریفه تصریح به منافع خمر، به دلیل مضرات بیشتر خمر حکم حرمت استفاده و در نتیجه الغای مالیت را بر خمر صادر فرموده است. به تعبیر دقیق‌تر باید گفت در این موارد چون مصلحت و مفسده تزامنی دارند، هریک که اقوی باشد، ملاک قرار می‌گیرد و تعیین‌کننده حکم خواهد بود (شیرازی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۳۵). در نتیجه با صرف‌نظر از عدم ارزشمندی ثبت اطلاعات در این شبکه، باید گفت که عنوان حلیت یعنی وجود منفعت حلال می‌تواند تحت تأثیر مفسده عظیم‌تر قرار گیرد و معدوم فرض شود.

حال باید دید که اتر از چه فواید و مضراتی برخوردار است. آیا مجموع این فواید و مضرات پس از کسر و انکسار می‌تواند به گونه‌ای باشد که اتر را برطرف‌کننده نیاز مشروع انسان بدانیم؟

در تعریف پول بر اساس وظائف، پول را وسیله مبادله، واحد شمارش و ذخیره ارزش می‌دانند (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۱۵). امروزه اتر وسیله ذخیره ارزش و سنجش ارزش است و می‌توان به عنوان وسیله مبادله از آن استفاده کرد و تمامی این کارکردها را بدون نیاز به نهادهای دیگر انجام می‌دهد؛ از این رو اتر به عنوان وسیله تسهیل‌کننده مبادله می‌تواند کارکرد پول را داشته باشد.

بنابراین اتر اقتضای مالیت را دارا می‌باشد؛ زیرا پول از مواردی است که عقلاً برای انجام نیازهای روزمره خود بدان محتاج هستند، اما بنا بر مبنای تحقیق باید تمامی منافع و مضرات شیء را سنجید و سپس حکم به مالیت و عدم مالیت شیء نمود و به صرف وجود مقتضی نمی‌توان شیء را دارای مالیت قلمداد نمود. مسئله اساسی در اتر و رمزارزهای مشابه، تضعیف حاکمیت اقتصادی دولت‌ها و خروج نظام مالی از حیطه حکمرانی آنهاست. علاوه بر اینکه خروج پول از سیطره دولت‌ها سبب تضعیف آنها حتی در ابعاد امنیتی و مبارزه با جرائم می‌گردد.

دیدگاه فقهی امام راحلؑ

این نظر فقهی را با توجه به مطلبی که از امام راحلؑ در بحث تجارت اسلحه مطرح کردیم و نیز فتوای ایشان در عدم مالیت هرویین (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۵ و ۳۶)، می‌توان به ایشان نیز منتسب نمود؛ خصوصاً که ایشان با نگاهی دوراندیشانه مصلحت بلندمدت جامعه اسلامی را مدنظر قرار دادند و تنها به مصلحت کوتاه‌مدت جامعه اسلامی اکتفا نکردند. اتر و رمزارزهای مشابه آن، شاید در کوتاه‌مدت آسیبی به حاکمیت جوامع اسلامی نرسانند، اما در میان‌مدت و بلندمدت سبب تضعیف و حتی از میان رفتن آنها می‌گردند و منفعت حلال این رمزارز مورد خدشه است و فاقد مالیت محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

ارزش در عرف بر اساس اهداف افراد مختلف در زندگی آنها دچار تغییر می گردد، اما تمامی انسان ها اموری را ارزشمند می دانند که آنها را در راه انجام وظایف برای رسیدن به هدف یاری می کنند. در امور اقتصادی، معیارهای شناخت ارزش اقتصادی، از سوی عرف تبیین شده و به تأیید شارع مقدس نیز رسیده است؛ هرچند در برخی موارد این شناخت عرفی توسط شارع تخطئه شده است. پذیرش مالیت اتر مبتنی بر محترم بودن عمل ثبت اطلاعات در شبکه اتریوم است که مورد خدشه قرار گرفت و با چشم پوشی از این مشکل، مالیت خود اتر نیز با چالش روبه رو است؛ زیرا با وجود تطبیق معیارهای عرفی مالیت بر اتر - یعنی وجود منفعتی که مورد رغبت عقلا باشد و افراد حاضر باشند در ازای آن بذل پاداش کنند - اما حلال بودن این منفعت به دلیل تراجم مصلحت شخصی مزبور با مفسده نوعی جامعه اسلامی در جهت واحده که همان پول بودن این رمزارز است مورد تردید جدی قرار دارد. به تعبیر دیگر اتر با لحاظ کلیه سود و زیان های مترتب بر آن، قابلیت کمک رسانی به انسان مسلمان در مسیر بندگی خداوند و ادامه حیات طویه را ندارد. این مسائل در اتریوم با گستردگی امکانات و قابلیت حذف بسیاری از نهادهای حاکمیتی بسیار بیشتر از دیگر رمزارزها از جمله بیت کوین است. لازم به ذکر است که این چالش در تمامی رمزارزهای مبتنی بر بلاک چین های عمومی وجود دارد و برخی از بلاک چین های خصوصی نیز دچار این دو معضل هستند.

چالش دیگر مالیت اتر، تسلط اطلاعاتی امریکا بر مبادلات اتر است که سیطره این کشور را بر مبادلات مالی جهانی حفظ می کند. در این بعد نیز می گوییم که رمزارز اتر که از توابع رمزنگاری مورد تأیید NIST بهره می برد، به دلیل وجود درب پستی که در آنها وجود دارد، دارای مضرات فوق می باشد و ضرر استفاده از این نوع رمزارز بسیار بیشتر از نفع شخصی برای عده ای از افراد جامعه است، و در نتیجه نمی توان استفاده از اتر را مشروع دانست، مگر اینکه کاربر با بررسی کتابخانه ها و تمامی پیاده سازی های مرتبط اطمینان حاصل کند، خدمتی که از شبکه جهانی اتریوم دریافت می کند، تنها با کمک توابع رمزنگاری Keccak-256 ایجاد شده است. علاوه بر اینکه دو چالش اولیه، یعنی ارزشمند نبودن عملی که به سبب آن اتر پاداش داده می شود و غلبه منفعت حرام در اتر، در تمامی موارد اتر و بلکه تمامی بلاک چین های عمومی به قوت خود باقی هستند؛ از این رو اتر را نمی توان دارای مالیت شرعی قلمداد نمود.

با توجه به اهمیت بحث مالیت در مباحث فقهی پیشنهاد می شود تحقیقات گوناگونی در زمینه مالیت رمزارزها صورت پذیرد و مباحث چالشی در این حوزه، خصوصاً تأثیر رمزارزها بر حاکمیت دولت ها از جوانب مختلف مورد تحقیق بیشتری قرار گیرد. باید توجه داشت که گوناگونی ساختار و عملکرد رمزارزها اقتضا می کند که هریک از دسته های مختلف رمزارزها جداگانه مورد تحقیق واقع شوند؛ همچنین با توجه به تفاوت های تقنینی این عرصه در میان کشورهای جهان، لازم است نتایج مطالعات فوق با مشاهدات کمی و تجربی در کشورهای مختلف صحت سنجی گردد.

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیمی، سعید (۱۳۹۸). *اشتغال مطلوب در اقتصاد مقاومتی و راهبردهای تحقق آن در استان قم*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. قم: اسماعیلیان.
- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۷ق). *السرائر*. قم: اسلامی.
- ابن درید، محمد (۱۹۹۸م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). *الحلائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: اسلامی.
- تاپ اسکات، دان و تاپ اسکات، الکس (۱۳۹۹). *انقلاب بلاک چین*. ترجمه مازیار معتمدی. تهران: راه پرداخت.
- تبریزی، جواد (۱۴۱۶ق). *ارشاد الطالب إلى التعليق على المکاسب*. قم: اسماعیلیان.
- توکل، محمدجواد (۱۳۹۸). *مبانی فلسفی و روش شناسی اقتصاد*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵). *رهافتها و ره آوردها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حائری، سیدمحمدمحمدجواد (بی تا). *کتاب المناهل*. قم: آل البيت (ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البيت (ع).
- حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد (۱۴۱۹ق). *مفتاح الکرامه*. قم: اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: آل البيت (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع) قدس سره (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۲ق). *استفتاءات*. قم: اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*. قم: دار العلم.
- خواجهی، اصغر و قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۴۰۱). *ماهیت فقهی و حقوقی رمزارز اتریوم (اتر)*. معرفت/اقتصاد اسلامی، ۱۳(۲)، ۱۶۷-۱۸۲.
- خواجهی، محمداسماعیل بن حسین (۱۴۱۱ق). *الرسائل الفقهیه*. قم: دار الکتاب الإسلامی.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*. قم: بی نا.
- خوئی، سیدابوالقاسم (بی تا - الف). *المستند فی شرح العروة الوثقی (الاجاره)*. بی جا: بی نا.
- خوئی، سیدابوالقاسم (بی تا - ب). *مصباح الفقاهه*. نگارش محمدعلی توحیدی. بی جا: بی نا.
- داودی، پرویز و مصصامی، حسین (۱۳۸۸). *اقتصاد پول و بانکداری*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ژید، شارل و ریست، شارل (۱۳۷۰). *تاریخ عقاید*. ترجمه کریم سنجابی. تهران: دانشگاه تهران.
- شیرازی زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۳۰ق). *موسوعة الشهدی الأول*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الكتب.
- طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۴۱۳ق). *عمدة الطالب فی التعلیق علی المکاسب*. قم: کتابفروشی محلاتی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط*. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- عبداللهی، علی و ذوقی، سجاد (۱۴۰۰). *تجاری سازی بلاک چین*. تهران: بورس.
- عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۴ق). *شرح تبصرة المتعلمین*. قم: اسلامی.
- عسگری یزدی، علی و قنبریان، علی (۱۴۰۱). تبیین و تحلیل انواع نظریات غایت‌انگاران: خودگرایی، دیگرگرایی و همه‌گرایی. *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۵۸، ۱۵۱-۱۵۸.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶). *فلسفه اخلاق*. ترجمه هادی صادقی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- فروزان، بهروز (۱۳۹۵). *رمزنگاری و امنیت شبکه*. ترجمه احد درفشی چارطاق. بی‌جا: مرتضی دشت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). *القاموس المحيط*. بیروت: دار الكتب العلمية.
- قادرمرزی، امید (۱۳۹۸). *رمزنگاری RSA بر پایه پردازش موازی*. تهران: آفتاب گیتی.
- کاظمی، جواد بن سعد (بی‌تا). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*. بی‌جا، بی‌نا.
- مدما، استیون و سیمونلر، وارن (۱۳۸۴). *تاریخ اندیشه اقتصادی*. ترجمه محمدحسین وقار. تهران: نی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹). *فلسفه اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصباح، مجتبی (۱۳۹۸). *فلسفه اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). *دراسات فی المکاسب*. قم: تفکر.
- نائینی، میرزاحمدحسین (۱۳۷۳ق). *منیة الطالب*. تهران: المكتبة المحمدية.
- نائینی، میرزاحمدحسین (۱۴۱۳ق). *المکاسب و البیع*. قم: اسلامی.
- نجفی، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). *أنوار الفقاهه*. نجف: کاشف الغطاء.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، مولی احمد (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعه*. قم: آل البیت (ع).
- نوابپور، علیرضا (۱۴۰۰). *دارایی دیجیتال، آشنایی با دفترکل توزیع‌شده، توکن و رمازر دیجیتال بانک مرکزی*. تهران: راه پرداخت.
- وان لین وانگ، آریس (۱۴۰۱). *اقتصاد کریپتو*. ترجمه علیرضا نوابپور و محمدرضا قدوسی. تهران: راه پرداخت.
- هایک، فردریش آگوست (۱۳۹۰). *راه بردگی*. ترجمه فریدون تفضلی و حمید یاداش. تهران: نگاه معاصر.
- Amic, Shawn (2021). *Bitcoin And The Philosophy Of Free Choice*, <https://bitcoinmagazine.com/culture/bitcoin-and-philosophy-of-free-choice>
- Andreas M. Antonopoulos, Gavin Wood (2018). *Mastering Ethereum: Building Smart Contracts and DApps*. O'Reilly Media: Sebastopol.

- Antonopoulos, Andreas M. (2017). *Mastering Bitcoin Programming the Open Blockchain*. Sebastopol: O'Reilly Media.
- Atzori, Marcella (2015). *Blockchain Technology and Decentralized Governance: Is the State Still Necessary?* From https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2709713.
- Balamurugan, B. & Poongodi, T. & Manu, M. R. & Karthikeyan, S. & Sharma, Yogesh (2023). *Convergence of Blockchain. AI and IoT A Digital Platform*. London: CRC Press.
- Bashir, Imran (2018). *Mastering Blockchain*. second Edition. Birmingham: Packt.
- Bashir, Imran, (2020). *Mastering Blockchain*. Third Edition. Birmingham: Packt.
- Benos, Evangelos & Garratt, Rodney & Gurrola-Perez, Pedro (2017). *The economics of distributed ledger technology for securities settlement*, from https://www.researchgate.net/publication/323979798_The_Economics_of_Distributed_Ledger_Technology_for_Securities_Settlement.
- Bentham, Jeremy (2000). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. Batoche Books: Kitchener.
- Berg, Chris & Et.al (2019). *Understanding the Blockchain Economy*, Edward Elgar, Cheltenham.
- Buterin, Vitalik , 2014, *white paper, A next-generation smart contract and decentralized application platform*, from <https://scholar.google.co.kr/citations?view>.
- Buterin, Vitalik& et.al (2020). *Combining GHOST and Casper*, <https://arxiv.org/pdf/2003.03052>
- Buterin, Vitalik& Griffith, Virgil (2019). *Casper the Friendly Finality Gadget* <https://arxiv.org/abs/1710.09437>.
- Campbell R. Harvey and et. al (2021). *DeFi and the Future of Finance*. New Jersey. Wiley.
- Chiu, juin (2019). *Casper FFG, Consensus Protocol for the Realization of Proof-of-Stake* <https://medium.com/unitychain>
- Vestergaard, Cindy (2021). *Blockchain for International Security The Potential of Distributed Ledger Technology for Nonproliferation and Export Controls*. Berlin: Springer.
- Glaser, Florian (2017). *Pervasive Decentralisation of Digital Infrastructures, A Framework for Blockchain enabled System and Use Case Analysis*, Frankfurt from <https://www.semanticscholar.org/paper/Pervasive-Decentralisation-of-Digital-A-Framework-Glaser/859d0535e16095f274df4d69df54954b21258a13>
- May, Timothy (1988). *The Crypto Anarchist Manifesto*. From <https://groups.csail.mit.edu/mac/classes/6.805/articles/crypto/cypherpunks/may-crypto-manifesto.html>.
- Nakamoto, Satoshi (2008). *Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System*, from <https://bitcoin.org/bitcoin.pdf>.
- Pinna, Andrea & Ruttenberg, Wiebe (2016). *Distributed ledger technologies in securities post-trading. Revolution or evolution?* Frankfurt, European Central Bank, European Central Bank. From www.ecb.europa.eu/pub/pdf/scpops/ecbop172.en.pdf.

- Rauchs, Michel & Glidden, Andrew & Gordon, Brian & Pieters, Gina & Recanatini, Martino & Rostand, François & Vagneur, Kathryn & Zhang, Bryan (2018). *DISTRIBUTED LEDGER TECHNOLOGY SYSTEMS A Conceptual Framework*, Lo Cambridge University Pressndon, from <https://www.jbs.cam.ac.uk/wp-content/uploads/2020/08/2018-10-26-conceptualising-dlt-systems.pdf>.
- Ren, Wei & W. Beard, Randal (2008). *Distributed Consensus in Multi-vehicle Cooperative Control, Theory and Applications*. Berlin: Springer.
- Geoffrey, Scarre (1996). *Utilitarianism*, New York. Routledge.
- Schwarz, Colin (2019). *Ethereum 2.0 A Complete Guide. Casper and the Beacon Chain*. <https://medium.com/chainsafe-systems/ethereum-2-0-a-complete-guide-casper-and-the-beacon-chain-be95129fc6c1>
- Sharples, Jacob (2024). *Blocks*, <https://ethereum.org/en/developers/docs/blocks/>
- Smith, Corwin (2024). *Proof-of-stake*, <https://ethereum.org/en/developers/docs/consensus-mechanisms/pos/>
- Takeuchi, Eiki (2019). *Ethereum block structure explained*, <https://medium.com/@eiki1212/ethereum-block-structure-explained-1893bb226bd6>
- The Beacon Chain Ethereum 2.0 explainer you need to read first* from <https://ethos.dev/beacon-chain>
- Treiblmaier, Horst & Clohessy, Trevor (2020). *Blockchain and Distributed Ledger Technology Use Cases Applications and Lessons Learned*. Berlin: Springer.
- West, Henry & Duignan, Brian (2024). *utilitarianism* <https://www.britannica.com/topic/utilitarianism-philosophy>
- Xun (Brian) Wu and et. al (2023). *Learn Ethereum A practical guide to help developers set up and run decentralized applications with Ethereum 2.0*, BIRMINGHAM. Packt.

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/marefateeqtasadi.2025.5001369 20.1001.1.20422322.1403.15.2.7.1

The Impact of Uncertainty in the Payment of Islamic and Conventional Taxes on the Right and Left Tail of Income Decile Inequality in Iran

✉ **Reza Ashraf Ganjoei**  / Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran reza_ash@eco.usb.ac.ir

Amir Dadras-Moghadam / Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran amdadras@eco.usb.ac.ir

Abolhasan Barani / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, Law, and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran barani@theo.usb.ac.ir

Received: 2024/11/23 - **Accepted:** 2025/01/02

Abstract

Given their foundational religious and ethical underpinnings, Islamic taxes are expected to exert a more significant influence on income inequality than conventional taxes. Employing a fuzzy regression model within the GAMS software environment, this study investigates the impact of uncertainty in the payment of Islamic and conventional taxes on the right and left tails of income decile inequality in Iran over the period 1996–2020. In this context, “uncertainty” refers to tax evasion or avoidance. The findings suggest that promoting Islamic taxation relative to conventional systems can contribute to a reduction in income inequality among deciles. However, uncertainty in the payment of Islamic taxes—more so than conventional taxes—exacerbates inequality among higher-income deciles. This indicates that tax authorities currently lack sufficient instruments and mechanisms to incentivize and encourage tax compliance among upper-income groups.

Keywords: Income distribution; Islamic taxes; Conventional taxes; Uncertainty.

JEL Classification: H20, D31, H24.

بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر پهنای راست و چپ نابرابری دهک‌های درآمدی در ایران

رضا اشرف گنجویی  / استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
reza_ash@eco.usb.ac.ir

امیر دادرس‌مقدم / استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
amdadras@eco.usb.ac.ir

ابوالحسن بارانی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
barani@theo.usb.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

چکیده

مالیات‌های اسلامی با توجه به ویژگی‌ها و پشتوانه اعتقادی، تأثیر بیشتری نسبت به مالیات‌های متعارف بر نابرابری درآمد خواهند داشت. در این مقاله با استفاده از مدل رگرسیون فازی در محیط برنامه گمز به بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر پهنای راست و چپ نابرابری دهک‌های درآمدی در ایران برای دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۹ پرداخته شده است. منظور از عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های مذکور اجتناب و یا فرار مالیاتی است. نتیجه‌گیری کلی از مقایسه تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر نابرابری دهک‌های درآمدی این است که با رواج مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف می‌توان شدت نابرابری بین دهک‌های درآمدی را کاهش داد؛ همچنین عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات متعارف نابرابری بین دهک‌های بالای درآمدی را افزایش می‌دهد. این امر بیانگر آن است که نهادهای مربوط به دریافت مالیات، هنوز ابزارهای لازم برای افزایش انگیزه و تشویق این دهک‌ها را ندارند.

کلیدواژه‌ها: توزیع درآمد، مالیات‌های اسلامی، مالیات متعارف، عدم قطعیت.

طبقه‌بندی JEL: H24, H31, H20

مقدمه

مالیات‌های اسلامی از منابع اصلی درآمدی دولت اسلامی هستند و نقش مهمی در کاهش فقر و نابرابری درآمد دارند. هدف از تأسیس دولت اسلامی، تضمین خوشبختی در دنیا و آخرت است و دولت باید نظام مالیاتی مناسبی داشته باشد. امروزه مالیات‌ها برای درآمدزایی کشورها ضروری هستند. جمع‌آوری مالیات‌های دینی مثل خمس و زکات که در قرآن و احادیث واجب شمرده شده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. این مالیات‌ها به دلیل ویژگی‌های خاص خود، علاوه بر حفظ سادگی و بی‌طرفی، به برابری درآمدی نیز کمک می‌کند و می‌توانند در کاهش نابرابری نقش مهمی ایفا کنند. مالیات‌های دولتی هم به‌عنوان تکلیف حکومتی وجود دارند، اما تنوع و تعدد این مالیات‌ها که از گذشته به ارث رسیده‌اند، ممکن است برای دولت اسلامی جذاب نباشند. این تنوع می‌تواند بار اضافی بر دوش طبقات متوسط و فقیر بگذارد و همچنین راه را برای فرار مالیاتی ثروتمندان باز کند (دهقان نیری و قانع، ۱۴۰۱). نظام‌های مالیاتی متعارف که عمدتاً بر پایه درآمد افراد تنظیم شده‌اند، ابزار اصلی تأمین منابع مالی دولت‌ها برای ارائه خدمات عمومی و پروژه‌های زیرساختی هستند. با این حال، این نظام‌ها به ندرت موفق به توزیع مجدد عادلانه درآمدها در بین گروه‌های مختلف درآمدی می‌شوند. به‌طور کلی، نظام‌های مالیاتی متعارف قادر به رفع این نابرابری‌ها نیستند و در عمل، شکاف بین طبقات مختلف درآمدی را افزایش می‌دهند. این وضعیت، نه تنها به عدالت مالیاتی آسیب می‌زند؛ بلکه موجب بی‌اعتمادی عمومی به سیستم مالیاتی و کاهش همکاری جامعه در پرداخت مالیات می‌شود. نظام‌های مالیاتی متعارف نیازمند اصلاحات عمیق هستند تا بتوانند به‌طور مؤثر به توزیع عادلانه‌تر درآمد و کاهش نابرابری‌ها کمک کنند. استفاده از ابزارهای پیشرفته‌تر برای کشف و پیشگیری از فرار مالیاتی و همچنین طراحی نظام‌های مالیاتی که عدالت افقی و عمودی را در نظر می‌گیرند، می‌تواند به بهبود این وضعیت کمک کند (غفاری و دیگران، ۱۳۹۷).

نظام‌های مالیاتی ایران، با وجود داشتن یک نظام حقوقی پیشرفته، در توزیع مجدد درآمد موفقیت چندانی نداشته‌اند. این مسئله یکی از چالش‌های اساسی در اقتصاد ایران محسوب می‌شود که تأثیر آن بر نابرابری درآمدی بین دهک‌های مختلف درآمدی، نیازمند بررسی دقیق است. تمرکز اصلی این مطالعه بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی در ایران است. عدم قطعیت در زمینه‌های مختلف تأثیرگذار است و بر فرایندهای تصمیم‌گیری تأثیر عمیقی دارد. در اقتصاد، عدم قطعیت می‌تواند متغیرهای مختلف را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا پیش‌بینی معمولاً دشوار است. در علوم اجتماعی، این مفهوم مرتبط بر رفتار و انتخاب‌های انسانی است. در مطالعه حاضر از مفهوم عدم قطعیت استفاده شده است و بر مدل‌سازی عدم پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف تأکید دارد. به عبارت ساده‌تر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی (مثل خمس و زکات) را پرداخت کننده، اما از این امر اجتناب و فرار مالیاتی داشته باشند، چه مقدار بر نابرابری دهک‌های درآمدی تأثیرگذار خواهند بود. همین تحلیل برای افرادی که

از مالیات‌های متعارف سرپیچی می‌کنند یا فرار مالیاتی را انجام می‌دهند به کمک بحث عدم قطعیت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به‌منظور دستیابی به این هدف، از رگرسیون فازی برای هریک از دهک‌های درآمدی استفاده شده تا پهنای راست و چپ محاسبه شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: آیا عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف تأثیرات متفاوتی بر نابرابری درآمدی بین دهک‌های درآمدی در ایران خواهد گذاشت؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، ساختار مطالعه به این صورت تنظیم شده است: در بخش دوم مبانی نظری ارائه می‌شود که به بررسی نحوه تأثیرگذاری مالیات متعارف و مالیات اسلامی بر توزیع درآمد پرداخته می‌شود؛ در بخش‌های سوم، چهارم و پنجم به ترتیب پیشینه تحقیق، روش تحقیق و بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری تحقیق

مالیات‌های اسلامی و توزیع درآمد

یکی از مواردی که به توزیع درآمد در اقتصاد کمک می‌کند، توجه به ویژگی نقش مالیات‌های اسلامی در اقتصاد جهت بهبود در توزیع درآمد است. در نگرش اسلامی، نیازمندان در اموال ثروتمندان حق دارند و تأمین فقرا برای توانگران واجب کفایی است (میرمعزی، ۱۳۹۰). در نظام اسلامی درآمد انسان به مقدار کار وی بستگی دارد، اما چون انسان‌ها از لحاظ نیروی بدنی و فکری یکسان نیستند، درآمدهای آنها نیز مساوی نیست. این اختلاف درآمدها در اسلام برخلاف نظام سرمایه‌داری نمی‌تواند زیاد باشد؛ زیرا اسلام انباشت ثروت را محدود ساخته و راه را برای توزیع عادلانه درآمدها باز می‌کند؛ چون تمرکز زیاد ثروت، با ایجاد تضاد در جامعه، روح برادری را از بین می‌برد، از طرفی طبق نظریه‌های رشد، توزیع عادلانه درآمد در اول دوره رشد به ضرر رشد است (کمبجانی و عسکری، ۱۳۸۳). یکی از مواردی که به توزیع درآمد در اقتصاد کمک می‌کند، توجه به ویژگی نقش مالیات‌های اسلامی در اقتصاد جهت بهبود در توزیع درآمد است (غفاری و دیگران، ۱۳۹۷).

زکات، خمس و کفاره

زکات در اصطلاح شرعی به‌معنای وجوب پرداخت اندازه معینی از برخی اموال است که به حد نصابی خاص رسیده باشد. علت اینکه این واجب، زکات نامیده شده، امید به برکت یافتن مال، یا برای پاکیزه کردن نفس انسان است. از آنجاکه در قرآن زکات معنای عامی هم دارد، برای اشاره به زکات از واژه صدقه هم استفاده شده است. برای زکات واجب از اصطلاح صدقه واجب استفاده می‌شود تا از صدقه‌های مستحب متمایز شود. زکات از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی اسلام است. این واژه به همراه مشتقاتش در قرآن، ۵۹ مرتبه در ۲۹ سوره و ۵۶ آیه به کار رفته، که ۲۷ مورد در کنار نماز آمده است. از آیات مختلف قرآن از جمله آیه ۱۵۶ سوره اعراف، آیه ۳ سوره نمل، آیه ۴ سوره لقمان و آیه ۷ سوره فصلت که همه از سوره‌های مکی هستند، مشخص است که حکم وجوب زکات در مکه نازل شده است و مسلمانان موظف به انجام این وظیفه اسلامی بوده‌اند. زکات به نه چیز تعلق می‌گیرد:

گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو و گوسفند. اگر کسی مالک یکی از این موارد باشد، طبق شرایطی واجب است مقداری از آن را مطابق با آنچه در شریعت معین شده، پرداخت کند. برخی سرمایه را نیز به موارد فوق افزوده‌اند، اما بیشتر علمای شیعه پرداختن زکات سرمایه را مستحب می‌دانند (جاویدی و دیگران، ۱۳۹۸). جایگاه خمس در نظام اقتصادی اجتماعی اسلام، ویژه و قابل توجه است. در قرآن آمده است:

بدانید هرگونه غنیمتی به‌دست آورید، خمس آن برای خدا، برای پیامبر و برای ذی‌القربی، یتیمان، مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است. اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان) روز جنگ بدر نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی تواناست (انفال: ۴۱).

خمس در زمانی که سلطه شوم جباران، دست ائمه علیهم‌السلام را از حاکمیت و بیت‌المال مسلمانان کوتاه کرده بود، نقش مهمی را در بی‌نیازی و توانمندی اهل بیت علیهم‌السلام برای اداره و رهبری مردم، در شرایط دشوار مبارزه و تقیه ایفا کرد. امام رضا علیه‌السلام در روایتی، خمس را پشتوانه‌ای برای تبلیغ و تحکیم دین و منبعی برای تأمین نیازها، رسیدگی به شیعیان و دفع عداوت دشمنان، معرفی می‌کند. در زمان غیبت کبری (در اعصار متأخر) این ذخیره مالی عبادی، به‌گونه شگفت‌انگیزی توانست موجودیت و استقلال حوزه‌های علمی تشیع را (از نظر مالی) در برابر حکومت‌های جابر حفظ کند. شاید گراف نباشد بگوییم انقلاب اسلامی که سرچشمه آن روحانیت متعهد و حوزه‌های علمیه بود، تا حدود زیادی مرهون این اصل استقلال‌آفرین بوده است. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «آنچه خدای عالم از اسباب و راه‌های معیشت و زندگی مخلوقات در قرآن بیان فرموده، پنج چیز است که عبارت‌اند از: برای امارت و حکومت، عمران و آبادانی، اجاره، تجارت و صدقات، اما برای امارت و حکومت همان خمس است». بنابراین خمس در درجه اول مال خداست و باید در راه خدا به مصرف رسانده شده، در اختیار نظام حکومتی الهی یعنی مقام رسالت و امامت قرار گیرد (مدرسی، ۱۳۷۵). یکی از راه‌های توزیع درآمد و ثروت که بدون هزینه‌های اداری در جامعه اسلامی و بر اساس باورهای دینی انجام می‌شود، جریمه‌های مالی است که با پرداخت آن از یک‌سو نوعی آرامش و طهارت روحی برای فردی است که نتوانسته در شرایط تعریف‌شده، وظیفه عبادی خود را انجام دهد و از سوی دیگر موجب کمک به دهک‌های پایین درآمدی شده، آنها را برای عبادت و فعالیت اقتصادی یاری می‌دهد (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲). در قرآن می‌خوانیم:

چند روز معدودی را [باید روزه بدارید] و هرکس از شما بیمار یا مسافر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را [روزه دارد] و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست [همانند بیماران مزمن، پیرمردان و پیر زنان] لازم است کفاره بدهند، مسکینی را اطعام کنند. کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است (اسماعیلی، ۱۳۹۴).

مالیات‌های متعارف و توزیع درآمد

کوزنتس (۱۹۵۵) با بررسی اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد، پایه‌گذار بررسی اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد شد. گسترش ادبیات موضوع، به نقش دولت در این زمینه اشاره دارد. صادق (۱۹۸۹) ادعا می‌کند با اینکه توزیع درآمد به‌طور سنتی در مباحث اقتصاد خرد بررسی شده است، اما با مرور زمان، توزیع درآمد به‌طور گسترده‌ای

در مباحث اقتصاد کلان جای گرفته است. با گسترش دانش اقتصادی جوامع، مقایسه نسبت کاربرد واژه برابری و عدالت در مقابل واژه‌های مانند کارایی در مطالعات علمی جالب توجه است. رویکردهای نظری موجود درخصوص مالیات‌ها و توزیع درآمد، بر اهمیت نقش مالیات بر توزیع درآمد تأکید دارند. در ابتدا این رویکردها بر چگونگی انتقال بار مالیاتی و پرداخت‌کننده نهایی مالیات توجه داشتند، اما به تدریج بر چگونگی سیاست‌های بودجه‌ای دولت در تأمین حداقل شرایط زندگی متمرکز شدند. دولت‌ها از طریق وضع مالیات‌های مختلف سعی دارند تا در توزیع مجدد ثروت‌های اولیه دخالت کنند. کلاسیک‌ها توزیع عادلانه بار مالیاتی را بین طبقات مختلف مطرح نموده و کینزین‌ها به تقویت نظام رفاه اجتماعی تأکید دارند. سیاست‌های توزیع درآمد برای کینزین‌ها از اهمیت بیشتری نسبت به کلاسیک‌ها برخوردار است. نظریه کالاهای استحقاقی ماسگریو (۱۹۵۹) با تأکید بر نقش دولت در استفاده از ابزار مالیات و یارانه برای توزیع درآمد ارائه شده است. در خصوص نقش مالیات‌ها در توزیع درآمد، مالیات بر ثروت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و طرفداران برجسته‌ای داشته است. کالدور (۱۹۵۶) خواستار مالیات بر ثروت برای کشورهای در حال توسعه شد. الایز (۱۹۷۷) پیشنهاد داد که بیشتر مالیات‌های مستقیم را با ۲ درصد مالیات بر ثروت در فرانسه جایگزین کند و پیکتی (۲۰۱۴) مالیات بر ثروت جهانی را خواستار شد. پیکتی بیان می‌کند که راه حل کاهش نابرابری یک راه حل سیاسی است و باید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد. او برای مواجهه با این مشکل، پیشنهاد می‌کند یک مالیات جهانی (فراتر از مرزهای یک کشور) بر ثروت و ارث اعمال شود. به طور کلی، مالیات‌های مستقیم به دلیل تصاعدی بودن اجازه بازتوزیع بیشتری را می‌دهد (مهرآرا و اصفهانی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲).

پیشینه تحقیق

در این بخش مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در خصوص تأثیر مالیات اسلامی و متعارف بر توزیع درآمد را به طور مختصر شرح می‌دهیم.

مطالعات داخلی و خارجی

تقوی رفسنجانی (۱۴۰۲) به بررسی امکان‌سنجی و اثر اجرای قوانین مالیاتی حضرت علی علیه السلام بر ضریب جینی (مطالعه موردی ایران) پرداخته است. هدف این پژوهش بررسی امکان‌سنجی اجرایی شدن قوانین مالیاتی حضرت علی علیه السلام در ایران و اثر آن بر ضریب جینی می‌باشد. بدین منظور ابتدا اجرایی شدن قوانین مالیاتی دوران حکومت حضرت علی علیه السلام در ایران را امکان‌سنجی نموده است و سپس اثر مالیات بر ضریب جینی در ایران با روش‌های اقتصادسنجی بررسی می‌گردد و در نهایت با بررسی کیفی و تحلیلی اثر اجرایی شدن قوانین مالیاتی حضرت علی علیه السلام بر میزان مالیات دریافتی، اثر آن بر ضریب جینی در ایران به صورت غیرمستقیم به دست می‌آید. بر اساس این پژوهش امکان اجرایی شدن قوانین مالیاتی حضرت علی علیه السلام در ایران وجود دارد؛ همچنین اثر کاهشی و معنادار مالیات بر ضریب جینی روشن می‌گردد. با توجه به اینکه این قوانین منجر به قرار گرفتن زکات در زمره مالیات‌های رسمی شده و در نهایت باعث

افزایش مقدار مالیات اخذ شده می‌شود، پس این قوانین نیز تأثیر کاهشی و معناداری بر ضریب جینی دارند. میلانی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر مالیات‌های محلی بر توزیع درآمد پرداخته‌اند. هدف این پژوهش، بررسی اثر مالیات محلی بر توزیع درآمد طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۴ است. الگوی مورد نظر روش گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM و استفاده از ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری است. نتایج نشان می‌دهد با افزایش مالیات بر درآمد محلی و مالیات بر دارایی محلی و سایر مالیات‌های محلی (کمک‌های اجتماعی و امنیتی و...)، ضریب جینی کاهش می‌یابد، درنتیجه نابرابری درآمد کمتر می‌شود؛ همچنین با افزایش مالیات بر فروش محلی، ضریب جینی افزایش و نابرابری درآمد بیشتر می‌شود. اصلاحات و بهبود نظام مالیاتی می‌تواند در کنار ایجاد درآمدهای بالاتر مالیاتی، ساختار مالیاتی و به تبع آن ساختار اقتصاد را اصلاح نماید. امروزه شناسایی مالیات‌های محلی به عنوان پایه مالیاتی موجه و پایدار به علت کارایی و مزیت‌های آن بیشتر مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته و مشابه مالیات‌های ملی می‌تواند بر نحوه توزیع درآمد اثرگذار باشد. دهکردی و دیگران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر دین‌داری بر نابرابری درآمد با تأکید بر مالیات اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش با هدف درک ارتباط اعتقادات دینی، اندازه دولت و توزیع درآمد، متغیر «اعتقاد به زندگی پس از مرگ» را از طریق پرداخت مالیات شرعی اندازه‌گیری و به عنوان متغیر مستقل و پیروان سایر ادیان مانند یهود و مسیح را به عنوان متغیر کنترلی در تحلیل اقتصادسنجی رگرسیون برداری خودتوضیح با وقفه گسترده طی دوره زمانی ۱۳۵۳-۱۳۹۶ بررسی می‌نماید. بر اساس یافته‌ها، دین‌داری بر اندازه دولت و نابرابری درآمد در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر منفی و بر نرخ مالیات در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت و در بلندمدت تأثیر منفی دارد. جستل (۲۰۲۱)، رژیم‌های مختلف مالیات بر ارث در کشورهای منتخب اروپایی و ایالات متحده را بررسی کرد. نتایج نشان داد که در اکثر کشورها، انتقال ثروت در خانواده‌ها ترجیحی است (نرخ‌های مالیاتی پایین‌تر، معافیت‌های مالیاتی و تخفیف‌ها). این مورد به‌ویژه در مورد دارایی‌های تجاری و خانه‌های خانوادگی است. این تحلیل بیشتر ویژگی‌ها و اثرات رژیم‌های مالیات بر ارث را مورد بحث قرار می‌دهد که شامل واکنش‌های رفتاری افراد و اثرات توزیعی متفاوت مالیات بر ارث می‌شود. معافیت برای خانه‌های خانوادگی و مبالغ معاف از مالیات برای اعضای خانواده می‌تواند پذیرش مالیات بر ارث را بیشتر تشویق کند. با این حال، مقادیر معاف از مالیات باید محدود شود تا اثرات منفی بر درآمدهای مالیاتی کاهش یابد. علاوه بر این، برای محدود کردن انگیزه‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، باید از تفاوت‌های بین مالیات هدیه و ارث اجتناب شود. بزنسکا و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای به بررسی پاسخ این پرسش پرداختند که آیا مالیات بر ارث می‌تواند یک ابزار امیدوارکننده برای مبارزه با نابرابری ثروت بدون آثار مخرب بر اقتصاد باشد؟ آنها جهت پاسخ به این سؤال ابتدا اثرات توزیعی ارث بر توزیع ثروت در آلمان ارزیابی و سپس با اتریش و فرانسه مقایسه کردند. در مطالعه آنها سپس اثرات تغییر در قانون ارث با استفاده از روش تفاضل در تفاضل برای شناسایی اثرات رفتاری این تغییر بر حجم ارثیه‌ها ارزیابی شد؛ در مرحله بعد یافته‌های

بخش اول در طراحی اصلاح مالیات بر ارث برای آلمان به کار برده شد. یافته‌ها نشان داد که تغییر درآمد، از درآمد حاصل از کار به مالیات بر ارث می‌تواند برای افزایش مشوق‌های کاری با کاهش نرخ مالیات برای جمعیت شاغل استفاده شود. با این حال، مشخص شد که مالیات بر ارث با پاسخ‌های رفتاری قابل توجه اهداکنندگان از طریق برنامه‌ریزی برای مالیات همراه خواهد بود.

تصریح مدل

قبل از برآورد مدل لازم است به متغیرهای مورد استفاده در مدل اشاره شود. در این مطالعه به بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های متعارف و اسلامی بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی پرداخته شده است. برای این منظور با توجه به مطالعات هاربرگر (۱۹۶۲)، انگل و دیگران (۱۹۹۹)، الاوویوتانکی و دیگران (۲۰۱۸)، ابارتین و دیگران (۲۰۱۷)، مارتینز - واز کوئر و دیگران (۲۰۱۲)، صباحی و دیگران (۱۳۸۹) می‌توان کل درآمد مالیاتی را در پنج گروه شامل مالیات بر درآمد، مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر ثروت، مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر واردات در نظر گرفت و تأثیر آنها را بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی مورد بررسی کرد. بر این اساس می‌توان رابطه (۱) را در نظر گرفت.

$$(۱) \text{Gini} = f(RT, ST, WT, CT, IT)$$

که در این رابطه RT, ST, WT, CT, IT به ترتیب سهم مالیات بر درآمد، مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر ثروت، مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر واردات از کل درآمد مالیاتی است. از سوی دیگر، با توجه به مطالعات انجام شده توسط صادق (۱۹۸۹) و شفیع (۱۹۷۹) در مورد تأثیر مالیات اسلامی بر نابرابری درآمدی، می‌توان رابطه (۲) را در نظر گرفت که جهت رفع نابرابری در جامعه است.

$$(۲) \text{Gini} = f(Z, ZF, ZFK, K)$$

که در این رابطه Z, ZF, ZFK, K به ترتیب زکات، زکات فطره و کفاره و خمس است. در این مطالعه با توجه به رابطه ۱ و ۲ تأثیر مالیات‌های اسلامی و متعارف بر نابرابری درآمدی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

از آنجاکه هدف اصلی از مطالعه حاضر بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر نابرابری بین دهک‌ها درآمدی در ایران است، با توجه به هدف مطالعه از مدل رگرسیون فازی استفاده شده است. نظریه مجموعه‌های فازی در سال ۱۹۶۵ توسط پروفیسور لطفی عسگرزاده استاد ایرانی‌الاصل دانشگاه برکلی کالیفرنیا معرفی شد. با توجه به هدف این مطالعه با استفاده از رگرسیون فازی میزان نابرابری هریک از دهک‌های درآمدی به کمک پهنای راست و چپ در صورت عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف محاسبه می‌شود. پهنای راست نشان‌دهنده آن است که اگر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف در جامعه گسترش یابد، بیشترین تأثیر بر افزایش نابرابری چقدر خواهد بود، و پهنای چپ نیز بیان‌کننده

آن است که در صورت کاهش عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف میزان نابرابری در جامعه به چه میزان کاهش می‌یابد. افراد با توجه به وضعیت و شرایط مختلف باید مالیات‌های اسلامی و متعارف را پرداخت کنند و از آنجاکه با پرداخت مالیات‌های مذکور نابرابری درآمدی تا حدودی کاهش می‌یابد، حال در صورتی که عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف افراد وجود داشته باشد؛ به این مفهوم که اگر افراد از پرداخت مالیات‌های مذکور اجتناب کنند و یا به روش‌های مختلف و یا به دلایلی از پرداخت مالیات دوری کنند، این موضوع چه تأثیری بر نابرابری درآمدی خواهد داشت. صورت کلی مدل رگرسیونی با ضرایب فازی به صورت رابطه (۳) است (اشرف گنجویی، ۱۴۰۳).

$$(۳) \tilde{Y} = f(x, A) = \tilde{A}_0 + \tilde{A}_1 x_1 + \tilde{A}_2 x_2 + \dots + \tilde{A}_n x_n$$

که در آن $\tilde{Y}$ متغیر وابسته یا اصطلاحاً خروجی فازی است، $x = (x_1, x_2, \dots, x_n)$ بردار متغیرهای مستقل یا اصطلاحاً بردار ورودی و $A = \{\tilde{A}_0, \tilde{A}_1, \dots, \tilde{A}_n\}$ یک مجموعه از اعداد فازی است. مدل رگرسیون خطی با پارامترهای فازی، ورودی‌های غیرفازی و خروجی فازی را به صورت مسئله برنامه‌ریزی خطی فرموله می‌شود که هدف مینیمم کردن ابهام مدل رگرسیون خطی فازی است، به طوری که دامنه مقادیر تخمین زده شده دامنه مقادیر مشاهده شده را در یک سطح معین بپوشاند. در این مطالعه نیز ضرایب رگرسیون به صورت اعداد فازی مثلی به شکل زیر تعریف می‌شود. به منظور برآورد مراکز و پهنای راست و چپ دهک‌های درآمدی، مدل رگرسیون فازی با ضرایب فازی متقارن و نامتقارن در قالب الگوریتم مسئله برنامه خطی به شرح زیر است:

۱. ابتدا تابع هدف مطابق با رابطه زیر محاسبه می‌شود. در این رابطه Z مقدار تابع هدف، $2m$ محدودیت‌های تولید شده توسط m مشاهده، S_i ها مقادیر پهنای n تعداد متغیرها، x_{ji} نشان دهنده مشاهده j ام متغیر i ام است.

$$Z = 2ms_0 + 2 \sum_{i=1}^n \left(s_i \sum_{j=0}^n x_{ji} \right)$$

۲. برای برآورد پهنای راست قید سمت راست مطابق با رابطه زیر محاسبه می‌شود. در این رابطه h نشان دهنده درجه عضویت، s_0 مقدار پهنای، a_0 مرکز، x_{ji} نشان دهنده مشاهده j ام متغیر i ام و y_i خروجی فازی است.

$$(1 - h) s_0 + (1 - h) \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) + a_0 + \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) \geq +y_i$$

۳. برای برآورد پهنای چپ قید سمت چپ مطابق با رابطه زیر محاسبه می‌شود. در این رابطه h نشان دهنده درجه عضویت، s_0 مقدار پهنای، a_0 مرکز، x_{ji} نشان دهنده مشاهده j ام متغیر i ام و y_i خروجی فازی است.

$$(1 - h) s_0 + (1 - h) \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) - a_0 - \sum_{i=1}^n (s_0 x_{ji}) \geq -y_i$$

۴. برای حل مسئله برنامه ریزی خطی (تابع هدف و محدودیت‌ها) داده‌ها را به کمک دستور set به صورت table وارد محیط برنامه می‌شوند.

۵. مراکز a_i و پهنای راست S_i^R و چپ S_i^L در مسئله بهینه‌سازی برای درجه عضویت $h = 0/9$ محاسبه می‌شود.

۶. پهنای راست و چپ را برای درجه‌های عضویت $h = 0/9$ رسم کرده.

تشریح نتایج به دست آمده از حل الگوریتم مسئله برنامه خطی با ضرایب فازی متقارن

در این بخش رگرسیون فازی با فرض ابهام ضرایب در خصوص تحلیل نابرابری بین دهک‌های درآمدی با توجه به متغیرهای مستقل برآورد خواهد شد. برای تحلیل تأثیر عدم قطعیت مالیات‌های اسلامی بر ضریب جینی دهک‌های درآمدی در ایران برای سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ داده‌های مربوط به زکات، خمس، زکات فطره و کفاره نیز از گزارش‌های ستاد زکات کل کشور، سالنامه آماری کمیته امداد امام خمینی (ع) و بعضاً از طریق پژوهش‌های مشابه جمع‌آوری شده است (ارقام با واحد میلیارد ریال و مربوط به خانوارهای شهری و روستایی است). در این بخش رگرسیون فازی با توجه به متغیرهای مستقل که x_1 : زکات، x_2 : خمس، x_3 : زکات فطره، x_4 : زکات فطره و کفاره برآورد خواهد شد. تعداد مشاهده بیست سال است. برای برآورد تأثیر عدم قطعیت متغیرهای مؤثر بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی با توجه به قیدها که در مجموع ۴۸ قید است، مینیمم می‌شود. لازم به ذکر است تمام محاسبات در نرم‌افزار گمز انجام شده است. پس از تشکیل قیدها و حل برنامه ریزی خطی با ضرایب فازی متقارن با توجه به درجه‌های عضویت گوناگون مقادیر مراکز (نما) a_0, a_1, a_2, a_3 و مقادیر پهنای s_0, s_1, s_2, s_3, s_4 محاسبه می‌شود. جدول (۱) جواب‌های مسئله برنامه ریزی خطی را برای نما و پهنای رگرسیون خطی فازی نشان می‌دهد و به‌ازای درجه‌های عضویت $0/9$ تأثیر عدم قطعیت مالیات‌های اسلامی بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی برآورد می‌شود.

تحلیل نتایج

تحلیل ضرایب پهنای و مراکز فازی دهک‌های درآمدی با توجه به تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی در این بخش از مطالعه به منظور ارائه تجزیه و تحلیل بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی، در ابتدا به تحلیل ضرایب عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی پرداخته می‌شود و در ادامه تحلیل پهنای راست و چپ نابرابری دهک‌های درآمدی انجام می‌شود. همان‌طور که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، مقادیر a_0 و s_0 به ترتیب بیانگر جزء ثابت پهنای و مرکز فازی هستند. مقادیر s_1 تا s_4 به ترتیب مقادیر پهنای فازی هر یک از متغیرهای مستقل شامل زکات، خمس، زکات فطره و کفاره است. مراکز فازی a_1 تا a_4 بیانگر تأثیرگذاری مقدار ثابت هر یک از متغیرها بر نابرابری هر یک از دهک‌های درآمدی است. با توجه به نتایج، ضرایب مراکز فازی برای اکثر متغیرها یا ثابت و یا صفر هستند؛ از این‌رو مراکز فازی در بررسی تأثیر عدم قطعیت مالیات‌های اسلامی یکسان هستند، که بیانگر عدم توجه کافی به پتانسیل‌های مالیات‌های اسلامی در جهت کاهش نابرابری درآمدی است. پهنای فازی نشان‌دهنده حداکثر

تأثیرگذاری هریک از متغیرها بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی است. با توجه به جدول (۱) مقدار پهنای متغیرهای مستقل از جمله خمس بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی اول تا دهم به ترتیب ۰/۰۱۸، ۰/۰۱۲، ۰/۰۱۱، ۰/۰۱۳، ۰/۰۱۶، ۰/۰۰۵، ۰/۰۱۷، ۰/۰۱، ۰/۰۱۳ و ۰/۱۸۳ است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، عدم قطعیت در پرداخت خمس از بین سایر مالیات‌ها اسلامی تأثیر متفاوت و قابل‌توجهی بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی دارد. خمس به لحاظ اجتماعی اهمیت فراوانی دارد، از آن جمله می‌توان به رفع اختلاف و تعدیل طبقاتی اشاره کرد. از مزایای مهم اقتصادی آن، توانمندی محرومان و تهیدستان جامعه، ایجاد فرصت کار و تولید و بهبود وضعیت معیشتی مسلمانان فقیر است. خمس عامل حریت علمای شیعه و حفظ کرامت ایشان در قرون متمادی بوده است و می‌تواند یک عامل تأثیرگذار در توانمندی شیعیان و علمای شیعی باشد. جامعه‌ای که علمای مقتدر و اندیشمندان توانمند داشته باشد، بهتر می‌تواند در جهت رشد و پویایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حرکت کند و با یاری رساندن به حکومت اسلامی در ادارهٔ جامعه و به‌دست آوردن استقلال در تمامی زمینه‌ها به‌ویژه اقتصادی، به رشد، تعالی و توانمندی مطلوب برسد.

جدول ۱: مقدار تابع هدف، مراکز و پهنای ضرایب متقارن رگرسیون فازی

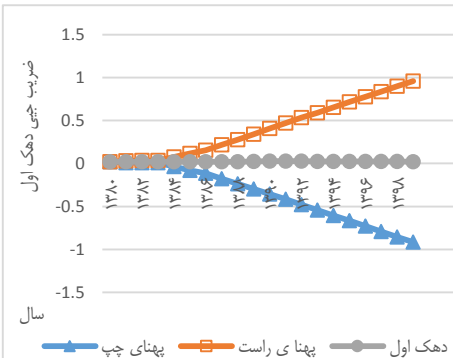
دهک‌ها	مراکز بهینه ضرایب متقارن رگرسیون فازی					پهنای بهینه ضرایب متقارن رگرسیون فازی				
	a0	a1	a2	a3	a4	S0	S1	S2	S3	S4
دهک اول	۰/۰۲۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	*	۱/۶۸	*	۰/۰۱۸	*	*
دهک دوم	۰/۰۲۳	*	۰/۰۱	*	*	۰/۰۰۳	*	۰/۰۱۲	*	*
دهک سوم	۰/۰۴۱	*	۰/۰۰۹	*	*	۰/۰۰۳	*	۰/۰۱۱	*	*
دهک چهارم	۰/۰۵۲	*	۰/۰۰۱	*	*	۰/۰۰۳	*	۰/۰۱۳	*	*
دهک پنجم	۰/۰۶۴	۵/۸۰	۰/۰۰۶	*	*	۰/۰۰۲	*	۰/۰۱۶	*	*
دهک ششم	۰/۰۷۸	*	۰/۰۰۵	*	*	۰/۰۰۴	۰/۱۱۰	۰/۰۰۵	*	*
دهک هفتم	*	*	۰/۰۰۵	۱/۴۶	*	*	*	۰/۰۱۷	*	*
دهک هشتم	*	۰/۱۰۴	*	*	*	۰/۱۱	*	۰/۰۱	*	*
دهک نهم	*	*	*	*	*	*	*	۰/۰۱۳	*	*
دهک دهم	۰/۳۳۶	۰/۰۱۸	*	*	*	۰/۰۰۵	*	۰/۱۸۳	*	*

تحلیل پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک‌ها تحت تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی با توجه به ضرایب پهنای مراکز فازی که در بخش قبل به تحلیل آنها پرداخته شد، در این بخش به تحلیل نمودارهای پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک‌ها پرداخته می‌شود. اهمیت این تحلیل از این جهت است که می‌توان دامنهٔ نوسان برای هریک از دهک درآمدی با توجه به تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی را مشخص کرد و به میزان نابرابری درآمد و تأثیرپذیر بودن میزان هریک از دهک‌های درآمدی را از عدم قطعیت متغیرهای مربوط به مالیات‌های اسلامی بررسی کرد. نمودار (۱) پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک اول تحت تأثیر عدم قطعیت مالیات اسلامی نشان می‌دهد. پهنای راست نابرابری برای دهک اول تا سال ۱۳۸۶ تقریباً هیچ نوسانی نداشته است، اما از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۸ دامنهٔ انحراف پهنای راست و چپ از روند واقعی نابرابری درآمد زیاد شده است و نوسان‌های بیشتری نسبت به سال‌های قبل دارد. نمودارهای (۴، ۳، ۲، ۵ و ۶) پهنای راست و چپ نابرابری دهک‌های دهک دوم

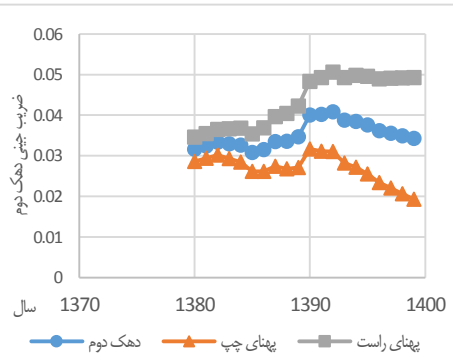
تا ششم را تحت عدم قطعیت مالیات اسلامی نشان می‌دهد. پهنای راست نابرابری درآمدی برای این دهک‌ها از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۰ تقریباً هیچ نوسانی نداشته است، اما از سال ۱۳۹۰ به بعد دامنه انحراف پهنای راست و چپ از روند واقعی نابرابری درآمد افزایش یافته است و نوسان‌های بیشتری نسبت به سال‌های قبل دارد، اما دامنه این انحراف نسبت به دهک اول کمتر است. نمودار (۷ و ۸) پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک‌های هفتم و هشتم را تحت عدم قطعیت مالیات اسلامی نشان می‌دهد. پهنای راست نابرابری درآمدی برای دهک هفتم و هشتم تا سال ۱۳۸۵ تقریباً هیچ نوسانی نداشته است، اما از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۹ دامنه انحراف پهنای راست و چپ از روند واقعی نابرابری درآمد زیاد شده است و نوسان‌های بیشتری نسبت به سال‌های قبل دارد. این روند نابرابری برای دهک هشتم که در نمودار (۸) تقریباً برای اکثر سال‌ها ثابت است. نمودار (۱۰) پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک دهم را نشان می‌دهد. اگرچه از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰ انحراف قابل‌توجهی نداشته است؛ اما از سال ۱۳۹۰ به بعد دامنه انحراف افزایش یافته است، به گونه‌ای که پهنای راست روند صعودی دارد، که نشان‌دهنده افزایش شدت نابرابری است.

نمودارهای ۱-۱۰: به ترتیب تأثیر عدم قطعیت مالیات‌های اسلامی بر پهنای راست و چپ نابرابری دهک‌های درآمدی اول تا دهم در ایران را نشان می‌دهد

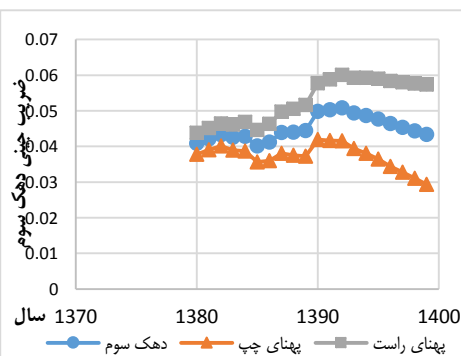
نمودار (۱)



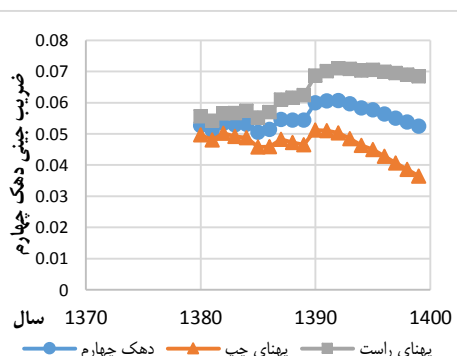
نمودار (۲)

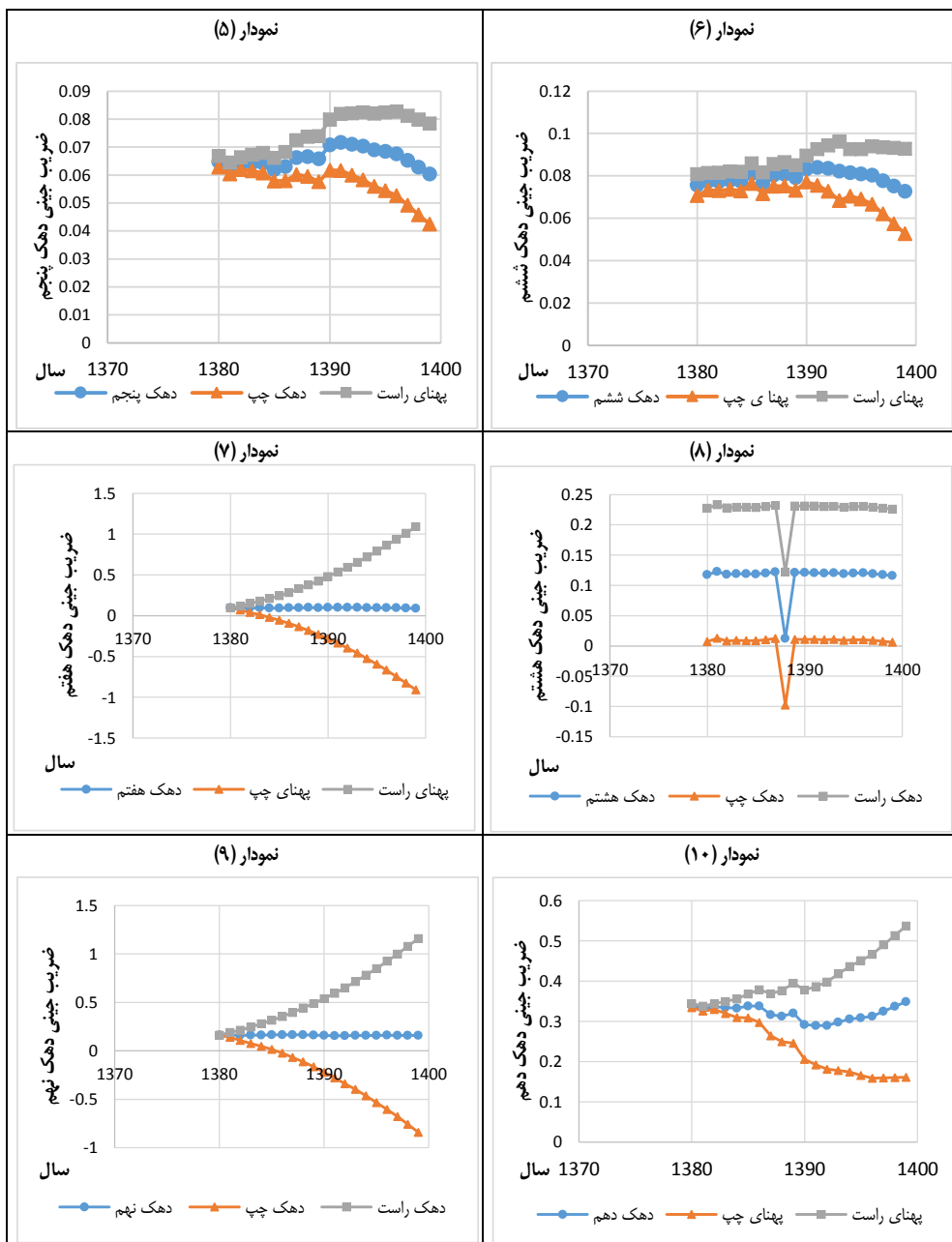


نمودار (۳)



نمودار (۴)





تحلیل ضرایب پهنای و مراکز فازی دهک‌های درآمدی با توجه به تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های متعارف
در این بخش از مطالعه به منظور ارائه تجزیه و تحلیل بررسی تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های متعارف و متعارف

بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی، در ابتدا به تحلیل ضرایب عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های متعارف پرداخته می‌شود و در ادامه تحلیل پهنای راست و چپ نابرابری دهک‌های درآمدی انجام می‌شود. در بخش قبل در مورد نمادهای پهنای مراکز فازی توضیح داده شد. بر این اساس از معرفی آنها در این بخش پرهیز می‌کنیم. مقادیر s_1 تا s_5 به ترتیب مقادیر پهنای فازی هریک از متغیرهای مستقل شامل مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت، مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر واردات است. مراکز فازی a_1 تا a_5 بیانگر تأثیرگذاری مقدار ثابت هریک از متغیرها مذکور بر نابرابری هریک از دهک‌های درآمدی است. جدول (۲) مقادیر مراکز و پهنای فازی را نشان می‌دهد. بیشترین تأثیرگذاری مربوط به مالیات بر درآمد، مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر واردات است که به ترتیب بیشترین تأثیر را بر دهک‌های اول، پنجم و ششم با ضرایب $۰/۰۲$ ، $۰/۰۹۳$ و $۰/۰۱۵$ است.

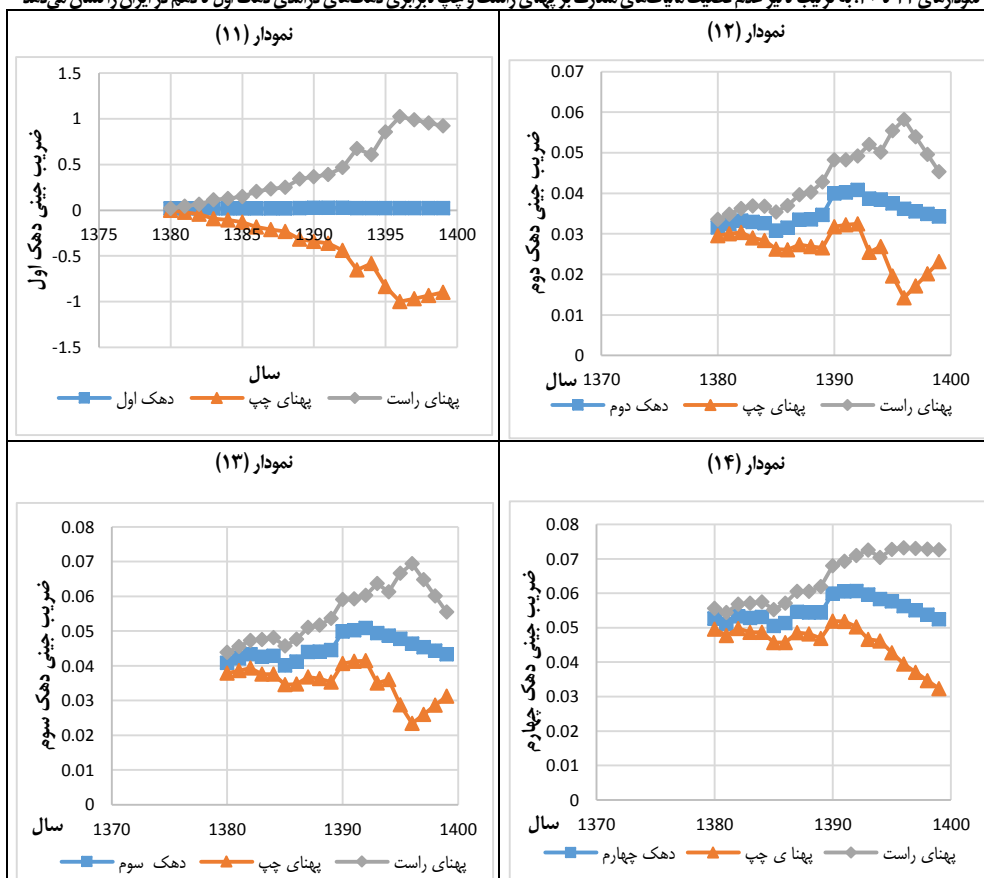
جدول ۲: مقدار تابع هدف، مراکز و پهنای ضرایب متقارن رگرسیون فازی

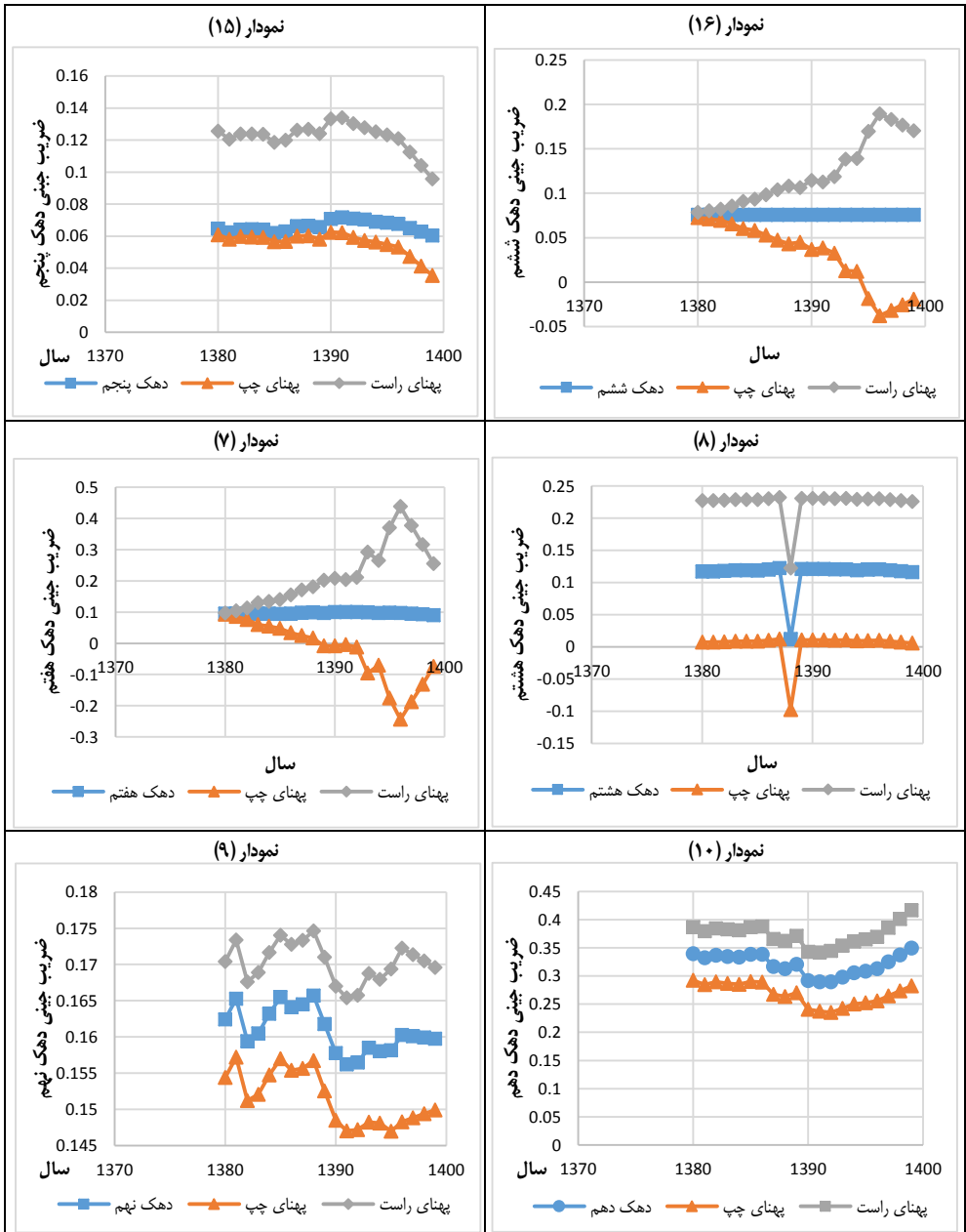
دهک‌ها	مراکز پهنه ضرایب متقارن رگرسیون فازی						پهنای پهنه ضرایب متقارن رگرسیون فازی					
	a0	a1	a2	a3	a4	a5	S0	S1	S2	S3	S4	S5
دهک اول	۰/۰۲	۰/۰۳	*	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	*	۴/۴۹	*	۰/۰۲	*	*	*
دهک دوم	۰/۰۳۱	۰/۰۰۲	*	*	۰/۰۱۶	*	۰/۰۰۲	*	*	*	۰/۰۰۴	*
دهک سوم	۰/۰۴۱	۰/۰۰۱	*	*	۰/۰۱۷	*	۰/۰۰۳	*	*	*	*	*
دهک چهارم	۰/۰۵۱	۰/۰۰۷	*	*	۰/۰۱۱	*	۰/۰۰۳	*	۰/۰۰۳	*	۰/۰۰۳	*
دهک پنجم	۰/۰۶۳	۰/۰۰۶	*	*	۰/۰۰۹	*	۰/۰۰۴	*	*	*	۶/۹۳	*
دهک ششم	۰/۰۷۷	*	*	*	۰/۰۱۱	*	۰/۰۰۳	*	۰/۰۲۱	*	*	۰/۰۱۵
دهک هفتم	۰/۰۹۴	*	*	*	۰/۰۱	*	۰/۰۰۲	*	۰/۰۱۴	*	۰/۰۰۷	۰/۰۱۰
دهک هشتم	۰/۰۶۸	*	*	*	*	*	۰/۱۱	*	*	*	۰/۰۲	*
دهک نهم	۰/۰۶	*	*	*	*	*	۰/۰۰۸	*	*	*	۰/۰۲	*
دهک دهم	۰/۳۶	*	*	*	*	*	۰/۰۴۷	*	۰/۰۱۲	*	۰/۰۱۵	*

تحلیل پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک‌ها تحت تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های متعارف با توجه به ضرایب پهنای مراکز فازی که در بخش قبل به تحلیل آنها پرداخته شد، در این بخش به تحلیل نمودارهای پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک‌ها پرداخته می‌شود. اهمیت این تحلیل از این جهت است که می‌توان دامنه نوسان برای هریک از دهک درآمدی با توجه به تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های متعارف را مشخص کرد و به میزان نابرابری درآمد و تأثیرپذیر بودن میزان هریک از دهک‌های درآمدی را از عدم قطعیت متغیرهای مربوط به مالیات‌های متعارف بررسی کرد. نمودار (۱۱) پهنای راست و چپ نابرابری درآمدی دهک اول را نشان می‌دهد. پهنای راست و چپ ضریب جینی برای دهک اول تا سال ۱۳۹۰ تقریباً هیچ نوسانی نداشته است و با یک روند ملایم متناسب با مقادیر واقعی نابرابری است، اما از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۹ دامنه انحراف پهنای راست و چپ افزایش یافته است، به گونه‌ای که این میزان انحراف برای دهک اول نسبت به زمانی که تأثیر مالیات‌های اسلامی بررسی شد، اندک است. نمودار (۲) دامنه راست و چپ نابرابری درآمد دهک دوم را نشان می‌دهد که دامنه نابرابری فقط در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ افزایش یافته است. نمودار (۳) نیز دامنه انحراف راست و چپ نابرابری درآمدی دهک سوم را نشان می‌دهد که در تمام سال‌های مورد بررسی دامنه انحراف نابرابری ناچیز است، اما از سال ۱۳۹۲-۱۳۹۸ دامنه انحراف نابرابری درآمد افزایش

قابل توجهی داشته است. نمودار (۴) نیز دامنه انحراف راست و چپ نابرابری درآمد دهک چهارم را نشان می‌دهد که در تمام سال‌های مورد بررسی دامنه انحراف نابرابری ناچیز است، اما از سال ۱۳۹۰ به بعد دامنه انحراف نابرابری درآمد افزایش قابل توجهی داشته است. نمودار (۵) نیز دامنه انحراف راست و چپ ضریب جینی دهک پنجم را نشان می‌دهد که در تمام سال‌های مورد بررسی پهنای راست نسبت به پهنای چپ انحراف قابل توجهی داشته است، به گونه‌ای که عدم قطعیت مالیات‌های متعارف به شدت دامنه نابرابری را افزایش داده‌اند. نمودارهای (۶ و ۷) نیز دامنه انحراف راست و چپ ضریب جینی دهک ششم و هفتم را نشان می‌دهد که از سال‌های ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ دامنه انحراف نابرابری شروع به افزایش کرده است و از سال ۱۳۹۰ دامنه انحراف نابرابری به شدت افزایش یافته است، اما از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۳۹۹ انحراف نابرابری کاهش یافته است. نمودارهای (۸ و ۱۰) به ترتیب دامنه انحراف نابرابری درآمدی دهک‌های هشتم، نهم و دهم را نشان می‌دهد. دامنه انحراف پهنای راست و چپ این دهک‌ها متناسب با روند واقعی نابرابری درآمد افزایش یافته است، که به لحاظ تحلیل‌های اقتصادی بیانگر افزایش نابرابری درون این دهک‌هاست.

نمودارهای ۱۱ تا ۲۰: به ترتیب تأثیر عدم قطعیت مالیات‌های متعارف بر پهنای راست و چپ نابرابری دهک‌های درآمدی اول تا دهم در ایران را نشان می‌دهد





مقایسه پژوهش حاضر با سایر روش‌ها

مطالعات داخلی و خارجی متعددی از جمله فریرا (۲۰۰۵)، کوان کامینادا و دیگران (۲۰۱۲)، علم‌الهدی (۱۳۹۵)، بابایی (۱۳۹۶)

و توسلی (۱۳۹۳)، با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی از جمله رگرسیون کلاسیک ارتباط و میزان تأثیرگذاری مالیات‌های اسلامی و متعارف بر نابرابری درآمدی را بررسی کرده‌اند، اما در این مطالعه با استفاده از رگرسیون فازی، نتایج به‌طور دقیق نشان می‌دهند که عدم قطعیت در مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف موجب افزایش شدیدتری در نابرابری بین دهک‌های درآمدی می‌شود، که به نظر می‌رسد مالیات‌های اسلامی می‌توانند با توجه به ویژگی‌ها و پشتوانه اعتقادی آن، آثار توزیعی بهتری از مالیات‌های متعارف فعلی داشته باشند. برای دستیابی به این امر مهم بایستی سیاست‌مداران و دولتمردان و اقتصاددانان در مقام یافتن الگویی از مالیات‌های اسلامی در جهت بهبود توزیع درآمد باشند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه اسلام دین عدالت و مساوات است و در احادیث و آیات به لزوم توجه به مسئله فقر و تلاش برای برقراری عدالت اشارات فراوانی شده است؛ همچنین در نظام اقتصادی اسلام مکانیسم‌های مختلفی برای عادلانه نمودن توزیع درآمد اندیشیده شده است. بر اساس اصول و مبانی اقتصادی اسلام انتظار بر این است که این دین در پیشبرد اهداف اقتصادی از جمله توزیع عادلانه درآمد و کاهش فقر و همچنین توسعه و رشد اقتصادی نقش بسزایی داشته باشد. یکی از عوامل مهمی که تأثیر قابل توجهی در کاهش نابرابری بین دهک‌های درآمدی دارد، مالیات‌های اسلامی هستند. مطالعات متعددی با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی از جمله رگرسیون کلاسیک به بررسی تأثیر مالیات‌های اسلامی و متعارف بر ضریب جینی دهک‌های درآمدی پرداخته‌اند، اما در این مطالعه سعی شد با استفاده از مدل رگرسیون فازی عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی در مقایسه با مالیات‌های متعارف بر نابرابری دهک‌های درآمدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از آنجاکه مدل‌های اقتصادسنجی بنا به دلایل ساختاری برای تصریح به اطلاعات کامل و قطعی نیاز دارند و این در حالی است که مالیات‌های مذکور بر ضریب جینی دهک‌های درآمدی حالت نوسانی دارند؛ بنابراین با توجه به اجتناب‌ناپذیر بودن و عدم قطعیت در مالیات‌های اسلامی و متعارف نیازمند یک مدل سازی دقیق هستیم؛ از این رو با استفاده از مدل رگرسیون فازی با توجه به انعطاف‌پذیری بسیار زیادی که نسبت به رگرسیون کلاسیک دارد به برآورد پهنای راست و چپ ضریب جینی دهک‌های درآمدی تحت شرایط عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف پرداخته شد. تأثیر عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف با استفاده از محاسبه پهنای راست و چپ را می‌توان به ترتیب در میزان کاهش و افزایش نابرابری درآمدی بررسی کرد.

نتایج برآورد پهنای راست و چپ برای هر یک از مالیات‌های اسلامی بیانگر آن است که خمس از بین سایر مالیات‌های اسلامی قادر است که نابرابری بین دهک‌ها را افزایش و یا کاهش دهد. به عبارت دیگر، با توجه به محاسبه پهنای راست برای هر یک از دهک‌ها نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و از طرف دیگر به اندازه پهنای چپ نابرابری کاهش می‌یابد. نکته قابل توجه این است که سایر مالیات‌های اسلامی با توجه به پهنای محاسبه شده هیچ تأثیری بر نابرابری بین دهک‌های درآمدی ندارند؛ از این رو یکی از نتایج مهم این مطالعه آن است که اثبات می‌شود رواج و تبلیغ مالیات‌های

اسلامی توان بسیار زیادی در کاهش نابرابری بین دهک‌ها دارند؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که عدم قطعیت در مالیات‌های متعارف از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰ بر دامنه نوسان پهنای راست و چپ دهک‌های اول تا چهارم انحراف زیادی نداشته است، اما از سال ۱۳۹۰ دامنه نابرابری افزایش می‌یابد. این روند برای دهک‌های پنجم تا دهم نشان‌دهنده افزایش بیشتری در دامنه نابرابری برای سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۹ است، که نشان می‌دهد مالیات‌های متعارف نابرابری دهک‌های بالای درآمدی را افزایش داده‌اند و نابرابری بین طبقات مرفه جامعه افزایش یافته است. برای مقایسه تأثیر مالیات‌های اسلامی بر نابرابری دهک‌های درآمدی، نتایج نشان می‌دهد که دامنه نابرابری دهک اول از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۶ بسیار اندک است، اما از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۹ دامنه نابرابری بسیار افزایش یافته است، که نشان‌دهنده افزایش نابرابری دهک اول است. برای دهک‌های دوم تا ششم نیز از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰ دامنه انحراف نابرابری بسیار اندک است و از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۹ اگرچه دامنه انحراف افزایش یافته است؛ اما این انحراف بسیار اندک است، که نشان‌دهنده کاهش نابرابری بین دهک‌های مذکور است. برای دهک‌های هفتم تا دهم نیز اگرچه در تعداد اندکی از سال دامنه نابرابری اندک است؛ اما در اکثر سال‌های مورد بررسی نابرابری بین دهک‌های درآمدی افزایش یافته است. نتیجه‌گیری کلی از مقایسه تأثیر عدم اطمینان در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف بر نابرابری دهک‌های درآمدی، این است که با رواج مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف می‌توان شدت نابرابری بین دهک‌های درآمدی را کاهش داد، و از سوی دیگر نتایج نشان داد که عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی و متعارف نابرابری بین دهک‌های بالای درآمدی را افزایش می‌دهد، که این موضوع از طریق محاسبه پهنای راست که بیانگر افزایش نابرابری بین دهک‌های مذکور است، مشخص شد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که اگر نهادهای مربوط به دریافت مالیات‌های اسلامی ابزارهای لازم برای افزایش انگیزه و تشویق افراد برای پرداخت مالیات‌های اسلامی را نداشته باشند، نابرابری درآمدی بین دهک‌ها به مرور زمان افزایش خواهد یافت، از سوی دیگر عکس این موضوع نیز جهت کاهش نابرابری درآمدی با توجه به برآورد دهک چپ صادق است.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج این مطالعه می‌توان بیان کرد که عدم قطعیت در پرداخت مالیات‌های اسلامی میزان نابرابری بین دهک‌های درآمدی را به شدت افزایش خواهد داد، به گونه‌ای که نابرابری درآمد در موقعیت پهنای راست قرار می‌گیرد. از این رو توصیه می‌شود با توجه به عبادی و تکلیفی بودن مالیات‌های اسلامی، دولت با بسترسازی و فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه از ظرفیت مالیات‌های اسلامی استفاده نماید؛ همچنین توصیه می‌شود جهت افزایش انگیزه افراد در پرداخت مالیات‌های اسلامی، بر حسب شرایط تخفیف و یا معاف‌های برای افراد در زمان پرداخت مالیات‌های متعارف لحاظ شود.

منابع

- اسماعیلی، عطاءالله و دیگران (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی از منظر قرآن و حدیث. بصیرت و تربیت/اسلامی، ۱۲(۳۵)، ۷۷-۹۶.
- اشرف گنجوی، رضا (۱۴۰۳). بررسی تأثیر عدم قطعیت در به‌کارگیری سرمایه‌های انسانی و فیزیکی بر درونزایی اقتصادی: دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (ره) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۷(۲)، ۱۵۵-۱۸۰.
- بابایی، عیسی (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مالیات‌های اسلامی با مالیات‌های حکومتی (مطالعه موردی: خمس و زکات). تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۲۶(۳)، ۶۹-۸۰.
- ایزدی دهکردی، سیده مریم و کریمی، صفورا (۱۴۰۰). نمودهای بصری سیمای پیامبر اسلام (ص) در نسخه خطی جامع‌التواریخ رشیدی ایلخانان. نگارینه هنر اسلامی، ۹(۲۳)، ۱۸۰-۱۹۴.
- پژویان، جمشید (۱۳۸۵). بررسی توجیه‌پذیری مالیات‌های استانی در ایران و ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح سیستم مالیاتی. دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، ۱۱(۴۲)، ۱۵-۳۴.
- تقوی رفسنجانی، مهدی (۱۴۰۲). امکان‌سنجی و اثر اجرای قوانین مالیاتی حضرت علی (ع) بر ضریب جینی (مطالعه موردی ایران). سبک زندگی/اسلامی با محوریت سلامت، ۶(۵)، ۲۱۳-۲۲۳.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۳). ارائه روشی برای برآورد زکات (مطالعه موردی استان قم). پژوهش‌نامه مالیات، ۲۲(۲)، ۸۲-۱۰۹.
- جاویدی عبداله‌زاده اول، نرگس و دیگران (۱۳۹۸). بررسی تأثیر زکات بر توزیع ثروت جامعه با استفاده از رویکرد مدل‌سازی عامل - بنیان. تحقیقات اقتصادی، ۳، ۴۸۷-۵۲۳.
- خادم عزیززاده، امیر (۱۳۹۲). تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- دهقان نیری قانع، حمیدرضا و قانع، احمدعلی (۱۴۰۱). امکان‌سنجی فقهی معافیت مودی خمس و زکات از مالیات در حکومت اسلامی با رویکردی بر اندیشه امام خمینی (ره). حکومت اسلامی، ۴(۱۰۶)، ۱۵۹-۱۹۰.
- علم‌الهدی، سیدسجاد (۱۳۹۵). تحلیلی از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به‌عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۲(۶)، ۹۵-۱۰۹.
- غفاری، هادی و دیگران (۱۳۹۷). مقایسه تأثیر مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف بر توزیع درآمد در استان‌های منتخب ایران. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۱(۱)، ۸۹-۱۱۲.
- کیمیجانی، اکبر و عسکری، محمدمهدی (۱۳۸۳). تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی. تحقیقات اقتصادی، ۳۳(۱)، ۲-۱۰.
- مدرسی، سیدمحمد (۱۳۷۵). تورم و مسئله خمس. روش‌شناسی علوم انسانی، حوزه و دانشگاه، ۲(۶)، ۱-۱۴.
- صباحی گراغانی، معین، رنجبری، ابوالفضل و مسعود، غلامحسین (۱۴۰۰). تأملی بر مفهوم برابری در نظام حقوقی ایران با رویکردی به اسناد فراملی. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۲(۱)، ۲۷۵-۲۹۶.
- مهرآرا، محسن و اصفهانی، پوریا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب. پژوهش‌نامه مالیات، ۲۳(۲۸)، ۲۰۹-۲۲۸.
- میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۰). نظام اقتصاد اسلامی، مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ابوالحسنی هستیانی، اصغر، علمی مقدم، مصطفی، منصوری، نسرين و امینی میلانی، مینو (۱۴۰۱). بررسی تأثیر تحریم‌های مالی و تجاری بر نرخ ارز در ایران (رهیافت فازی). اقتصاد مالی، ۱۷(۶۳)، ۴۹-۹۴.

- Abdelbaki, H. H. (2013). The impact of zakat on poverty and income inequality in Bahrain. *Rev. Integr. Bus. Econ. Res*, 2 (1).
- Alavuotunki, K., Haapanen, M., and Pirttilä, J. (2018). The effects of the value-added tax on revenue and inequality. *The Journal of Development Studies*, 1-19.
- Asai, H. T. S. U. K., Tanaka, S. & Uegima, K. (1982). Linear regression analysis with fuzzy model. *IEEE Trans. Systems Man Cybern*, 12, 903-907.
- Beznoska, M., Hentze, T., and Stockhausen, M. (2020). The inheritance and gift tax in Germany: Reform potentials for tax revenue, efficiency and distribution. *Public Sector Economics*, 44(3), 385-417.
- Bird, R. M., and Zolt, E. M. (2005). Redistribution via Taxation: The limited role of the personal income tax in developing countries. *UCLA Law Review*, 52(6), 1627-95.
- Co.Obaretin, O., Akhor, S. O., and Oseghale, O. E. (2017). Taxation an effective tool for income re-distribution in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 8(4), 187-196.
- Daly, S. & Frikha, M. (2015). Islamic Finance in Favor to Development and Economic Growth: An Illustration of the Principle of “Zakat”. *Arabian J Bus Manag Review*, 5, 145.
- Engel, E. M., Galetovic, A., and Raddatz, C. E. (1999). Taxes and income distribution in Chile: Some unpleasant redistributive arithmetic. *Journal of Development Economics*, 59(1), 155-192.
- Elise, D. (1977). What factors affect income inequality and economic growth in middle-income countries? *Journal of Risk and Financial Management*, 12(1), 40-64.
- Ferreira, P. C., and Nascimento, L. G. D. (2005). *Welfare and growth effects of alternative fiscal rules for infrastructure investment in Brazil*.
- Harberger, A. C. (1962). The incidence of corporation income tax. *Journal of Political Economy*, 70, 215-40.
- Hassan, M. K., and Ashraf, A. (2010). January. An integrated poverty alleviation model combining zakat, awqaf and micro-finance. In Seventh International Conference—The Tawhidic Epistemology: Zakat and Waqf Economy, Bangi, Malaysia, 261-281.
- Iosifidi, M., and Mylonidis, N. (2017). Relative effective taxation and income inequality: Evidence from OECD countries. *Journal of European Social Policy*, 27(1), 57-76.
- Jestl, S. (2021). Inheritance tax regimes: a comparison. *Public Sector Economics*, 45(3), 363-385.
- Johari, F., Abd Wahab, K., Ali, A. F. M., and Abd Aziz, M. R. (2015). Determinant Factors Effecting Poverty among New Converts In Selangor, Malaysia. *Share: Journal Ekonomi dan Keuangan Islam*, 4(1), 21-36.
- Kuznets S. (1955). Economic growth and income inequality. *American Economic Review*, 45, 1-28.
- Kaldor, N. (1956). Capitalist evolution in the light of Keynesian economics. *Sankhyā: The Indian Journal of Statistics*, (1933-1960), 18(1/2), 173-182.

- Mannan, M. A. (1970). *Islamic Economics*. Lahore, Pakistan: Ashraf Publication.
- Martínez-Vázquez, J., Vulovic, V. & Moreno-Dodson, B. (2012). The impact of tax and expenditure policies on income distribution: evidence from a large panel of countries. *Hacienda Publica Espanola*, 200(1), 95- 130.
- Murray, S., and Mackenzie, H. (2007). Bringing minimum wages above the poverty line. Ottawa: Canadian Centre for Policy Alternatives.
- Musgrave, R. A., and Musgrave, R. A. (1959). *The theory of public finance: a study in public economy*. New York: McGraw-Hill.
- Obaretin, O., Akhor, S. O., and Oseghale, O. E. (2017). Taxation an effective tool for income re-distribution in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 8(4), 187-196
- Piketty, T. & Zucman, G. (2014). Capital is Back: Wealth-Income Ratios in Rich Countries, 1700-2010. *Quarterly Journal of Economics*, 129(3), 1155- 1210
- Sadeq, A. H. M. (1989). Factor Pricing and Income Distribution from Islamic Perspective. *Journal of Islamic Economics*, 2(1), 45-64.
- Shafi, M. M., and Mutahar, S. H. (1979). Distribution of wealth in Islam. Begum Aisha Bawany Wakf.

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/marefateeqtesadi.2025.5001636 20.1001.1.20422322.1403.15.2.8.2

The Method of Theory Testing in Islamic Economics

✉ **Saeed Mohammadbeigi**  / PhD Student in Philosophy of Islamic Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute beigi.1992@gmail.com

Mohammadjavad Tavakoli / Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute tavakoli@iki.ac.ir

Received: 2025/02/03 - **Accepted:** 2025/04/05

Abstract

Theory testing in Islamic economics is a subject that has received relatively little scholarly attention. The central question in this regard is how the validity of Islamic economic theories can be tested. This study employs an analytical approach to examine the method of theory testing in Islamic economics, considering the diversity of theoretical frameworks. Based on the article's hypothesis, the methods of theory testing in Islamic economics vary according to the normative, positive, and prescriptive nature of the theories. The findings confirm this distinction. Accordingly, testing a normative theory in Islamic economics requires examining its reliance on Islamic textual sources. The evaluation of a positive theory necessitates its conformity with empirical evidence, which may range from historical and statistical to behavioral data—though positive propositions derived directly from the Qur'an and Hadith are not empirically testable; instead, supporting evidence may be provided to convince the audience. As for prescriptive theories, testing involves not only the assessment of their underlying normative and positive claims but also the provision of empirical evidence demonstrating the practical efficacy of the recommended policy. This entails a combination of shariah compliance testing, empirical coherence, and operational effectiveness. The above pertains to the testing of the material content of arguments in each theory type. Prior to engaging in substantive testing, a formal assessment of the theory must be conducted to ensure that its logical structure is free from inferential fallacies.

Keywords: Methodology, Islamic Economics, Theory Testing, Normative Theory, Positive Theory, Prescriptive Theory.

JEL Classification:

روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی

سعید محمدبیگی  / دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* beigi.1992@gmail.com

محمدجواد توکلی / استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* tavakoli@iki.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

چکیده

آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است. در این زمینه این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان اعتبار نظریه‌های اقتصاد اسلامی را آزمون کرد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی با توجه به تنوع نظریات می‌پردازیم. بر اساس فرضیه مقاله، روش‌های آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی به‌واسطه تمایز نظریه‌های هنجاری، اثباتی و تجویزی متمایز است. یافته‌های مقاله این تمایز را تأیید می‌کند. در این راستا، آزمون نظریه هنجاری در اقتصاد اسلامی مستلزم بررسی استناد آن به منابع دینی است. لازمه آزمون نظریه اثباتی در اقتصاد اسلامی تطابق با شواهد بیرونی است که می‌تواند گستره‌ای از شواهد تاریخی، آماری و رفتاری را دربر گیرد؛ هرچند که گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح قرآنی و روایی آزمون‌پذیر نیستند و تنها می‌توان شواهدی برای اقناع مخاطبان ارائه داد. برای آزمون نظریه تجویزی، علاوه بر لزوم بررسی گزاره‌های نهفته هنجاری و اثباتی می‌باید شواهد بیرونی بر کارآمدی توصیه سیاستی پیشنهادی اقامه کرد که ترکیبی از آزمون تطابق شرعی، سازگاری با شواهد عینی و کارآمدی عملی خواهد بود. آنچه گفته شد آزمون مواد استدلال در سه نوع نظریه مورد اشاره بود. پیش از ورود به آزمون نظریه از جهت مواد استدلال، باید اقدام به آزمون صوری نظریه کرد. در آزمون صوری شکل استدلال باید عاری از مشکلات منطقی استنتاج باشد.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، اقتصاد اسلامی، آزمون نظریه، نظریه هنجاری، نظریه اثباتی، نظریه تجویزی.

طبقه‌بندی JEL: B41, B4.

مقدمه

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه اقتصاد اسلامی است که چگونگی تولید نظریه معتبر را مشخص می‌کند. روش مورد استفاده برای نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی باید هم تضمین‌کننده استناد نظریه به اسلام باشد و هم واقع‌گرایی نظریه را تضمین کند. این دو الزام ارائه روش در اقتصاد اسلامی را دشوارتر از اقتصاد متعارف می‌کند. علی‌رغم تمایزاتی که بین انواع نظریه در اقتصاد اسلامی ارائه شده است، تصویر مشخصی از تمایزات روشی آنها از جمله تمایز در روش آزمون نظریه ارائه نشده است. تفکیک متداول بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی و یا تمایز میان مکتب، علم و نظام اقتصادی اسلام همراه با تحلیل دقیق روش مورد استفاده در هریک نشده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به این سؤال می‌پردازیم که آیا تنوع انواع نظریه در اقتصاد اسلامی باعث تنوع در روش آزمون آن نیز می‌شود؟ بنا به فرضیه مقاله، نظریات اقتصاد اسلامی را می‌توان در سه دسته نظریات هنجاری، اثباتی و تجویزی قرار داد و از تمایز روش آزمون در هریک از آنها دفاع کرد. برای این منظور، پس از بررسی پیشینه تحقیق، ابتدا به سنخ‌شناسی نظریه‌ها در اقتصاد اسلامی می‌پردازیم؛ در ادامه روش قابل استفاده برای آزمون هریک از این نظریه‌ها را تشریح می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

در زمینه روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی آثار گسترده‌ای به چشم نمی‌خورد. در ادامه به اختصار برخی از مهم‌ترین آثار در زمینه روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی را مرور می‌کنیم. شهید صدر (۱۴۰۰ق؛ ۱۴۲۱ق) در آثار خود از جمله کتاب *اقتصادنا، الاسلام یقود الحیة* به معرفی دو روش کشفی و روش استنباطی پرداخته است. ایشان دو روش قیاسی و استقرایی را نیز برای نظریه‌پردازی در علم اقتصاد اسلامی به صورت گذرا معرفی می‌کند.

نظری و خطیبی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی شهید صدر»، آن را نوعی روش فقه نظریه دانسته‌اند: موضوع فقه متعارف افعال مکلفین است؛ درحالی‌که موضوع فقه نظریات، قضایای بنیادینی است که اساس مکتب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اسلام را شکل می‌دهد. فقیه در فقه متعارف به دنبال تحصیل حجیت است؛ درحالی‌که محقق فقه نظریه به دنبال کشف خطوط کلی حاکم بر احکام به ظاهر متفرق است؛ روشی که در آن «نوعاً از مدلول التزامی احکام فرعی استفاده می‌شود (نظری و خطیبی، ۱۳۹۲).

نظری (۱۳۹۶) در کتاب *روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی* با رویکرد واقعیت‌نهادی بر اهمیت توجه به اعتباریات و نقش آن در نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی تأکید می‌کند.

خطیبی (۱۴۰۲) در کتاب *روش استنباط نظریه اقتصادی از کتب و سنت اقدام* به بسط نظریه شهید صدر با طرح روش استنباط مسئله‌محور می‌کند.

یوسفی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۵) بین روش تأسیسی و استنباطی در اقتصاد اسلامی تفکیک کرده است.

منذر قحف (۱۴۲۰ق) در کتاب *الاقتصاد الاسلامی علماً و نظاماً* به سمت رویکرد فقه مقاصدی در نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی رفته است.

توکلی (۱۳۹۸) در کتاب *مبانی فلسفی و روش شناسی اقتصاد* بین روش های استنباط از منابع وحیانی و روش های استخراج نظریه از منابع غیروحیانی تفکیک کرده است.

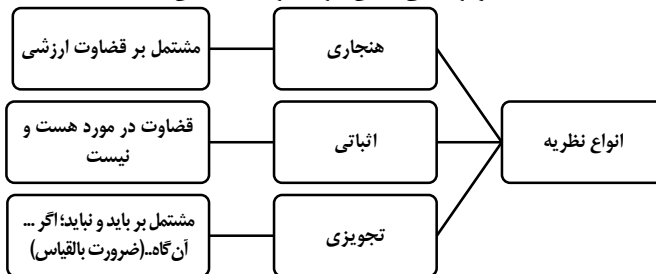
نظریور (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان «آزمون های تجربی در اقتصاد و کاربردهای آن در اقتصاد اسلامی» به تشریح برخی ابعاد مرتبط با آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی می پردازد.

در این مقاله ضمن استفاده از آثار مورد اشاره، سعی می کنیم که روش های آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی را با توجه به تنوع انواع نظریه تبیین کنیم. نوآوری مقاله حاضر، تفکیک بین انواع نظریه در اقتصاد اسلامی و تعیین روش آزمون هریک است.

۱. سنخ شناسی نظریه ها در اقتصاد اسلامی

یکی از دسته بندی های مطرح در اقتصاد اسلامی، تفکیک بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۸). گاهی نیز بین مکتب، علم و نظام اقتصاد اسلامی تفکیک شده است (میرمعزی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). رویکرد دیگر تفکیک بین اقتصاد تشریعی، تحلیلی و تدبیری است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۶). تمایز میان نظریه های اثباتی، هنجاری و تجویزی در اقتصاد اسلامی نیز تفکیک مشابهی در این زمینه است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷). در رویکردی جدید در این زمینه، تمایز بین گزاره های اثباتی، هنجاری و تجویزی نیز مطرح شده است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷-۲۳۱).

نمودار ۱: سنخ شناسی نظریه ها در اقتصاد اسلامی



صرف نظر از تفکیک های کلی ارائه شده در زمینه اقتصاد اسلامی، نظریه ها در اقتصاد اسلامی را می توان به سه دسته هنجاری، اثباتی و تجویزی تقسیم کرد. تفکیک بین نظریه های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی اسلامی ناظر به تمایز نظریه هایی که ارزش های مورد قبول در اقتصاد اسلامی را تبیین می کنند (هنجاری)، نظریه هایی که رابطه میان متغیرهای اقتصادی را بیان می کنند (اثباتی) و نظریه هایی که چگونگی دستیابی به اهداف معین شده در اقتصاد هنجاری را بیان می کنند (تجویزی).

نظریه اقتصادی هنجاری مشتمل بر قضاوت ارزشی است. نظریه اقتصادی اثباتی شامل قضاوت در مورد هست و نیست، می باشد. نظریه اقتصادی تجویزی نیز مشتمل بر «باید و نباید» و «اگر... آن گاه...» (ضرورت بالقیاس) است. خروجی نظریه تجویزی، از سنخ باید و نباید است، ولی با توجه به اینکه این نظریه مبتنی بر یک نظریه اثباتی است، ترکیب نظریه تجویزی و اثباتی را می توان در قالب گزاره حاکی از ضرورت بالقیاس بیان کرد؛ برای نمونه، اگر خروجی یک نظریه تجویزی این باشد که برای مقابله با سفته بازی از خانه های خالی مالیات بگیرید، این گزاره مشتمل بر این گزاره بایدی است که از خانه های خالی باید مالیات گرفت. در کنار این گزاره این گزاره هم مطرح است که گرفتن مالیات بر خانه های خالی باعث کاهش سفته بازی در مسکن می شود. اگر این دو گزاره ترکیب شوند، آن دو را می توان این گونه بیان کرد: اگر می خواهید سفته بازی کاهش یابد، از خانه های خالی مالیات بگیرید. البته نظریه دریافت مالیات از خانه های خالی مشتمل بر جزئیات اجرایی آن یا شیوه عملیاتی آن نیز می باشد.

سه دسته نظریه اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی را می توان به شکل زیر تعریف کرد.

۱. نظریه های اقتصادی هنجاری: این دسته از نظریه ها بیانگر ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده در اقتصاد اسلامی اند. نظریه عدالت اقتصادی اسلام نظریه ای هنجاری است که بیانگر شیوه مورد قبول در توزیع درآمد و ثروت در جامعه اسلامی است.

۲. نظریه های اقتصادی اثباتی: نظریه اثباتی از هست ها و نیست ها و روابط میان متغیرها در حوزه فعالیت های اقتصادی سخن می گوید. نظریه اثباتی به نظم ها و قانونمندی های حاکم بر رفتارهای اقتصادی می پردازد.

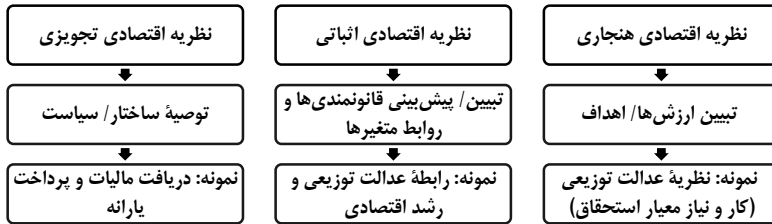
۳. نظریه های اقتصادی تجویزی: هرچند نظریه های تجویزی به نظریه های هنجاری نزدیک اند و از کمک نظریه های اثباتی نیز بهره می گیرند، ولی خروجی آنها تجویز اقدامات لازم برای دستیابی به اهداف نظام اقتصادی (تبیین شده در اقتصاد هنجاری اسلامی) با توجه به قانونمندی های حاکم بر اقتصاد (تبیین شده در اقتصاد اثباتی اسلامی) است (توکلی، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷).

جدول ۱: تمایز نظریه های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی

نوع	توضیح	مثال
نظریه اقتصادی هنجاری	تبیین ارزش ها / اهداف اقتصادی	توزیع عادلانه بر دو مبنای نیاز و کار متکی است.
نظریه اقتصادی اثباتی	بیان قانونمندی های اقتصادی	توزیع عادلانه موجب افزایش رشد اقتصادی می شود.
نظریه اقتصادی تجویزی	تجویز چگونگی دستیابی به اهداف	دریافت مالیات و پرداخت یارانه برای تقویت عدالت توزیعی توصیه می شود.

نظریه های اقتصادی هنجاری اسلامی کارکردی ارزیابانه دارند و به تبیین ارزش ها / اهداف مورد قبول در اقتصاد اسلامی می پردازند (کارکرد ارزیابانه). نظریه اقتصاد اسلامی اثباتی به تبیین و پیش بینی پدیده های اقتصادی می پردازد (کارکرد تبیین و پیش بینی). نظریه اقتصاد اسلامی تجویزی نیز حاوی توصیه ها و تجویزهایی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی است (کارکرد توصیه گرانه). این توصیه ها در دو دسته توصیه های ساختاری (مانند اصلاح نظام بانکی) و توصیه های سیاستی (مانند سیاست های پولی و مالی) جای می گیرند. البته تحلیل اثر توصیه های سیاستی را باید با ارائه نظریه های اثباتی اقتصاد اسلامی انجام داد.

نمودار ۲: کارکرد نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی



نظریه‌های اقتصاد اسلامی هنجاری، اثباتی و تجویزی از یکدیگر گسسته نیستند، بلکه ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. این ارتباط ممکن است در یک حوزه نظری بیشتر از دیگر حوزه‌ها باشد؛ برای نمونه، موضوع خلق پول در نظام بانکی را می‌توان در نظر گرفت. در این زمینه می‌توان از سه دسته نظریه اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی سخن گفت.

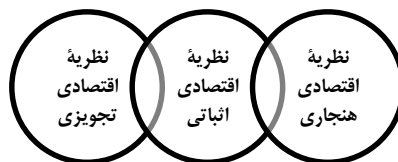
نظریه اقتصادی هنجاری: خلق پول اکل مال به باطل و حرام است، خلق پول ناعادلانه است.

نظریه اقتصادی اثباتی: خلق پول باعث تورم می‌شود، خلق پول، به معنای ایجاد پول از هیچ است.

نظریه اقتصادی تجویزی: برای کنترل خلق پول، ذخیره قانونی را افزایش دهید، بانک‌های تجاری را محدود کنید.

نظریه اقتصادی هنجاری از نظر رتبی بر نظریه اقتصادی اثباتی و تجویزی مقدم است. برای ارائه تدابیر اقتصادی باید برداشت مشخصی از اهداف اقتصادی (نظریه اقتصادی هنجاری) و قانونمندی‌های اقتصادی (نظریه اقتصادی اثباتی) داشت. نظریه اقتصادی هنجاری تعیین‌کننده اهداف و ارزش‌های پذیرفته شده است. نظریه اقتصادی اثباتی به تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی، روابط میان متغیرها و کارکردهای اقتصادی می‌پردازد. نظریه اقتصادی تجویزی توصیه‌هایی برای دستیابی به اهداف اقتصادی موردنظر ارائه می‌کند. نظریه‌های اقتصادی تجویزی از این جهت که باید در آنها سطح اهداف معین و منقح شود، به نظریه‌های اقتصادی هنجاری وابسته است. این تجویز به فهم ما از واقعیات اقتصادی نیز وابسته است. هر سه دسته این نظریات با هم وابسته‌اند و برای درک کامل مسائل اقتصادی باید هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند. نظریه هنجاری به ما می‌گوید چه می‌خواهیم، نظریه اثباتی واقعیت‌های اقتصادی را نشان می‌دهد و نظریه تجویزی راهکارهایی برای دستیابی به اهداف ارائه می‌کند.

نمودار ۳: ارتباط نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی



اگر وابستگی نظریه اقتصادی اثباتی به تدابیر اقتصادی را در نظر بگیریم، نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن ساختارهای ایجادشده و سیاست‌های اجراشده به تحلیل رفتارها و کارکردهای اقتصادی بپردازیم. با توجه به تأثیر ساختارها و

سیاست‌ها بر رفتارهای اقتصادی، تحلیل اثباتی ارائه شده از رفتارهای اقتصادی، به ساختاری که رفتار در آن انجام می‌شود وابسته است؛ برای نمونه، رفتار افراد در ساختار بازار رقابتی با رفتار آنها در ساختار اقتصاد دولتی متفاوت است. در مباحث اقتصاد اثباتی معمولاً ساختارها را پیش فرض می‌گیرند و به تحلیل اثر سیاست‌ها بر رفتار می‌پردازند؛ مثلاً در اقتصاد خرد هنگام تحلیل رفتار بنگاه، ساختار رقابت کامل همراه با اطلاعات کامل مفروض گرفته می‌شود؛ در ادامه، تحلیل می‌شود که در چنین ساختاری، بنگاه‌ها چه مقدار تولید می‌کنند و با چه قیمتی می‌فروشند. در مباحث تکمیلی اقتصاد خرد، اثر سیاست‌های اقتصادی همچون وضع مالیات بر رفتار عرضه‌کنندگان و همچنین اثرات رفاهی آن بررسی می‌شود. مشخص است که این نتایج در ساختار انحصار کامل، صادق نیست و تحلیل آثار سیاست‌های اقتصادی نیز متفاوت خواهد بود. حال اگر فرض کنیم اساس ساختاری سوسیالیستی بر اقتصاد حاکم است و افراد بر اساس برنامه مشخص شده از سوی شورای برنامه‌ریزی متمرکز به تولید می‌پردازند، تحلیل رفتار به کلی متمایز خواهد بود و مباحث سیاستی نیز شکل دیگری به خود خواهند گرفت.

نظریه‌های اقتصادی اسلامی تجویزی ممکن است هویت کشفی یا تأسیسی داشته باشند (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳-۱۵۶). وقتی روش ارائه شده مستقیماً توسط شارع بیان شده است، در این صورت نظریه پرداز فقط رهیافت سیاستی را از منابع دینی به دست می‌آورد؛ برای نمونه، در متون دینی سیاست مالی در قالب دریافت خمس و زکات معرفی شده است، ولی هنگامی که نظریه پرداز اقدام به طراحی یک مالیات حکومتی می‌کند، وی اقدام به طراحی در حوزه منطقه الفراغ کرده است. منطقه الفراغ یا حوزه خالی برای ریل گذاری و قاعده گذاری اقتصادی جایی است که شرع به ما اجازه تأسیس و بنیان گذاری ساختارهای نهادی و قاعده گذاری اقتصادی را می‌دهد (صدر، ۱۴۰۰، ص ۴۲۶). اسلام به این دلیل قاعده گذاری در منطقه الفراغ را پذیرفته که روابط افراد با یکدیگر و با طبیعت در طول زمان تغییر می‌کند. این تغییر ناشی از مشکلاتی است که انسان‌ها همواره با آن روبه‌رو می‌شوند (صدر، ۱۴۰۰، ص ۷۲۳). قاعده گذاری در این حوزه به مباحث اختصاص ندارد؛ احکام الزامی صادره از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام به عنوان ولی امر و به اقتضای شرایط خاص آن زمان، در منطقه الفراغ جای می‌گیرد. این نوع از احکام الهی در لوح محفوظ محکوم به اباحه می‌باشند، اما به اقتضای شرایط خاص محکوم به حکم الزامی شده و با تغییر شرایط، حکم الزامی یادشده نیز زائل می‌شود. برای احکام حکومتی متعلق به منطقه الفراغ نمونه‌هایی همچون ممنوعیت فروش مازاد آب کشاورزی، نهی از فروش میوه درختان پیش از رسیدن آن، نهی از اجاره زمین کشاورزی، تعیین حریم چاه‌ها و اعمال محدودیت بر قیمت گذاری ذکر شده است (صدر، ۱۴۰۰، ص ۷۲۶-۷۲۸؛ حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵-۱۳۸).

قاعده گذاری در منطقه الفراغ با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی و برای تحقق اهداف عمومی اقتصاد اسلامی از جمله عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد (صدر، ۱۴۰۰، ص ۷۲۲). اهداف یادشده به عنوان مبنای قاعده گذاری یا سیاست گذاری در نظر گرفته می‌شوند؛ به طور نمونه، دستور امام علی علیه السلام به مالک اشتر برای محدود کردن توان قیمت گذاری تجار، حکمی حکومتی است. امام از اختیارات خود برای پر کردن منطقه الفراغ استفاده و با توجه به

اقتضائات عدالت اجتماعی حکم کرده است که قیمت‌گذاری باید به گونه‌ای باشد که به هیچ‌یک از دو طرف فروشنده و خریدار اجحاف نشود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۷۲۸).

طراحی یک الگو و مدل اقتصاد اسلامی همچون الگوی بانکداری اسلامی نیز مستلزم استفاده از روش تأسیسی است. پژوهشگران بانکداری اسلامی الگوهای متفاوتی را بر اساس خطوط کلی نظام مالی اسلامی طراحی کرده‌اند. برخی از نوعی بانک جامع دفاع کرده‌اند؛ برخی نیز به سمت ارائه الگوی تفکیک رفته‌اند؛ الگویی که در آن بانک قرض‌الحسنه در کنار شرکت‌های لیزینگ و مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کند (صمصامی و داودی، ۱۳۸۹؛ محقق‌نیا، ۱۳۹۲). تدوین سیاست‌های اقتصادی نیز به حوزه منطقه‌الفراغ تعلق دارد. تدوین سیاست اقتصادی وابستگی زیادی به موقعیت اقتصادی کنونی جامعه هدف دارد. سیاست اقتصادی با توجه به جهت‌گیری‌های کلی حاکم بر اقتصاد اسلامی و هدف‌گذاری‌ها و قاعده‌گذاری‌های مکتب اقتصادی اسلام صورت می‌گیرد. شهید صدر با تفکیک سیاست اقتصادی از جهت‌گیری‌های مکتب اقتصادی اسلام، سیاست اقتصادی را به‌عنوان امری تأسیسی در حوزه اختیارات دولت تعریف می‌کند. از نظر ایشان «مکتب (اقتصادی) تنها به تعیین اهداف محوری، محدودیت‌های کلی و چارچوب مکتبی فراگیر (حاکم بر) سیاست اقتصادی اکتفا می‌کند. دولت موظف است به این ضوابط متعهد باشد و سیاست (اقتصادی) خود را در این چارچوب وضع کند» (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۶۶۶).

باید توجه داشت که روش تأسیسی از روش کشفی جدا نیست. برای طراحی و تأسیس ساختار نهادی مانند نظام بانکی اسلامی باید بر خطوط کلی و قواعد استخراج‌شده از کتاب و سنت تکیه کرد. با وجود این، تولید نظریه و نه استنباط آن اقتضائات خاص خود را دارد. در این راستا، مبانی اسلامی همچون اصل عدالت اجتماعی پیش‌فرض نظریه‌پردازی در روش تأسیسی را شکل می‌دهد. این بدان معناست که طراحی ساختارهای نهادی مقید به مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است.

۲. آزمون صوری در برابر آزمون محتوایی

آزمون یک نظریه به دو صورت آزمون صوری و آزمون محتوایی ممکن است. در آزمون صوری شکل استنتاج بررسی می‌شود. درواقع، آزمون صوری به بررسی ساختار و شکل استدلال می‌پردازد و تمرکز آن بر قواعد منطقی و روابط بین جملات است. در این نوع آزمون، هدف مشخص کردن این موضوع است که آیا استدلال به‌درستی و به‌طور منطقی تنظیم شده است یا خیر (Copi, Cohen & McMahon, 2016). ویژگی‌های این آزمون شامل رعایت قواعد منطقی ازجمله بررسی ترتیب جملات و ارتباط آنها با یکدیگر است. از سوی دیگر، آزمون محتوایی به ارزیابی مواد استدلال می‌پردازد و تمرکز آن بر صحت و دقت اطلاعات به‌کاررفته در استدلال است. در این نوع آزمون، هدف مشخص کردن این است که آیا جملات و مفاهیم به‌کاررفته در استدلال درست و معتبر هستند یا خیر (Hurley, 2011)؟ ویژگی‌های این آزمون شامل بررسی صحت اطلاعات، تحلیل مفاهیم و سنجش شواهد تجربی برای ارزیابی ادعاهاست. در مجموع، آزمون صوری و محتوایی دو جنبه متفاوت از ارزیابی استدلال‌ها هستند. آزمون صوری بر ساختار و شکل استدلال تمرکز

دارد؛ درحالی که آزمون محتوایی بر صحت و دقت اطلاعات به کاررفته در استدلال متمرکز است. این دو نوع آزمون به فرد کمک می کنند تا استدلال ها را به طور کامل و جامع بررسی کند. به نمونه زیر توجه کنید:

سقراط انسان است؛

هر انسانی فانی است؛

پس سقراط فانی است.

بررسی و آزمون این نظریه گاهی از این جهت صورت می گیرد که آیا شکل استدلال به صورت منطقی تنظیم شده است یا خیر؟ ولی آزمون محتوایی به این است که ببینیم آیا مواد به کاررفته در استدلال درست است یا نه؟ آیا هر انسانی فانی است، درست است؟ آیا سقراط انسان است، درست است؟ ممکن است گفته شود اثبات اینکه هر انسان فانی است نیازمند نوعی استقرا باشد که بگوییم ما مشاهده کردیم که همه افرادی که بررسی کردیم مرده اند؛ پس همه افراد می میرند. ممکن است کسی صحت سنجی این ماده از استدلال را این گونه انجام دهد که بگوید از جهت قواعد فیزیولوژیک بدن انسان به تدریج مستهلک می شود و نمی تواند به شکل ابدی باقی بماند.

استدلال اقتصادی زیر را نیز در نظر بگیرید:

افزایش مالیات باعث کاهش درآمد مردم می شود؛

کاهش درآمد مردم باعث کاهش مصرف می شود؛

پس، افزایش مالیات باعث کاهش مصرف می شود.

آزمون صوری نمونه بالا به این است که بررسی کنیم استدلال و استنتاج صورت گرفته از نظر منطقی درست باشد. فرض اول (افزایش مالیات باعث کاهش درآمد مردم می شود) و فرض دوم (کاهش درآمد باعث کاهش مصرف خواهد شد) به درستی به نتیجه گیری (افزایش مالیات باعث کاهش مصرف می شود) منتهی می شوند. این استدلال از نظر منطقی معتبر است؛ زیرا اگر فرض ها درست باشند، نتیجه نیز باید درست باشد. با این حال، این امکان وجود دارد که فرض ها به واقعیت نزدیک نباشند، که در این صورت استدلال از نظر محتوایی نادرست خواهد بود. برای آزمون محتوایی باید به بررسی صحت تک تک گزاره های به کاررفته بپردازیم. باید بررسی کرد که آیا واقعاً افزایش مالیات به کاهش درآمد منجر می شود؟ آیا کاهش درآمد به کاهش مصرف منجر خواهد شد؟ شواهد تجربی نشان می دهند که این امکان وجود دارد که این فرض ها در شرایط خاصی درست باشند، اما در شرایط دیگر می تواند نتایج متفاوتی به دست آید؛ به عنوان مثال، اگر دولت مالیات را برای تأمین خدمات عمومی افزایش دهد، ممکن است این خدمات به افزایش درآمد مردم منجر شود. بنابراین محتوای این استدلال از این امکان برخوردار است که نیاز به بررسی بیشتری داشته باشد تا صحت آن تأیید شود.

۳. آزمون صوری نظریه در اقتصاد اسلامی

برای آزمون صوری نظریه در اقتصاد اسلامی تمایزی بین انواع مختلف نظریه نیست. در همه انواع نظریه باید شیوه استنتاج را با توجه به قواعد منطقی آزمون کرد. نمونه استدلال زیر را در نظر بگیرید:

در باز است؛

باز پرنده است؛

پس در پرنده است.

در استدلال بالا نوعی خطای منطقی در استنتاج وجود دارد؛ زیرا باز به دو معنا به کار رفته است: در گزاره اول باز به معنای گشوده بودن درب است، ولی در گزاره دوم باز نام یک پرنده شکاری است. این اشتباه باعث شده است که نتیجه گیری نادرست شود. در مثال منطقی دیگر می توان برای نشان دادن ساختار آزمون صوری به این مثال توجه کرد. مثال دیگری که ساختار صغری، کبری و نتیجه دارد و می تواند برای توضیح اصول منطقی استفاده شود: صغری: همه پستانداران خون گرم هستند؛

کبری: نهنگ یک پستاندار است؛

نتیجه: نهنگ خون گرم است.

گزاره «همه پستانداران خون گرم هستند» یک قاعده کلی است که بیان می کند تمامی پستانداران دارای ویژگی مشترکی به نام خون گرم بودن هستند. به علاوه گزاره «نهنگ یک پستاندار است» یک گزاره خاص است که بیان می کند نهنگ به عنوان یک موجود خاص متعلق به دسته ای به نام پستانداران است. در نهایت گزاره «نهنگ خون گرم است» نتیجه ای است که با استفاده از قواعد منطقی از دو گزاره قبلی (صغری و کبری) به دست می آید. با توجه به اینکه نهنگ به دسته ای تعلق دارد که تمامی اعضای آن خون گرم هستند، می توان نتیجه گرفت که نهنگ نیز خون گرم است. این مثال نیز نشان می دهد که چگونه می توان از اصول و قواعد منطق برای استنتاج یک نتیجه منطقی استفاده کرد. در آزمون صوری نظریه ها در اقتصاد اسلامی نیز باید به همین شیوه از قواعد منطقی برای بررسی و ارزیابی استنتاج ها استفاده کرد تا اطمینان حاصل شود که استنتاج ها و نتایج به دست آمده با مبانی منطقی هماهنگ هستند (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۸۲). می توان مصادیقی از این نوع خطا را در نظریه های اقتصادی در موارد ذیل مشاهده کرد:

۱. استفاده دوگانه از اصطلاحات: واژه «بازار» از این قابلیت برخوردار است که هم به معنای مکانی برای خرید و فروش یا به معنای کل بازار اقتصادی به کار رود. اگر یک نظریه پرداز بگوید «بازار در حال رشد است»، می توان این جمله را به دو معنا تفسیر کرد: افزایش تعداد فروشگاه ها یا افزایش حجم معاملات (Tvede, 2002). این ابهام می تواند منجر به سوء تفاهم و نتیجه گیری های نادرست شود.

۲. استنتاج نادرست از داده ها: ادعا می شود که «افزایش تولید باعث افزایش رفاه می شود». این استدلال این حقیقت را نادیده می گیرد که افزایش تولید ممکن است با نابرابری درآمد یا آسیب به محیط زیست همراه باشد (توکلی و شفیعی نژاد، ۱۳۹۱). بنابراین افزایش تولید به تنهایی نمی تواند معیاری برای افزایش رفاه باشد، لازم است عواملی مانند توزیع درآمد و کیفیت زندگی نیز در نظر گرفته شوند.

۳. تعمیم نادرست: فرض بر این است که یک سیاست اقتصادی موفق در یک کشور، در همه کشورهای مؤثر خواهد بود (Brown, 2024). این دیدگاه این واقعیت را نادیده می‌گیرد که شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور متفاوت است؛ به عنوان مثال، سیاست‌های اقتصادی موفق در یک کشور توسعه‌یافته می‌تواند در یک کشور درحال توسعه نتیجه معکوس بدهد.

۴. عدم توجه به متغیرهای کنترلی: فرض شود که «افزایش حداقل دستمزد باعث افزایش بیکاری می‌شود». این استدلال عوامل دیگری مانند شرایط اقتصادی کلی، تقاضای کار و نوع صنعت که می‌تواند بر بیکاری تأثیر بگذارند را نادیده گرفته است (Rees, 2022)؛ بنابراین نتیجه‌گیری بدون در نظر گرفتن این متغیرها ناقص است.

۵. استفاده از نمونه‌های غیرنماینده: اگر یک محقق فقط از داده‌های یک صنعت خاص برای نتیجه‌گیری درباره وضعیت کل اقتصاد استفاده کند (Miller, 2021)، این نوع استدلال می‌تواند به نتیجه‌گیری‌های نادرست منجر شود؛ زیرا ممکن است شرایط آن صنعت خاص با سایر صنایع متفاوت باشد و نتایج به‌دست‌آمده قابل تعمیم به کل اقتصاد نباشد.

۶. خطای پس از وقوع (Post Hoc Fallacy): «پس از اجرای سیاست A، نرخ بیکاری کاهش یافت؛ بنابراین سیاست A باعث کاهش بیکاری شده است». این استدلال اینکه ممکن است عوامل دیگری نیز در کاهش بیکاری نقش داشته باشند را نادیده گرفته است، علاوه بر اینکه ارتباط علی بین سیاست و نتیجه را نیز به‌درستی نشان نمی‌دهد (Beker, 2023). بنابراین شناسایی و تحلیل این خطاهای منطقی در نظریه‌های اقتصادی بسیار مهم است؛ زیرا می‌تواند به بهبود کیفیت استدلال‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کمک کند. با دقت در انتخاب واژه‌ها، در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی و اجتناب از تعمیم‌های نادرست، می‌توان به درک بهتری از مسائل اقتصادی دست یافت.

۴. آزمون محتوایی نظریه در اقتصاد اسلامی

هنگامی که از آزمون محتوایی نظریه در اقتصاد اسلامی سخن گفته می‌شود، مراد بررسی قدرت واقع‌نمایی نظریه است. این واقعیت می‌تواند واقعیت متنی، واقعیت بیرونی یا واقعیت انتظاری باشد. مراد از واقعیت متنی مقصود نهفته در ورای آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام است. واقعیت بیرونی ناظر به چگونگی تحقق رویدادهای بیرونی همانند رفتارها یا کارکردهای اقتصادی است. واقعیت انتظاری چیزی است که وقوع آن در صورت تحقق شرایطی قابل پذیرش است.

جدول ۲: آزمون محتوایی انواع نظریه در اقتصاد اسلامی

نوع	سطح تطابق با واقعیت	لازمه آزمون تطابق
نظریهٔ هنجاری	واقعیت متنی	تطابق با منابع دینی
نظریهٔ اثباتی	واقعیت بیرونی	سازگاری با واقعیت بیرونی (عینی)
نظریهٔ تجویزی	واقعیت متنی، بیرونی و انتظاری	تطابق با منابع دینی، سازگاری با واقعیت بیرونی، کارآمدی در اصلاح واقعیت بیرونی

نظریه اقتصادی هنجاری اسلامی، همانند نظریه عدالت توزیعی، به تبیین ارزش‌ها، اهداف و معیارهای مطلوب می‌پردازد و سطح تطابق آن با واقعیت متنی باید آزمون شود. برای ارزیابی این نظریه، لازم است که تطابق آن با

منابع دینی بررسی شود تا اعتبار و مشروعیت آن تأیید گردد؛ برای نمونه باید بررسی کرد که آیا می‌توان با استناد به احکام شرعی استنباط‌شده از آیات و روایات، کار و نیاز را منشأ استحقاق در توزیع درآمد دانست؟

جدول ۳: لازمه آزمون محتوایی انواع نظریه در اقتصاد اسلامی

نوع	محتوای نظریه	لازمه آزمون محتوایی
نظریه هنجاری عدالت	منشأ استحقاق در عدالت توزیعی کار و نیاز است	تطابق با منابع دینی
نظریه اثباتی عدالت	عدالت موجب افزایش انگیزه عاملان اقتصادی و تقویت کارایی می‌شود	سازگاری با واقعیت بیرونی
نظریه تجویزی عدالت	برای تأمین عدالت مالیات بر عایدی سرمایه بگیرد	کارآمدی در اصلاح واقعیت بیرونی

نظریه اثباتی به تحلیل و تبیین واقعیت‌های اقتصادی موجود می‌پردازد و سطح تطابق آن با واقعیت بیرونی باید آزمون شود. ارزیابی تطابق با واقعیت بیرونی با استفاده از داده‌ها و شواهد تجربی که از دنیای واقعی به‌دست آمده‌اند، قابل انجام است. برای ارزیابی این نظریه، باید سازگاری نتایج آن با شواهد و داده‌های عینی بررسی شود تا اعتبار علمی آن تأیید گردد. آزمون این ادعا که رعایت عدالت در فضای کار باعث افزایش انگیزه عاملان اقتصادی و تقویت کارایی می‌شود، نیازمند ارائه شواهد عینی است که وقوع آن را تأیید کند. در مطالعات اقتصادی ممکن است شواهد میدانی یا آزمایشگاهی (با استفاده از نظریه بازی‌ها) بر وجود یک رابطه یا قانونمندی اقتصادی ارائه شود.

نظریه تجویزی به ارائه توصیه‌ها و سیاست‌هایی می‌پردازد که می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. آزمون این نظریه علاوه بر بررسی تطابق با شریعت و واقعیت بیرونی، وابسته به بررسی سطح تطابق آن با واقعیت انتظاری یعنی نتایج و تغییرات مورد نظر در آینده است. برای ارزیابی این نظریه، کارآمدی توصیه‌های ارائه‌شده در اصلاح واقعیت‌های اقتصادی موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کارآمدی نشان‌دهنده قابلیت عملی نظریه تجویزی است. وقتی نظریه‌پرداز دریافت مالیات بر عایدی سرمایه را برای تأمین عدالت توصیه می‌کند، درستی این نظریه به این است که نشان دهیم در عمل اثر ادعایی محقق می‌شود. در این موارد نظریه‌پرداز ممکن است به شواهد تاریخی استناد کند و استدلال کند که وضع مالیات بر عایدی سرمایه در فلان برهه زمانی در منطقه‌ای خاص باعث بهبود عدالت شده است.

۵. آزمون نظریه هنجاری در اقتصاد اسلامی

برای آزمون نظریه هنجاری در اقتصاد اسلامی باید بتوانیم استدلال کنیم که این نظریه مستند به شرع است. در مباحث فقهی استناد به شریعت را با روش‌های استنباطی انجام می‌دهند. شهید صدر از روش کشفی سخن گفت که در آن یک نظریه اقتصاد اسلامی به‌عنوان زیربنا از رونبایی همچون احکام شرعی (قوانین مدنی)، مفاهیم و نظام مالی استنتاج می‌شود. نظریه‌پرداز با بررسی رونبها به‌ویژه احکام فقه اقتصادی به زیربنا یا همان مکتب اقتصادی اسلام دست می‌یابد. روش کشفی شهید صدر داری سه مرحله: ۱. جمع‌آوری احکام شرعی مرتبط و همسو؛ ۲. گردآوری مفاهیم مرتبط؛ ۳. تحلیل و ترکیب احکام و مفاهیم برای استخراج نظریه است. نظریه‌پرداز اقتصاد اسلامی با طی این سه مرحله از رونبها مشتمل بر احکام شرعی و مفاهیم اسلامی به سمت زیربناها حاوی خطوط اساسی مکتب اقتصاد اسلامی حرکت می‌کند.

در مرحله اول؛ یعنی مرحله جمع‌آوری احکام شرعی مرتبط و همسو، محقق با مراجعه به ابواب مختلف فقهی احکام مربوطه را جمع‌آوری می‌کند. محقق می‌باید احکام شرعی را گردآوری کند که بتواند در راستای کشف نظریه مؤثر باشد. این احکام ممکن است در ابواب فقهی متفاوت پراکنده باشند. به این احکام مدنی باید احکام مرتبط با نظام مالی را نیز اضافه کرد؛ احکامی که ناظر به مالیه عمومی دولت است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۲). از نگاه شهید صدر، احکام شرعی گردآوری‌شده برای استنتاج نظریه‌ها و قواعد مکتب اقتصادی اسلام باید دارای چند شرط هماهنگی و اختصاصی بودن برخوردار باشند. احکام گردآوری‌شده باید هماهنگ باشند، به گونه‌ای که بتوان از آن نظریه منسجمی را استخراج کرد. نظریه‌پرداز برای ایجاد این هماهنگی حتی می‌تواند از فتاوی دیگر فقها استفاده کند؛ همچنین احکام جمع‌آوری‌شده نباید از جمله احکام مشترک بین مکاتب اقتصادی باشند، بلکه باید به مکتب اقتصادی اسلام اختصاص داشته باشند، تا بتواند در کشف نظریه به کار رود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۴-۳۹۵). به نظر می‌رسد که این قید قابل توجیه نیست؛ چراکه ممکن است از ترکیب احکام مشترک و اختصاصی بتوان نظریه‌ای متفاوت در اقتصاد اسلامی استخراج کرد؛ حتی در صورتی که حکم مشترک باشد، نظریه استخراج‌شده قابل استناد به اسلام و اقتصاد اسلامی می‌باشد.

در مرحله دوم روش کشفی، مفاهیم مبنایی مرتبط با موضوع جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. از نظر شهید صدر، مفهوم یا مفهوم مبنایی، هر اندیشه یا تصور اسلامی است که واقعیت تکوینی، اجتماعی یا تشریعی را منعکس می‌کند. مفاهیم مزبور شامل مبانی هستی‌شناختی (حاکمی از واقعیت‌های تکوینی جهان هستی)، مبانی جامعه‌شناختی (حاکمی از واقعیت‌های اجتماعی) و مبانی الهیاتی (حاکمی از واقعیت‌های تشریعی) می‌شود؛ برای نمونه، باور به ارتباط هستی با خداوند متعال، مفهومی اسلامی در مورد هستی است. این باور که جامعه انسانی قبل از رسیدن به مرحله عقلانیت، مرحله فطرت و غریزه را پشت‌سر گذاشته است نیز مفهومی اسلامی است. اینکه مالکیت حق ذاتی نیست و ریشه در خلیفه‌اللهی بشر دارد، از جمله مفاهیم اسلامی است. بر اساس مفهوم اخیر، مال در نگرش اسلامی مال خداوند است و خداوند افراد را در مواردی جانشین خود برای اقداماتی در مورد این اموال کرده است. از این جانشینی در مرحله تشریع با عنوان مالکیت یاد می‌شود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۶-۳۹۹).

پس از جمع‌آوری احکام تنظیم‌کننده معاملات، حقوق و التزامات و همچنین مفاهیم مرتبط، نوبت به مرحله چهارم؛ یعنی استخراج نظریه یا قواعد اساسی شکل‌دهنده مکتب اقتصادی اسلام می‌رسد. در این مرحله لازم است مجموعه گردآوری‌شده را به صورت مجموعی مورد بررسی و تحلیل قرار داد؛ چراکه بررسی انفرادی احکام به شیوه اجتهاد متعارف - که طی آن به صورت تفصیلی جوانب حکم و ابعاد مختلف آن به صورت انفرادی بررسی می‌شود - نمی‌تواند محقق فقه نظریه را به هدفش برساند. درواقع این احکام باید به عنوان جزئی از کل مورد توجه قرار گیرد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۵-۳۹۷).

با کنار هم گذاشتن احکامی همچون ممنوعیت پرداخت ربا به سرمایه در عقد قرض، جواز دریافت اجاره از ابزار تولید با استفاده از قرارداد اجاره، ممنوعیت مالکیت موجد بر ماده طبیعی حیات‌شده با استفاده از ابزار تحت اجاره،

می‌توانیم به نظریه توزیع ثروت تولیدی در اسلام رسید؛ نظریه‌ای که متمایز از مکتب اقتصاد سوسیالیستی است. بر اساس نظریه‌ای که شهید صدر از این احکام به‌دست می‌آورد، کار تنها عاملی است که بر اساس آن ثروت تولیدی توزیع می‌شود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۵-۳۹۷).

هرچند سه مرحله مورد اشاره شهید صدر، گام‌های اصلی در فرایند انتقال از احکام شرعی و مفاهیم به سمت نظریه را مشخص می‌کنند، طی این مسیر پیش‌نیازهایی نیز دارد. پیش از ورود در این سه مرحله، طی مراحل مقدماتی همچون طرح مسئله مورد نیاز به نظریه‌پردازی نیز ضروری است. نظریه‌پرداز باید بداند که در چه موردی می‌خواهد نظریه‌پردازی کند و اساساً سؤال اساسی و محوری او در مسیر نظریه‌پردازی چیست. شهید صدر، سخن صریحی در مورد مراحل پیشین نظریه‌پردازی قبل از تجمیع احکام و مفاهیم ندارد، ولی ایشان نیز در عمل پیش از ورود به سه مرحله مورد اشاره، مقدمه‌چینی‌هایی انجام می‌دهد تا زمینه را برای نظریه‌پردازی مهیا سازد. در پاره‌ای از موارد سؤال مورد نیاز برای نظریه‌پردازی از فضای مکاتب رقیب همچون مکتب سرمایه‌داری و مارکسیسم گرفته شده است. بر این اساس، برای روش کشفی حداقل چهار مرحله طرح سؤال، جمع‌آوری احکام شرعی مرتبط و همسو، گردآوری مفاهیم مرتبط و تحلیل و ترکیب احکام و مفاهیم برای استخراج نظریه قابل طرح است؛ رویکردی که می‌توان از آن با عنوان روش کشفی مسئله‌محور یاد کرد.

برخی از محققان روش‌شناسی اقتصاد اسلامی تلاش کردند تا با بسط روش کشفی، مراحل جدیدی بدان بیفزایند. از نظر ایشان، استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت دارای شش مرحله طرح مسئله، شناسایی اولیه متغیرهای مرتبط با موضوع، موضوع‌شناسی عمیق (شامل مفهوم‌شناسی، بررسی سیر تاریخی و کشف مبانی موضوع در اقتصاد رایج)، رجوع به منابع اسلامی با محوریت متغیرهای شناسایی شده (کشف مبانی موضوع از کتاب و سنت، کشف راهبردها از کتاب و سنت به روش اجتهادی، بررسی مجدد و شناسایی متغیرهای جدید)، انسجام‌بخشی و یکپارچه‌سازی و تعیین معیارها و شاخص‌های مورد نیاز در صورت لزوم است (خطیبی، ۱۴۰۲، ص ۲۶۳-۲۸۹).

۶. آزمون نظریه‌های اثباتی در اقتصاد اسلامی

شهید صدر در ضمن بحث از علم اقتصاد اسلامی امکان استفاده از روش‌های قیاسی و استقرایی را به رسمیت می‌شناسد. در تحلیل ایشان می‌توان با مفروض گرفتن تحقق مکتب اقتصادی اسلام، به تجزیه و تحلیل رفتارهای اقتصادی در علم اقتصاد اسلامی پرداخت. از نگاه ایشان، تبیین علمی پدیده‌های اقتصادی به دو صورت ممکن است: اول، پدیده‌های اقتصادی در خلال تجربه واقعیت‌ها جمع‌آوری شده و با تجزیه و تحلیل آنها، قوانین حاکم بر زندگی اقتصادی استخراج شوند؛ دوم، نظریه‌پرداز از برخی فروض مسلم نظریه‌پردازی را آغاز می‌کند و بر اساس آن به تبیین پدیده‌های اقتصادی می‌پردازد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۰-۳۳۴). روش اول همان روش استقرایی، و روش دوم، روش قیاسی است. به نظر شهید صدر استفاده از روش اول متوقف بر نهادینه شدن مکتب اقتصادی

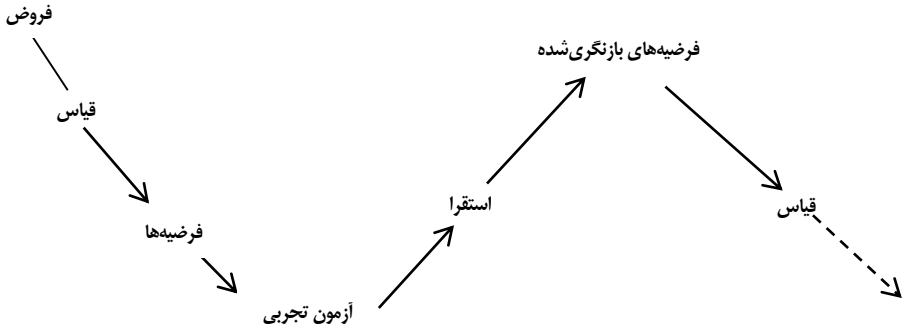
اسلام در دنیای واقعی است، ولی تبیین به روش دوم با مفروض گرفتن برخی واقعیت‌های متمایز اقتصادی در جامعه اسلامی امکان‌پذیر است؛ برای نمونه، محقق اقتصاد اسلامی به تجزیه و تحلیل نتیجه حذف بهره از نظام مالی جامعه و ساماندهی تجهیز و تخصیص منابع بر اساس مضاربه می‌پردازد و قانونمندی‌های حاکم بر نظام مالی اسلامی را استنتاج می‌کند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۲-۳۳۳).

در روش قیاس، پژوهشگر اقتصاد اسلامی با استفاده از فروض اقدام به استدلال و تدوین نظریه می‌کند؛ برای نمونه، در مباحث اقتصاد خرد اسلامی، فرض می‌شود که عاملان اقتصادی با مشکل عقلانیت ناقص روبه‌رو می‌باشند، آنان ممکن است منافع ماندگار اخروی را فدای منافع زودگذر دنیوی کنند. این فرض زمینه تدوین نظریه عرضه و تقاضا در بازار اسلامی و ضرورت سیاست‌گذاری برای تقویت عقلانیت عاملان اقتصادی را فراهم می‌کند. چنین نظریه‌ای مشابه رویکرد تحلیلی اقتصاد رفتاری است که در آن بر لزوم استفاده از تلنگرهای برای بهبود انتخاب‌های افراد با عقلانیت محدود تأکید می‌شود. تقویت بعد شناختی و انگیزشی عاملان اقتصادی مسلمان می‌تواند باعث تغییر در انتخاب‌های غیرعقلایی آنها شود. بر این اساس، در صورت تحقق عقلانیت تکامل یافته، فرد مسلمان انتخابی می‌کند که منافع دنیوی و اخروی او را به صورت هم‌زمان تأمین کند. در این راستا، چنین فردی هنگام تلاطم اوضاع اقتصادی دست به احتکار ارزاق عمومی نمی‌زند (توکلی، ۱۴۰۰).

در روش استقرایی، پژوهشگر اقتصاد اسلامی می‌تواند با بررسی رخدادهای اقتصادی در جامعه اسلامی دست به استنتاجاتی بزند؛ برای نمونه، وی با مشاهدۀ رفتار پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران در یک نظام بانکی بدون ربا، نظریاتی در مورد چگونگی واکنش آنان نسبت به تغییرات نرخ سود سپرده‌های بانکی ارائه می‌کند (توکلی، ۱۳۹۸). تبیین‌های قیاسی، آن گونه که شهید صدر نیز متذکر می‌شود، بدون توجه به تجارب واقعی نمی‌تواند با دقت علمی کامل زندگی اقتصادی در جامعه اسلامی را منعکس کند. برای تقویت این تبیین‌ها باید داده‌های حاصل از مطالعه علمی تجارب واقعیت بیرونی نیز جمع‌آوری شوند. در بسیاری از موارد بین عملکرد واقعی نظام و تفسیرهایی که بر اساس فروض از آن ارائه شده، تفاوت وجود دارد. همان گونه که این مسئله برای اقتصاددانان سرمایه‌داری نیز اتفاق افتاده که بسیاری از نظریات تحلیلی خود را بر اساس فروض بنا کرده و به نتایجی دست یافته‌اند که با نتایج واقعیت اقتصادی بیرونی ناسازگار است. این ناسازگاری ناشی از کشف برخی عوامل دیگر در عرصه واقعیت زندگی است که در فروض بدان توجه نشده بود (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۳-۳۳۴).

این نقیصه را می‌توان با تلفیق قیاس و استقرا و به کارگیری روش فرضیه‌ای - قیاسی (فرضیه‌ای - استنتاجی) تا حدود زیادی رفع کرد. نظریه‌پردازی در این روش با تنظیم فروض آغاز می‌شود؛ در ادامه، گزاره‌ها یا قضیه‌ها با استفاده از روش قیاس استنباط می‌شوند؛ مرحله نهایی به آزمون گذاشتن فرضیه‌های مستخرج در برابر داده‌هاست. در صورت ناسازگاری این فرضیه‌ها با شواهد خارجی، مقدمات، استنتاجات و فرضیه‌ها بازمینی می‌شود و دوباره فرضیه‌های جدید به آزمون گذاشته می‌شود.

نمودار ۱: روش فرضیه‌ای - قیاسی



نظریه پایداری بانکداری اسلامی را می‌توان نمونه‌ای از روش فرضیه‌ای - قیاسی دانست. بر اساس این نظریه، چون در نظام بانکی بدون ربا سود ثابتی به سپرده‌گذاران پرداخته نمی‌شود، اگر اقتصاد با رکود مواجه شود، بانک مبلغ کمتری به سپرده‌گذاران می‌پردازد و به همین دلیل با خطر ورشکستگی روبه‌رو نمی‌شود. این ادعا را می‌توان در قالب یک فرضیه به آزمون گذاشت. بر این اساس، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که بانک اسلامی در مقابل بحران‌های اقتصادی مقاوم‌تر از بانک ربوی است. بررسی مشاهدات تجربی از عملکرد بانک‌های اسلامی در بحران ۲۰۰۸ می‌تواند راهکاری برای آزمون فرضیه پایداری بانک‌های اسلامی نسبت به بحران باشد. برخی مطالعات تجربی شواهدی در تأیید این ادعا ارائه می‌کنند؛ البته شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد برخی بانک‌های اسلامی از این بحران آسیب دیده‌اند. بررسی این شواهد می‌تواند به تصحیح نظریه و استخراج فرضیه واقع‌گرایانه‌تر کمک کند. نتایج مشاهدات تجربی نشان می‌دهد بانک‌های اسلامی ای عمده‌تاً از بحران مالی آسیب دیده‌اند که از اصول بانکداری اسلامی عدول کرده و به سمت خریداری دارایی‌های سمی رفته‌اند. نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد، در بحران مالی سال ۲۰۰۸، بانک‌های اسلامی که درگیر خرید دارایی‌های سمی شدند، به شدت از این بحران متأثر شدند. در مقابل، بانک‌های اسلامی که به اصول بانکداری اسلامی وفادار ماندند، توانستند که خود را از مشکلات ناشی از بحران مصون نگه دارند (توکلی، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۸۶).

با در نظر گرفتن شواهد تجربی، می‌توان نظریه پایداری بانک‌های اسلامی را تصحیح کرد. بر این اساس، فرضیه مستخرج از نظریه ارتقایافته این خواهد بود که صرف استفاده از عقود اسلامی باعث ایمن کردن بانک اسلامی در مقابل بحران مالی نمی‌شود، بلکه بانک‌های اسلامی در صورت تبعیت از ضوابط بانکداری اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف از پایداری بیشتری برخوردار می‌باشند.

نظریه تأثیر ماه مبارک رمضان بر کاهش جرم، نمونه دیگری از قابلیت استفاده از روش فرضیه‌ای - قیاسی است. در این نظریه استدلال می‌شود که فضای معنوی ماه مبارک رمضان باعث افزایش توجه مردم به خداوند و در نتیجه کاهش میزان جرم می‌شود. از این رو این فرضیه مطرح می‌شود که حلول ماه مبارک رمضان باعث کاهش جرم می‌شود.

این فرضیه را می‌توان با بررسی آمارهای جرم و جنایت در ماه مبارک رمضان در مقایسه با سایر ماه‌ها آزمون کرد. نتایج مطالعات تجربی حاکی از رابطه معنادار بین ماه مبارک رمضان و کاهش جرائم است (حسینی، ۱۳۹۱).

آنچه تا کنون گفته شد در مورد آزمون نظریه‌های اقتصادی اثباتی است که با استفاده از منابع دینی تدوین می‌شود؛ یعنی گزاره‌هایی که به صورت صریح در کتاب و سنت نیامده است، اما آزمون گزاره‌های اقتصادی اثباتی که به صورت صریح در کتاب و سنت وجود دارد، وضعیت متفاوتی دارد. گزاره‌های اقتصادی اثباتی متخذ از قرآن از نظر سند قطعی است، ولی ممکن است از نظر دلالت قطعی نباشد. در مقابل، گزاره‌های اقتصادی اثباتی متخذ از روایات از جهت سندی و دلالتی ممکن است قطعی نباشد. در مورد گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح در قرآن مجید و همچنین گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح در روایات، آزمون‌پذیری متنی است؛ زیرا این گزاره‌ها از واقعیتی حتمی گزارش می‌دهند و آزمون به معنای تطابق با واقعیت بیرونی معنا ندارد؛ زیرا این گزاره‌های اقتصادی اثباتی صریح در آیات و روایات از واقعیات قطعی گزارش می‌دهند. تنها نکته موجود در مورد این گزاره‌ها مواردی است که دلالت گزاره متخذ از آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام قطعی نباشد. در این حالت، آزمون به مفهوم ارزیابی واقع‌نمایی گزاره مطرح نیست، ولی می‌توان اقدام به ارزیابی دلالت آن کرد؛ برای نمونه، در آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)، این گزاره اثباتی اقتصادی قابل استخراج است که بین گسترش ایمان و تقوا در جامعه و برکت رابطه مثبت وجود دارد؛ یعنی هنگامی که سطح ایمان و تقوا در جامعه افزایش یابد، برکت نیز افزایش می‌یابد. ممکن است محقق اقتصاد اسلامی این گزاره را این گونه تفسیر کند که بین تقویت شاخص‌های اخلاق اقتصادی و شاخص رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد. در این مورد، آزمون این نظریه یا گزاره به مفهوم بررسی امکان تطبیق گزاره صریح قرآنی بر این برداشت مفهومی است. البته ممکن است این ایده مطرح شود که محقق اقتصاد اسلامی با ارزیابی شواهد بیرونی در مورد گزاره اقتصادی اثباتی صریح در منابع دینی، به دنبال ارائه شواهدی برای کسانی است که حجیت این دو منبع شناخت را نپذیرفته‌اند. در این صورت بررسی شواهد تجربی و تاریخی می‌تواند باعث شود که حقانیت این گزاره‌ها برای دیگران نیز آشکار شود.

۷. آزمون نظریه‌های تجویزی در اقتصاد اسلامی

نظریه اقتصادی تجویزی حاوی طرح و نقشه‌ای برای دستیابی به اهداف اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی پیش‌روست. آزمون این نظریه بدان است که نشان دهیم الگو یا طرح پیشنهادی هم با موازین شریعت هماهنگ است و هم می‌تواند نتایج مورد انتظار را محقق کند. وقتی نظریه‌پرداز الگویی را برای تحقق عدالت ارائه می‌دهد، وی باید شواهدی بر تطابق آن با اقتضائات نظریه عدالت توزیعی اسلامی و همچنین اثربخشی آن در بهبود وضعیت عدالت توزیعی ارائه دهد؛ برای نمونه، توزیع سهام عدالت ممکن است از جهت آزمون تطابق با شریعت و کارآمدی با مشکل روبه‌رو شود، ممکن است گفته شود که تخصیص مساوی آن با اقتضائات نظریه عدالت هماهنگ نباشد، شیوه اجرایی تخصیص این سهام نیز ممکن است باعث ناکارآمدی آن شود.

آزمون یک الگوی بانکداری اسلامی، به عنوان نمونه دیگر، به این است که هم مطابقت آن با شریعت و هم کارآمدی آن را آزمون کنیم. ممکن است یک الگوی بانکداری اسلامی از جهت مطابقت با شریعت مورد تأیید قرار گیرد، ولی از نظر کارآمدی با مشکل مواجه باشد. اگر یک الگوی بانکداری اسلامی در آزمون مطابقت با شریعت موفق نباشد، نوبت به آزمون کارآمدی نمی‌رسد.

آزمون کارآمدی را می‌توان نوعی آزمون تحقق اهداف مورد نظر شارع دانست. اگر یک الگوی بانکداری اسلامی ضوابط شریعت را تأمین کند، ولی در تحقق عدالت توزیعی موفق نباشد، در این صورت هدف شریعت از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی محقق نشده است. بر این اساس، آزمون کارآمدی را نیز باید نوعی آزمون مطابقت با اهداف شریعت قلمداد کرد. با توجه به اینکه الگوهای عملیاتی نوعی طراحی بر اساس اهداف و رهیافت‌های اسلامی است، ناکامی الگو در عمل به این مفهوم نیست که اهداف مورد توجه و یا ضوابط شرعی نادرست است. این ناکامی می‌تواند در نتیجه ضعف در طراحی الگو و یا حتی ضعف در اجرا باشد. ممکن است یک الگو برای یک زمان و یا یک منطقه مناسب نباشد و از این جهت در عمل با موفقیت همراه نباشد.

۸. گام‌های آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی

آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی در دو مرحله صوری و محتوایی صورت می‌گیرد. در آزمون صوری مرحله اول بررسی می‌شود که آیا شکل استنتاج در نظریه از جهت منطقی درست است یا خیر؟ در آزمون محتوایی مرحله دوم بررسی می‌شود که مواد استدلال و همچنین نتیجه گرفته‌شده را چه میزان می‌توان معتبر دانست.

مرحله دوم آزمون محتوایی در هریک از سه نوع نظریه در اقتصاد اسلامی می‌تواند مستلزم مراحل و گام‌های متفاوتی باشد. نظریه اقتصادی هنجاری نیازمند آزمون تطابق شرعی؛ یعنی بررسی انطباق با منابع دینی است. نظریه اقتصادی اثباتی نیازمند آزمون بیرونی و بررسی تطابق ادعاهای مطرح‌شده با شواهد تاریخی، آماری و رفتاری است. در نظریه اقتصادی تجویزی ترکیبی از آزمون تطابق با شریعت، سازگاری با شواهد عینی و کارآمدی عملی نیاز است. جدول ۴: روش آزمون محتوایی انواع نظریه در اقتصاد اسلامی

انواع نظریه	کارکرد نظریه	رویکرد نظریه	روش تدوین نظریه	روش آزمون نظریه
نظریه اقتصادی هنجاری	ترسیم وضعیت مطلوب	ارزش‌داوری	روش کشفی	آزمون انطباق با منابع دینی
نظریه اقتصادی اثباتی	تحلیل رفتارها و روابط بین متغیرها، پیش‌بینی واکنش‌ها به مداخلات سیاستی	تبیین، پیش‌بینی	روش فرضیه‌ای - قیاسی	آزمون بیرونی (شواهد تاریخی، آماری و رفتاری)
نظریه اقتصادی تجویزی	ارائه پیشنهادات اصلاحی (ساختاری، سیاستی)	تجویز، توصیه سیاستی	روش کشفی / تأسیسی	آزمون ترکیبی (بررسی تطابق با منابع دینی، سازگاری با شواهد تاریخی و آماری، کارآمدی تجویزی)

برای تطبیق نکات بالا، نمونه تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کارمندان‌شان را در نظر بگیرید (خلیلی تیرتاشی و توکلی، ۱۴۰۳). در این مورد این سؤال مطرح است که آیا بانک‌ها مجازند بیش از عموم مردم به کارمندان خودشان تسهیلات اعطا کنند؟ برای قضاوت در این زمینه، مجموعه‌ای از نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی را می‌باید مطرح و آزمون کرد. نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی نمونه‌ای از نظریه اقتصادی هنجاری در حوزه بانکداری اسلامی است. برای آزمون این نظریه باید بررسی کرد که آیا شیوه عادلانه تسهیلات با نظریه عدالت توزیعی استخراج‌شده از منابع دینی سازگار است یا خیر؟ اگر بر اساس نظریه عدالت توزیعی اسلامی، منشأ استحقاق کار یا نیاز است، باید دید که آیا نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی به این دو منشأ استحقاق در تعیین حق متقاضیان تسهیلات بانکی توجه کرده است یا خیر؟ نظریه رفتار کارمندان بانک نوعی نظریه اقتصادی اثباتی است که آزمون آن به بررسی درستی تبیین و پیش‌بینی ارائه‌شده از رفتار آنها در زمینه تسهیلات و واکنش احتمالی به تغییرات سیاستی است. آزمون نظریه سیاست تسهیلات کارمندی نیز به این است که سیاست تجویزی را از جهت انطباق با اقتضائات نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی، سازگاری با شواهد رفتاری و همچنین کارآمدی اجرایی می‌توان آزمون کرد. آزمون نظریه می‌تواند به بازنگری نظریه در مرحله تدوین کمک کند و منجر به اصلاح و تدقیق محورهای مختلف نظریه همچون فروض و فرضیه‌ها شود.

جدول ۵: از تدوین نظریه تا آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی

سرخ نظریه	مراحل نظریه‌پردازی	گام‌های تدوین نظریه	روش آزمون
هنجاری	نظریه عدالت توزیعی تسهیلاتی	جمع‌آوری احکام و مفاهیم (مبانی)، استخراج معیارهای عدالت استحقاقی در زمینه تسهیلات بانکی (مثال: عدالت مستلزم تساوی فرصت در دسترسی به تسهیلات) (روش کشفی)	آزمون هماهنگی با اقتضائات نظریه عدالت توزیعی اسلامی
اثباتی	نظریه رفتار تسهیلاتی کارمندان بانک	مبانی، استدلال قیاسی، استخراج فرضیه(ها)، آزمون فرضیه(ها) (مثال: کارمند بانک به دنبال بیشینه‌سازی منافع خود است، محدودیت باعث کاهش انگیزه فعالیت می‌شود) (روش فرضیه‌ای - قیاسی)	آزمون سازگاری با شواهد رفتاری
تجویزی	الگوی تسهیلات کارمندی بانکی	مبانی، طراحی الگو، استخراج فرضیه(ها)، آزمون فرضیه(ها) (مثال: کاهش سقف تسهیلات، افزایش شفافیت اطلاعاتی) (روش تأسیسی)	آزمون سازگاری با اقتضائات عدالت تسهیلاتی بانکی، شواهد رفتاری و کارآمدی عملی

نتیجه‌گیری

در ادبیات روش‌شناسی اقتصاد اسلامی، صورت‌بندی کاملی از روش آزمون نظریه در اقتصاد اسلامی صورت نگرفته است. علی‌رغم مباحثی که در زمینه روش نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی با تفکیک بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی ارائه شده است، رویکرد مشخصی در مورد آزمون این نظریه‌ها ارائه نشده است؛ حتی این ابهام مطرح است که آیا نظریه‌های اقتصاد اسلامی را می‌توان آزمون کرد. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی روش آزمون نظریه‌ها در اقتصاد اسلامی با توجه به تفکیک میان نظریه‌های اقتصادی هنجاری، اثباتی و تجویزی بررسی شد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، هرچند آزمون صوری این نظریه‌ها یکسان و مستلزم ارزیابی اتقان منطقی شکل استدلال است، آزمون محتوایی آنها متمایز است.

نظریه‌های هنجاری به تبیین ارزش‌ها و اهداف اقتصادی در اسلام می‌پردازند و نیازمند تطابق با منابع دینی می‌باشند. نظریه‌های اثباتی، با تمرکز بر تحلیل رفتارها و روابط بین متغیرها، به پیش‌بینی واکنش‌ها به مداخلات سیاستی می‌پردازند و باید با شواهد تاریخی، آماری و رفتاری سازگار باشند. البته گزاره‌های اقتصادی اثباتی که به‌صورت صریح در آیات و روایات مطرح شده باشند، آزمون‌پذیر نیستند و واقع‌نمایی آنها قطعی است. در این موارد، ارائه شواهد عینی و تاریخی می‌تواند برای اقناع مخاطبانی که حجیت منابع دینی را نمی‌پذیرند، مؤثر باشد. در نهایت، نظریه‌های تجویزی به ارائه پیشنهادات اصلاحی می‌پردازند و کارآمدی آنها در عمل همراه با تطابق با شریعت و شواهد بیرونی باید مورد بررسی قرار گیرد. نظریه‌های اقتصادی هنجاری را باید آزمون درونی (آزمون استناد به کتاب و سنت) کرد، ولی در زمینه نظریه‌های اثباتی باید به سراغ شواهد بیرونی رفت. در مورد نظریه‌های تجویزی نیز که عملاً ترکیبی از نظریه‌های هنجاری و اثباتی به‌علاوه هنر طراحی است، باید علاوه بر آزمون گزاره‌های مخفی هنجاری و اثباتی، کارآمدی تجویز صورت‌گرفته را نیز آزمون کرد.

پیش از آزمون محتوایی نظریه‌های اقتصاد اسلامی، باید آنها را از نظر صوری نیز آزمون منطقی کرد. آزمون منطقی در این سطح، صورت استدلال و استنتاج را بررسی می‌کند. این نوع آزمون برای آن است که دچار خطای در استنتاج نشویم. خطای در استدلال می‌تواند شامل مواردی همچون استفاده دوگانه از اصطلاحات، استنتاج نادرست از داده‌ها، تعمیم نادرست، عدم توجه به متغیرهای کنترلی، استفاده از نمونه‌های غیرنماینده و خطای پس از وقوع شود.

منابع

- توکل، محمدجواد (۱۳۹۸). *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توکل، محمدجواد (۱۴۰۰). چشم‌اندازهای نظریه عقلائی محدود در اقتصاد اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۲۶)، ۱۸۱-۲۱۰.
- توکل، محمدجواد (۱۴۰۲). درآمدی بر فلسفه اقتصاد اسلامی؛ بررسی هویت دانش اقتصاد اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- توکل، محمدجواد (۱۳۹۳). تحلیلی بر طرح اقتصادی شورای پای صلح در اصلاحات کلان اقتصادی در جهان. معرفت ادیان، ۳(۱۱)، ۶۵-۸۶.
- توکل، محمدجواد و شفیعی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱). شاخص تولید خالص داخلی طیب. معرفت اقتصاد اسلامی، ۳(۶)، ۳۹-۵۳.
- حسینی، حسینی (۱۳۹۱). ارزش‌ها و رفتار اقتصادی انسان مسلمان (مطالعه موردی ماه مبارک رمضان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسینی، سیدعلی (۱۳۹۳). تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا در حوزه اقتصاد کشاورزی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۶(۱۱)، ۱۲۵-۱۳۸.
- خطیبی، مهدی (۱۴۰۲). روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خلیلی تیرتاشی، محسن و توکل، محمدجواد (۱۴۰۳). ارزیابی تسهیلات بانکی کارمندی. قم: اندیشکده قدر.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۶). درآمدی بر اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.
- صدر، سیدمحمد باقر (۱۴۲۱ق). الاسلام یقود الحیاة. تهران: المؤتمر العالمی لائمة الجمعة و الجماعة.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۰ق). اقتصادنا. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صمصامی، حسین و داودی، پرویز (۱۳۸۹). به سوی حذف ربا از نظام بانکی از نظریه تا عمل. تهران: دانایی توانایی.
- قحف، منذر (۱۴۲۰ق). الاقتصاد الإسلامي علماً و نظاماً. بی‌جا: بی‌نا.
- محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۲). ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری جمهوری اسلامی در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۴). فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۹)، ۳۲-۵.
- نظریپور، محمدنقی (۱۳۸۴). آزمون‌های تجربی در اقتصاد و کاربردهای آن در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۵(۱۷)، ۴۵-۱۱.
- نظری، حسن آقا (۱۳۹۶). روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد واقعیت نهادی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نظری، حسن آقا و خطیبی، مهدی (۱۳۹۲). روش‌شناسی فقه نظریات اقتصادی از منظر شهید صدر. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲(۴)، ۲۸-۵.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۱). روش‌های استنباط نظام اقتصادی اسلام. کاوشی نو در فقه، ۱۰(۳۳ و ۳۴)، ۲۸۷-۳۲۷.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵). روش‌های کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام. اقتصاد اسلامی، ۶(۲۲)، ۱۴۷-۱۷۶.
- Beker, V. (2023). *Economic Theory for the Real World*. London: Routledge.
- Brown, A. (2024). *Private Law and Competition Regulation: A Comparative Study* (2 ed.). Routledge.
- Copi, I., Cohen, C. & McMahon, K. (2016). *Introduction to logic*. Routledge.
- Hurley, P. (2011). *A concise introduction to logic* (11 ed.). Cengage Learning.
- Miller, T. (2021). Environmental Assessments of Capital-Intensive Product Systems, Chemical and Environmental Engineering (ENAS). Doctoral dissertation, Yale University.
- Rees, T. (2022). *Women and the labor Market*. Routledge.
- Tvede, L. (2002). *The Psychology of Finance: Understanding the Behavioural Dynamics of Markets*, Revised ed. Wiley.

The Nature and Limitations of Applying Rational Choice Theory in Explaining Non-Economic Phenomena

Ataollah Rafiee Atani  / Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management, Economics and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology rafieiatani@iust.ac.ir

Received: 2025/03/06 - **Accepted:** 2025/05/17

Abstract

Rational choice theory provides the foundational framework for formulating all assumptions of neoclassical economic theories based on the model of homo economicus. As a conceptual construct, homo economicus has emerged as the central subject of economic science, resulting in the development of economic theories—particularly in microeconomics—through a deductive approach derived from its characteristics. Self-interest, individualism, and perfect rationality are among the core attributes of this model. Despite its numerous limitations, rational choice theory possesses significant explanatory power in analyzing economic behavior. Employing an analytical approach, this study demonstrates that while the theory has faced fundamental criticisms within economics, especially from institutional economics grounded in sociological insights and behavioral economics rooted in psychological findings—it has gradually been extended to explain various aspects of human behavior in broader social domains such as culture, family, politics, religion, and law. This paper examines the underlying reasons for such extensions and seeks to illuminate the psychological, sociological, and ethical limitations of this generalization, with the aim of contributing to the formulation of a more comprehensive theory of rationality.

Keywords: Rational Choice Theory, Homo Economicus, Public Choice Theory, Economics of the Family, Law and Economics, Economics of Religion.

JEL Classification: B41, B00

ماهیت و محدودیت‌های به‌کارگیری نظریه انتخاب عقلایی در تبیین امور غیراقتصادی

عطاالله رفیعی آتانی  / استادیار گروه اقتصاد دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران
 دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷
 rafieiatani@iust.ac.ir

چکیده

نظریه انتخاب عقلایی، چارچوبی برای صورت‌بندی تمام مفروضات نظریات اقتصاد نئوکلاسیک بر مدار الگوی انسان اقتصادی است. انسان اقتصادی یک مدل مفهومی است که به موضوع محوری دانش اقتصاد تبدیل شده است؛ در نتیجه نظریات اقتصادی با محوریت اقتصاد خرد به‌ نحو قیاسی از خصوصیات آن استخراج شده است. منفعت‌طلبی، فردگرایی و عقلانیت کامل از خصوصیات اصلی انسان اقتصادی است. این نظریه به‌رغم محدودیت‌های متعدد، اما از قابلیت زیادی برای تبیین رفتارهای اقتصادی برخوردار است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی نشان داده شده است که این نظریه با اینکه در چارچوب دانش اقتصاد از سوی اقتصاد نهادگرایی بر اساس نظریات جامعه‌شناختی و اقتصادی رفتاری بر اساس نظریات روان‌شناختی مورد نقد اساسی واقع شده است، اما به‌تدریج به‌منظور تبیین همه رفتارهای آدمی در حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی نظیر فرهنگ، خانواده، سیاست، دین و حقوق نیز به‌کار گرفته شده است. در این مقاله با بررسی دلایل این تعمیم، تلاش شده است تا محدودیت‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اخلاقی این تعمیم - به‌منظور نیل به یک نظریه جامع عقلانیت - نشان داده شود.

کلیدواژه‌ها: نظریه انتخاب عقلایی، انسان اقتصادی، نظریه انتخاب عمومی، اقتصاد خانواده، اقتصاد حقوق، اقتصاد دین.

طبقه‌بندی JEL: B41، Boo.

مقدمه

بر اساس مبنای جان استوارت میل (۱۸۴۴)، مبدع مفهوم انسان اقتصادی، این مفهوم فقط برای تبیین قلمرو ابعاد اقتصادی زندگی انسان تعریف شده بود و به همین دلیل، قلمرو علم اقتصاد از سایر علوم اجتماعی متمایز قلمداد شد، اما مفهوم «انسان اقتصادی» و نظریه انتخاب عقلایی مبتنی بر آن به تدریج در حوزه‌های دیگر علوم اجتماعی؛ از جمله جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، جرم‌شناسی و روابط بین‌الملل گسترش یافتند. واقعیت آن است که با رشد انسان اقتصادی، هم به صورت عینی در بستر تاریخی دوران مدرن و هم در فرایند نظریه‌پردازی با هدف تشخیص و تعریف روشن‌تر ماهیت آن، به دلایلی که بعداً خواهد آمد، نظریه انتخاب عقلایی به عنوان یک پارادایم نظریه‌پردازی در قلمرو رشته‌های دیگر علمی نظیر جامعه‌شناسی، سیاست، مدیریت و حقوق نیز به کار رفت. تأثیر این مبنا تا حدی است که یکی از برجسته‌ترین پیشرفت‌های اخیر در جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، ظهور نظریه یا روش‌شناسی «نظریه انتخاب عقلایی» قلمداد شده است. اصول و مبانی (آکسیوم) کنشگر عقلایی، تقریباً پایه تمام نظریه‌پردازی‌های مؤثر در علوم اجتماعی است (جوادی یگانه، ۱۳۸۷، ص ۳۵). جذابیت نظریه انتخاب عقلایی برای جامعه‌شناسی، که علت گسترش آن نیز بوده است، اولین بار توسط جیمز کلنن تشریح شد؛ زیرا مفهومش چنان کامل و کاربردی است که ما را از سؤالات بیشتر بی‌نیاز می‌گرداند (کلنن، ۱۳۷۷). بر اساس این چارچوب نظری، هیئت زندگی اجتماعی محصول رفتار تک‌تک افرادی است که در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی رفتار می‌کنند. اهمیت این موضوع به اهمیت نتایج هستی‌شناختی و روش‌شناختی تعمیم و توسعه نظریه انتخاب عقلایی در سایر حوزه‌ها باز می‌گردد. اگر تعمیم به کارگیری مدل انسان اقتصادی برای تبیین سایر حوزه‌های زندگی با واقعیت خارجی در هر جامعه‌ای سازگار باشد، به معنای آن است که انسان‌ها در آن جوامع در همه ابعاد دیگر زندگی نیز به انسان اقتصادی تبدیل شده‌اند. این واقعیت سبب می‌شود تا از نظر روش‌شناختی، ایده امپریالیسم دانش اقتصاد و مبنایی بودن اقتصاد و علم اقتصاد برای سایر علوم یک تأییدیه جدی دریافت کند.

نظریه انتخاب عقلایی

نظریه انتخاب عقلایی کنشگر بر اساس اصول ذیل بنا شده است (Gerrard, 2006, p.39).

- هدف کنشگر حداکثرسازی مطلوبیت و منفعت فردی است؛
 - کنشگر برای تحقق هدف خود با مجموعه‌ای مشخص از گزینه‌ها مواجه است؛
 - کنشگر برای هر جفت گزینه A و B، یکی از حالات ذیل را تجربه می‌کند:
- A را به B ترجیح می‌دهد؛
- B را به A ترجیح می‌دهد؛
- بین A و B بی تفاوت است.
- این اصل به نام اصل کامل بودن (completeness) شناخته می‌شود.

- ترجیحات کنشگر گذرا هستند؛ به این معنا که اگر فرد گزینه A را به B ترجیح دهد و B را به C؛ پس باید A را به C ترجیح دهد. اگر بین A و B بی تفاوت باشد و همچنین بین B و C؛ پس باید بین A و C نیز بی تفاوت باشد. در اقتصاد وقتی از رفتار «عقلایی» صحبت می شود معمولاً رفتاری مدنظر است که با این اصول همخوانی داشته باشد به علاوه تحلیل انتخاب عقلایی فرض می کند که عامل یا گروهی از عوامل که در حال حداکثرسازی مطلوبیت هستند، در فرایند انتخاب با محدودیت ها روبه رو هستند (Gerrard & libid, 2006).

محدودیت ها موجب می شوند که انتخاب ضروری شود و یکی از مزایای نظریه انتخاب عقلایی این است که بر همین اساس مبادله میان گزینه ها را آشکار می سازد؛ مثلاً یکی از محدودیت های رایج در انتخاب مصرف کننده محدودیت بودجه ای است. این محدودیت بیان می کند که مصرف کننده نمی تواند بیش از درآمد خود خرج کند. البته در مدل های چنددوره ای، امکان استقراض وجود دارد اما در این حالت، مصرف کننده باید بتواند در آینده بدهی خود را بازپرداخت کند. استفاده از توابع مطلوبیت موجب می شود که فرایند انتخاب به یک مسئله بهینه سازی مقید تبدیل شود. در این چارچوب، فرض می شود که عامل تصمیم گیرنده، انتخابی را انجام می دهد که تحت محدودیت ها بیشترین مقدار ممکن از مطلوبیت را ایجاد کند و روش های بهینه سازی مقید که بر مبانی ریاضیاتی مانند حساب دیفرانسیل و مجموعه ها استوار هستند، برای این تحلیل استفاده می شوند. یکی از عناصر مهم در تحلیل انتخاب عقلایی، شرایط محیطی است که در آن انتخاب ها انجام می شوند. در مدل های اقتصادی ساده، تحلیل معمولاً بر انتخاب های انجام شده در بازارها متمرکز است. یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در تحلیل انتخاب عقلایی، سازگاری انتخاب ها میان افراد مختلف و نقش قیمت در برقراری تعادل است. یک وضعیت که در آن تمامی کنشگران بهینه سازی کرده و انتخاب های شان با یکدیگر سازگار است، تعادل نامیده می شود؛ مثلاً در بازار سیب، تعادل زمانی حاصل می شود که مقدار سیبی که خریداران قصد خرید آن را دارند، برابر با مقدار تولید و فروش فروشندگان باشد. در غیاب مداخلات شدید مانند کنترل قیمت ها توسط دولت، تحلیل گرانی که از نظریه انتخاب عقلایی استفاده می کنند، معمولاً فرض می کنند که نتایج تعادلی مدل، بازتاب مناسبی از واقعیت دارند؛ به عنوان مثال، یک تحلیل گر نظریه انتخاب عقلایی، تعبیرات قیمت واقعی سیب در دنیای واقعی را بر اساس تغییرات احتمالی در قیمت تعادلی آن در مدل خود بررسی می کند.

هدف اصلی تعمیم به کارگیری نظریه انتخاب عقلایی از اقتصاد به سایر حوزه های اقتصادی، توضیح پدیده های اجتماعی بر اساس فروض عقلانیت در انتخاب های فردی است. برای دستیابی به این هدف، این نظریه دو مکانیسم کلیدی را در نظر می گیرد: نخست، فرض بر این است که افراد به صورت عقلایی تصمیم می گیرند و گزینه هایی را انتخاب می کنند که بیشترین فایده را برای آنها داشته باشد؛ دوم، اینکه تصمیمات بر اساس اطلاعات در دسترس و محدودیت های نهادی و اجتماعی اتخاذ می شوند.

پیشینه پژوهش

نظریه انتخاب عقلایی (Rational Choice Theory)، یکی از برجسته ترین چارچوب های تحلیلی در علوم اجتماعی مدرن به شمار می رود که نخست در اقتصاد نئوکلاسیک بسط یافت و سپس در حوزه های متنوعی چون علوم سیاسی،

جامعه‌شناسی، حقوق و دین‌پژوهی گسترش پیدا کرد. با این حال، گسترش این نظریه به حوزه‌های غیراقتصادی همواره با پرسش‌های انتقادی و تردیدهای نظری مواجه بوده است. در میان مهم‌ترین نقدهای وارد شده به این نظریه در سنت آنگلو ساکسون، می‌توان به کتاب *آسیب‌شناسی نظریه انتخاب عقلایی* اشاره کرد که توسط گرین و شاپیرو نگاشته شده است (Green & Shapiro, 1994). این اثر با بررسی نمونه‌هایی از کاربرد انتخاب عقلایی در علوم سیاسی، استدلال می‌کند که بسیاری از این تحلیل‌ها از حیث تجربی ضعیف و از نظر روش‌شناختی فاقد آزمون‌پذیری‌اند. در کنار آن، الستر با مجموعه‌ای از مقالات و آثار خود، نقش محوری در نقد درونی این نظریه ایفا کرده است. در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت و دامنه تبیین انتخاب عقلانی»، او به این نتیجه می‌رسد که نظریه انتخاب عقلایی تنها در شرایط خاصی کارآمد است و در بسیاری از رفتارهای اجتماعی، عوامل غیرعقلانی مانند عواطف، هنجارها و زمینه‌های نهادی نقشی اساسی دارند (Elster, 1989). الستر همچنین در مقاله‌ای دیگر، بر خلأهای مفهومی نظریه، به‌ویژه در رابطه با پدیده‌هایی نظیر تصمیم‌گیری احساسی و رفتارهای هنجاری تأکید می‌کند (Elster, 1986). در همین زمینه، هکتر و کانازاوا در مقاله‌ای تلاش کرده‌اند تا ظرفیت‌های این نظریه را در حوزه جامعه‌شناسی ارزیابی کنند. آنها بر این نکته تأکید دارند که اگرچه این نظریه در برخی سطوح خرد کارایی دارد، اما در مواجهه با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دچار ضعف تحلیلی می‌شود (Hechter & Kanazawa, 1997). علاوه بر این، آثار کلاسیکی چون *یک تئوری اقتصادی برای دموکراسی* نوشته داونز (Downs, 1957) و *بنیادهای تئوری اجتماعی* نوشته کلمن (Coleman, 1990)، هر دو تلاش کرده‌اند تا نظریه انتخاب عقلایی را به حوزه‌های سیاسی و اجتماعی وارد کنند، اما همین آثار نیز منجر به مباحثاتی جدی در خصوص فردگرایی افراطی و نادیده گرفتن پیچیدگی‌های ساختاری شده‌اند. البته این پژوهش به دلیل رویکرد متاتئوریک آن به بسیاری از این مطالعات توجه داشته است.

در مطالعات فارسی، هرچند پژوهش‌های مستقل و عمیق در این حوزه محدود است، اما برای نمونه مقاله‌ای از محمدرضا جوادی یگانه با عنوان «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی» منتشر شده است (جوادی یگانه، ۱۳۸۷). بررسی منابع فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های پراکنده و نقدهای مهم، تاکنون پژوهشی که به‌صورت جامع، نظام‌مند و از منظرهای گوناگون بررسی محدودیت‌های به‌کارگیری نظریه انتخاب عقلایی در حوزه‌های غیراقتصادی بپردازد، منتشر نشده است. پژوهش حاضر تلاشی است برای پر کردن این خلأ، با هدف تحلیل ظرفیت‌ها و ناکارآمدی‌های این نظریه در فهم پیچیدگی‌های رفتار انسانی در فراتر از منطق بازار. در این پژوهش تلاش شده است تا این مسئولیت در چارچوب بخش‌های ذیل انجام‌پذیرند.

۱. تحلیل‌های اجتماعی در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی

جامعه‌شناسان برای تحلیل رفتارهای فردی و اجتماعی، از نظریه انتخاب عقلایی (RCT) استفاده کردند تا نشان دهند چگونه افراد در تعاملات اجتماعی خود مبتنی بر محاسبه هزینه و فایده و با بیشینه‌سازی مطلوبیت خود عمل می‌کنند. این نظریه در ابتدا توسط جیمز کلمن، جان الستر و گری بکر در جامعه‌شناسی توسعه یافت و به تحلیل پدیده‌های اجتماعی مختلف کمک کرد.

۱-۱. تحلیل اقتصادی رفتارها و پدیده‌های اجتماعی

جیمز اس. کلمن یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسانی است که نظریه انتخاب عقلایی (RCT) را در تحلیل‌های جامعه‌شناختی به کار برد. او در کتاب تأثیرگذار خود (۱۹۹۰)، تلاش کرد تا با استفاده از اصول RCT، پیوندی میان کنش‌های فردی و ساختارهای اجتماعی برقرار کند. کلمن فرض می‌کرد که افراد به صورت عقلایی عمل می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های خود به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی هستند. او این اصل را به عنوان مبنایی برای تحلیل رفتارهای اجتماعی قرار داد. یکی از اهداف کلمن، توضیح چگونگی تأثیر کنش‌های فردی بر پدیده‌های اجتماعی کلان بود. او با استفاده از RCT نشان داد که چگونه انتخاب‌های عقلایی افراد می‌تواند به نتایج جمعی منجر شود. کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی را نیز با استفاده از RCT توسعه داد. او استدلال کرد که افراد در تعاملات اجتماعی خود به دنبال منافع شخصی هستند و این تعاملات می‌تواند به ایجاد شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی منجر شود که به نوبه خود به عنوان سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند. کلمن با استفاده از RCT توضیح داد که چگونه هنجارهای اجتماعی می‌توانند از تعاملات عقلایی‌افراد پدید آیند. او نشان داد که افراد ممکن است برای دستیابی به منافع مشترک، هنجارهایی را ایجاد و تقویت کنند. کلمن با به کارگیری نظریه انتخاب عقلایی، چارچوبی فراهم کرد که از طریق آن می‌توان تأثیر تصمیمات فردی را بر ساختارهای اجتماعی تحلیل کرد و درک بهتری از پدیده‌های اجتماعی به دست آورد. جان الستر، فیلسوف و جامعه‌شناس نروژی، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه نظریه انتخاب عقلایی است (۲۰۰۹). او با نقد و توسعه این نظریه، تلاش کرده است تا کاربردهای آن را در علوم اجتماعی گسترش دهد و محدودیت‌های آن را نیز مورد بررسی قرار دهد (۱۹۷۹). الستر به طور جدی تبیین‌های کارکردگرایانه در علوم اجتماعی، به ویژه در مارکسیسم را مورد نقد قرار داده است (۱۹۸۵). او معتقد است که این تبیین‌ها اغلب «هدفی را بدون کنش هدفمند» فرض می‌کنند و به نوعی به غایت‌شناسی عینی متکی هستند. به عبارت دیگر، الگوهای رفتاری یا نهادها به واسطه پیامدهای سودمندشان تبیین می‌شوند، بدون اینکه قصد و نیت خاصی از سوی افراد در ایجاد آنها وجود داشته باشد. الستر تأکید می‌کند که برای تبیین چنین نهادهایی، باید سازوکارهای مشخصی که مسئول حفظ و نگهداری آنها هستند، شناسایی شوند. الستر پیشنهاد می‌کند که به جای تبیین‌های کارکردگرایانه، از نظریه انتخاب عقلایی، به ویژه در قالب نظریه بازی‌ها استفاده شود. او ادعا می‌کند که این رویکرد برای تحلیل موضوعاتی مانند استثمار، مبارزات طبقاتی و انقلاب‌ها در مارکسیسم بسیار ارزشمند است. الستر بر این باور است که حتی خود مارکس نیز در تحلیل‌هایش از رویکرد انتخاب عقلایی بهره برده است؛ به عنوان مثال، زمانی که سرمایه‌داران سرمایه خود را به بخش‌هایی منتقل می‌کنند که بیشترین بهره را نصیبشان می‌کند یا برای بقا، اختراعات جدیدی را به بازار عرضه می‌کنند. الستر همانند جیمز کلمن و ریمن بودون، بر اهمیت یافتن مبنای خرد برای تبیین پدیده‌های اجتماعی تأکید دارد. او معتقد است که تبیین علمی باید شامل ارائه سازوکارهایی باشد که فرایندهای درونی و علی را نشان دهند. به عبارت دیگر، به جای تکیه بر تبیین‌های کلان و کارکردگرایانه، باید به دنبال سازوکارهای فردی و انتخاب‌های

عقلایی افراد بود که منجر به پدیده‌های اجتماعی می‌شوند. با وجود حمایت الستر از نظریه انتخاب عقلایی، او به محدودیت‌های آن نیز اذعان دارد؛ به‌عنوان مثال، او اشاره می‌کند که در بسیاری از موارد، کنشگران اجتماعی ممکن است احساسات قوی نسبت به موضوعاتی داشته باشند که مستقیماً با منافع شخصی آنها مرتبط نیست؛ همچنین در برخی موقعیت‌ها، کنش‌ها ممکن است بر اساس دلایل شناختی یا ارزشی انجام شوند، نه صرفاً بر مبنای محاسبات سود و زیان. در نتیجه، الستر با نقد و توسعه نظریه انتخاب عقلایی، تلاش کرده است تا کاربردهای آن را در علوم اجتماعی گسترش دهد و در عین حال، به محدودیت‌ها و چالش‌های آن نیز توجه داشته باشد.

۱-۲. تحلیل اقتصادی حقوق و خانواده

گری بکر اقتصاددان و برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۹۲، مفهوم «انسان اقتصادی» (Homo Economicus) را فراتر از حوزه سنتی اقتصاد به‌کار برد. او این جایزه را به دلیل بسط نظریه‌های اقتصادی به حوزه‌های جدید مانند تبعیض، سرمایه‌انسانی، جرم و خانواده دریافت کرد. بکر یکی از پیشگامان استفاده از اقتصاد خرد برای تحلیل موضوعاتی بود که پیش‌تر در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی قرار می‌گرفتند. او استدلال کرد که مفهوم انسان اقتصادی می‌تواند برای تحلیل رفتارهای انسانی در زمینه‌های مختلفی مانند خانواده، جرم و جنایت، آموزش و... مورد استفاده قرار گیرد (Becker, 1976, p.14). در گذشته، خانواده خارج از حوزه تحلیل انتخاب عقلایی در نظر گرفته می‌شد؛ زیرا این نهاد دیرینه، احساساتی قوی مانند عشق و نفرت را دربر می‌گیرد، که به نظر می‌رسید با محاسبات سرد هزینه و فایده سازگار نیستند. با این حال، بکر (۱۹۷۴، ۱۹۸۱) در مجموعه‌ای از نوشته‌های تأثیرگذار این تفکر را به چالش کشید و استدلال کرد که تقسیم روابط اجتماعی به حوزه‌های مجزا که هریک به تحلیل خاص خود نیاز دارند، نادرست است. در پی این رویکرد، امروزه نظریه انتخاب عقلایی به‌طور گسترده در بررسی تصمیمات خانوادگی افراد به‌کار گرفته می‌شود.

بسیاری از یافته‌های موجود در مطالعات تجربی با نظریه‌های انتخاب عقلایی کاملاً سازگار هستند؛ به‌عنوان مثال انتخاب همسر بسیار منفع‌طلبانه تحت تأثیر فرصت‌های ساختاری است؛ زیرا حتی با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی، عبور مردان از ازدواج نخست تا حد زیادی تحت تأثیر محدودیت‌های ساختاری مانند میزان دسترسی به همسران بالقوه در بازار ازدواج محلی قرار دارد (South & Lloyd, 1995). سوئ و لیود دریافته‌اند که نرخ‌های کلی طلاق با توجه به فرصت‌های ساختاری موجود برای همسران در نوسان است. به‌طور خاص، میزان و کیفیت همسران بالقوه در بازار ازدواج محلی خطر ازهم‌گسیختگی ازدواج را به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌دهد. این نتایج از فرضیه بکر (۱۹۷۴) حمایت می‌کند که معتقد بود مردان و زنان حتی در هنگام ازدواج نیز همچنان به جست‌وجوی شریک‌های جایگزین ادامه می‌دهند. این مطالعات نشان می‌دهند که ازدواج و طلاق، مشابه مبادلات اقتصادی در بازار، تحت تأثیر فرصت‌ها و محدودیت‌های خارجی قرار دارند. بنابراین برخلاف تصور رایج، انتخاب‌های خانوادگی نیز می‌توانند بر اساس مدل‌های انتخاب عقلانی توضیح داده شوند؛ زیرا افراد تحت محدودیت‌های ساختاری و انگیزه‌های شخصی تصمیم‌گیری می‌کنند. مطالعه

تریز (۱۹۹۳) مدل‌های مالی در ازدواج را بررسی کرده و نشان داده است که ترتیبات مالی بین همسران، تأثیر مستقیمی بر ثبات ازدواج دارد. او دریافت که حساب‌های بانکی مشترک بدون حساب‌های جداگانه برای همسران، که وابستگی مالی زوجین را افزایش می‌دهد، با ثبات زناشویی بیشتری همراه است. بکر که به خاطر نظریه‌پردازی در قلمرو اقتصاد خانواده جایزه نوبل را دریافت کرد، جدی‌تر از همه در کتاب *A Treatise on the Family* (۱۹۸۱)، نشان داد که تصمیم‌گیری‌های خانوادگی (مانند ازدواج، طلاق، تعداد فرزندان) را می‌توان با مدل‌های اقتصادی تحلیل کرد. بکر ازدواج را نوعی سرمایه‌گذاری اقتصادی در نظر گرفت. او استدلال کرد که افراد برای ازدواج هزینه و فایده را مقایسه می‌کنند و شریکی را انتخاب می‌کنند که نفع آنها را حداکثر کند. بکر نشان داد که تعداد فرزندان یک خانواده به هزینه‌های پرورش فرزند، فرصت‌های شغلی والدین و منافع بلندمدت فرزندان برای خانواده بستگی دارد. خانواده‌ها در جوامع ثروتمند معمولاً کمتر فرزند دارند؛ زیرا هزینه پرورش هر کودک بالاتر است. بکر استدلال کرد که نقش‌های سنتی جنسیتی در خانواده (مانند کار مردان در بیرون از خانه و کار زنان در خانه) نیز بر اساس اصول اقتصادی و تقسیم کار شکل گرفته است. او این موضوع را با مزیت نسبی در اقتصاد تطبیق داد که اگر یک شریک مهارت بیشتری در درآمدزایی و دیگری در مدیریت خانه داشته باشد، تقسیم کار بهینه خواهد بود. نظریه‌پردازان انتخاب عقلایی نشان دادند که افراد در انتخاب شریک زندگی خود به دنبال بهینه‌سازی منافع شخصی هستند، خواه این منافع اقتصادی، عاطفی یا اجتماعی باشد. همچنین مطالعات نشان داده‌اند که در برخی شرایط، میزان بالای سرمایه‌گذاری در ازدواج (مانند فرزندان یا دارایی‌های مشترک) احتمال طلاق را کاهش می‌دهد؛ زیرا هزینه‌های خروج از ازدواج افزایش می‌یابد و نیز سیاست‌های دولتی و مشوق‌های قانونی می‌توانند نرخ باروری را تحت تأثیر قرار دهند (Hoem, 1993).

بکر در یکی از مقالات مهمش (۱۹۶۸) نشان داد که افراد در مورد ارتکاب جرم نیز بر اساس یک محاسبه اقتصادی عمل می‌کنند. مجرمان بالقوه، هزینه‌ها و منافع جرم را مقایسه می‌کنند، اگر احتمال دستگیری و مجازات کم باشد، ارتکاب جرم برای آنها منطقی‌تر خواهد بود. شدت مجازات، یک عامل بازدارنده است، اگر هزینه ارتکاب جرم (مانند مجازات سنگین‌تر) بیشتر از سود آن باشد، افراد از جرم اجتناب می‌کنند. این نظریه به شکل‌گیری سیاست‌های جنایی مبتنی بر افزایش هزینه‌های جرم (مانند مجازات‌های سنگین‌تر یا افزایش احتمال دستگیری) منجر شد. به علاوه بکر در کتاب *سرمایه انسانی* (۱۹۶۴) استدلال کرد که آموزش، مهارت‌ها و سلامت انسان‌ها نوعی سرمایه‌گذاری اقتصادی است که می‌تواند بازدهی بلندمدت داشته باشد. افراد با صرف زمان و هزینه برای یادگیری، انتظار دارند که درآمد و کیفیت زندگی خود را در آینده افزایش دهند. دولت‌ها نیز می‌توانند با سرمایه‌گذاری در آموزش، بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهند و رشد اقتصادی را تقویت کنند.

به علاوه تجزیه و تحلیل آثار قوانین، مقررات و نهادهای حقوقی بر مبنای نظریه انتخاب عقلایی یکی از رویکردهای مؤثر در نظریه‌پردازی حقوقی و در نتیجه یکی از عوامل شکل‌گیری دانش نوپدید «اقتصاد و حقوق» شده است (رابرت

کوتر و تامس یولن، ۱۳۸۸). اقتصاد حقوق توضیح می‌دهد که چرا افراد قوانین را رعایت یا نقض می‌کنند، چگونه مجازات‌ها بر رفتار تأثیر می‌گذارند، و چگونه سیاست‌های حقوقی می‌توانند بهینه شوند تا افراد را به رفتارهای قانونی تشویق کنند. این تحلیل به قانون‌گذاران، مجریان قانون و قضات کمک می‌کند تا قوانین را مؤثرتر و کارآمدتر تدوین کنند. بنابراین انتظار می‌رود اگر هزینه یک رفتار غیرقانونی (مثلاً مجازات) بیشتر از منافع آن باشد، افراد از انجام آن پرهیز می‌کنند. در نتیجه نهادهای حقوقی باید انگیزه‌های افراد را هدایت کنند تا رفتارهای مطلوب اجتماعی افزایش یابد و تخلفات کاهش پیدا کند؛ زیرا افراد تنها زمانی قوانین را رعایت می‌کنند که منفعت رعایت قانون بیشتر از هزینه‌های تخلف باشد (Becker, 1968). بنابراین در این چارچوب زمانی می‌توان جرم را کاهش داد که مجازات‌های بازدارنده به‌نحوی باشد که هزینه جرم را از منافع آن بیشتر کند و یا احتمال کشف جرم را افزایش دهد و فرصت‌های جرم را کاهش دهد (Friedman, 2000). با ظهور مطالعات کورنیش و کلارک (۱۹۸۶) کاربرد نظریه‌های انتخاب عقلایی در حوزه جرم‌شناسی توسعه یافتند و رفتار مجرمانه را به‌عنوان تابعی از پاداش و مجازات مورد انتظار، با در نظر گرفتن احتمال ذهنی شناسایی و دستگیری تبیین کردند. پیلیویان (۱۹۸۶) نشان داد که مجرمان در تصمیمات خود، محاسبات عقلایی انجام می‌دهند. مطالعات تجربی جاکوبس (۱۹۹۶) با انجام مصاحبه با ۴۰ فروشنده فعال کراک نشان داد که رفتار آنها به‌طور جدی تحت تأثیر دو عامل است: حداکثرسازی سود از فروش مواد مخدر و حداقل‌سازی احتمال دستگیری توسط پلیس. هونری و مارشال (۱۹۹۲) نشان دادند که درک ذهنی مجرمان از خطر شناسایی و دستگیری، با تجربه آنها در ارتکاب جرم به‌روزرسانی می‌شود و افرادی که بارها بدون دستگیری مرتکب جرم می‌شوند، احتمال شناسایی را کمتر از واقعیت برآورد می‌کنند. در مقابل، کسانی که مکرراً دستگیر می‌شوند، خطر دستگیری را بسیار بالا می‌بینند و احتمالاً رفتار خود را تغییر می‌دهند. مکلود (۱۹۹۵) نشان داده است که نوجوانان در محله‌های فقیر، به‌صورت آگاهانه فعالیت‌های مجرمانه را انتخاب می‌کنند؛ زیرا گزینه‌های مشروع کسب درآمد بسیار محدود هستند. پزین (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که انگیزه‌های اقتصادی و هزینه‌های فرصت، تأثیر قدرتمندی بر طول دوره فعالیت مجرمانه دارند. بر اساس داده‌های ملی جوانان ایالات متحده، او دریافت که درآمد مورد انتظار از فعالیت مجرمانه، اثر منفی قوی بر تصمیم جوانان (۱۶-۲۲ سال) برای ترک جرم دارد. دسترسی به فرصت‌های شغلی قانونی، به‌اندازه ترس از مجازات بر ترک جرم تأثیر دارد. بنابراین مشوق‌های اقتصادی مثبت (هویج) به‌اندازه تهدید مجازات (چماق) در کاهش جرم مؤثرند. بنابراین جرم و بزهکاری اغلب نتیجه تصمیمات عقلایی هستند که بر اساس هزینه‌ها، منافع و احتمال دستگیری محاسبه می‌شوند. عوامل اقتصادی (دسترسی به مشاغل قانونی) به‌اندازه تهدیدهای قانونی (مجازات) بر کاهش جرم تأثیر دارند. جرم در محله‌های فقیر می‌تواند یک تصمیم خانوادگی و اجتماعی باشد؛ مانند عضویت در باندهای مجرمانه که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. نظریه کنترل اجتماعی و نظریه انتخاب عقلایی به‌طور فزاینده‌ای به یکدیگر نزدیک شده‌اند؛ زیرا هر دو به تأثیر هزینه‌های فرصت، نظارت اجتماعی و

وابستگی گروهی بر رفتار مجرمانه اشاره دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که نظریه انتخاب عقلایی چارچوبی قوی برای تحلیل رفتارهای مجرمانه، تصمیم‌گیری در مسیر جرم و عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش نرخ جرم ارائه می‌دهد. در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی نرخ جرمه مالیاتی زمانی به بهبود قوانین اقتصادی کمک می‌کند که افراد را به پرداخت مالیات بیشتر تشویق کند، و نیز سود فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی مانند پول‌شویی، ناچیز و هزینه آن گزاف باشد. اگر مالیات شرکت‌ها بسیار بالا باشد، آنها ممکن است به فرار مالیاتی روی بیاورند، اما اگر نرخ مالیات منطقی و جرمه‌های فرار مالیاتی سنگین باشد، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند مالیات را پرداخت کنند (Posner, 2007). در روابط بین‌الملل نیز کشورها هزینه و فایده جنگ، تحریم و توافق‌های بین‌المللی را ارزیابی می‌کنند؛ زیرا تحریم‌های اقتصادی، هزینه‌های کشور هدف را افزایش می‌دهند و ممکن است سیاست‌های آن را تغییر دهند.

۱-۳. تحلیل اقتصادی سیاست

شاید هنوز هم یکی از اساسی‌ترین حوزه‌ها به کارگیری نظریه انتخاب عقلایی در خارج از علوم اقتصادی، استفاده از آن در علوم سیاسی است. ابتدا آنتونی داونز در سال ۱۹۵۷ در کتاب *یک تئوری اقتصادی برای دموکراسی* با ارائه مدل اقتصادی رأی‌دهی و رفتار احزاب سیاسی، استدلال می‌کند که احزاب سیاسی همانند شرکت‌های اقتصادی عمل کرده و به دنبال حداکثرسازی رأی‌دهی برای کسب قدرت هستند؛ همچنین او مفهوم «رأی‌دهنده عقلانی» را مطرح کرد، که بر اساس آن افراد تنها زمانی در انتخابات شرکت می‌کنند که منافع حاصل از رأی دادن بیشتر از هزینه‌های آن باشد. پس از داونز، این رویکرد توسط دیگر پژوهشگران توسعه یافت؛ به عنوان مثال، ویلیام رایکر (۱۹۸۲) نشان داد که سیاستمداران و رأی‌دهندگان مانند بازیگران اقتصادی رفتار می‌کنند و تصمیمات آنها بر اساس منافع شخصی‌شان است، یا ویلیام نوردهاوس (۱۹۷۵) نشان داد که سیاستمداران تمایل دارند در آستانه انتخابات، سیاست‌های اقتصادی کوتاه‌مدت (مانند کاهش مالیات یا افزایش هزینه‌های دولتی) را اجرا کنند تا رأی بیشتری کسب کنند. این پدیده به «چرخه تجاری سیاسی» معروف است. بر اساس این نظریه دولت‌ها پیش از انتخابات، سیاست‌های انبساطی اجرا می‌کنند و باعث افزایش هزینه‌های دولتی و کاهش نرخ بهره برای تحریک رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می‌شوند و پس از انتخابات، سیاست‌های انقباضی اجرا می‌کنند تا از تورم یا افزایش بدهی ناشی از سیاست‌های پیش از انتخابات جلوگیری کنند. این چرخه موجب بی‌ثباتی اقتصاد کلان و در نتیجه در بلندمدت به تورم، رکود یا افزایش بدهی‌های دولتی منجر شود، اما تجزیه و تحلیل سیاست در چهارچوب نظریه انتخاب عقلایی با شکل‌گیری «نظریه انتخاب عمومی» بوکانان، که به خاطر همین نظریه در سال ۱۹۸۶ جایزه نوبل را دریافت داشت، و نیز با به کارگیری نظریه بازی‌ها، نقطه اوج نظریه‌پردازی بر اساس نظریه انتخاب عقلایی در قلمرو غیردانش اقتصاد است (بوکانون، ۱۹۶۲، ۱۹۷۵، ۱۹۸۵). نظریه انتخاب عمومی بر این اساس شکل گرفته است که تمام کارگزاران دولتی در قلمرو بخش عمومی، افرادی هستند که با محاسبات عقلایی کامل در راستای حداکثرسازی منافع (سود و مطلوبیت) فردی خود، دقیقاً مثل وقتی که تولید و یا مصرف می‌کنند، تمام رفتارها و انتخاب‌های سیاسی خود را شکل می‌دهند. نظریه انتخاب

عمومی ازجمله نظریه‌های حوزه اقتصاد سیاسی است که بحث از دولت را نه در عرصه جست‌وجوی خاستگاه این نهاد و ریشه‌های آن، بلکه در میدان عملکردهای دولت به‌مثابه مجموعه‌ای از کنشگران اقتصادی، مورد کندوکاو قرار می‌دهد. این نظریه در تقابل با دیدگاه‌های سنتی علوم سیاسی قرار دارد که معمولاً سیاستمداران و دولت‌ها را به‌عنوان بازیگرانی خیرخواه و متمرکز بر منافع عمومی می‌بینند. این نظریه فرض می‌کند که بازیگران سیاسی ازجمله رأی‌دهندگان، سیاستمداران و بوروکرات‌ها همانند بازیگران اقتصادی، به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی خود هستند و تمامی بازیگران سیاسی به‌صورت عقلایی عمل کرده و تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که منافع شخصی آنها را به حداکثر برساند. سیاستمداران و بوروکرات‌ها نیز مانند سایر افراد، به دنبال افزایش قدرت، نفوذ، درآمد و سایر منافع شخصی هستند. سیاستمداران به‌جای تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه و خیرخواهانه، بر اساس محاسبات سیاسی و نیاز به حفظ رأی‌دهندگان و تأمین منابع مالی برای کمپین‌هایشان عمل می‌کنند. این امر منجر به وعده‌های انتخاباتی غیرواقعی، سیاست‌های پوپولیستی و تأمین منافع گروه‌های خاص به‌جای کل جامعه می‌شود. بوروکرات‌ها (کارمندان دولت) نیز به دنبال افزایش قدرت، نفوذ و منابع مالی سازمان‌های خود هستند. افزایش اندازه دولت و هزینه‌های عمومی، نتیجه تلاش بوروکراسی برای گسترش منابع خود است؛ حتی اگر نیازی واقعی به آن وجود نداشته باشد. این امر منجر به بوروکراسی ناکارآمد، ائتلاف منابع و رشد بیش‌ازحد دولت می‌شود. از سوی دیگر، روندهای دموکراتیک عموماً منجر به تصمیمات بهینه برای جامعه نمی‌شود؛ زیرا نظریه رأی‌دهنده میانه نشان می‌دهد که سیاستمداران برای جذب بیشترین رأی‌دهندگان، سیاست‌های خود را به نقطه میانی ترجیحات رأی‌دهندگان نزدیک می‌کنند. در قلمرو دانش مدیریت نیز «تصمیم‌گیری» بر اساس نظریه انتخاب عقلایی یکی از قوی‌ترین رویکردها در رشته مدیریت است. از زمان مقاله مشهور کوز (۱۹۳۷)، تحلیل‌های انتخاب عقلایی در مورد سازمان‌ها گسترش یافته‌اند.

۱-۴. تحلیل اقتصادی دین

تحلیل دین و رفتارهای دینی یکی از مهم‌ترین قلمروهای دیگر تعمیم نظریه انتخاب عقلایی است. این نظریه، بر آن است که افراد و گروه‌های مذهبی بر اساس یک تحلیل هزینه و فایده تصمیم می‌گیرند که به چه دینی پایبند باشند و چگونه در فعالیت‌های مذهبی مشارکت کنند. مردم زمانی به دین و مناسک مذهبی می‌پیوندند که مزایای آن (امنیت روانی، آرامش معنوی، شبکه اجتماعی، پاداش‌های اخروی) بیشتر از هزینه‌های آن (زمان، پول، محدودیت‌های رفتاری) باشد. نهادهای مذهبی برای جذب پیروان، مشابه بنگاه‌های اقتصادی در یک بازار رقابت می‌کنند و خدماتی مانند آموزش، رفاه اجتماعی و معنویت ارائه می‌دهند. رقابت دینی میان فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی می‌تواند به افزایش کیفیت خدمات دینی و افزایش مشارکت مذهبی منجر شود. مردم نیز از بین ادیان مختلف، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که بهترین خدمات را ارائه دهد. نهادهای مذهبی، تأمین‌کنندگان خدمات دینی هستند که برای جلب پیروان، باید محصولات خود (مراسم مذهبی، آموزش معنوی، خدمات اجتماعی) را بهبود بخشند. رقابت دینی باعث پویایی بیشتر در دین می‌شود؛ زیرا نهادهای مذهبی تلاش می‌کنند تا خدمات

بهتری ارائه دهند تا افراد بیشتری را جذب کنند (Stark & Finke, 2000). این نظریه بیان می‌کند که دین‌داری تابعی از هزینه‌ها و منافع است. برخی از منافع دین‌داری عبارت‌اند از: حمایت اجتماعی، ایجاد تعلق به شبکه‌های اجتماعی، ایجاد و افزایش امنیت روانی، بهبود امید و آرامش در برابر چالش‌های زندگی، خدمات اجتماعی نظیر کمک‌های خیریه، خدمات بهداشتی و آموزشی و مهم‌تر از همه اینها پاداش‌های معنوی و اخروی. البته منافع مذکور با هزینه‌هایی به‌دست می‌آیند: اولاً شرکت در عبادات، مراسم دینی و فعالیت‌های مذهبی زمان‌بر است؛ ثانیاً ادیان از پیروان خود خواسته‌هایی دارند، مانند روزه و حجاب یا پرهیز از برخی رفتارها؛ ثالثاً بسیاری از ادیان از پیروان خود انتظار دارند که به‌صورت مالی مشارکت کنند (مثل زکات). اگر این هزینه‌ها بیش از منافع ادراکی فرد باشد، ممکن است از دین فاصله بگیرد (Iannaccone & Laurence, 1998). این رویکرد بر این فرض استوار است که افراد تصمیمات مذهبی خود را بر اساس هزینه‌ها و مزایای ادراک‌شده اتخاذ می‌کنند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که جوامعی با رقابت مذهبی بالا (مانند ایالات متحده) نسبت به کشورهای که دین دولتی دارند، سطح بالاتری از مشارکت دینی دارند. این امر نشان می‌دهد که رقابت بین گروه‌های مذهبی باعث می‌شود آنها خدمات بهتری ارائه دهند، که به‌نوبه خود جذب پیروان بیشتری را تسهیل می‌کند. همه این استدلاها و شواهد در حالی است که در گذشته دین غیرقابل تحلیل در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی محسوب می‌شد. رویکرد انتخاب عقلایی به دین، یک تشابه قوی میان دین و اقتصاد بازار برقرار کرد. این دیدگاه، اقتصاد دینی را متشکل از نهادهای دینی (شرکت‌های دینی) و مصرف‌کنندگان دینی در نظر می‌گیرد. نهادهای مذهبی خدمات و محصولات دینی ارائه می‌دهند و مصرف‌کنندگان دینی افراد و گروه‌هایی هستند که از این خدمات استفاده می‌کنند و میان آنها حق انتخاب دارند. بر اساس این مدل، نهادهای دینی در رقابت با یکدیگر برای جذب پیروان، محصولات و خدمات مذهبی متنوعی را ارائه می‌دهند. این رقابت موجب افزایش سطح مشارکت دینی در جوامع می‌شود. استراک و بینبرج (۱۹۸۷) این تشبیه را بسط داده و مجموعه‌ای از اصول درباره اقتصاد دین ارائه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین فرضیه‌های آنها این است که هرچه اقتصاد دین متنوع‌تر و رقابتی‌تر باشد، سطح بسیج دینی بیشتر خواهد بود. در جوامعی که تعداد بیشتری از نهادهای مذهبی وجود دارند و این نهادها برای جذب پیروان با یکدیگر رقابت می‌کنند، احتمال مشارکت فعال افراد در امور دینی افزایش می‌یابد؛ زیرا این نهادها تلاش می‌کنند تا نیازهای گروه‌های خاصی از مصرف‌کنندگان مذهبی را برآورده کنند. این فرضیه در مطالعات تجربی متعددی تأیید شده است؛ مثلاً در ۱۷ کشور غربی، همبستگی مثبتی بین تکرر دینی و بسیج دینی مشاهده شده است (Iannaccone, 1991)، در ۴۵ کشور کاتولیک، رابطه معکوسی بین انحصار دینی کلیسای کاتولیک و میزان تعهد دینی مردم وجود داشته است (Stark, 1992)، در ۱۵۰ شهر بزرگ ایالات متحده در سال ۱۹۰۶، رابطه مثبت بین تکرر دینی و تعهد مذهبی ثبت شده است (Finke & Stark, 1988). همچنین همان‌طور که مقررات دولتی منجر به ناکارآمدی در

شرکت‌های تجاری می‌شود، تنظیم‌گری دولتی در حوزه دین نیز باعث ناکارآمدی نهادهای دینی و کاهش بسیج مذهبی می‌شود (Chaves & Cann, 1992). یکی از یافته‌های مهم در مطالعات دینی این است که کلیساهای سخت‌گیر و محافظه‌کار در ایالات متحده در حال رشد هستند؛ درحالی‌که کلیساهای لیبرال در حال کاهش‌اند (Kelley, 1972)؛ زیرا تجربه دینی یک کالای عمومی جمعی است؛ بنابراین اعضای کلیساهای لیبرال با یک مسئله اقدام جمعی مواجه‌اند، در کلیساهای لیبرال، ممکن است افرادی که تعهد کمتری دارند، از مزایای جامعه مذهبی بدون مشارکت فعال بهره‌مند شوند (پدیده سواری مجانی)، اما کلیساهای سخت‌گیر، با اعمال محدودیت‌ها و الزامات شدید بر اعضای خود (مانند محدودیت‌های رفتاری، تعهد مالی و زمانی زیاد)، مانع از ورود افراد غیرمتعهد می‌شوند. این امر باعث می‌شود که تنها افراد واقعاً متعهد به این کلیساهای پیوندند، که در نتیجه منجر به پایداری و رشد این کلیساهای می‌شود. سخت‌گیری سبب می‌شود که افرادی که برای کلیسا هزینه اقتصادی دارند، ولی منفعت اقتصادی ندارند؛ یعنی به کلیسا چیزی پرداخت نمی‌کنند، حذف می‌شوند؛ بنابراین کلیسا هم اقتصادی رفتار می‌کند و به همین دلیل پایدار می‌ماند. بنابراین نظریه انتخاب عقلایی، برخلاف تصور اولیه، توانسته است چارچوبی منسجم برای تحلیل پدیده‌های مذهبی ارائه دهد و روندهای کلیدی در دین‌داری را توضیح دهد.

۲. علل تعمیم به‌کارگیری نظریه انتخاب عقلایی در امورات غیراقتصادی

مجموعه این گسترش‌ها در کاربرد «نظریه انتخاب عقلایی» در سایر علوم سبب شده که نسل پیشرفته انسان اقتصادی به‌جای اینکه فقط موضوع دانش اقتصاد باشد، به «روشی» برای تولید نظریه در قلمرو سایر علوم اجتماعی و انسانی تبدیل شده است، اما واقعاً چرا چنین اتفاقی افتاده است؟

یکم. استدلال رایج در این زمینه به قابلیت «روش‌شناختی» نظریه انتخاب عقلایی به خاطر استفاده از زبان ریاضیات برای نظریه‌پردازی مربوط دانسته شده است. به عبارت دیگر، این نظریه با یک عامل منفعت‌طلبی فردی و با محاسبات عقلانی منطق ریاضی به‌خوبی توفیق داشته که واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و... را تبیین نماید؛ زیرا این نظریه یک مدل تحلیلی کمی، پیش‌بینی‌پذیر و تعمیم‌پذیر از رفتارهای اجتماعی ارائه می‌دهد که امکان مدل‌سازی و تحلیل سیستماتیک تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی را فراهم می‌کند؛ درحالی‌که بسیاری از نظریات جامعه‌شناختی، توصیفی و کیفی هستند و قابلیت پیش‌بینی دقیق رفتارهای اجتماعی را ندارند. بسیاری از نظریات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نمی‌توانند راهکارهای عملی و توصیه‌های سیاستی مشخصی را ارائه دهند؛

دوم. اما واقعیت آن است که اگر با همه این قابلیت روشی، نتایج تئوریک آن در عمل و آزمون‌های تجربی ناموفق می‌بود، تا بدین حد مورد استقبال واقع نمی‌شد و مهم‌تر از آن، در صورت مذکور، استقبال از آن غیرعقلانی‌بود! در نتیجه استدلال مهم‌تر آن است که عمده ظرفیت نظریه انتخاب عقلایی به مبانی «هستی‌شناختی» آن مربوط است. از

منظر «هستی‌شناختی»، واقعیت آن است که واقعیت انسان جدید در غرب در فرایند یک تغییر مستمر تاریخی از رنسانس تاکنون کم‌کم به نقطه‌نهایی موردنظر اومانیزم، یعنی یک انسان دنیوی با توانایی‌های بالای عقلانی، نزدیک‌تر شده است؛ انسانی که بر اساس اومانیزم بدون نیاز به ماورای ماده (دئیسم)، با استفاده حداکثری از عقل خویش؛ درحالی‌که بدون در نظر گرفتن منافع اجتماعی (لیبرالیزم) فقط منفعت و مطلوبیت فردی خود (یوتیلیتاریانیزم) را هدف می‌گیرد، در نقطه‌اوج خود به واقعیتی تبدیل می‌شود که زبان نظریه انتخاب عقلایی به‌خوبی می‌تواند او را بیان کند. ازآنجا که این انسان تا حداکثر ممکن، مادی شده است، خصوصیات او به مادیات، یعنی طبیعت نزدیک‌تر شده است (ناتورالیزم)؛ بنابراین به دلیل خصوصیت اخیر، این انسان با ابزار شناخت طبیعت، یعنی تجربه شناخته خواهد شد. بر این اساس، اگر قابلیت مذکور برای نظریه انتخاب عقلایی درست قلمداد شود، گویی انسان غربی در همه عرصه‌های زندگی به یک انسان کاملاً اقتصادی نزدیک شده است. علاوه بر موارد قبلی، ازی کوری و ارنبرگ رونالد (۱۹۷۵) به تجزیه و تحلیل رفتار مذهبی خانوار در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی پرداخته و توانسته‌اند تبیین خوبی در این زمینه ارائه نمایند، دورکین (۱۹۹۱) نیز کار مشابهی انجام داده است، آیانا کون طی سه مقاله (۱۹۸۴، ۱۹۹۰، ۱۹۹۸) به تجزیه و تحلیل اقتصادی «دین» پرداخته است، گری بکر (۱۹۹۴) بر اساس نظریه انتخاب عقلایی، علاوه بر کار مشهورش در مورد خانواده، رفتار مردم را در مورد اعتیاد به سیگار توضیح داده است، بکر (۱۹۸۸) مقاله دیگری تحت عنوان «اعتیاد عقلانی» نوشته است، دانیل هامرمش (۱۹۷۴) به تجزیه و تحلیل اقتصادی خودکشی پرداخته است، کافی برون (۱۹۸۷) به بررسی پذیرش مرگ در جنگ از سوی سربازان بر اساس نظریه انتخاب عقلایی پرداخته است، و مطالعات فراوان دیگری که نشان می‌دهد نظریه انتخاب عقلایی و به عبارت دیگر تئوری‌های دانش اقتصاد می‌توانند تمام عرصه‌های زندگی مردمان مغرب‌زمین را توضیح دهند. در این چارچوب نظری بدون تفاوت بین اقتصاد و غیراقتصاد تلاش می‌شود همه انتخاب‌های آدمی در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی تحلیل شود؛ مثلاً اینکه چه عواملی میزان حضور افراد در کلیسا را تعیین می‌کنند؟ آیا نرخ خودکشی تحت تأثیر وضعیت اقتصادی قرار دارد؟ آیا قوانین مربوط به کمربند ایمنی باعث افزایش ایمنی در جاده‌ها می‌شود؟ تحت چه شرایطی روش‌های «ترک ناگهانی» برای پایان دادن به اعتیاد ضروری هستند؟ کدام سربازان بیشترین احتمال را برای آسیب‌دیدگی در جنگ دارند؟ چرا پستانداران بزرگ در دوران پلیستوسن منقرض شدند؟ چه زمانی کارگران بیشتر تمایل دارند که از مسئولیت‌های شغلی خود شانه خالی کنند؟ و پرسش‌های بی‌شمار دیگری که با فرض عقلایی بودن کنشگران پاسخ پیدا می‌کنند.

بنابراین مطالعات فوق نشان داده است که انسان غربی در همه عرصه‌های زندگی به یک انسان اقتصادی تبدیل شده است. نکته نهایی و جالب‌تری که علاوه بر این «تغییر انسان غربی» به انسان اقتصادی از این مطالعات به‌دست می‌آید، آن است که ابعاد هستی انسان - آن‌گونه که جان استوارت میل می‌پنداشت - قابل تجزیه به اقتصادی و غیراقتصادی نیست. بنابراین اگر انسان به انسان اقتصادی تبدیل گردد در همه ابعاد زندگی سیاسی و... نیز به انسان

اقتصادی تبدیل می‌گردد؛ زیرا انسان دارای یک موجودیت و هویت واحد و تجزیه‌ناپذیر است. همچنین مطالعات فراوان نشان می‌دهد که نظریه انتخاب عقلایی و به‌عبارت‌دیگر، تئوری‌های دانش اقتصاد می‌توانند تمام عرصه‌های زندگی مردمان مغرب‌زمین را توضیح دهند.

۳. نقدها و چالش‌ها

در مورد ماهیت و به‌کارگیری نظریه انتخاب عقلایی در حوزه‌های غیراقتصادی در چارچوب دانش‌های دیگر و دانش اقتصاد، نقدهای مختلفی وارد است. البته ما در این زمینه هیچ نظریه برآمده از بدیهیات نداریم تا آن را مبنا قرار دهیم. مسئله ما این است که فرمان‌فرمایی این نظریه را به چالش بشکیم تا اولاً نظریات رقیب قابل تحمل شوند؛ ثانیاً از ظرفیت همه نظریات برای ساختن کامل‌ترین نظریه، که به نظر ما یک نظریه بر اساس مبانی اسلامی است، فراهم‌تر می‌شود. در این مقاله، نظریه انتخاب عقلایی از طریق مقایسه با مفاهیم و پیش‌فرض‌های چارچوب‌های نظری دیگر مورد تحلیل انتقادی قرار می‌گیرد، بدون آنکه پژوهشگر خود را متعهد به پذیرش نهایی آن چارچوب‌های جایگزین بداند. این نوع نقد، نه به‌معنای پذیرش کامل نظریه‌های رقیب، و نه انکار مطلق نظریه هدف است، بلکه تلاشی برای آشکار ساختن حدود تبیینی، فروض پنهان و محدودیت‌های نظریه بررسی‌شده در مواجهه با پدیده‌های پیچیده انسانی است. بنابراین می‌توان یک نظریه را از منظر نظریه‌ای دیگر نقد کرد، حتی اگر نسبت به اعتبار آن نظریه جایگزین نیز پرسشگر باقی ماند؛ چنین روشی، نقدی عقلانیو قابل دفاع است، مشروط بر آنکه بر انسجام مفهومی، توان تبیینی و نسبت نظریه با موضوعات مورد بررسی تأکید داشته باشد. این رویکرد، به گفت‌وگوی مفهومی میان نظریه‌ها میدان می‌دهد، بی‌آنکه به دگماتیسم نظری فرو غلتد یا به نسبی‌گرایی بینجامد. هدف این پژوهش، علاوه بر ارزیابی انتقادی نظریه انتخاب عقلایی در حوزه‌های غیراقتصادی، فراهم ساختن زمینه‌ای نظری برای توسعه یک چارچوب تحلیلی بدیل و چندبعدی‌تر در فهم رفتار انسانی است.

۳-۱. نقد جامعه‌شناختی نظریه انتخاب عقلایی

طبیعی است که نظریه انتخاب عقلایی در تبیین کنش در چارچوب نظریات اصلی جامعه‌شناختی با چالش‌های اساسی روبه‌رو است. نظریه انتخاب عقلایی با نادیده گرفتن تأثیرات ساختاری، طبقاتی و ایدئولوژیک، تحلیلی تقلیل‌گرا از جامعه ارائه می‌دهد؛ درنتیجه نمی‌تواند ساختارگرایی مارکسیستی و نیز پویایی‌های تاریخی و نابرابری‌های اجتماعی مورد نظر مارکس را به‌درستی تبیین کند. مارکسیست‌ها معتقدند که منافع طبقاتی، ایدئولوژی و ساختارهای اقتصادی در تصمیمات فردی تأثیر گذارند (آلتوسر، ۱۹۷۱). این نظریه همچنین قادر به توضیح تضاد طبقاتی و پویایی‌های تاریخی سرمایه‌داری نیست؛ به عنوان مثال، در جوامع سرمایه‌داری، تصمیمات اقتصادی و اجتماعی افراد نه‌تنها بر اساس محاسبات فردی، بلکه در چارچوب محدودیت‌های طبقاتی، تبلیغات و گفتمان‌های مسلط شکل می‌گیرد. آلتوسر معتقد بود که روابط تولیدی و مناسبات ایدئولوژیک، پیش از آنکه فرد وارد آنها شود، از پیش تعیین شده‌اند.

به عبارت دیگر، کنش‌های فردی تابعی از ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژیک هستند و نه برعکس. ماکس وبر، جامعه‌شناس برجسته آلمانی، چهار نوع کنش اجتماعی را معرفی کرد که مبنای تحلیل او در جامعه‌شناسی تفسیری قرار دارد (وبر، ۱۳۸۴، ص ۵۱). این چهار نوع کنش به ترتیب شامل کنش عقلانی‌دهمند، کنش معطوف ارزشی، کنش عاطفی (احساسی) و کنش سنتی هستند. انتخاب عقلایی در چارچوب کنش معطوف به هدف قرار می‌گیرد بر اساس آن، فرد تمام گزینه‌های موجود را بررسی کرده و بهترین روش را برای دستیابی به هدف خود انتخاب می‌کند، اما سه نوع دیگر کنش اساساً نسبتی با نظریه انتخاب عقلایی ندارند و اساساً با معیار آن غیرعقلانی محسوب می‌شوند. ماکس وبر با ارائه این چهار نوع کنش، نشان داد که رفتارهای انسانی تنها بر اساس عقلانیت اقتصادی تحلیل‌پذیر نیست و عوامل اجتماعی، فرهنگی، احساسی و ارزش‌های فردی نیز در تصمیمات انسان‌ها تأثیر گذارند. این دسته‌بندی کمک می‌کند تا جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بتوانند رفتارهای انسانی را بهتر درک کنند و بر این اساس، استراتژی‌های مناسب‌تری برای تعامل با جامعه طراحی نمایند. وبر تصریح کرده است که هیچ کنشی را نمی‌توان به یکی از این طرق معطوف دانست (وبر، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

نظریه امیل دورکیم در جامعه‌شناسی برخلاف نظریه انتخاب عقلایی بر این اصل استوار است که جامعه یک موجودیت مستقل و فراتر از مجموع افراد آن است. او معتقد بود که رفتارهای اجتماعی تحت تأثیر ساختارها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و نمی‌توان آنها را صرفاً بر اساس انتخاب‌های فردی توضیح داد. یکی از مهم‌ترین مفاهیم نظریه دورکیم، «واقعیت اجتماعی» است که به هنجارها، قوانین، ارزش‌ها و نهادهایی اشاره دارد که مستقل از افراد وجود دارند، اما بر رفتار آنها اثر می‌گذارند (دورکیم، ۱۳۸۷). برای مثال، زبان، سنت‌های خانوادگی و مقررات اجتماعی نمونه‌هایی از واقعیت‌های اجتماعی هستند. دورکیم دو نوع همبستگی اجتماعی را معرفی کرد: همبستگی مکانیکی که در جوامع سنتی وجود دارد و بر شباهت‌های افراد و ارزش‌های مشترک تأکید دارد؛ همبستگی ارگانیکی که در جوامع مدرن پدید می‌آید و مبتنی بر وابستگی متقابل ناشی از تقسیم کار تخصصی است. دورکیم نشان داد که حتی خودکشی فقط محصول یک رفتار فردی نیست، بلکه تحت تأثیر واقعیات اجتماعی قرار دارد. او چهار نوع خودکشی را معرفی کرد: خودخواهانه به دلیل انزوای اجتماعی، دگرخواهانه به دلیل تعهد بیش‌ازحد به جامعه، آنومیک ناشی از بی‌ثباتی اجتماعی و جبری ناشی از فشار بیش‌ازحد اجتماعی است (دورکیم، ۱۳۷۹). او همچنین دین را یک واقعیت اجتماعی دانست که باعث تقویت انسجام جامعه می‌شود. دورکیم میان مقدسات و نامقدسات تمایز قائل شد و استدلال کرد که حتی جوامع مدرن نیز جایگزین‌هایی برای دین ایجاد می‌کنند که همان نقش انسجام‌بخش را مانند ملی‌گرایی ایفا می‌کند.

بر همین اساس نظریه نهادگرایی در اقتصاد به عنوان یک نظریه در بستر نظریات جامعه‌شناسی بر این باور است که نهادها (قوانین، هنجارها، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی) نقشی اساسی در شکل‌دهی به رفتارهای اقتصادی، عملکرد بازارها و توسعه اقتصادی دارند، برخلاف اقتصاد نئوکلاسیک که فرض می‌کند افراد بر اساس عقلانیت مطلق

و بهینه‌سازی فردی تصمیم می‌گیرند. نهادگرایی تأکید دارد که نهادها چارچوبی را فراهم می‌کنند که در آن تصمیمات اقتصادی اتخاذ می‌شوند (نورث، ۱۹۹۰). این نظریه به دو شاخه تقسیم می‌شود: نهادگرایی کلاسیک با اندیشمندانی مانند تورستین ویلن که به تأثیر فرهنگ و عادت‌ها در اقتصاد توجه داشت؛ نهادگرایی جدید با نظریه‌پردازانی مانند داگلاس نورث که بر نقش قوانین، حقوق مالکیت و هزینه‌های مبادله در توسعه اقتصادی تمرکز دارد. به‌طور کلی، این دیدگاه نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و کارایی بازارها بدون در نظر گرفتن چارچوب نهادی، مقررات و هنجارهای اجتماعی قابل درک نیستند و انتخاب‌های افراد نیز تحت تأثیر این محدودیت‌های نهادی قرار می‌گیرد.

۳-۲. نقد روان‌شناختی نظریه انتخاب عقلایی

روان‌شناسی شناختی (کین و آیزنک، ۱۴۰۲) که بر فرایندهای ذهنی مانند ادراک، حافظه، حل مسئله و تصمیم‌گیری تمرکز دارد، زمینه نقد‌های مهمی بر نظریه انتخاب عقلایی را فراهم ساخت؛ درحالی که این نظریه فرض می‌کند که افراد به‌طور منطقی هزینه‌ها و فایده‌های هر گزینه را بررسی کرده و بهترین انتخاب ممکن را انجام می‌دهند، روان‌شناسی شناختی نشان داد که محدودیت‌های ذهنی، احساسات و سوگیری‌های شناختی بر فرایند انتخاب اثرگذار هستند. یکی از مهم‌ترین نقدهای روان‌شناسی شناختی بر نظریه انتخاب عقلایی، مفهوم «عقلانیت محدود» است که توسط هربرت سایمون مطرح شد (سایمون، ۲۰۰۰). برخلاف فرضیه عقلانیت کامل که معتقد است انسان‌ها همیشه اطلاعات را پردازش کرده و بهترین گزینه را انتخاب می‌کنند، سایمون نشان داد که افراد اطلاعات کامل ندارند، ذهن انسان توان پردازش بی‌نهایت گزینه را ندارد و در عمل، افراد معمولاً اولین گزینه‌ای را که «کافی» به نظر می‌رسد، انتخاب می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، هنگام خرید گوشی موبایل، فرد ممکن است به‌جای بررسی کامل تمامی مدل‌های موجود، اولین گزینه‌ای را که ویژگی‌های مورد نیازش را داشته باشد، انتخاب کند. دانیل کانمن و آموس تورسکی (۱۹۷۴) نشان دادند که افراد هنگام تصمیم‌گیری، به‌جای تحلیل منطقی، از میان‌برهای شناختی استفاده می‌کنند که منجر به سوگیری‌های ذهنی و خطاهای شناختی می‌شود؛ از جمله مهم‌ترین میان‌برهای شناختی، سوگیری دسترس‌پذیری است که موجب می‌شود افراد بر اساس اطلاعاتی که راحت‌تر به ذهنشان می‌رسد، تصمیم بگیرند، نه بر اساس داده‌های واقعی. اثر لنگر نیز از دیگر سوگیری‌هاست که باعث می‌شود تصمیم‌گیری افراد تحت تأثیر اولین اطلاعاتی که دریافت می‌کنند قرار گیرد. علاوه بر این، سوگیری تأییدی موجب می‌شود افراد اطلاعاتی را جست‌وجو کنند که باورهای قبلی آنها را تأیید کند و اطلاعات مخالف را نادیده بگیرند. در نظریه چشم‌انداز، کانمن و تورسکی (۱۹۷۹) نشان دادند که افراد در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی به‌طور غیرعقلایی رفتار می‌کنند. طبق این نظریه، افراد ضررها را بیشتر از سودهای هم‌اندازه حس می‌کنند و در مواجهه با ضرر، بیشتر ریسک می‌کنند، اما در مواجهه با سود، محافظه‌کار می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، در سرمایه‌گذاری، اگر سهامی رشد کند، فرد ترجیح می‌دهد زودتر آن را بفروشد تا سود خود را قطعی کند، اما اگر سهامی در حال سقوط باشد، فرد تمایل دارد که آن را نگه دارد به امید اینکه ضررها جبران شوند، حتی اگر داده‌های اقتصادی نشان دهد که باید

آن را بفروشد. روان‌شناسی شناختی همچنین نشان می‌دهد که هیجانات و استرس بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیرگذار هستند. در شرایط استرس، افراد بیشتر به میان‌برهای شناختی متوسل می‌شوند و کمتر از روش‌های تحلیلی استفاده می‌کنند؛ همچنین احساسات قوی مانند ترس، شادی یا خشم می‌توانند فرایند انتخاب عقلایی را مختل کنند؛ به‌عنوان مثال، افراد هنگام خرید هیجانی، کالاهایی را می‌خرند که ممکن است بعداً به آنها نیازی نداشته باشند. در مجموع، روان‌شناسی شناختی نشان می‌دهد که انتخاب‌های انسانی همیشه عقلایی نیستند و عوامل ذهنی مانند محدودیت‌های شناختی، سوگیری‌های ذهنی و پردازش هیجانی بر آنها تأثیر می‌گذارند. روان‌شناسی رفتاری نیز نظریه انتخاب عقلایی را از دیدگاهی متفاوت بررسی می‌کند و معتقد است که تصمیم‌گیری‌های انسان نه بر اساس محاسبات منطقی و هدفمند، بلکه تحت تأثیر یادگیری، شرطی‌سازی و محرک‌های محیطی شکل می‌گیرد. برخلاف نظریه انتخاب عقلایی که فرض می‌کند افراد با ارزیابی هزینه و فایده بهترین گزینه را انتخاب می‌کنند، روان‌شناسی رفتاری تأکید دارد که رفتار انسان بیشتر نتیجه تجربه‌های گذشته، تقویت‌های مثبت و منفی و الگوهای شرطی‌شده است. یکی از اصول اساسی روان‌شناسی رفتاری، نظریه شرطی‌سازی کلاسیک پاولوف است که نشان می‌دهد افراد می‌توانند بر اساس ارتباط‌های ناخودآگاه میان محرک‌ها و پاسخ‌ها، الگوهای رفتاری ثابتی را توسعه دهند. این نظریه بیان می‌کند که بسیاری از تصمیم‌گیری‌های افراد ممکن است ناشی از واکنش‌های شرطی‌شده باشد، نه یک انتخاب آگاهانه و منطقی؛ برای مثال، فردی که در گذشته هنگام خرید یک برند خاص تجربه‌ای مثبت داشته است، ممکن است بدون بررسی سایر گزینه‌ها دوباره همان برند را انتخاب کند. از سوی دیگر، شرطی‌سازی کنشگر اسکینر نشان می‌دهد که رفتار انسان نتیجه تقویت‌ها و پاداش‌های محیطی است. افراد تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که در گذشته برای آنها نتیجه مطلوبی داشته و از رفتارهایی که منجر به پیامدهای منفی شده‌اند، اجتناب می‌کنند. این نظریه تأکید دارد که انتخاب‌ها بیشتر بر اساس پاداش و تنبیه شکل می‌گیرند تا محاسبات عقلایی؛ برای مثال، فردی که در یک محیط کاری برای رفتار خاصی پاداش دریافت کرده است، احتمالاً همان رفتار را در موقعیت‌های مشابه تکرار خواهد کرد، حتی اگر از نظر منطقی بهترین انتخاب نباشد. علاوه بر این، رفتارگرایان بر نقش عادت‌ها در تصمیم‌گیری تأکید می‌کنند. عادت‌ها که از طریق تکرار و تقویت شکل می‌گیرند، می‌توانند فرایند انتخاب را به‌طور ناخودآگاه تحت تأثیر قرار دهند و افراد را به انجام رفتارهایی سوق دهند که لزوماً عقلانی نیستند؛ به‌عنوان مثال، کسی که عادت دارد همیشه از یک مسیر مشخص به محل کار برود، ممکن است حتی در صورت ارائه یک مسیر سریع‌تر، تمایلی به تغییر مسیر نداشته باشد. در نهایت، روان‌شناسی رفتاری (ویلیام اودنوهو، ۱۹۹۸؛ استودون، ۲۰۱۴) نشان می‌دهد که انتخاب‌های انسانی به شدت تحت تأثیر محیط، یادگیری و شرطی‌سازی قرار دارند و تصمیم‌گیری‌ها همیشه بر اساس عقلانیت محض انجام نمی‌شوند. برخلاف نظریه انتخاب عقلایی که بر محاسبات منطقی فرد تأکید دارد، روان‌شناسی رفتاری معتقد است که محرک‌های بیرونی، عادت‌ها و تجربه‌های گذشته، تأثیر بیشتری بر انتخاب‌ها دارند. بنابراین رفتارگرایان بر این باورند که برای درک بهتر تصمیم‌گیری‌های انسانی، باید نقش

محیط و یادگیری را در شکل‌گیری رفتارها مورد توجه قرار داد. بنابراین نظریه انتخاب عقلایی به‌وسیله روان‌شناسی شناختی و رفتاری در چارچوب مکتب اقتصاد رفتاری اصلاح و تکمیل شده است. اقتصاد رفتاری (دامی، ۱۴۰۰؛ ۱۴۰۱) رویکرد بسیار پر قدرت در علم اقتصاد است که با ترکیب مفاهیم روان‌شناسی و علوم شناختی، به بررسی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی انسان می‌پردازد و نشان می‌دهد که رفتارهای اقتصادی اغلب از مدل‌های کلاسیک عقلانیت پیروی نمی‌کنند. دامی برخلاف نظریه‌های سنتی که فرض می‌کنند افراد همیشه منطقی، خودخواه و به دنبال بیشینه‌سازی منافع خود هستند، معتقد است اقتصاد رفتاری در چارچوب نظریاتی نظیر عقلانیت محدود نظریه چشم‌انداز و سوگیری‌های شناختی نشان می‌دهد که عوامل شناختی، هیجانی، اجتماعی و محیطی بر انتخاب‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارند و به همین دلیل اساساً رفتار انسان‌ها غیرعقلانیو غیرمنطقی خواهد بود؛ درحالی‌که در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی، اساساً همه رفتارهای اقتصادی با عقلانیت کامل شکل می‌گیرند.

۳-۳. نقد اخلاقی نظریه انتخاب عقلایی

نظریه انتخاب عقلایی با تأکید بر فردگرایی، خودمحوری و منفعت‌طلبی از منظر اخلاقی نیز با نقدهای جدی مواجه است. در چارچوب مکاتب اخلاقی رقیب (مصباح یزدی، ۱۳۹۸) می‌توان نشان داد که اساساً فایده‌گرایی غیراخلاقی است. این نظریه قادر نیست بسیاری از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و انسانی رفتارهای افراد را به‌درستی تبیین کند. این نظریه فرض می‌کند که افراد همواره در پی حداکثرسازی منفعت شخصی خود هستند؛ درحالی‌که انسان‌ها اهدافی فراتر از سود مادی نیز دارند. این اهداف، ریشه در گرایش‌های فطری مانند حقیقت‌طلبی، صداقت، خیرخواهی و سخاوت و حتی قدرت‌طلبی، آزادی خواهی، زیبایی دوستی، عشق‌ورزی، نوع‌دوستی، عدالت‌خواهی، تعالی معنوی و... دارند که از نظر اقتصادی لزوماً سودمند نیستند، اما نقش مهمی در رفتارهای انسانی ایفا می‌کنند. پایبندی به اصول اخلاقی، گاه انسان را به تصمیم‌هایی وامی‌دارد که برخلاف منفعت شخصی اوست؛ مانند پرهیز از فساد و رشوه یا ایستادگی در برابر بی‌عدالتی. یا حس نوع‌دوستی و همدلی، انسان را به فداکاری برای دیگران سوق می‌دهد. کمک به نیازمندان، حمایت از آسیب‌دیدگان و مشارکت در امور خیریه نمونه‌هایی از رفتارهایی هستند که فراتر از محاسبات سود و زیان شخصی قرار می‌گیرند؛ همچنین بسیاری از افراد در جست‌وجوی معنا و تحقق خود، هویتی فراتر از نیازهای مادی می‌سازند. نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان که زندگی خود را وقف خلق آثار ارزشمند یا کشف حقیقت می‌کنند، بیشتر در پی تحقق آرمان‌های شخصی خود هستند تا کسب سود مادی. روابط انسانی نیز از انگیزه‌های مهم زندگی است و افراد برای حفظ ارتباطات خانوادگی و دوستانه، تصمیم‌هایی می‌گیرند که لزوماً سود اقتصادی ندارند، اما برایشان ارزشمند است. عشق، وفاداری و حمایت از عزیزان، نشان‌دهنده اهمیت است که انسان‌ها برای روابط خود قائل‌اند، حتی اگر این امر مستلزم صرف‌نظر کردن از منافع شخصی باشد. عدالت‌خواهی و مسئولیت اجتماعی از دیگر انگیزه‌های غیرمادی انسان است. بسیاری از افراد، با آگاهی از نابرابری‌های اجتماعی، برای دفاع از حقوق دیگران و مبارزه با فساد تلاش می‌کنند، حتی اگر این کار هزینه‌ای شخصی برایشان داشته باشد. حس مسئولیت‌پذیری نیز

موجب می‌شود که افراد بدون در نظر گرفتن منافع شخصی، به وظایف خود پایبند باشند. پزشکیانی که در شرایط بحرانی فعالیت می‌کنند، معلمانی که به‌رغم مشکلات اقتصادی همچنان به تدریس ادامه می‌دهند، یا کارگرانی که مسئولیت خود را با وجود دشواری‌ها انجام می‌دهند، همگی نمونه‌هایی از این تعهد هستند. کنجکاوی و جست‌وجوی دانش نیز یکی دیگر از انگیزه‌های انسانی است که فرد را به‌سوی تحقیق، یادگیری و کشف حقیقت سوق می‌دهد. دانشمندان و مخترعانی که سال‌ها روی یک نظریه یا اختراع کار می‌کنند، نشان می‌دهند که انگیزه کشف و نوآوری می‌تواند قوی‌تر از منافع اقتصادی باشد. تجربه‌های زیباشناختی مانند علاقه به هنر، موسیقی، طبیعت‌گردی و سفر نیز از جمله انگیزه‌های غیرمادی هستند که افراد برای آرامش ذهنی و رضایت درونی دنبال می‌کنند. ایمان و باورهای معنوی نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های انسانی دارد، به‌گونه‌ای که بسیاری از افراد به دلیل اعتقادات دینی و اخلاقی، اعمالی انجام می‌دهند که ممکن است از نظر اقتصادی سودی نداشته باشد، اما از دیدگاه معنوی برایشان ارزشمند است. عبادت، کمک به دیگران، بخشش و خدمت به جامعه نمونه‌هایی از این انگیزه هستند. یکی از نقدهای اساسی به نظریه انتخاب عقلایی، امکان مشروعیت‌بخشی به رفتارهای غیراخلاقی است. اگر تنها معیار انتخاب‌ها، حداکثرسازی منفعت شخصی باشد، رفتارهایی همچون تقلب، فریب‌کاری و استثمار دیگران می‌توانند عقلایی و مطلوب تلقی شوند؛ درحالی‌که نظریه‌های اخلاقی مانند نظریه وظیفه‌گرایی کانت، بر پایبندی به اصول اخلاقی مستقل از نتایج تأکید دارند. این کاستی نظریه انتخاب عقلایی ممکن است به گسترش نگرش‌هایی منجر شود که سود شخصی را بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی مقدم می‌دارند. همچنین نظریه انتخاب عقلایی در تبیین نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی نیز دچار ضعف است. این نظریه معمولاً نابرابری‌ها را نتیجه انتخاب‌های فردی می‌داند و از این طریق ممکن است شرایط ناعادلانه را توجیه کند؛ درحالی‌که نظریات عدالت‌محور، مانند نظریه عدالت جان راولز، بر ضرورت توجه به فرصت‌های برابر تأکید دارند، نظریه انتخاب عقلایی، با تمرکز بر فردگرایی، نابرابری‌های ساختاری را نادیده می‌گیرد. علاوه بر این، این نظریه در تحلیل پیچیدگی‌های اخلاقی دچار ساده‌انگاری است؛ تصمیم‌های اخلاقی معمولاً چندبعدی و پیچیده هستند و نمی‌توان آنها را صرفاً به محاسبات سود و زیان تقلیل داد. در بسیاری از موقعیت‌ها، افراد باید میان انصاف، وظیفه‌شناسی، وفاداری و احترام به کرامت انسانی انتخاب کنند، اما نظریه انتخاب عقلایی به دلیل تمرکز بر منفعت فردی، قادر به تحلیل این پیچیدگی‌ها نیست؛ برای مثال، یک پزشک ممکن است بین منافع مالی خود و تعهد به نجات جان بیمار، مجبور به انتخاب شود؛ درحالی‌که نظریات اخلاقی مانند اخلاق فضیلت‌محور ارسطو، بر اهمیت تقویت فضائل اخلاقی و تصمیم‌گیری بر اساس ارزش‌های انسانی تأکید دارند، این نظریه چنین ملاحظات را نادیده می‌گیرد.

در مجموع، نظریه انتخاب عقلایی اگرچه ابزار تحلیلی قدرتمندی برای مطالعه رفتارهای اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهد، اما از منظر اخلاقی دارای کاستی‌های جدی است. تأکید بیش‌ازحد بر منفعت‌گرایی فردی، بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، ناتوانی در تبیین انگیزه‌های نوع‌دوستانه و معنوی، توجیه نابرابری‌های اجتماعی و ساده‌سازی مسائل اخلاقی ازجمله مهم‌ترین چالش‌های این نظریه محسوب می‌شوند. بنابراین برای ارائه یک تحلیل

جامع‌تر از رفتارهای انسانی، ضروری است که این نظریه با نظریه‌های اخلاقی مکمل همراه شود تا بتواند جنبه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و معنوی رفتارهای انسانی را نیز در نظر بگیرد. تنها از این طریق می‌توان به درکی عمیق‌تر از تصمیم‌گیری‌های انسانی دست یافت که علاوه بر عقلانیت، ارزش‌های اخلاقی و عدالت اجتماعی را نیز شامل شود. بر این اساس نهادگرایی و نظریات پایه آن در جامعه‌شناسی، فردگرایی را، و اقتصاد رفتاری و نظریات پایه آن در روان‌شناسی، عقلانیت کامل را، و نظریات اخلاقی، هدف کنشگران را در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی به شدت به چالش می‌کشند.

نتیجه‌گیری

نظریه انتخاب عقلایی با تأکید بر منفعت‌طلبی حسابگرانه فردی، در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی با کاستی‌های جدی مواجه است. این نظریه که حتی در تحلیل رفتارهای اقتصادی ناتوان است، نمی‌تواند بسیاری از جنبه‌های پیچیده رفتار انسانی را در حوزه‌هایی مانند خانواده، سیاست، حقوق، دین، جرم‌شناسی، هنر و تولید علم به‌درستی تبیین کند. در حوزه خانواده، روابط انسانی بر پایه عواطف، عشق، فداکاری و تعهد شکل می‌گیرد و برخلاف فرض‌های نظریه انتخاب عقلایی، بسیاری از تصمیم‌ها بدون محاسبه سود اقتصادی اتخاذ می‌شوند. والدین برای فرزندان خود فداکاری می‌کنند، همسران بر اساس عشق و وفاداری تصمیم‌گیری می‌کنند و روابط خانوادگی نه بر اساس سود و زیان، بلکه بر پایه احساسات و تعهدات عاطفی استوار است. نظریه انتخاب عقلایی نمی‌تواند این فداکاری‌ها و انگیزه‌های احساسی را توضیح دهد و نقش اعتماد و همبستگی را در پایداری خانواده نادیده می‌گیرد.

در عرصه سیاست، این نظریه فرض می‌کند که سیاستمداران و شهروندان بر اساس منفعت شخصی عمل می‌کنند، اما بسیاری از تصمیم‌های سیاسی تحت تأثیر آرمان‌گرایی، تعهد اجتماعی و عدالت‌خواهی قرار دارد. بسیاری از سیاستمداران برای تحقق آرمان‌هایشان به قدرت می‌رسند و شهروندان نیز در اعتراضات و انقلاب‌ها برای دفاع از حقوق جمعی به خیابان‌ها می‌آیند، نه برای کسب سود شخصی. در نظام‌های حقوقی نیز این نظریه نمی‌تواند مفاهیمی همچون عدالت، انصاف و وجدان اخلاقی را به‌درستی تحلیل کند. افراد نه فقط به دلیل ترس از مجازات، بلکه به دلیل تعهد اخلاقی به قانون احترام می‌گذارند؛ درحالی‌که نظریه انتخاب عقلایی بر مبنای محاسبه هزینه و فایده است. در جرم‌شناسی نیز این نظریه فرض می‌کند که افراد تنها زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود آن بیشتر از هزینه آن باشد؛ درحالی‌که بسیاری از جرایم ناشی از خشم، انتقام، فشارهای اجتماعی یا بیماری‌های روانی هستند، نه محاسبات سود و زیان. همچنین این نظریه نمی‌تواند رفتارهای فداکارانه در میان مجرمان را تبیین کند؛ مانند اعضای گروه‌های خلاف‌کار که به‌رغم هزینه‌های سنگین، به دلیل وفاداری به یکدیگر، مرتکب جرایم می‌شوند.

بسیاری از افراد بدون در نظر گرفتن سود شخصی، به قانون پایبند می‌مانند؛ زیرا آن را ارزشمند و اخلاقی می‌دانند. همچنین در حقوق کیفری، این نظریه نمی‌تواند انگیزه‌های افراد برای اعتراف به جرم، اصلاح‌پذیری و پشیمانی را تبیین کند؛ زیرا این رفتارها گاهی برخلاف منافع شخصی هستند.

در حوزه دین و باورهای مذهبی، نظریه انتخاب عقلایی از توضیح رفتارهای دینی که مبتنی بر ایمان، فداکاری، عبادت و تعهد به ارزش‌های غیرمادی است، ناتوان است. بسیاری از اعمال دینی؛ مانند روزه گرفتن، کمک به فقرا، عبادت و ایثار، سود اقتصادی مستقیمی ندارند، اما از منظر ایمان و معنویت ارزشمند تلقی می‌شوند. این نظریه نمی‌تواند چرایی انجام این اعمال را بدون توسل به مفاهیمی مانند «مطلوبیت معنوی» توضیح دهد، اما همچنان قادر به تبیین احساسات ایمان، یقین و تجربه‌های دینی نیست.

هنر و خلاقیت نیز کاملاً فراتر از منطق منفعت‌طلبی قرار می‌گیرند. این نظریه قادر نیست انگیزه‌های خلاقیت، نوآوری، زیبایی‌شناسی و بیان احساسات را توضیح دهد. بسیاری از هنرمندان و نویسندگان سال‌ها بدون هیچ انگیزه اقتصادی بر روی آثار خود کار می‌کنند؛ زیرا هنر را راهی برای بیان خود، ارتباط با دیگران و خلق زیبایی می‌دانند. نظریه انتخاب عقلایی نمی‌تواند توجیه کند که چرا برخی افراد برای خلق یک اثر هنری یا یک شاهکار علمی، حاضرند فداکاری‌های شخصی و اقتصادی انجام دهند. در تولید علم نیز این نظریه کاستی‌های زیادی دارد؛ دانشمندان و محققان غالباً به دلایل کنجکاوی، حقیقت‌طلبی و عشق به دانش کار می‌کنند، نه به دلیل انگیزه‌های مادی. بسیاری از کشفیات علمی بدون انتظار منفعت اقتصادی انجام شده‌اند و نظریه انتخاب عقلایی نمی‌تواند این انگیزه‌های غیرمادی را به‌درستی تحلیل کند.

در مجموع، نظریه انتخاب عقلایی به دلیل تأکید بیش‌ازحد بر منفعت‌طلبی فردی، نادیده گرفتن انگیزه‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی، و ساده‌سازی رفتارهای پیچیده انسانی، در بسیاری از حوزه‌های اجتماعی ناکارآمد است. این نظریه نمی‌تواند پدیده‌هایی مانند عشق، فداکاری، ایمان، عدالت‌خواهی، وفاداری، خلاقیت و ایثار را به‌درستی تبیین کند. بنابراین برای درک بهتر رفتارهای انسانی، لازم است که این نظریه با دیدگاه‌های اخلاقی، روان‌شناختی و اجتماعی تکمیل شود تا بتواند در چارچوب یک نظریه جامع عقلانیت پیچیدگی‌های واقعی زندگی انسانی را منعکس کند.

منابع

- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. / راهبرد فرهنگ، ۱(۳)، ۳۳-۶۴.
- دامی، سانجیت (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱). مبانی تحلیل‌های اقتصاد رفتاری. ترجمه عطاالله رفیعی آتانی و مهیار حسنی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). قواعد و روش جامعه‌شناسی. ترجمه محمدعلی کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۹). خودکشی. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نی.
- کوتر، رابرت و یولن، تامس (۱۳۸۸). حقوق و اقتصاد. ترجمه یدالله دادگر و حامده اخوان هزاوه. تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم.
- کین، مارک و آیزنک، مایکل (۱۴۰۲). روان‌شناسی شناختی. ترجمه اکبر رهنما و محمدرضا فریدی. تهران: آیش.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: سمت.
- Althusser, L. (1971). *Ideology and Ideological State Apparatuses. In Lenin and Philosophy and Other Essays*. Monthly Review Press.
- Azzi, Corry, and Ehrenberg, Ronald (1975). *Household Allocation of Time and Church Attendance*. Journal of Political Economy, 83(1), 27-56.
- Becker G. S. (1974). *A theory of marriage: Part II*. J. Polit. Econ. 82, S11-S26.
- Becker G. S. (1976). *The Economic Approach to Human Behavior*. Chicago: Univ. Chicago Press.
- Becker G. S. (1981). *A Treatise on the Family*. Cambridge: Harvard Univ. Press.
- Becker, G. (1968). *Crime and Punishment: An Economic Approach*. Journal of Political Economy, 76(2), 169-217.
- Becker, G. S. (1964). *Human capital: A theoretical and empirical analysis, with special reference to education*. University of Chicago Press.
- Becker, G. S. (1968). *Crime and punishment: An economic approach*. Journal of Political Economy, 76(2), 169-217.
- Becker, Gary S., and Murphy, Kevin M. (1988). *A Theory of Rational Addiction*. Journal of Political Economy, 96(4), 675-700.
- Becker, Gary S., Grossman, Michael, and Murphy, Kevin M. (1994). *An Empirical Analysis of Cigarette Addiction*. American Economic Review, 84, 396-418.
- Buchanan, J. M. (1962). *The Calculus of Consent: Logical Foundations of Constitutional Democracy* (with Gordon Tullock). University of Michigan Press.
- Buchanan, J. M. (1975). *The Limits of Liberty: Between Anarchy and Leviathan*. University of Chicago Press.
- Buchanan, J. M. (1985). *Liberty, Market and State: Political Economy in the 1980s*. Wheatsheaf Books.

- Chaves M., Cann D. E. (1992). *Regulation, pluralism, and religious market structure: explaining religion's vitality*. Ration. Soc, 4, 272–290.
- Coase, R. H. (1937). *The nature of the firm*. *Economica*, 4(16), 386–405.
- Coleman J. S. (1993). *The rational reconstruction of society*. Am. Sociol. Rev. 58, 1–15.
- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Harvard University Press.
- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of Social Theory*. Harvard University Press.
- Cornish D. B., Clarke RV, e. d. s. (1986). *The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspectives on Offending*. New York: Springer-Verlag.
- Downs, A. (1957). *An economic theory of democracy*. Harper & Row.
- Downs, A. (1957). *An Economic Theory of Democracy*. Harper and Row.
- Durkin, John T., J. r., and Greeley, Andrew M. (1991). *A Model of Religious Choice Under Uncertainty: On Responding Rationally to the Nonrational*. *Rationality and Society*, 3(2), 178-96.
- Elster, J. (1979). *Ulysses and the Sirens: Studies in Rationality and Irrationality*. Cambridge University Press.
- Elster, J. (1985). *Making Sense of Marx*. Cambridge University Press.
- Elster, J. (1986). *Rational Choice: Background and Some Lacunae*. In *Rational Choice*. ed. J. Elster. New York University Press.
- Elster, J. (1989). *The Nature and Scope of Rational-Choice Explanation*. In *The Philosophy of Social Explanation*. ed. A. Ryan. Oxford University Press.
- Elster, J. (2009). *Reason and Rationality*. Princeton University Press.
- Finke R, Stark R. (1988). *Religious economies and sacred canopies: religions mobilization in American cities*, 1906. Am. Sociol. Rev, 53, 41–49.
- Gerrard, Bill (2006). *The Economics of rationality*, published in the Taylor & Francis e-Library.
- Goff, Brian L., and Tollison, Robert D. (1987). *The Allocation of Death in the Vietnam War: A Public Choice Perspective*. Southern Economic Journal, 54(2), 316-21.
- Green, D. P. & Shapiro, I. (1994). *Pathologies of Rational Choice Theory: A Critique of Applications in Political Science* Yale University Press.
- Hamermesh, Daniel S., and Soss, Neal M. (1974). *An Economic Theory of Suicide*. journal of Political Economy, 82(1), 83-98.
- Hechter, M. & Kanazawa, S. (1997). *Sociological Rational Choice Theory*. Annual Review of Sociology, 191-214.
- Hoem J. M. (1993). *Public policy as the fuel of fertility: effects of a policy reform on the pace of childbearing in Sweden in the 1980s*. Acta Sociol, 36, 19-31.
- Horney J., Marshall I. H. (1992). *Risk perceptions among serious offenders: the role of crime and punishment*. Criminology, 30, 575-94.

- Iannaccone L. R. (1992). *Sacrifice and stigma: reducing free-riding in cults, communes, and other collectivities*. J. Polit. Econ, 100, 271-91.
- Iannaccone, L. R. (1991). *The Consequences of Religious Market Structure: Adam Smith and the Economics of Religion*. Rationality and Society, 3(2), 156-177.
- Iannaccone, L. R. (1998). *Introduction to the economics of religion*. Journal of Economic Literature, 36(3), 1465-1495.
- Jacobs B. A. (1996). *Crack dealers and restrictive deterrence: identifying narcs*. Criminology, 34, 409-31.
- Staddon, John (2014). *The New Behaviorism*, Psychology Press.
- Kahneman, D. & Tversky, A. (1974). *Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases*. Science, 185(4157), 1124-1131.
- Kahneman, D. & Tversky, A. (1979). *Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk*. Econometrica, 47(2), 263–291.
- Kelley D. (1972). *Why Conservative Churches, are Growing*. New York: Harper & Row.
- Keohane, R. O. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. Princeton University Press.
- Keohane, Robert O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton University Press.
- Landes, William M. & Posner, Richard A. (1989). *An Economic Analysis of Copyright Law*. Journal of Legal Studies, 18(2), 325-363.
- Laurence R. (1984). *Consumption Capital and Habit Formation with an Application to Religious Participation*. U. Chicago P.h.D. Dissertation.
- Laurence R. (1990). *Religious Practice: A Human Capital Approach*. Journal of the Scientific Study of Religion 29(3), 297-314.
- Laurence R. (1998). *Introduction to the Economics of Religion*. Journal of Economic Literature XXXVI, 1465-96.
- MacLeod J. (1995). *Ain't No Makin' It: Aspirations and Attainment in a Low-Income Neighborhood*. Boulder, CO: Westview.
- Mill, John Stuart (1844) [1967]. *On the Definition of Political Economy and on the Method of Investigation Proper to It*. In *Essays on Some Unsettled Questions of Political Economy*. reprinted in *Essays on Economics and Society, 1824–1845*. The Collected Works of John Stuart Mill, Vol. 4. Toronto: University of Toronto Press.
- Nordhaus, W. D. (1975). *The Political Business Cycle*. Review of Economic Studies, 42(2), 169-190.
- North, Douglass C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- Pezzin L. E. (1995). *Earnings prospects, matching effects, and the decision to terminate a criminal career*. J. Quant. Criminol, 11, 29-50.

- Piliavin I., Thornton C., Gartner R., Matsueda R. L. (1986). *Crime, deterrence, and rational choice*. Am. Sociol. Rev, 51, 101-19
- Posner, Richard A. (2007). *Economic Analysis of Law* (7th ed.). Aspen Publishers.
- Riker, W. H. (1982). *Liberalism against populism: A confrontation between the theory of democracy and the theory of social choice*. W. H. Freeman.
- Simon, Herbert, (2000). *Bounded Rationality in Social Science*. Today and Tomorrow, Mind & Society.
- South SJ, Lloyd K. M. (1995). *Spousal alternatives and marital dissolution*. Am. Sociol. Rev, 60, 21–35.
- Stark, R. & Bainbridge, W. S. (1987). *A Theory of Religion*. Peter Lang Publishing.
- Stark, R. & Finke, R. (2000). *Acts of Faith: Explaining the Human Side of Religion*. University of California Press.
- Stark, R. (1992). *Do Catholic societies really exist?* Rationality and Society, 4(3), 261-271.
- Treas J. (1993). *Money in the bank: transaction costs and the economic organization of marriage*. Am. Sociol. Rev, 58, 723-34.
- William O'Donohue (1998). Richard Kitchener, *Handbook of Behaviorism*, Academic Press.

An Analysis of the Effect of Sanctions on the Economic Complexity of the Islamic Republic of Iran

 **Seyed Mohsen Sajjadi** / Assistant Professor, Department of Economics, Mofidu University

sajjadi@mofidu.ac.ir

Razieh Khaleghpour / M.A. in Economics, Mofid University

r.khaleghpour@gmail.com

Received: 2024/10/07 - **Accepted:** 2024/12/07

Abstract

One of the aspects of economic sanctions that can be examined is the assessment of its effect on the economic complexity index, as one of the important indicators in determining the economic rank of countries at the international level. This article examines the causal relationship between economic sanctions and economic complexity in Iran. The main research question is whether the relationship between sanctions and economic complexity in Iran is bidirectional? To answer this question, we used the econometric autoregressive (VAR) model and factor analysis to analyze time series data. The research findings show that among the three main indicators indicating economic sanctions, the export goods price index is the cause of the economic complexity index at a confidence level of 90 percent; that is, as sanctions increase, economic complexity decreases. However, the reverse relationship does not exist, and there is no relationship between other indicators of sanctions and economic complexity, which may be due to Iran's low rank in the economic complexity index.

Keywords: Economic sanctions, economic complexity index, productive knowledge, autoregressive model (VAR), Granger causality, trade relationship.

JEL classification: F51, O32, O33, C13, F13.

تحلیل اثر تحریم بر پیچیدگی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

sajjadi@mofidu.ac.ir

r.khaleghpour@gmail.com

سیدمحسن سجادی  / استادیار دپارتمان اقتصاد دانشگاه مفید

رضیه خالق پور / کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه مفید

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷

چکیده

یکی از ابعاد قابل بررسی تحریم اقتصادی، ارزیابی اثر آن بر شاخص پیچیدگی اقتصادی به عنوان یکی شاخص‌های مهم در تعیین رتبه اقتصادی کشورها در سطح بین‌الملل است. این مقاله به بررسی رابطه علی میان تحریم اقتصادی و پیچیدگی اقتصادی در ایران می‌پردازد. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا رابطه تحریم و پیچیدگی اقتصادی در ایران دو سویه است؟ برای پاسخ به این سؤال از مدل اقتصادسنجی خودرگرسیون برداری (VAR) و تحلیل عاملی برای تجزیه و تحلیل داده‌های سری زمانی استفاده کردیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بین سه شاخص عمده نشان‌دهنده تحریم اقتصادی، شاخص قیمت کالاهای صادراتی علت شاخص پیچیدگی اقتصادی در سطح اطمینان ۹۰ درصد است؛ یعنی با افزایش تحریم‌ها، پیچیدگی اقتصادی کاهش می‌یابد؛ هرچند عکس این رابطه وجود ندارد و بین سایر شاخص‌های تحریم و پیچیدگی اقتصادی نیز ارتباطی دیده نمی‌شود، که شاید به دلیل رتبه پایین ایران در شاخص پیچیدگی اقتصادی باشد.

کلیدواژه‌ها: تحریم اقتصادی، شاخص پیچیدگی اقتصادی، دانش مولد، مدل خودرگرسیون برداری (VAR)، علیت گرنجر، رابطه مبادله.

طبقه‌بندی JEL: F51, O32, O33, C13, F13

مقدمه

تحریم‌های اقتصادی یکی از ابزارهای فشار علیه کشورها بوده که تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد دارند. پس از انقلاب اسلامی، ایران با تحریم‌های مختلفی مواجه شده که مسئولان همواره به دنبال شناسایی و مقابله با اثرات منفی آن بوده‌اند. در صورت ناشناخته بودن تحریم در جامعه باعث ایجاد ترس، نااطمینانی، پررنگ شدن نقاط ضعف و عدم مشاهده نقاط قوت و اشتباهات محاسباتی در فضای عمومی و نخبگانی خواهد شد. در چنین شرایطی کشور مستعد روی آوردن به سمت راه‌حل‌های نادرست و عدم سیاست‌گذاری صحیح و مناسب در برابر تحریم‌هاست. با شناخت و درک شرایط اقتصاد تحریمی، می‌توان واقعیت‌های مسائل پیرامون کشور را سنجید و مطابق با آن به سیاست‌ها و رفتارهای اقتصادی و تولیدات ملی جهت‌گیری درست داد.

یکی از مسیرهای مواجهه با تحریم‌های اقتصادی، افزایش قدرت اقتصادی است و از سیاست‌های راهبردی جهت افزایش قدرت اقتصادی کشور، می‌توان به تقویت تولید ملی اشاره کرد. در این زمینه، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که دانش‌بنیان کردن اقتصاد، راهبردی محوری و مؤثر در این زمینه است. نتیجه حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، بهبود شاخص پیچیدگی اقتصادی در سطح بین‌الملل است. از طرفی، شاخص پیچیدگی اقتصادی نقش مهمی در ارتقای جایگاه اقتصادی کشورها در سطح بین‌الملل دارد.

پیچیدگی اقتصادی مفهومی است که توسط هیدالگو (Hidalgo) و هاسمن (Hausmann) مطرح شد تا میزان دانش‌بر بودن محصولات یک کشور را بیان کند. این شاخص، بازتابی از توانایی‌های تولیدی و دانش انباشته‌شده در یک کشور بوده و معیاری برای محاسبه حجم فناوری در یک جامعه است (هاسمن و دیگران، ۲۰۱۱). به عبارتی میزان دانش کاربردی نهفته در اقتصاد را نشان می‌دهد (خاندوزی و میرنظامی، ۱۳۹۸)، و دلالت بر تولید و صادرات کالاهایی دارد که بر دانش و مهارت انباشت‌شده و متمرکز شده داشته و نتیجه تخصصی‌سازی کالایی در کشورهاست (الهی و دیگران، ۱۳۹۷). پیچیدگی اقتصادی با افزایش قدرت اقتصادی ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا با بهبود شاخص پیچیدگی، سبب صادراتی کشور متنوع‌تر شده و کالاهای پیچیده‌تری را در خود جای می‌دهد که در این صورت، اقتصاد آن کشور دارای مقاومت بالاتر و از قدرت اقتصادی بیشتری در عرصه بین‌الملل برخوردار خواهد بود (چشمی و دیگران، ۱۳۹۲).

هدف این نوشتار بررسی رابطه میان تحریم‌های اقتصادی و پیچیدگی اقتصادی در ایران است. پرسشی که اینجا به وجود می‌آید این است که با توجه به شرایط اقتصادی و تحریمی ایران، چقدر بهبود رتبه پیچیدگی اقتصادی، به مقاومت‌سازی اقتصاد ایران کمک می‌کند؟ و افزایش رتبه پیچیدگی اقتصاد، چقدر بر کاهش اثرات ناشی از تحریم مؤثر است؟ همچنین آیا تحریم‌های اقتصادی، مانع پیچیده شدن اقتصاد نیستند؟ بنابراین مسئله پژوهش حاضر این است که تأثیر پیچیدگی اقتصادی بر تحریم‌ها و بالعکس، تأثیر تحریم‌ها بر بهبود شاخص پیچیدگی اقتصادی را بررسی نماید. این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد بر نتایج خروجی از نرم‌افزار ایویوز نگارش شده است.

ساختار مقاله بدین شرح است: ابتدا مرور ادبیات موضوع، سپس مبانی نظری، مدل‌های استفاده شده، روش تحقیق، و سپس تصریح و برآورد مدل و آزمون‌های مرتبط آورده می‌شود. در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات خواهد آمد.

۱. ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

کازرونی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی کارایی تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه بر تجارت خارجی محصولات غیرنفتی در ایران»، تأثیر تحریم را بر حجم تجارت ایران با ۷۳ شریک اصلی تجاری خود، با استفاده از مدل جاذبه تعدیل‌یافته و رهیافت داده‌های تلفیقی پویا مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که تحریم یک‌جانبه آمریکا روی تجارت ایران تأثیر معنی‌داری نداشته، ولی تحریم‌های چندجانبه تأثیر منفی و معنی‌داری بر جای گذاشته‌اند؛ همچنین با بررسی تأثیر تحریم‌ها بر حجم تجارت خارجی ایران با کشورهای ثالث، به این نتیجه رسیدند که تحریم‌های یک‌جانبه، اثر مثبت و معنی‌داری داشته است. به بیان دیگر ایران موفق شده است برای مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، با استفاده از گسترده کردن تجارت خود با کشورهای ثالث، اثر تحریم آمریکا را محدود و کنترل کند.

فدائی و درخشان (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران»، به دنبال این هستند تا با شاخص‌سازی و تعیین وزن تحریم‌های مختلف، تأثیر تحریم‌ها را به‌عنوان متغیر موهومی بر رشد اقتصادی ایران بررسی کنند. بدین منظور با استفاده از داده‌های سری زمانی و به‌کارگیری مدل $ARDL$ ، تأثیر تحریم‌ها بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت تحریم‌های ضعیف تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته، ولی تحریم‌های متوسط و قوی به ترتیب با ضرایب $۰/۰۹۸$ و $۰/۴۳$ تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته‌اند. در بلندمدت نیز تحریم‌های ضعیف و قوی تأثیر معناداری بر رشد نداشته، ولی تحریم‌های متوسط با ضریب $۰/۰۲۴$ تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته‌اند. عزتی و سلمانی (۱۳۹۴) مقاله‌ای تحت عنوان «برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران» نوشته‌اند. در این مقاله اثر تحریم بر رشد اقتصادی ایران از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از الگوی اقتصادسنجی $ARDL$ نشان می‌دهد تا پیش از تحریم‌های گسترده بانکی و نفتی ۱۳۹۲-۱۳۹۳، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نیروی کار در ایران (بدون نفت) اثر مستقیم معناداری از تحریم‌ها نپذیرفته است. به عبارتی اقتصاد بدون نفت ایران، از تحریم آسیب‌پذیری معناداری نداشته است و اگر اقتصاد ایران نسبت به تحریم آسیب‌پذیر است، بیشتر غیرمستقیم و از راه بخش‌های دیگر مانند وابستگی به نفت و درآمد از خارج است.

پژم و سلیمی‌فر (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر شاخص پیچیدگی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ۴۲ کشور برتر در تولید علم» را به رشته تحریر درآورده‌اند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر شاخص پیچیدگی اقتصادی بر رشد اقتصادی است. بدین منظور با به‌کارگیری اقتصادسنجی داده‌های پانلی ۴۲ کشور منتخب طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۲، مدل رشد ارائه‌شده در تحقیق مورد برآورد و آزمون قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که مدل

پانل برای برآورد مدل این تحقیق، مناسب نیست، اما تأثیر معنی‌دار و مثبت این متغیر بر رشد اقتصادی در برآورد مدل بر اساس داده‌های مقطعی کشورهای مورد مطالعه را اثبات نمود.

گرشاسبی و یوسفی دیندارلو (۱۳۹۵) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران»، به ارزیابی تحریم‌های اقتصادی و متغیرهای متأثر از آن پرداختند. در گام اول این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از مدل‌سازی اقتصادی، شاخصی جدید برای تحریم تعریف شود. برای همین منظور با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۹ شاخص تحریم مورد محاسبه و بهره‌برداری قرار گرفت. در فرایند شاخص‌سازی، از دوازده مورد متغیر مهم اقتصادی که اثرپذیری بالایی از تحریم‌ها داشتند، استفاده شده است؛ سپس با تکنیک حداقل مربعات سه مرحله‌ای حول یک الگوی کلان اقتصادی کوچک، رابطه میان متغیرهای مهم کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تجارت و اشتغال با تحریم مورد سنجش قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اثرات مستقیم تحریم بر روی دو متغیر رشد اقتصادی و رابطه مبادله بوده و سایر متغیرها متأثر از این دو متغیر و به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر تحریم‌ها قرار می‌گیرند.

شاهمرادی و صادقی سیاهکلی (۱۳۹۶) مقاله‌ای تحت عنوان «شناسایی سطح دانش مولد ایران ۱۴۰۴ در منطقه با رویکرد پیچیدگی اقتصادی» را به نگارش درآورده‌اند. این پژوهش میزان دانش مولدی که در ایران وجود دارد با توجه به رویکرد پیچیدگی اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. به همین ترتیب از اطلاعات مربوط به صادرات کشورهایی که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۴ بوده‌اند، استفاده گردیده و همچنین با بهره‌گیری از دو شاخص تنوع و فراگیری در پیچیدگی اقتصادی، محصولات و اقتصاد منطقه بر اساس میزان دانش مولد موجود در آنها رتبه‌بندی شده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که از میان نوزده کشور مورد بررسی، ایران در جایگاه هفدهم قرار دارد و این دلیلی بر سهم اندک دانش و مهارت در مجموعه اقتصاد ایران است.

احمدیان دیوکتی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش میزان پیچیدگی اقتصادی ایران در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی»، یکی از مهم‌ترین راهکارها جهت مقاومت اقتصادی در شرایط تحریم را روی آوردن به اقتصاد مبتنی بر دانش دانسته‌اند. در این مقاله ضمن تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی، به شاخص پیچیدگی اقتصادی و نحوه محاسبه آن اشاره شده است؛ سپس وضعیت صادرات ایران و شرکای تجاری‌اش از منظر پیچیدگی اقتصادی طی یک بازه زمانی مشخص مورد بررسی قرار گرفته است. نتایجی که از این تحقیق به دست آمده نشان‌دهنده آن است که ایران در مقایسه با شرکای تجاری خود در زمینه پیچیدگی اقتصادی و به تبع آن اقتصاد مقاومتی، رتبه مناسبی ندارد و تا رسیدن به جایگاه مطلوب فاصله زیادی را باید پیماید.

خاندوزی و میرنظامی (۱۳۹۸) در مقاله «سنجش تأثیر پیچیدگی اقتصادی بر شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری»، به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که آیا بهبود وضعیت پیچیدگی اقتصادی تأثیری بر شاخص آسیب‌پذیری دارد؟

برای انجام این پژوهش از شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی بریگوگلیو استفاده شده است؛ همچنین پس از بیان چارچوب نظری، داده‌های ۱۱۸ کشور با استفاده از مدل داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که پیچیدگی اقتصادی و حکمرانی خوب هر دو تأثیر منفی و معناداری بر آسیب‌پذیری اقتصادی دارند.

سمندرعلی اشتهاردی و دیگران (۱۳۹۹) مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه علیت بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و شاخص پیچیدگی اقتصادی» نگارش کرده‌اند. در این پژوهش سؤال اصلی پژوهش این است که چه رابطه علت و معلولی بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و شاخص پیچیدگی اقتصادی وجود دارد؟ برای این منظور با استفاده از داده‌های پانل شامل ۱۱۳ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۶ و از طریق تحلیل مؤلفه‌های اساسی، محورهای اقتصاد دانش‌بنیان به چهار مؤلفه تبدیل شده و سپس رابطه علیت گرنجری این مؤلفه‌ها با شاخص پیچیدگی اقتصادی و برعکس مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش رابطه علی دوسویه را بین محور آموزش، فناوری ارتباطات و اطلاعات و نهاد اقتصادی با پیچیدگی اقتصادی و رابطه علی یک‌سویه را از نوآوری به پیچیدگی اقتصادی نشان می‌دهند.

کمالی دهکردی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «تحلیل اثر شوک‌های بازار و تحریم‌های اقتصادی بر ارزش افزوده تولیدات صنعتی»، به دنبال بررسی اثر شوک‌های بازار و تحریم‌های اقتصادی در دوران رکود و رونق بر تولید و ارزش افزوده بخش صنعت است. بدین منظور با استفاده از مدل چرخشی و تغییر رژیم مارکوف سوئیچینگ اثر شوک نفتی، نوسانات ارزی و تحریم طی دوره ۱۳۵۳-۱۳۹۵ بررسی شده است. نتایج تخمین دلالت بر نامتقارن بودن اثرات شوک‌ها دارد، به‌طوری‌که شوک‌های مثبت نفتی و نوسانات ارزی در دوران رونق اثر مثبت و در دوران رکود اثر منفی بر ارزش افزوده بخش صنعت دارند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد ایجاد امنیت اقتصادی و محیط امن برای سرمایه‌گذاری، گسترش و متنوع ساختن بازارها و نهادهای مالی، تعامل بیشتر و سازنده با دنیا و شرکای اصلی تجاری، حرکت به‌سوی اقتصاد باز و استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد تحول در مقررات بازار سرمایه با هدف شفافیت و ثبات برای افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری جزء ضروریات اقتصاد ایران است و می‌تواند زمینه را برای افزایش تولید در بخش صنعت فراهم آورد.

ریچارد نفیو (Nephew) در کتاب خود با عنوان *هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان*، به تشریح چارچوب فکری و عملی خود در طراحی تحریم‌ها علیه ایران با هدف افزایش حداکثری تأثیر و موفقیت آنها می‌پردازد. نویسنده در این کتاب به بیان نوع نگاه خود به تحریم‌ها از منظر دوگانه «درد / استقامت» می‌پردازد و توضیح می‌دهد که درد تحریم‌ها را چه زمانی، چگونه و بر کجا می‌توان وارد کرد و در عین حال، استقامت طرف مورد تحریم را چگونه و بر اساس چه شاخص‌هایی می‌توان سنجید و تحریم‌ها را چگونه متناسب با این شاخص‌ها تنظیم و بازتنظیم کرد که بیشترین تأثیر را بر جای بگذارد، به‌طوری‌که در نهایت دیپلماسی وارد شده و نفع حداکثری را برای تحریم‌گذار به ارمغان بیاورد.

روبو و دیگران (۲۰۱۸) در مقاله «شیوه‌های مدیریت دانش و پیچیدگی اقتصادی در کشورهای BRICS از سال ۲۰۰۱-۲۰۱۴»، به بررسی روش‌های اصلی مدیریت دانش در رابطه با پیچیدگی اقتصادی آن کشورها پرداخته‌اند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد کشور هند با توجه اقدامات مثبت در زمینه مدیریت دانشی خود، بهترین چشم‌انداز صعودی در رابطه با پیچیدگی اقتصادی را داراست و همچنین روسیه با کمترین میزان فعالیت‌های مدیریت دانش، ضعیف‌ترین طرح پیچیدگی اقتصادی را دارد.

هاسمن و هیدالگو (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «عناصر سازنده پیچیدگی اقتصادی»، به‌طور خاص به موضوع پیچیدگی اقتصادی پرداخته‌اند. به گفته ایشان، هنگامی که افراد و شرکت‌ها در فعالیت‌های مختلف متخصص می‌شوند، کارایی اقتصادی افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی با افزایش تعداد فعالیت‌های فردی، تعاملات بین افراد به سمت پیچیده شدن سوق پیدا می‌کند و نهایتاً منجر به توسعه اقتصادی می‌شود؛ سپس به این موضوع می‌پردازند که پیچیدگی اقتصادی نقش مرکزی در مراودات تجاری کشورها دارد و نشان می‌دهند کشورها تمایل دارند به سطح درآمدی که توسط پیچیدگی ساختارهای تولیدی به آنها سرازیر می‌شود، هم‌گرا شوند؛ همچنین این را بیان می‌کنند که توسعه اقتصادی باید شرایطی را ایجاد کند تا به پیچیدگی اقتصادی اجازه دهد رشد و شکوفایی پایدار در اقتصاد ایجاد کند.

۲. مبانی نظری

در مورد ارتباط بین تحریم و پیچیدگی اقتصادی، اولین مطلب این است که اساساً مفهوم تحریم و پیچیدگی اقتصادی چیست؟ در فرهنگ‌نامه‌ها، تحریم به معنای «منع کردن؛ حرام گردانیدن چیزی یا کاری» (عمید) یا «حرام کردن و ناروا شمردن» (معین) است؛ همچنین طبق تعریف دیکشنری کمبریج، تحریم یک دستور رسمی مانند توقف تجارت است که علیه کشوری اعمال می‌شود تا از قوانین بین‌المللی اطاعت کند (Cambridge dictionary)؛ همچنین تحریم‌های اقتصادی، «کاهش، متوقف ساختن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی، تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی دولت کشور تحریم‌کننده است». منظور از روابط متعارف در این تعریف، روابط در وضعیت بدون اعمال تحریم است (Eyler, 2007, P. 4).

نکته مهم در این خصوص این است که تحریم‌های اقتصادی عمدتاً توسط کشورهای با قدرت اقتصادی قوی و به‌عنوان ابزاری برای مبارزه و تضعیف قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی سایر کشورها آغاز می‌شوند (Pape, 1997). صادرات کشورها یکی از مهم‌ترین روش‌های تأثیرگذاری تحریم است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین منابع ارزی کشورها به‌شمار می‌رود و چنانچه صادرات در معرض تحریم قرار بگیرد، سیستم عرضه ارز که از الزامات واردات نیز به‌حساب می‌آید، دچار اختلال می‌شود. پایین بودن تنوع صادرات یا به‌عبارتی کم بودن تنوع‌پذیری صادرات کشور هدف، مسئله خطرآفرینی در شرایط تحریمی است. علاوه بر اینکه ارزبری کالاهای تولید داخل در این کشورها نیز معمولاً بالاست و این هم ضربه‌پذیری اقتصاد را بیشتر می‌کند.

درواقع سهم کشورها در تجارت بین‌المللی یکی از عوامل مهم تحریم‌پذیری است، به‌طوری که هر اندازه سهم کشورها در تجارت بین‌المللی بیشتر باشد، احتمال اینکه مورد تحریم واقع شوند کمتر خواهد بود (میرعمادی، ۱۳۹۰). این نکته را هافنبرتن و مونتگومری نیز در مقاله خود اشاره کرده‌اند که هر مقداری سهم کشورها در تجارت بین‌الملل بیشتر باشد، احتمال مورد تحریم واقع شدن آنها کمتر می‌شود؛ همچنین هرچقدر سهم تجارت بین‌الملل در تولید ناخالص داخلی کشور تحریم‌شده بیشتر باشد، تأثیرپذیری کشور از تحریم بیشتر خواهد شد (استادزاد و مرزبان، ۱۳۹۴، هافنبرتن و مونتگومری، ۲۰۰۸).

پژوهش‌ها و بررسی‌ها گواه آن است که اکثر کشورهایی که هدف تحریم قرار می‌گیرند، از نظر شدت توسعه‌یافتگی، کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا در حال توسعه به‌شمار می‌روند. چنین کشورهایی غالباً تک‌محصولی بوده و در زمره اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی قرار می‌گیرند. در همین زمینه، مطالعات بیانگر آن است که کشورهای صادرکننده منابع طبیعی (که غالباً نفت است) از شوک‌های منفی و مثبت در روند قیمت (مانند تحریم‌ها) ضرر می‌بینند (کریمی و دیگران، ۱۴۰۰). از این بیان استنتاج می‌شود که اقتصادهای ساده و تک‌محصولی در برابر تحریم‌های اقتصادی آسیب‌پذیرتر هستند. نقطه مقابل اقتصاد ساده، اقتصاد پیچیده قرار دارد. اقتصادهای پیچیده از حالت تک‌محصولی خارج شده و با تولید محصولات متنوع کم‌فراگیر، از آسیب‌های ناشی از ساده بودن اقتصاد مصون خواهند بود. بنابراین پیچیدگی اقتصادی که عمدتاً از طریق اقتصاد دانش‌بنیان تحقق پیدا می‌کند، گامی در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد است.

مفهوم پیچیدگی اقتصادی بر تولید کالاهای تخصصی در کشور با تکیه بر دانش و مهارت انباشت‌شده و صادرات آنها دلالت دارد. معنای جامعه مدرن این نیست که هریک از افراد آن جامعه دانش مولد بیشتری را در قیاس با جوامع سنتی در دست دارد؛ بلکه به‌این معناست که جوامع مدرن با استفاده از ظرفیت شبکه اعضای جامعه، حجم زیادی از دانش را به‌کار می‌گیرند. این شبکه به اعضا اجازه می‌دهد تا تخصص پیدا کرده و دانش خود را با دیگران به اشتراک گذاشته و باعث بالا رفتن حجم دانش و مهارت انباشت‌شده گردند. در اینجا منظور از دانش و مهارت انباشت‌شده همان قابلیت‌هاست (هاسمن و دیگران، ۲۰۱۱، ص ۱۶). به عبارت ساده‌تر، دانش مولد با کمک شبکه اعضای جامعه منجر به تولید و تخصصی‌سازی کالاها در کشور خواهد شد.

آن دسته از کشورهایی که از دانش کاربردی بیشتری در اقتصاد خود بهره‌مند هستند، توانایی این را دارند تا مجموعه کالاهای متنوع‌تری را تولید کنند. درواقع میزان کالاهای متمایزی که کشور تولید می‌کند یا به عبارت دیگر «تنوع» تولیدات کشور، حجم دانش کاربردی انباشت‌شده آن کشور را نشان می‌دهد. از طرفی تولید یکسری از کالاها به حجم بالایی از دانش کاربردی احتیاج دارد و این مقوله تنها در تعداد محدودی از کشورها، آن هم کشورهایی که همه دانش کاربردی مورد نیاز را در اختیار دارند، امکان‌پذیر است. اگر «همه‌جایی بودن» را به عنوان تعداد کشورهایی تعریف کنیم که یک محصول خاص را تولید می‌کنند، می‌توان مشاهده کرد که کالاهای پیچیده - کالاهایی که انواع

مختلف دانش را دربر دارند - کمتر همه‌جایی هستند (چشمی و دیگران، ۱۳۹۳). از این رو می‌توان گفت کشوری که ضمن تولید محصولات متنوع با کالاهایی پیوند داشته باشد که تعداد کمتری از کشورها اقدام به تولید آن می‌نمایند، کشوری با درجه بالای پیچیدگی اقتصادی خوانده می‌شود (الهی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۴). چنین کشورهایی امکان تحریم‌پذیری آنان بسیار کم است و تحریم آنان هزینه‌های زیادی بر اقتصاد جهانی وارد خواهد کرد.

بنابراین شاخص پیچیدگی اقتصادی نشان می‌دهد که چطور تنوع صادرات می‌تواند نمایانگر اختلاف توسعه‌یافتگی اقتصادی آشکار بین کشورها باشد. این شاخص نسبت به سایر شاخص‌ها (مانند حکمرانی خوب و توسعه انسانی) بهتر و دقیق‌تر می‌تواند رشد اقتصادی و حجم فعالیت‌های اقتصادی یک کشور را بازتاب کند. (چشمی و دیگران، ۱۳۹۳)؛ همچنین می‌تواند احتمال تداوم رشد را نیز به شدت افزایش دهد؛ چراکه پیچیدگی به سادگی قابل کپی و حتی مهندسی معکوس نیست.

۳. روش تحقیق

اغلب مطالعات در حوزه تحریم، هزینه‌های مستقیم تحریم را با رویکرد حسابداری سنجیده‌اند. این روش با توجه به اینکه تمام عوامل مد نظر در مجاری اثرگذاری تحریم را پوشش نمی‌دهد، یک روش ناقص به حساب می‌آید. نوع دیگری از مطالعات در این حوزه، از متغیرهای مجازی برای محاسبه اثرات تحریم بهره می‌گیرد که عملاً قابلیت لازم برای بیان اثرات تحریم را ندارد. این نوشتار با استخراج شاخص تحریم از روش تحلیل عاملی، به بررسی اثر تحریم بر پیچیدگی اقتصادی و بالعکس می‌پردازد. درحقیقت انتخاب یک متغیر خاص از بین متغیرهای متأثر از تحریم، به‌عنوان «متغیر تحریم» چندان علمی نیست. از طرف دیگر، اینکه چند متغیر متأثر از تحریم را جمع کنیم که هر کدام به‌گونه‌ای دربردارنده آثار تحریم‌ها هستند نیز یکسری محدودیت‌هایی را غالباً به دلیل اضافه کردن به متغیرهای توضیحی و کاهش درجه آزادی مدل؛ همچنین تفسیر تحریم در مدل‌سازی اقتصادی ایجاد می‌کند. بنابراین حالت ایدئال آن است که متغیرهایی را تعریف کنیم که به‌طور ذاتی متغیر تحریم باشند. تحلیل عاملی روشی است که با کمک آن می‌توان به این هدف دست پیدا کرد. روش تحلیل عاملی بر اساس این مسئله است که آیا می‌توان یک گروه از متغیرها را با احتساب تعدادی از عامل‌های کمتر نسبت به تعداد متغیرها توصیف نمود و اینکه هریک از این عامل‌ها چه صفت یا ویژگی‌هایی را توصیف می‌کنند. درحقیقت با فرض اینکه متغیرها با توجه به همبستگی که میان خود دارند گروه‌بندی می‌شوند. کل متغیرهایی که در یک گروه خاص با یکدیگر هستند، همبستگی شدیدی با هم دارند و با متغیرهای سایر گروه‌ها همبستگی نسبتاً کمی داشته و هر گروه از متغیرها ساختار اساسی مربوط به خود را دارا هستند. به عبارت دیگر، برای هر گروه از آنها یک عامل ویژگی آن را بیان می‌دارد (گرسابی و دیندارلو، ۱۳۹۵). بنابراین در این پژوهش پس از استخراج شاخص تحریم و مشخص شدن متغیرهای اصلی آن، با استفاده از آزمون علیت گرنجر به بررسی رابطه علی بین تحریم اقتصادی و پیچیدگی اقتصادی پرداخته شده است.

گرشاسبی و دیندارلو (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران»، به استخراج شاخص تحریم با روش تحلیل عامل اکتشافی پرداخته‌اند. برای استخراج شاخص تحریم از همین روش در نوشتار استفاده شده است که در بخش بعدی با تفصیل بیشتری توضیح داده می‌شود.

۳-۱. مدل‌سازی تحلیل عاملی اکتشافی

تحلیل عاملی به‌عنوان بسط تحلیل مؤلفه‌های اصلی بوده و مانند آن به دنبال تخمین ماتریس کوواریانس (Σ) است، اما تخمینی که بر اساس تحلیل عاملی انجام گیرد، دقت بسیار بالاتری خواهد داشت. در مدل‌های متعامد بردار μ و ماتریس Σ تصادفی هستند. مدل عاملی فرض می‌کند که X ترکیب خطی از تعدادی متغیرهای تصادفی غیرقابل مشاهده $F_1, F_2, F_3 \dots F_m$ با عنوان عامل‌های مشترک (عمومی) و جملات خطا $\varepsilon_1, \varepsilon_2, \varepsilon_3, \dots, \varepsilon_m$ با عنوان عامل‌های ویژه می‌باشد. مدل تحلیل عاملی را می‌توان به‌صورت رابطه (۱) نوشت:

$$(۱) X - \mu_1 = l_{11}F_1 + l_{12}F_2 + l_{13}F_3, \dots + l_{1m}F_m + \varepsilon_1$$

$$X - \mu_2 = l_{21}F_1 + l_{22}F_2 + l_{23}F_3, \dots + l_{2m}F_m + \varepsilon_2$$

$$X - \mu_p = l_{p1}F_1 + l_{p2}F_2 + l_{p3}F_3, \dots + l_{pm}F_m + \varepsilon_p$$

l_{ij} ، i امین متغیر در J امین عامل است. L ماتریس این وزن‌هاست. باید به این نکته دقت کرد که X_i تنها تابعی از i امین مؤلفه‌بردار ویژه ε_i است. در روش عاملی، انحراف معیارهای $X_1 - \mu_1, X_2 - \mu_2, \dots, X_3 - \mu_3$ ، تابعی از $p+m$ متغیر تصادفی $F_1, F_2, F_3, \dots, F_m, \varepsilon_1, \varepsilon_2, \varepsilon_3, \dots, \varepsilon_m$ است که قابل مشاهده نیستند. آنچه مدل رگرسیون چندمتغیره را از مدل عاملی متمایز می‌کند، آن است که در مدل رگرسیون متغیرهای توضیحی قابل مشاهده‌اند. لذا به‌دست آوردن نتیجه مستقیم از مدل عاملی با توجه به مشاهدات $X_1, X_2, X_3, \dots, X_m$ ممکن نیست. در عین حال با قرار دادن مجموعه‌ای از فروض در رابطه با بردارهای تصادفی F و ε در مدل (۱) می‌توانیم به بررسی روابط همبستگی بپردازیم. بنابراین فرض می‌شود که:

$$E(F) = 0_{m \times 1}$$

$$E(\varepsilon) = 0_{p \times 1}$$

$$\text{Var}(F) = E(FF') = I_{m \times m}$$

$$\text{Var}(\varepsilon) = E(\varepsilon\varepsilon') = \Psi_{p \times p} = \begin{bmatrix} \psi_1 & 0 & \dots & 0 \\ 0 & \psi_2 & \dots & \\ 0 & . & \dots & \\ 0 & . & . & \psi_p \end{bmatrix}$$

از سوی دیگر فرض می‌شود F و ε از همدیگر مستقل هستند و بنابراین:

$$\text{Cov}(\varepsilon, F) = E(\varepsilon F') = 0$$

این فروض در کنار رابطه (۱) مدل عامل متعامد را تشکیل می‌دهند. مدل عامل متعامد دلالت بر ساختاری از ماتریس

کوارانانس برای ماتریس X به صورت Σ دارد.

$$(X - \mu)(X - \mu)' = (LF + \varepsilon)(LF + \varepsilon)' = LF(LF)' + \varepsilon(LF)' + LF\varepsilon' + \varepsilon\varepsilon'$$

$$E(X - \mu)(X - \mu)' = E[LF F' L' + \varepsilon \varepsilon' L' + L F \varepsilon' + E(\varepsilon \varepsilon')] = LL' + \Psi$$

هدف تحلیل عاملی نیز پیدا کردن $F_1, F_2, F_3, \dots, F_m$ است تا مشخص شود نهایتاً کدام یک از آنها قادر هستند به عنوان شاخص تحریم مورد استفاده قرار بگیرند.

در محاسبه شاخص تحریم از متغیرهایی استفاده می‌کنیم که متأثر از تحریم هستند. متغیرهایی که در محاسبه شاخص تحریم تعریف کرده‌ایم، بیشترین تأثیر را از تحریم‌های اقتصادی کشور متحمل می‌شوند و در نتیجه حساسیت بسیار زیادی نسبت به تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی دارا بوده و غالباً تحریم‌کنندگان برای اثرگذاری بیشتر تحریم بر شاخص‌های کلیدی اقتصاد کشور، از مجرای این متغیرها برای اعمال تحریم‌های خود استفاده می‌کنند. متغیرهای مورد بررسی شامل قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی، رابطه مبادله، میزان سهم ایران از تولید بین‌المللی نفت خام، میزان سهم ایران از تولید صادرات بین‌المللی نفت خام، سهم ایران از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سهم ایالات متحده از تجارت خارجی ایران، پرمیوم نرخ ارز، واریانس نرخ ارز، نسبت تراز تجاری غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی، سهم کشور از مسافرت هوایی در جهان و میزان تلفات مسافران هوایی کشور در مقایسه با جهان بوده است. محاسبات مورد نظر جهت استخراج شاخص تحریم از روش تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم افزار Eviews صورت گرفته است. بازه زمانی مورد بررسی با توجه به محدودیت دسترسی به آمار، از سال ۱۹۹۸-۲۰۱۸ معین گردیده است.

جدول ۱: متغیرهایی که در تحلیل عاملی اکتشافی مورد استفاده قرار گرفته‌اند

ردیف	متغیر تأثیرپذیر از تحریم‌های اقتصادی	توضیحات	منبع
۱	شاخص قیمت کالاهای وارداتی (PM)	سال پایه ۲۰۱۲	WWW.IMF.ORG
۲	شاخص قیمت کالاهای صادراتی (PX)	سال پایه ۲۰۱۲	WWW.IMF.ORG
۳	رابطه مبادله (px-pm)	سال پایه ۲۰۱۲	WWW.IMF.ORG
۴	میزان سهم ایران از تولید بین‌المللی نفت خام (OILPS)	نسبت میزان تولید نفت خام در ایران نسبت به تولید بین‌المللی	سایت اوپک Opec.org
۵	میزان سهم ایران از تولید صادرات بین‌المللی نفت خام (OILEXS)	نسبت میزان صادرات نفت خام در ایران نسبت به بین‌الملل	سایت اوپک Opec.org
۶	سهم ایران از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDIS)	سهم سرمایه‌گذاری مستقیم گرفته در ایران نسبت به جهان در هر سال	بانک اطلاعات سری زمانی آنکاد Unctad
۷	سهم ایالات متحده از تجارت خارجی ایران (USIRITR)	نسبت تجارت خارجی ایران با آمریکا به کل حجم تجارت ایران	مرکز آمار آمریکا
۸	پرمیوم نرخ ارز (PEREX)	نسبت تفاضل نرخ ارز رسمی از نرخ ارز غیررسمی به نرخ ارز رسمی	اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی و نماگرهای بانک مرکزی
۹	واریانس نرخ ارز (varex)	واریانس تفاضل نرخ ارز رسمی و غیررسمی بر اساس اطلاعات فصلی نرخ‌های ارز	اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی
۱۰	نسبت تراز تجاری غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی (TDNOIL)	تقسیم تراز تجاری غیرنفتی حقیقی به تولید ناخالص داخلی	اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی و سایت آنکاد
۱۱	سهم کشور از مسافرت هوایی در جهان (PASAIR)	نسبت تعداد مسافران هوایی ایران به تعداد مسافران هوایی جهان	بانک سری زمانی بانک جهانی worldbank.org

۱۲	میزان تلفات مسافران هوایی کشور در مقایسه با جهان (FATALITY)	نسبت مقدار تجمعی کشته‌شدگان سوانح هوایی ایران به جهان (سال مبنا: ۱۳۵۷)	بانک اطلاعات سوانح هوایی جهان www.planecrashinfo.com
----	---	--	---

همان‌طور که از عنوان پژوهش مشخص است، رابطه علی بین شاخص تحریم و پیچیدگی اقتصادی ایران مورد بررسی و مطالعه است. بدین منظور داده‌های مربوط به شاخص پیچیدگی اقتصادی ایران باید گردآوری شود. سایت اطلس پیچیدگی اقتصادی (oec.world) به محاسبه میزان پیچیدگی اقتصادی کشورها پرداخته است.

جدول (۲) رتبه و مقدار شاخص پیچیدگی اقتصادی ایران را طبق سایت OEC در بازه ۱۹۹۸-۲۰۱۸ میلادی نشان می‌دهد.

جدول ۲: رتبه و مقدار شاخص پیچیدگی اقتصادی ایران (ECI)

سال	رتبه	مقدار شاخص	سال	رتبه	مقدار شاخص
۱۹۹۸	۵۳	-۰/۱۹	۲۰۰۹	۷۵	-۰/۳۲
۱۹۹۹	۶۲	-۰/۳۶	۲۰۱۰	۷۳	-۰/۲۷
۲۰۰۰	۶۵	-۰/۴۶	۲۰۱۱	۶۹	-۰/۱۸
۲۰۰۱	۶۷	-۰/۴۲	۲۰۱۲	۶۶	-۰/۱۴
۲۰۰۲	۷۱	-۰/۵۴	۲۰۱۳	۶۳	+۰/۰۵
۲۰۰۳	۷۵	-۰/۶	۲۰۱۴	۵۹	+۰/۹۴
۲۰۰۴	۶۷	-۰/۴	۲۰۱۵	۵۷	+۰/۱۱
۲۰۰۵	۶۴	-۰/۳۵	۲۰۱۶	۶۰	+۰/۰۳
۲۰۰۶	۶۲	-۰/۱۸	۲۰۱۷	۶۲	-۰/۰۲۸
۲۰۰۷	۷۰	-۰/۲۲	۲۰۱۸	۶۱	-۰/۰۶۲
۲۰۰۸	۷۶	-۰/۳			

منبع: oec.world.com

نحوه محاسبه پیچیدگی اقتصادی با روش ارائه‌شده توسط هاسمن و هیدالگو انجام شده و دو مؤلفه اصلی تنوع و فراگیری در محاسبه آن لحاظ شده است. لذا برای استخراج داده‌های مربوط به پیچیدگی اقتصادی از ارقام موجود در این سایت استفاده گردیده است.

مسئله اصلی شاخص تحریم، پیدا کردن متغیرهای اصلی از بین ۱۲ متغیری است که پیشتر عنوان کردیم. منظور از متغیر اصلی، متغیرهایی است که بیشترین وزن در شاخص تحریم به آنها تعلق دارد. به عبارت دیگر، بیشترین تأثیری که تحریم‌ها بر اقتصاد وارد می‌کنند از طریق این متغیرهاست. برای این منظور از روش مؤلفه‌های اصلی (تحلیل عاملی) در نرم افزار Eviews استفاده کردیم. بدین ترتیب ابتدا مقادیر همه ۱۲ متغیر تحریم را در نرم‌افزار وارد کرده و از روش تحلیل عاملی (Principal Components Method)، بااهمیت‌ترین ضریب متغیرها به‌دست می‌آید. طبق محاسبات پژوهش، مقادیر استخراج‌شده در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳: ضرایب متغیرهای شاخص تحریم

variable	PC1	variable	PC1
PM	+۰/۳۶۶۶۶	FATALITY	+۰/۳۹۶۳
PX	+۰/۳۸۵۹	FDIS	+۰/۲۶۴۹
PXPM	+۰/۳۸۵۲	OILEXS	-۰/۳۳۷۸
TDNOIL	+۰/۲۴۳۵	OILPS	-۰/۰۷۵۶

USIRITR	-۰/۱۸۰۳	PASAIR	+۰/۱۰۳۹
VAREX	+۰/۲۲۵۹	PEREX	-۰/۲۵۹۴

منبع: یافته‌های تحقیق

آنچه که در مرحله بعدی باید انجام داد، ضرب کردن ضرایب در مقادیر متغیر مربوط به خود است. پس از آن، هر متغیری که مقادیر بیشتری را به خود اختصاص داده باشد، متغیر اصلی و هرچه مقادیر آن کمتر شود از اهمیت کمتری برخوردار بوده و از متغیرهای اصلی فاصله می‌گیرد. بدین ترتیب متغیرهای اصلی شاخص تحریم استخراج می‌شود. مطابق با محاسبات پژوهش حاضر، واریانس نرخ ارز (Varex)، شاخص قیمت کالاهای وارداتی (PM)، شاخص قیمت کالاهای صادراتی (PX) و رابطه مبادله (PX)، ۴ متغیر اصلی شاخص تحریم می‌باشد. جدول وزن ضرایب در پیوست مقاله آورده شده است.

۳-۲. تصریح و معرفی مدل var

مدل خودرگرسیون برداری یا var از جمله الگوهایی است که سعی می‌کند تا رفتار یک متغیر را بر اساس مقادیر گذشته آن متغیر و تعدادی از متغیرهای مختلف دیگر به صورت همزمان توضیح دهد. این مدل‌ها سری زمانی چندمتغیره نامیده می‌شوند (نوفرستی، ۱۳۷۸). از مدل var می‌توان برای توضیح تأثیرات متقابل موجود بین دو یا چند متغیر استفاده نمود.

از آنجاکه تحلیل ضرایب به دست آمده از برآورد مدل به سادگی امکان پذیر نیست، برای تحلیل شوک‌های وارده بر متغیرهای مدل از تابع تجزیه واریانس و توابع واکنش استفاده می‌کنیم. با استفاده از مدل var که در ذیل آمده است، تأثیر و تأثر متقابل میان شاخص پیچیدگی اقتصادی و شاخص تحریم مورد بررسی قرار می‌گیرد و برآورد مدل در نرم‌افزار ایویوز صورت گرفته است.

$$\begin{aligned} ECI = & \hat{\beta}_1 ECI(-1) + \hat{\beta}_2 ECI(-2) + \hat{\gamma}_1 PX(-1) + \hat{\gamma}_2 PX(-2) + \hat{\delta}_1 PM(-1) \\ & + \hat{\delta}_2 PM(-2) + \hat{\theta}_1 PXPM(-1) + \hat{\theta}_2 PXPM(-2) \\ & + \hat{\rho}_1 VAREX(-1) + \hat{\rho}_2 VAREX(-2) + \hat{\alpha}_1 \end{aligned} \quad (1-3)$$

$$\begin{aligned} PX = & \hat{\beta}_3 ECI(-1) + \hat{\beta}_4 ECI(-2) + \hat{\gamma}_3 PX(-1) + \hat{\gamma}_4 PX(-2) + \hat{\delta}_3 PM(-1) \\ & + \hat{\delta}_4 PM(-2) + \hat{\theta}_3 PXPM(-1) + \hat{\theta}_4 PXPM(-2) \\ & + \hat{\rho}_3 VAREX(-1) + \hat{\rho}_4 VAREX(-2) + \hat{\alpha}_2 \end{aligned} \quad (2-3)$$

$$\begin{aligned} PM = & \hat{\beta}_5 ECI(-1) + \hat{\beta}_6 ECI(-2) + \hat{\gamma}_5 PX(-1) + \hat{\gamma}_6 PX(-2) + \hat{\delta}_5 PM(-1) \\ & + \hat{\delta}_6 PM(-2) + \hat{\theta}_5 PXPM(-1) + \hat{\theta}_6 PXPM(-2) \\ & + \hat{\rho}_5 VAREX(-1) + \hat{\rho}_6 VAREX(-2) + \hat{\alpha}_3 \end{aligned} \quad (3-3)$$

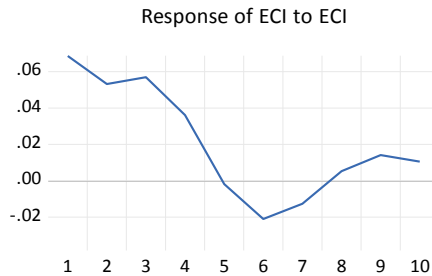
$$\begin{aligned} PXPM = & \hat{\beta}_7 ECI(-1) + \hat{\beta}_8 ECI(-2) + \hat{\gamma}_7 PX(-1) + \hat{\gamma}_8 PX(-2) + \hat{\delta}_7 PM(-1) \\ & + \hat{\delta}_8 PM(-2) + \hat{\theta}_7 PXPM(-1) + \hat{\theta}_8 PXPM(-2) \\ & + \hat{\rho}_7 VAREX(-1) + \hat{\rho}_8 VAREX(-2) + \hat{\alpha}_4 \end{aligned} \quad (4-3)$$

$$\begin{aligned} VAREX = & \hat{\beta}_9 ECI(-1) + \hat{\beta}_{10} ECI(-2) + \hat{\gamma}_9 PX(-1) + \hat{\gamma}_{10} PX(-2) + \hat{\delta}_9 PM(-1) \\ & + \hat{\delta}_{10} PM(-2) + \hat{\theta}_9 PXPM(-1) + \hat{\theta}_{10} PXPM(-2) \\ & + \hat{\rho}_9 VAREX(-1) + \hat{\rho}_{10} VAREX(-2) + \hat{\alpha}_5 \end{aligned} \quad (5-3)$$

۳-۳. توابع واکنش

اینکه هریک از متغیرهای مدل var چگونه به شوک‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند، به وسیله توابع واکنش مشخص می‌شود. شوک‌ها شامل تغییرات تصادفی است که از طریق $U1t + U2t + \dots + Umt$ وارد مدل می‌شوند. هر شوکی که به یک متغیر وارد شود، سایر متغیرها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (سوری، ۱۴۰۰). به عبارت دیگر، با برآورد توابع واکنش آنی، می‌توان به بررسی رفتار متغیرها در طول زمان پرداخت. هنگامی که شوک‌های غیرقابل پیش‌بینی اتفاق می‌افتند، این توابع به عنوان ابزار مفیدی جهت تحلیل رفتار پویای متغیرهای مدل مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ زیرا این توابع، عکس‌العمل همه متغیرهای موجود در سیستم را در اثر وجود شوکی به اندازه‌های مختلف در یکی از متغیرها نشان می‌دهند؛ لذا با به کارگیری این ابزار، می‌توان اثر شوک‌ها بر متغیرهای هدف را تجزیه و تحلیل کرد. نمودارهای ۵-۱ عکس‌العمل پیچیدگی اقتصادی را نسبت به یک انحراف معیار یا شوک، در متغیرهای پیچیدگی اقتصادی، قیمت کالای وارداتی، قیمت کالای صادراتی، رابطه مبادله و واریانس نرخ ارز نشان می‌دهد. نمودار ۱: تابع واکنش پیچیدگی اقتصادی بر پیچیدگی اقتصادی

Response to Cholesky One S.D. (d.f. adjusted) Innovations



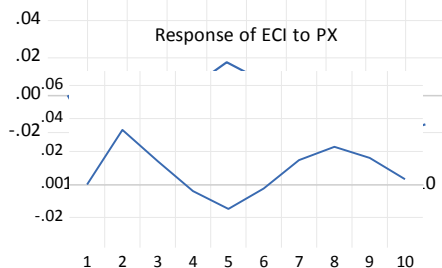
نمودار (۱) نشان می‌دهد که پیچیدگی اقتصادی بر خود پیچیدگی اقتصادی تأثیرگذار است. همان‌طور که مشخص است، در ابتدا پیچیدگی واکنش مثبتی را از خود نشان می‌دهد، ولی در طول دوره‌های بعد این واکنش به مرور کمتر شده تا اینکه در دوره‌های پنجم تا هشتم مقدار منفی به خود می‌گیرد، اما از دوره هشتم دوباره مثبت می‌شود ولیکن شدت آن از قبل کمتر است.

نمودار ۲: تابع واکنش قیمت کالای وارداتی بر پیچیدگی اقتصادی

Response to Cholesky One S.D. (d.f. adjusted) Innovations

Response of ECI to PM

Response to Cholesky One S.D. (d.f. adjusted) Innovations



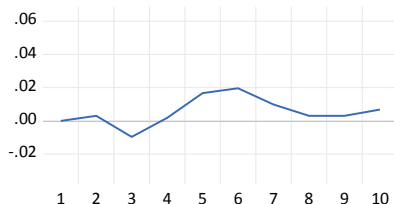
نمودار (۲) نشان می‌دهد که اثر شوک قیمت کالای وارداتی بر پیچیدگی اقتصادی در ابتدا منفی، سپس از دوره چهارم تا ششم مثبت و بعد از آن از دوره هفتم تا انتها مجدداً مقدار منفی را به خود اختصاص داده است. نمودار ۳: تابع واکنش قیمت کالای صادراتی بر پیچیدگی اقتصادی

اثر شوک قیمت کالای صادراتی بر پیچیدگی اقتصادی نیز مانند نمودار قبل مقادیر مثبت و منفی را به خود اختصاص داده است، با این تفاوت که در ابتدا شوک قیمت کالای صادراتی بر پیچیدگی مثبت بوده و از دوره چهارم تا ششم مقادیر منفی را به خود اختصاص داده است؛ سپس از دوره هفتم تا انتهای دوره، اثر شوک مثبت بوده، اما به سمت صفر میل پیدا کرده است.

نمودار ۴: تابع واکنش رابطه مبادله بر پیچیدگی اقتصادی

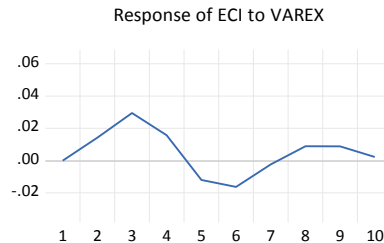
Response to Cholesky One S.D. (d.f. adjusted) Innovations

Response of ECI to PXPM



نمودار (۴) به ما نشان می‌دهد تأثیر شوک رابطه مبادله بر پیچیدگی اقتصادی، نوسان زیادی نداشته و تقریباً طی دوره‌های مختلف، حوالی صفر قرار دارد. اثر شوک رابطه مبادله در تمامی دوره‌ها، به غیر از دوره سوم که مقدار منفی را به خود اختصاص داده است، مثبت بوده است.

نمودار ۵: تابع واکنش واریانس نرخ ارز بر پیچیدگی اقتصادی
Response to Cholesky One S.D. (d.f. adjusted) Innovations



نمودار (۵) تأثیر شوک واریانس نرخ ارز بر پیچیدگی اقتصادی را نشان می‌دهد. روند نمودار حاکی از آن است که تأثیر شوک واریانس نرخ ارز از دوره اول تا چهارم مثبت بوده، طی دوره‌های پنجم تا هفتم تأثیر منفی بر پیچیدگی گذاشته و از دوره هشتم تا انتها مقادیر مثبت نزدیک به صفر را به خود اختصاص داده است. سایر توابع واکنش متغیرها در پیوست مقاله آورده شده است.

۳-۴. توابع تجزیه واریانس

تجزیه واریانس روشی است که پویایی مدل VAR را آزمون می‌کند. در تجزیه واریانس، تغییرات متغیرهای وابسته به علت شوک‌های وارد بر آن متغیر در مقابل شوک‌های وارده به سایر متغیرها بررسی می‌شود. به بیان دیگر، تجزیه واریانس مشخص می‌کند که چه مقدار از واریانس خطای پیش‌بینی یا اثر شوک‌ها ناشی از عوامل مختلف است (سوری، ۱۴۰۰). معمولاً بیشتر شوک‌های هر متغیر، بیشترین تأثیر را بر توضیح واریانس اجزای اخلال خود دارند؛ هرچند که ممکن است از سایر متغیرها نیز تأثیر بپذیرد.

به عنوان نمونه، جدول (۴) نتیجه تجزیه واریانس پیچیدگی اقتصادی را طی یک دوره ۱۰ ساله نشان می‌دهد. ستون اول این جدول که با S.E مشخص شده، خطای پیش‌بینی متغیرهای مربوطه را طی دوره‌های مختلف نشان می‌دهد. خطای پیش‌بینی در طی زمان افزایش می‌یابد؛ زیرا برای محاسبه این خطا، برای هر سال بر اساس خطای سال قبل محاسبه می‌شود و منبع این خطا تغییر در مقادیر جاری و شوک‌های آتی است. همان‌طور که از نتایج جدول مشخص است، خطای پیش‌بینی در دوره اول به اندازه ۰/۰۶ و طی دوره دوم ۰/۱۰ بوده و در طول زمان افزایش یافته است. ستون‌های بعدی درصد واریانس ناشی از تغییر ناگهانی یا شوک مشخص را نشان می‌دهد. سطر دوم نشان می‌دهد در دوره اول ۱۰۰ درصد تغییرات پیچیدگی اقتصادی ناشی از خود متغیر است، ولی در دوره دوم تغییرات این شاخص، ۷۳/۲۵ درصد مربوط به شاخص پیچیدگی، ۱۴/۰۹ درصد مربوط به شاخص قیمت کالای وارداتی (PM)، ۱۰/۶۰ درصد مربوط به شاخص صادراتی (PX)، ۰/۰۹ درصد مربوط به شاخص رابطه مبادله (PXPM) و ۱/۹۶ درصد مربوط به شاخص واریانس نرخ ارز (VAREX) بوده است.

جدول ۴: تجزیه واریانس پیچیدگی اقتصادی

VAREX	PXPM	PX	PM	ECI	S.E.	Period
-------	------	----	----	-----	------	--------

۱	۰/۰۶۸۶۵۶	۱۰۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۲	۰/۱۰۱۴۹۰	۷۳/۲۵۳۳۲	۱۴/۰۹۱۲۲	۱۰/۶۰۳۰۹	۰/۰۹۰۳۱۵	۱/۹۶۲۰۵۱
۳	۰/۱۲۳۳۱۰	۷۲/۱۳۶۸۵	۱۱/۳۷۶۸۷	۸/۶۴۴۲۷۵	۰/۶۸۳۴۳۰	۷/۱۵۹۵۸۳
۴	۰/۱۲۸۶۱۲	۷۳/۱۵۰۰۷	۱۰/۳۲۶۳۴	۷/۹۱۶۶۴۷	۰/۶۳۶۵۵۹	۷/۹۷۰۴۷۷
۵	۰/۱۳۲۲۸۹	۶۹/۱۵۸۲۹	۱۱/۵۴۹۷۲	۸/۷۳۶۰۷۸	۲/۲۰۵۲۵۰	۸/۳۵۰۶۶۳
۶	۰/۱۳۶۵۲۹	۶۷/۳۹۳۳۷	۱۱/۰۷۲۱۵	۸/۲۳۴۶۳۸	۴/۱۳۱۷۱۳	۹/۲۶۸۱۳۱
۷	۰/۱۳۸۷۵۶	۶۵/۹۸۱۷۲	۱۱/۴۰۳۱۰	۹/۱۰۸۴۸۸	۴/۵۰۴۵۱۶	۹/۰۰۲۱۷۷
۸	۰/۱۴۲۷۶۵	۶۲/۴۶۵۷۵	۱۳/۱۷۵۵۵	۱۱/۱۶۱۹۴	۴/۳۰۰۹۸۳	۸/۸۹۵۷۷
۹	۰/۱۴۶۳۵۱	۶۰/۳۷۴۳۵	۱۴/۸۳۲۴۱	۱۱/۸۲۸۱۱	۴/۱۳۳۵۰	۸/۸۲۸۷۹۰
۱۰	۰/۱۴۷۷۶۱	۵۹/۳۸۵۸۳	۱۵/۶۵۹۶۳	۱۱/۶۴۸۹۳	۴/۲۶۸۷۴۵	۸/۶۸۴۱۷۲

منبع: یافته‌های تحقیق

در طول زمان و با گذشت ۱۰ دوره از تغییرات شاخص پیچیدگی، $۵۹/۷۳$ درصد ناشی از خود شاخص پیچیدگی، $۱۵/۶۵$ درصد ناشی از شاخص قیمت کالای وارداتی، $۱۱/۶۴$ درصد ناشی از شاخص قیمت صادراتی، $۴/۲۶$ درصد ناشی از رابطه مبادله و $۸/۶۸$ درصد ناشی از واریانس نرخ ارز بوده است.

۳-۵. تعیین وقفه بهینه

پیش از انجام آزمون علیت، ابتدا لازم است طول وقفه بهینه مدل تعیین شود. وقفه بهینه مدل را با استفاده از معیارهای آکائیک (AIC)، شوارتز بیزین (SC) و حنان کوین (HQ) محاسبه کرده‌ایم. نحوه انتخاب وقفه بهینه با استفاده از این معیارها به این صورت است که تعداد وقفه‌ای که کمترین مقدار را برای این سه معیار دارا باشد، به عنوان وقفه بهینه انتخاب خواهد شد. جدول (۵) نتایج آزمون انتخاب وقفه بهینه مدل را نشان می‌دهد:

جدول ۵: طول وقفه بهینه مدل

تعداد وقفه	AIC	SC	HQ
۰	۲۸/۸۰۶۰	۳۹/۰۵۴۶	۲۸/۸۴۸۱
۱	۲۵/۱۳۶۹	۲۶/۶۲۸۱	۲۵/۳۸۹۲
۲	۲۲/۶۴۹۸*	۲۵/۳۸۳۷*	۲۳/۱۱۲۵*

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که مشخص است، تعداد وقفه بهینه بر اساس هر سه معیار، ۲ وقفه می‌باشد.

۳-۶. علیت گرنجر

علیت، یکی از مسائل اساسی در بررسی رابطه بین متغیرهای اقتصادی است؛ زیرا تعیین جهت علیت، موضوع درخورتوجهی در اقتصاد است. تعیین جهت علیت برای متغیرهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مبانی نظری صریحی در مورد آنها وجود ندارد (سوری، ۱۴۰۰). به‌طور خلاصه این آزمون بیانگر این است که اگر مقادیر گذشته متغیر سری زمانی به‌طور معنی‌دار بتواند مقادیر X_{t+1} را پیش‌بینی کند، آنگاه گوییم Y علت گرنجر X است و بالعکس. طبق محاسبات انجام گرفته، خروجی حاصل از برآورد آزمون علیت گرنجر به صورت ذیل است.

جدول ۶: بررسی علیت گرنجر

نمونه: ۱۹۹۸-۲۰۱۸	وقفه ۲	تعداد مشاهدات	ملاک آزمون F	مقدار احتمال	نتیجه
فرضیه صفر					
PM علیت گرنجر ECI نیست	۱۹	۲/۷۹	۰/۰۹۶	رد	
ECI علیت گرنجر PM نیست		۰/۲۲	۰/۸	قبول	
PX علیت گرنجر ECI نیست	۱۹	۱/۷۵	۰/۲	قبول	
ECI علیت گرنجر PX نیست		۰/۱۹	۰/۸۳	قبول	
PXPM علیت گرنجر ECI نیست	۱۹	۱/۷۷	۰/۲	قبول	
ECI علیت گرنجر PXPM نیست		۰/۱۹	۰/۸۳	قبول	
VAREX علیت گرنجر ECI نیست	۱۹	۱/۶۲	۰/۲۳	قبول	
ECI علیت گرنجر VAREX نیست		۰/۷۶	۰/۴۹	قبول	

منبع: یافته‌های تحقیق

علیت گرنجری در مورد داده‌های تهیه‌شده، رابطه‌ی علی - معلولی میان پیچیدگی اقتصادی در ایران (ECI) و متغیرهای اصلی شاخص تحریم (شاخص قیمت کالای صادراتی، شاخص قیمت کالای وارداتی، رابطه‌ی مبادله و واریانس نرخ ارز) در جدول (۶) بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که علیت یک‌طرفه از سوی شاخص قیمت کالاهای صادراتی به سمت پیچیدگی اقتصادی در سطح احتمال پذیرش ۹۰ درصد وجود دارد، به عبارتی تحریم که باعث افزایش قیمت کالاهای صادراتی شده، منجر به افزایش پیچیدگی اقتصادی شده است. شاید به این سبب باشد که عمده‌ی کالای صادراتی ما نفت بوده و با افزایش قیمت آن در اثر تحریم، درآمد کشور افزایش یافته و بنابراین بودجه‌های تحقیق و توسعه افزایش یافته است، اما سایر شاخص‌های تحریم هیچ علیتی بر پیچیدگی ندارند. از سوی دیگر، پیچیدگی علت هیچ‌یک از شاخص‌های تحریم نیست. این بدان معناست که تحریم‌ها علت پایین بودن رتبه‌ی پیچیدگی در ایران نبوده و از طرف دیگر پیچیدگی کم اقتصاد ایران تاکنون نتوانسته بر کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی ناشی از تحریم‌ها موثر باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از مدل تخمین زده‌شده حاکی از عدم وجود رابطه‌ی علت و معلولی بین تحریم‌های اقتصادی و پیچیدگی اقتصادی در ایران طی بازه‌ی زمانی ۱۳۷۶-۱۳۹۶ به‌استثنای یک مورد شاخص قیمت کالاهای صادراتی است. عدم وجود رابطه‌ی علت و معلولی بین این دو شاخص در بیشتر موارد حاکی از عدم اثرگذاری و اثرپذیری آنها از یکدیگر است. از این گزاره می‌توان دو تحلیل داشت: تحلیل اول آنکه میزان و شدت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران آن‌قدر گسترده و شدید نبوده است که بر پیچیدگی اقتصادی ایران اثر بگذارد؛ تحلیل دوم هم آنکه رتبه‌ی شاخص پیچیدگی در ایران در حدی پایین است که نه‌تنها قدرت اثرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تحریم ندارد؛ بلکه به علت کم بودن میزان پیچیدگی اقتصادی محاسبه‌شده در ایران، می‌توان این‌گونه ادعان داشت که عملاً در ایران پیچیدگی اقتصادی قابل توجهی وجود ندارد که بخواهد از تحریم‌ها اثر بپذیرد.

تحلیل اول با توجه به آنچه تاریخیچه تحریم‌ها علیه ایران بیان می‌کند و همچنین پژوهش‌های مربوط به تحریم اقتصادی ایران که تاکنون صورت گرفته است و اثر تحریم‌ها را بر متغیرهای مختلف اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند، منتفی است؛ زیرا تاریخ تحریم‌ها علیه ایران حاکی از تحریم‌های شدید و همه‌جانبه علیه ایران بوده و پژوهش‌هایی که در این موضوع صورت گرفته است نیز مؤید تأثیر منفی تحریم‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران است.

اما تحلیل دوم با توجه به رتبه شاخص پیچیدگی ایران طی دوره ۲۱ ساله ۱۳۷۶-۱۳۹۶ دور از ذهن نیست. ۱۸ سال از این ۲۱ سال میزان شاخص پیچیدگی اقتصادی ایران منفی بوده است و این بدان معناست که پیچیدگی اقتصادی ایران هنوز به آن حد آستانه‌ای نرسیده است که ماهیت تأثیرپذیری و قدرت تأثیرگذاری داشته باشد. لذا فارغ از بحث تحریم‌های بین‌المللی، لازم است کشور از ظرفیت‌های ملی و اقتصادی خویش جهت ارتقای شاخص پیچیدگی خود بهره برده و منابع نیروی انسانی خود را جهت تولید دانش مولد به کار بگیرد.

نتایج مدل نشان داد که تنها شاخص قیمت کالای صادراتی علت مستقیم افزایش پیچیدگی اقتصادی است؛ یعنی تحریم که باعث افزایش قیمت کالاهای صادراتی شده، منجر به افزایش پیچیدگی اقتصادی شده است. شاید چون بیشتر کالای صادراتی ما نفت و مشتقات آن بوده و با افزایش قیمت آن در اثر تحریم، درآمد کشور افزایش یافته و بنابراین بودجه‌های تحقیق و توسعه افزایش یافته و منجر به بهبود شاخص پیچیدگی اقتصادی شده است.

همچنین ناظر به آنچه تا اینجا مطرح شد، پیشنهاد می‌شود با توجه به آنکه رابطه مبادله یکی از متغیرهای اصلی شاخص تحریم به حساب می‌آید و از مجاری اثرگذار تحریم است، وارد کردن کالاهای لوکس که ارزیابی قابل توجهی دارند در شرایط تحریمی ممنوع و خودکفایی در تولید بعضی از محصولات وارداتی که مورد نیاز کشور است در دستور کار قرار بگیرد؛ ضمن آنکه با بالا بردن تنوع‌پذیری کالاهای صادراتی می‌توان تا حدی کاهش صادرات را جبران کرد. همچنین طبق تحقیقات صورت گرفته، در شرایط تحریم، کاهش واردات از کاهش صادرات پیشی دارد؛ از این رو سیاست حمایت از تولیدات صادرات‌گرا در دوره‌های تشدید تحریم‌ها کاملاً توصیه می‌شود. از طرفی در دنیای کنونی که محصولات دانش‌محور قدرت رقابت در عرصه بین‌الملل را دارند، توصیه می‌شود با حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و همچنین تکمیل زنجیره تولید از تولید دانش تا ثبت محصول و تجاری‌سازی آن، قدرت رقابت اقتصادی کشور را در عرصه بین‌الملل ارتقا بخشید. این موارد در مجموع با افزایش ظرفیت اقتصاد دانش‌بنیان کشور منجر به مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تحریم‌ها می‌شود و از سوی دیگر هزینه تحریم را برای سایر کشورها بالا می‌برد که می‌تواند منجر به عدم پذیرش تحریم ایران از سوی سایر کشورها گردد.

منابع

- احمدیان دیوکی، محمد مهدی و دیگران (۱۳۹۷). سنجش میزان پیچیدگی اقتصادی ایران، در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۱ (۸۱)، ۱۶۹-۱۹۰.
- استاذزاد، علی حسین و مرزبان، حسین (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم‌یافته تصادفی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۰ (۶۳)، ۳۷-۶۹.
- الهی، ناصر و دیگران (۱۳۹۷). پیچیدگی اقتصادی و عوامل نهادی (مقایسه میان کشورهای توسعه‌یافته، نوظهور و درحال توسعه). *ملل‌سازی اقتصادسنجی*، ۳ (۳)، ۱۱-۳۷.
- پژم، سیدمهدی و سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شاخص پیچیدگی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ۴۲ کشور برتر در تولید علم. *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ۲۲ (۱۰)، ۱۶-۳۸.
- چشمی، علی و دیگران (۱۳۹۳). ارزیابی رتبه جهانی ایران در شاخص پیچیدگی اقتصادی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- چشمی، علی و ملک‌الساداتی، سیدسعید (۱۳۹۲). شاخص پیچیدگی اقتصادی و ارتباط آن با ساختار نهادی تولید (مقایسه تطبیقی ایران، کره و ترکیه). *اولین همایش توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار*.
- خاندوزی، سیداحسان و میرنظامی، ابراهیم (۱۳۹۸). سنجش تأثیر پیچیدگی اقتصادی بر شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری. *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۶ (۳۲)، ۹-۳۳.
- سمندرعلی اشتهاوردی، مژگان و دیگران (۱۳۹۹). رابطه علیت بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان و شاخص پیچیدگی اقتصادی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۵ (۸۲)، ۲۱۷-۲۴۲.
- سوری، علی (۱۴۰۰). *اقتصادسنجی*. همدان: نورعلم.
- شاهمرادی، بهروز و صادقی سیاهکلی، مهسا (۱۳۹۶). شناسایی سطح دانش مولد ایران ۱۴۰۴ در منطقه با رویکرد پیچیدگی اقتصادی. *تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*، ۵ (۳)، ۲۹-۵۰.
- عزتی، مرتضی و سلمانی، یونس (۱۳۹۴). برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۸ (۶۶)، ۱۶۹-۱۰۱.
- عمید، حسن (۱۳۹۳). *فرهنگ فارسی عمید شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی*: الف - ج. تهران: امیرکبیر.
- فدائی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۴). تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۵ (۳)، ۱۱۳-۱۳۲.
- کازرونی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۴). بررسی کارایی تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه بر تجارت خارجی محصولات غیرنفتی در ایران. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۱۲ (۱)، ۸۳-۹۸.
- کریمی، ادریس و دیگران (۱۴۰۰). بررسی اثر زمانی و شدت تحریم‌های سازمان ملل و ایالات متحده بر شاخص فلاکت کشورهای هدف. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۲۱ (۲)، ۱۵۱-۱۸۰.
- کمالی دهکردی، پروانه (۱۳۹۹). تحلیل اثر شوک‌های بازار و تحریم‌های اقتصادی بر ارزش افزوده تولیدات صنعتی. *تحقیقات ملل‌سازی اقتصادی*، ۱۱ (۳۹)، ۲۴۱-۲۸۷.
- گرشاسی، علیرضا و یوسفی دیندارلو، محبتی (۱۳۹۵). بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران. *تحقیقات ملل‌سازی اقتصادی*، ۲۵ (۳۹)، ۱۲۹-۱۸۲.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین یک‌جلدی بر اساس فرهنگ شش جلدی دکتر محمد معین*. تهران: معین.
- میرعمادی، طاهره (۱۳۹۰). چارچوبی برای ارزیابی راهبردهای مقابله با تحریم از منظر نظام ملی نوآوری. *سیاست علم و فناوری*، ۳ (۴)، ۸۳-۹۳.

نفیو، ریچارد (۱۳۹۹). هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان. ترجمه سیدعلی صادقی. تهران: پیام محراب.

نوفرستی، محمد (۱۳۷۸). ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی. تهران: رسا.

Eyler, R. (2007). *Economic Sanctions: International Policy and Political Economy at Work*. Springer.

Hafner-Burton, E. M. & Montgomery, A. H. (2008). Power or plenty: How do international trade institutions affect economic sanctions? *Journal of conflict Resolution*, 52(2), 213-42.

Hausmann, R., Hidalgo, C., Bustos, S., Coscia, M., Simoes, A. & Yildirim, M. A. (2011), *the Atlas of Economic Complexity: Mapping Paths to Prosperity*. Cambridge: Center for International Development, Harvard University.

Pape, R.A. (1997). *Why economic sanctions do not work*. International Security.

Rubbo; Priscila, Claudia Tania Picinin; Luiz Alberto Pilatti. (2018). Knowledge management practices and economic complexity in BRIC countries from 2001 to 2014. *International Journal of Knowledge Management Studies (IJKMS)*, 9, 1.

پیوست

جدول ۷: وزن ضرایب متغیرهای تحریم

سال/متغیر	VAREX	USIRITR	TDNOIL	PXPM	PX	PM
۱۹۸۸	۲۲۵۲۴۱/۴	-۰/۰۰۲۸۸۵	-۰/۰۲۹۷۶۸	۲۷/۱۲۳۸۲	۲۶/۷۶۵۷۳	۳۶/۱۱۶۵۹
۱۹۹۹	۲۴۱۹۱/۸۱	-۰/۰۰۱۳۵۷	-۰/۰۲۴۷۸۱	۲۸/۹۸۸۰۴	۲۸/۵۵۱۶۷	۳۶/۰۴۸۸۲
۲۰۰۰	۷۳۰۸/۰۱۷	-۰/۰۰۲۲۱۶	۰/۰۳۲۷۵۶	۳۱/۷۱۲۷۲	۳۱/۲۸۱۳۲	۳۶/۱۰۱۹
۲۰۰۱	۱۴/۹۱۳۲۲	-۰/۰۰۱۲۵	-۰/۰۳۵۲۹۷	۳۰/۹۹۵۲۸	۳۰/۵۸۰۹۷	۳۶/۱۱۰۵۵
۲۰۰۲	۴۳/۱۲۷۲۳	-۰/۰۰۱۲۶۲	-۰/۰۳۴۱۶۷	۳۱/۱۸۳۳۵	۳۰/۸۱۹۶	۳۶/۱۷۲۸۴
۲۰۰۳	۲۵/۱۶۹۷۲	-۰/۰۰۱۴۴۱	-۰/۰۴۳۹۲۳	۳۱/۹۱۴۶۲	۳۱/۵۷۴۳۸	۳۶/۲۰۹۵۸
۲۰۰۴	۸/۳۴۰۵۷۹	-۰/۰۰۱۰۱	-۰/۰۴۶۸۲۷	۳۳-۱۷۴۶۴	۳۲/۸۸۰۳۶	۳۶/۲۷۸۰۸
۲۰۰۵	۲/۱۰۴۷۷۳	-۰/۰۰۰۸۹	-۰/۰۴۱۳۳۸	۲۵/۲۷۰۰۳	۳۴/۹۸۰۶۷	۳۶/۲۹۹۴۹
۲۰۰۶	۶۵/۲۱۸۹۶	-۰/۰۰۰۸۰۱	-۰/۰۳۷۸۹۴	۳۶-۳۵۲۲۶	۳۶/۱۵۵۸۵	۳۶/۴۰۲۰۱
۲۰۰۷	۲۴۳/۴۶۲۱	-۰/۰۰۰۸۹۹	-۰/۰۳۴۰۹۶	۳۶/۷۹۹۰۸	۳۶/۶۸۴۶۷	۳۶/۴۸۵۹۸
۲۰۰۸	۱۴۹/۰۶۶۵	-۰/۰۰۱۹۰۹	-۰/۰۳۵۱۹	۲۸/۵۳۷۵۹	۲۸/۵۹۵۳۳	۳۶/۶۵۴۶۶
۲۰۰۹	۲۸/۸۰۵۷۷	-۰/۰۰۰۸۰۶	-۰/۰۳۳۱۷۸	۲۵/۴۴۸۶۲	۳۵/۳۴۵۲۴	۳۶/۴۹۳۰۲
۲۰۱۰	۱۲۷۴۲/۹۶	-۰/۰۰۰۶۰۶	-۰/۰۲۹۰۸۵	۳۷/۰۰۳۲۵	۳۶/۹۸۵۱	۳۶/۵۸۱۸۲
۲۰۱۱	۱۳۰۲۴۸۵	-۰/۰۰۰۴۴۲	-۰/۰۲۱۸۸	۳۸/۶۲۶۹	۳۸/۷۵۵۸۲	۳۶/۷۲۱۹۲

۳۶/۶۶۵۶	۳۸/۵۹۷۸	۳۸/۵۲۸۵	-۰/۰۱۶۰۸۲	-۰/۰۰۰۵۳۱	۱۵۱۴۰۷۳۶	۲۰۱۲
۳۶/۶۳۱۸	۳۸/۷۷۲۳۸	۳۸/۷۳۸۴۸	-۰/۰۱۵۲۳	-۰/۰۰۰۶۸۹	۱۶۸۲۳۴۷۹	۲۰۱۳
۳۶/۵۶۲۶۴	۳۸/۲۱۵۱۱	۳۸/۲۵۳۹۳	۰/۰۱۹۳۱۵	۰/۰۰۰۳۷۴	۱۴۶۳۴۰/۷	۲۰۱۴
۳۶/۴۰۰۲۴	۳۳/۸۰۱۳۱	۳۳/۹۸۶۶	-۰/۰۱۵۹۱۹	-۰/۰۰۰۶۸۴	۱۴۷۶۳۴/۳	۲۰۱۵
۳۶/۴۱۰۸۴	۳۳/۰۰۸۶۳	۳۳/۱۷۹۹۱	-۰/۰۲۱۱۸۸	-۰/۰۰۰۵۸۳	۱۹۲۳۴۵/۹	۲۰۱۶
۳۶/۴۵۶۷۶	۳۴/۴۲۳۰۲	۳۴/۵۵۸۰۶	-۰/۰۲۳۶۵۱	-۰/۰۰۰۳۸	۵۱۰۸۳۱/۴	۲۰۱۷
۳۶/۴۷۴۳۷	۳۶/۰۴۶۵۸	۳۶/۱۷۰۵۱	-۰/۰۱۵۴۹۵	-۰/۰۰۱۰۸	۵۷۹۹۰۹۶	۲۰۱۸

نمودار عز توابع واکنش

Response to Cholesky One S.D. (d.f. adjusted) Innovations



 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/marefateeqtesadi.2025.5001497 20.1001.1.20422322.1403.15.2.11.5

Financing of Unfinished Projects: Pathology of Partnership Bonds, Islamic Treasury Bills and Proposal

 **Gholamali Masuminia**  / Associate Professor, Department of Islamic Economics and Banking, Kharazmi University masuminia@khu.ac.ir
Mohsen Yazdi / M.A. in Economics and Islamic Banking, Kharazmi University m.uiop0098@gmail.com
Received: 2024/12/31 - **Accepted:** 2025/05/10

Abstract

One of the problems of the Iranian economy is the increase in unfinished projects and the insufficiency of government budgets to complete them. Using an analytical method, this article seeks to evaluate the methods of financing unfinished projects and present a new model. According to the research findings, the issuance of Central Bank partnership bonds in line with monetary policy, in addition to being usurious, does not have the ability to finance unfinished projects; because it requires the implementation of a contractionary monetary policy, the collection and detention of funds; which is incompatible with the nature of the company contract and makes it usurious. Treasury bonds also have a similar problem. Although the government uses promissory notes to pay debts to contractors for implemented projects, the Sharia rules of discounting are not observed in them. Deviating from the requirements of the partnership contract and discounting in these notes, in addition to creating jurisprudential problems, has also disrupted their function in financing incomplete projects. It seems that financing incomplete projects should be left to the government only in cases where it is not economically viable, and in cases where it is feasible, public participation should be used to provide the required financial resources. Based on the model proposed in the article, an incomplete project can be financed through public participation.

Keywords: Financing, incomplete project, partnership notes, Islamic treasury documents, popularization, discounting.

JEL classification: H61, H69, O16.

تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام: آسیب‌شناسی اوراق مشارکت، اسناد خزانه اسلامی و پیشنهاد

masuminia@khu.ac.ir

m.uiop0098@gmail.com

غلامعلی معصومی نیا  / دانشیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی

محسن یزدی / کارشناسی ارشد اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

چکیده

یکی مشکلات اقتصاد ایران افزایش طرح‌های نیمه‌تمام و عدم کفاف بودجه‌های دولتی برای تکمیل آن است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به دنبال ارزیابی شیوه‌های تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام و ارائه الگویی جدید است. بر اساس یافته‌های تحقیق، انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی در راستای اعمال سیاست پولی، علاوه بر ربوی بودن قابلیت تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام را ندارند؛ زیرا لازمه اعمال سیاست پولی انقباضی جمع‌آوری و حبس وجوه است؛ امری که با ماهیت عقد شرکت ناسازگار است و آن را ربوی می‌کند. اوراق اخزا نیز مشکل مشابهی دارد. گرچه دولت از اوراق اخزا برای پرداخت بدهی به پیمانکاران بابت طرح‌های اجراشده استفاده می‌کند، اما ضوابط شرعی تنزیل در آن رعایت نمی‌شود. عدول از اقتضائات عقد مشارکت و تنزیل در این اوراق علاوه بر ایجاد مشکلات فقهی، کارکرد آنها در تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام را هم مختل کرده است. به نظر می‌رسد که تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام تنها در موارد ضروری که صرفه اقتصادی ندارد، به عهده دولت گذاشته شود و در موارد مقرون به صرفه از مشارکت عموم مردم در تأمین منابع مالی مورد نیاز استفاده شود. بر اساس مدل پیشنهادی در مقاله، طرح‌های نیمه‌تمام را می‌توان از طریق مشارکت مردم تأمین مالی کرد.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی، طرح نیمه‌تمام، اوراق مشارکت، اسناد خزانه اسلامی، مردمی‌سازی، تنزیل.

طبقه‌بندی JEL: H61 H69 O16.

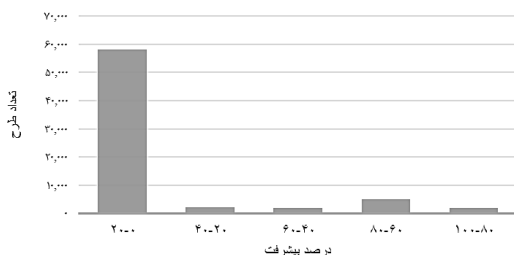
مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور ما وجود هزاران طرح نیمه‌تمام است. بسیاری از آنها دارای ردیف بودجه سالانه هستند، ولی با توجه به وجود تورم بالا در اقتصاد ایران، بودجه سالانه این طرح‌ها باید رشدی متناسب با تورم داشته باشد تا بتوان طرح را در زمان مورد انتظار به بهره‌برداری رساند. از سوی دیگر، هر سال بر تعداد این طرح‌ها افزوده می‌شود که این خود باعث تشدید مشکل تأمین مالی طرح‌ها شده است. بنابراین مهم‌ترین مشکل طرح‌های نیمه‌تمام محدودیت منابع مالی جهت تکمیل آنهاست. یکی دیگر از مشکلات این طرح‌ها، مسئله استهلاک آنهاست. با توجه به اینکه بسیاری از این طرح‌ها به صورت نیمه‌کاره در معرض عوامل مخرب محیطی قرار دارند، هر روز که تکمیل آنها عقب می‌افتد، بخش بیشتری از سرمایه‌گذاری اولیه به دلیل استهلاک از بین می‌رود. مسئله استهلاک باعث می‌شود که نیاز به منابع مالی برای تکمیل طرح‌ها از میزان پیش‌بینی اولیه بیشتر شود.

بر اساس آمار منتشره وزارت صمت در سال ۱۴۰۰ از مجموع ۶۹۱۰۰ طرح در دست اجرا، ۵۸۰۹۴ طرح معادل ۸۴ درصد از کل طرح‌ها دارای پیشرفت زیر ۲۰ درصد هستند و تنها ۱۹۸۲ طرح معادل ۲٫۸ درصد از مجموع طرح‌ها پیشرفت فیزیکی بالای ۸۰ درصد دارند (شکل ۱). این آمار نشان‌دهنده عمق بحران طرح‌های نیمه‌تمام در کشور است و با نگاهی به آمار سال‌های قبل مشاهده می‌شود هر سال بر درصد طرح‌های دارای پیشرفت فیزیکی بسیار کم، افزوده شده و از درصد طرح‌های با پیشرفت فیزیکی بالا کاسته می‌شود (وزارت صمت، ۱۴۰۰). به گفته رئیس سازمان برنامه در ۲۹ دی‌ماه ۱۴۰۳: «بیش از ۵۱ هزار طرح عمرانی نیمه‌تمام در نقاط مختلف کشور وجود دارد که تکمیل آنها به حداقل ۴۰۰ میلیون میلیارد تومان (نرخ روز) اعتبار نیاز دارد». رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ تعداد طرح‌های نیمه‌تمام را بیش از ۷۰۰۰۰ اعلام نمود. یکی از علل این اختلاف این است که آمار مشخص و دقیقی برای آنها ارائه نمی‌شود و این عدد از ۵۰ هزار پروژه تا حدود ۸۵ هزار متغیر است. اما آخرین آمارهای رسمی که به سال گذشته باز می‌گردد، اعلام می‌کند ۶۲ هزار پروژه نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که حدود ۵۷ هزار پروژه استانی و ۵۰۰۰ پروژه هم ملی هستند. علت دیگر هم میزان ناتمام بودن طرح‌هاست. با توجه به افزایش روزافزون تعداد این طرح‌ها و کاهش بودجه عمرانی کشور، چشم‌انداز روشنی از تأمین مالی همه این طرح‌ها توسط دولت وجود ندارد. بنابراین باید به فکر راهکارهایی بود که از ظرفیت‌های موجود در کشور برای تأمین مالی این طرح‌ها استفاده شود.

شکل ۱: تعداد طرح‌های عمرانی موجود در کشور بر اساس درصد پیشرفت (وزارت صمت، ۱۴۰۰)

تعداد طرح‌ها بر اساس درصد پیشرفت



بر اساس آخرین آمار وضعیت تکمیل طرح‌های در دست اجرا، بیش از ۵۸ هزار طرح از مجموع ۶۹۱۰۰ طرح یعنی بیش از ۸۴ درصد آنها کمتر از ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند و تنها ۱۹۸۲ طرح که معادل ۲٫۹ درصد از کل طرح‌هاست، بیش از ۸۰ درصد پیشرفت نشان می‌دهد.

این آمار نشان‌دهنده این است که بسیاری از طرح‌ها فقط کلنگ‌زنی شده‌اند و اعتبارات به صورت قطره‌چکانی به آنها می‌رسد که فقط کفاف نگاهداشت آنها را داده و باعث پیشرفت چندانی نمی‌شود.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و روش اجتهادی به ارزیابی روش‌های تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام مشتمل بر اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی می‌پردازیم و در پی ارائه مدل پیشنهادی می‌باشیم.

پیشینه تحقیق

در مورد طرح‌های نیمه‌تمام و نحوه تأمین مالی آنها برای اتمام، تحقیقات زیادی صورت گرفته است، که به برخی موارد اشاره می‌شود.

توکلی (۱۳۸۶) پس از بررسی ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیمه‌تمام ماندن طرح‌ها و پروژه‌ها، زبان‌های اقتصادی آن را در مواردی همچون اتلاف منابع محدود، افزایش هزینه تمام‌شده، عدم‌النفع ناشی از تأخیر، بیکار ماندن عوامل انسانی و ماشین‌آلات و تجهیزات، اثر تورمی، کاهش بازدهی سرمایه، کاهش بهره‌وری بخش دولتی (و خصوصی)، کاهش نرخ رشد اقتصادی و کاهش نسبی رفاه و توزیع درآمد برمی‌شمارد. ایشان در نهایت این گونه نتیجه می‌گیرد که برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام می‌بایستی اولاً پروژه جدید تعریف نشود (مگر در موارد بسیار ضروری با توجیهات همه‌جانبه کارشناسی)؛ ثانیاً طرح‌های نیمه‌تمام موجود جهت تخصیص اعتبار اولویت‌بندی شوند و ثالثاً برای رعایت عدالت در اولویت‌بندی به پروژه‌های مناطق محروم وزن بیشتری داده شود.

موسویان و سروش (۱۳۹۰) پس از آسیب‌شناسی انتشار اوراق مشارکت جهت تأمین مالی طرح‌ها و پروژه‌ها، اعلام کرده‌اند این اوراق هم از لحاظ فقهی و هم از بعد مالی و اقتصادی با چالش مواجه هستند. از بعد فقهی در عقد شرکت که مبنای این اوراق است، نمی‌توان اصل و سود اوراق را از قبل تضمین نمود. از بعد مهندسی مالی نیز مهم‌ترین کاستی‌های اوراق مشارکت مواردی همچون نبود شرکت واسطه، نبود شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری، تهیه نشدن گزارش سالانه در مورد اوراق مشارکت و مشخص نبودن نحوه و شیوه ارزش‌گذاری طرح موضوع مشارکت پس از اتمام مشارکت است.

حاجی علیخانی و صبحیه (۱۳۹۴) در پژوهشی که به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با جمعی از صاحب‌نظران دست‌اندرکار طرح‌های عمرانی انجام شده، زوایا و علل افزایش طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام را بررسی و راهکارهایی برای برون‌رفت از این مشکل ارائه کردند. تطویل طرح‌ها تبعات زیادی ازجمله زبان‌های اقتصادی ناشی از اتلاف منابع محدود، افزایش هزینه‌های نهایی طرح‌ها، عدم‌النفع ناشی از تأخیر، بیکار ماندن عوامل انسانی و تجهیزات و ماشین‌آلات، اثر تورمی، کاهش بازدهی سرمایه (به علت کاهش عمر مفید طرح)، کاهش بهره‌وری بخش‌های دولتی،

کاهش نرخ رشد اقتصادی، کاهش نسبی رفاه و توزیع درآمد، کاهش نرخ اشتغال اقشار فقیر و آسیب‌پذیر و همچنین زیان‌های اجتماعی - سیاسی ناشی از نارضایتی مردم (برآمده از تأخیر در تکمیل طرح‌ها) دارد. در خصوص طرح‌های عمرانی باید سه مسئله بررسی شود: اول، برنامه‌ریزی برای تعریف طرح‌های عمرانی جدید با توجه به ظرفیت بودجه کشور و حتی‌الامکان جلوگیری از تعریف طرح‌های غیرضروری؛ دوم، یافتن راه‌های جدیدی برای تأمین مالی پروژه‌ها به‌جز بودجه عمرانی کشور (مشارکت بخش خصوصی)؛ سوم، اقتصادی‌سازی طرح‌های عمرانی.

الماسی و بت‌شکن (۱۳۹۶) در تحقیقات خود بر روی ابزارهای تأمین مالی طرح‌های زیرساختی، عنوان داشته‌اند که علی‌رغم وجود ابزارهای مالی متنوع در بازار سرمایه ایران، تاکنون تأمین مالی بخش حمل‌ونقل جاده‌ای از طریق انتشار اوراق بهادار در بازار سرمایه اتفاق نیفتاده است.

حلاج نیشابوری و معماریان (۱۳۹۷) در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی «واگذاری طرح‌های عمرانی: وضع موجود، موانع و راهکارها»، به موضوع واگذاری طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام به بخش خصوصی، به‌منظور بررسی موانع و راهکارهای این موضوع پرداخته‌اند. اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ حدود ۶۳ هزار میلیارد تومان بوده است که در قالب فصول مختلف بین طرح‌های ملی و استانی تقسیم شده است. در مسیر تهیه این گزارش با بررسی فصول مختلف طرح‌های عمرانی (بر اساس دسته‌بندی لایحه بودجه ۱۳۹۶) هشت فصل «انرژی»، «حمل‌ونقل»، «کشاورزی و منابع طبیعی»، «منابع آب»، «آب و فاضلاب»، «توسعه و خدمات شهری، روستایی و عشایری»، «درمان» و «آموزش عالی» که بیش از ۷۰ درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ و قریب ۹۰ درصد از مانده اعتبارات سال‌های بعد طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، انتخاب شدند. بدین ترتیب که رفع موانع واگذاری این فصول می‌تواند بخش اعظم معضل طرح‌های عمرانی را حل کند. در این گزارش هشت مانع واگذاری طرح‌ها ذکر شده؛ از قبیل عدم جذابیت ذاتی برای بخش خصوصی، فقدان قوانین جامع، مداخلات سازمان مدیریت بر جزئیات اجرا به‌جای نظارت بر خروجی و... و سپس راهکارهایی برای برطرف کردن موانع ارائه شده که قابل استفاده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷).

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی به بررسی وضعیت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ پرداخته است. در این گزارش وضعیت تخصیص اعتبارات به این طرح‌ها و زمان تکمیل آنها اشاره شده است. بر اساس اطلاعات مندرج در پیوست ۱ قوانین بودجه سنواتی و با توجه به سال خاتمه درج‌شده برای هر طرح، می‌بایست هر ساله تعدادی از طرح‌ها به اتمام برسند. بررسی میزان طرح‌های پایان‌یافته در سال‌های گذشته نشان‌دهنده عدم تکمیل به موقع بسیاری از طرح‌ها مطابق با برنامه زمانی و در نتیجه افزایش هزینه آنهاست. بر این اساس، برای سال ۱۴۰۰ حدود ۷۴۹۷ هزار میلیارد ریال اعتبار مورد نیاز است تا تمام طرح‌های مندرج در پیوست ۱ لایحه ۱۴۰۰ تکمیل شوند و انتظار می‌رود که این رقم در سال‌های آینده نیز افزایش یابد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰).

روش‌های تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام

موضوع طرح‌های نیمه‌تمام سال‌های زیادی است که مطرح بوده و هست. از مهم‌ترین ابعاد این مسئله نحوه تأمین مالی این طرح‌ها می‌باشد. راه‌های متعددی پیشنهاد شده و تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ برای نمونه دولت سیزدهم (دولت شهید رئیسی) قدم بزرگی برداشت و طرح‌های زیادی را به انجام رساند. طرح‌هایی از قبیل بیمارستان امام خمینی شهریار، سد غدیر بابا حیدر، ایستگاه پمپاژ دائم آب بانه، فرودگاه شهدای سقز بعد از ۲۷ سال، راه‌آهن همدان سنندج بعد از ۱۸ سال، خط دوم آبرسانی به شیراز از سد درودزن بعد از ۱۲ سال، راه‌آهن بستان‌آباد - خاوران بعد از ۲۲ سال و... تا نیمه دوم سال ۱۴۰۲ به اتمام و بهره‌برداری رسید (پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۴ آذر ۱۴۰۲، <https://dolat.ir/detail/427986>). عمده منابع این طرح‌ها یا از نظام بانکی تأمین شد و یا از اعتبارات سفرهای استانی به آنها تخصیص داده شد. به دلیل کثرت طرح‌های نیمه‌تمام این‌گونه منابع کافی نیست و لازم است برنامه‌ریزی گسترده برای تأمین مالی صورت گیرد. برخی برآنند که دولتی بودن اقتصاد مشکلات فراوانی را در پی داشته است. از نتایج مستقیم این امر می‌توان به پایین بودن میزان رشد اقتصادی، کاهش بهره‌وری عوامل تولید، طولانی شدن زمان سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش فساد اداری، ناعادلانه توزیع شدن درآمد، ایجاد رانت‌های اقتصادی و... اشاره کرد (میرمحمدی و عباسی، ۱۳۸۸). البته لازم به ذکر است که دولتی بودن به معنای تصدی عمده فعالیت‌ها توسط دولت مطلوب نیست، اما در موارد قابل توجهی به دلایل مختلف لازم است. طرح‌های ملی باید توسط دولت اجرا و تکمیل شود، قسمتی از طرح‌های نیمه‌تمام نیز برای جامعه لازم است، اما صرفه اقتصادی ندارد. این موارد نیز باید توسط دولت تکمیل شود. برخی طرح‌ها نیز از صرفه اقتصادی خارج شده که باید کنار گذاشته شود.

در چند دهه اخیر مباحث فراوانی در مورد تأمین مالی طرح‌های اقتصادی جدید و تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام صورت گرفته و ابزارهای متعددی پیشنهاد و اجرایی شده است. دو مورد از این ابزارها «اوراق مشارکت» و «اسناد خزانه اسلامی» بوده‌اند. «اوراق مشارکت» ابتدا برای تأمین مالی طرح‌ها در بخش واقعی و طراحی و اجرایی شد، اما در ادامه بانک مرکزی از آن به عنوان ابزار سیاست پولی استفاده نمود و دولت هم از «اسناد خزانه اسلامی» به عنوان پرداخت معوقات و رفع کسری بودجه استفاده نمود. چون این‌گونه روش‌ها رایج شده، و مشکل طرح‌ها همچنان باقی است، لازم است این‌گونه تجربیات به صورت دقیق ارزیابی و آسیب‌شناسی شود. مقتضای تحقیق مقاله، یکی از اصلی‌ترین علل تداوم مشکلات، انحراف عقود از ضوابط فقهی است و ریشه این امر هم عدم تحول ساختارها بر اساس آموزه‌های اسلامی می‌باشد.

تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام با استفاده از اوراق مشارکت

یکی از ابزارهای مالی مهم در بازارهای پول و سرمایه اقتصاد سرمایه‌داری اوراق قرضه است. به دلیل حرمت ربا صاحب‌نظران مسلمان درصدد طراحی ابزارهای جایگزین برآمدند. یکی از این ابزارها اوراق مشارکت بود. این اوراق

اگر بر اساس موازین شریعت طراحی شود از بهترین ابزارهای تأمین مالی است. تمامی خریداران در طرح‌های اقتصادی مشارکت مستقیم دارند و تمامی فقها چنین عقدی را صحیح می‌دانند. برای نمونه امام خمینی ره فرموده: «یکی از اقسام شرکت این است که دو نفر یا بیشتر با مال مشترک فعالیت نموده و سود حاصله را بین خود تقسیم کنند. به این نوع شرکت، شرکت عقدی و اکتسابی گفته می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۶۲). صاحب عروه بیان می‌کند: «شرکت عقدی فقط در اموال صحیح است، مشروط بر عین بودن؛ بنابراین شرکت در دیون و منافع صحیح نیست» (سید یزدی، ۱۴۰۰، ص ۶۱۸). قریب به اتفاق فقها همین مطلب را فرموده‌اند. اوراق مشارکت هم که بر اساس عقد شرکت طراحی شده مورد تأیید فقهای حاضر است. آیت‌الله سبحانی در جواب سؤال «نظر شما در مورد اوراق مشارکت و نظائر آن چیست؟» فرمود:

اگر فردی در طرحی مشخص از طرح‌های دولت مثل سدسازی و مانند آن با خرید اوراق مشارکت شریک شود و پس از پایان یافتن طرح، دولت سهم مشارکت‌کننده را به قیمتی بخرد در این صورت سود حاصل حلال است، ولی خرید اوراق مشارکت که در طرح مشخصات آن اعلام نمی‌شود و شبیه اوراق قرضه است اشکال دارد (استفتانات آیت‌الله العظمی سبحانی، ۱۳۹۴، ج ۳).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در جواب سؤال «خرید و فروش اوراق مشارکت از طریق بانک‌ها چطور است؟» فرمود: «هرگاه به مسئولان آنها وکالت داده شود که عقود شرعیه را در آن رعایت کنند، مانعی ندارد» (سایت دفتر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی).

از آیت‌الله بهجت سؤال شده:

دولت برای اجرای برخی طرح‌های ملی، اقدام به فروش اوراق مشارکت بین مردم می‌کند، این اوراق بدون نام و قابل خرید و فروش بوده و هر ماه مقدار مشخصی سود به آن تعلق می‌گیرد، خرید و فروش و دریافت سود علی‌الحساب که ماهیانه به آن تعلق می‌گیرد، آیا جایز است؟
فرمود: جواز مبنی بر توفیر شرایط شرکت عقدیه و شرعیه یا یکی دیگر از عقود صحیحه است (سایت مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله بهجت)

بر اساس نظر آیت‌الله سیستانی:

ناشر اوراق در بعضی از موارد، همه سرمایه مورد نیاز اجرای پروژه را از طریق انتشار اوراق مشارکت جمع‌آوری می‌کند. در این صورت ناشر، وکیل صاحبان اوراق در اجرای طرح و کلیه شئون مرتبط با آن خواهد بود و صاحبان اوراق، شرکای در پروژه محسوب می‌شوند (حضرت آیت‌الله سیستانی، ۱۴۰۳، ج ۴).

ارزیابی تجربه اوراق مشارکت برای تأمین مالی طرح‌های نیمه تمام

در سال ۱۳۷۳ اوراق مشارکت به عنوان یک ابزار تأمین مالی غیربانکی طراحی شد. در این سال شهرداری تهران برای احداث طرح نواب، ۲۵۰ میلیارد ریال از این اوراق منتشر کرد و تمام اوراق فروخته شد. در سال ۱۳۷۴ هم شهرداری تهران با مشارکت با تولیت آستان حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ره مبلغ ۷۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت با مدت ۵ ساله با هدف اجرای طرح شهر سالم و بازسازی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ره بود که اوراق مذکور هم با استقبال

کامل مواجهه شد (<https://vista.ir/m/a/t16gh>). موارد موفق انتشار این اوراق کم نیست و طرح‌های خوب و ضروری با آن تأمین مالی شد. در سال ۱۳۷۶ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <https://rc.majlis.ir>). در ماده ۱ این قانون آمده:

به‌منظور مشارکت عموم در اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کل کشور و طرح‌های سودآور تولیدی و ساختمانی و خدماتی، به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات عام‌المنفعه و شرکت‌های وابسته به دستگاه‌های مذکور و همچنین شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت‌های تعاونی تولیدی اجازه داده می‌شود طبق مقررات این قانون قسمتی از منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح‌های مذکور شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی را از طریق انتشار و عرضه عمومی اوراق مشارکت تأمین نمایند.

در مورد مرجع تشخیص در تبصره ماده یک آمده:

تشخیص انتفاعی بودن طرح‌های عمرانی دولت موضوع این ماده با رعایت تعریف قانونی «طرح انتفاعی» به عهده هیئتی مرکب از نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این قبیل طرح‌ها در پیوست طرح‌های عمرانی لوائح بودجه سالانه کل کشور با علامت مشخص درج خواهد شد.

بر اساس این قانون، شهرداری‌ها، مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی نیز می‌توانند با اخذ مجوز از بانک مرکزی اقدام به انتشار اوراق مشارکت نمایند.

تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام با انتشار اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی

قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، بانک مرکزی را به‌عنوان مرجع تشخیص موارد مشمول و ناظر در اجرا در نظر گرفته است. در این قانون مجوزی برای انتشار این اوراق توسط خود بانک مرکزی دیده نمی‌شود. در ماده ۹۱ قانون برنامه سوم توسعه در اوایل سال ۱۳۷۹ مصوب شد:

به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با تصویب شورای پول و اعتبار، علاوه بر موارد مندرج در بند (۶) ماده (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۰۸/۰۶ از اوراق مشارکت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شرط عدم مغایرت با قانون عملیات بانکی بدون ربا استفاده نماید (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>).

در همین سال بانک مرکزی به‌عنوان یک عملیات بازار باز و برای مدیریت حجم نقدینگی به‌عنوان یک ابزار سیاست پولی از شورای پول و اعتبار مجوز انتشار اوراق مشارکت را اخذ نمود. در ۱۳۸۵/۱۱/۲۵ قانون انتشار اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که با عنوان لایحه دوفوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، در جلسه علنی تصویب شد. در این مصوبه آمده است: «به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به‌منظور اجرای سیاست‌های پولی و کنترل نقدینگی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا - مصوب ۱۳۶۲ - مبلغ ده‌هزار میلیارد (۱۰/۰۰۰۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال اوراق مشارکت منتشر کند» (سایت مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی (<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99701>). بر این اساس بانک مرکزی از همان ابتدا به دنبال استفاده از این ابزار برای اعمال سیاست پولی بود؛ در نتیجه از واقعیت حقیقت عقد شرکت فاصله گرفت و شبهه ربوی شدن آن مطرح شد. برخی مسئولان رده بالای بانک مرکزی در همان زمان به این امر تصریح نمودند. در شرایطی که از اوراق مشارکت برای اعمال سیاست انقباضی پولی استفاده می‌کند، باید پول‌های جمع‌آوری شده را برای مدتی بدون استفاده نزد خود نگهداری نماید. در این صورت اعطای سود مصداق روشن ربا خواهد بود. این اشکال در همان زمان مطرح شد. بانک مرکزی برای حل مشکل «اوراق سهم‌الشرکه ملی» را طراحی نمود:

دولت بابت بدهی‌های سررسیدشده خود به بانک مرکزی پرتقوی از سهام و حقوق مالکیت در دارایی‌های مولد خود به بانک مرکزی وا می‌گذارد و معادل ارزش روز این اموال، بدهی‌های سررسیدشده خود را تسویه می‌کند. بانک مرکزی می‌تواند در برابر مجموعه اموال پیش گفته اوراق سهم‌الشرکه منتشر کند. به این لحاظ هر ورق گواهی سهم‌الشرکه نشان‌دهنده سهم مشخصی از مجموعه معینی از دارایی‌های انتقال یافته به بانک مرکزی است و دارندگان آن به نسبت سهم خود به‌طور مشاع در این پرتقوی سهیم خواهند بود (نظریور، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲).

روشن است که این اوراق هم جنبه صوری دارد. فروش اموال دولتی در این گونه موارد واقعی نیست. اگر واقعی بود، باید خریداران مانند موارد مشابه می‌توانستند در آن تصرف مالکانه بنمایند؛ درحالی که چنین اجازه‌ای به آنها داده نمی‌شود. توضیح مطلب اینکه با انتشار این اوراق، از سویی بانک مرکزی مالک منابع می‌شود و در نتیجه می‌تواند آنها را به‌منظور اعمال سیاست پولی انقباضی بلوکه نماید (نظریور، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲)؛ و از سوی دیگر، هریک از دارندگان اوراق مزبور به نسبت سهم خود به‌صورت مشاع مالک سهم‌الشرکه خود خواهند بود. بر اساس قواعد مسلمی مانند قاعده تسلیط آنها می‌توانند در این اموال تصرف مالکانه نمایند، اما در مورد اموال دولتی چنین امکانی وجود ندارد. این ابزار برای دفع شبهه ربوی بودن پیشنهاد شد، وگرنه التزامات عملی وجود ندارد. جالب اینکه سازمان مدیریت با اصل انتقال اموال دولتی به بانک مرکزی به این منظور مخالفت نمود (نظریور، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲). ممکن است در اینجا یک اشکال نقضی وارد شود: «آیا در اوراق مشارکت تصرف مالکانه برای خریداران ممکن است؟» می‌توان در جواب گفت در اوراق مشارکت هدف انجام فعالیت است و بدون مدیریت متمرکز امکان فعالیت نیست؛ از این رو دارندگان اوراق به ناشر اجازه مدیریت طرح را می‌دهند، اما مالکیت آنها واقعی است؛ درحالی که در اوراق سهم‌الشرکه بانک مرکزی هدف انجام فعالیت با استفاده از دارایی نیست؛ از این گذشته خود اوراق مشارکت هم از این نظر ابهام دارد. به گفته موسویان: «از نقاط ابهام و چالش‌های فقهی اوراق مشارکت در ایران می‌توان به عدم شفافیت حقوق صاحبان اوراق و مسندات شرعی و حقوق روابط مالی بین ارکان مشارکت اشاره نمود» (موسویان و سروش، ۱۳۹۰، ص ۴۷). برخی صاحب‌نظران نیز متعرض قسمتی از اشکالات اوراق مشارکت بانک مرکزی شده‌اند، اما در مجموع انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی را اقدامی پسندیده دانسته‌اند (نظریور، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲).

آسیب‌شناسی انتشار اوراق مشارکت برای تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام

ربا در اسلام تحریم شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۷۸)؛ «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵). در این صورت صاحبان سرمایه پولی اگر قصد کسب درآمد از پول خود را داشته باشند، لازم است وارد فعالیت مفید در بخش واقعی اقتصاد شوند. اگر هدف کسب درآمد ثابت باشد، لازم است در قالب بیع و یا اجاره واقعی فعالیت کنند، و اگر هدف کسب درآمد متغیر باشد، در قالب عقودی مانند مضاربه و شرکت عقود مشارکتی امکان فعالیت دارند. البته معمولاً در صورت دوم انتظار درآمد بالاتری می‌رود و با ریسک بالاتری هم مواجه هستند که بین صاحب سرمایه پولی و فعال عامل تقسیم می‌شود؛ این در حالی است که در نظام‌های ربوی چنین نیست. مشاهده کردیم در ابتدای مطرح شدن اوراق مشارکت، با تجمیع وجوه مردم طرح‌های مهمی به سرانجام رسید که دو مورد آن ذکر شد، اما با انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی، این اوراق کارکرد خود را از دست داد. واقعیت عقد مشارکت با اعمال سیاست پولی رایج سازگار نیست. معاون اقتصادی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۱ ابراز داشت: «اوراق مشارکت بانک مرکزی ابزار قوی و مؤثری بوده و نباید خود را از مزایای این اوراق محروم کنیم» (نظرپور، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶). مؤثر بودن در این گونه اظهارات متناسب با اهداف بانک مرکزی است. اگر بانک مرکزی با وجوه جمع‌آوری شده به اجرای و تکمیل طرح‌ها می‌پرداخت، مشکل بسیاری طرح‌ها حل می‌شد. این امر نتایج متعددی داشت؛ از قبیل: مشارکت واقعی حاصل می‌شد، سرمایه‌های به‌کاررفته در این طرح‌ها مثمر‌تر می‌شد، به رشد اقتصادی کمک می‌کرد، بیکاری کاهش می‌یافت و نتایج واقعی دیگر حاصل می‌شد، به‌طور نسبی و کوتاه‌مدت نتیجه سیاست پولی نیز عائد بانک مرکزی می‌شد. روشن است با اجرای طرح‌های جدید و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام به‌تدریج وجوه جمع‌آوری شده مجدداً به اقتصاد تزریق می‌شود و در نتیجه سیاست انقباضی پولی تا حد زیادی و البته با فاصله زمانی خنثا خواهد شد.

اینکه اوراق مشارکت و مانند آن صرفاً به‌عنوان ابزار سیاست پولی مطرح شد، به‌طور طبیعی به ربوی بودن میل پیدا می‌کرد. وقتی هم درصدد اصلاح برآمدند، ابزاری کاملاً صوری یعنی «اوراق سهم الشرکه ملی» را مطرح نمودند. با توجه به این موارد روشن می‌شود که از همان ابتدا طراحی اوراق مشارکت بانک مرکزی برای این هدف خطا بوده است. قسمت عمده این اوراق در عمل تفاوتی با اوراق قرضه نداشت.

گذشت که بانک مرکزی از همان ابتدا با هدف اعمال سیاست پولی اقدام به انتشار این اوراق نمود. برخی محققان ادعا کرده‌اند مشارکت در این اوراق واقعی است:

این اوراق به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین منتشر می‌شود و به سرمایه‌گذارانی که قصد مشارکت در طرح‌های سودده بانک مرکزی را دارند واگذار می‌گردد. دارندگان این اوراق به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت، در سود حاصل از اجرای طرح‌های مذکور توسط بانک مرکزی شریک خواهند بود....

البته توضیح نداده‌اند این طرح‌ها چه رابطهای با ماهیت بانک مرکزی دارد و تاکنون با وجوه جمع‌آوری شده کدام طرح‌ها را اجرا نموده است؟ و چند درصد این وجوه صرف اجرای طرح‌های اقتصادی شده؟ جالب اینکه در ادامه

آورده‌اند «البته باید توجه داشت که حجم فعالیت‌های اقتصادی بانک مرکزی بسیار محدود است؛ زیرا اساساً بانک تجاری محسوب نمی‌شود» (عبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰).

بر اساس قانون جدید بانک مرکزی، به‌کارگیری سیاست‌های ارزی و پولی از اختیارات این بانک است: «طراحی و انتشار انواع اوراق مالی و خرید و فروش آنها و سایر اوراق بهادار به‌منظور مدیریت (کنترل حجم نقدینگی و اعتبارات» نیز در زمرهٔ اختیارات بانک مرکزی ذکر شده است» (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99701>). حقیقت اینکه بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی باید دنبال ابزارهای دیگری باشد؛ برای مثال در شرایط فعلی بانک‌های خصوصی با خلق پول در مقیاس بالا سبب افزایش نقدینگی می‌شوند و سلب خلق پول از این بانک‌ها توسط بانک مرکزی اثر یک سیاست پولی انقباضی را در اقتصاد ایران ایفا می‌کند. در نتیجه، اثبات می‌شود که دادن حق خلق پول به بانک‌های خصوصی ظلم به عموم مردم است. این بانک‌ها با خلق بی‌رویه پول سود سرشاری می‌برند، با خلق پول از هیچ، افزایش سرمایه می‌دهند و دارایی‌های فراوانی را خریداری می‌کنند. از این روی این امر در راستای رفع ظلم و اجرای عدالت هم هست (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۳-۱۶۷). گرچه برخی ابزارهای مالی اسلامی نیز امکان کاربرد برای سیاست پولی دارند، اما این امر مشروط به عدم تغییر در ماهیت عقد و کارکرد اصلی آن می‌باشد؛ برای نمونه می‌توان اوراق منفعت را ذکر کرد. با فرض رفع شبهات در مورد اصل این اوراق، می‌توان در مورد طرح‌های زمان‌بر از این اوراق استفاده کرد. با انتشار این اوراق قسمتی از نقدینگی جمع‌آوری و طرح مورد نظر در طول زمان اجرا می‌شود. نقدینگی جمع‌آوری‌شده در طول اجرا به تدریج به اقتصاد باز می‌گردد و به نسبت ماندگاری باعث کاهش حجم نقدینگی می‌شود. اشاره به یک مطلب لازم است: ممکن است گفته شود تأکید بر سلب حق خلق پول از بانک‌های خصوصی سبب کمبود نقدینگی برای بخش‌های ضروری اقتصاد از قبیل بخش تولید می‌شود. پاسخ به این اشکال خارج از موضوع و ظرفیت این مقاله است، اما به‌صورت اجمالی اینکه خلق پول همانند چاپ اسکناس و به دلیل پیامدها و ویژگی‌هایش امری حاکمیتی است؛ از این‌رو باید اجازهٔ خلق پول همانند چاپ اسکناس در انحصار حاکمیت و نه قوهٔ مجریه باشد. نظام اسلامی موظف است در تمامی امور حافظ مصالح امت باشد؛ از این‌رو باید با ایجاد کمیته‌ای از متخصصان مربوطه نیاز بخش واقعی به نقدینگی را با لحاظ ضریب فزایندهٔ پولی ارزیابی و در همان چارچوب اقدام به تزریق نقدینگی از راه‌های ممکن و از جمله اعطای تسهیلات نماید. لازم است عوارض منفی خلق پول هم به‌صورت مرتب ارزیابی شده و از راه‌های ممکن ضررهای وارده به متضررین جبران شود. مطالعات متعدد بیانگر این است که در اقتصاد ایران در مجموع رشد نقدینگی با رشد تولید تناسب نداشته است؛ برای نمونه نرخ رشد نقدینگی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۳۰/۰۵ درصد و ۳۸/۸۲ درصد بود؛ درحالی‌که نرخ رشد تولید به منفی ۶/۸ و منفی ۲ درصد رسید. در همین زمان نرخ تورم به بیش از ۳۰ درصد رسید (اثنی‌عشری و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۳۰). در شرایط فعلی قسمت قابل‌توجهی از نقدینگی خلق‌شده به بخش‌های غیرمولد می‌رود. گذشت که با وجود نقدینگی خلق‌شده، تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام با مشکل جدی مواجه است.

استفاده از اسناد خزانه اسلامی جهت تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام

افزایش روزافزون هزینه‌های دولت نسبت به درآمدها، سبب افزایش کسر بودجه در اقتصاد ایران شده است. بررسی بودجه‌های سالانه در سال‌های گذشته تاکنون بیانگر این امر است که بودجه عمرانی قربانی بخش جاری شده است. به تعبیر دیگر کسر بودجه سبب شده منابع لازم برای تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی وجود نداشته باشد و هر سال بودجه کمتری با وجود اینکه بودجه اسمی تخصیص یافته افزایشی بوده، اما بودجه واقعی روندی کاهشی داشته است، به این طرح‌ها تزریق شود؛ این در حالی است که قوانین بالادستی بر ایجاد و توسعه ظرفیت‌های تولیدی و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام تأکید نموده است. بودجه عمرانی در لایحه بودجه ۱۴۰۴ کل کشور، ۵۶۰ هزار میلیارد تومان است، اگر بودجه ۱۳۹۸ نبود، این رقم کمترین مقدار در بیست سال گذشته است (<https://B2n.ir/g31443>، به نقل: از خبرگزاری فارس).

سه راه عمده برای تأمین کسری بودجه وجود دارد: استقراض از خارج؛ استقراض از داخل با انتشار اسناد خزانه اسلامی و استقراض از بانک‌ها. استقراض از خارج به‌ویژه در شرایط حاضر که کشور ما تحت فشار و تحریم نظام سلطه قرار دارد، از جوانب گوناگون به صلاح نیست. در این صورت کسری احتمالی حساب جاری ممکن است به بحران بدهی خارجی منجر شود؛ از سوی دیگر، در عمل اثبات شده استقراض خارجی مشروط به شروطی است که با مصالح ما منافات دارد.

استقراض از نظام بانکی سبب افزایش نقدینگی خواهد شد و افزایش نقدینگی می‌تواند پیامدهای منفی زیادی برای اقتصاد داشته باشد. در اقتصاد لیبرالیستی از اوراق قرضه برای تأمین مالی استفاده می‌شود. برخی صاحب‌نظران اسناد خزانه اسلامی را به‌جای اوراق قرضه پیشنهاد کردند (موسویان، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱). تفاوت این اوراق با اوراق قرضه این است که ناشر اوراق قرضه با انتشار این اوراق از خریدار قرض می‌کند؛ درحالی‌که در اخزا دینی را که در اثر یک معامله در بخش واقعی ایجاد شده، تنزیل می‌کند. از سال ۱۳۹۳ در لوایح بودجه ارقام معینی برای اخزا در نظر گرفته شد. اساس این بود که دولت با دادن این اوراق به پیمانکاران و شرکت‌ها در برابر تعهدات سبب ادامه اجرای طرح‌ها و انجام طرح‌های جدید می‌شود. اسناد خزانه اسلامی با سررسید از کمتر از یک‌سال تا حداکثر سه سال منتشر می‌شود. دولت در هر سال ردیف خاصی را در لایحه بودجه پیش‌بینی می‌کند که در صورت عدم وجود یا عدم تکافوی اعتبار مصوب در بودجه عمومی دولت، اسناد خزانه اسلامی در سررسید توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی از محل درآمد عمومی همان سال تأمین و پرداخت شود (فیاضی و نظریور، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸۸۳).

اسناد خزانه اسلامی در قوانین بودجه

اسناد خزانه ابتدا در بودجه سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ به‌عنوان ابزار تأمین مالی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در قانون بودجه کل کشور ثبت شد. میزان اسناد خزانه اسلامی در برخی سال‌ها که در قانون بودجه هر سال آمده، عبارت‌اند از:

۱. در قانون بودجه ۱۴۰۰ آمده: «دولت اسناد خزانه اسلامی... را با حفظ قدرت خرید و با سررسید تا پایان سال ۱۴۰۳ صادر و تا سقف پانصد هزار میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به طلبکاران واگذار می‌کند».
۲. در قانون بودجه ۱۴۰۱ آمده: «به دولت اجازه داده می‌شود برای تأمین مالی مصارف این قانون تا سقف هشتصد و شصت هزار میلیارد (۸۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، انواع اوراق مالی اسلامی (ریالی - ارزی) با سررسید تا پایان سال ۱۴۰۴ منتشر و به طلبکاران دستگاه‌های اجرایی بابت تأدیه مطالبات واگذار کند».
۳. در قانون بودجه ۱۴۰۲ آمده: «به دولت اجازه داده می‌شود تا سیصد هزار میلیارد (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای احداث و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام منتشر کند».
۴. سقف انتشار اوراق مالی اسلامی دولتی مطابق قانون بودجه ۱۴۰۳ برابر با ۲۵۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بود. خالص منابع ناشی از فروش و یا واگذاری اوراق مالی اسلامی در قانون بودجه ۱۴۰۴ برابر ۷۵۰ در نظر گرفته شده است. بر این اساس حجم این اوراق به سه برابر افزایش یافته است. این میزان ۱۲ درصد منابع بودجه را تشکیل می‌دهد که سهم زیادی است.
۵. میزان فروش اوراق دولتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ به میزان ۱۷۵ درصد رشد کرده و به ۷۰۰ همت رسیده است. در همین قوانین بودجه آمده که اسناد خزانه اسلامی برای بازه زمانی چند ماهه تا سه ساله تعریف می‌شود. برای اخراج چند کارکرد تعریف شده: اسناد خزانه اسلامی خرید کالا، اسناد خزانه اسلامی خرید خدمت و اسناد خزانه اسلامی تأمین وجوه (موسویان و کریمی، ۱۳۹۴، ص ۴۵). دولت می‌تواند اسناد خزانه اسلامی را به طلبکاران دولت در برابر طلب آنها از اجرای طرح‌ها قرار دهد. اهل سنت و غیرمشهور از فقهای امامیه قائل به عدم جواز تنزیل هستند، اما مشهور فقهای شیعه آن را مشروع می‌دانند. در جواز تنزیل در همه موارد و از جمله اسناد خزانه لازم است دین ناشی از یک قرارداد و فعالیت واقعی باشد، وگرنه مصداق مسلم ربا می‌باشد. لازم است پیمانکار از دولت طلبکار شده باشد تا بتوان با تنزیل طلب اسناد خزانه اسلامی منتشر نمود. این امر در مورد طرح‌های انجام‌شده در گذشته توسط پیمانکاران صادق است. تمدید بدهی گذشته در برابر مبلغ بیشتر هم مصداق ربای جاهلی بوده و حرام می‌باشد. در اسناد خزانه اسلامی خرید کالا، دولت می‌تواند اقلام سرمایه‌ای و مصرفی خود را به صورت نسبه خریداری و در برابر بدهی حاصله اخراج تحویل فروشنده دهد (موسویان و کریمی، ۱۳۹۴، ص ۴۵)؛ همچنین اگر دولت با پیمانکار قرارداد تکمیل طرح نیمه‌تمام را در قالب استصناع منعقد کند، اگر استصناع را عقد لازم و مستقل بدانیم به مجرد انعقاد قرارداد، دولت به پیمانکار بدهکار می‌شود و می‌تواند به جای پول نقد به او اوراق تحویل دهد. در جعاله عامل پس از انجام کار استحقاق جعل پیدا می‌کند، بر این اساس هنگام انعقاد قرارداد دین ایجاد نمی‌شود و انتشار اسناد خزانه اسلامی معنا ندارد.

ارزیابی اوراق خزانه اسلامی

لازم است جوانب مختلف استفاده از این ابزار را تحلیل کنیم:

۱. اتصاف به «اسلامی بودن این ابزار»: وقتی می‌گوییم «اسناد خزانه اسلامی»، باید توجه داشته باشیم اسلام هیچ‌گونه توصیه‌ای به استفاده از تنزیل نفرموده و بلکه معصومان علیهم‌السلام ضوابطی برای آن ذکر فرموده‌اند. اسلام ربا را تحریم فرموده و بر اساس نظر مشهور تنزیل تحریم نشده است. بر اساس این مبنا تنزیل حرام نیست، نه اینکه در هر حال «خوب» باشد. برای این مهم باید سایر ضوابط مرتبط را در نظر بگیریم.

۲. تحلیل آثار اقتصادی: در وهله اول به نظر می‌رسد اسناد خزانه اسلامی بعد از انتشار، دیون دولت را منتقل می‌کند و در نتیجه بار مالی ندارد. این امر پایه پولی را افزایش نمی‌دهد و صرفاً جابه‌جایی منابع صورت می‌گیرد، اما تجربه نشان می‌دهد چون فکری اساسی برای هزینه‌های دولت نشده، دولت گویا وارد بازی پانزی شده است. قسمتی از وجوه حاصله از اوراق منتشره برای هزینه‌های جاری صرف می‌شود. میزان اخزا در بودجه سالیانه روندی افزایشی دارد و نسبت بدهی به GDP در حال افزایش است. این امر به معنای تزايد ناپایداری مالی در اقتصاد ایران بوده و حاکی از نگرانی بزرگی است. اگر تأمین مالی توسط اخزا و سایر اوراق سبب خلق ثروت شود و علاوه بر بازپرداخت، ارزش افزوده ایجاد کند، خوب است، وگرنه وضعیت اقتصادی بدتر خواهد شد. دولت‌های ما عمدتاً به درآمدهای نفتی عادت کرده‌اند و اصل بر لزوم بازپرداخت بدهی‌های حاصله از درآمد طرح‌ها نیست. حقیقت اینکه اداره قسمت قابل توجهی از اقتصاد با بدهی با توجه به سایر جوانب به مصلحت نیست.

مشکلات اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی

لازم است از تجربیات درس بگیریم. مجدداً برخی نتایج را مرور می‌کنیم:

۱. تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام برای اقتصاد ایران بسیار حیاتی است.
۲. عقد مشارکت ظرفیت زیادی برای احداث طرح‌های لازم جدید و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام دارد.
۳. تا آنجا که ممکن است باید از ظرفیت خود عقد استفاده شود؛ از این رو انتشار اوراق در درجه بعد قرار دارد. تجربه نشان داده به‌ویژه در شرایط فعلی که بورس‌بازی وجهه غالب در اقتصاد است، بسیاری از ابزارهای تأمین مالی سبب انحراف عقود مربوطه از کارکرد اصلی خود شده است. از مزایای ابزارهای مالی غافل نیستیم، اما پیامد یادشده هم واقعیتهایی غیرقابل انکار است. با این وجود به خاطر غلبه فضای ابزارسازی در زمان حاضر، در اینجا بر اساس طراحی اوراق مشارکت ادامه می‌دهیم.

۴. استفاده از اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی به‌عنوان ابزار سیاست پولی خطاست؛ زیرا کار مشارکتی با آن انجام نمی‌شود و غیر از اعمال سیاست پولی، نقش مثبتی در بخش واقعی اقتصاد ندارد.

۵. اسناد خزانه اسلامی دچار ملاحظات متعددی است:

الف) این اوراق مبتنی بر جواز تنزیل به شخص ثالث است؛

ب) مشهور فقهای شیعه تنزیل را جایز می‌دانند، اما قاطبۀ اهل سنت و همچنین غیرمشهور از امامیه و فقهای بزرگی مانند امام خمینی^ع تنزیل را جایز نمی‌دانند؛

ج) دو روایت با سند صحیح وارد شده که توجه به آنها لازم است. محمدبن فضیل می‌گوید:

به حضرت رضا^ع عرض کردم: مردی دینی که طلبکاری بر عهده بدهکاری داشته است را از وی خریداری نموده سپس نزد بدهکار آمده و به او گفته: من طلب فلانی را که به عهده توست از او خریده‌ام و باید آن را به من بپردازی، امام^ع فرمودند: همان مقداری را که مشتری به طلبکار پرداخته است به او می‌دهد و ذمه بدهکار بری می‌شود.

سند این روایت قابل تصحیح است (معصومی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰). روایت دیگری هم با همین مضمون وارد شده است. البته مشهور از این دو روایت اعراض کرده و دلایلی ذکر فرموده‌اند، اما این تأکید بر این مطلب است که با وجود این ملاحظات، محوریت تنزیل در مباحث مالی اسلامی جای تأمل دارد؛ به‌ویژه در مواردی که در اجرا ضوابط شرعی به‌طور کامل رعایت نمی‌شود. مجوزین با این همه اشکالات فقط فتوا به جواز داده‌اند، اما هیچ دلیلی بر سفارش به استفاده از آن وارد نشده است. دلیلی نداریم که استفاده از تنزیل را سبب تحقق اهداف اقتصاد اسلامی بدانند. در نظام مالی اسلامی رایج درصد بالایی از ابزارها بر اساس تنزیل طراحی شده است، در این صورت چگونه می‌توان چنین نظام مالی را برترین نظام مالی دانست؟

د) صحت تنزیل مشروط به شروطی است؛ از قبیل واقعی بودن دین که بسیاری اوقات در عمل رعایت نمی‌شود و در نتیجه مصداق ربای حرام تحقق پیدا می‌کند؛

ه) اگر در ازای طلب پیمانکاران داده شود، نباید مبلغ بدهی افزوده شود. این هم یکی از ملاحظات جدی است که بسیاری اوقات رعایت نمی‌شود. بسیاری اوقات طلب پیمانکاران حال است و در صورتی که به‌جای وجه نقد به آنها اوراق مدت‌دار داده می‌شود، مبلغ افزوده می‌شود که مصداق ربای جاهلی است؛

و) اسناد خزانه در شرایط حاضر مشکل دولت را برای تأمین کسری بودجه حل می‌کند، اما تأثیر چندانی در اتمام طرح‌های نیمه‌تمام و حل مشکل اقتصاد در بخش واقعی ندارد. با تداوم وضعیت فعلی بازار بدهی به‌صورت نادرست توسعه می‌یابد و فاصله بخش مالی از بخش واقعی روزبه‌روز بیشتر می‌شود. راهکار درست حل مشکل کسری بودجه دولت موضوع تحقیقی جداست، اما در اینجا به دنبال ارائه طریق برای تکمیل طرح‌ها هستیم.

امکان‌پذیری احیای اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی

اوراق مشارکت بانک مرکزی و اسناد خزانه اسلامی منتشر شدند، اما تأثیر بایسته در حل مشکل طرح‌های نیمه‌تمام نداشتند. در فرابورس از سال ۱۳۷۹ «تأمین سرمایه جمعی - تأمین مالی جمعی» (crowdfunding) طراحی شد. در سال ۱۳۹۹ دو طرح، در سال ۱۴۰۰ تعداد ۲۸ طرح، در سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۱۸ طرح و در سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۳۲ طرح (<https://B2n.ir/w24387>) از طریق «تأمین مالی جمعی» تأمین مالی شدند. به این

ترتیب این روش در حال گسترش است. صندوق پروژه نیز در بازار سرمایه طراحی شد. در این صندوق ابتدا در قالب یک شرکت سهامی خاص با نام شرکت پروژه فعالیت خود را آغاز می‌کنند؛ پس از تکمیل پروژه به صورت یک شرکت سهامی عام در بورس یا خارج از بورس ارائه می‌شود و فعالیت صندوق تمام می‌شود؛ در ادامه سرمایه‌گذاران به نسبت میزان سرمایه‌گذاری خود در سهام شرکت مربوطه شریک می‌شوند. این گونه روش‌ها به مراتب از دو نوع اوراق یادشده بهتر هستند؛ زیرا به منظور تأمین مالی طرح‌ها طراحی شده‌اند، اما لازم است به برخی مطالب توجه نماییم:

۱. لازم است در تأمین مالی جمعی و صندوق پروژه دقیقاً نوع قرارداد و انطباق آن با ضوابط فقهی مشخص شود. تحقیقات نشان داده که معمولاً ضوابط فقهی در این گونه موارد مشخص نمی‌شود؛ برای نمونه در «دستورالعمل تأمین مالی جمعی» مصوب شورای عالی بورس در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۵ این امر صورت نگرفته است. در عمل نیز در موارد زیادی ضوابط مسلم را رعایت نمی‌کنند. سکوها با وعده سود ثابت پول سرمایه‌گذاران را جمع‌آوری و به شرکت‌های متقاضی می‌دهند، که مصداق ربای محرم است. ممکن است گفته شود اگر وعده سود ثابت ندهند کسی در این طرح تأمین مالی جمعی شرکت نمی‌کند؛ در این صورت چگونه می‌توان در افراد انگیزه ایجاد کرد؟ در جواب می‌گوییم این شبهه معلول حاکمیت حقیقت نظام مالی ربوی می‌باشد. در نظام مالی ربوی دادن سود ثابت اصالت دارد. از آنجاکه شاکله اصلی نظام بانکی و بازار سرمایه ما تغییر نکرده، بسیاری از موارد عقود را به شکل صوری منعقد و در عمل عقود مشارکتی را نیز با دادن سود ثابت اجرا می‌کنند. همین امر هم باعث بدبینی مردم شده است. اگر در این زمینه تحول ایجاد کنیم، مشکل حل خواهد شد. بسیاری از مردم به دلیل التزام به موازین الهی اگر باور کنند نظام مالی به خاطر اجتناب از ربوی شدن و رعایت ضوابط عقود مشارکتی سود ثابت نمی‌دهد، انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری خواهند داشت. این دسته انطباق با شرع و در نتیجه «حلال بودن» برایشان از اولویت اول برخوردار است. در این صورت می‌توان با ایجاد تنوع تمام انگیزه‌ها را جلب نمود. متعبدان به شریعت بسیاری در صورت اطمینان وجهه زیادی برای انجام سرمایه‌گذاری در قالب عقود مشارکتی جمع‌آوری خواهد شد. ریشه بسیاری از مشکلات خروج از مدار احکام الهی است.

۲. در صندوق پروژه هم تأمین مالی فعالیت در قالب شرکت سهامی خاص آغاز و به شرکت سهامی عام منتهی می‌شود. به این ترتیب به نوعی ادامه روش‌های رایج خواهد بود. در مورد ساختار شرکت‌های سهامی عام هم ملاحظات شرعی متعددی وجود دارد و به همین خاطر باید ساختار صندوق با موازین فقهی سازگار باشد. لازم است هریک از سهامداران به اندازه آورده و سود مالکیت مشاع داشته باشند.

۳. در صورتی که ضوابط یادشده عمل شود، برای حل مشکل طرح‌های نیمه‌تمام کافی نیستند، بلکه لازم است برای این امر اقدامی در سطح ملی صورت گیرد.

بررسی ظرفیت مردمی‌سازی تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام

تنها راه حل مشکلات فعلی اقتصاد ایران استفاده از ظرفیت مردم است. تحقق یک اقتصاد مردمی که در آن سازوکارهای پایین به بالا، سامان‌دهی امر جمعی را به بهترین شکل ممکن به دنبال داشته باشد؛ از جمله مؤلفه‌های اقتصادی است که مبتنی بر اصول اسلامی عمل می‌کند. حضور مردم در همه شئون اقتصاد به گونه‌ای که مواهب زحمات آنها نصیب خودشان شود، یکی از نقاط اصلی افتراق اقتصاد اسلامی و اقتصاد لیبرالی است. یکی از وظایف مهم نظام اسلامی فراهم نمودن زمینه تحقق همین امر است. به بیان دیگر، دولت اسلامی باید سرمایه اجتماعی (سرمایه نهفته در بطن روابط و تعاملات اجتماعی موجود در یک جامعه) را کشف کرده و مورد استفاده قرار دهد. در این صورت هم اقتصاد رونق پیدا می‌کند و هم عدالت اجرا خواهد شد. البته همکاری مردم در تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام مستلزم ترمیم اعتماد مردم به دولت است. بانک مرکزی و دولت بیشتر به دنبال حل مشکل خود بوده‌اند تا اقتصاد و راه علاج این است که محور سیاست‌ها، مشارکت دادن مردم و استفاده از ظرفیت عقود برای تحقق این امر قرار گیرد. نمونه بارز این امر موضوع مقاله یعنی طرح‌های نیمه‌تمام است. اگر یک بسیج عمومی مردمی در این رابطه صورت گیرد، عوارض مثبت فراوانی برای اقتصاد دارد. با خلق ثروت بیکاری کاهش و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، درآمد مالیاتی دولت افزایش می‌یابد، با هدایت نقدینگی در جهت تولید و هم‌زمان با محور نقدینگی ایجاد شده توسط بانک‌های خصوصی و حتی قسمتی از تسهیلات بانک‌های دولتی نتیجه سیاست انقباضی پولی عائد می‌شود. در مورد هدایت نقدینگی دو مقوله مطرح است: هدایت اعتبار و هدایت نقدینگی، که باید تفاوت بین آنها را در نظر داشته باشیم. هنگامی که نظام بانکی به یک تولیدکننده تسهیلات اعطا می‌کند، از یک طرف گیرنده تسهیلات با این پول خلق شده بدهکار می‌شود؛ و از سوی دیگر تولید می‌کند. وقتی او محصول خود را فروخت بدهی خود را بازپرداخت می‌کند و در نتیجه پول خلق شده محو می‌شود. در این صورت «هدایت اعتبار به سمت تولید» صورت گرفته است. از سوی دیگر، مردم در برابر فعالیت و فروش دارایی و مانند آن مالک وجوه فراوانی هستند که آنها را عمدتاً در بانک‌ها سپرده‌گذاری کرده‌اند. در ساختار مالی موجود می‌توان با سیاست‌ها و هدایت‌هایی آنها را به سمت انتقال وجوه به صندوق‌ها و نهادهایی که به تولید و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام کمک می‌کنند سوق داد. به این امر «هدایت نقدینگی» می‌گوییم. البته اگر در نظام مالی تحول اساسی صورت گیرد مشکل به صورت بنیادی‌تر حل خواهد شد. با این بیان می‌توان هدایت اعتبار و تکمیل نقدینگی را مکمل هم دانست، اما تأکید مقاله بیشتر بر هدایت نقدینگی است. در اینجا اجمالی از پیشنهاد مدل تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام مطرح می‌شود و تفصیل مدل در مقاله‌ای دیگر عرضه خواهد شد.

مدل پیشنهادی تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام

برای تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام می‌توان از ظرفیت مردم استفاده کرد. برای تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام، بهترین روش با توجه به ماهیت طرح‌های نیمه‌تمام، عقد شرکت است. در متن قرارداد باید این نکته لحاظ شود که

سرمایه‌گذاران در سود و زیان شریک هستند و این امر بعد از انجام فعالیت مشخص می‌شود. طبیعی است این امر همراه با ریسک است، اما فراوانند کسانی که اگر از مشروعیت آن اطمینان پیدا کنند، حاضرند بر اساس این عقد سرمایه‌گذاری کنند. در مورد اخزا هم می‌توان برای حل مشکل بدهی‌های طرح‌ها استفاده نمود. بسیاری طرح‌ها دچار بدهی قبلی هستند و یا مصالح و لوازم مورد نیاز خود را در قالب نسبه تهیه و مدیون می‌شوند. اگر محور اصلی عقد شرکت باشد و طرح به سودآوری برسد، می‌تواند بدهی‌های تنزیل‌شده را به راحتی پرداخت کند.

استفاده از ظرفیت مردم برای تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام مستلزم تهیه گزارش کاملی از تمامی طرح‌های نیمه‌کاره توسط سازمان برنامه و طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آنها از نظر ضرورت، صرفه اقتصادی و امکان واگذاری به بخش مردمی و یا لزوم اتمام با مشارکت دولت و مردم است. در این راستا لازم است طرح‌هایی که صرفه اقتصادی دارند از سایر طرح‌ها تفکیک و توجیه اقتصادی طرح‌ها درست انجام شده باشد. لازم است طرح‌های دارای توجیه مشخص شده و اطلاعات آنها به صورت شفاف برای عموم منتشر شود. محور بیشتر تعالیم اقتصادی اسلام صداقت و امانت‌داری است. لازم است بیشترین تلاش برای اثبات صداقت در ارائه گزارشات صورت گیرد. حاکمیت اخلاق محوری‌ترین عنصر در اقتصاد و نظام مالی اسلامی است. متأسفانه بیشترین آسیب را از این ناحیه دیده‌ایم و این امر نوعی بدبینی را در بسیاری از مردم ایجاد کرده است. یقین داشته باشیم با حاکمیت حداکثری صداقت و درستی در مقام ثبوت و اثبات موفقیت‌های بزرگی به‌دست خواهیم آورد که در شرایط معمولی باور آن سخت است. وقتی بانک مرکزی اوراق مشارکت منتشر می‌کند، ولی بعد از چند مرحله انتشار معلوم می‌شود خبری از مشارکت با موازین شرعی آن نیست، مردم اعتماد خود را از دست می‌دهند.

برای تقویت مشارکت مردم در تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام انجام اقدامات ذیل ضروری است:

۱. ایجاد سامانه الکترونیک طرح‌های نیمه‌کاره: لازم است این سامانه در معرض افکار عموم قرار داده شود و از آن نظرخواهی شود. چه‌بسا راهکارهایی از جانب برخی مردم ارائه شود که طرح‌های غیراقتصادی را اقتصادی نماید.
۲. تقویت اعتماد عمومی: مهم‌ترین مسئله تقویت اعتماد مردم است. اگر مردم مطمئن باشند وجوه آنان برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام به کار می‌رود، حتماً سطح مشارکت بالا خواهد بود. ممکن است سؤال شود «این اطمینان را چگونه ایجاد می‌کنید؟» می‌توان راهکارهایی ارائه داد که هم سبب عملیاتی شدن است و هم موجب جلب اعتماد حداکثری می‌شود.

۳. ایجاد حلقه مرکزی فعالان جهادی: در مورد طرح‌های منطقه‌ای در هر استان یک حلقه مرکزی از فعالان جهادی تشکیل شود. مقصود کسانی هستند که از چند دهه گذشته تاکنون طرح‌های مفیدی را اجرا کرده‌اند. شاخص‌های مشخصی مبنای انتخاب خواهند بود. هرکدام از این حلقه‌ها، زیرمجموعه‌های متعددی در مناطق هر استان تشکیل خواهند داد. فعالان داوطلب مساجد و اعضای داوطلب بسیج با محوریت ائمه جماعات جزء حلقات

یادشده خواهند بود. روشن است اهالی هر منطقه آگاهی بیشتری نسبت به آن منطقه دارند. طرح‌های هر منطقه به کمیته همان منطقه ارجاع می‌شود. امامان جمعه و جماعت در چنین کمیته‌هایی بیشترین نقش را در اعتمادسازی دارند. آنها با استفاده از اطلاعاتی که در سامانه الکترونیک آمده مردم را توجیه نموده، مسائل شرعی مربوط به هر مورد را تشریح و از آنها برای مشارکت دعوت خواهند نمود. البته ابتدا باید اعتماد خود آنها توسط مسئولان مربوطه و با دادن تضمین‌ها جلب شود و مسائل فقهی مربوطه تبیین شود. در این صورت است که می‌توانند با ایجاد فضای جهادی قسمت عمده مشکل طرح‌های نیمه‌تمام را حل نمایند. لازم است مراحل اجرا و تکمیل، نحوه مشارکت، تقسیم سود و سایر مسائل به صورت واضح مشخص و اعلام شود. اگر آگاهی مردم در این زمینه زیاد شود، حتماً در سطح وسیع مشارکت خواهند کرد. در این زمینه تجربیات موفقی در داخل کشور و همچنین در سایر کشورها وجود دارد که می‌توان برای مردم تشریح نمود. همچنین دولت باید مقررات اضافی را حذف و مقررات تسهیل‌کننده‌ای را وضع نماید.

۷. ایجاد سیستم نظارتی: لازم است سیستم نظارتی از معتمدان برای جلوگیری از بروز فساد ایجاد شود.

مدل پیشنهادی تأمین مالی طرح‌های نیمه‌کاره توسط کارمندان دولت

در اینجا یک مدل محدود به عنوان پیشنهاد نمونه مطرح می‌شود. لازم است در سایر بخش‌ها و با استفاده از ظرفیت مساجد، پایگاه‌های بسیج و... نیز ده‌ها مورد را طراحی نموده و پس از اجرا با ارزیابی مستمر آنها را تصحیح و تکمیل نماییم. لازم است با طبقه‌بندی طرح‌های ناتمام، تنها مواردی که لازم است و صرفه اقتصادی ندارد به عهده دولت گذاشته شود و در مواردی که مقرون به صرفه است، با شفاف‌سازی و جلب اعتماد مردم می‌توان منابع مالی فراوانی برای تکمیل این طرح‌ها از آنها فراهم نمود؛ علاوه بر منابع مالی می‌توان از مشارکت عملی مردم نیز بهره برد. می‌توان یقین داشت با این روش مشکل طرح‌های نیمه‌تمام حل می‌شود. یقین داشته باشیم برای اتمام طرح‌های نیمه‌تمام و بلکه عمده مشکلات اقتصادی راهی جز استفاده از ظرفیت بی‌انتهای مردم نیست. بقیه راه‌ها بیراهه است. در صورتی که حقوق هر معلم ۱۰ میلیون تومان باشد و تعداد کل معلمان را حدود یک میلیون نفر در نظر بگیریم، دولت ماهانه ۱۰ هزار میلیارد تومان فقط به فرهنگیان حقوق پرداخت می‌کند.

در صورتی که کارمندان دولت با رضایت بخشی از حقوق و دستمزد خود را در طرح‌های نیمه‌تمام سرمایه‌گذاری نمایند، علاوه بر اینکه خود صاحب دارایی ارزشمندی شده‌اند و می‌توانند در آینده‌ای نزدیک آن را با ارزش بیشتر به فروش برسانند، به تکمیل تعداد زیادی از طرح‌های نیمه‌تمام نیز کمک کرده‌اند. در همان مثال اگر بر اساس معیارهای مذکور، طرح‌هایی انتخاب و معرفی شود و معلمان محترم فقط ماهانه ۱۰۰ هزار تومان از حقوق خود را برای تکمیل آنها اختصاص دهند، در عرض یک سال ۱۲۰۰ میلیارد تومان جمع‌آوری می‌شود که با آن می‌توان طرح‌ها را تکمیل کرد. گذشت که موفقیت این ایده به دو رکن مدل اجرایی منتظم و کارا و اعتمادسازی در سرمایه‌گذاران بستگی دارد. در صورتی که این دو رکن هم‌زمان وجود نداشته باشند یا طرح آغاز نخواهد شد یا پس از آغاز در مدت کوتاهی شکست می‌خورد.

برای موفقیت چنین طرحی لازم است امور زیادی مد نظر باشد، که به برخی از موارد اشاره می‌شود:

۱. تعیین میزان واقعی پیشرفت طرح: لازم است ارزش تاکنون طرح مشخص شود. در صورتی که پیمانکار طرح طلبکار است، باید میزان مطالباتش مشخص شود و در صورتی که مطالبات ایشان از طریق شرکت سرمایه‌گذاری کارمندان پرداخت می‌شود، سهم دولت به همان میزان کاهش و سهم شرکت سرمایه‌گذاری از شرکت مالک طرح افزایش یابد؛ همچنین در صورتی که دولت بخواهد می‌تواند در قالب مشارکت کاهنده و به تدریج سهم خود را به شرکت سرمایه‌گذاری واگذار نماید.

۲. تعیین پیمانکار طرح: کمیته یادشده برای اجرایی نمودن تصمیمات شرکت سرمایه‌گذار، باید درخصوص همکاری با پیمانکار طرح یا به‌کارگیری پیمانکار جدید تعیین تکلیف نماید.

۳. تعیین زمان میسر شدن معامله سهام شرکت سرمایه‌گذاری در بازار ثانویه: این مدت زمان باید به‌نحوی انتخاب شود که هم طرح پس از تغییر شرایط مقداری پیشرفت کرده و سهام باارزش شده باشد و هم آن قدر طولانی نباشد که نقدشوندگی آن پایین به نظر برسد. بر این مطلب تأکید می‌شود که مراد از سهام در اینجا سهام رایج در شرکت‌های سهامی نیست، بلکه سهم مشاع در طرح تکمیل‌شده مراد است. در مورد ماهیت سهام شرکت‌های سهامی اما و اگرهای زیادی وجود دارد.

۴. تغییر وضعیت طرح از غیرانتفاعی به انتفاعی: در صورتی که طرح نیمه‌تمام جزو برنامه‌های عام‌المنفعه دولت باشد، باید در هنگام قرارداد با دولت وضعیت آن مشخص شود؛ زیرا سرمایه‌گذاری در طرح‌های عام‌المنفعه از طرف صندوق توجیه اقتصادی ندارد.

۵. اعتقاد راسخ داریم چنین مدلی نیاز به یک نهاد مالی کاملاً جداگانه‌ای دارد. این نهاد باید بر اساس ضوابط شرعی و عاری از حیل‌های ربا و توجیهات مشکل‌دار که بلای بزرگ نظام مالی رایج است، باشد. این مدل در قالب نظام پولی و مالی رایج قابل اجرا نیست. روشن است که در برابر این امر مقاومت‌های جدی صورت خواهد گرفت که اگر کل حاکمیت اراده کنند قابل حل خواهد بود.

۶. انتخاب طرح‌هایی که فقط مشکل تأمین مالی دارند: صندوق طرح‌هایی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کند که فقط مشکل تأمین مالی دارند و در صورتی که طرح غیر از این مشکل، با مسائلی همچون عدم توجیه اقتصادی، تعارض با قوانین و مقررات کشور و تعارض منافع با سازمان‌هایی همچون سازمان محیط زیست مواجه باشد، انتخاب نمی‌شود. سایر مشکلات باید توسط مسئولان مربوطه و پیش از این مرحله حل شود.

بررسی اقتصادی مدل پیشنهادی

الگوی تأمین مالی مردمی طرح‌های نیمه‌تمام دارای مزایای فراوانی است؛ از جمله این مزایا به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱. مردم همواره بخشی از درآمد خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند، که این سرمایه‌گذاری در ایران معمولاً صرف خرید کالاهای سرمایه‌های راکد همچون طلا، مسکن، زمین و خودرو می‌شود، که علاوه بر غیرمولد بودن باعث گرانی این کالاها می‌شود.

۲. کاهش طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام باعث بهبود نگاه مردم به حاکمیت خواهد شد؛ زیرا تکمیل روزافزون این طرح‌ها نشان‌دهنده کارایی دولت می‌باشد.

۳. با توجه به معضل بنگاه‌های دولتی و مشکلات و پیامدهای خصوصی‌سازی آنها، با استفاده از این مدل بنگاه جدید دولتی ایجاد نمی‌شود و با آنکه دولت کلنگ ایجاد یک بنگاه را بر زمین زده، اما در حین ساخت این بنگاه به مردم واگذار می‌شود.

ارزیابی مزایای تأمین مالی مردمی طرح‌های نیمه‌تمام به‌خصوص با استفاده از مشارکت کارمندان دولت از منظر اقتصاد خرد و کلان قابل بررسی است:

الف) بررسی مدل از منظر اقتصاد خرد: با فرض کارکرد صحیح مدل و اقبال کارمندان به این نوع تأمین مالی، سهامی که کارمندان با اختصاص بخش ناچیزی از حقوق خود مالک آن شده‌اند، با توجه به نزدیک شدن به زمان تکمیل پروژه هر روز ارزشمندتر شده و پس از مدت کوتاهی می‌توانند سهام خود را در بازار سرمایه به فروش برسانند و اصل و سود سرمایه‌گذاری خود را دریافت نمایند. در صورتی که استقبال کارمندان دولت از این مدل بیشتر شود، نقدشوندگی این سهام‌ها نیز بیشتر شده و با افزایش ورود سرمایه‌ها به این بازار شاهد کاهش تأخیر پروژه‌ها و افزایش سود صاحبان سهام در بازه زمانی کوتاه‌تر خواهیم بود؛

ب) بررسی مدل از منظر اقتصاد کلان: ورود سرمایه‌ها به بخش تولید و رونق گرفتن تولید داخلی از یک‌سو و افزایش درآمد کارمندان و افزایش هزینه‌های آنها در بخش‌های مختلف از سوی دیگر، باعث افزایش مؤلفه‌های تابع درآمد ملی؛ از جمله درآمد شاغلان در شرکت‌های حاصل از طرح‌های نیمه‌تمام، افزایش درآمد کارمندان در نتیجه افزایش ارزش سهام و افزایش درآمد دولت در نتیجه به ثمر نشستن طرح‌ها و افزایش ارزش بخشی از سهام شرکت محصول طرح که متعلق به دولت است، خواهد شد، و از این نظر روی رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. اگر بازار ثانویه سهام به‌صورت رقابت سالم باشد، ارزش افزوده سهام واقعی خواهد بود، اما اگر این مدل در تعداد محدودی طرح اجرا شود، سهام آن به علت محدودیت عرضه ممکن است در بازار ثانویه با سفته‌بازی دارای ارزش افزوده غیرواقعی شود و نرخ بازدهی غیرواقعی ارائه دهد.

مدل ارائه‌شده برای تأمین مالی با استفاده از بخشی از حقوق کارمندان با توجه به ساختار درون‌زای خود موجب تورم نشده و باعث انتقال منابع بودجه جاری به بودجه عمرانی و سهامدار شدن کارمندان در پروژه‌های نیمه‌تمام می‌شود.

نتیجه گیری

تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام یکی از مشکلات پیش روی دولت‌ها بوده است. کمبود بودجه‌های عمرانی باعث افزایش تعداد این طرح‌ها و طولانی شدن روند اجرای آنها شده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به ارزیابی دو روش عمده تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام؛ ازجمله انتشار اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی، پرداختیم. بر اساس یافته‌های پژوهش، هر دو مدل مورد استفاده با مشکلات شرعی مواجه‌اند؛ علاوه بر اینکه در عمل از کارآمدی لازم برخوردار نیستند. اوراق مشارکت منتشرشده از سوی بانک مرکزی برای تأمین مالی طرح‌های اقتصادی بدین خاطر که برای اعمال سیاست پولی منتشر می‌شوند؛ علاوه بر ربوی بودن قادر به تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام را ندارند؛ زیرا لازمه اعمال سیاست پولی انقباضی این است که وجوه جمع‌آوری‌شده حبس شده و مجدداً به اقتصاد تزریق نشود، و این امر با ماهیت عقد شرکت ناسازگار است و آن را ربوی می‌کند.

اوراق خزانه اسلامی منتشرشده توسط دولت نیز از مشکلات فقهی و کارکردی رنج می‌برند. گرچه دولت از اوراق اخزا برای پرداخت بدهی به پیمانکاران بابت طرح‌های اجراشده استفاده می‌کند، اما ضوابط شرعی تنزیل در آن رعایت نمی‌شود. عدول از اقتضائات عقد مشارکت و تنزیل در این اوراق علاوه بر ایجاد مشکلات فقهی، کارکرد آنها را هم در تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام مختل کرده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش تأمین مالی طرح‌های نیمه‌تمام تنها در موارد ضروری که صرفه اقتصادی ندارد، باید به عهده دولت گذاشته شود و در موارد مقرون به صرفه از مشارکت عموم مردم در تأمین منابع مالی مورد نیاز استفاده شود. بر اساس مدل پیشنهادی در مقاله، طرح‌های نیمه‌تمام را می‌توان از طریق مشارکت مردم تأمین مالی کرد.

منابع

- اثنی‌عشری امیری، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۹۸). اثر حجم نقدینگی بر رشد اقتصادی در ایران. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۳۴-۱۵، (۳۵)۹.
- بت‌شکن، محمدهاشم و رحیمی الماسی، فرشته (۱۳۹۸). درآمدی بر قوانین و مقررات تأمین مالی در طرح‌های زیرساختی حمل و نقل جاده‌ای از طریق بازار سرمایه ایران. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲۸-۱، (۱)۷.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲). *تحریرالوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- توکلی، احمد (۱۳۸۶). با طرح‌های ناتمام عمرانی چه کنیم؟. *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ۷(۲۶)، ۱۵-۴۲.
- حاجی علیخانی، محمدرضا و صبیحیه، محمدحسین (۱۳۹۴). علت‌ها و راه‌حل‌های رفع مشکل انبوه طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی. در: *یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت پروژه*. تهران.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
- حلاج نیشابوری، شهرام و معماریان، محمدحسین (۱۳۹۷). *واگذاری طرح‌های عمرانی: وضع موجود، موانع و راهکارها*. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۰۳). *توضیح المسائل*. مشهد: دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی.
- عبادی، روح‌الله (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای مؤثر بر کارکرد اوراق مشارکت دولتی و بانک مرکزی با رویکرد سیاست‌گذاری. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۲۰)، ۱۰۸۸۷-۱.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۴). *استفتائات*. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- فیاضی، محمدتقی و نظریور، محمدنقی (۱۳۹۴). استفاده از اسناد خزانه اسلامی برای تأمین مالی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۴(۱۳)، ۱۰۸۸۳-۱.
- کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی (۱۴۰۱). تحلیل فقهی خلق پول بانک خصوصی از منظر عدالت و ظلم. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۹(۳۸)، ۱۴۳-۱۶۷.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷). *واگذاری طرح‌های عمرانی: وضع موجود، موانع و راهکارها*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). *بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۷). *ابزارهای مشتقه*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، سیدعباس و کریمی، سعید (۱۳۹۴). اسناد خزانه اسلامی. معرفت، ۲۴(۲۱۳)، ۴۵.
- موسویان، سیدعباس و الهی، مهدی (۱۳۸۹). امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۳۸، ۱۱۸-۸۹.
- موسویان، سیدعباس و سروش، ابوذر (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فقهی، اقتصادی و مالی انتشار اوراق مشارکت در ایران. *بورس اوراق بهادار*، ۱۴(۱۴)، ۲۹-۶۰.
- میرمحمدی، محمد و عباسی، منصوره (۱۳۸۸). *چالش‌ها و الزامات خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- نظریور، محمدنقی (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی ج.ا.ایران. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۲۲، ۱۳۱-۱۵۳.

وزارت صمت (۱۴۰۰). گزارش طرح‌های در دست اجرا.

یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۰). *العروة الوثقی*. قم: مکتبه وجدانی.

سایت مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله بهجت. در: <https://bahjat.ir/fa/ahkam-categories/18348/4083>.

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92963>.

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>.

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99701>.

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99701>.

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99701>.

<https://B2n.ir/g31443>.

<https://B2n.ir/p89265>.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1648260>.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1742795>.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1775245>.

Crowdfunding.

<https://B2n.ir/w24387> <https://isna.ir/xdLnQy>.

<https://B2n.ir/d40035>.

<https://vista.ir/m/a/t16gh>.



Pathology of the Role of Companies in the Arbāeen Ritual; Application of the Fuzzy Delphi Method

✉ **Amir Hosseini**  / PhD Student in Islamic Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadeq (pbuh) University, Tehran, Iran amir.hosseini@isu.ac.ir

Mohammad Soleimani / Assistant Professor, Islamic Economics Department, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadeq (pbuh) University, Tehran, Iran solimani@isu.ac.ir

Received: 2024/12/03 - **Accepted:** 2025/02/18

Abstract

In recent years, with the increasing presence of Imam Hussein (pbuh) pilgrims from Iran in the Arbāeen event, public and private companies have also played a role in this great Shiite event. These companies have been effective in holding this event more magnificently by directly participating in the transportation routes through the provision of services and distribution of food, etc., or by allocating part of their social responsibility budget to the delegations and processions present on the route; of course, this presence has been accompanied by some issues and challenges that have brought criticism. The aim of this study is to investigate the role and position of companies in the Arbāeen event (both in the field of service provision and in the field of fund allocation). In this article, using the fuzzy Delphi method and through interviews with experts in this field, the damages caused by the activities of companies in the Arbāeen event have been counted and ranked. The results indicate that among the damages, three damages are more important and influential: the absence of a coordinating factor between companies due to the lack of a superior document and institutional division of labor; the lack of definition of the mechanism for separating tasks between companies; and the ambiguity in the mechanism for allocating social responsibility budgets to committees, charitable institutions, and NGOs.

Keywords: Arbāeen, pathology, pilgrimage, financing, infrastructure.

JEL classification: G34, L31.

آسیب‌شناسی نقش شرکت‌ها در آیین اربعین؛ کاربست روش دلفی فازی

✉ امیر حسینی / ID / دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

amir.hosseini@isu.ac.ir

محمد سلیمانی / استادیار گروه اقتصاد اسلامی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

solimani@isu.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

چکیده

در سال‌های اخیر با گسترش حضور زائران امام حسین(ع) از ایران در رویداد اربعین، شرکت‌های دولتی و خصوصی نیز در این رویداد بزرگ شیعی ایفای نقش کرده‌اند. این شرکت‌ها با حضور مستقیم در مسیرهای مواصلاتی از طریق ارائه خدمات و توزیع مواد غذایی و... یا با تخصیص بخشی از بودجه مسئولیت اجتماعی خود به هیئت و موب‌های حاضر در مسیر، در برگزاری پرشکوه‌تر این رویداد مؤثر بوده‌اند؛ البته این حضور توأم با برخی مسائل و چالش‌ها بوده که انتقاداتی را به همراه داشته است. هدف این پژوهش بررسی نقش و جایگاه شرکت‌ها در رویداد اربعین (هم در حوزه ارائه خدمات و هم در حوزه تخصیص وجوه) می‌باشد. در این مقاله با استفاده از روش دلفی فازی و از طریق مصاحبه با ۱۳ نفر از خبرگان این حوزه، آسیب‌های ناشی از فعالیت شرکت‌ها در رویداد اربعین احصا و رتبه‌بندی شده است. نتایج حاکی از آن است که از میان آسیب‌ها، سه آسیب عدم وجود عامل هماهنگ‌کننده بین شرکت‌ها به سبب فقدان سند بالادستی و تقسیم کار نهادی، عدم تعریف سازوکار تفکیک وظایف بین شرکت‌ها و ابهام در مکانیسم تخصیص بودجه مسئولیت اجتماعی به هیئت‌ها، نهادهای خیریه و NGOها از اهمیت و تأثیر بیشتری برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: اربعین، آسیب‌شناسی، زیارت، تأمین مالی، زیرساخت‌ها.

طبقه‌بندی JEL: G34، L31.

مقدمه

در حال حاضر، نهادهای مختلفی در آیین اربعین مشارکت دارند و بنا به توان مالی خود و کمک‌های مردمی، نسبت به ارائه خدمات به زائران اربعین اقدام می‌کنند. این اقدامات از مشارکت‌های خرد گرفته تا احداث موبک‌های بزرگ و ارائه خدمات مختلف در موبک مخصوص به خود را شامل می‌شود. خود این مراکز تأمین مالی نیز طیف وسیعی را شامل می‌گردد؛ از برخی نهادهای خیریه و آستان‌های مقدسه تا دولت و شرکت‌های بزرگ. عموم این خدمات، مورد استقبال مردم قرار گرفته است. اگرچه خدمات این نهادها نکات مثبت و ابعاد حسنه فراوانی دارد؛ اما توجه به این ابعاد مثبت، ما را از آسیب‌شناسی فعالیت آنها در اربعین بی‌نیاز نمی‌سازد؛ زیرا هر فعالیت حسنه‌ای پس از گذر زمان می‌تواند دستخوش انحرافات ریز و درشتی گردد و تا حدی انسان را از رسیدن به هدف اصلی بازدارد. لذا از منظر لزوم بهبود بخشیدن به خدمت‌رسانی به زائران آیین اربعین و از منظر لزوم مصون‌سازی فعالیت‌های خیریه از انحرافات گوناگون، آسیب‌شناسی تأمین مالی آیین اربعین ضرورتی فراوان می‌یابد.

با توجه به اینکه در پژوهش‌های موجود، آسیب‌شناسی دقیقی درباره ابعاد اقتصادی اربعین نشده و این آسیب‌ها اولویت‌بندی و رتبه‌بندی نشده‌اند، این پژوهش درصدد پر کردن این خلأ می‌باشد هدف این پژوهش بررسی این سؤال است که خدماتی که در اربعین از سوی شرکت‌ها ارائه می‌شود آیا در کارترین وجه ممکن ارائه شده یا خیر؟ چه آسیب‌ها و ضعف‌هایی در این خدمات‌دهی وجود داشته است؟ و اهمیت هر کدام از این آسیب‌ها چقدر است و به کدام‌یک باید بیشتر پرداخته شود؟

پیشینه پژوهش

آیین اربعین

عمده تحقیقاتی که در زمینه آیین اربعین انجام شده است، مربوط به مباحث فرهنگی و ابعاد اجتماعی یا رسانه‌ای این پدیده است؛ به عنوان مثال مریجی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن» (۱۴۰۱)، بیان می‌کند که: «زیارت اربعین به عنوان یک واقعه تاریخی و یک عنوان کنش معطوف به هدف الهی، بن‌مایه فکری جامعه‌شناسی سکولار را به چالش کشیده است. رفتار اربعینی زائران اباعبدالله علیه السلام باطل‌کننده نظریات مبتنی بر سکولاریسم است».

متقی و ملاحسینی اردکانی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جایگاه و نقش اربعین در ارتقای پرستیژ ژئوپلیتیکی تشیع» (۱۳۹۹)، بیان کرده‌اند که:

اربعین به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ژئوکالچر شیعه محسوب می‌شود. به این نحو که راهپیمایی اربعین یکی از نمادهای بارز تحرک شیعه از جغرافیای سخت سرزمینی به جغرافیای نرم باورهای شیعیان و پیوند این دو مهم است، این ترجمان قدرت ژئوکالچر شیعه است. این موضوع نشان می‌دهد ظرفیت بازیگری در جهان تشیع فراتر از مرزها به حوزه‌های فراسرزمینی نیز تسری می‌یابد و برای رسیدن به موضوعات گفتمان فاصله زیادی وجود ندارد. شیعیان از بازیگران متفرق جداشده با مرزهای دولت - ملت در حال تبدیل شدن به یک واحد فرهنگی مستقل با وزن ژئوپلیتیکی قابل توجه هستند.

پرویش (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی ظرفیت‌های تمدن‌سازی در جهان اسلام با تکیه بر پیاده‌روی اربعین» بیان می‌دارد که:

رویداد اربعین قابلیت‌هایی متعالی در جامعه‌سازی اسلامی دارد؛ زیرا در این رویداد پرجمعیت، نژاد اهمیت ندارد، بلکه توجه به شعائر اسلامی دارای اهمیت است. رویداد اربعین حماسه‌ای جهانی است که از قابلیت‌هایش می‌توان برای انتقال پیام اتحاد، عدالت‌طلبی و مبارزه با بیداد بهره‌برداری کرد. این رویداد در حال تبدیل شدن به یک ابرپدیده اجتماعی سیاسی در امت اسلامی و جهان است.

غفاری هاشجین و آقایی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی» برای بررسی این فرضیه که پیاده‌روی اربعین به مثابه جنبش اجتماعی است از نظریه چارلز تیلی به عنوان چارچوب نظری استفاده کرده و به این نتیجه رسیدند که:

این آیین هر سه عنصر تداوم ستادها، استفاده از طیفی از تظاهرات عمومی، و اظهار عمومی چهار عنصر ارزشمندی، اتحاد، تعداد و تعهد را که عناصر اصلی یک جنبش اجتماعی است در خود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر که در یک سیر آکادمیک عناصر و مؤلفه‌های آیین پیاده‌روی اربعین را با شاخص‌های جنبش اجتماعی و با هدف تقویت این فرضیه که پیاده‌روی اربعین یک جنبش اجتماعی است مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه دست یافت که پیاده‌روی اربعین یک جنبش اجتماعی فراگیر با تمامی مؤلفه‌های آن است.

رضانی تمیجانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین» بیان می‌دارد که:

عرصه نقش‌آفرینی در رویداد اربعین چنان‌که بورديو در نظریه‌اش از میدان مغناطیسی فیزیک بهره برده، مانند اثر میدان مغناطیسی بر ذرات، بر زائران نیرو وارد می‌کند. جهان ذهنی زائر اربعین از سویی برآمده از نگاهی متکی بر وحی، فارغ از واقعیات زندگی روزمره است: آموزه‌های توسل، برکت، امداد غیب و توفیق، ریشه در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام دارد. ایضاً مستضعف‌محوری، عاطفه‌محوری، تمایزگذاری و قدسی‌سازی نگرش‌هایی متکی بر درکی از حقیقت دنیاست که آن هم از قرآن و احادیث اقتباس شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌گردد عمده مقالات فارسی راجع به پیاده‌روی اربعین، ابعاد تمدنی، فرهنگی، دینی، رسانه‌ای و گردشگری آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و هیچ مقاله‌ای در زمینه ابعاد اقتصادی این پدیده یافت نشد.

در مقالات خارجی نیز مقالاتی هرچند اندک در زمینه پیاده‌روی اربعین نگاشته شده است؛ به عنوان مثال مقاله‌ای تحت عنوان «یک مطالعه پدیدارشناختی از پیاده‌روی اربعین در عراق» که در سال ۲۰۱۸ توسط ام‌سلمه مجتبی حسین نگاشته شده است، معتقد است که: «انگیزه‌های پیاده‌روی اربعین توسط آیین‌های دائمی - که توسط جامعه شیعه برگزار می‌شود - و نگرانی درباره جامعه (امت)، ایجاد می‌شود. عنصر "امت" به عنوان یک انگیزه کلیدی برای کسانی که پیاده‌روی اربعین را هر ساله تکرار می‌کنند، نقش ایفا می‌کند»؛ همچنین مقاله‌ای با عنوان «گرم‌زدگی در طول پیاده‌روی اربعین» در سال ۲۰۲۲ به قلم چوی و الطاهر به بررسی برخی ابعاد پزشکی پیاده‌روی اربعین پرداخته و بیان می‌دارد که:

در این مقاله بر اساس شبیه‌سازی‌های انجام‌شده با استفاده از مدل‌های آب و هوایی منتخب، ما این طرح را نشان می‌دهیم که استرس گرما در حین زیارت احتمالاً به سطح «خطرناک» - که مطابق معیارهای سرویس ملی آب و هوای ایالات متحده تا پایان این قرن تعریف شده - می‌رسد. علاوه بر این، افزایش قابل توجه بروز متوالی روزهای گرم و شب‌های گرم طی دهه‌های آینده پیش‌بینی می‌شود، که ممکن است باعث بروز بالای اختلالات ناشی از گرما شود؛ زیرا بدن انسان ممکن است توان گرمای روز را نداشته باشد. مطالعه ما نشان می‌دهد که باید اقدامات سازگار و دقیقی برای اطمینان از زیارت ایمن در آینده انجام شود.

اما باز هم مقاله‌ای در رابطه با تأمین مالی آیین اربعین نگاشته نشده است.

آسیب‌شناسی اربعین

رستگار (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «آسیب‌شناسی پیاده‌روی اربعین و رهیافت‌های تقویت آن»، معتقد است: مسائلی که رویداد اربعین را تهدید می‌کنند عبارت‌اند از: تعارضات فرهنگی، رقابت مواکب ایرانی، تضعیف مدل سنتی اربعین عراقی، آسیب‌های اجتماعی، عرفی شدن، تپذیر و اسراف، آلودگی‌های زیست‌محیطی، کم‌اعتنایی به واجبات، فرقه‌های انحرافی، دولتی شدن اربعین و شکاف سنی شیعی است.

تاج‌بخش (۱۴۰۱) نیز در بررسی خود به روش مشاهده و مصاحبه با عنوان «آسیب‌های پیاده‌روی اربعین حسینی: بررسی جامعه‌شناختی» به نتایج مشابهی رسیده است.

نجاتی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی میدانی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی از زاویه فرهنگ زیارت در اسلام» به این مقوله اشاره دارد که:

بی‌توجهی به اختلافات فرهنگی میان مردم عراق و ایران، کم‌اعتنایی به آداب زیارت و وجود بستر اختلاف و نزاع میان عزاداران، ضعف آموزش زبان عربی، کم‌توجهی به مسیرهای غیر از مسیر کربلا و نجف، ترویج روحیه عجب و امید بیش از حد، کمبود مداحی‌های دوزبانه و وجود بعضاً مداحی‌های نامناسب، وجود عوامل غفلت‌زا، کمبود برنامه و نیرو برای تبلیغ کودکان، عزاداری‌های خرافی و عوامانه، ضرورت جهت‌دهی نذرها و خیرات موکب‌ها، وجود جریان‌های انحرافی، وجود غذاهای تجملاتی و غذاهای فست‌فودی، نیاز به تمرکززدایی از روز اربعین و سامان‌دهی کاروان‌های بانوان، اسراف، انباشت زباله و آلودگی‌های زیست‌محیطی از جمله مسائلی هستند که در این مقاله بررسی شده‌اند.

هاشمی مقدم (۱۴۰۲) در مقاله خود تحت عنوان «انسان‌شناسی زیارت: مطالعه‌ای در آسیب‌شناسی مراسم اربعین» بیان می‌کند که «آسیب‌های مهم در رویداد اربعین در شش دسته می‌گنجند: آسیب‌های مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی و گردشگری. در این بین دو آسیب بیش از بقیه مطرح هستند: دولتی شدن اربعین و تفاوت‌های فرهنگی میان زائران ایرانی با میزبانان عراقی».

۱. مبانی نظری

۱-۱. آیین اربعین

یکی از پدیده‌های مهم جهان اسلام در هر سال، پیاده‌روی بیش از بیست میلیون نفر در ایام اربعین از مسیر نجف تا کربلاست. اربعین یکی از مراسم و مناسک دینی است که به علت فرامی‌بودن می‌تواند ظرفیت‌های بسیاری را در زمینه‌سازی تحقق امت واحد به وجود آورد (پرویش، ۱۳۹۸). پیاده‌روی اربعین، یا راهپیمایی اربعین، از آیین‌های شیعی است

که در روزهای منتهی به ۲۰ صفر (اربعین حسینی) برگزار می‌شود. این پیاده‌روی از نقاط مختلف عراق به طرف کربلا و با هدف زیارت اربعین انجام می‌شود. در سال‌های اخیر، بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر در این راهپیمایی شرکت کرده‌اند؛ به‌نحوی که این رویداد را یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های سالانه مذهبی در جهان دانسته‌اند (هیلی، ۲۰۱۷، ص ۸۹).

در سال‌های اخیر بحث کاروان و موکب‌های خدمات‌رسانی اربعین بسیار داغ بوده و از طرفی توسعه خدمات به زائران را موجب شده است، اما لزوم هدایت این موکب‌ها و خادمان در جهت صحیح و موازی با موازین علمی و مکتبی حادثه اربعین از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. با توجه به گسترش فعالیت‌های سخت‌افزاری اربعین، الگوی مفهومی پیاده‌روی اربعین از نگاه مقام معظم رهبری (علیه‌السلام) نقشه جامع جهت استفاده حداکثری از ظرفیت پیاده‌روی عظیم اربعین است و معظم‌له برای پیاده‌روی اربعین پنج مأموریت اصلی را تعیین نموده‌اند که عبارت‌اند از: وحدت، احیای حادثه کربلا، مبارزه حق علیه باطل، حادثه پیاده‌روی اربعین و الگوسازی (صادقی آرمان، ۱۳۹۸). در رویداد اربعین، همه امت اسلامی با همه ابعادش خودش را بروز می‌دهد. اربعین رویدادی برای هم‌اندیشی‌های تخصصی و ارتباطات گسترده نخبگان اجتماعی و علمی و فرهنگی و امنیتی است (میرزایی، ۱۳۹۸). زیارت اربعین با ایجاد و بسط معنا برای کانون گرم خانواده تأثیر عمیقی در نهاد خانواده در زمینه‌های مختلف ایجاد می‌کند. تجربه زیست خانوادگی در جریان زیارت، بر استحکام نهاد خانواده در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دلالت دارد و بر خردورزی، پویایی و کارآمدی این نهاد مبارک فزونی می‌بخشد (غیائی فتح‌آبادی و دیگران ۱۴۰۰).

۱-۲. آسیب‌شناسی اربعین

به نظر می‌رسد پدیده زیارت اربعین با ویژگی‌ها و جذابیت‌ها و لطافت‌های فراوانش، آن‌چنان بینندگان را دچار شگفتی کرده که بیشتر نوشته‌ها درباره این شگفتی‌ها و وصف و اهمیت آنهاست. از سوی دیگر، کاستی‌ها و کمبودهایی نیز با توجه به خیل عظیم جمعیت، دیده می‌شود که هرچند تاحدی طبیعی است، اما برای برطرف کردن آن باید تلاش کرد. از حیث فرهنگ عمومی و معاشرت، ناآشنایی با تفاوت‌های فرهنگی ملت‌های ایران و عراق، کم‌توجهی به آداب زیارت و مهمان شدن، زیاده‌روی در امیدبخشی و ترویج جای بدون خوف، خطر اختلاف‌افکنی با روحیه منت نهادن در قبال خدمات و نیاز به هدفمندسازی نذورات و خیرات مواکب و سامان دادن آن، بخشی از آسیب‌های موجود هستند. از حیث مدیریت راهبردی و محتوایی، به کارگیری روش‌های ناقص و غیرعلمی آموزش عربی، کمبود شعر و نغمه متناسب و دوزبانه و وجود برخی نغمه‌های نامناسب، وجود عوامل غفلت‌زا، وجود جریان‌های منحرف، تلاش برای کاستن از جایگاه مرجعیت راستین شیعه و کم‌توجهی به آثار سیاسی و تمدنی مراسم اربعین، برخی از آسیب‌های موجود در این حیطه هستند. از حیث مدیریت اجرایی و شکلی، تمرکز بیش‌ازحد بر مسیر اصلی نجف - کربلا و غفلت از مسیرهای دیگر، کم‌توجهی به تبلیغ برای کودکان، اسراف، تولید و انباشت زباله و آلودگی محیط زیست، ضرورت تمرکززدایی در زیارت اربعین و ضرورت سامان‌دهی کاروان‌های زنانه، بخشی از آسیب‌های موجود در این زمینه می‌باشند (نجاتی، ۱۳۹۶).

در آیین پیاده‌روی حسینی، علاوه بر وحدت و همبستگی، کج‌رفتاری‌های برخی زائران دیده می‌شود که برخی رفتارهای انحرافی نظیر اسراف، تبذیر و آسیب‌های اجتماعی در معرض نکوهش شدید بیشتر زائران است. مطابق نظریات مرتن، پیاده‌روی

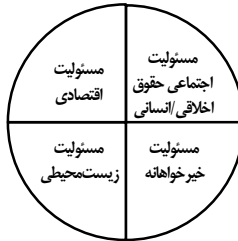
اربعین، کارکردهایی با پیامدهای مثبت و کژکارکردهایی با پیامدهای منفی دارد. آسیب‌های پیاده‌روی اربعین انسجام اجتماعی را دچار اختلال می‌کند و مناسک دینی را به‌طرف پریشانی و ناپایداری پیش می‌برد که در صورت اتخاذ نکردن تدابیر لازم از طرف برنامه‌ریزان و نخبگان، خطر تحریف شکل سنتی و آیینی اربعین وجود دارد و با وجود برخی بدعت‌ها و انحرافات موجود، بیم آن می‌رود که کارکردهای ماندگار نهضت حسینی در آینده دستخوش مخاطراتی شود. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، برخی آسیب‌های پیاده‌روی اربعین در فقر فرهنگی، جامعه‌پذیری نامناسب افراد و ناآشنایی با فرهنگ میزبان ریشه دارد. یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتار انحرافی زائران، ضعف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در اطلاع‌رسانی مناسب و شایسته به زائران در حوزه‌های مختلف، در کنار تشویق حداکثری به حضور در این ابرویداد است (تاج‌بخش، ۱۴۰۱).

آسیب‌های منفی اربعین را می‌توان در ابعاد مختلف دید: آسیب‌های مدیریتی، فرهنگی، زیست‌محیطی، مالی، دینی، سیاسی و گردشگرانه. آنچه در همه این دسته‌ها به چشم می‌خورد، دور شدن این مراسم از اهداف درون‌دینی، اصالت آیینی و شیوه برگزاری سنتی آن است. برای نمونه حضور پررنگ نهادهای دولتی، مردمی بودن این مراسم را به چالش می‌کشد؛ آرایش برخی بانوان هنگام پیاده‌روی یا انتظارات بیش‌ازحد زائران از میزبانان عراقی با آداب زیارت در تضاد است؛ آلوده نمودن محیط حتی در حالت طبیعی هم مخالف دستورات اسلام است، چه رسد به مسیر رسیدن به کربلا؛ انتظارات برخی زائران برای پرداخت هزینه‌های بیشتر از سوی دولت، هدف زیارت را به چالش می‌کشد؛ مجادلات میان گروه‌های شیعی در طول مسیر با کارکرد وحدت‌بخشی منافات دارد؛ برخی شعارها یا فعالیت‌های زائران علیه دولت‌های اهل سنت به وحدت مسلمانان آسیب می‌رساند و نگاه گردشگرانه به اربعین بحث زیارت و آداب آن را به حاشیه می‌راند. برای همه این موارد می‌توان عبارت «ابزاری شدن اربعین» را به کار برد. یکی از دلایل این امر، دولتی شدن اربعین است. مراسمی که تا دو دهه پیش کاملاً خودجوش برگزار می‌شد، با دخالت بیش از اندازه برخی نهادهای دولتی، به برخی حاشیه‌ها و آسیب‌ها آلوده شد. بنابراین احتمالاً با کاسته شدن رنگ‌وبوی دولتی این مراسم و بازگرداندن مدیریت ساماندهی آن به نهادهای مردمی، مراسم اربعین بیشتر به اصالت خود بازگشته و از ابعادی که خطر ابزاری شدن این مراسم را در پی دارد، کاسته شود. برخی بر این باورند مردم جهان تمایل به زیارت از جاهایی دارند که دولت‌ها نقش کمتری در اداره‌شان داشته باشند؛ چراکه در این شرایط مردم خود را موظف به ساماندهی و اجرای هرچه بهتر این آیین‌ها می‌بینند (هاشمی مقدم، ۱۴۰۲).

۱-۳. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

شرکت‌ها برای تأمین مالی پروژه‌های مختلف، از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کنند؛ به‌عنوان مثال برخی از آنها در مشارکت با دولت در حوزه زیرساخت‌ها اقدام به نوعی تأمین مالی می‌نمایند، یا اساساً خود کسب‌وکارهای اجتماعی (social business) می‌توانند به‌عنوان مصداقی از ارائه خدمات اجتماعی توسط شرکت‌ها معرفی شوند. یکی دیگر از این راه‌ها، موضوع مسئولیت اجتماعی است؛ شرکت‌ها برای تأمین مالی برخی پروژه‌ها از بودجه مسئولیت اجتماعی استفاده می‌کنند. بودجه مسئولیت اجتماعی در چهار موضوع کلی هزینه می‌گردد که عبارت‌اند از:

- (الف) بودجه مسئولیت اجتماعی برای محافظت از محیط زیست؛
 (ب) بودجه مسئولیت اجتماعی برای بهبود فعالیت نیروی کار شرکت؛
 (ج) بودجه مسئولیت اجتماعی برای مسائل اجتماعی غیرمترقبه نظیر سیل و زلزله؛
 (د) بودجه مسئولیت اجتماعی برای امور خیرخواهانه.
 شکل ۱: انواع بودجه مسئولیت اجتماعی



انگیزه شرکت‌ها در استفاده از بودجه مسئولیت‌پذیری اجتماعی گوناگون است. در برخی شرکت‌ها بودجه مسئولیت اجتماعی صرفاً کلمه‌ای خوش‌لفظ است و مدیران تنها در اندیشه حداکثرسازی سود می‌باشند؛ بعضی به دنبال مقاصد سیاسی‌اند تا از طریق آن، مواهبی کسب کنند. مقدار استفاده شرکت‌ها نیز تفاوت دارد. برخی مسئولیت‌پذیر نیستند؛ بعضی دیگر حداقلی از مسئولیت‌پذیری دارند، اما هیچ نوع اقدامی درباره مسئولیت اجتماعی انجام نمی‌دهند؛ برخی دیگر با قوانین، تضاد و درگیری ندارند و در بعضی از اقدامات مسئولیت اجتماعی مشارکت می‌کنند؛ گروه چهارم برای عملکرد بهتر در حوزه‌های متنوع، موضع‌گیری سیستماتیکی دارند، به دنبال راه‌های سازگار با محیط زیست هستند و کمک به محیط اجتماعی یکی دیگر از مقاصد آنهاست (احمدپور و فرمانبردار، ۱۳۹۴).

در رویداد اربعین نیز شرکت‌ها از بودجه‌های مسئولیت اجتماعی خود برای مشارکت در تأمین مالی اربعین استفاده می‌کنند. حجم این مشارکت توسط شرکت‌های مختلف متفاوت بوده است؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۴۰۲ شرکت ملی نفت ایران برای اجرای طرح‌های مسئولیت اجتماعی در ایام اربعین، ۷۵ میلیارد ریال تخصیص داد که از این میان، ۴۵ میلیارد ریال برای کمک به احداث سایه‌بان و مه‌پاش در مسیر موكب‌های مرز چذابه، ۱۰ میلیارد ریال برای کمک به اجرای شبکه آب موكب‌ها و آب‌سردکن‌ها و کمک به اجرای شبکه آب سرویس‌های بهداشتی در مسیر اربعین در استان ایلام، و ۲۰ میلیارد ریال برای کمک به تکمیل سایت اسکان زائران، تأمین تجهیزات سرمایشی و ساخت سرویس بهداشتی در مسیر اربعین استان ایلام، تخصیص یافته است.

۲. روش پژوهش

تکنیک دلفی فازی بر مبنای دیدگاه خبرگان انجام می‌شود. در این روش، برای سنجش دیدگاه از عبارات کلامی استفاده می‌شود. برای تعیین میزان اهمیت شاخص‌ها می‌توان از روش دلفی فازی استفاده نمود. یکی از فواید مهم روش دلفی فازی نسبت به روش دلفی سنتی آن است که می‌توان از یک راند برای غربال شاخص‌ها استفاده کرد. در الگوریتم اجرای

روش دلفی فازی برای غربال شاخص‌ها ابتدا باید طیف فازی مناسبی برای فازی‌سازی عبارات شفاهی مصاحبه‌شوندگان تعیین کرد. برای این کار می‌توان از روش‌های توسعه طیف فازی بهره‌برداری نمود یا از طیف‌های فازی متداول استفاده کرد؛ به‌عنوان مثال طیف فازی مثلثی برای مقیاس پنج درجه لیکرت در بیان اهمیت شاخص‌ها به شرح ذیل است:

خیلی مهم	مهم	اهمیت متوسط	کم‌اهمیت	غیرمهم
(۰/۷۵، ۰، ۱)	(۰/۵، ۰/۷۵، ۱)	(۰/۰، ۰/۲۵/۵، ۰/۷۵)	(۰، ۰/۲۵، ۰/۵)	(۰/۰، ۰/۲۵)

پس از انتخاب طیف فازی مناسب، دیدگاه خبرگان تجمیع می‌شود و به‌صورت فازی ثبت می‌گردد. راه‌های مختلفی برای تجمیع نظر خبرگان وجود دارد. اگر دیدگاه هر کارشناس به‌صورت عدد فازی مثلثی (l, m, u) نشان داده شود، یک روش مرسوم برای تجمیع دیدگاه n کارشناس، کمینه l ، میانگین m و بیشینه u این‌گونه است:

$$F_{AGR} = \left(\min(l), \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \max(u) \right)$$

در بعضی منابع به‌جای میانگین حسابی، میانگین هندسی پیشنهاد می‌شود:

$$F_{AGR} = \left(\min(l), \prod m, \max(u) \right)$$

در بعضی دیگر از منابع نیز پیشنهاد شده است که کران‌های بالا و پایین هم با میانگین هندسی اندازه‌گیری شود. ما بیشتر روش میانگین فازی را برای تجمیع نظرات خبرگان پیشنهاد می‌کنیم که به‌صورت ذیل سنجیده می‌شود:

$$F_{AGR} = \left(\frac{\sum l}{n}, \frac{\sum m}{n}, \frac{\sum u}{n} \right)$$

بعد از تجمیع فازی دیدگاه خبرگان باید به فازی‌زدایی نتایج حاصله پرداخت. در شیوه‌های گوناگون که با رویکرد فازی انجام می‌شود، محقق نهایتاً به دنبال آن است که مقادیر فازی نهایی را به عددی قطعی تبدیل نماید.

معمولاً تجمیع اعداد فازی مثلثی را می‌توان توسط یک مقدار قطعی که به بهترین میانگین مربوط است، خلاصه کرد. این کار را فازی‌زدایی می‌گویند. شیوه‌های گوناگونی برای فازی‌زدایی وجود دارد؛ یکی از روش‌های آسان برای فازی‌زدایی میانگین اعداد فازی مثلثی به شکل ذیل است (حبیبی، جهان‌تیغ و سرافرازی، ۲۰۱۵):

$$F_{AVG} = \{L, M, U\}$$

$$X_m^1 = \frac{L + M + U}{3}$$

$$X_m^2 = \frac{L + 2M + U}{4}$$

$$X_m^3 = \frac{L + 4M + U}{6}$$

$$Crisp\ number = Z^* = \max(X_{max}^1, X_{max}^2, X_{max}^3)$$

با توجه به نکات بیان‌شده، سه مرحله مصاحبه با خبرگان انجام شد. این خبرگان ۱۳ نفر متشکل از صاحب‌نظران آکادمیک، صاحب‌نظران حوزوی، فعالان اربعین و مسئولین ستاد اربعین بودند (۶ نفر شخصیت‌های علمی حوزه و دانشگاه، ۳ نفر از مسئولان، ۳ نفر از فعالان ایرانی اربعین و یک نفر از فعالان عراقی اربعین بودند). مصاحبه‌ها نیز به‌صورت ویدئو

کنفرانس و بعضاً تا دو ساعت به طول انجامید. طی دور اول مصاحبه‌ها با خبرگان، ۱۱ مؤلفه ذیل (در جدول ۱) به عنوان آسیب‌های نقش آفرینی شرکت‌ها در اربعین احصا شدند؛ سپس طی دور دوم مصاحبه‌ها از خبرگان درخواست شد به این آسیب‌ها از رتبه ۱ تا رتبه ۵، عددی را تخصیص دهند (عدد ۱ به معنای بی‌اهمیت و عدد ۵ به معنای بسیار بااهمیت است). نتایج مصاحبه‌های دور دوم در قالب جدول (۲) بیان شده‌اند. در مرحله بعد، طی مصاحبه‌های مرحله سوم، برای اینکه اجماع خبرگان حاصل شود، نتایج به سمع خبرگان رسید و برخی نظرات تعدیل شد. نتایج مصاحبه‌های دور سوم در قالب جدول (۳) بیان شده‌اند. برای اینکه فرایند دلفی فازی کامل شود، می‌بایست میانگین نظرات در مصاحبه‌های دوم با میانگین نظرات در مصاحبه‌های سوم مقایسه شود و اگر اختلاف میانگین‌ها بیش از ۰٫۱ باشد، به معنای عدم اجماع است و مجدداً باید مصاحبه انجام شود، اما اگر اختلاف میانگین‌ها کمتر از ۰٫۱ باشد، به معنای اجماع است و فرایند مصاحبه‌ها متوقف می‌شود. نتیجه این اختلاف میانگین‌ها در قالب جدول (۴) بیان شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

جدول ۱: آسیب‌های احصاشده بنابر دور اول مصاحبه‌ها

حوزه کلی	شماره آسیب‌ها	آسیب‌ها
ساختاری	۱	عدم وجود عامل هماهنگ‌کننده بین شرکت‌ها به سبب فقدان سند بالادستی و تقسیم کار نهادی
	۲	عدم تفکیک وظایف بین شرکت‌ها
	۳	خلأ تجمیع بودجه‌های مسئولیت اجتماعی ناظر به اربعین در یک سازمان
تأمین مالی	۴	عدم اولویت‌بندی بهینه منابع و لذا سوق دادن بیش از حد منابع به پذیرایی از زوار
	۵	صرف منابع مالی غیر ضروری و بعضاً مضر به تبلیغات محیطی غیر مرتبط به اربعین
	۶	عدم تخصیص وجوه کافی برای تأمین زیرساخت‌های آب و برق
	۷	عدم تخصیص وجوه کافی به مسئله دفع پسماند
	۸	ابهام در مکانیسم تخصیص بودجه مسئولیت اجتماعی به نهادهای خبریه و NGO ها و هیئت‌ها
الزامات جانبی تأمین مالی	۹	خودنمایی برخی شرکت‌ها برای ایفای نقش در تأمین مالی اربعین
	۱۰	نادیده گرفتن منابع خرد توسط موکب‌ها هنگام حضور شرکت‌ها
	۱۱	حضور پررنگ شرکت‌های تجاری لوکس و برند در شهرهای زیارتی و تخریب سیستم انگیزش درونی مردم

۳-۱. شرح مؤلفه‌های فوق

۱. عدم وجود عامل هماهنگ‌کننده بین شرکت‌ها به سبب فقدان سند بالادستی و تقسیم کار نهادی: شرکت‌ها در زمینه تجهیز و تخصیص منابع برای اربعین، به‌طور منفرد تصمیم می‌گیرند و عامل هماهنگ‌کننده‌ای بین آنها وجود ندارد و لذا ممکن است بهینه اجتماعی حاصل نشود. «بخش مهم این سند، نگاشت نهادی و مشارکت دستگاه‌های مسئول در این حوزه است» (شکرانی، ۱۴۰۳).

۲. عدم تفکیک وظایف بین شرکت‌ها: وظایف بین شرکت‌ها در زمینه تأمین مالی اربعین بهتر است تفکیک و تقسیم شود و هریک بخشی از پروژه‌های زیرساختی اربعین را برعهده بگیرد اما این تقسیم وظایف هم‌اکنون وجود ندارد.

۳. خلأ تجمیع بودجه‌های مسئولیت اجتماعی ناظر به اربعین در یک سازمان: بودجه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌های مختلف که قرار است به اربعین تخصیص داده شود، بهتر است همگی در یک سازمان واحد تجمیع شود

و سپس بنا به فراخور نیاز پروژه‌های زیرساختی اربعین، به آن پروژه‌ها تخصیص یابد، اما هم‌اکنون چنین کاری صورت نمی‌گیرد؛ زیرا شرکت‌ها دوست دارند خودشان منابع را تخصیص دهند. لذا منابع مالی پخش و خرد می‌شود و مکانیسمی برای انباشت بودجه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها وجود ندارد.

۴. عدم اولویت‌بندی بهینه منابع و لذا سوق دادن بیش از حد منابع به پذیرایی از زوار: هم‌اکنون اولویت‌بندی بهینه‌ای برای تخصیص منابع مالی شرکت‌ها در اربعین وجود ندارد و لذا بسیاری از منابع بیش از نیاز لازم، به پذیرایی از زوار اختصاص می‌یابد.

۵. صرف منابع مالی غیرضروری و بعضاً مضر به تبلیغات محیطی غیرمرتبط به اربعین: بخشی از منابع مالی شرکت‌ها در جهت تبلیغاتی محیطی صرف می‌شود که اساساً هیچ ارتباطی به فضای زیارت اربعین ندارد و موجب اتلاف منابع مالی و تخریب سیستم انگیزشی مردم می‌گردد و این ناشی از غلبه رویکرد بازاریابی و تبلیغاتی بر عموم شرکت‌هاست.

۶. عدم تخصیص وجوه کافی برای تأمین زیرساخت‌های آب و برق: منابع مالی کافی برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی اربعین نظیر آب و برق، توسط شرکت‌ها تخصیص نمی‌یابد.

۷. عدم تخصیص وجوه کافی به مسئله دفع پسماند: منابع مالی کافی برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی فاضلاب و مسئله دفع پسماند، توسط شرکت‌ها تخصیص نمی‌یابد. «مسئله انبوه زباله در شهرها و مسیر پیاده‌روی جزء نقاط ضعفی است که شاید خطرات زیست‌محیطی و بهداشتی را در پی داشته باشد» (یعقوبی و دیگران، ۱۴۰۰).

۸. مکانیسم تخصیص بودجه مسئولیت اجتماعی به نهادهای خیریه و NGOها و هیئت‌ها مشخص نیست. خیلی نهادهای بودجه خود را به هیئت محل یا هیئت فامیلی‌شان می‌دهند.

۹. خودنمایی برخی شرکت‌ها برای ایفای نقش در تأمین مالی اربعین: اساس نظام انگیزشی اربعین مبتنی بر سیستم انگیزش درونی و اخلاص و نفعی سودخواهی و در تضاد با خودنمایی و تظاهر است، اما دغدغه برخی شرکت‌ها صرفاً خودنمایی و حداکثرسازی سود است که این امر در راستای نظام انگیزشی اربعین نیست.

۱۰. نادیده گرفتن منابع خرد توسط موکب‌ها هنگام حضور شرکت‌ها: وقتی شرکت‌های با بودجه‌های کلان، حامی مالی برخی موکب‌ها برای تأمین خوراک و سایر تجهیزات می‌شوند، منابع مالی خرد مردمی نادیده و ناچیز انگاشته می‌شود.

۱۱. حضور پررنگ شرکت‌های تجاری لوکس و برند در شهرهای زیارتی و تخریب سیستم انگیزش درونی مردم: حضور پررنگ شرکت‌های تجاری لوکس که به دنبال حداکثرسازی سودشان هستند، فضای معنوی شهرهای زیارتی و نظام انگیزش درونی مردم برای تأمین مالی مناسک را تخریب می‌نماید.

جدول ۲: نتایج حاصل از مصاحبه‌های دور دوم:

	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10	A11	A12	A13
C1	۵	۵	۳	۳	۵	۵	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۵
C2	۵	۵	۳	۳	۵	۵	۴	۳	۴	۵	۵	۴	۵
C3	۳	۳	۳	۳	۳	۵	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۳
C4	۳	۵	۳	۵	۴	۳	۳	۴	۴	۵	۳	۵	۵
C5	۳	۴	۴	۴	۲	۴	۳	۴	۲	۴	۳	۴	۴
C6	۴	۴	۲	۴	۲	۲	۴	۳	۲	۴	۲	۴	۳
C7	۴	۴	۲	۴	۳	۳	۴	۳	۳	۴	۲	۴	۳
C8	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۳	۴	۵	۵	۳	۴	۳
C9	۴	۳	۳	۳	۴	۵	۳	۴	۴	۴	۳	۴	۳
C10	۴	۵	۴	۳	۴	۵	۴	۳	۴	۵	۳	۴	۳
C11	۳	۴	۴	۲	۲	۴	۳	۴	۲	۴	۴	۴	۳

جدول ۳: نتایج حاصل از مصاحبه‌های دور سوم

	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10	A11	A12	A13
C1	۵	۵	۳	۳	۵	۵	۴	۵	۵	۴	۵	۴	۵
C2	۵	۵	۳	۳	۵	۵	۴	۴	۴	۵	۵	۴	۵
C3	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۳
C4	۳	۵	۳	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۳	۵	۵
C5	۳	۴	۴	۴	۲	۴	۳	۳	۲	۴	۳	۴	۴
C6	۴	۴	۲	۴	۲	۲	۴	۲	۲	۴	۲	۴	۳
C7	۴	۴	۲	۴	۳	۳	۴	۳	۳	۴	۳	۴	۳
C8	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۳	۵	۵	۵	۳	۴	۳
C9	۴	۳	۳	۳	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۳	۴	۳
C10	۴	۵	۴	۳	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۳	۴	۳
C11	۳	۴	۴	۲	۲	۴	۳	۴	۲	۴	۴	۴	۲

در این مرحله با توجه به آنچه در روش پژوهش بیان شد، ابتدا برای فازی کردن اعداد، از طیف فازی مثلثی استفاده می‌کنیم، آنگاه با محاسبه میانگین حسابی آنها، این اعداد را فازی‌زدایی می‌کنیم.

متغیرها	طیف فازی مثلثی	عدد فازی قطعی
خیلی مهم	(۰/۷۵، ۱/۱)	۰/۹۳۷۵
مهم	(۰/۵، ۰/۷۵، ۱)	۰/۷۵
اهمیت متوسط	(۰/۲۵، ۰/۵، ۰/۷۵)	۰/۵
کم‌اهمیت	(۰، ۰/۲۵، ۰/۵)	۰/۲۵
غیرمهم	(۰، ۰، ۰/۲۵)	۰/۰۶۲۵

میانگین نتایج مصاحبه‌های مرحله دوم و نتایج مصاحبه‌های مرحله سوم در جدول (۴) آمده است. اختلاف این میانگین‌ها نیز در همین جدول ذکر شده است.

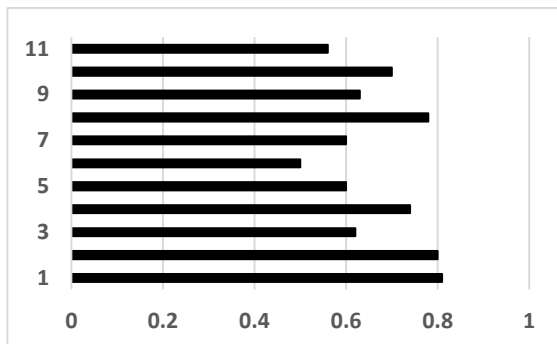
جدول ۴: اختلاف میانگین مصاحبه‌های مرحله دوم و سوم

شماره سؤال	میانگین مرحله ۲	میانگین مرحله ۳	اختلاف میانگین‌ها
۱	۰/۸۰	۰/۸۱	-۰/۰۱
۲	۰/۷۸	۰/۸۰	-۰/۰۲
۳	۰/۶۳	۰/۶۲	۰/۰۱
۴	۰/۷۲	۰/۷۴	-۰/۰۲
۵	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۰۲
۶	۰/۵۲	۰/۵۰	۰/۰۲
۷	۰/۵۸	۰/۶۰	-۰/۰۲
۸	۰/۷۷	۰/۷۸	-۰/۰۱
۹	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۰۱
۱۰	۰/۷۱	۰/۷۰	۰/۰۱
۱۱	۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۰۲

با توجه به نتایج نظرسنجی مرحله دوم و انطباق آن با نتایج مرحله سوم، در صورتی که تفاوت میانگین فازی‌زدایی شده در دو مرحله از ۰,۱ کمتر شود، فرایند نظرسنجی به پایان می‌رسد. با توجه به اینکه تفاوت میانگین فازی‌زدایی شده دیدگاه‌های خبرگان در دو مرحله از ۰,۱ کمتر است، خبرگان در مورد آسیب‌های مشارکت شرکت‌ها در تأمین مالی اربعین به اجماع رسیده‌اند و نظرسنجی از خبرگان در مرحله سوم متوقف می‌شود؛ این بدان معناست که خبرگان نسبتاً درک یکسانی از آسیب‌های مشارکت شرکت‌ها در تأمین مالی اربعین دارند.

اولویت‌بندی آسیب‌های مشارکت شرکت‌ها در تأمین مالی اربعین بر اساس میانگین فازی‌زدایی شده آنها در مرحله سوم نظرخواهی تعیین می‌شود. نتیجه بررسی و اولویت‌بندی صورت گرفته در قالب نمودار به شرح شکل ذیل است:

شکل ۲: رتبه‌بندی آسیب‌های مشارکت شرکت‌ها در تأمین مالی اربعین



نتیجه‌گیری

رویداد پیاده‌روی اربعین یکی از مهم‌ترین شعائر و مناسک دینی است که در سال‌های اخیر مورد توجه ویژه قرار گرفته، اما تأمین منابع برای آن دچار برخی کاستی‌هاست. شرکت‌های مختلف برای تأمین مالی اربعین تلاش‌های گوناگونی می‌کنند، اما این اقدامات ضعف‌ها و آسیب‌هایی دارد. در این مقاله با استفاده از روش دلفی فازی و از طریق مصاحبه

با ۱۳ نفر از خبرگان این حوزه، آسیب‌شناسی دقیقی از نقش شرکت‌ها در تأمین مالی اربعین انجام شد. نتایج حاکی از این است که آسیب‌های اول، دوم و هشتم دارای بالاترین اهمیت هستند. این آسیب‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: ۱. عدم وجود عامل هماهنگ‌کننده بین شرکت‌ها به‌سبب فقدان سند بالادستی و تقسیم کار نهادی؛ ۲. عدم تفکیک وظایف بین شرکت‌ها؛ ۳. ابهام در مکانیسم تخصیص بودجه مسئولیت اجتماعی به نهادهای خبریه و NGOها و هیئت‌ها. از میان این موارد، عدم وجود عامل هماهنگ‌کننده بین شرکت‌ها به سبب فقدان سند بالادستی و تقسیم کار نهادی، به‌عنوان مهم‌ترین آسیب شناخته شده است. اهمیت موارد فوق بیانگر این است که هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه نقش‌آفرینی شرکت‌ها در تأمین مالی اربعین باید آسیب‌های فوق را مد نظر قرار دهد و برای حل موارد فوق، تصمیمات لازم صورت گیرد؛ همچنین کم‌اهمیت‌ترین آسیب‌ها، آسیب ششم است که همان عدم تخصیص وجوه کافی برای تأمین زیرساخت‌های آب و برق می‌باشد. اهمیت کم این گزاره، ناشی از آن است که تأمین مالی زیرساخت‌های آب و برق مسیر کربلا بیشتر مربوط به خود دولت عراق است تا شرکت‌های ایرانی.

مبتنی بر این پژوهش، سیاست‌گذاران باید:

اولاً یک سند بالادستی برای تقسیم کار نهادی شرکت‌های مختلف تهیه کنند، و از این طریق وظایف بین شرکت‌های فعال در حوزه اربعین را تقسیم‌بندی نمایند، و همچنین با تهیه سند و سایر الزامات سیاستی، بتوانند ابهام در مکانیسم تخصیص بودجه مسئولیت اجتماعی به نهادهای خبریه و NGOها و هیئت‌ها را برطرف کنند. در واقع شرکت‌ها باید مبتنی بر آن سند بالادستی که تهیه می‌شود، مکانیسم همکاری و هماهنگی بین یکدیگر را تعریف کنند؛ به‌عنوان مثال می‌توان یک شرکت سهامی متشکل از شرکت‌های مشارکت‌کننده در اربعین ایجاد کرد و وظیفه تأمین و تخصیص بودجه‌های مسئولیت اجتماعی به مایحتاج رویداد اربعین، به این شرکت سهامی محول گردد.

ضمن اینکه می‌بایست مکانیسمی تعریف شود که شرکت‌ها اکثر منابع مالی خود را به ایجاد زیرساخت‌های مختلف حیطه اربعین - چه در ایران (از طریق قرارداد با دولت ایران)، چه در عراق (از طریق قرارداد با دولت عراق) - تخصیص دهند و از صرف این منابع مالی در خدمات متداول عمومی اربعین پرهیز نمایند. گستره این زیرساخت‌ها زیاد است و از حمل‌ونقل و برق و آب تا مسائل دفع پسماند را شامل می‌شود؛ برای مثال در زمینه حمل‌ونقل، شرکت‌ها می‌توانند به توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی بپردازند و از طریق ارتقای کیفیت خدمات، تجربه زائران را بهبود بخشند.

نکته بعد، ملاحظه سیستم انگیزشی مردم در اربعین است. یکی از عواملی که نقشی مخرب در سیستم انگیزش درونی مردم در اربعین ایفا می‌کند، مؤلفه‌های سودانگاره از جمله تبلیغاتی محیطی هستند که هیچ ارتباطی با اربعین ندارند و صرفاً نقش بازاریابی را برای شرکت‌ها ایفا می‌کنند. این تبلیغات نه تنها تأثیر منفی بر روحیه زائران می‌گذارد؛ بلکه می‌تواند سبب انحراف از اهداف اصلی اربعین نیز گردد. بنابراین سند بالادستی مذکور می‌بایست برای کاهش مخاطرات این تبلیغات محیطی بر فضای انگیزشی اربعین مکانیسمی طراحی کند.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که این ملاحظات تنها محدود به مسائل مالی نیست. ایجاد یک استراتژی جامع به‌منظور جذب و نگهداری زائران در ایام اربعین می‌تواند به ارتقای جایگاه فرهنگی و اجتماعی این رویداد کمک شایانی کند؛ به عنوان مثال برگزاری کارگاه‌ها و سمینارها می‌تواند به تقویت آگاهی عمومی و فرهنگی زائران کمک کند و در نهایت منجر به بهبود تجربه آنها در طول سفر شود.

علاوه بر این، سیاست‌گذاران باید به نقش فناوری در بهبود خدمات اربعین توجه ویژه‌ای داشته باشند. استفاده از اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های آنلاین می‌تواند به تسهیل ارتباطات و هماهنگی‌ها در بین زائران و نهادهای ارائه‌دهنده خدمات کمک کند؛ همچنین این فناوری‌ها می‌توانند در زمینه جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها به‌منظور بهبود عملکرد و خدمات ارائه‌شده در ایام اربعین مؤثر واقع شوند.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که همکاری میان نهادهای دولتی و خصوصی در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است. ایجاد یک شبکه قوی و مؤثر از همکاری‌های بین‌نهادی می‌تواند به بهینه‌سازی تخصیص منابع و افزایش کارایی در ارائه خدمات به زائران منجر شود. این همکاری‌ها می‌توانند در قالب قراردادهای مشترک و پروژه‌های همکاری تعریف شوند که در نهایت به نفع زائران و بهبود تجربه آنها خواهد بود؛ همچنین برگزاری جلسات منظم و تشکیل کارگروه‌های تخصصی می‌تواند به ایجاد یک فضای همفکری و تبادل نظر در میان تمامی ذینفعان کمک کند. این کارگروه‌ها می‌توانند به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در زمینه خدمات‌رسانی به زائران اربعین پرداخته و راهکارهای مؤثری را برای حل آنها پیشنهاد دهند.

بهبود زیرساخت‌ها و خدمات در ایام اربعین نه تنها به افزایش رضایت زائران کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند به تقویت هویت ملی و دینی نیز کمک کند. لذا سرمایه‌گذاری در این حوزه باید به‌عنوان یک اولویت جدی در نظر گرفته شود. ایجاد یک چشم‌انداز بلندمدت برای توسعه زیرساخت‌های اربعین می‌تواند به ارتقای کیفیت خدمات و افزایش ظرفیت جذب زائران منجر شود. این چشم‌انداز باید شامل همه جوانب فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد و به‌طور ویژه به نیازهای زائران توجه کند.

در نهایت، می‌توان گفت که ایجاد یک رویکرد جامع و یکپارچه به مدیریت رویداد اربعین، نه تنها به بهبود خدمات و زیرساخت‌ها کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند به تقویت ارزش‌های انسانی و اجتماعی در جامعه نیز منجر شود.

منابع

- احمدپور، احمد و فرمانبردار، مریم (۱۳۹۴). مسئولیت اجتماعی و تأثیر آن بر اعتبار شرکت‌ها. *مطالعات حسابداری و حسابداری*، ۴(۱۶)، ۱۵۴.
- پرویش، محسن (۱۳۹۸). بررسی ظرفیت‌های تملک‌سازی در جهان اسلام با تکیه بر پیاده‌روی اربعین. *علم و تمدن در اسلام*، ۱(۲)، ۳۰-۴۷.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۱). آسیب‌های پیاده‌روی اربعین حسینی: بررسی جامعه‌شناختی. *شیعه‌پژوهی*، ۸(۲۲)، ۱۱۳-۱۳۷.
- رستگار، امین (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی پیاده‌روی اربعین و رهیافت‌های تقویت آن. *پژوهش‌نامه تاریخ، سیاست و رسانه*، ۶(۲)، ۵۵-۷۰.
- رضائی تمیجانی، صدیقه (۱۳۹۹). بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین. *دین و ارتباطات*، ۲۷(۱)، ۳۵۷-۳۸۴.
- شکرانی، ابراهیم (۱۴۰۳). آخرین وضعیت تدوین «سند ملی اربعین». پایگاه خبری ایسنا. isna.ir/xdRVv2.
- صادقی آرمان، سیدمحمد (۱۳۹۸). *امتداد پیاده‌روی اربعین*. تهران: شهید کاظمی.
- غفاری هشبجین، زاهد و آقایی، محمد (۱۳۹۷). پیاده‌روی اربعین حسینی به‌مثابه جنبش اجتماعی. *دانش سیاسی*، ۱۴(۱)، ۱-۲۱.
- غیاثی فتح‌آبادی، هادی و دیگران (۱۴۰۰). واکاوی اثرهای مناسک دینی در زیست خانوادگی: مورد مطالعه آیین پیاده‌روی زیارت اربعین حسینی. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۲۲(۵۶)، ۲۱۹-۲۳۹.
- متقی، افشین و ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۹). تبیین جایگاه و نقش اربعین در ارتقای پرستیژ ژئوپلیتیکی تشیع. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲(۳)، ۹۳-۱۱۴.
- مریجی، شمس‌الله (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۷-۳۲.
- میرزایی، محمدعلی (۱۳۹۸). ظرفیت‌شناسی منطقه‌ای و بین‌المللی اربعین و آسیب‌شناسی آن. *باسخ*، ۴(۱۴)، ۷-۳۶.
- نجاتی، محمدسعید (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی میدانی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی از زاویه فرهنگ زیارت در اسلام. *فرهنگ زیارت*، ۳۱(۳)، ۱۶۷-۱۸۴.
- هاشمی مقدم، امیر (۱۴۰۲). انسان‌شناسی زیارت: مطالعه‌ای در آسیب‌شناسی مراسم اربعین. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۳(۱)، ۲۱۵-۲۳۳.
- یعقوبی، الهام و دیگران (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌ها و فرایند ارائه خدمات عمومی مردنهاد در پیاده‌روی اربعین مبتنی بر رویکرد نگاهت علی. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۴(۹۱)، ۲۰۵-۲۳۹.
- Al-Hilli, M. (2017). *Arbaeen: The Walk*. Al-Hilli Publications.
- Choi, Y.-W. & Eltahir, E. A. B. (2022). Heat stress during Arba'een foot-pilgrimage (world's largest gathering) projected to reach "Dangerous" levels due to climate change. *Geophysical Research Letters*, 49, e2022GL099755.
- El-Diraby, Tamer E.; Kinawy, Sherif; Pirayonesi, S. Madeh (2017). A Comprehensive Review of Approaches Used by Ontario Municipalities to Develop Road Asset Management Plans. Transportation Research Board. Archived from the original on 12 June 2018. Retrieved 25 February 2020.
- Habibi, A., Jahantigh, F. F. & Sarafrazi, A. (2015). Fuzzy Delphi Technique for Forecasting and Screening Items. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 5(2), 130-143.
- Husein, UmmeSalma Mujtaba, A phenomenological study of Arbaeen foot pilgrimage in Iraq. *Tourism Management Perspectives*, Volume 26, 2018, Pages 9-19, ISSN 2211-9736.
- Pirayonesi, S. M. (2019). The Application of Data Analytics to Asset Management: Deterioration and Climate Change Adaptation in Ontario Roads (Doctoral dissertation).

Table of Contents

Unconventional Inflation Dynamics in Iran: Dominance of the Exchange Rate Channel and the Challenge of Liquidity Control (A VECM Analysis) / 7

Omid Eyzanlou

The Independence of the Central Bank from the Perspective of Islamic Economics (A Case Study of the Islamic Republic of Iran) / 29

Mohammadjavad Mohagheqnia / Sayyed Mohammadkazem Rajaii -Ramesheh / Nasrollah Khalili Tirtashi / ✎ Mohsen Khalili Tirtashi

A Meta-Regression Analysis of the Impact of Islamic Banking on Economic Growth / 53

✎ Mohammad Baqer Shirmehenji / Alireza Pourfaraj / Mohammad Javad Nourahmadi / Vahid Taghinezhad Omran

Bank Credit Money Creation as an Instance of *Akl Al-Māl bi'l-Bāṭil* / 75

Mohammad-Esmaeil Tavassoli

Financial Crises in the Mirror of Speculation: From the 2008 Crisis to Imami Jurisprudential Remedies / 95

✎ Mohammad-Hadi Rostami / Mohammad-Zaman Rostami

A Study on the Legitimacy of Ether's Value with Emphasis on the Jurisprudential Thought of Imam Khomeini(rh) and Philosophical Views of Allameh Mesbah Yazdi / 119

✎ Saeid Ebrahimi / Sediqeh-Sadat Seyyedtajoddini

The Impact of Uncertainty in the Payment of Islamic and Conventional Taxes on the Right and Left Tail of Income Decile Inequality in Iran / 141

✎ Reza Ashraf Ganjoei / Amir Dadras-Moghadam / Abolhasan Barani

The Method of Theory Testing in Islamic Economics / 163

✎ Saeed Mohammadbeigi / Mohammadjavad Tavakoli

The Nature and Limitations of Applying Rational Choice Theory in Explaining Non-Economic Phenomena / 185

Attaollah Rafiee Atani

An Analysis of the Effect of Sanctions on the Economic Complexity of the Islamic Republic of Iran / 211

✎ Seyed Mohsen Sajjadi / Razieh Khaleghpour

Financing of Unfinished Projects: Pathology of Partnership Bonds, Islamic Treasury Bills and Proposal / 233

✎ Gholamali Masuminia / Mohsen Yazdi

Pathology of the Role of Companies in the Arbæen Ritual; Application of the Fuzzy Delphi Method / 257

✎ Amir Hosseini / Mohammad Soleimani

In the Name of Allah

Ma'rifat-e Eghtesād-e Islāmī

(Islamic Economic Knowledge)

An Academi Semianual Journal on Islamic Economics

Vol. 15, No. 2

Spring & Summer 2024

Proprietor: *Imam Khomeini Educational and Research Institute*

Editor in Chief: *Mohammad Javad Tavakkoli*

Editor: *Seyyed Mohammad Kazem Rajaei*

Executive Manager: *Ali Agha-Mohammadi*

Editorial Board:

▣ **Hamid Abrishami:** *Professor, Tehran University.*

▣ **Mohammad Javad Tavakkoli:** *Professor, IKI.*

▣ **Masoud Derakhshan:** *Professor, Alameh Tabataba'ii University.*

▣ **Farhad Rahbar:** *Associate Professor, Tehran University.*

▣ **Hasan Sobhani:** *Professor, Tehran University.*

▣ **Gholam Reza Mesbahi Moghadam:** *Professor, Imam Sadeq University.*

▣ **Elyas Naderan:** *Associate Professor, Tehran University.*

▣ **Hasan-Agha Nazari:** *Professor, A Member of Advisory Board of Economics Group, IKI.*

▣ **Seyyed Mohammad Kazem Rajaei:** *Professor, IKI.*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +9825-32113474

Fax: +9825-32934483

<https://nashriyat.ir>

www.iki.ac.ir & www.jek.iki.ac.ir